

کلمات هر کس که درین علم تصنیف کرده اند پس اختصار کلام این کرده باز کرده شد و ترتیب اول بر خوابی
 بهنق حروف اول و حروف دوم و سوم مشروح درین کتاب یاد کردیم و نامش کامل التبعیر بنامیم زیرا که ازین علم کتابی
 ازین فاضله بسیاری نسخ شده اند و اینچنین صافست به کس را این کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر و نظر دارد از همه تعبیر
 بی نیاز باشد و از احوال استادان این ضعیف احوال شش کس یاد کرده که هر یک در عصر خویش یکانه حکیم وقت بوده اند
 اول و انبال حکیم که در روزگار نجیب النسب بود و دوم جعفر صادق سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی پنجم ابو بصیر
 کرمانی ششم اسماعیل بن شعث ضعیف الله عنهم نخست چیزی که پیغمبر از دانشن آن ناکزیر است دریا نوده فصل
 بیاوریم و هر چیز در موضع خویش بر ترتیب فرانه اویم ما بر خواننده و آموزنده آسان کرد و وسیع از وقایع بدو پوشیده
 نماند انشاء الله تعالی و حمد و الله علم بالصواب **فصل اول در شناختن مزاج خواب** **فصل دوم**
در دانستن قسمهای خواب **فصل سوم در یاد نفس و روح** **فصل چهارم در معرفت درستی خوابها** **فصل پنجم**
در معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم در دانستن تفاوت خوابها** **فصل هفتم در معرفت فرقی میان**
خوابها **فصل هشتم در دانستن علم جعفر و فال** **فصل نهم در معرفت خواب فراموش شده** **فصل دهم در گذاردن**
خواب بقول جابران **فصل یازدهم در معرفت احوال نخستین خواب** **فصل دوازدهم در معرفت شرط**
ادب تاویل **فصل سیزدهم در نگاه داشتن معبر و سایل و اصناف** **فصل چهاردهم در معرفت آنکه**
تعبیر از چند رویت **فصل پانزدهم در دانستن مسایل که تعبیر آن مقبول بود و در** **فصل شانزدهم**
تاویل و دیدار حق سبحانه و تعالی عز و جل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بر ترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بهنق و
نظام هر خوابی را و اول این یاد کردیم یعنی اگر اول خواب الف و یا بود اند از حروف الف و یا بگوید و اگر حرف اول
الف و یا بود و حرف الف و یا طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و میم بود این ترتیب از اول حروف دوم
نگاه دارد و استخراج خوابها بروی آسان بود و بهر سیح و نانا این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب تاویل نگاه کند
و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم به تمام کردن این کتاب و ثواب و وجههای چشم داریم از رب الارباب و الله اعلم بالصواب
این علم بدانکه علم تعبیر علی بن ابی طالب و شریفیت که حق سبحانه و تعالی عز و جل این علم را به یوسف صدیق علیه السلام داد و بروی
نهاد و چنانکه در کلام مجید فرموده و كذلك مکنا لیسوف فی الارض و لنعلم من تاویل الاحادیث و عبد الله بن عباس
رضی الله عنه گفت اول چیزی که حضرت حق سبحانه و تعالی عز و جل را به حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم داد آن بود که فرشته مقرب را
در خواب دید گفت ای محمد بشارت باد که حق سبحانه و تعالی عز و جل و علایق از جمله انبیا گردانید و ترا اختیار کرد
خاتم انبیا گردانید و لکن رسول الله و خاتم النبیین گفت پس چون رسول علیه السلام بیدار گشت
خواب نبوت خیر و اقبال است و بعد از معراج خوابی دیگر دید چنانچه از حق سبحانه و تعالی فرمود و لقد صدق الله رسوله

الرویا بالحق لتدخلن المسجد الحرام انشاء الله انین تا آنجا که فرمود وقتی قریبا و وقتی البرکة علیه السلام گفت
 التي اری فی المنام انی اذ بک ماذا تری تا آنجا که حدیث الرویا انما لک بخیر المحسنین و در خبرین
 آمده است که این معجزه یوسف علیه السلام بود و علی که معجزه پیغمبری بود و ثقیف که بس اشی شریف و بزرگ بود و بعضی از انبیا علیه السلام
 که مرسل نبود و اندایشان را بخواب کرامت گشت و شهاب بن عمرو از پدر خویش روایت میکند که او گفت که در تعبیر این آیت
 که حق تعالی اجل و علما فرموده لهم البشری فی الحیوة الدنیا حقتالی عزوجل بدین بشری خواب صالحان خوابسته
 که مروج صالح خویش را خوابی بنیدای کسی او را خوابی بنید که در تصدیق خواب آیات را بخوابسته است از انس اگر چه را یا و کنیم
 کتاب و راز کرد و در خبر است از انس که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت الویایا جزو من شئت و اربعین جزو من
 النبوة یعنی بدین خواب مروج جزو است از چهل شش جزو پیغمبری و این خبر از بهر آن گفت که چهل ساله بود که بروی حلی
 و شصت و سه ساله بود که از دنیا رحلت کرد و میان وحی و رحلت از دنیا بیست و سه سال بود و آنچه خواسته بود و در خواب میبیدیدند
 مدت شش ماه از بیست و سه سال یک بهر از چهل شش بهر بود پس رسول الله صلی الله علیه و سلم یعنی گفت الویایا جزو من شئت
 و اربعین جزو من النبوة و پیغمبران دیگر همچنین بودند هر چه خواسته بود و حق تعالی جل و علاایشان را از خواب بیداری
 و در خبر است از عبد الله بن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خواب راست و حقی است که حق تعالی جل و علا
 مر بیند را از خیر و شر بوی رسد و از دنیا مشغول نشود و از امر کرد و کاغذ غافل نباشد و ابوهریره رضی الله عنه گفت چون رسول علیه
 السلام بپا شد یا انش غمناک پیش وی آمدند و گفتند تو ما را از کاخ خیر بیداری اگر اکنون غیا و ابا الله منها ترا اجل
 برسد ما را که خبر بد و در اختیار کار و دین و تدبیر آن چگونه خبر دانیم رسول علیه السلام گفت بعد وفاتی نیقطن الوحی و لا
 یقطع البشیرات بعد از وفات من وحی بریده شود و ما بمشیرات بریده نشود و گفتند بشرات چیست گفت الویایا الصالحة
 التي یوآها الله الصالح اویوی له یعنی دیدن خوابهای صالح که مروج یک بنیدای کسی دیگر از بهر او بنید و در خبر است
 از ابو سعید خدری که گفت از رسول علیه السلام شنیدم که بایا را می گفت که چون کسی از شما خوابی پسندید و و نیک بنیداید
 که شکر حق تعالی گوید و آن خواب بابر و آن مومن و دوستان بگوید و اگر ناپسندیده بنید و مروج صالح بود و چند بار
 اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید و از شر دیو بپناه حق جل و علا زد و در خواب بایسچس کوی یا مضر فی و زیدی
 بوی نرسد و در خبر است از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه که او گفت چون مومنی خوابی بنید یا ویرا
 بخواب بنید واجبست و انستن تعبیر آن خواب تا از خواب نیک بهر شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی
 بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمها و دیگر
 چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نبرد و وقتی اسش تعبیر نیزیر و بطریق آن معلوم نکند مگر این علم از
 اصل نبرد و از احوال مروج بهیات و صفت و قدر و دیانت و بهمت و ارادت و نیز با خلاف وقتها

همیگرد و زیرا که وقتی تعبیر مثل یا باصل باید کرد و وقتی تعبیر کاه از بهر مردمان باشد و کاه از بهر اصغاث و احلام یعنی
خوابهای شوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باید که بصورت علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی
علیه السلام و امثال و اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر فرار گرفتن و باید که بزرگ و
لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس و علم اصول نیک داند و دایم توفیق از
حق تعالی حاصل و علا خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و برزبانش صلاح و صواب راند و اینچنین با حق سبحانه و تعالی
بجسی دهد که طبع او پاک باشد از همه به لقمه حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی خوار
نماید تا در سلک العلماء و رفته الانبیاء درج گردد و وارث پیمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد در شنیدن
علم تعبیر و شناختن قوانین آن زیرا که چه خاص و عام عالم و جاهل را بدین علم حاجت مکرر آنگویم را که حق جل و علا
در نشان ایشان گفت اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون والله اعلم بالصواب **فصل**
اول در شناختن مزاج خوابها اندرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست بدانکه حکما گفته اند که
سبب وجود خواب از بخارهای تر متصعد است که از تن بسوی دماغ بالا شود و بدانکه جمله حواس قوی بایراند و آسایش
یابند و طعامهای خورده مضحمل شود و آمیزشهای تن بچخته گردد و اینچنین خواب را پریشان طبعی گویند و بعضی
گویند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را و بعضی گویند که خواب فعلیت از فعلهای دماغ و آن فعل طبیعی است
زیر که از وی راحت بقوی میسر و مخصوص قوت تخمیل و قوت فکر و این قوتها که یاد کرده شد حرکات روح نفسانی
و موضع ایشان دماغ بود و آسایش خواب است تا روح نفسانی آرمیده گردد و دلیل برین آنست که چون کسی تحصیل علم
مشغول گردد و شب کرم و خشکی بر مزاج او غالب شود و روح نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف گردد
و از اینجاست که بیماری تولد کند علاج اینچنین است که در مزاج او غلبه بر غلبه و غلبه بر غلبه و حکما گفته اند خواب
بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگر غیر طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بر دلیلی کرمی اصلی اندرون را از اندرون بکند و چون
بسیار خست قوی نفسانی سست گردد و بسبب بچته تری بروی چهره گردد و لیکن باید که رنج زایل کند و فضلا که در تن جمیع
شده جمله بجزق از اندامها دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است بآنکه بکوزد یا بشکلی از فساد مزاج تن دوم از زیاده شدن بعضی مسامهای تن
یعنی خون و صفرا و سودا و اسهال خوردن غذای غلیظ یا نیک مزاج رفرت است و باین از تری و دماغ ظاهر شود و از اینجاست
که دماغ کرم و خشک را خواب کمتر آید و دماغ کرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض کند و گوید که چه دانستی که
خواب فعلیت از افعال سرد و تر و راحت و قوت تخمیل و فکره است جواب آن است که ما را از طریق عقل
معلوم میشود که نشستن راحت ایستادن است با اعتدال راحت بیداری و آسایش قوتهای دماغ
پس یقین است که خواب فعلیت از افعال مغز سرد و تر خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخمیل و

بینند و آن خواب را اصلی نباشد و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم آزاری از در و اندامی که چون بخوابد
 آن در در وی غالب شود و چیزهای منکر و ستمین بخواب بیند و سبب آن خواب از در و باشد و آن خواب را اصلی نباشد و خواب شیطانی
 آنست که او را تن شستن واجب کند یا چیزی ناممکن بخواب بیند و آنرا تعبیر و تاویل نباشد و قوله تعالی و ما نحن بتاویل
 الاحلام بعالمین و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه و تعالی عزوجل آفرید یکی خواب است و آنچه
 در خواب هستی بهیچ از چیز و شکر که بعد از آن حکم ایزد تعالی جل و علا برسد این سیرین رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی
 آنست که شخص در خواب بیدار خیر و منفعتی و راحت بیدار بشود و آفتی همچنان آن خیر و راحت یا شر و آفت بعینه بیداری
 بوی رسد و یکی دیگر آنکه بسیار مردمان کند فهم و کند زبان باشند چنانکه در بیداری بیتی دراز و یا شعری که یاد نتواند رفتن
 در خواب خواند و یاد کرد و در بیداری درست باز خواند و بسیار مردمان جاهل باشند که سخنان حکمت آمیز و لفظهای نیکو گویند
 چنانکه هیچ حکیم و عالم نتواند گفت و چون بیدار شود آن سخنان باز گویند و این بختی رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی
 آنست که در خواب چیزی ببیند که افترا باشد و تاویل آن چنان است که آنچه در خواب ببیند فرزند یا برادر و او باشد چنانکه محمد
 مصطفی صلی الله علیه و سلم یکی خواب دید که بوجیهل مسلمان شدی آن خواب از پس بکر مه بازگشت هم مردی دیگر خواب دید
 امیر که مسلمان شد آن خواب پس از عباس بن اسد بازگشت که چون کودکی خواب ببیند تا ویش مادر او را بود و اینده
 ببیند تا ویش خواجه او را باشد از این عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم کتاب دراز کرد و فصل سوم در یاد کردن
 نفس و روح بدانکه حق سبحانه و تعالی اجل علا در قرآن مجید فرماید الله یتوفی الانفس حین موتها و التي لم تمت
 فی منامها فیمساک الی قضی علیها الموت و یوسل الاخری الی اجل مسمی ایزد تعالی عز و جه خبر کرده است که
 که نفس با خوشیستن گیرند در خواب و بیداری باز گذارد و نامرده باز نگذارد و معنی یتوفی اینجا استیفا بود و معنی بستن و میان عالم و حکما
 در نفس و روح خلاف است بعضی گفته اند هر دو یکی اند معنی نفس و روح جانست و دلیل ایشان آنست که گویند در کلام عرب
 هشت معنی دارد جان خون و آب منی و برآز و همت و جسم و ید و روح را گویند و از ده معنی دارد جان و باد و کلام و روح القدس
 باران و جوئی افسون مسیح مریم و زندگانی و فرشته و رحمت حق جل و علا و جمعی گویند که جان ببنده خواب از تن بیرون آید با همان
 رو و آنچه بیدار است و ببنده یا بیدار و چون بیدار شود و باز جان در تن او آید دلیل ایشان آنست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم گفت بنده که بطهارت
 بخوابد و ذکر حق تعالی بر زبان آید جان او را بر آسمان برند و بعضی معبران این خبر را منع کنند و گویند این قول رسول است اگر خفته راجان از
 تن فرقی حرکات و مرفون نشستی پس چون این حال در خفته حاصل است دلیل کند که جان همچنان در تن خفته است و بعضی در میان جان و روان
 فرق نهند و گویند که چون خفته در خواب رود روان او از تنش بدر آید و در عالم کبر و در باز در تن و آید و آنچه دیده باشد
 جان را خبر دهد و دلیل گویند که مثل جان چون قرص آفتاب است و مثل روان چون روشنائی آفتاب چنانکه قرص آفتاب
 در فلک چهارم است در روشنائی او در جهان و جمعی از فلاسفه گویند جان و روان خود یکیست و هیچ

فرقی نیست میان ایشان زیرا که صفت نشان بقیاس عقلی چون کج از است و آب از کج و نزدیک اسطرطاطیس
نفس مبداء اول است و او شریف و بزرگوار تر از روح است و اما صفت نفس روح از قول حکما پیش ازین یاد کردیم
در کتابی که نام و سماز السایل است و آنجا بیان کرده ایم تا بنزدیک اصل سنت و جماعت روح المریت از امری باری بجا نه
تعالی عز وجل قوله تعالی و یستلوه ذلک عن الوح قل الوح من امری یعنی من امری رسول می کنند تر از جنان بلکه جان
از امر کردن است و اعتماد بر قول باری تعالی است و حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم مقصود از یاد کردن تا قبل حکما دین
باب این بود تا این کتاب از ذکر ایشان و برهان خالی نباشد ازین جهت علاما را بطریق دین خدا و سنت پیغمبر نگاه دارد و
توفیق خیر و کرامت روزی کند **فصل چهارم** در درستی خوابها بعلامتها که مانی رحمة الله علیه که بگوید هر که خوابها را درستی
خواب خویش بعلامتها و دلیلی نیک بداند باید که تا تواند بطهارت بخیسید و بپهلوی راست بخیسید و خدا یاریا کند و طعام بسیار
نخورد و زیر آنکه آنکس که طعام بسیار خورد و خدا یاریا نکند معده او پر کرد و بخارهای طعام دماغ او رسد و عقل از آن متخلل
گردد ازین سبب خوابهای شفته و مختلف بسیار بیند و طعام اندک هم نخورد زیرا که چون معده از طعام خالی باشد و گرسنه خیسد
هم خواب آشفته بیند زیرا که طبیعت غذا را بدست و ضعیف شود و او را خواب نبرد و چون در خواب رود خواب آشفته بیند
و مردم در وقت خواب باید که سیر باشند و نه گرسنه تا خوابی که میند راست و درست آید و نیز خواب را فراموش نکنند و در خیر است
از عبد الله بن مسعود که مراد اعرابی نزد یک رسول الله آمد و گفت یا رسول الله و دش چنان خوابی دیدم و خوابی آشفته آزار کرد و
میگفت رسول فرمود که چرخ زده بودی گفت خورای پنجه خورده بودم بسیار رسول علیه السلام فرمود که این خواب را تاویل نیست و
درست نیاید و از آنجا است که معانی بسیار خواب را تعبیر میکنند و تاویل آن درست نمی آید معبر باید که از این تعبیر عاقل نباشد و چنین چیز
از سایل پرسد بعد از آن تاویل خواب بگذازد آنچه بگوید راست و درست آید و علامتهاهای درستی خواب چنین باشند که یاد کرده شد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بسیار خواب است که کسی بداند چنان آنکس سزاوار آن نباشد تا و پیش کسی از خویشان او باز کرد و یعنی بفرزند
یا برادر یا پدر و بسیار بود که تاویل خواب از مردم او تاثیر کند و مادرین باب پیش ازین تقریر کردیم تا بوجهی که یاد کردیم که برید خواب بدین تاویل
آن بر سر رسید چنانکه گوید که ناله چون خواب بیند برید باز کرد پس چون معبر اصول این چیزها را نداند و البته باشد و هیچ مشکل نبود و بعضی فساد حق ضل الله
گوید بسیار خواب است که بیند و اصعب و سبکترین نمایندایش بخلاف آن باشد چنانکه یاد کردیم و تاویلش شادی و خرمی باشد قوله تعالی
و لیبدلنهم من بعد خود فهم امنا و کرجحین از بیم یا پناه و دشمن و دوستان و آنچه بدین مانند دلیل کند خداوند بخواب بر امان
و زنها خدا تعالی باشد قوله تعالی ففروا الی الله الخی که میند پذیر و میان و اشکال این تاویلات بسیار است ما هر یکی در موضع خود
بیان کنیم ان شاء الله تعالی **فصل پنجم** در معرفت خواب راست و دروغ و تاویل علیه السلام گوید که درمان باشد در شکل صورت و طبایع و باطن گفتن و
خواب هر کس چون بر طبع مردم و هوا و شهر هر کس مختلف باشد و بر یکدیگر نماند چون بر طبع مردم خون غالب شود از بسیار خوردن گوشت و حلوا
و شراب و چیزهای دیگر که از وی خون بفریزد خواب رک زدن و جماعت کردن و لب تا ختن و عشرت کردن و آواز

چنگ و چنانه نشودن آنچه بدین ماند پس چون معبر در وی نگاه کند و کوزه وی سرخ بیند و تن فربه و در وی نشاط و
شادی بیند بوقت هنگام خویش بداند که آن از غلظت غالب شدن خلست و آن خواب اصلی نباشد و چون بر طبع مردم
صفا غالب باشد از خوردن چیزهای صفاوی چون شیر و پیاز و پیچ و کرم و خشک و خواب آتش و چراغ و سمع و
فدیل و کرم و چیزهای بسیار بیند چون معتبر از رز و کونه و لاغر بیند و در وی تنیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید و داند که صفا
بر وی غالب است و خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع وی بلغم غالب شود از خوردن چیزهای بلغم افزا چون دوغ و
ماست و شیر و آنچه بدین ماند و خواب برف و باران و آنچه بدین ماند بسیار بیند چون معبر کوزه او سفید و تن فربه بیند و در سخن او کزانی باشد
و داند که بر مزاج او بلغم غالب است و داند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن چیزهای سودا انگیز
چون گوشت نمک سود و ترشها و باد و نجاس و آنچه بدین ماند خوابهای با بجم و ترس و مار و کژدم و مارکی و چیزهای سبکین
و سیاهی بسیار بیند و چون بیند که رنگ و روی او از اندیشه تشنگی است و بی سببی بروی و ریش خود دست مال
معتبر بداند که سودا بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از راه خود واجبست که معبر بدین چیزها که گفتیم
تأمل نگاه کند و خواب هر کس را نیک برسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید این سیرین حرکه است
علیه که بد خواب آن کس نیکه اصحاب بهمت باشند چون عاشق معشوق را بخواب بنید یا رباب حرفت که پیشه او بخواب بنید
مثلاً جولا که راس را یا آهنگ که آهن را بنید بر معبر واجبست که خواب باز پرسد که دوش چه خورده بودی و در چه پیشه
خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برف و باران و یخ و سرما گرفتار است چون بیدار شود و جامه خواب از وی
دور شده باشد آن سر را بخواب دیدن سبب برنگی باشد و بی جاکی او بود و آن خواب را اصلی نباشد و اگر بخواب بنید که گذر را بود یا آفتاب
و حرارتی و خود بیند چون بیدار شود و جامه بسیار بخور و پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جابه بسیار بود که بخور و پیچیده باشد و اگر کسی سبب غلظت فی ثانی در وی
در اندام وی افتاده بود و در رنجور میداشت و همان در و دار و آنچه در خواب بنید که بول میگرد چون بیدار شود بیند که در جامه
خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم در دانستن تفاوت
میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از دو حال بیرون نیست یا مؤمن است یا کافر و این اصل را
چهارده نوع است نوع اول خواب پاوشان دوم خواب قافیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب اعداگان
ششم خواب بندهگان هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب اعداگران دوازدهم
خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابلغان و ازین جمله خوابها پاوشانان راست تر و درست تر
است و گفته اند که خواب پاوشانان را بر دیگران چندان فضیلت است که پاوشانان را بر عیبت چنانچه و بحاجه و تعالی جل و علا باشد تا
برگزیده و سحر و ری و دوده و خلق را فرمود تا اطاعت وی بجا آورند قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و
اطیعوا الرسول واولی الامر منکم و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع به الله

و دستور که پس هر چند خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیند آن خواب مقرون با پادشاه را نزدیک بود و خواب پادشاه نزدیک تر و خواب او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر کردن در کارهای خاص و عام بستن و کشادن با مومرسل این همه را قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است بر خواب علوم چنانچه ایشان و انا اند باصول فقه و حدود و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان بتوان دانست و خواب آزادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا شرف و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علما را فضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را شرف و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند را منفعت دید که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان افضل است از برای آنکه باری سبحانه و تعالی ایشان را بر کبریا بر زنان بچند چیز حسان داد و تفصیل نهاد و قوله تعالی الرِّجَالُ قَوَّاهُونَ عَلَى النِّسَاءِ و بنمایانرا علیهم السلام فرستاد و همه مردان بودند و جای دیگر فرمود و فَجَلَّ وَامْرَأَاتٍ مِّنْ تَرْفَعُونَ مِنَ الشُّمُكَةِ و دیگر عقل است صبر و وجود و رای و شجاعت و سخاوت و علامت و خدم و امثال آن همه در جبلت مردان مذکور گردانیده و خواب زنان نزدیکست بخواب بندگان و خواب صالحان را فضیلت بر خواب فاسقان از برای آنکه خواب اهل صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت بر ایشان حجت باشد چنانچه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب نو آکر بر خواب درویش عقل دار و زیرا که نو آکر زکوة و صدقه دید و حج و غیر آنکه در رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که يَدُّ الْعَالِيَا خَيْرٌ مِّنْ يَدِ السُّفْلَى یعنی دست بخشنده بر از دست ستاننده است و درویشی از غنایان کونید که خواب بر ایشان را اصلی نباشد زیرا که همواره دل ایشان پریشان باشد از غم و کسب و عیال چون درویش خواب یکو بنید از آن ویریدید و چون بدیدند از آن زود و ظاهر کرد و خواب نو آکران خلاف این باشد و خواب اهل طبع و خیر باشد زیرا که شهوت بر ایشان غالب باشد و نابالغ است و عقل ندارد و بعضی از غنایان کونید که خواب کوک نابالغ چون نیک باشد یکی آن پدر و مادر را رسد و بدی آن زبان دارد و خواب کوک نابالغ را و قوله است قَوْلِيْ اَنْتَ كَخَوَابِ اِيْشَانِ راست و درست باشد و گمشدید آید زیرا که دل کوک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قوی دیگر خواب کوک در عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حالیست درست باشد چنانچه صفیه بنت هند خواب دید که ماه و اقاب از آسمان هر دو کنایه روی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را از این خواب گاه کرد و امیر خیر طایفه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب است میگوئی محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیر است از بزرگتری که دیگر در رسول صلی الله علیه و سلم خیر گرفت و لشکر اسلام صفیه پیش بردند رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که این کبوی که بر روی است از چیست صفیه این صورت خواب باز گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب را درست داد و الله اعلم بالصواب فَصَلِّ عَلَى هَذِهِ و معرفت فرق میان خوابا که مانی رحمة الله علیه کونید که خواب سلمانان راست تر از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا

(۱)
(۲)
(۳)
(۴)
(۵)
(۶)
(۷)

(۸)
(۹)
(۱۰) (۱۱)

(۱۲)

(۱۳)

السَّيِّئَاتِ أَنْ يَحْكُمَهُمُ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ لَّهُمْ فِيهَا مَسَاءٌ وَنَهَارٌ سَاءَ مَا يُحْكَمُونَ وَخَرَاب
پیران بهتر و راست تر از خواب که دوکان و خوابان آنرا و بهتر از خواب که نیک بود و و خواب هر کس معبر را باید که در وقت گذاردن
خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سواگال کند و الفاظ پر کند که شنود و معبر را بقیاس عقل راست کند
چنانکه لفظ اول تأخیر بود و از آن آخر باول آوردن نگاه تعبیر کند و هر کلام که لفظ قوی تر بنید یا حصول بهمان لفظ تعبیر
کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد و اگر غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید زیرا که علمای قدیم قیاس چنین کرده اند
و صواب راست آمدی حکایت چنین گویند مردی از ابن سیرین رحمه الله علیه سؤال کرد که خواب دیدم که بانگ نماز گفتیم ابن سیرین
گفت حج اسلام بگذاری هم در آنوقت مردی بیاید و گفت که خواب دیدم که بانگ نماز میگفتم گفت ترا بدزدی شتم گفتند که در آن
گفتند که این دو خواب یکصورت داشت که بانگ نماز می گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت آنرا سیاهی صلاح دیدم گفتیم که حج کنی
قوله تعالى وَاذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا قُلُوْا لَهُ وَجْعًا وَاذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا قُلُوْا لَهُ وَجْعًا وَاذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ
بگیرند قوله تعالى فَاذِّنْ مِّنْ مَّوَدِّنَ الْغِيَرَاتِ كَمَا لَسَادِرُ قَوْنِ جَعْفَرِ صَادِقِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَوَيْدِ كَقَمِي بِاشْرُ خَوَالِي بِنِيْدِ
و تاویل آن هم در آنروز باشد و خوابی اندر شب بنید و تاویل آن یکسال باشد و خوابی در شب بنید و تاویل آن شش ماه باشد و وقتی
باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه در شستن امیرالمؤمنین حسین رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و آن چنان
بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سگی خون می بخوردی و بعد از چهل سال درستی آن خواب پدید آمد که او شهید گردید و جابر بن
رحمه الله علیه بود که تاویل خواب شب قوی تر از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بنید و درست نباشد اکثر از کثرت اندیشه و اشغال
خوابی که در نیم شب بنید هم از قسم صفات و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه در شش ماه مقرب از لوح محفوظ
بمردم نماید ازین بسبب تاویلش درست و راست بود این سیرین رحمه الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بنید تاویلش بر پنج سال پدید شود
و اگر سیاه شب بنید تاویلش بر پنجاه پدید شود و اگر در سحرگاه بنید تاویلش تا ده روز پدید شود علی الجملة هر چند که شب بروز و روز و کثیر بود
خواب درست تر و روز و تر بود تاویل آن فصل هشتم در دانستن خواب جذر تا بر معبر راست آید و آنیال علیه السلام
گوید که هر که خواهد که تعبیر خواب کند ما چهار است از آنکه علم جذر و فال را که استادان قدیم را بود نیک بدانند
چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک باشد دلیل بر نیک کند
چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سهیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین ماند بدانکه این جمله را دلالت بر خیر و
فرح بود بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از وی تعبیر
خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بنید بدانکه خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بنید خواب
سفر کند خاصه که اسپ و استر بازین و لکام بنید قوله تعالى وَ الْخَيْلَ وَ الْبُخَالَ وَ الْحِمَارَ لِتَرْكَبُوْهَا بِزِينَةٍ
و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و آن زمان کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو بار بانگ

کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جای مرغی رحمة الله علیه گویند شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس در آن حال کلامی
بیامد و بر دیوار خانه نشست و دو بانگ کرد عبد الله بن عباس گفت دلیل که شری تو رسد هم در شب دزدی بخانه وی رفت
سوارخی کرد و هر چه داشت بر عبد الله گفت که من بایا را نگویم که اگر کسی تعبیر خواب بپرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر بخت و
زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکوئی و اگر پنج بار کند بر باد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین جزو الله
علیه گویند که بانگ کلاغ چون طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود حضرت صادق رضی الله عنه گوید اگر
مردی بخمید بنیت آنکه خوابی ببیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گویند یا بگوید یا کاه یا اسپ یا سبزه یا این
باشد که گوشت می خیزی خورد دلیل بر تباهی کار او باشد اگر ببیند در سبزه یا بگوید یا کاه یا سبزه یا این باشد که گوشت می خیزی خورد
دلیل بر نیکوئی است فصل نهم در خوابیکه فراموش کرده باشد حضرت صادق رضی الله عنه گویند چون کسی خوابی دیده باشد
و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بدان طریق است که نامش بپرسد و حرفهای نامش بشمارد و بحساب بجدد کند
از وی میدارد و نگاه کند که چندانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را بخواب دیده تا اویش دلیل بر فساد کند و الله تعالی و گمان
فی المیدان فتنه دھط کیف یفسد و فی الاوصی و لا یصلحون و اگر شست مانده باشد نصیر یا ترویح
دیده باشد قول تالی تمامی صحیح فان اتممت عشرين عندك و اگر شست مانده باشد و ان یسکان دیده باشد قول تالی یقولون
سبعة و ثمانی و کلامهم و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب تو را بشد دلیل کند که در ششکان اول صلاح و انجواب دیده باشد و اویش
تمامی ششال وی باشد و اگر خداوند خواب فسد بود دلیل کند که دیوان و اول فساد و انجواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال و کند قول تالی خلق
السموات بغير عید و قوا فاما استوی علی العرش و اگر شش مانده باشد اسبان و سلا حها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان
ستارگان بخواب دیده باشد فی اربعة آیات سوا للسائلین و اگر سه مانده باشد دلیل که یکی کاری گفته باشند یا یکن من یخون لثلاثة
الاهور ابعهم و دیگر گفت ثلثة آیات الا که و مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثانی ثلثین اذکما فی الغار اذ
یقول لصاحبه لا تخزن ما ویش است که از آنچه میرسد بمن کرد این سیرین رحمة الله علیه چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و بخواب
که خواب بد خداوند خواب را گوید دست بعضی را از اعضای خویش اگر بر سر نهد کوه در خواب دیده باشد و اگر چشم نهد چشم آب شور دیده
باشد و اگر بر بینی نهد دامن کوه دیده باشد و اگر بر خسر نهد مرغار دیده باشد و اگر بر دامن نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر
کوش نهد شکافها و منافا کها دیده باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رودخانه در خواب دیده باشد و اگر بر پوت
نهد خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر پوت نهد گوشه و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه و او دیده باشد و اگر بر بخشان نهد خراب
خورد درخت دیده باشد و اگر بر مقلع نهد مریه دیده باشد و اگر بر زانو نهد کریه دیده باشد و اگر بر ساق نهد درخت
بی بر دیده باشد و انیال علیه السلام گویند که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چها چیز بوده باشد یکی از بسیاری گناه
دوم از کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم از اختلاف طبع که چون از حال بگردد و لاجرم خوابها فراموش کنند

فصل دهم در گذاردن خواب بقول جاهلان که مانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایزند شسته اند که خواب پیش جابل گوید یا تعبیر آن از جابل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دید و از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه تعبیر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که نماید خواب فرشته است و هرگز خطا نماند و آنچه گوید حق باشد و حق بقول نادان باطل نکردد و میان عالم و جابل فرق بسیارست قوله تعالی قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ و رسول صلی الله علیه و آله سلم فرمود لَا يَسْتَوِي الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ و چون نمودار خواب فرشته است که از لوح محفوظ گفته باشد اگر بیند که خیر خواهد رسید یا شر و هر که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیدنی بود برسد و قضای مطلق بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ربان آن خواب بر دید چنانکه حق تعالی فرمود قَالُوا أَضَلَّتْ أَعْيُنُنَا أَمْ نَكُنَّا مِنْ أَجْمَلٍ و ما نحن بتأويل الأحلام بعالمین قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت قوله تعالی يَا أَيُّهَا الْمَلَأَاءُ اقْنُوتُوا فِي دُيُوتَايَا إِنْ كُنْتُمْ لِلَّهِ وَرِثَةً و یا تعبیرون یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا درین خواب قوم او گفتند یا تعبیر این خواب نمیدانیم پس یوسف عم تعبیر کرد و حدیث منقولست سال قحط بگفت بدین عجب دانستیم که هر چند جاهلان تعبیر خواب کنند حق باطل نکردد و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات و اصناف و هیأت این سیرین رحمة الله علیه گوید خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سبیلی نشسته است دلیل که بزرگی کند و ثقلی که او را باشد اندران منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که زن را طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سگ را گرفت دلیل که او را بامر وی البره کار افتد و اگر بروز بیند باریا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواب از اصل نکرد و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر عذاب بود و قوله تعالی غُلَّتْ أَبْصَارُهُمْ و لَعِنُوا بِمَا قَالُوا چون این خواب بر وی صالح بیند دلیل که دست از کثبان و کارهای نامساعد را در چنانکه محمد بن عبد العزیز روایت کند با سنا و درست از عبد الرحمن اسلمی که پیغمبر صلی الله علیه و آله میان ابو بکر صدیق و سلمان فارسی رضی الله عنهما را در می کرده و او و سلمان خوابی دیدند ابو بکر را گفت و سبب آن خواب از وی و در شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بنیاست سلمان رضی الله عنه ازین خواب سید عالم صلی الله علیه و آله خواب را تاویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و ابو بکر رضی الله عنه روایت کرد از سلمان بن خطاب که محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب یکدیگر بر منبر بود و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است شرف و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است برداشتن کنند و در عبد الله الحدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبیده که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پرسید خواب دیدم که ستون سقف خانه من برین شکسته بود گفت که شوهرت از سر باز آید بار دیگر و همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بمیرد خواب هر دو یکی بود و اما تا ویش از اختلاف وقت بگشت و ابو جهم روایت کند از اصبغی که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجو فرو ختمی گفت شوهرت بقرآن بدل کنی و گندم جز از اصل ببرد و انبیا از کشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که صاحب اصبغ حدیث کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید هر خواب که در فصل بسیار بیند امیدوار باشد و نیکو امان و حکم تا ویش تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تا ویش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند تا ویش دست نیاید و بر وستی

این سخن دلیل آنست که مردی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب بهشتی و برکت شمرده از دشتی بمن داده اند ابوبکر گفت
 بهشتا و چوب بر تو نهند و در آن هفتصد بهشتا و چوب بروی بزوند پس همین سال دیگر همین خواب دید همان بهشتا و برکت از ابوبکر صدیق
 رضی الله عنه پرسید گفت بهشتا و بهشتا و بهشتا گفت یا ای المؤمنین پارسال همین خواب دیدم تاویل آن بهشتا و چوب بود امسال
 بهشتا و بهشتا و بهشتا از فضل این خبر کن گفت پارسال در فصل خزان دیده بودی در آنوقت درختان بهشت شک می شدند و
 برکت میرسخت تاویل آن آن بود امسال بهار است و درختان روی باقبال دارند تا ویش نیست آنقدر بهشتا و بهشتا و بهشتا
 و انیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب برسد یعنی از باد و تانیم و حکم تا ویش بر اقبال و نیکی باشد و بعد از زول
 تا شبگاه دلیل بر شمر و فساد بود و تبیین آن خواب بر روز ابر و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید
 جابر مغزی رحمه الله علیه گوید راست ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن نبیند یا استواء آفتاب خواب نیکی و
 درست و راست باشد و تاویل خواب شکستن درختان و رسیدن میوه خوابها غنی و نیکی بود و تاویل آن درست آید خواب یک روز
 زمستان نبیند حکم تا ویش ضعیف باشد و در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل دوم از دهم
 در معرفت شرایط ادب با اهل خواب و انیال ام گوید مجرب باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و عظیم و از خصمیان دور باشد
 و بوقت آنکه از وی تبیین پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سائل با احتیاط تمام بشود و بداند که سائل پادشاه است یا
 رعیت که تر است یا بهتر عالم است یا جاهل از او است یا بنده غریب است یا شهری است یا کناره است یا درویش مرد است یا
 زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیدار است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکی را بقیاس عقل
 چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود گوید این سیرین رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام و یکانه نبود با اینهمه
 فضل خوابها که تبیین آنند استی کفایتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابوالفضل که این سیرین از سی تا چهل که پرسید ندی
 یک جواب کفایتی و باقی را تبیین کفایتی پس مجرب باید که اول سخن بینه خواب نگوید و در آنرا تبیین یک بداند و در آن تاویل کند و اگر
 سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه تبیین کند و اگر حشوی در میان سخن باشد آن حشو از وی
 جدا میکنند و اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ یکی بیکر نماند اضناث و احلام است و تاویل آن بکند و اگر تاویل آن
 بپوشد بروی از آن معنی پرسد سائل که تنگ دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنهای تاویل خواب بر آن نهد و اگر نتواند گفتن و
 معین خواب نتواند دانستن بنام تبیین کند یا بطبع عبارت و گفتار و روشنی و نیکی و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود
 گوید و بروی پوشیده دارد و گمانی رحمه الله علیه گوید اصل خواب بر سه چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چون درختان
 و مرغان بود اینها در تاویل مردان باشد و صفت آنست که مجرب بداند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت
 که در کان بقیاس بداند که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت گردکان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد
 مردی عربی بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند که درخت که در کان بود مردی

تواند بود و لیکن به حاله و تحسین و تنسیع بود زیرا که چون کرد و کان بجنبانی باناک کند و مانشتگی مغزش بیرون نیاید و اگر
درخت خرما باشد کاری خست یا کند که آسان باشد گشجده طیبیه اصلها ثابت و فرعها فی السماء و حبه طویه آنجا
درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که می پرد و بانداند این مرغ و سفر کند پس طبع مرغ نیز باید دانستن که اگر کلاغ باشد مرغی عجب
بود و نیز بنیده خواب باید که مرغی راست و باداینت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان نکند زیرا که
همه خواب را بر زبان آورد و اگر کسی خوابی بنید و از آن بترسد باید که سه بار آیت الکرسی بخواند و با و برنجوشستن و در و بگوید

اعوذ برب موسی و ابراهیم الذین و من شری الدویا الی الی و ایتها من مناجی ان یضرنی فی دینی و دنیای
و عیشتی عز جاک و جل ثناؤک و لا اله غیرک پس از آن دو رکعت نماز بخواند و صدقه دهد و پشتر آن خواب
بگرد و مغزی رحمة الله علیه بگوید اعلی اللعنه در همه خوابها اعتراض کند و بهیچ چیز خوشیستن را نماند کند مگر بخدای عزوجل و
فرشتگان و پیغمبران و آفتاب و ماهتاب و ستاره کان خود را بدان تشبیها مانند نتواند کرد و اگر ویرا قوت آن
بودی که خود را مانند این چیز نمودی میان خلائق فتنه افکندی که گاهی خود را بصورت پیغمبر نمودی گفتی که من از تو
خوشنودم هر چه خواهی میکنم با دیگر می گفتی که من از دیگر کار تو ام کنایان ترا عفو کردم و ترا آمرزیدم و چیزی گفتی که بندگان
خدا نیای عزوجل را که او کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هرگاه اعلی اللعنه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید
از آسمان آتشی فرود آید و آنرا بسوزاند و صبرترین کار را بر اعلی اللعنه آن باشد که دل او من روشن بود و حق تعالی عزوجل را بداند

و خوابهای او راست باشد فصل سیزدهم در آداب نگاه داشتن سائل مبرک را فی رحمة الله علیه گوید که پیشتر معین بود که استسکی
و بهوشیاری سرمایه خود سازد بوقت سوال تا خواب نیکو بشود و در یاد و بر دین و در سبب اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن
او راست است یا نه که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود اصدقکم دویا اصدقکم حدیثا یا هر که راست گوید راست خواب او
راست تر که بود جعفر صادق رضی الله عنه که بدو حاجت بر مرد عاقل که با طهارت خید و بهنگام نخستن خدا تعالی را یاد کند و این دعا وقت

خفتن بخواند اللهم انی سئلت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و قومت الیک و الحادث خیر الیک

لا ملجاء منک الا الیک تبارکت و تعالی انت الغنی ونحن الفقراء استغفرک و اتوب الیک اللهم ارننا
الوفا صادقه غاربه تصالی غیر فاسده غیر خیره رافعه غیور اضیاء و چون بخید بر دست راست بخید و چون بهد شود
بسمین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده دیده باشد اعدو با الله من الشیطان الرجیم
و قل هو الله احد تمام بخواند و با بروی دست چپ خویش دهد و بگوید یا رب تو دانی من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رساند و اگر

شر است شر این خواب بمن و از جمله مسلمانان و در واریا محجب دعوه الضیطن یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و
برخاستن و ابتداء کار که ندین عابخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسماء شیء فی الارض و لا فی السماء
وهو السميع العليم و با مد و چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه برخیزد و نزدیک معبر رود و بگوید

وقتی نیک باشد و چون خواب کوید زیادت و نقصان نکوید این سیرین رحمة الله علیه کوید شتر طبع است که چون خواب
 شنود باطلات باشد و اگر کسی دشمن او باشد از بهر دشمنی خلاف نکوید و شتر شخصی که بداند با دیگران نکوید بخشنی رحمة الله علیه کوید
 هر که خوابی بنید باید که زیادت و نقصان نکوید و از دروغ اجتر از کند که در خبر است که خواب است و حی می باشد از حق سبحانه
 و تعالی و هر که حی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی است باشد و خواب انانی است میان خدا تعالی و بنده و رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود هر که برین که رسول دروغ میکوید نسبت فساد میکند و کوای تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ اقرار
 میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عاصی میشود و این دلیل است بر تعظیم و بزرگی خواب و شتر ادب نگاه داشتن بر پیغمبر و اسباب است
 فصل چهاردهم در معرفت آنکه تعبیر از چند نوع باشد این سیرین رحمة الله علیه کوید تعبیر باید که نخستین نام و مقدار و وقت و دیدار
 و سیرت و عقل و فهم سائل معلوم کند و وقت دیدن خواب که در روز دیدید یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سائل در وقت و آل
 چه حرکت میکند و خواب بر چه نسبت میگذارد و فصل ماه پاری و روز ماه تازی بداند نگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تا اول کند
 و انبیا که کوید چون کسی از تعبیر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه جز و فال دلیل کند بخیر و
 بشارت و غرضی و اگر نام وی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و انبیا علیه السلام کوید خواب در اول روز گیشنبه نکوید و در اول
 آفتاب دارد و در اول روز و شب تعلق ماه دارد و نیکو باشد و در اول روز و شب تعلق بمهر پنج دارد و پس دیدن خواب شاید و
 در اول روز چهارشنبه تعلق بعطار دارد و قوم بود و صاحب الراس هلاک شدند و نم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه شتر می را باشد
 اول روز خواب دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز دینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عین جمیع خاطر باشد
 مغربی رحمة الله علیه کوید تعبیر بسیار می باشد و در کار دن خواب چنانکه طبیب را تجربه به بهار و معالجت او حکایت
 امیر المؤمنین مهدی شیخ خواب دید که روی او سیاه شده بود چون بپوشید و معبر از جامع کرده خواب بگفت در تاویل معبران را بداند
 و تاویل آنکه استند از ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه که استاد معبران بود حاضر آورد و در خواب خلیفه شنید گفت ترا و ختری آید معبران گفتند
 ترا دلیل برین چیست گفت وَاِذَا ابْتَدَأْتُمْ بِالْاَنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوُودًا وَهُوَ كَاطِلٌ پس امیر المؤمنین هزار و دهم کرمانی
 و او هم در آن روز و او ختری آید هزار دهم دیگر یار ابراهیم کرمانی بخشید حکایت مردی خواب دید که او را خسی کرد و بنزد یک معبر بد و پرسید
 کردی گفتند این مرد و دهم دیگر گفت از فرزندان جدا کرد و دیگری گفت جدا او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده
 دیگری گفت زن را طلاق دهد پس روز کاری بر نیاید که زن را طلاق داد و فرزندان بر گرفت و عزم سفر کرد و در دریا دشتی
 نشست بادی مخالف بر خاست کشتی غرق شد و در میان و ریانه ای و کوه خستین او بخورد و مال و فرزندان او جمله هلاک شدند
 و تعبیر خواب چنان آمد که معبران گفته بودند کرمانی رحمة الله علیه کوید باید که شتر و کوهستانها تعبیر خواب نکند و سائل در وقت سوال
 راست کوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت قُضِيَ الْاَمْرُ الَّذِي فِيْهِ تَسْتَفْتِيَانِ هر دو فال که پرسیدند
 راست آمد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که از چهار گروه خواب پرسیدن روانا شد یکی از بیدنیان دوم از زمان سوم

از جا بلان چهارم از دشمنان فصل پانزدهم در اثبات سبیل که تعبیر آن مغلوب باشد بدانکه بسیار سبیل بود که
سبیل پرسید که تعبیر آن مغلوب بود چنانکه بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر علم پوشیده نماند این سبیل گوید که طاعون خواب
دیدن کارزار باشد در بیداری و گریستن در خواب شادی بود در بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن بود و در دندان
مچوبنی دیدن خود را دلیل کند که در گریستن کند و در خواب خود را در گردیدن دلیل کند که در زدنش کند به بیداری و در خواب
خانه خراب شدن و خیران زدن بود و دختران زدن در خواب کشت کردن بود و قوله تعالی لسا و که حرث لکم فانوا
حرثکم اتی شتم نیکی در خواب که پاس تنیدن بود و کرپاس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و آنچیز خوردن پشیمانی
خوردن بود و سبیل بجای آمدن و شمشیری بود در بیداری و آمدن همه چیز که نو آنرا نیک باشد که نه آنرا بد باشد و هر چیز که در
خواب کهن آن بد باشد نو آن نیک باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشیده بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با سلاح موزه
کهنه پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر میوه و خشت نیک
باشد و اگر کینه یک میوه بد نیک باشد و اگر میوه و خشت بد باشد ازین قسم مکتوبات بسیار است اگر جمله را یاد کنیم کتاب باز
کرد و لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی فصل شانزدهم در دیدن خدا تعالی و فرشتگان و پیران
علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمه الله علیه است و این ضعیف بود تا وایل دیدن خداوند تبارک و تعالی
و فرشتگان و پیران در اول کتاب یاد کرده اند تا برین مقدمه نیز صواب چنان دیدیم که در اول کتاب یاد کنیم بر
تا وایل کتابها و خوابهای دیگر بر سبب حروف تعجب تدریب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمایم تا استخراج آن خواننده
و آموزنده آسان کرد و تا وایل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیا علیهم السلام گوید هر بنده مؤمن که خدای تعالی عز و جل را
در خواب بیند بچون و بچگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی کرد اند و حاجتهای او را و کند و اگر
چنان بود که ایستاده بود و خدای عز و جل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد و بغیرت مخصوص کرد و اگر
کنا کار بود تو بکن این سبیل رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی از میکفت دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانی و تعالی
گرمی کرد و قوله تعالی و قربناه بخیا اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن گفت دلیل که او را درین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی و ما کان
لبشر ان ینکلم الله الا وحیا او من وراء حجاب و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را
بایزد و دلیل کند که او را بایزد و او را در دنیا بلاوی کمار و اگر بیند که خداوند عز و جل او را نیک میداد دلیل کند که رضای خدای عز و جل
در آن نبود و قوله تعالی یعظمکم لعلکم تتقون اگر بیند که خفتن او را مژده داد و نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدای تعالی و
اگر بیند که او را بیم کرد دلیل کند بر غضب خدای عز و جل و اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر بر پیشان کند دلیل که
غم و اندوه رسد قوله تعالی و لو توی اذ الجمعون ناکسوا و هم عند ربکم کرانی رحمه الله علیه گوید که اگر بیند که خدای تعالی
او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی گزارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید دلیل کند که بهشت

ولقای خود او را روزی کند و اگر بنید که او را از متاع دنیا چیزی داد و دلیل که بهاری سخت بکشد و از آن اجر و ثواب باید
 بعضی از مفسران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد و اگر خدای عز و جل بنید اگر کسی او را گوید که این خدای عز و جل است دلیل که
 او را بیادشاهی حاجت افتد و اگر بنید که خدای عز و جل بر زمین فرو داند یا در مثنوی دلیل کند که اهل آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی
 اهل آن موضع را نصرت دهد و اگر در آن موضع قحط و تنگی بود و بفرسخی مبدل کرد و اگر اهل آن موضع کنا پکار و عاصی باشند حق
 سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بنید که حق سبحانه و تعالی در خانه فرو می آید و بملطف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید
 یا بر گرفت یا بر بجانید اینهمه که مرقع سبحانه و تعالی باشد اما در دنیا رنج و بهاری بکشد و اگر خدای تعالی را بر شال نوری بنید یا که
 وصف آن نتواند که در آن دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بنید که خدای تعالی او را نامی دیگر نهاد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر
 بنید که بروی خشم گرفت دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بنید که خدای تعالی او را نزد یک خود خواند و دلیل که احبش نزد یک
 رسیده باشد مغزنی رحمة الله علیه که پدید اگر کسی خدا را عز و جل در شهری یا در دهی بنید و دلیل کند که آن موضع انا که مصلح اند
 عز و شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود و قوله تعالی الله یحکم بینکم بینکم فیما اختلفتم فیہ تختلافون
 و اگر بنید که خدای عز و جل بر اهل آن موضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی آن شهر میل بدانست کند یا امیر آن شهر با رعیت ظلم کند یا
 عام آن شهر بدین باشند و اگر این خواب در وی بنید دلیل کند که دست و پای وی بر نهد و در آن شهر فتنه و بلا افتد
 و قتل واقع کرد و قوله تعالی و هو الفاعل فوق عباده و یسل علیکم حفظه حتی اذا جاء احدکم الموت توفیه و سلنا
 و هم لا یفرطون عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گوید اگر کسی خدای عز و جل را بیچون و بیچگون در خواب بنید از ترس بیم امن
 کرد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان بود و آخرت پیدا حق تعالی بنید قوله تعالی للذین احسنوا الحسنی
 و زیادة مفسران تعبیر در لقای حق سبحانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بنید که مثل انصورت ندید و باشند
 دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر بصورت مروی بنید دلیل کند که مرقع ظاهر و باهر او را کرد و اگر خداوند تبارک و تعالی را
 در نماز و تسبیح بنید دلیل کند بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غار زبانی در غر اینند دلیل که آن
 غار زیانرا نصرت باشد و اگر خدا تعالی را بر سر تربت مروکان بنید دلیل کند که آن مروکان را باید زد و اگر بنید که خدای عز
 و جل را دشنام میداد دلیل کند که آنکس کافر کرد و اگر بنید که خدای تعالی بر تنی نشسته بود یا خفته اینهمه صفات
 نامر است دلیل کند که بنیده این خواب بدین و عاصی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل دیدن خدای
 تعالی بر هفت وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و هدایت و قوت در دین
 چهارم طفره بر اهل ظلم پنجم ایمنی از بلا و عقوبت و غلبه آخرت ششم در آن دیار آبادانی و عدل پادشاه
 هفتم عز و شرف و بلند می در دنیا و آخرت چون بجهت نظر کند و اگر لغو باشد منها بنظر قهر نگاه کند
 برخلاف آن باشد و اگر قاضی بنید که خداوند تعالی عز و جل با وی با خشم بود و دلیل که آن شرع تجاوز کند و او را مظلوم ندید

و اگر پادشاه بود و دلیل بر سیدلی کند و اگر عالم بود و در دین و اعتقاد او خلل بود و فی الجمله اگر بنظر رحمت و غضفان بود و هر کس
بنظر قهر بنزد رحمت و عذاب بود و حجت ما آنست که گوئیم خدای عز و جل موجود است و دین او را از راه عقل باشد پس
باید که بخواب دیدن خدای تعالی عز و جل منکر نباشد ابو حاتم از مجرب بن سیرین شنید که گفت از خواجها پیچ درست تر از آن
نباشد که حقتعالی عز و جل را بخواب بنزد سیرین و بچگون روئیه الملائکه تا هیل دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه
که مکار با دین و بادبانت و یا عالمی بر پیغمبر و بزرگترین ملائکه چاراند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
علیهم السلام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب ببیند خوش طبع و کثاده رومی دلیل
بر دشمنی نظر نماید و بمراد برسد و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب ببیند که او را جبرائیل مشرود
و او یا وعده نیکو یا از کار می باز داشت دولت و عزت و جمیعت یا بد و اگر ببیند که جبرائیل او را چیزی داد دلیل
از پادشاه قدر یا بد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرائیل بوی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد
و اگر در خواب ببیند که مردم بد و گویند که تو جبرائیلی دلیل کند که سخندان فصیح گردد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت
مشهور گردد و اگر کسی میکائیل را علیه السلام در خواب ببیند چنانکه صورت اوست دلیل که خیر و بشارت بارود
زیرا که جبرائیل آرنده عذاب و میکائیل آرنده بشارت و خیر و نعمت است ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر
در خواب ببیند که میکائیل او را عطا داده دلیل که خیر و بزرگی یابد و اگر بخواب ببیند که گویند تو میکائیلی دلیل که از وی
خیر و بشارت بمردم رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد دیدن اسرافیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اسرافیل را
بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش بود و در هر دو بار که او را ببیند دلیل
بر ایمنی و آبادانی آید یا بر بود و اگر ببیند که صورت در دشت و دشت و مید مید دلیل بر بلا و فتنه کند زیرا که او را امر خدای تعالی
بدیدن صورت و هر جا که دیدن صورت پیدا شود سبب نشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی و لنفتح فی الصدود فصعق من فی

السموات و من فی الارض و اگر ببیند که اسرافیل علیه السلام صورت در دشت و دشت و مید مید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس
افتد و اگر ببیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار شد دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد و کرمانی رحمه الله علیه
گوید که اگر اسرافیل را بخواب ببیند که اندوگین بود و صورت مید مید و او تنها آواز صورتی می شنید دلیل که در آن دیار زمین مرگ بسیار
بود و ظالمان هلاک شوند و اگر ببیند که اسرافیل تازه روی بود و شادمان و روی نگاه میکرد دلیل که او را پادشاه خیر و
ایمنی رسد و اگر ببیند که اسرافیل بر نامه مهر کرد و بد و داد دلیل که جلش نزدیک باشد و اگر ببیند که اسرافیل بروی بانگ و نوا پدید
شد دلیل که او را پادشاه زیان رسد دیدن عزرائیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ملک الموت را ببیند و خود را بر
زمین دلیل در کاریکه بود معزول شود و اگر ملک الموت را نزدیک خود ببیند دلیل که جلش نزدیک رسد و اگر ملک الموت را شادمان ببیند
دلیل که شهید گردد و اگر ببیند که ملک الموت کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر ببیند که ملک الموت را بنزد اخت

بعضی از معبران گفته اند که بپا شد و اما شفا یابد مغزنی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب ببرد غم و
 شادمانی دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیدار کند ملک الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و خاتم
 کار روی بر شهادت بود و اگر بیدار کند ملک الموت بوی چیری شیرین داد دلیل که جان گذن بروی آسان بود و اگر بیدار کند ملک الموت
 بروی بوی شوم بگرایست دلیل که با خطر مرکب او باشد و اگر بیدار کند ملک الموت بوی چیری تلخ داد دلیل که جان گذن بروی دشوار
 باشد و اگر بیدار کند او را خبر دادند که ملک الموت بفرمان جاست و او از دور نگاه کرد دلیل که او را بپادشاه کار افتاد و اگر
 بیدار کند ملک الموت را بکشت دلیل کند که او دشمن خلق کرد و دیدن حمله العرش آن فرشتگانانی اند که عرش را
 با حق جل و علا بر داشته اند اگر کسی ایشان را بخواب ببرد دلیل که با سلطان کار افتد و مراد یابد و اگر بیدار کند ایشان پیوستگی
 داشت دلیل که او را بپادشاهی بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیدار کردنانی رحمة الله علیه گوید دلیل که با کسی نیکه اهل دین باشند
 پیوستگی کند و حج گذارد و قوله تعالی و قوی الملائكة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم و اگر فرشتگان او را
 بنواختند و بیدار کردنش باز داشتند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد که اما کاتبین مولا اند که در او رو فتا خلافت از دست
 بدینویسند این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی که اما کاتبین را بخواب ببرد اگر مصلح باشد خیر و صلاح و دجانی حاصلش شود و اگر
 منطس بود غم و اندوه بسیار شد قوله تعالی یعلمون ما تفعلون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر بیدار کند فرشتگان
 با هم جنک و نهرو میگردند و دلیل که کهنکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی اِنَّا لَنُبَشِّرُكَ لِبُئْسَ الْمَسْكَنِ
 یحیی و اگر بیدار کند فرشتگان منتظر استاده بودند تا چیزی از دست آید از دست او و زوال افتد و اگر بیدار کند فرشتگان در
 یک موضع استاده بودند در این موضع ایمنی باشد و اگر بیدار کند فرشتگان در جریب مشغول اند دلیل که بر دشمن طغریابد و اگر بیدار کند فرشتگان
 در کوع اند و در سجود دلیل کند که احوال دنیا و دین او مستقیم گردد و اگر بیدار کند فرشتگان بر صورت زمانند دلیل که بیدار خواب بر
 خداوند عز و جل دروغ گوید قوله تعالی اِذَا صَفْتَكُمْ وَبِکُمْ بِالْیَسْنَنِ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ اِذَا قَالُوا لَکُمْ لَتَقُولُنَّ قَوْلًا
 عظیمًا و اگر بیدار کند پر داشت و با فرشتگان می پرید طیش نزدیک بود و با تو بپا زد و بپا برد و اگر بیدار کند از دور فرشتگان را
 میدید و پیش ایشان نتوانست رفت دلیل که او را مصیبتی رسد قوله تعالی یوم یوم یوم الملائكة لا یبشرون یومئذ
 للبحر مبین و اگر بیدار کند فرشتگان او را اطاعت خود فرمودند و دلیل که او از اهل خیر و صلاح باشد شادی
 و خرمی بیدار کرد از اهل فساد باشد رنج و اندوه بوی رسد قوله تعالی اِذَا قَالُوا لَکُمْ لَتَقُولُنَّ قَوْلًا
 الیوم علیک حسیدا و اگر بیدار کند فرشتگان بروی سلام کردند بجزمت دلیل که بر دشمن طغریابد و عاقبت
 کارش محمود گردد و اگر بیدار کند ملائکه در یک مقام فرو آمدند دلیل که اهل آن مقام از غم و اندوه فرج یابند زیرا که
 فرشتگان پیوسته نبضت پیغمبران آمده اند که رانی رحمة الله علیه گوید ویدن فرشتگان پند و معظمت باشد
 خداوند خواب را و اگر بیدار کند فرشته او را وصیت کرد و پند داد و دنیا شنید برود و اگر فرشتگان مقرب را در حای

بنید که انجا اهل اسلام باشند و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در بخار سجده و قحط و سختی بود و قحطی باشد و تعالی اهل ان موضع را
از سختی و تنگی خلاصی دهد و اگر بنید که فرشته کشت و آسمان رفت دلیل که در دنیا زود و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد و راه
آخرت جوید و اگر بنید که با فرشتگان آسمان رفت و باز نیاید زود از دنیا برود و نامش در جهان نیکی ماند جا بر مغرب گوید اگر بنید که
فرشته مقرب در وی بچشم حرمت نگاه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و بعد از آن حج کند و غزوات بسیار کند و اگر خود را
بصورت فرشته بنید دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر وام داشت و امتش گذارده شود و اگر مال داشت مالش زیاده شود و اگر درویش باشد
تواند که در دو جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که فرشته او را بکاری مشغول دارد دلیل که بزرگی او را بشغل باز دارد و اگر بنید که فرشته او را
عطا داد و عطا و بزرگی یابد و اگر بنید که در وی فرشته او را استقبال کردند دلیل که دولت و وجهانی یابد و اگر بنید که فرشتگان بدین
او آمدند و شمعها و چراغها داشته اند دلیل که او را فرزندی عالم و دانا آید و اگر بنید فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند دلیل که کسی
از خویشان او میر و یا اعطش برسد و اگر بنید که در وی بخور می نگاه کردند عاقبت کائنات بسادت بود و اگر بنید که فرشته او را جامه
قرآن داد یا خطی نبشته دلیل که سی بروی داد و سی بروی غالب کرد و تاویل روی پیغمبر ان علیه السلام ابن سیرین گوید که
مراتب پیغمبر ان علیه السلام بر سه کوه است اول الواعزم دوم مرسل سوم نبی پیغمبر ان الواعزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم
ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد مصطفی و مرسل آنها اند که جبرائیل بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیصد ده اند
و انبیا آن پیغمبر اند که جبرائیل بر ایشان نیامده و هر که الواعزم را بخواب بنید دلیل که عز و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب بنید بر
دشمنان ظفر یابد و اگر اهل ان موضع در غم و اندوه و سختی و ملالت باشند ایشانرا ایشارت بود و تحیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا
و اگر بنید که پیغمبر ان از جای نقل میگردد و بر اهل ان موضع دعای بد میگردد دلیل که خدایتعالی بلامی عظیم بر اهل ان موضع فرستد که توبه کنند و
بخدایتعالی باز گردند کرمانی گوید هر چند مؤمن که پیامبری از جای خود باز رود و می شناسد و ان بنید دلیل که عز و جاه و نصرت یابد و اگر از پی
خسکین بود دلیل بر بد حالی و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبر ان چیزی نشود دلیل که از عالم پیامبران بهر یابد و شادمان شود و اگر بنید که
پیامبر را بخت دلیل که خیانت کرده باشد کفره تعالی فيما نقصهم میثاقهم و کفرهم بایست الله و قتلهم لا نبیاء غیر
حق جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر آدم علیه السلام را بخواب بنید بزرگی و ولایت یابد و کفره تعالی و عصی آدم ربّه فعوی ثم اجنبه
ربّه فتاب علیه و هدی و اگر بخواب بنید که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد و علم آدم لاسلام کلها و اگر بنید که آدم
دست او گرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب بنید که آدم اطاعت نبرد دلیل که عاصی و بدبخت شود و حوا علیها السلام را اگر بخواب
بنید دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد و نوح علیه السلام را اگر بخواب بنید عیش
دراز گردد و لیکن از دشمن رنج و سختی بنید و عاقبت بر او رسد آدریس علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش نیکو شود و عاقبت
محمود گردد و یهود علیه السلام را اگر بخواب بنید دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد و لوط علیه
السلام را اگر بخواب بنید کارش بصلاح باز آید و مردود بنید و صالح علیه السلام را اگر بخواب بنید از جای بجای بخواب

کند و در خیر بروی کشاده شود و ابراهیم را اگر بخواب بنید حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان مظلوم بروی ستم
رسد و نیز گویند که با خوبی کند با او و پدر اسمعیل علیه السلام را اگر بخواب بنید ثبات فتح و غنیمت یابد بقوله تعالی و بشترناه
باسحق نبیا من الصالحین یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بنید از قیل و فرزدان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم
فرج یابد یوسف علیه السلام را اگر بخواب بنید خوشنشان بروی پنهان نهند و عاقبت بزرگی یابد شعیب را
اگر بخواب بنید خصم بروی غلبه کند و بعد از آن بروی ظفر یابد موسی را اگر بخواب بنید مبتلا کرد و با اهل و عیال
بعد از آن حالش نیکو گردد و در دشمن ظفر یا بد کف و عزوجل و وهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبیا و بعضی
معبران گویند که موسی را بخواب دیدن دلیل که پادشاه در آن دیار پلاک شود و او را اگر بخواب بنید حقتعالی او را
بزرگی و پادشاهی و نعمت و مال و جواهرش زیادت کرد و اندر کرم یا علیه السلام را اگر بخواب بنید حقتعالی او را توفیق
دید در طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بنید حقتعالی او را توفیق دید و در خیر حضرت را اگر بخواب بنید سفری دراز
کند با ایمنی و رزق و عمر دراز یونس را اگر بخواب بنید از غمها فرج یابد و از تاریکی و درو شنائی آید انشاء الله تعالی
ایوب را اگر بخواب بنید کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد حضرت محمد مصطفی صلی الله
علیه وسلم را اگر بخواب بنید از همه غمها فرج یابد و اگر و امش گذارده شود و اگر بنزد فرزندان بود و ربائی یابد و اگر
تربس باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراحی یابد و بعضی گفته اند که هر کس که توانگر بود در پیش شود و ابوهریره گفت از رسول
صلی الله علیه وسلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد که من دانی فقد دای الحق فان الشیطان لا یتماشى
بدرستی و راستی که شیطان بصورت من متمثل نشود اگر کسی مراد خواب بنید غم و اندوه بوی نرسد عجب مبارکه تاویل دیدار
من بر سعادت آخرت بیشتر باشد اما اگر حشر را در پیش روی بخواب بنید دلیل برستی دین و آشکار شدن بدعت در اندام بود و اگر
رسول صلعم را در خواب بنید که جائی بانک میکردند دلیل که اگر آن دیار خراب بود آبادان گردد و اگر او را دید که چیزی بخورد دلیل که
صدقه و زکوٰۃ باید داد و اگر او را دید که در آنجا هیچ بلا و سخت نبود دلیل آن موضع نعمت زیاد کرد و خاصه که اگر او را در سجده
بنید و اگر او را غمناک یا بیایر بنید دین او ضعیف بود و ربائی که گوید که اگر محمد مصطفی صلعم در شهری یا جائی بنید دلیل که در آن موضع نعمت
فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اهل آن موضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بنید که اندامی از اندامهای رسول صلعم کم بود دلیل که مردم آنجا در
راه شریعت است باشند زیرا که نقصان اندامی نقصان دین او باشد و اگر بنید که مصطفی از میوه های تر یا خشک بوی داد او را
در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود این سیرین گوید اگر کسی رسول صلعم را ناقص بنید نقصان آن بنید و باز کرد زیرا که رسول الله
صلعم را مردم نیک بخواب بنید و مردم نیک از مزه دهنده بود بخیرهای که بوی خواهد رسید و مردم بد را حذر فرماید از معصیت کردن
تا از عقوبت رسته گردد زیرا که رسول الله صلعم بشیر و نذیر بود بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را خشک بنید بد
باشد عبد الله بن عباس گوید که اگر کسی جنازه رسول صلعم بخواب ببیند در آن دیار رنج و مصیبت

بسیار بود و اگر دید که از پس خبازه رسول الله صلی الله علیه و آله می رفت دلیل بر پو و بدعت باشد و اگر بیند که او را زیارت میکرد و دلیل که
مال و نعمت و ولایت یابد و اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه و آله می روی فسون میکرد و دلیل که کافر شود و کفره تعالی قل با الله و اياته
و در سوره کنتم تستهزئون لا تقتذروا قد کفر بقعد ايمانکم جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زیارت سپهریان در خواب
برده و جیم بود و یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم ظفر هفتم سعادت هشتم جمیع تمام قوت و هم خیر
دو جهانی و نیکوئی مردم آموخت که این جواب بنید تاویل رویت را شنیدین اول امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین
گوید که اگر کسی ابو بکر رضی الله عنه در خواب بیند دلیل شادی و کرامت بود و اگر مالی گوید که اگر کسی ابو بکر رضی الله عنه زنده و شهری
بیند دلیل کند که مردم آن دیار و آن شهر زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را کشاده روی و خوش طبع بیند و اگر ترش روی
بیند و خوش طبع بیند بخلاف این بود امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین گوید که اگر کسی امیر المؤمنین
عمر خطاب را بخواب بیند دلیل که او را و با انصاف بود و اگر او را در شهری خوش طبع و کشاده روی بیند دلیل که مردمان
شهر عدل و انصاف پیدا یابد امیر المؤمنین عثمان ابن عفان رضی الله عنه ابن سیرین گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عثمان ابن عفان
را رضی الله عنه در خواب بیند دلیل که در ع و زهد و پرمیزی کاری اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و کشاده روی بیند دلیل که مردمان
آن شهر بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی رضی الله عنه ابن سیرین گوید که اگر کسی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه بخواب
بیند خندان و خوش طبع دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر بعدل و انصاف موصوف گردد
و لیکن گاه گاه میان ایشان خصوصیت بود تاویل صحابه رضوان الله علیهم جمیع ابن سیرین گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند
دلیل که در راه دین و اسلام بیکانه باشد و در میان مسلمانان صادق القول گردد و بدایت موصوف گردد و کفره علیه
السلام اصحابی کالتجوه با یتم اقتدیتم اهتدیتم ترجمه گفت صلی الله علیه و آله سلم یاران من ستارگانند که هر قدر می
آنها کنند را و یابد امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما را که بخواب بیند خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یابد جعفر طیار
رضی الله عنه را که بخواب بیند دلیل که حج و غیر آن کند ابو هریره و انس بن مالک رضی الله عنهما را که بخواب بیند دلیل که نسبتها
را غلب بود و علم و شریعت دوست دارد و سلمان فارسی را که بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی و راند و عایشه
جمود کرد و عبد الله بن عباس و ابن مسعود و غیره را که بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشند و مال حبشی را که بخواب بیند
دلیل که معروف گردد و ثواب بوزنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه و آله سلم دلیل
بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که بر کارهای خیر و طاعت
توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و اشراف مصطفی اند صلی الله علیه و آله سلم و راه نمایان مسلمانان و اگر بیند که در
شهری و یا در محلی گشته و علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بختار و کردار
امرونی منکر تمام شد سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغمبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیه چیزهای

و دیگر که بنید بر حرف معجم بیان کنیم چون الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التفسیر آبادانی ابن سیرین کوید که
بنید که جایگاه خراب را آبادان نمی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خرد و
ثواب آخرت که ویرا حاصل کرد و اگر بنید که زمینی خراب از خود آبادان نمی کرد چون سراج و دکان و مانند این دلیل کند که
خیر و فایده اینجهان یابد و اگر بنید که جایگاه آبادان بنفتاد و خراب شد دلیل کند که آله نجایکها هر بلا و مصیبت
رسد جا بر مغربی کوید که اگر کسی خوشنیت را بخواب در جایگاه آبادان مقیم بنید دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی
که دیده بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر شر و فساد و مضرت می کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب
بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارهای اینجهانی دوم خیر و منفعت تیم مراد و کاملی چهارم بر کشایش کارهای بسته
آب بدانکه زندگانی همه چیز آب است قوله تعالی وجعلنا من الماء کل شیء حی ابن سیرین کوید که بر فراز آب
همی رزت چون آب دریا و رودخانه و آنچه بدین نماید دلیل کند بر قوه ایمان و اعتقاد پاک می و اگر بنید که آب صاف
خوشکوار می بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت می خوش بود و اگر بنید که آب تیره یا شور می خورد
تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که از دریا آب صاف خوش می خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت
یابد و اگر بنید که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بجز و بعضی کوید که بقدر آن از آب دریا
خورده بود ویرا از رکی مال و نعمت حاصل کرد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود آنچه بد و رسد بار خج و
سختی و بیم و ترس بود و کرمانی کوید که اگر بنید که آب کرم می خورد دلیل بود که بیماری در سنج کشد و اگر بنید که بروی آب کرم
همی سختند خیا که او را خضر باشد دلیل کند که بیمار کرد و یا غمی سخت بد و رسد و اگر بنید که در آب بنفتاد و دلیل کند که در سنج و تخم گرفتار کرد و اگر بنید که
آب بجام برداشت دلیل کند که برال زندگانی فرقیته کرد و اگر بنید که در کاسه آکبینه بزن خویش و او را کاسه آکبینه نسبت بجز هر زمان کرده اند
و آب که در کاسه آکبینه بود و فرزند طفل بود که در شکم مادر باشد و اگر بنید که کاسه آب بر خیت دلیل کند که حفت او بمیرد و فرزندش بماند
و اگر بنید که آب بر خیت و کاسه تپی ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر بنید که بی سبب آب بمرد می داد دلیل کند که در دنیا آخرت
خیر او بمرد برسد و جایگاه خراب آبادانی کند و اگر بنید که در خانه که اندازان آب ریخته بود و داخل شد دلیل کند که نکند و متفکر کرد و اگر بنید
که آب صافی پاکه مانند سکی خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت گذراند اما کاری کند که بلا و فتنه بد و رسد که مان جمیع را اندک اندک بر زمان
بخشد و بخیرات خرج کند جا بر مغربی کوید که بهر که بوقت زیاد شود دلیل کند که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر آبهای بسیار و دیگر بزمین
خورد دلیل کند که مردمان عامه سلامت و عافیت بود و قوله تعالی و قیل یا ارض ابلعی ماءك و یا سماء اقلعی و غیض الماء و اگر بنید
که آبها از مردمان فرو می آید دلیل کند که در آن سال نعمت و فراخی بود و در آن دیا قوله تعالی انا صلبنا الماء صباً و اگر بنید که در خانه و آب
صافی بود دلیل کند که نعمت و خرمی معیشت یابد و اگر بنید که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد ویش بخلاف این بود و نهال کوید که آلودن باغ و گشت
از جو بهار و رود دلیل کند برال و ستکاری از غم و اندوه و آب داون مردمان دلیل کند بر بدین و دیانت و کردارهای نیک

و پسندیده بود و اگر بنید که باب اندر می رفت و اندران وقت تن او قوی بود و دلیل کند که لشعل صعب مشغول کرد و از قبل میسی و
 قول او اندران مقبول بود و خاصه کاری اندران کا بنظر کرد و اگر بنید که در آب صافی رفت و تن او پشیده بود و دلیل بر قوت دین بود
 و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کاروی و اگر بنید که آب سیاغ می برد و دلیل کند که زن خوابد یا کینه خرد و اگر کسی بنید که آب
 پاک بروی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت بدو رسد و اگر بنید که آب تیره بروی ریخت تا ویش بخلاف این بود حضرت
 صادق علیه السلام میفرماید که آب فروختن بخواب بمرگ برنج و تبخیر کنند اول یقین دویم قوت سیم کار و شوار چهارم ندی پنجم
 عمل از جهت نرس شهر بد آنکه تاویل باران در حرف بی بیان کنیم و تاویل آب چشمه و آب چاه و آب جوی را بحرف جیم و آب دریا را بحرف
 وال و آب رود را بحرف ر و آب کاریز بحرف کاف و هم برین قیاس خوابهای دیگر را بترتیب هر چیزی مضمونش باز نمانیم تا معلوم بود
 آب عینی و انیال گوید که آب عینی دلیل بر فرزند بود و اگر بنید آب از مینی او می آمد دلیل کند که دیر فرزند آید و اگر بنید که از مینی او خل
 بیرون آمد همین دلیل کند که زانی نکوید که اگر بنید که از مینی او آب فرو می آمد دلیل کند که دامنش گذارده شود و از سرخ و سختی و غم برید
 و اگر بیمار بود شفا یابد این سیرین گوید که آب مینی در خواب فرزند بود و لیکن اگر بنید که آب مینی بر اندام او افتاد و دلیل کند که دیر الپسر
 آید و اگر بنید که بر زمین افتاد دلیل کند که دختر آید و اگر بنید که آب مینی بر زن خویش افتاد و دلیل کند که زن او آبستن کرد و لیکن
 فرزند را بفکند و اگر بنید که زن بروی آب مینی افکند دلیل کند که او الپسر آید و اگر بنید که آب مینی در سرای همسایه افکند دلیل کند
 که زن همسایه خیانت کند و اگر بنید که آب مینی خود را در ستر مومی افکند همین دلیل کند این سیرین گوید که اگر بنید که آب مینی خود را بخورد
 و دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل کند اگر بنید که آب مینی زن خویش را می خورد و دلیل کند که او را فرزند شود و اگر بنید که آب مینی او سیاه
 و تیره بود دلیل کند که فرزند او دانه و ده و حیبت رسد و اگر بنید که آب مینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار کرد و آب تا خشن *
 این سیرین گوید که اگر کسی بنید که آب تا خشن کند بجایکاهی که موضع آن نباشد اگر خواب غمگین و وام دارد و دلیل کند که از غم فرج یابد
 و دامنش گذارد کرد و اگر بنید در خواب تو اگر کرد و دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تا خشن و انیال گوید که اگر بنید که در
 جایکاهی بچول آب تا خشن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن خوابد یا کینه خرد و اگر بنید که بجای آب تا خشن خون بهریت دلیل کند
 او را ناقص آید و اگر بنید که بجای آب تا خشن ریخت میرفت دلیل کند که او را فرزند آید بن متن معلول بعضی معبران گفته اند که آب تا خشن
 مال حرام بود و اگر بنید که آب تا خشن می خورد و دلیل کند که مال حرام خورد و زانی گوید که بنید که اندر چاهی آب تا خشن کرد و دلیل کند که از کسی
 مال حلال حاصل کند و اگر بنید که آب تا خشن می کرد و دلیل کند که او را فرزند آید که قرآن طاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بنید که برخی
 از آب تا خشن ریخت و برخی با خود داشت دلیل کند که برخی از مال می برد و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بنید که در مان
 از آب تا خشن وی مسح می کرد و دلیل کند که او را فرزند آید که عالم و دانا گردد و مردمان متاع او گردند جای مرغی گوید که اگر بنید که
 در مسجد آب تا خشن می کرد و دلیل کند که مال خویش خریند کند بر وجه خویش و اگر بنید که جامه می بابت تا خشن آلوده گشت دلیل کند
 که مال خویش بر فرزند خویش خریند کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تا خشن در خواب موضع خویش موم را زانگری رسد

اما آنکه در پیش باشد و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و محبوب را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و بیمار را مغفولی
 بود و خلیفه را مرکب بود و قاضی را عزل و بازار کارکان را از میان بود و در تجارت اسمعیل انشت کوید که اگر کسی بنید که در خانه خوشی و خوش
 است با ختن همیکر و دلیل کند که مال خوشی و عیال خوشی هنرینه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالی و ما انفقتم من شیء فهو
 یخلفه و هو خیر مما تارکین آنجا نه این سیرین کوید اگر کسی در خواب بنید که آنجا نه همی ساخت دلیل کند که بجمع کردن
 مال دنیا حریص گردد و در غلبه گردد و نخواهد که زن مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند دلیل کند که زن جاد و پیرا
 حاصل گردد و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بنید که در آنجا نه بول غایط همیکر و دلیل کند که مال خوشی را هنرینه کند و اگر
 بنید که در آنجا نه بیفتا و یا در چاه آنجا نه افتاد دلیل کند که در جمع مال غرق شود و اگر بنید که کسی در چاه آنجا نه خود افتد دلیل کند که
 مال کسی بجنب است یا اگر بنید که چون بیفتا دست و پای او بشکست دلیل کند که برای سخت بد و درسد حضرت صادق علیه السلام
 فرماید که دیدن آنجا نه در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام دوم عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه حرام
 آستان این سیرین کوید که آستان در خواب خزینه دارد صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بنید
 که پادشاهی آستان بوی داد دلیل که خزینه دارد و پادشاه بود و اگر کسی دهد هم برین قیاس بود و گمانی کوید که آستان در خواب
 خادم بود بقول خدای عزوجل قوله تعالی یطوف علیهم ولدان مثله ذلک و یا کوید که آستان در خواب و اگر بنید که آستان در شکست
 یا ضایع شد دلیل کند که زن از وی جدا گردد یا بمیرد و اگر بنید که از آستان آب بنخورد دلیل کند که میرا فرزند می حاصل کرد و در خانه
 که آب را صافی بنید و خوش طعم حضرت صادق فرماید که کوید که دیدن آستان در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم خزینه سیم تدبیر کار چهارم فرزند
 پنجم روزی اندک از جانی که امید ندارد استغنی این سیرین کوید که اگر بنید که شکم او بزرگ شود و چون زنی بسکن دلیل کند که
 او مال و نعمت دنیا حاصل کرد و در هر چند شکم بزرگتر بنید مال دنیا بیشتر بود و گمانی کوید که فرزند یا بالغ خود را بسکن بنید دلیل که اگر پس بود
 پدرش را نعمت و مال حاصل کرد و اگر بنید خواب دختر بود و درش را نعمت و مال حاصل کرد و آب کامه این سیرین کوید که خوردن آب کامه
 در خواب دلیل که بر پنج وجه است و بیماری تن کند اگر بنید که آب کامه همی خورد دلیل کند که بقدر آن ویرا بیماری بود و گمانی کوید که بنید که آب کامه
 برنجیت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که زخم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن آب کامه
 را بر پنج وجه گفته اند اول بیماری دوم غم سیم خصومت چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال آبکینه و انیال کوید که
 آبکینه در خواب بن بود و اگر بنید که در آبکینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد و اگر بنید که آبکینه بکسی شراب داد دلیل
 کند که از هر کس زن خواهد این سیرین کوید که اگر کسی بنید که آبکینه سفید داشت و مانش بر آنجا نوشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد و
 حاجت او را کرد و اگر بنید که بر آن آبکینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که اجلس نزدیک بود و اگر بنید خواب پادشاه باشد و اگر بنید دلیل
 کند که بر قدر و اندازه آن خیر خرمی یابد یا بجز خرمی کوید که اگر بنید که آبکینه داشت بیفتاد و شکست دلیل کند که زن دارد و طلاق دهد و اگر زن
 زنی از خویشان می حلت کند و بداند که آبکینه کربا و ایل بمنزله خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبکینه کربسی بود

که کارهای زمان گذارد و پیوسته او را با زمان مخالفت بود و آمله این سیرین گوید که آمله در خواب زیان مال بود اگر بنید که بر تن او
آمله بود که بقدر آن خاسته مال او را حاصل کرد و گرانای گوید اگر بنید که بر تن او آمله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت صادق
فرماید که آمله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول یادتی مال دوم زن خوابیدیم پسش آید چهارم حاجت روا شدن پنجم از ترس بیم امن کرد چون
آمله بنید آنبوس ابن سیرین گوید که بدین آنبوس در خواب مروی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما توانگر و مجمل بود و
از وی چیزی بکس نرسد گرانای گوید که آنبوس در خواب فی بودیم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آنبوس
در خواب کسی باشد هم برین صنعت که گفته کردید آتش وانیال گوید که کسی آتش بدید و بنید در خواب دلیل که با پادشاهی
نزدیک کرد و کار بسته او کشاده کرد و اگر بنید کسی ویرا آتش افکند و آتش ویرا سوخت دلیل که با پادشاه بروی
سخت کند لیکن زود خلاصی یابد و بشارت نیکویی یابد چنانکه از و تعالی در کلام مجید فرموده قلنا یا ناد کوئی بود او سلا ما
علی ابوالهیثم و اگر بنید که آتش ویرا سوخت دلیل که رومی بکراهت سفری کند و اگر آتش با تف و موز و سوز بنید دلیل
کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بنید که آتش اندام ویرا سوخت دلیل که بقدر آن سوختگی ویرا رنج و مضرت رسد و اگر
کسی بنید که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و از و سیم و ترس در دل او نیاید و دلیل که از محنت
معصیت که بدور رسد بسبب بیماری و ضعف بود چون سر او طاعون و آمله در سر خد و آنچه بدین ماند و اگر بنید که از آن آتش
فرگرفت دلیل که بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بنید که آتش را دو دو بود دلیل که مال حرام ویرا رنج و تمار
حاصل کرد و با جنک خصومت و اگر بنید که آتش کرمی و پیش بوی میسب دلیل که کسی ویرا از دو غیبت کند گرانای گوید که
بنید که آتش بمروان همی انداخت دلیل که در میان مردم عداوت و دشمنی افکند و اگر باز گرانای بنید که آتش در دکان
و کالای او افتاد و دلیل که کالای که دارد بر باد وید یا آنچه بدی از و بسبب مردم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بنید که آتش خانه
کسی افتاد و دلیل که آنکس در جنگ فتنه و جور سلطان افتد و اگر بسیند که آتش جامه او را بسوخت و دلیل
کند که با خویشان جنک و خصومت کند و از بسبب مال اندوختن کرد و اگر کسی آتش عظیم در زمین بنید دلیل که در آن موضع فتنه و جنک
افتد و اگر چیزی سوخته بنید دلیل که از جهت زنان وی با کسی خصومت کند و اگر بنید در شهری یا در محل یا در سرای آتش
افتاد و چنانچه هر چه بود همه بسوخت آن آتش زبانه میزد و آواز سهکین همی داد و دلیل که در آن موضع جنک کارزار بود یا بیماری
صعب افتد و اگر بنید که آتش بر چیزی را بسوخت و برخی را کرد و آواز سهکین نداشت دلیل بود بر جنک و کارزار
در آن موضع و اگر زبانه و فتنه نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و و بنید دلیل که بر ترس بیم اندوکار
و اگر بنید که آتش آسمان بنید یا شهری یا محلی یا سرای بسوخت دلیل که آن بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آن موضع شهر بود و اگر
بنید که آواز سهکین داشت و زبانه همی زد و در جای افتاد لیکن گزند و زبانه نمیکرد و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی خصومت
افتد و زبان و اگر بنید که از زمین آتش سهکین برآمد و سوی آسمان شد و دلیل بود که آن موضع دوستان با حق تعالی حرب کنند

بدروغ و بهتان گفتن بروی بقدر وقوت آن آتش که دیده بود و اگر بنید آتشی از جای بجای میرفت و آن آتش هیچ کز اند
 نیکی و بلکه دلیل بود که در آن منفعت یابد و اگر در پیش بود تو آنرا کرد و استعمل آتش کوید که اگر کسی بنید که از آسمان مانند باران آتش
 میبارد دلیل بر بلا و خون ریختن بود از جهت پادشاهان و آن موضع و اگر بنید آتشی از آسمان باید و چیزهای خوردنی که از آن او بود و خست
 دلیل کند که طاعتهای وی نزد حق تعالی پذیرفته گردد و قوله تعالی يَقْرَأُ بَيْنَ يَدَيْكَ الْكَلْبُ النَّارُ و اگر بنید که از آسمان آتش می بارد
 کسی را سوخت بیم حتمی باشد و قوله تعالی عَذَابُ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ لَهَا تَكْفُرُونَ و باشد که از پادشاه و پیرایم بود و اگر بنید که
 بر آتشی بزرگ کرم میشد دلیل کند که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بنید که بر آتشی چیزی می سوخت شغل دینی و دنیاوی تمام
 کرد و اگر بنید که آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را سوخت دلیل بود که در آن دیار نعوذ باشد مرکبها جات بسیار بود و
 اگر بنید که آتشی بزرگ قبه یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آن موضع هلاک کرد و بعضی از معبران کوید که اگر کسی بنید که آتشی
 از زمین برآمد و فروغ میداد دلیل کند که در آن موضع کینج بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بنید که پاری آتشی بخورد و دلیل
 کند که مال پیمان بخورد و قوله تعالی الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ آلِهِمْ بِالْظُلْمِ أَلَيْسَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ و اگر بنید که از دمان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان کوید و اگر بنید که هر جای آتشی می سوزد
 می گرفت دلیل کند که از هر جای میاخی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بنید که در پهلوی او آتشی افروخته بود و از زبان
 دهانت دلیل کند که بدو چیز نیکی رسد و قوله تعالی أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُؤْوُونَ و اگر بنید بنیم آتش عظیم می سوخت دلیل بر جنگ و فتنه
 کند و آن دیار قوله تعالی كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْجَحِيمِ و اگر بنید که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بنید که
 آتش می را سوخت و آن آتش نور داشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری کشد و اگر بنید که آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را
 از خویشان و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در رزمگاه آتش بنید
 دلیل کند بر بهار بهای صعب چون آبله طاعون و سرسام و مرکبها جات نعوذ باشد و اگر آن آتش را باد و دهنید دلیل کند که از
 پادشاه او ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار بنید دلیل کند بر بدینی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارت انصاف نهند و بر
 خریده دروغ کویند و اگر در دیاری آتشی افتاد و بنید دلیل کند که در مردم آنجا معصوده بود از پادشاه و از او بر رعیت
 ظلم رسد و اگر در راه مجهول آتش بنید دلیل بدینی بود و اگر آتش در جائه کسی افتاد و بنید دلیل کند که آنکس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر
 خورشید را بر آتش ایستاده بنید دلیل که او را رنج رسد آتش افروختن ابن سیرین کوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و
 آتش بدو و فروغ قوت بود و خواسته آتش باد و پادشاه تکر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بنید که آتش بر افروخت
 تا کرم کرد و یا کسی دیگر بدان کرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بنید که سفیاده آتشی بر افروخت دلیل
 کند که بی سببی جنگ و خصومت کند و اگر بنید که آتشی بر افروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد سبب
 غیبت مردمان تا طلب حال کسی کند و اگر بنید که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد

باغ و مانند و اگر بنید که بریزد یک تش می فروخت و در یک کوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار
که با انومی خانه را منفعت رسد و اگر بنید که در آن دیکت هیچ طعام نبود دلیل کند که از آن کار را در غم و اندوه بود و اگر بنید که
برافروخت از برای روشنایی دلیل کند که کاری بر بخت و برهان روشن گرداند و اگر بنید که آتش برافروخت که خلوا سازد دلیل کند که او را
سخنی نیکو گویند که آتش میگوید اگر بنید در جایگاه آتش برافروخت تا اهل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که اهل آن موضع را غیبت
کند بدی گوید و اگر بنید آتش را در بخور یا در آتش دان می فروخت بی آنکه طعام پزد دلیل کند که بامروزی از خویشان و یا
اهل بیت او را جنگ و خصومت افتد و اگر بنید که خواست تا آتش برافروزد از بهر منفعت خویش و آن آتش بر نمی فروخت و
روشنایی نمیداد دلیل کند که از علم خویش برخوردار می باید و اگر این کس پادشاه بود و در وجه و دولتش افزون کرد و اگر
بنید که آن آتش که فروخت بمرد دلیل کند که هلاک کرد و جای که بنید که در بیابان آتش می فروخت که مردمان از نور آن
آتش راه می یافتند و هر کس موضح و مقام خویش می رفتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بنید که
آن آتش فرو میبرد و نور از ایل میگرد و دلیل کند که احوالش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بنید که آن آتش در بیابان
افروخت و بر راه راست می خروید دلیل کند که علم او مردمان را بر ابراهیم خلاصت برود و اگر بنید که آتش در موضعی برافروخت تا آن موضع را
بسوزد و آتش از آن سوخت و آن بازار کان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بنید که از خانه بیاید
آتش می برد دلیل کند که مالی حرام بدورسد و روشنایی آتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنایی آتش بنید چنانکه
بدان روشنایی از نور آتش دلیل کند که زایدی باید و اگر روشنایی آتش را بیاید دلیل کند که سبب دولت او پاهای نجا بود
و اگر آنکه فروخته بنید دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود آنکه فروخته بنید دلیل کند که از نور آن خانه روشن بود دلیل
کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده کرد و اگر بنید که آن آنکه را کشت دلیل کند که در خانه آن او خصومت و داور می بود آتش
پرستیدن و انبیا گوید اگر بنید که آتش می پرستید و سجد میکرد دلیل که پادشاه شکر را سجد کند و بخدمت او مشغول گردد
چنانکه او را شکستید اگر بنید که تنور یا آتش یا چراغ را سجد میکرد دلیل که بخدمت زمان مشغول گردد و اگر بنید که آتش را بوسه می داد
و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بنید که در میان آتش مراخواه میکرد دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازگردد
و لیکن عاقبت کارش بخطر بود خاصه که از آتش بزن او کردند و اگر از آتش تن او را هم گرفتند دلیل کند که بر سلامت سلامت
تقص و جمعیت بار و زکار او پادشاه وقت و اگر بنید که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدار آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بنید که
آتش از روی یا از جامه یا از دست او روشنایی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که در شتمن طفره یابد و مردود جهانی
حاصل کرد و قوله تعالی و ادخل يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء و این مجزیه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل
گوید که اگر کسی در خواب بنید که آتش می پرستید دلیل کند که باز داری دعوانی کند و آن آتش که می پرستید اگر شکل انگری بود که در خل
ازین جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شاره آتش ابن سیرین گوید که شاره آتش در خواب سخن بد باشد که بوی

رسد و اگر بقیاس شراره آتش در وی می افتد دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گرد و گرنانی کوید اگر بنید که
 در شهری یا کوچه شراره آتش می افتد دلیل کند چنانکه و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بنید که شراره ای آتش سخت
 بزرگ بود و دلیل بود که عذاب خدای عز و جل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی **إِنَّهَا تَرْتَجِي بَعَثُوهَا الْقَصِيرُ**
كَأَنَّهُ بِهَا لَبَّاسٌ خَفِيرٌ و اگر بنید که شراره آتش در میان مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر جنگ خصومت
 افتد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت زشت گفتن بود و جای مرغی کوید اگر بنید که پاره آتش در دست دامن
 دلیل کند که بکار یا دوشاه مشغول گردد و اگر بنید که با آن آتش و دود بود دلیل کند که در آن کار او را بیم و ترس بود و اگر
 بنید که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر بنید که از آن آتش پاره
 مرد مرده ای داد دلیل کند که از گردازی مردمان رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بنید که چیزی از خور و فی
 بهی سخت و پیچور و دلیل کند که سخنیهای خوش شنود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در خواب بر بست
 پنج وجه بود اول فتنه بود و دوم کار زاریم فساد چهارم مرتب چشم خصومت ششم سخنیهای زشت هفتم منع از کام و مراد
 هشتم خشم پادشاه و نهم عقوبت دهم نفاق یا زود هم پیرایه دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه بدی چهاردهم مصیبت پانزدهم
 ترس و بیم شانزدهم سوختن هشتدهم خدمت پادشاه و نهم طاعون نوزدهم سرام بیست و یکم گشایش کار و بیست و دوم
 فضیلت بیت و سوم مال حرام بیست و چهارم رم روزی بیست و پنجم منفعت آتش دان این سیزده
 کوید که آتش در آن نجواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش دان آهین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل خانه
 بود و اگر آتش دان چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتش دان از کل بود دلیل
 بود که آن زن اهل کردن گشتان باشد و از مشرکان نیز بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در نجواب بر دو وجه بود اول زن
 خادمه دوم کینک آتش زنه این سیرین کوید که آتش زنه و سنگ آتش دان این هر دو اناز باشند که از ایشان
 یکی قوی و دلیر بود و دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان را بشرف و کارهای بزرگ در آورند گرنانی کوید اگر بنید که از آتش زنه
 آتش بیرون می آورد و از شمع یا چراغ برافروخت اگر بنید پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش
 یابند و اگر بنید خواب عالم بود دلیل که مردم از علم و دانش او بهره یابند و اگر باز گشتان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر چو
 و احسان کند و اگر در ویش بود دلیل کند که مردمان از سیرت و کرداری منفعت یابند حضرت صادق علیه السلام میفرماید
 که اگر بنید که از آتش زنه بیرون آورد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا بشغل و مشغول گردد و از ثروت مال
 بدست آورد و اگر بنید که از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیاید آتش که این سیرین کوید که از آتش نجواب
 جایگاه مکره بود و گرنانی کوید که آتش که جایگاه مردم جمع و خالی بود و اگر بنید که در آتش که دفت و از اینجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آنقدر
 مذلت و خواری بوی بدکن از بوی برادر و سرخا و پیشانی خورد آرد و کون بداند که آرد کون شکوفه است دیدن آتش در خواب لیل بر رنج و بیماری

بخت

ترش

ترش

ترش

5

بدان نیست که بزین باز نیاید دلیل کند که بزرگی و پاوشاهی باید و کاری بزرگ طلب کند و باید و اگر بنده از آسمان مانده
 و ندانی شود دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بنده که مرغی از آسمان با وی سخن میگفت دلیل بود که شادمان کرد و کرانی گوید اگر
 بنده او در آسمان بنیادست چنانکه مردمان از زمین بنیاد بود دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بنده بنیاد وی چون بنیاد دنیا
 از خشت و گل و گچ و آجر و دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور کرد و اگر بنده که از آسمان انگبین می بارید دلیل کند که مغرور
 جزو نعمت و غنیمت بود و اگر بنده که از آسمان ریگ یا خاک بسیار بد و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار بود دلیل
 آن بد بود و اگر بنده که از آسمان کزوم یا بار یا سنگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عزوجل اندران دیار و اگر بنده که خود را
 از آسمان فرو آورد و بخت دلیل کند که کار او بلند کرد و جابر خیر می گوید اگر بنده که بر بالای ستم آسمان رفت بجائی که و هم آنجا ننگین
 و فرو نیاید دلیل که اجل او نزدیک شده بود و خاتمت کردارش پسندیده بود و اگر خداوند خواب تصور بود و مصلح و بنده که آنجا
 فرو آمد دلیل که در راه دین زانده کرد و اگر خداوند خواب مصلح تصور باشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک کرد و اگر بنده که از آسمان
 بزمین آمد دلیل کند که از سرخ و بیماری بسبب هلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بنده که در میان آسمان و زمین بنیادی بود
 چون قبه یا کوشکی که نیاز سنگ و آجر بود دلیل بود که خداوند خواب در ازل و علل مغرور گشته بود و اگر بنده که در ای آسمان شاده
 شد دلیل کند که دعا و آسایش مستجاب کرد و دوبار بار و آبهاف را وان بود قوله تعالی فَقَدْ نَافِلًا أَبَدَ أَبَدًا جَاءَ
مُتَمِّمًا بِسَبْعِينَ أَلْفًا نَفْلًا لَقِيَ اللَّهَ عَلَى أَمْرٍ قَدِيدٍ و اگر بنده که در آسمان در میانه هر دو یا از هر دو آمد یا از
 کشاده کرد دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آمد یا خاصه که با کشادن آن در اثر خیر ظاهر کرد و اگر بنده که آسمان
 بنیاد و دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشیم بود و آقا جعفر صادق علیه السلام میفرماید اگر بنده که آسمان بگونه بسز بود دلیل بود که در آن
 دیار خیر و صلاح و امنیت بود و اگر بنده که بگونه سفید بود دلیل که در آن موضع سرخ و بیماری بود و اگر بنده که آسمان سرخ بود دلیل که در آن
 دیار جنگ و خون ریزی بود و اگر بنده که آسمان سیاه بود دلیل که در آن دیار بلا و فتنه عظیم بود و اگر بنده که آسمان روشن تر از آن
 بود که بود دلیل کند که او را احتشالی روشنی تمام در دین حاصل کرد و اگر بنده که برابر و در آسمان کشاده شد دلیل کند بر خیر و روزی
 بر او کشاده کرد و عالم حکیم کرد و دوازده روزی بسیار ببرد و اگر بنده که در آسمان علامتهای سرخ بود و بگردار عمود و
 دلیل کند که پارسایان آن موضع را علامت و نعت بود و اگر بنده که آسمان زردی پیفتد دلیل کند که بدین و که راه کرد و همسایه شخت
 گوید اگر کسی بنده که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلا و سختی و عذاب با او آن موضع رسد قوله تعالی وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَابًا
مِّنْ سَجْجٍ بَلَدًا و اگر بنده که از آسمان کدوم و جو بسیار بد دلیل کند که اندران دیار نعمتهای اوان بنیاد بود و خلق را بختی و معیشت بود و آستانه
 این سیر که بنده که آستانه خانه وی بلند کرد و دلیل کند که بر قدر آن مال نعمت یابد و شرف منزلت و اگر بنده که آستانه خانه او بنیاد و دلیل که از شرف و
 منزلت بنفید و نزد مردمان خوار کرد و اگر بنده که آستانه خانه وی آب صاف چون باران می بارید دلیل که بخت آن مال نعمت باشد و اگر بنده که آستانه خانه وی مایه و کزوم
 بختی و دلیل که از آستانه و یا از بزرگی او را غم و اندوه کرد و اگر بنده که آستانه خانه بزمی بنیاد و در زیر آن گرفتار کرد دلیل کند که او بیم هلاک بود قوله تعالی

است

三

فر گرفت لیکن نه از آسمان و نه در شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بنید که آفتاب
تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود این سیرین گوید که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود
و ماه و زهره و زهره زن بادشاه و عطار و دبیر پادشاه و وزیر و پهلوان بادشاه و ستارگان دیگر لشکر او بود و جابر مغربی گوید که
آفتاب در خواب پدید بود و ماه مادر بود و ستارگان دیگر پادشاه بود و چنانکه حقیقتی در کلام خود در قصه یوسف یاد کرده است
توبه تعالی اِنِّیْ وَ اٰیٰتِ اَحَدٍ عَشْرِ کُوْکُبًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ اِنَّمَا هُمَا لِیْ سَاجِدٰتٰی و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه
بیند دلیل بر پدید آمدن و در ویران بودن و اگر بنید که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و در خانه وی تافت دلیل کند که از غمها فرج یابد
اگر بنید که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشاند دلیل که حال پادشاه مضر گردد و احوالش بد شود و خاصه وقتی که بنید که آفتاب بنکسف گردید
و اگر بنید که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد و لیکن زود بد شود و اگر بنید که بر جرم آفتاب رسی یا رشته فروخته
و او دست بر آن رسد دلیل که نو پادشاه او را یاری و قوت بود و اگر بنید که آن رس بجست و او بیفتاد دلیل که زبیری و
منزلت بیفتد و اگر بنید که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر گردد و اگر بنید که آفتاب یا ماه یا جماعتی از
در یکجا جمع شدند و او جمله را گرفت و نور ایشان بستاند دلیل که پادشاهی جهان بکشد و پادشاهان جهان جمله طمع او شوند و اگر بنید که
آفتاب و ماه و ستارگان را گرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بنید خواب هلاک گردد و خاصه که ظالم و مستکبر بود و کارهای گویید
اگر بنید که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود دلیل کند که پادشاه ارجحیت ملک آن شغول بود و اگر بنید که دو پادشاه را با هم جنگ
خسومت بود دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بنید که آفتاب بر زمین فرو آید و هیچ نور نداشت دلیل بود
که پادشاه آذین یا محزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را غمی بزرگ
رسد و او را نیز از آن بهره بود و اگر بنید که آفتاب در سوراخی فرو شد و نا پدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عالم مردم
را غم و اندوه رسد و اگر بنید که ابر آفتاب را ستارگان را بپوشاند دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمنی بهر میت شوند و اگر
بنید که آفتاب را بپوشید دلیل که با پادشاهی بزرگ مقرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک شست و روی با آفتاب
گردید دیگر بار روی از آفتاب بگردانید دلیل که آن شخص گناه بود و پس مسلمان گردد و بباقیست کافر گردد و اگر بنید که آفتاب
باز دید دلیل بود که پادشاه آذین یا بهر جهت چیزی جزئی رنجی رسد از جای که امید دارد و اگر بنید که آفتاب با وی سخن گفت دلیل
کند که از پادشاه جاه و شتم و بزرگی یابد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر پشت و جبهه بود و اول
خلیفه دوم سلطان بزرگ سیم رئیس چهارم عامل بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت عیبت هفتم مروارید و زن و زن را شوی
هشتم کار روشن نیکو و نهم او که بد اگر بنید که آفتاب را سجده کرد دلیل که سلطان او را بنوازند و مقرب خود گرداند و کار وی بالا
گیرد و عدل و انصاف و رئیس و امیران و یار پدید آید و شعاع آفتاب بخواب میدن صد آن بود که گفتم او اما این سیرین گوید که آفتاب در خواب
زن خاورد و بدیا نیک که چراغ خانه بدو تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتاب خاورد قومی بود که آن قوم طاعت او کرد و آید و از معصیت پشیمان

خواب

کنند و اگر بنید که آفتاب نبود داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل کرد بدین صفت گفتیم و اگر بنید که آفتاب
 بشکست دلیل که خادمه یا کنیزک بیمار کرد و ویرا بنید که آفتاب و ضایع کرد بدین دلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا از او جدا کرد
 حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آفتاب در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوام پنجم تن ششم
 دراز هفتم مال و ثمن هشتم خیر و برکت نهم راحت از جهت زنان العج بدو که العج را بنازی و رغور گویند اگر کسی در خواب
 بنید که العج همی خورد دلیل که او را رنج و بیماری رسد بقدر آن کرمانی گوید که اگر بنید که العج داشت یا کسی داد یا آنرا از خانه بیرون
 ریخت و از او نخورد دلیل که از رنج و بیماری امین کرد و دو علی الجمله خوردن العج در خواب در این پنج خیر و منفعت نباشد اما س
 ابن سیرین گوید که دیدن آماس در خواب مال بود اگر بنید که برتن او آماس پدید آمده بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل کرد
 خاصه چون که در آن آماس ریختم بنید که بسیار بود کرمانی گوید که بنید که برتن او آماس بود چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن
 مال حلال یا بدو اگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آماس برتن
 پنج وجه بود اول مالش زیاده کرد دوم زنی با منفعت خواهد سیم پس آورد چهارم جانش رو کرد پنجم امین کرد و دغیها
 و اگر سه تن خود را آماس بنید دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل کرد و آماک و انبال گوید که اگر کسی بنید که با آماک موسی
 از تن بستر و دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موسی که بستر و بود او را مال حاصل کرد و اگر نکین بود از غم فرج یابد و اگر وام
 دارد و مالش گذارد کرد و این سیرین گوید که اگر کسی در خواب نو انکر را زیادتی مال بود و در ویشتر اگر درون وام و
 کافرا نشان مسلمان باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آماک در خواب بر نه وجه بود اول خبر بدو دوم سخنهای
 زشت ناخوش سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آماک در تاویل بدو دهم حسن ابن سیرین گوید که آماک معمول خواب دیدن
 خادم بود اگر نه معمول بود چیزی از متاع و نیاید و رسد بقدر آن و اگر بنید کسی که آماک بوی دادند دلیل که از متاع دنیا بقدر آن
 آماک کسی چیزی بدو بخش کرمانی گوید که هر آماک کسی خواب بنید که آن سبب صلاح دارد و از منسوب باید شاه بود چنانکه خدی عزوجل
 در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالى وَاَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَاسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ و اگر بنید که آماک از نیک
 بیرون می آید دلیل کند که او را سختی پیش آید قوله تعالى قُلْ كُونُوا حِجَابَةً اَوْ حِدِيدًا اَوْ خُلُقًا مِمَّا يَكْسِبُ صَدْرُكُمْ و اگر
 جابر مغربی گوید که اگر کسی خواب بنید که آهنری میکرد و از اهل آن کار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آهنگر بود دلیل کند
 بر خیر و منفعت بعضی از مبران گفته اند که آهنگر تاویل پاوشاه بزرگ بود و او را آماک سیرین گوید که دیدن آهنگر خواب چون معروف
 بود دلیل پاوشاه بود و اگر معروف نبود تاویل نیک و بد آنچه دیده بود با آهنگر باز کرد و اگر بنید که آماک سیم می گذشت دلیل کند که این کس در آنرا
 غیبت کند و زشتی گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چه که از آماک خواب بنید که از سوزن بود آن هم منفعت و توبت و ولایت و توانائی و
 ظفر یافتن بر دشمن بود آماک دیدن کرمانی گوید که بنید که آماک را گرفت دلیل که کنیز خبری او حاصل کرد و اگر بنید که آماک را سیرین دلیل که
 دو تنی دختر بر سر کبر و اگر بنید که آماک را سیرین دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت جماعت کند و اگر بنید که پوست آماک را بکند دلیل که

رج

رج

رج

رج

در آفتاب

رج

بازی غریب زنا کند و اگر بنید که پوست آهوا را همی خورد و دلیل که او را از زنی خوب روی مالی حاصل کرد و اگر بنید که پوست آهوا
یا گوشت یا سینه او را بپزند دلیل که او را از زن مالی رسد و اگر بنید که آهوا را بکشد دلیل که از قبل زن اندوختن کرد و این سیرین
گوید اگر بنید که بی آنکه کرد و آهوا رو و بنیکند دلیل که زنی یا زنی را و دشمنی که ببرد و اگر بنید که آهوا وقت شکار بنیکند دلیل که شصت
یا بد و اگر بنید که آهوا در خانه او ببرد دلیل که از جهت زن غم و اندوه بد و رسد و اگر بنید که آهوا را بنیکد یا بپزند و دلیل که شخصی را سر کوب
زنی را جابری بفرماید گوید اگر بنید بپنج آهوا گرفت یا کسی بد و داد دلیل که وی را از کینزکی فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
آهوا در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کینزکی سیم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز ابن سیرین گوید که آواز مرد در
خواب چون بلند بود و دلیل کند که در میان مردم بزرگی یا بدار کسی بنید که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلند می آواز و
نام و بانگش بلند کرد و اگر بنید که آوازش ضعیف گشته بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف کرد و چنانکه کس یا داند بکند
کرمانی گوید بلند می آواز مردان را دلیل شرف و بلند می نام کند اما بلند می آواز زنان در خواب نیکو نباشد بخلاف آواز مردان
بود بسیاری او بخت و انبیا گوید اگر کسی بنید که پادشاه و مودتا و اربابا و یزید دلیل که از پادشاه شصت و جاهد و بزرگی یا بد
لیکن دلیل که در ویش خلل افتد و اگر بنید که هنگام او بخت مردان نظر در وی میکردند و دلیل که بر عدد آنقوم مهتری و
فرمان روائی یا بد اگر بنید که روی جمع شدند و ویرایا و بختند دلیل که بر آنقوم مهتر و فرمان رواد و اگر بنید که پیری مجهول
ویرایا و بخت و مردان بنظر آهوا می بودند دلیل که خلق جهان فرمان رواد و چون بنید که خوشان بنظر آهوا می بودند
و اگر بنید که خوشان را یا بخت و بیکس روی نظاره نکرد بلکه فوراً او بخت می دید دلیل کند که خواهد بر خوشان خود مهتری کند و لیکن کسی
مطیع او نکرد و جابری بفرماید گوید چون ویرا او بخت بود و در لیسان ببرد و بنیکند و دلیل که از بزرگی و جاهد و حرمت بختند آئینه ابن سیرین گوید
که آئینه در خواب جاهد و ولایت بود و اگر بنید که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد دلیل کند که بر قدر بزرگی آئینه جاهد و منزلت و ولایت نعمت
یا بد و اگر بنید که آئینه کسی داد دلیل که مال و متاع خوش پیش کسی نهد و اگر بنید که در آئینه سیم نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاهد خوش
که است بنید زیرا که آئینه سیم را کرده دانند کرمانی گوید که اگر مردی در آئینه آئینین نمی نکرد دلیل که اگر زن وی حامل بود پس
آورد که همه چیزها مانند پدر بود و اگر زن بنید که در آئینه می نگریست و آبستن بود دلیل که دختری آورد که همه چیزها مانند مادر بود و اگر
زن آبستن نباشد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و زن دیگر بخوابد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پس بنید که در آئینه نظر میکرد
دلیل که او را برادری آید و اگر دختری نگاه کند ویرا خواهد می آید و اگر پادشاه یا عالمی نگاه کند معزول گردد و ولایت از دست او
برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابری بفرماید گوید که روی نیکو در خواب اگر در آئینه دید چون معروف بود و پادشاه بود و اگر معروف نباشد
تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد با آئینه باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آئینه بخواب شش وجه بود اول آن دو علم پس
سیم جاهد و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انبار ششم کار روشن و هم او گوید اگر مردی غریب آئینه در خواب ببیند دلیل که زن خواهد بزرگی
یا بد و اگر دختر بنید دلیل که شوهر خواهد و بزرگی و اگر می بود و اگر بنید که مردی مجهول آئینه بد و داد و در وی نگریست دلیل که بدیدن دوستی

حرور

سختی

خرینه

غایب شادمان کرد و امر دیدن در خواب و انیال کوید که بر بخواب دیدن بر شش نوع بود و اول بر بنفید بیا و زور
 و سرخ و بار بار زنده و نابار زنده و هر یکی را تعبیر مخصوص است و اگر غمی پیش تن را و زور بر بنفید بار زنده دید دلیل که خدای عزوجل بر
 علم و حکمت ارزانی دارد و مردمان را از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر ببیند که در زیر بر زنده بود و دلیل که بکار کرد و بعضی از
 متبرکین گفته اند که زنی خوابد و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر ببیند که در زیر بر سرخ بود و دلیل که بر حجت و بلا گرفتار کرد و زیر که
 خدای عزوجل بر قوم که عذاب فرستاده است نخست بر سرخ بر فلان آن ظاهر شدی و اگر ببیند که بر فلان بر سر است باریتاد دلیل که تقبیر
 آن فرمان روائی باید و اگر ببیند که بر بر سر او میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو چاه و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل کرد و
 ابن سیرین گوید اگر ببیند که بر رادر بر او همسرانند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر برین خواب را پادشاه ببیند دلیل که در ولایت
 خویش بر ولان و صاحب خیر آن فرستد و اگر ببیند که بر از بر او گرفت و بر زمین آورد دلیل که کارش نیکو کرد و بر سر کی باید و علم
 حاصل شود و اگر ببیند که بر بر سر وی سایه میگذرد دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد و قوله تعالی **و ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ**
وَ آَنَزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَی كَلُوا اگر ببیند که از بر جامه در وقت بود و در پوشیده دلیل که چندان علم حاصل کند که
 کس را نبود و اگر ببیند که بر بر سر او بپوشید و هیچ باران نبود دلیل که بدو و کرامتی گوید که اگر ببیند که بر راجع کرد و بار داشت
 یا بخورد و دلیل که در میان حکیمان تمنا ز شود و در دانش بیکار کرد و جابر مغربی گوید اگر ببیند که بر بر سر او بپوشید و دلیل که معیشت
 او از حکمت بود و اگر ببیند که بر سر او بپوشید و بر فراز موضع جامی کسزده بود و دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی بود و در آن دایر پس هر که از آن
 بر نزدیک تر ببیند در عذاب حق تعالی نزدیک بود و اگر با بر باران ببیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر ببیند که از بر باران بر سر او
 دلیل که بقدر آن و بر رحمت و نیکوئی رسد و اگر با بر باران و در سخت بود و دلیل که بر ترس از دعا می آورد و پدر یا از دعا می
 مسلمانان و اگر بار عد برق میداند عذاب سخت تر و قوی تر بود و اگر ببیند بار برق صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر ببیند که در
 خانه وی و جایگاه نشستن او بر کسزده شده است دلیل که فرزند او اهل بیتش را حکمت بود و دانش نیز حاصل کرد و بر قدر
 تنگی و تاریکی حضرت صادق علیه السلام فرماید که اگر بخواب دیدن بر زنده بود و اول حکمت دوم یم ریاست سیم پادشاهی چهارم
 رحمت پنجم بر پهنی کار ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث گوید که اگر بیا بخواب دلیل سیم و ترس و سختی بود
 و بر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کنار دریا آید که تباری آنرا اسفنج خوانند دیدن می
 در خواب غنیمت بود در قدر آنچه دیده بود و اما ابن سیرین گوید اگر بر زنده بود و دلیل بخواب دیدن بر زنده بود و دلیل که تمام بود و هیچ
 نقصان در آن نبود و دلیل که زینت وی تمام و کمال بود و اگر ببیند که بر بر اویش فرو ریخت تا ویش بخلاف این بود و کرامتی گوید
 اگر ببیند که بر او داشت یا موی بر اویش فرو ریخت دلیل که هانک چیزی کند که از آنچیزی را بنامی و فساد وین حاصل کرد و اگر بخلاف این
 ببیند دلیل که قصد چیزی کند که بر آنیک نامی صلاح دین حاصل بدو و اگر ببیند که بر اویش سفید کشته بود و دلیل که علم و مشکلی می یابد که در دینش نقصان
 بود و جابر مغربی گوید اگر یک بوی خوش یا ریخته دید و یک دیگر را کند و دید دلیل که در آن وجهی نقصان خد و بعضی گفته اند که دلیل

ر س ب
 ر س ب

بیت

برای

از

ریش

از

از

بیت

دلیل نقصان نیست دین وی کند ابریشم بد آنکه تاویل ابریشم هم تاویل قریب بود و در حرف قاف گفته خواهد شد
 ابریشم گفته اند علی بن ابی طالب کوی که دیدن ابریشم بخواب دلیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبده و بی شرم و نومید از
 نیکی و در مانرا همه بدی آموزد و شرف و اگر نیکی با ابریشم در جنگ نمیداد و او را قهر کرد و دلیل که دیر انجیر صلاح میل بود و اگر بنید که
 ابریشم بروی غلبه کرد و دلیل کند که بر او شرف و تاویل بود و اگر بنید که ابریشم با وی سخن می گفت دلیل کند که او را زنده بگرداند و او را از غفلت
 باز دارد و اگر بنید که ابریشم از نصیحت میگردی را خوش می آمد دلیل که او را هم بال و هم تن حضرت رسد و اگر بنید که ابریشم دست
 او گرفت و بجائی میبرد و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بجنازه بزرگ مبتلا کرد و دو بعد از آن نصیحت
 کسی از آن گناه باز آیند و اگر بنید که ابریشم را بر گردن غل نهاد و دلیل که اهل دین صلاح را نشاندی رسد و اگر بنید که ابریشم ضعیف و در مانده بود و دلیل که
 علما و مردمان مصلح را قوت بود و کوفائی گوید اگر بنید که ابریشم را مطیع شد و دلیل که بهوائی نفس مبتلا کرد و اگر بنید که ابریشم چیز را عطا داد و اگر بنید که ابریشم بود و دلیل که
 مال حرام یابد و اگر بنید که ابریشم بود و دلیل بر فساد دین کند و اگر بنید که ابریشم را در قهرم بود و دلیل که کار مردمان بفساد قوی کرد و اگر بنید که ابریشم را خواست که
 بشمشیر زند و هلاک کند بگریخت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل و انصاف کند و اگر بنید که ابریشم را بگشت دلیل که نفس خود را
 قهر کند و راه صلاح و رزق از زیر این سیرین گوید اگر بنید که از زیر بیاورد و دلیل که بر قدر آن و بی چیز از متاع دنیا
 حاصل کرد و که در زیر آلتها بود و چون کاره طبق و مانند این و داند که ملک است دلیل که بقدر آن ویرا خدشکار و چاکر بود و کوفائی گوید که
 بنید که از زیر سیم که اذیت دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن از زیر در خواب تله وجه بود
 اول منفعت دوم خدمتکار سیم متاع خانه ارش این سیرین گوید اگر بنید که ارش یا چیزی دیگر بارش همی همی و او را سو و منفعت
 بود چاکر گوید اگر بنید که زن یا جامه شین بود و دلیل که در سفر مال حرام بقدر آن بدست آورد و اگر این سیرین گوید اگر در خواب بنید که باره
 دختی را کند و دلیل کند که از نصیحت مردی که تعلق بدان دخت دارد و فارقت جوید و او را بیا زارد و تاویل هر دختی در حرف دال باین کنیم
 و اگر بنید که فرزند یا برادر یا خواهر خواسترا باره بد و باره بهرید دلیل که مانند آن ویرا فرزند می دیگر یابد یا برادر یا خواهر که مانی گوید
 اگر بنید که از فرقت یا بخیرید یا کسی بد و او دلیل که اگر سپردار و ویرا سپری دیگر آید و اگر دختر دارد و ویرا دختر می دیگر آید
 و اگر فرزند ندارد و چهار پای دارد و دلیل که چهار پائی مثل آن ویرا حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که از در خواب دیدن بر سر و
 بود اول فرزند دوم خواهر یا برادر سیم انباز ایما را این سیرین گوید که ایما را در خواب زن بود و اگر بنید که ایما را در میان بست دلیل که
 زن خواهد یا کینه کی خرد و اگر بنید که ایما را وی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بنید که ایما را در میان بست دلیل که نقصان
 عیب زن بود و اگر بنید که ایما را وی با تش سوخت دلیل آفت و بیماری زن بود و چاکر بنی گوید اگر بنید که ایما را در میان
 پشیمین یا بنید بود دلیل که زن او تنیزه دین دارد و اگر بنید که ایما را کهن و چرکن داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که ایما را
 قوی یا ابر نشین داشت دلیل که ویرا فی معاشره یا تنگ بود و پیغمبر می دانیال گوید اگر بنید که او پیغمبر شد از جمله پیغمبران و
 خلق انجیر امتحان و راه توحید می نمود و دلیل که تخت بخت و بلا گرفتار کرد و دو بعد از آن بر دشمنان طغیان کرد و اگر بنید که ایما را در میان بست

همین دلیل کند لکن محنت و بلائی وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بنید که او محنتش و توانگر کرد و بدست و بیابری و فراخ کرد و اما
 دین او تباها کرد و در کمالی کوید اگر بنید که نام وی متخیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعید و صالح و علی و مثل
 این دلیل بود که او را بدختر و بیکی یا دوازده و اگر بخلاف این بنید مردمان ویرا بشهر و بیکی یا دکنند و اگر بنید که او پادشاه
 یا امیر یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بنید دلیل شرویدی بود و جابر مغزلی کوید اگر
 بنید که از حال صلاح و فساد مبتدل شد دلیل که بدین بختی و ادباری وی و اگر بخلاف این بنید دلیل بود و بر سعد و اقبال و دین و دنیا
 وی اثر دایم این سیرین کوید از دوازده را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بنید که اثر دایم داشت
 دلیل که با بزرگان پیوندد و اگر بنید که اثر دایم جنگ و بنبرد میکرد و بر او چهره شد دلیل که با دشمن او را جنگ و خصومت افتد و
 سرانجام دشمن را قهر کند اگر بنید که اثر دایم کجاست و کوشش وی بخور و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و مال بستاند و سبب نکند
 جابر مغزلی کوید که اثر دایم ویرا فرو خورد و دلیل که نیم از دشمن بود که دشمن ویرا پاک کرد و اندک اگر بنید که بر پشت اثر دایم نشسته بود
 و اثر دایم مطیع و فرمان بر او بود دلیل که دشمنی بزرگ وی را مطیع و فرمانبردار کرد و کارهای او بنظام کرد و اسپندان
 کرمانی کوید اگر اسپندان بنید دلیل غم بود و اگر بنید که اسپندان همی خورد دلیل که بقدر آن ویرا غم و اندوه رسد اگر بنید که کسی اسپندان
 بدو داد و دلیل که غمی از آنکس بر دل وی حاصل کرد و اگر بنید که اسپندان او کسی داد و غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسپندان
 کوید اگر بنید که اسپندان داشت لیکن نخور و یا کسی داد یا از خانه بیرون افکند دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود اسپ
 دانیال علیه السلام کوید که اسپ تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی و عز و جاه بود اگر بنید که بر اسپ تازی نشسته بود و آن
 اسپ مطیع و فرمان او بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یا بد بر قدر نیکوئی و قیمت اسپ اگر بنید که اسپ را فرار گرفت و نه تازی بود
 یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یا بد لیکن کمتر از آن که در اسپ تازی گفتیم و اگر بنید که از آن اسپ چیزی
 کم بود یا زین یا نر زین یا لکام دلیل که بر قدر آن نقصان در بزرگی او بود اگر بنید که اسپ او را زین انبوه و دراز بود دلیل
 که بر قدر آن ویرا خادمان باشند و چاکران و اگر بنید که زین اسپ او بریده بود دلیل که ویرا خادمان و چاکران نباشند اگر
 بنید چیزی از اندام اسپ او ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز و شرف او نقصان بود و اگر بنید که با اسپ جنگ و بنبرد همی کرد و
 اسپ غالب بود و فرمان بروی بنود دلیل که معصیت و گناه کند محمد بن سیرین کوید که اگر کسی بنید که بر اسپ برهنه نشسته بود
 دلیل که معصیت و معصیت و گناه او بیشتر شود اگر آن اسپ از کسی دیگر بود آنچه گفتیم خداوند اسپ را بود و اگر بنید که اسپ برهنه بود
 لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف او بود و اگر بنید که بر کسی نشسته بود و آن اسپ بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل آنچه
 گفتیم از گناه بیشتر و صعبتر کند و اگر بنید بر کسی نشسته بود و آن اسپ در هوای پرید یا بنید که اسپ را پرید بود چون مرغ
 همی پرید دلیل که ویرا شرف و بزرگی بود و در دین و دنیا باشند که خداوندش سفر کند کرمانی کوید اگر بنید که بر اسپ ابلق نشسته بود
 دلیل که کاری کند که بروی کواسی دهند و اگر بنید که بر اسپ سیاه نشسته بود دلیل که کاری کند که ویرا مال و مهوری حاصل کرد و اگر بنید

و
 و

و
 و

و
 و

که بر اسپ کمیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بنید که بر اسپ اشقر بود دلیل که صلاح دین و حرمت او
از پادشاه و اگر بنید که بر اسپ زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسپ سمنند سمنین دلیل بود و اگر بنید که بر اسپ جرمه بود دلیل
که بر غیر صلاح و اگر بنید که بر اسپ سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بنید از اسپ فرو آمد دلیل که از شرف و بزرگی بخت و اگر بنید
که از اسپ برهنه فرو آمد دلیل که از کناه و محصیت باز آید و اگر بنید که بر اسپ نشسته بود و صلاح تمام پوشیده بود دلیل که شرف و
بزرگی یابد چنانکه کسی را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بنید که بر اسپ بهی تاخت تا جنگ کند دلیل که از وی کنایه در
وجود آید یا ترس و هشی بدو رسد بر قدر تاختن اسپ و اگر بنید که بر اسپ نشسته بود و اسپ او را در مجرب و دلیل که هیچ چیز اندرین نبود
و اگر بنید که اسپ او را از آنجا بیرون آورد و اگر بنید که اسپ او را مرغ همکیر و دلیل که مال و دولت یابد و اگر بنید که اسپ باوی
سخن گفت دلیل که کاری کند که مردمان از آن بشکفت آیند و اگر بنید که اسپ بیگانه و سرای وی در آمد یا در کوچه و میلیل
که مردی شریف نام دارد و سر را در کوچه آوی در آید بقدر رقیبت اسپ در آنجا مقام سازد و اگر بنید که اسپ از کوچه بیرون رفت
دلیل کند که مردی شریف نام دارد و در کوچه او غایب گردد یا بهیر و جابر کوید و اگر بنید که اسپ مادیان و اگر رفت یا کسی بدو داد و
بروی نشست دلیل کند که زن خواهد و بروی مبارک بود و اگر بنید که آن مادیان بکونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف
نام دارد باشد و اگر بنید که آن مادیان ابلق بود دلیل کند که زن نام دارد و پدر از یک نسل نباشد و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند
که آن زن خوب روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبزه رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پیر سیرکار باشد و اگر اشقر بود دلیل که
آن زن عزیز و خداوند جاده بود و اگر کمیت بود دلیل که آن زن معاش و طرب دوست بود و اگر بنید که آن مادیان کمره داشت دلیل
کند که زن را هر زن بدو چنانکه اگر کمره او نباشد دلیل که آن زن را پس بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود و اگر بنید که کمره
اسپ همی خورد دلیل که پادشاه او را خواستگار کرد و دو بختی تن نزدیک کند و اگر بنید که در پس کسی باشد نشسته بود دلیل کند که آن مرد که
در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بنید که اسپان بسیار پیرامن سر را بکوچه او بود و ندان دلیل که در آن موضع باران بارید و اسپان
روان گردد و اسمعیل انشت کوید و اگر بنید که بر اسپ رهوار نشسته بود دلیل که زن توانگر با صلاح بزنی بخوابد و اگر اهل آن نباشد نیز که
با چنین زنی مصاحبت اقتدا و از او منفعت و نیکویی یابد و اگر بنید که گوش اسپ او بریده بود دلیل کند که پیغام مهمان از وی
بریده گردد و اگر بنید که اسپ بسر در آمد و زود برخاست دلیل کند که در بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر با صلاح باز آید و اگر بنید
که اسپ خریدنی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی بخوابد و اگر بنید که با اسپ هوا بر شد و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل
کند که بردست پادشاه هلاک گردد و اگر بنید که اسپ ویرانگر و دیابگر بود دلیل که عیالش بنهار مشغول گردد و اگر بنید که کسی اسپ
ویرانگر و دیابگر بود که عیالش هلاک گردد و اگر بنید که اسپ وی کم شد دلیل که زن از طلاق دهد و اگر بنید که اسپ خونی و زشت دلیل
که عز و جاه او کم گردد یا عیال از وی جدا گردد و اگر بنید که بر اسپ و از کون نشسته بود دلیل که از وی بقصد کاری منکر
پدید آید که در آن ویران مضرت و ملامت بود جابر کوید که اسپ در خواب بوی بپزند و نفس خواب بود و اگر اسپ خوش را کش

بیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر بنید که سرخس مطیع و فرمان بر بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود و بدی و بداند که هر
 اندامی از اندامهای اسب را نشانی بود از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب بنید غرور و نفعت او بود و مردم عامه را اسب بخواب دیدن
 بخت بود و اگر بنید که اسبی مجهول از محله بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برو و اما خالده اصفهانی گوید که اسب پالانی بخواب بخت
 مرد بود و هر چند پالانی فرمانبردار تر باشد بخت او طبع تر و فرمانبردار تر بود و الا بنید پالانی و شهرهای یاد و دهی یاد سرای شد دلیل که مردی
 غریب عجبی و را آنجا پدید آید و اگر بنید که بر سبی دراز نمونشته بود دلیل کند که ویر طبع زیاده کرد و بقدر درازی و علم اسب و اگر بخلاف
 این بنید دلیل که حال بروی بد کرد و عیش بروی تنگ کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن اسب در خواب بر پنج وجه بود اول عز
 دوم قربت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خور و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحدیث الحنیف معقود بنوا صلی الخیل و البرکت
 الی یوم القيمة و الذل فی ابد البقی و اگر بنید که بوزینه بر سب او نشسته بود دلیل که چه دوی بازن وی فساد کند و اگر بنید که بر سب
 نشسته بود دلیل کند که مخی بازن او فساد کند استر این سیرین گوید که چون استر و خواب بنید اگر مطیع نبود مردی بدغی و چون مطیع
 بود نیک بود و اگر بنید که بر ستری بی زین نشسته بود و نداشت که استر از آن گیت دلیل کند که بسفر رود و اگر بنید که بر ستر خویش نشسته بود
 چون سفر کند با سر و منفعت آید و اگر بنید بر سترین یا پالان یا عمار یا نهاده بود دلیل کند که زن او ناز آید و بود خاصه که داند استر ملک
 بود یا کسی بر او خشنیده بود و کرانی گوید اگر بنید که بر ستر نهاده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خوار و ذرمت بود و اگر استر
 بگونه سفید بنید آن زن که خواهد با جمال خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز بنید دلیل که آن زن دین دار و پر مهر کار بود و اگر استر بگونه سرخ بنید
 دلیل که آن زن در طریقه معاشرت دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا شقر بنید دلیل که آن زن بیمارگون و زرد روی بود و اگر استر بر پهنه و رام کرده بنید
 دلیل کند مردی ضعیف جاب مغزنی گوید که استر نهاده و خواب بود از زاده بود و اگر استر زود سفر بود و بعضی از استادان این صناعت گفته اند
 که استر زود بود و استر نهاده زن و اگر بنید که از کسی استر نهاده بخیر دلیل که از کسی که نیک بخرد و اگر بنید که استر نهاده بفرخت دلیل که کینرک
 بفرشتد یا از کینرک جدا کرد و اگر بنید که بر ستر نهاده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز ویرا فرزندان پیدا و اگر بنید که بر ستر نشسته بود
 دلیل که عمر وی دراز بود و مردش حاصل کرد و اگر بنید که استر از پس می مید و بد دلیل که ویرا غمی سراسیمه شست گوید اگر بنید استر نهاده
 بیکر و دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بنید که استروی سخن گفت دلیل کند که کار عجب ویرا پیش آید که مرد و ناز از آن شکفت
 آید اگر بنید که استر بر آبکشت دلیل کند که مال یابد و اگر بنید که استروی بر دیاضائع شد دلیل کند یا از زن یا از کینرک جدا کرد و اگر
 استر زود دلیل که از صحبت مردی جدا کرد و بداند که گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبران گفته اند که گوشت استر بیماری بود
 و اگر بنید که شیر استر سبی خورد دلیل کند بر دشواری و ترش بیم و بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
 استر در خواب بر پنج وجه بود اول سفر باشد و بیم زندگانی دراز سیم طفره بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق بود
 و استر نهاده زن ناز آید و بود استر که منفعت و یا فتن مراد بود استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مای بود
 که مردم بدان معیشت کنند و اگر بنید که استخوان فرا گرفت و بر آن استخوان گوشت بود و دلیل کند بر قدر آن گوشت شیر مال یابد

است

است

و اگر بنید که بی گوشت بود دلیل کند که اندکی خیر بدو رسد و اگر بنید که کمی استخوان داد دلیل که از او بپاکس خیر رسد که می گوید اگر بنید
 که استخوان کسی را شکسته بودی بست دلیل کند بزرگی و صنعتی که او ناکون باید و کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بنیوانی از وی
 بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن استخوان بخواب هفت وجه بود اول مال و مال دوم خویش و بنیم فرزندان چهارم قهرمان
 پنجم مال ششم برادران هفتم یار و اناز بود و استغفار بر بداند که استغفار کردن استغفار الله بود بمعنی آمرزش خواستن از خدا می گویند
 این سیرین گوید اگر بنید که در خواب استغفار میکرد دلیل که خداوند تعالی بر او مال و فرزندان ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است
 قوله تعالی وَاَمْسَحْهُ وَادْكُكْ اِنَّهٗ كَانَ عَقًّا وَاَيُّسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكَ هُدًى وَاَوْفِيْدَهٗ كَمْ يَأْمُوَالُ وَبَيْنَ حَضْرَتِ صَادِق
 علیه السلام فرماید که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم تو بکردن از کفایتان
 اسطرلاب کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بتاویل صاحب سلطان بود و مهر بزرگ اگر بنید که اسطرلاب داشت یا از کسی بخیرد یا کسی بدو داد
 دلیل که از صاحب سلطان کرد و مهر قومی کرد و اگر بنید که اسطرلاب موضوع کرد و بدید یا شکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد
 جابر مغربی گوید اگر بنید که در اسطرلاب با قباب نگاه میکرد دلیل که لشکر سلطان یا بشغل امیران وی مشغول کرد و از ایشان خیر و
 منفعت بنید و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب در خواب مردی بود که ویراثاتی نباشد و بر کار نا پاینده نبود اسفاناج ابن سیرین
 گوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل اندیشه و غم بود و خوردن وی دلیل بر ضررت و نقصان مال بود اما اگر بنید که گوشت پنجه بود و خوردن
 و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت کند بر قدر پنجه خورده بود اشتراک ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول بنید که ثواب میفت
 دلیل کند که بسفر رود و اگر بنید که بر شتری جولان می کرد دلیل که غلجین و تفکر کرد و اگر بنید که بر شتری نشسته بود و راه که کرده می راند و نشسته
 که راه راست گجاست دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ تدبیر او نتواند ساخت و اگر بنید که ماده شتری یافت دلیل کند که زن خواهد که
 شتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر بنید که شتر از پس او پی دوید دلیل که غلجین کرد و اگر بنید که شتر از وی رو کرد و ای
 و بطبع او نشد دلیل که اندو گدین کرد و دانیال گوید اگر بنید که بر شتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بنید
 که با شتر جنبک و نبر و میکرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود در راه با وی خدمت افتد و اگر بنید که ربه شتر از راهی چنانید و دوست
 که از ملک او بود دلیل کند که ویرا و لایقی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر بنید که شتر از راهی دو شید دلیل که از پادشاه مال
 یا بد بر قدر آن شیر که دو شیده بود و اگر بنید که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر بنید که ماده
 شتری کسی بدو بخشید یا از کسی او بخیرد دلیل که زن خواهد یا اینکه بخرد و اگر بنید که ماده شتری که از او بدو بکر نجات یا دزد بدو دلیل
 که از زن جدا شود یا در میان ایشان خدمت افتد و اگر بنید که ماده شتر او بمرد دلیل که زنش بمیرد و اگر بنید که گوشت شتر بخورده
 دلیل که زنش بچه آورد و مالش زیاده کرد و اگر بنید که ماده شتری دید یا بمیدی که دارد برسد و اگر بنید که گوشت شتر بخورد
 دلیل که بیمار کرد و کرمانی گوید اگر بنید که گوشت شتر بسیار بدو داد دلیل که مال یا بد بختدار گوشت شتر و اگر بنید که شتر را
 قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد و دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان کرد و یا بمیرد و اگر بنید که شتر مجهول

استغفار

اسطرلاب

اسفاناج

شتر

در پس او همی آمد دلیل که سرشته و متفکر کرد و اگر بنید که شتر بر اقره و زبون خویش کرد و دلیل که دشمن را مقهور و زبون خویش
کرد و اگر بنید که رستم شتران و نه مینی یا در وی جمع میکرد و بنید دلیل که در آنجا دشمن جمع شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری
در مردم آموختن مستولی کرد و اگر بنید که شتران بار کند و وجود آشتند دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر کوید اگر بنید
که بر شتر کیسه نشسته بود دلیل که اندو کین کرد و اگر بنید که از اندام شتر وی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا باید بقدر آن
خون و اگر بنید که مهار شتر می کشید دلیل که با مردی فرمانبردار او خصوصت افتد اگر بنید که در میان شتر بسیار یافت دلیل که بزرگی
فرمان روائی یا بد بر جاعت بیایان کرد و اگر بنید که دو شتر یافت دلیل که مال یا بد و اگر بنید که کسی ویرا شتری داد دلیل که بقدر قیمت
آن شتر منفعت یا بد از کسی اگر بنید که قومی شتر می بکشند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل که در آن موضع مردی بزرگ میرود
و مال ویرا قسمت کنند میراث انجیل اشعث کوید اگر بنید که شتران بسیار داشت و ذالت که آن جمله ملک و است و از شتران
اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب یا دوشاه کرد و اگر شتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم یا دوشاه کرد و اگر زنی بنید که شتر را بخورد
دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست شتر نیز زمین دلیل دارد بعضی از معبران گفته اند که میراث یا بد اگر بنید که شتر با سخن
گفت دلیل که ضرورتی بدور حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن شتر در خواب برده وجه بود اول پادشاه عجمی و دوم مردی امیر ستم
مردم و من چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال دوازدهم عربی دلیل بر مردم عرب کند و شتر عجمی دلیل بر
مردم عجمی و بدانکه شتر بانی تباویل خداوند تبارک و تعالی است بود و راست کننده کار او و همچنین است شتر مرغ ابن سیرین گوید
که شتر مرغ در خواب مرد بیابانی بود اگر شتر مرغ ماده بود زن بیابانی بود اگر بنید که شتر مرغ ماده گرفت یا کسی بدودا دلیل که زنی بدین
صفت که گفتیم بخوابد یا کینه بخورد و اگر بنید که بر شتر مرغ نشسته بود دلیل که بسفر بیابان رود و بعضی از معبران گفته اند که مردی بیابان
غالب کرد و دو بکاری بزرگ رسد کرمانی کوید اگر بنید که شتر مرغ را بخت دلیل که بر مردی بیابانی دست یابد و او را قهر کند و اگر بنید که
خایه شتر مرغ یا پیاستخوان او دشت دلیل که از مردی بیابانی ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که بچه شتر مرغ دشت دلیل که دزد
مرد بیابانی او را حاصل کرد و جابر مغربی کوید اگر بنید که با شتر مرغ بنشیند و آن شتر مرغ او را مطیع بود و او را در هوا برود و دیگر باره
از هوا بر زمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر رود و باز آید با مرد و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بنید بدودا شتر غار ابن سیرین
گوید که دیدن شتر غار بخواب دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که شتر غار را گرفت یا کسی بدودا و از او همی خورد دلیل که بقدر
آن غم و اندوه خورد اگر بنید که وی آنرا بجای داد یا بفروخت دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که شتر غار داشت و بخورد
شتر همی داد دلیل که آنکس از بهر آن شتر اندوه کین کرد و اگر شاک کرمانی کوید اگر بنید که اشک سر و از چشم او همی بارید
دلیل که شادی و خرمی یا بد اگر بنید که اشک بارید دلیل که غمگین و درو مند کرد و اگر بنید که بی که استن اشک
بر روی او بود دلیل که ویرا سخن طعنه زنند اگر بنید که در چشم وی بجای اشک کرد و خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن
مالی حلال بی رنج بدور رسد و اگر بنید که اشک بروی او فرو آمد دلیل که مال خویش را نه زینت کند حضرت صادق

شتر

شتر

شتر

فرمایند که آنکه در خواب دو وجه بود اول پادشاه ظالم و متکبر و خودخواه و دوم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی ببیند که
 آنکه داشت دلیل که عمر او دراز بود و آلودگی سرخ ابن سیرین گوید اگر در خواب آلودگی سرخ و سیاه را بوقت خواب ببیند دلیل بر مال و
 خواسته بود و آلودگی زرد دلیل بر بیماری کند اگر ببیند که آلودگی زرد با سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود و فرا گرفت یا کسی بدود و او بخورد و دلیل کند
 که بقدر آن مال خواسته میاید اگر ببیند که آلودگی زرد در وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش
 بود بهتر بود این سیرین گوید امامت کردن اگر ببیند که پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم بهتر کرد و وجه تالیف
 نشود چنانکه امام تالیف امام باشد و اگر ببیند که جماعتی انبوه در نماز بودند و پدر گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود باو که امامی کن و او پیش رفت
 و امامت کرد دلیل کند که در آن دیار میر و فرمان روا کو و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود
 و اگر ببیند که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که برایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سیرین گوید اگر ببیند که امامی
 میکرد و لیکن نشسته بود و دلیل که بیمار کرد و اگر بپوشته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود میرد و آن قوم بروی نماز کنند
 و اگر امامی را بخواب دید دلیل که شرف و منزلت یابد بقدر شرف و منزلت امام و اگر ببیند که امام را ولایتی همی داد یا با امام در خانه
 رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام طعام خورد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بد و رسد جابر بخیر گوید اگر ببیند که با امام بر جفا بود و دلیل
 کند که با دولت و ولایت با وی شریک بود یا در سجده یا در روی یا در شهری اسمعیل است که گوید هر چیز که او امام در خدایش زیادت
 بیند در ولایت و بزرگی او زیاده کرده و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت او نقصان کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید
 که امامی کردن در خواب شش وجه بود اول فرمان روالی دوم پادشاهی بعدل و انصاف سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم
 منفعت ششم بهیمنی از دشمن و اگر ببیند که امامی زمان کرد دلیل کند بر کرده ضعیفان و الی کرد و اگر ببیند که امامی از آسمان فرود
 آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر ببیند که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روالی یابد
 امر و ابن سیرین گوید که خوردن امر و بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود بیماری
 بود اگر ببیند که امر و میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار کرد و اگر نه پیش کام او بود و اگر امر و بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین
 بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود و اگر مالی گوید امر و سبز و شیرین بوقت خود دید یافتن امر و بود و اگر
 ببیند که امر و را همی خورد و دلیل بر منفعت بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن امر و در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال
 دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن امر و پنجم منفعت و اگر ببیند که پادشاه امر و میخورد و دلیل کند که از مردی بزرگوار
 منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود انار و انیال گوید که اصل انار بخواب مال بود لیکن بقدر بهمت مردم خاصه که
 بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر ببیند که انار از درخت برید و بخورد و دلیل کند از زنی
 با جمال منفعت یابد این سیرین گوید اگر انار شیرین بخواب ببیند مال جمع کرده بود و بعضی از معتبران
 گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیاید و انار ترش غم و اندوه بود و اناری

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

که نداشتن یا شیرین بود تفسیرش چون انار شیرین بود جا بر مغربی گوید اگر کسی بنید که انار شیرین بوقت بی خور و دلیل کند که هزار
درم باید یا اینکه کمترش پنجاه درم بود که باید و باشد که آنچه دنیا گرفتیم درم باید پس معبر باید که بقدر قیمت و بزرگی مردم تاویل کند
و اگر بنید که انار بیستان بی خور و دلیل که بعد و سه دانگ و او را چوبی بنهند در همه چیز انار ترش خوردن و روقت و بیوقت بد بود و حکم
انار شیرین میانه بود که انی گوید اگر کسی بنید که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر باز در کان بود قماش و متاع او رواج کرد و او اگر مسافر
بود و دلیل که غرضش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بنید که دانه های انار یافت یا کسی بد و او دلیل که بوقت آن و بیارنجی رسد
اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انار شیرین یا پوست و پیه آن میخورد دلیل که از همه چیز بر خور واری یا بد حضرت صادق علیه السلام
فرماید که خوردن انار شیرین در خواب بر سر نه وجه بود اولی جمع کرده بود و دوم زن پارسا نیم شهر آبادان ولیکن انار شغم بود
استمیل اشفت گوید اگر پادشاه بنید که اناری داشت ولایت یا شهر یا بد و رئیس را و بی بود و باز در کازا ده هزار درم و باز از این
هزار درم و مردم در و بیشتر ده درم یا یک درم بود آنچه سیرین گوید که خوردن آنچه بنج خواب اگر وقتش بود و اگر بیوقت بد بود اگر
بنید که انجیری خورد و با جمع میکرد یا کسی بد و بنجش دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد و باشد که کاری کند که از ان پشیمانی خورد که انی
گوید که انجیر زرد و بنج و بدین خوردن دلیل بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون بطعم
شیرین بود زبانی نازد و انجیل ابن سیرین گوید اگر بنید که انجیل می خواند دلیل کند که از حق باطل فریفته گردد و خوردن می شود این
سیرین گوید اگر بنید که از کتاب انجیل می خواند دلیل کند که او کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بد و رسد و اگر از بر میخواند دلیل که از حق
باطل گردد و دوستدار ترایان شود انداختن مردم ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که کسی را بنیداخت دلیل که خصم بر وی خیره
کرد و اگر بنید که بر کسی سنگ انداخت دلیل که سخن سخت کسی گوید و بعضی از معبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بکناهی متهم کنند
و اگر کسی بنید که سفال انداخت بهم خشن درشت بود که کسی گوید و معبران گویند اگر کسی بنید که شکر یا بادام یا قند بنیداخت اگر انگرس
معروف بود دلیل کند و بداند مقدار عطا یا بد و اگر جمود بود بدان مقدار که کسی انداخت حیثیت و عطا یا بد و اگر کسی بنید ازین خورد و بنها
که گفتیم سوی چهار پایان انداخت دلیل که مال خویش بر جانان نرسد بنید اندامها ابن سیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بنید که افزون دلیل
کند خویشان و اهل بیت او زیاده کردند و در وضع خویش مقیم بود و اگر بنید که اندامهای او بریده شد یا از تن او بقیه دلیل کند که بسفر رود و خویشان
او بر کشته کردند و اگر بنید که اندام خویش میبرد و پر کند دیگر دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهر یا رانده کند که انی گوید اگر کسی بنید که باره
گوشت از اندامش ببرید دلیل کند که نکس خیر و منفعت رسد و اگر بنید که اندامی از تن می جاند دلیل کسی از مال او چیزی بستاند و اگر بنید که گوشت
از اندام خویش می برد و پیش مرغی افکند دلیل که انال خود چیزی بکشد جا بر مغربی گوید اگر بنید که اندامی از تن وی با خون کشت دلیل بود که در خلق برسد و
قوله تعالى قالوا انطقنا الذي انطق كل شيء و اگر بنید که اندامی خویش را بی همیفت دلیل که کاری کند که بران اعتماد دارد و اگر بنید که اندامی
از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی خویشان او بفرست افتد و اگر بنید که اندامهایش از روده بود و دلیل که بیمار گردد و اگر بنید که مرغی از اندام می باره
گوشت بر بود دلیل که او را چیزی بر زور بستاند و اگر بنید که گوشت خویش می برد و پیش مرغی افکند دلیل که او را چیزی بکشد جا بر مغربی گوید که اندامی از اندامها جدا شد دلیل کند

خبر

نجیب

نزد صفت

زیر

که بر است نبوده ام فضل گوید که بر بول خدا عرض کردم یا رسول الله خدای منکر و دیده ام فرمود چه دیدی عرض کردم خواب
 دیدم که پاره از اندام تو بریدند و بر کنارها و اندر بول خدا فرمود که فاطمه اگر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از فاطمه حسین موجود
 آمد و در کنار تو بزرگ شد و او را می پرورید انگبین که را می گوید که انگبین در خواب نیست بود از ناله ها و یکی بود و اگر دارا زبیر که در وی
 شقای در ده است و شهید روزی بسیار بود چنانکه حقتالی در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی فِيهِ شِفَاءُ لِلنَّاسِ حضرت
 صادق علیه السلام فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم کام دل یافتن و بر انگبین روزی
 بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی وَآتَيْنَاكَ الْبَلَاءَ وَالتَّلَاقَ انگشتان ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست در
 تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان و برادر بود و بعضی از تعبیران گفته اند که انگشت مہین دلیل نماز باشد و انگشت
 سبجہ در نماز دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز و انگشت بنصرہ دلیل بر نماز شام و انگشت مخصرہ دلیل بر نماز حقتن و
 صلاح در نماز بود و اگر بند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی گویند که فرزند یا برادرش بمیرد
 رسد که را می گوید اگر بند که انگشتان را بر هم گذاشته داشت دلیل که تنگ دست کرد و اگر بند که انگشتان را با هم جمیع کرد دلیل که کار
 برادران و فرزندش را صلاح آورد و اگر بند که انگشتان را بگرداشت در هم بسته بود دلیل کند که کار را بروی بسته کرد و دو انگشت
 او جا بر مغزی گوید که اگر بند که انگشت مہین او بریده است دلیل که قوت مالش بود و اگر بند که انگشت سبجہ او بریده است دلیل که در فرضیه
 نماز را تقصیر کند و اگر بند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی یا دولتی یا بزرگی بمیرد و اگر بند که انگشت بعد از میان
 او بریده است دلیل کند که ویرا در مال زیان افتد و اگر بند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او بمیرد و اسمعیل شعث
 گوید که انگشتان پای و خوابیدن دلیل بود زینت و آرایش و اگر انگشتان پای را داشت و قوی بنید دلیل کند که کار که خدای او ساخته کرد و اگر
 بخلاف این بند کار وی ناساخته کرد و اگر بند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن نتوانست دلیل کند که ویرا غمی سخت رسید
 بسبب رفتن مال و اگر انگشتان دست و پای را کسر بنید دلیل کند که کار وی باز گزند شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن انگشتان
 در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم برادر زاده کان سیم خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز و اگر بند که انگشتان
 وی سفتا و یا بریده شد دلیل کند که انگشتان که گفتیم او را مفارقت افتد و اگر بند که انگشت اول انگشت دلیل کند که یکی از
 اہل بیت او بمیرد و خلف اصفہانی گوید اگر بند که انگشت مہین او بشیر می آمد یا از انگشت سبب او خون می آمد دلیل که انگشت یا با در
 زن خویش فساد کند و اگر بند که انگشت او آواز برآمد دلیل کند که در میان خویشان او گفتگو رود و انگشت ششمی در نال گوید که
 چون بند نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بدو خیر و نیکی رسد و اگر بند که انگشتی کسی بوی داودا چیزی بدان مہر کند دلیل
 که از آنچه لایق او باشد بر خیزد یا بد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد پادشاهی بیاید و اگر تو انکر بود مال یا بد بقدر و بقیعت انگشت
 و اگر بند در سجری یا در نماز یا در غزائی انگشتی بوی داودا اگر انگشت زاهد و عابد بود و اگر باز بزرگان بود نصیب او نفع تجارت
 بود و جمله ہمین قیاس بود و اگر بند که انگشتی سلطان بوی داودا دلیل کند که از مملکتی سلطان بوی دهد یا دلیل که از مملکت

سبب

نکشت

نکشت

سخاوت بدی بدورسد یا بنحو ایشان و می بیند که کسی بنیک که انگشتری او ضایع شد یا دزد و بدلیل بود که در کارهای او
 افتاد و دشواری پدید آید و اگر بنیک که انگشتری او شکست و بیکان او یا بدلیل که بزرگی وجاه او نباشد و آبرو و پیشش بر جای بود و اگر بنیک که انگشتر
 نمکین را شکست و دلیل کند که آبرو و پیشش بشود و وجاه او برجا ماند و اگر بنیک که انگشتری خود را بیکشی بشید دلیل که از آنچه دارد از مال و ملک
 برخی از آن بخت شد و اگر بنیک که انگشتری خویش را فروخت و بهایست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفرشند و بپزینند و اگر بهایست آنچه دارد
 برخی از آن بفرشند که می گوید اگر بنیک که صنعت انگشتری او را پسندیده است دلیل کند که زمانی که دارد چیزی بشود و پادشاه بروی چشم
 کبر و اگر بنیک که انگشتری او را پسندیده بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده حلال بود و اگر انگشتری از زر بنید دلیل که آنچه دارد از مال
 مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بنید آنچه دارد اندک و مختصر بود و اگر بنیک که انگشتر از هفت جوش یا از سپیدی بود
 دلیل بود بر آنچه در این گفتیم که بنیک که انگشتری او از زیور بود و تبر بود و مختصر از آن جمله بود که هفتیم جابر خبری گوید اگر بنیک که انگشتر می
 انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بنیک که از برنج یا از مس بود دلیل کند که از مردمان بی اصل منتفع یابد و اگر بنیک که
 بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدورسد و اگر بنیک که از سیم است از جایی چیزی بدورسد و اگر بنیک که انگشتری خویش نزد کسی بماند
 بنیاد یا بر آن بشید و آنکس هم انگشتر بدورد کرد دلیل کند که زنی بجای بخوابد و اجابتش نکند و زن بدورند و اگر بنیک که انگشتری
 خویش را شکست دلیل کند که در میان او و عیالش جدائی افتد و اگر بنیک که انگشتری او دو نمکین است یا کسی بدودا و گدازد و نمکین
 موافق بگوید که اند دلیل که خداوند انگشتر غلام زاده بود و اگر بنیک که از آن دو نمکین یکی بقیضا و دلیل کند که از دو کناه کپی را تو بکشد و اگر بنیک که
 نامیده نوشته بود و با انگشتر خویش مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بنیک که نامشکسته و مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکار آید و
 رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول ملک دوم زن سیم فرزند چهارم مال و انگشتری پن
 ینک بود و اگر زنی بنیک که انگشتری با نمکین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف گردد و اگر دالی بود و مال
 کرد و اگر زن بدورسد و مهرش بمیرد یا فرزندش انگور دانیال گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بوقت ترس و بیم بود
 و تمیز آن گفته اند بعد دهر دانه انگور که خورده بود زخم خوب یا تازیانه بر او نهد و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت و خیر دنیا بود و پیش از آنکه
 امید دارد و بقیه وقت دلیل کند که از دژان خداوند خوابی چیزی بیرون آید و پیش بر صفتی بود و اگر انگور سرخ بنید بهین دلیل
 کند که بزرگوار گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل برائی کند که بدشواری بدست آید و انگور سرخ بوقت خود خوردن دلیل بر
 منتفع اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید و هر انگوری که پوست او روشن بود دلیل بر ابله لال کند
 و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر ابله حرام بود و هر انگور یک بدیدار سرخ نماید دلیل بر عز و جاه کند و هر انگوری که بدیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند
 و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر ابله و جاه نماید و عروزی بشیر کرد و جابر گوید اگر کسی بنیک که انگور بر صحنه می نشاند دلیل که خدمت
 پادشاه است و اگر بنیک که آن محضر از خشت و گل بود دلیل که خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر محضر از خشت پخته یا از گچ و سنگ است
 بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و با هیبت کند و اگر بنیک که انگور و طشت همی نشاند دلیل که خدمت زنی بزرگ کند

و اگر بید که انکور در کاسه می نشاند و دلیل که خدمت شخصی نیست کند و اگر بید که انکور می نشاند و شیر می آید آن در خیمه های جمع کرد و دلیل
 که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بید که انکور در محصره با اهل و عیال می نشاند و دلیل که او را و عیال او را
 در خدمت پادشاه منفعته رسد و اگر بید که خواب در محضر خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از بسبب مروی حاصل کند و کرد و
 حضرت صادق علیه السلام فرماید که انکور سیاه و سفید بوقت خود و بوقت برتره و وجه بود اول و فرزند نیک و دوم علم و انیسم مال
 حلال و نشودن انکور در خواب هم آنحضرت گوید که برتره و وجه بود اول مال باخیر و برکت و دوم فراخی نعمت و سیسم از قضا امان یافتن
 قوله تعالی عَافٍ فِيهِ يُلَاقَى النَّاسَ وَفِيهِ يَصِيحُ اَهْلُ الدُّنْيَا ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بید که بروی در افتاد و دلیل
 تشویش او بود و خاصه در جنگ خصوصت و اگر بید که از جایگاه بی بر افتاد چنانکه از کوهی یا از بنای یا از دیواری دلیل کند که از روی
 در روی بود تمام بسیر نشود و مرادش حاصل نکرد و کرانی گوید اگر کسی بید که از جایگاه بی بر افتاد و دلیل بود که امید دارد بر نیاید
 و ناسید کرد و اگر بید که از کوه بی بر افتاد و دلیل که حالش بد کرد و دو بقدر افتاد و ن بزن او رنج رسد و اگر بید که زخمی سخت بوی رسد
 و خون از آن عضو روان شد دلیل که بقدر آن زخم زبانی رسد و اگر بید که پایش تلخ بید و بقیه و دلیل کند که رنجی المی بدو رسد
 و اگر بید که بقیه و رنجی بدو نرسد دلیل کند که سهل آسان بود و اگر بید که از آستانه خانه او وارد و کرد و در نزد کان بقیه و دلیل کند که
 او را از پادشاه یا از کسی بزرگ غم و اندوه رسد و اگر بید که بام خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا که امید
 ندارد و بدان سبب خرم و شادان کرد و دو کارش کثاوه شود و الله اعلم بالصواب **حرف الباء من کتاب کامل التفسیر**
 با و ا هم ابن سیرین گوید که با و ا در خواب دیدن نعمت و روزی بود لیکن بخصوصت بدست آید اگر بید که با و ا گرفت و دلیل
 بود که بقدر آن ویرانیت و روزی بود و دشوار بدست آید و معتبر آن گوید که تاویل با و ا در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او
 بید بپزد بود کرانی گوید که بید که با و ا با پوست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از مر و بخیل چیزی یا بدستختی اگر بید که از مغز با و ا در غن
 بیرون آورد و دلیل کند که از مر و بخیل ویرانیت و غن منفعته رسد جابر مغزی گوید که دیدن با و ا در خواب ثل نعمت بود
 اما اگر با و ا با پوست بید دلیل کند که ازال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون با و ا با پوست بید دلیل که مال باسانی
 بدست آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن با و ا در خواب بر دو وجه بود اول ثل نهانی حاصل کرد و دوم از بیماری شفا
 یابد و آنکه پادشاه ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بید که خواب دلیل بر پادشاهی بود اول آنکه بید که پیغمبر علیه السلام او را م کرد
 و دوم آنکه بید که علم شریعت و روزیم آنکه گوش سپهر پیش خود بید یعنی منتظر اقامت و نماز بود چهارم آنکه بر منبر علیه السلام خطبه و پنجم آنکه جابر
 رسول پوشیده ششم آنکه اکثر می بید که در انکشت وارد و هفتم آنکه بید که او آفتاب یا ماه تاب کرد و دهم آنکه بید
 که تن او رود خانه شده است نهم آنکه بید که چشم او دیوار شهر شده است دهم آنکه بید که چشم او محراب مسجد
 جامع شده است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انکشتی دهد دوازدهم آنکه بید که چشم او مانند کادی شده است
 این دوازده چیز در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و یا دشااهی و انیال گوید اگر بید که پادشاه او جاب و کلاه

نوع

سجده

سجده

داد دلیل که بر مردمان خویش رئیس و والی گردد و اگر بنید که بر سر پادشاه بکشد و پادشاه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او و اگر بنید که بر سر پادشاه بکشد و پادشاه دلیل بود بر بدی حال پادشاه و اگر بنید که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر صحابه بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بنید که پادشاه را با دو گرفت و بفروشد دلیل که ملک جهان بکشد و بر آن قرار گیرد و اگر بنید که پادشاه درید دلیل که بنید خواب تو را مگر کرد و اگر بنید که پادشاه در کوچه یا در سرای او در آمد چنانکه در آمدن او براری و انکار بود دلیل که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قول الله ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها وجعلوا اعشارها اذلة و اگر بنید که در آمدن او آنجا چیزی منکر نبود دلیل بود که هیچ مضرت و زیان باحل آن موضع نرسد گرانی گوید اگر بنید که پادشاه بر دو نقش مکر و در وی مکرستند و نفس نساختند و جزا زده او بر داشتند دلیل که بعضی از سرای او حراب کرد و پادشاه که متفکر دل و رنجور کرد و اگر پادشاه بخواب بنید که بر سرای او بود یا سرای او که بود دلیل بود که هرگز ملک او را زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بنید که کسی را میکرد و یا کسی سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود و از غم و اندوه و خلود و مراد چنانکه حق تعالی فرموده سلام عليكم طيبتم قلوبكم فادخلوها خالدين و اگر پادشاه بنید که رسد در دست داشت یا دست در رسد زده بود دلیل بود که برادر راست رود و بر جاده عدل انصاف اقامت نماید قول تعالی و اغنصموا بحبل الله جميعا و با بر مغربی گوید اگر بنید که در نزد پادشاه بزرگ بودی دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را ورنه باسی نیکو بنید در سرای یا در کوچه که مشرب با بود دلیل که نیکو باری و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه و وی و خدم و حشم و مال و خزاین او و اگر بنید که پادشاه را نقصانی بود و تا پیش خلاف این بود گرانی گوید اگر بنید که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاهی بروی نماند و اگر پادشاه بنید که برین فرو شد دلیل که از روی پادشاه او را حرمت و منزلت بغیر از حضرت صادق علیه السلام فرماید که کسی پادشاه را کشاده روی و خرم بنید دلیل بود که کار او کشاده گردد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بنید دلیل که کار می کند که زود و اصلاح باز آید و اگر حاجب پادشاه بنید دلیل که از شغلها فروماند و با عاقبت بر او برسد و اگر بنید که پادشاه را بنید دلیل که او را از کسی طاعت رسد و اگر ملازمان پادشاه را بنید دلیل که شغل و عمل او اصلاح آید و اگر اعوان و ندیان پادشاه را بنید دلیل که کار او کشاده گردد و اگر وزیر پادشاه را بنید دلیل که کسی او را طاعت کند و چیزی که از دست او رفته بود بدست او باز آید و اگر چاکران دلیل که بنید دلیل که کسی او را طاعت کند که از شغل و دین عاجز گردد و اگر پرده را ز پادشاه را بنید دلیل بود که کار بسته او کشاده گردد و اگر متغنه زن پادشاه را بنید دلیل که کسی او را وعده دهد بدروغ و اگر زندانیان پادشاه را بنید دلیل بود که شکنجه مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بنید دلیل که مراد او زود حاصل گردد و اگر وزیر پادشاه را بنید دلیل که کسی آنچه میجوید بیاورد و اگر سلاح پادشاه را بنید دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر کاپار پادشاه را بنید دلیل که کسی سخن دروغ و بی حاصل شنود و اگر غاشیه دار پادشاه را بنید دلیل که او را

ختم و اندوه رسد و اگر جامه در پادشاه را بنید دلیل که کار او نیکو کرد و او اگر دوات در پادشاه را بنید دلیل که او را از زمان چری
حاصل کرد و او اگر خاندان را پادشاه را بنید دلیل که خرم کرد و او را حاصل کند اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که پادشاه بنهری در آمد
و بر پادشاه آتش غلبه کرد دلیل که کار آتش نه نقصان یافت پذیر بود و اگر بنید که پادشاه در شهر اوتی خانه او نجفت دلیل
کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عیش فرماید یا تیل این سیرین کوید که پاتیل در خواب دیدن که بانوی خانه بود
و اگر بنید که پاتیل نوخیزید یا کسی بدو داد دلیل کند که بانوی خانه را آفت رسد کرانی کوید اگر بنید که در پاتیل چری بود و از خودی
دلیل بود که او را از که بانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بنید که در پاتیل چری ناخوش بود و از طعامها دلیل بود که او را از که بانوی
خانه ضرر رسد این سیرین کوید که دیدن پاتیل در خواب چیزی زیاده نبود و این سیرین کوید اگر کسی بنید که باو سخت می جست
دلیل بود که مردم آند یا را بیم و ترس بود و اگر بنید که باو چنان سخت بود که در حان را می کند و خرابی می کرد دلیل کند که اهل
آن دیار را بلا و مصیبت از غلت طاعون و سرخه و مانند این کرانی کوید که باو موم و در خواب دلیل بر بیماری می سر و کند و باو
معتدل سر و دیدن در خواب دلیل بر بیماری شوریده بود در آن دیار و باو معتدل دیدن دلیل بر تند رفتی بود و از مردم آند یا
و موجب نیکویی و کسب آند یا کند و اگر بنید که باو را از جای بجای میسر دلیل کند که سفری دو کند و در آن سفر جاه و بزرگی باشد
آنکه او را باو زمین برده باشد و اگر بنید که باو را کرد و تارکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آن قوم جابر مغربی کوید که
بنید که او را باو سخت بسوی آسمانها برود دلیل که اهل او نزدیک بود و اگر بنید که او را باو آسمان زمین آورد دلیل بود که او را
کرد و عاقبت شفا یا به حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باد در خواب بر نه وجه بود اول بشارت دوم فرمان روائی سیم مال
چهارم مرکب پنجم عذاب ششم گشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بنید که بر باد نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی
یا بد اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که باو مغرب نرم جست دلیل که مردم آند یا را مال و نعمت زیاده کرد و اگر بنید که باو شمال
نرم می جست دلیل کند بر شفا و راحت آند یا را و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بنید که آواز باد می شنید دلیل که خیر پادشاه
بزرگ در آن دیار گسترده کرد و اگر بنید که باو مردم آند یا را برگرفت و بر هوا برود دلیل بود که آن مردمان شرف و بزرگی
یابند باو را گردان این سیرین کوید که اگر کسی بنید که در میان مردمان باو را که چنانکه مردمان آواز از آتش شنیدند
دلیل که سخنی زشت کوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا کرد و اگر بنید که باو نرم را کرد
و آواز از آتش شنیدند وایش بخلاف این بود و اگر این خواب مروی شنید دلیل که او را خرمی رسد کرانی کوید
اگر بنید که باو را کرد و آواز بلندی و بوی ناخوشی داشت دلیل کند که کاری کند که مردم بر او
تشنیع کنند و او را اطلاعات کنند و بدی او کوید و اگر بنید که آواز داشت و بوی ناخوشی نداشت دلیل کند
که آن کاری بیفایده جدا کرد و خیرش در آن بود و اگر بنید که بر قصد باو را کرد و مردمان بر او بخندیدند
و او شرم میداشت دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته کرد و حضرت صادق علیه السلام

باز

باز

باز

بدر

بدر

بدر

بدر

بدر

فرماید که باد را کردن در خواب بر چهار وجه بود اول سختی زشت دوم تشنج سیم کرمی بلامت چهارم رسوائی اگر بنید که
 باد را قصد دارد که دلیل بود که آنکس بدوین و بد مذہب بود با دروک نوعی است از ترسان بن سیرین کوید اگر بنید که
 باد دروک می خورد و دلیل بود که حاجت او روا گردد و مراد باید زیرا که رسول خدا فرمود الْحَدِيثُ مَا أَطْيَبُكَ وَمَا
 أَطْيَبُ رَائِحَتِكَ یعنی بوی خوش و چه خوش بویی تو حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن باد دروک در خواب
 سه وجه بود اول حاجت رسوائی دوم کام یافتن سیم دیدار غایب دیدن با دروک سیم برانکه باد ریه معصوم و دروک بود که
 کوید اگر بنید زنی که باد ریه بیافت یا کسی بدو او دلیل بود که او را خادمه یا کنیزکی حاصل کرد و اگر بنید زنی باد ریه
 از دروک او بیفتاد دلیل که مهر او از شوهر بریده گردد با دروک بخان ابن سیرین کوید که باد بخان خوردن در خواب اگر بوقت
 بود و اگر بی وقت و اگر نچته بود و اگر خام دلیل بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک او یکسان بود و زمانی
 کوید اگر بنید که باد بخان بسیار داشت لیکن جمله را نچشید یا بفریخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد و دلیل
 بود که از غم و اندوه رسته گردد با دروک شدن ابن سیرین کوید اگر بنید که بر پشت بار سبک داشت دلیل که بقدر جنس آن
 بار ویران منفعت رسد و اگر بنید که بر پشت بار کران داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار کند قوله تعالی لِيَجْزُوا أَوْدَاقَهُمْ كَامِلَةً
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوْدَاقِ الَّذِينَ كَرُمَانِي کوید اگر بنید که بار بسیار داشت و دانست که از ملک او است دلیل بقدر جنس بار
 ویران منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بنید آن بار ملک آن نبود و غیره شران بخدا و در خواب با دروک و باران و انبال کوید که باران
 در خواب رحمت و برکت بود از خدا یتالی بر بندگان چون باران عام بود و همیشه جاری رسد قوله تعالی وَهُوَ الَّذِي يَقُولُ
 الْغَيْثُ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ السَّحَابَ و در خواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود بوقتی که مردمان باران نخواهند
 بهتر باشد اگر آن باران خاص بود چنانکه سیران کوچه آن باران سخت می بارید و جز آنجا جای دیگر نبارید اینچنین دلیل کند
 بر رنج و بیماری بر اهل آن موضع و حتی که بایشان رسد و اگر بنید که باران آهسته می بارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل آن موضع
 و اگر بنید که اول سال یا اول ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاد پیدا کرد و اگر بنید که باران
 تیره و سخت بود که بسیار بدلیل کند بر بیماری که در آن هلاک کرد و ابن سیرین کوید اگر بنید که باران سخت نه بوقت خویش می بارید
 دلیل بود که در آن ایام از لشکر رنج و بلا رسد و اگر بنید که آب باران مسیح میگرد و دلیل کند که از ترس و بیم امن کرد و اگر
 بنید که باران بر سر وی می بارید دلیل بود که بسفر رود و با سود و منفعت باز آید و اگر بنید که باران بر سر مردمان
 چون طوفان می بارید دلیل بود که در آن دیار مرگ و مفاعات لغو باشد پدید آید و اگر بنید که از هر قطره باران
 آواز می آمد دلیل کند آواز عزت جاه او زیاد کرد و اگر بنید که آب باران مسیح میگرد و دلیل بود که از ترس و بیم
 امن کرد و اگر بنید که باران عظیم می بارید چنانکه جو یا ازان روان بود و زنی بدو نرسید دلیل که پادشاه
 تعصب کند و شروی از خود باز دارد و اگر میث که ازان جو یا شواست کند شت دلیل که شتر پادشاه از خود

دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا می آید و در باران دلیل کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع پیدا آید که مالی کوید
 اگر بیند که بجای باران انگبین نمی بارید دلیل که نعمت و غنیمت در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که بنید از آسمان می بارد تا پیش از خنجر
 آنچیز بود و اگر بیند که آب باران نمی خورد و آب آن صافی و روشن بود دلیل کند که تقدیر آن خیر و راحت بعد رسد و اگر بیند که آب باران تیره و
 ناخوش بود دلیل که بر قدر آن سرخ و بیماری کشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باران در خواب بد و آزارده و وجه بود اول رحمت
 دوم برکت سیم فریاد و سوختن چهارم سرخ و بیماری پنجم بلا ششم کارزار و هفتم خون رختین هشتم فتنه نهم قحط دهم آمان یافتن
 یازدهم کفر و دوازدهم دروغ بارانی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بزن او بارانی بود و او در خدمت پادشاهی بود دلیل بود که
 نام نیک او و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش گردد و اگر بارانی از جهت جامه بر او بود دلیل است که او را فایده دین و دنیا
 حاصل گردد که مالی کوید اگر بیند که بارانی او از پشتش بود یا از کتفان یا از پنبه و بگونه سبب بود دلیل بر نیکی او و اما بارانی زرد و
 بر سرخ و بیماری بود و اگر بارانی کیو بود دلیل بر گناه و معصیت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت که از جانب
 بد رسد باروی ابن سیرین گوید که باروی شهر و قلعه و ده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و مهربان گویند که باروی شهر
 دلیل بر پادشاه بود باروی ده دلیل بر خداوند و کند اگر بیند که باروی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوت و نیکی حال پادشاه
 و اگر بیند که باروی شهر بنفقا و خراب شد اگر جمله بنفقا و دلیل بر پلای پادشاه کند و اگر برخی از آن بنفقا و دلیل بر پلای والی
 بود و اگر بیند که باروی پراکنده و دند دلیل بود که پادشاه نو در آن شهر مقیم گردد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بیند
 دلیل کند که والی نو در آنجا مقیم گردد و اگر مالی کوید که باروی شهر آنچه نزدیک دروازه شهر بود تا پیش عیش و امین
 بود و آنچه در پس آن شهر بود و باشد و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در باروی بیند دلیل برین پنج گونه بود که ذکر
 کرده شد یا از ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و آواز مطیع او بود یعنی بردست و می نشست
 دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازی سفید بردست او نشست دلیل که از پادشاه قدر
 منزلت یا بدو اگر بیند که باز از دست او بنفقا و بدو دلیل بود که از منزلت بدو پیشی و بیچارگی افتد
 که مالی کوید اگر بیند که بازی سفید یافت اگر از مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت
 یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشد دلیل که او را فرزندی آید
 صاحب جمال حسن و جاه و اگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه نصیبت افتد و از او خیر و
 منفعت یابد و اگر بیند که بازی بکریخت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان کرد و دلیل که آن زن را پسری خوب روی پیدا
 آید و اگر بیند که بر پای آن باز و نکل زین یا سحرین بود دلیل که آن زن را دختر آید یا برغری گوید اگر کسی بیند که بازی یافت و او را
 بکشت دلیل که اگر انگش از مردم پادشاه بود مغرول گردد و از عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را رنج و غمی رسد از جهت اهل بیت اگر
 بیند که باز از دست او پیروی باز نیاید و اگر این خواب پادشاه دیده بود دلیل که ملک از دست او برود و اگر

بیماری

بیماری

سخت

بازوی

برنج

بخت

بچه

برنج

باز باید و بدست او نشست تا ویش آنکه ملک و قدرت یا بدست خداوند علیهم السلام فرماید که چون ببیند که باز مطیع او بود
تا ویش بر پنج وجه بود اول ارش دویم شادی سیم بشارت چهارم فرمان پنجم یافتن مراد و مال بقدر قیمت باز از خود
درم خاصه چون باز مضید و مطیع او بود و چون مطیع نباشد تا ویش بر چهار وجه بود اول پادشاه شکر دویم حاکم که میل کند بدین سیم
فقیه خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر نبرد یا زوی ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست
معتد یا انبار اگر ببیند که بازوی قوی بود دلیل بود که ویران ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که
او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر ببیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی بازوی او را برید دلیل کند که برادر یا
دوست یا انبار او از دنیا رحلت کند یا زوی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بازو در خواب
برخاستن وجه بود اول برادر دویم فرزند سیم انبار چهارم دوست پنجم پسر ششم همسایه بازو بند کرمانی گوید بازو بند
زیرین اگر ببیند که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر بازو بند سیمین داشت دلیل
کند که دختر خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب نبیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر ببیند که بازو بند
سیمین یا آهین داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر ببیند که بازو بند ششکست یا ضایع شد تا ویش
بخلاف این بود یا پس داشت ابن سیرین گوید که پاس داشتن در خواب بر دو وجه بود اگر ببیند که پاس اهل صلاح
میداشت دلیل بود بر خیر و منفعت و وجهانی و اگر ببیند که در سراسر پای پادشاه یا سبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت
یابد و اگر بازو کانی این خواب را ببیند در تجارت سود بسیار کند و اگر ببیند که پاس اهل صلاح دور ع میبداشت دلیل که از
ایشان خیر و منفعت دنیا ببیند و یا سببان در خواب دیدن خداوند قدر و منزلت و ولایت بود و تبار کار را دارد
و مردم در انتقام او باشند یا شنه پایی ابن سیرین گوید پاشنه پایی در خواب دلیل بر نظام کار و کسب مردم کند
و اگر ببیند که پاشنه پایی او بشکست دلیل بود که بکاری مشغول گردد و کاری که از آن پشیمانی حاصل گردد و اگر ببیند که
پاشنه پایی او بشکافت یا مجروح شد همین تاویل دارد و اما اندامش از آن کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی
ببیند که پاشنه پایی خود می برید و بخور و سباع و درنده میداد دلیل کند که آنچه بکسب حاصل کرده بود بخور و
و بهر شمنان دهد و اگر ببیند که پاشنه پایی او بیفتاد دلیل که او را کار و کسب نباشد و درویش و بیچاره گردد
باغ دیدن و انبال گوید که دیدن باغ بخواب زن بود و اگر ببیند که باغ را آب هم داد دلیل که بازو
خویش مجامعت کند و اگر ببیند که باغ را آب میداد و تر نمی شد دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت طلبد
و اگر ببیند که در باغ کل و ریچان میکشت دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر ببیند که در باغ شفتالو
میکشت دلیل کند که او را فرزند می آید که نزد علم و ادب بیاورد و اگر ببیند که در باغ اورچان دست
و بالاکشیده و بوی او بد باغ میرفت دلیل بود که او را فرزند می بود و لیردانا و خردمند و بوی ریچان دلیل بود

هر فرزندان که باغ خود را بسز و آبادان قاپ روان و کوشک بنید و از میوه درختان میخورد و از میوه داشت و با
زن خود در تاشا بود و دلیل که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر بنید که در باغ آبادان بود و از میوه درختان میخورد و دلیل
بود که زنی توانگر بخوابد و از او مال و نعمت یابد و اگر بنید که در فصل خزان در باغی مجبول شد و از درختان بر کاهنیت
دلیل کند که غم و اندوه بدور رسد و اگر بنید که در باغ کوشکها بود و سبزه و آب روان و درختان زنی صاحب جمال او را
بخواند دلیل بود که بهشت و حور العین و آخرت باید و دلیل کند که درجه شهیدان حاصل کند و اگر بنید که باغی داشت
یا کسی بدو او میوه آن باغ میخورد و دلیل کند که زنی مالدار بخوابد و مال او را بخورد و اگر بنید که در باغ بود و میوه
از درخت بلند بروی همی افتاد و دلیل بود که با مردی شریف او را خصومت افتد و بروی غالب گردد و اگر بنید که در
باغ بر سر درخت خفته بود و دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشد که زنی کوید که باغ در خواب مردی بود و بزرگوار مال
جمال و اگر بنید که در وقت بهار یا تابستان باغ خرم گشته بود و در او میوه درسته بود و کل و ریاحین شکفته و
آب روان و او در میان باغ نشسته دلیل بود که مرگ او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در تابستان
باغی بنید معروف یا مجهول و میوه های آن شیرین بود و بر کهای درختان ریخته بود و دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و حالیکه
پادشاه از خدمت و چشم باز نماند باشد و اگر بنید که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب رود و باغ را از اصل برکنند
خراب کرد و دلیل که پادشاه آن دیار را بهم لاک بود یا بسبب سلاطین بزرگ آن پادشاهی معزول گردد و اگر بنید که استخشی باید
و درختان آن باغ را سوخت و دلیل که پادشاه را مرگ مفاجات رسد و اگر در خواب بدید که در باغ اشتران بودند و دلیل بود
که پادشاه آن ملک بر دشمنان ظفر یابد و اگر در باغ کوفته اند و دید دلیل که از پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت عظیم
پادشاه را بدو و اگر در آن باغ پرندگان بنید دلیل که لشکر پادشاه بر عهد و وفا باشد اما برایشان اعتماد نبود و اگر بنید که
از آن باغ میوه جمع میکرد و بجان میبرد و دلیل بود که بقدر آن ویران و منفعت رسد و اگر بنید که در باغ پیغمبر جمع میکرد
دلیل منفعت بود و از پادشاه لیکن بسختی ورنج باید جابر مغربی کوید که اصل باغ در خواب شغل مردم بود و بقدر هیبت و اگر در
باغ سبزه بنید دلیل بود که کارش نیکو گردد و شغل وی آراسته شود و اگر باغ از سبزه و میوه خالی بنید دلیل کند که کار او نیکو گردد
و اگر باغ خرم و آراسته دید کسی او را گفت که این باغ از آن فلان است و او میوه از آن باغ میخورد و دلیل که بقدر آن از خداوند
باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان ندید دلیل بود که
پادشاه بر رعیت جور و ستم کند و اگر بنید که بدست خود باغی نوساخت و درخت نشاند و میوه برآمد و دلیل بود که زنی توانگر زنی
خواهد و مال و نعمت و فرزندان حاصل کرد و اگر در آن باغ بوقت خویش انکسور دید دلیل بود که مال و ممتلكات یابد و بقدر بهشت
خویش حکایت آورده اند که مردی پیش سلیمان آمد و گفت ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و در وی
میوه های بسیار بود و در آن باغ دیدم که خوک بزرگ نشسته بود و مرا گفت که این باغ ملک آن خوک است من از آن

زن از وی جدا گردد یا طلاقش دهد جابر مغزنی گوید اگر بیند که یا لان پاکیزه نودشت دلیل بود که زن مستور ساز کار بخوابد و او مشغول
 منفعت یابد و اگر بیند که یا لان ورشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی منفعت یابد
 بالش ابن سیرین گوید که بالش در خواب خادم بود بیند خواب را اگر بیند که بالشی نو فر گرفت و آن بالش سبز بود یا سی
 بوی داد و دلیل که او را خادم یا خدمتکاری مصلح یا رسا پیدا کرد و اگر بیند که بالش او کهن و چرکن و زرد و سیاه بود تا پیش بخلاف
 این بود و اگر بیند که بالش او بدربید یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع کرد و یا بگریزد یا رنج و
 بلائی بدو رسد و سبب آن از وی جدا کرد و کرمانی گوید اگر بیند کسی از خانه او بالش بدزدید دلیل بود که کسی از پی زن او
 میبرد و که او را بفرزند یا از پی کنیز می و متبران گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مردی بیند که
 بالش بسیار یافت دلیل بود که تقدیر آن بالشها او را خادمان و کنیزان حاصل کرد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش او
 بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان او برونند یا بگریزند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود
 اول خادم و دوم کنیز یک سیم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پیر نیز کاری و عدل بام اگر بیند که بر بام خانه مهول بود دلیل
 بود که زنی خواهد بر قدرت بیاید یا بام با قدر و رفعت اگر بیند که بام آتشناه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش
 بر نظام گردد و جابر مغزنی گوید که اگر بیند که بر بام خانه یا دشت بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بسیار آواز
 جاد و منزلت میفتد و او را اندوه رسد بانگ و استشن جانوران محمد بن سیرین گوید که بانگ و استشن جانوران مرد
 بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را بانگ میکروند از جانی دور اگر خواب داد و دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که
 جواب نمیدهد دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که آواز کرستین می آید دلیل بود که شادمان کرد و اگر بیند که آواز می شنید دلیل
 بود که چیزی را خوش نشود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که حاجت او را کرد و در دشمن ظفر یابد و اگر بانگ و استشن
 شود که راهتی بوی رسد و زود زایل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که کسی بانگ میکرد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از
 معبران گویند که البته مردی بوی رسد از بهر آنکه بسایم دروغ نگویند و اگر بیند که خرابانک میکرد از دشمنی و جاملی فریاد و استشن
 شود و قوله تعالی إِنَّ أَفْكَارَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيمِ و اگر بیند که شربانک میکرد دلیل که حج رود یا به تجارت و
 در آن ویراسود و منفعت یابد و اگر بیند که کوفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی و پراخیز و منفعت رسد و اگر بیند که از نرغاله
 بانگ شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهوانک میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل کرد و اگر بیند که شیر
 بانگ میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که ملنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد
 و اگر بیند که یوزبانک میکرد دلیل که کسی بروی چشم کیرد و بروی کبر کند و اگر بیند که کرک بانگ میکرد بر دشمن ظفر
 یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بیند که رو باهی بانگ
 میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن با وی مکر و حیله کند و اگر بیند که کره بانگ میکرد دلیل بود که او را

تجرب

ج

تجرب جانوران

از دزد و سیم بود و اگر بنید که شتر مرغ بانک میکرد و دلیل کند که خادم دلیر باید و اگر بنید که کرس بانک میکرد دلیل بود که از خبر مردی
 بزرگ نمکین کرد و اگر بنید که بانک میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بنید که کبوتر بانک میکرد دلیل بود که خبر سرشکان پادشاه
 شنود و اگر بنید که کلاژد بانک میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بنید که خروس بانک میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانمرد شنود
 و اگر بنید که چیل بانک میکرد دلیل که خبر اندوه و مصیبت شنود و اگر بنید که بوم بانک میکرد دلیل همین بود و اگر بنید که فاخته بانک میکرد
 دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بنید که تذر و بانک میکرد دلیل که خبر بی باحال شنود و اگر بنید که طاوس بانک میکرد دلیل که خبر پادشاه
 عجیب شنود و اگر بنید که کلنگ بانک میکرد دلیل که خبر مردی درویش شنود و اگر بنید که لک بانک میکرد دلیل که خبر مردی متقانی
 شنود و از آن خرم کرد و اگر بنید که کبک بانک میکرد دلیل که خبر بی نیکو شنود و اگر بنید که بانک کجبان حشی شنود دلیل کند که خبر بی متور
 شنود و اگر بنید که بانک کلاغ می شنود دلیل که خبر مردی حرام خواره شنود و اگر بنید که گنجشک بانک میکرد و خبر خوش شنود و اگر بنید
 که بلبل بانگروستان بانک میکرد و خبر طریقی یا نوحه کردی شنود و اگر بنید که سار بانک میکرد دلیل همین بود و اگر بنید که مرغ آبی
 بانک میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بنید که بط بانک میکرد و خبر مصیبت کسی شنود و از اهل او و اگر بانک بچکان مرغ شنود
 ماتم و مصیبت رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانک همه خان و در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را بفال بد آرند
 که بانک او اندوه و مصیبت بود و بانک تار ترس سیم بود و از شنیدن ابا بانک زنبور و ملخ و دلیل بر ترس سیم بود و بانک وزغ دلیل کند که
 در جنسی فروید یا جاب مغربی گوید اگر بنید که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانک سبکین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه بود
 و هر چند بهتر خبر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش بن سیرین آمد و گفت که خواب دیدم که دایه جفنده بامن سخن میگفت
 ابن سیرین گفت که ترا اجل نزدیک آمده است **قوله تعالى وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ**
أَنَّ النَّاسَ و چون بگفتند برآمد آنم راز دنیا حلت کرد و بانک نماز ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و مؤمن و مستور چون بنید که
 در جایگاهی معروف بانک نماز شنود یا بانک نماز بدلیل کند که حج بیت الله بگذارد **قوله تعالى وَاَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ**
يَا أَيُّهَا النَّاسُ و اگر بانک نماز در جایگاهی مجهول بود و مردی و یا پسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بنید دلیل که
 او را بدزدی بگیرند و اگر بنید بانک نماز از مسجد یا از مناره و بدلیل بود که مردمان را بخندانند و اگر بنید که در بستر خفته بانک نماز
 میداد دلیل بود که بازن خود الفت دارد و اگر بنید که بانک نماز در خانه خود میداد دلیل بود که غفلت و درویش کرد و گویند کسی از
 اهل بیت او هلاک کرد و اگر بنید که بانک در چاه یا در سراپا میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود و اگر بنید که بانک نماز
 در کوچه میداد دلیل بر جاسوسی کند که رانی گوید اگر مردی بنید که بازن خود بانک نماز میداد دلیل بود که از دنیا حلت کند
 بزودی و اگر بنید در کلبه های بانک نماز زیادت و نقصانی را دلیل بود که بر مردمان ستم و بیداد کند
 و اگر بنید که کودکی بانک نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گویند و اگر بنید که بانک نماز در کرم یا بهیداد دلیل
 بر حالی او بود و درین دنیا و اگر بنید که بانک نماز در قافله یا در شکرگاه میداد تا ویش بد بود و اگر بنید که مجوسی در

تجربیات

زنجان بانگ نماز میداد و اقامت کرد و از زندان رفتی باید و اگر بنید که بانگ نماز بلند و بازی میداد و دلیل که ملاک کرد و اگر بنید که
 بر سر کوهی بانگ نماز میداد و دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بخدا ایتعالی خواند و اگر بنید که در مناره بانگ نماز میداد و دلیل بود که بزکی
 و فرمانروائی باید و اگر بنید که در کعبه خانه بانگ نماز داد و دلیل که در کاخ حق حیات کند و اگر بنید که در صواب بانگ نماز داد و دلیل بود که بسفر
 زود شود و در آن سفر هیچ و بلا کشد و در پیمان و اگر بنید که در میان کوهی بانگ نماز کرد و دلیل بود که در میان قومی تنگتر گرفتار آید
 و با وی خیانت کند و اگر بنید که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده و به بانگ نماز میکرد و دلیل که عقل از او زایل کرد و اگر بنید که
 دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کامل بود کسی او را بخدا ایتعالی خواند و اگر بنید که بانگ اقامت نشنود
 دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ نماز در خواب بر دوازده وجه بود اول حج دوم سخن
 سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم مردن هشتم مفلسی نهم خیانت دهم جاسوسی یازدهم منافقتی و بدینی
 دوازدهم بریدن دست پانزدهم ابن سیرین گوید که یکپاره پانزده خواب دیدن سخن خوش و لطیف بود یا دوسه بود که بفرزند عیالی
 یابد یا بدستی و پدر و اگر پانزده بسیار بنید نعت و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده و اگر بنید که سر زنی بخوار و پانزده بخشید دلیل بود
 که مال نعت دنیا بید و بقدر آن کارش بنظام گیرد و اگر بنید که پانزده بسیار داشت و جمله را بخشید یا از وی ضایع شد دلیل است
 که اگر نعت داری و جمله را نفقه کنی یا از وی ضایع کرد و پامی و انیال گوید اگر کسی بنید که یکپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال
 از وی ضایع کرد و اگر سر و پای بریده یا شکسته بنید دلیل بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد و متبر آن گویند که اگر کسی سر و پای خود را
 بریده یا شکسته بنید دلیل بود که بسفر شود و اگر بنید که پای او آهین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بنید که پایش آهین
 بود دلیل که عمرش زود سپری کرد و مالش نماند زیرا که آهین را بقا و قوت نبود و اگر بنید که پایش شل یا مستلا شده بود دلیل بود برستی
 و ضعف حال او با آنچه طلب کند از خیر و شر این سیرین گوید که اگر صالحی بنید که پایش شل شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او و توالی و کلا
 علی الاخر هر چه حرج و اگر بنید که پاهای او برین بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی دهد و اگر بنید که پایش بنود و بچوب راه میرفت
 دلیل بود که عطا و بر کسی کند و از آنکس و فانی بد و اگر کسی عامل پادشاه بنید که سر و پای او بریده بود دلیل بود که از عمل
 مغرور کرد و مالش تلف شود و اگر بنید که پای او آهین بود دلیل بود که مالش نماند و اگر بنید که پایش مسین بود و پایش
 زربین سپهر دلیل کند و اگر بنید که پای او درد مند بود دلیل که او را زیانی رسد و اگر بنید که پای او بستونی بسته بود این تاویل بهتر بود
 زیرا که درخت چون مردی بود و ستون چون مرده و اگر بنید که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در جانی فقر و فاقه بود و دلیل بود
 که در گرفتاری و حلیتی گرفتار کرد و بقدر آنکه پای وی در آن سخت شده بود و اگر بنید که پای در جاکپایی یا در کوری بلغم بنید دلیل بود که
 از کار دین و دنیا باز ماند یا کسی سخت بد و گوید که از آن رنجور کرد و اگر بنید که پای سبزه روی همی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب کمال که بخوبی
 کرمانی گوید که سر و پای تاویل مادر و پدر باشد و ضعیفی و نقصانی که در پانزدهمین دلیل بریده مادر کند و اگر بنید که پای بسیار داشت
 دلیل کند بسفر شود و اگر در ویش بود تو آنرا کرد و دودین بیش پای خود دلیل نیت مرد بود و حصول مال و طاعت که

سجده

سجده

کرده بود جابر مغربی گوید که اگر بنید که پای او چون پای شتر یا پای کاه بود دلیل بود که قوه و مالش زیادت کرد و اگر بنید
 پای او چون پای اسب بود یا پای خر دلیل بود که قوت و جاه او افزون کرد و اگر پای خود چون پای درندگان یا دوان میزد چندی
 حرام حاصل کند و اگر پای خود را چون چنگال مرغان بنید دلیل بر قوت و معصیت است او بود و بر دشمن ظفر یا بد حضرت صادق عم فرماید
 که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش و دوم غم و سیم سحر کردن چهارم طلب مال پنجم قوه ششم سفر هفتم زن و پادشاهی
 در خواب غم و معصیت بود پای او بخشن ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بنید که پای او بخشن در پای داشت دلیل بود
 که او رنج بود و اگر بنید که سیم بود رنج و سختی او کمتر بود و کرمانی گوید که پای او بخشن زن از ناشوئی و زن از نایک بود و پیراسپانی
 زن از نایک بود و مرد از احرام و اگر بنید که او بخشن از پای بیرون کرد یا از زوی ضایع شد دلیل بود که عکس از وی رنج و دل کرد و
 بنده نهادن ابن سیرین گوید که اگر بند بر پای خود نهاد و بنید دلیل بود که ترسان و هراسان کرد و اگر بنید که در پای او دو
 بند نهاد بود او در سجد بود دلیل بود که او از دین ثبات بود یا در نماز یا در غزای یا در کار کرد یا در آن صلاح دین بود و کرمانی گوید که
 بنید در خواب بند را که در پای خویش بند بود و او را غم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر ماند و در آنجا مقیم که دو هر چند که بر پای بند
 قوی تر و محکم تر بنید دلیل که افتادش در آنجا بیشتر بود و اگر بند را خ بود بهتر باشد که نک بود و اگر بنید که بندش از سب بود پس دلیل
 کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بود بر آنچه که نکست یا کرده شد و اگر بنید که بندش از سب بود مقیم شدن از بیرون بود و اگر
 بنید که او چون چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین بود جابر مغربی گوید که اگر جابری بنید که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن رحمت
 خلاصی یابد و اگر پادشاه بنید که بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایدار بود حضرت صادق عم فرماید دیدن پای بند خواب
 بر سه وجه بود اول ثبات در دین و دوم زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الحکمه هر که در خواب بنید که در پای او بند بود و اگر بنید که
 نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی بود همچنین پای تابه ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بنید مال بود چون
 بر پای سحیده بنید سفر بود و اگر بنید که پای تابه بر پای چنانکه مسافران آنهک بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و تشنه نبود دلیل بود
 که زود از دنیا رحلت کند و اگر بنید که پای تابه خویش بفرخت یا کس بنید دلیل بود که او ضایع کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که
 پای تابه در خواب بر سه وجه بود اول مال و دویم سفر سیم مرگ بود و سیکه بر پای سحیده و تنه اعظم بیابان کرده پاچه ابن سیرین
 گوید اگر کسی در خواب بنید که پاچه گوشت سبی خورد و دلیل بود که چیزی نعمتی بدو رسد بقدر که خورده بود و اگر بنید که پاچه کاه
 سبی خورد دلیل بود که در آن سال او را فراخی و نعمت بود و بر اندازد خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب دلیل بود خوردن
 مال تیمان بقدر که نخورده بود خاصه چون بنید که خام بخورد یا پاندهائی کردن ابن سیرین گوید که اگر در خواب بنید که کسی پاندهائی
 همیکرد دلیل بود که در کالکس مقیم و پایدار بوده از او جدا نکرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که پاندهائی کردن در خواب
 بر سه وجه بود اول مقیم شدن آنکس که پاندهائی او کرد و دویم غایت کردن با وی سیم خیر و منفعت بدو رسد و اگر بنید که
 از پاندهان کسی بیرون آمد و اویش بخلاف این بود بهر ابن سیرین گوید که بهر جانور است درنده و از جمله سبع است

پای او بخشن

بنید

پاچه

پاچه

پاندهائی

سبع

و دشمن شیر است و دیدن وی در خواب دشمن قوی دلیر بود لیکن کریم و مهربان بود و اگر بینید که بابر در نیر و جنگ بود و در
 قهر کرد دلیل بود که بر دشمن چیره کرد و اگر بینید که بر وی را قهر کرد دلیل بود که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بینید که بر او بی ترسان
 بود و میگریخت از دشمن امین کرد و اگر بی گداز بود که پست و استخوان و موی بر در خواب دیدن مال و منفعت بود که از دشمن بدو رسد
 بقدر آنچه دیده بود و اگر بینید که بر برشته بود و او مطیع بود دلیل بود که دشمن مطیع او کرد و پست ابن سیرین گوید اگر بینید که بت
 می پرستید دلیل بود که بر خدایتی دروغ گوید و بر راه باطل بود و اگر بینید که بت انچه بود که او را می پرستید دلیل بود که
 منافق بود و در دین و اگر بینید که آن بت از سیم بود دلیل بود که از بهر سوامی نفس تقرب کند بزی که با وی میل دارد و اگر بینید
 آن بت از زر بود دلیل بود که ملیش بکار کرده و جمع مال بود و اگر بینید که آن بت از آهن بود یا از مس یا از زر بود دلیل بود که
 غرضش از این صلاح دنیا و طلب متاع او بود و اگر بی آن بت از جواهر میزد دلیل که غرضش از این پادشاهی و خدمت و شتم
 بود و اگر بیند آن بت از جواهر دور شد دلیل بود که غرضش از این جمع کردن مال حرام بود و اگر بینید که بت در خانه بود از عقل و
 دانش خود فرمانده و متجرب کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بت در خواب بر سر وجه بود و اول دروغ باطل و دوم شک
 منافق سیم زن منفذ فریبده بخشش کردن ابن سیرین گوید اگر بینید که مال خود را بکار خیر بخشش میکرد دلیل کند که فرزند
 خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزن دهد و مال خود برایشان قسمت کند و اگر بینید که مال خویش بر او فساد و بخشش میکرد
 دلیل کند که سویی فساد و حرام کراید و اگر بینید که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل کند که هاشم هم بک او هم نزدیکانی
 او برانده کرد و اگر بی کسی بخشش میکرد و بر خدای خداوند مال دلیل خیر و شرف آن بندگان و مال باز کرد و
 بخور کردن ابن سیرین گوید که بخور کردن بخواب مال بود از مردی بزرگوار و اگر بینید که از بومای خوش چیری بخور کرد
 دلیل بود که قدر آن از وی مال حاصل کند یا بمرزبی گوید که بخوری که آن خوشبوی تر بود و بینید که از خیر و منفعت بیشتر بود و اگر بخور خوشبوی
 نبود خداوند خواب تا ویش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دل بخور کردن بخواب بر سر وجه بود و اول مال بسیار دوم عیش
 خوش سیم نام نیکو سیر ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بینید که او را بر ما بود چون پر مرغ دلیل بود که او بهتری و بزرگی بود و بقدر پر
 و بعضی از معتبران گویند که پر دیدن بخواب قوه و پناه بود و اگر بی کسی پر دیدن که می پرید دلیل بود که سفر رود و کارش نیکو بود و اگر بیند
 که با خود پر مرغ داشت دلیل بود که قدر آن و پر از منفعت حاصل کرد و اگر بینید که پرهای او بیفتاد دلیل بود که از بزرگی و جاه بیفتد و مالش
 نقصان کرد و پر پهن ابن سیرین گوید که پر پهن دیدن بخواب دلیل بود بر اندیشه و غم و خوردنش دلیل بر حضرت بود و بر لب ابن سیرین گوید
 که بر لب بخواب لبها باطل دنیا بود و سخن دروغ و محال گویند اگر بینید که بر لب میزد دلیل بود که سخن دروغ و محال گوید کسی بدروغ مدح و
 ستایش کند اگر بینید که کسی پیش او بر لب میزد دلیل که سخن محال باطل شنود و اگر بینید که با بر لب میزد چنانچه میزد و میزد دلیل بر غم و مصیبت
 کند که با لب نمیشد اگر بینید که بر لب او شکست یا بیفتد دلیل بود که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر بینید که بیار بود و بر لب میزد دلیل بر
 مرگ او بود و اگر بی کسی بر لب استوار و ستاد و امیر و داور بر لب از زن ندانند اگر بینند خواب عالم بود دلیل کند

ب

بخشش کردن

بخور کردن

بهر
بخواب
بیند

بجاست

اولا کون

یا

یا

یا

یا

که مردمان اعلم و بیان نیکو گوید و باشد که این هر سه علم را بداند اول تفسیر و دوم فقه و سوم قصص و اگر بنده آن کسی که جاهل بود کاری کند که از ان تشل او را ز مردم ملات و سر نش رسد و اگر بنده که آواز بر طامی شنید دلیل بود که خبر زنی بزرگ شود و با آن زن ویرا دوستی افتد

بجاست ابن سیرین گوید که کسی بنده که از جای بجائی می جست دلیل بود که حال او بگردد و اگر بنده که بجائی دور می جست دلیل بود که بسفر رود و اگر بنده که در وقت جستن عصا و دست داشت دلیل عتاش بر روی قوی بود که رانی گوید که بنده که از جای بیرون جست دلیل است که از حال بد حال نیک کرد و اگر بنده که بهر جای که میخواست می جست دلیل بود بر قوت و توانائی وی چنانچه بر داری کرد و اگر بنده که از جای پاکیزه جست دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف بنده از حال صلاح با فساد آید

بر و اگر کرون ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که خواب دیدم که مردی را بر دو دست بر میدند و دیگر را بر دو دست کردند گفت که اگر این خواب راست میگوید امروز امیر شهر را معزول کنند و امیری دیگر بجای او بنشیند پس همان روز چنان شد و دیگر می بجای او نشست که رانی گوید که اگر بنده کسی را بر دو دست کردند و مردی در روی نظاره میکرد و دلیل بود که بر چندین مردمان بهتر کرد و اگر بنده کسی نظاره او نبود و شرف و بزرگی یابد لیکن در راه دین و بر وفاسق بود و اگر بنده که گوشت کسی را بر دو کرده بودند میخور و دلیل کند که آن کسی که مردم مستطاب بود بخور و خاصه که چون بنده که او را اثری نبود و اگر بنده که او را بر دو کرده بودند و خون از وی روان شد دلیل که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او بوجود آید حضرت صادق علیه السلام گوید که بر دو کردن خواب بر چهار وجه بود اول بهتر می دوم مال تنیم بزرگوار می چهارم غیبت مردم کردن پس و ابن سیرین گوید که بهترین جا میا بر دو کردن خواب بنده که بر دوازده بود و بگوید بر و سفید بود و یا جائه نواز بر دو پوشیده بود دلیل بود که فرخی نعمت یابد و بقدر آنکه جائه نیک بود و از اخیر و منفعت رسد و اگر بنده که جائه نکاشت و بگوید سیاه و بگوید و ناویش بخلاف این بود که رانی گوید که در وقت مردی بود که دین را بدینا اختیار کرده باشد خاصه چون بر دوازده بود و اگر بنده که در وی بر ششم بود دلیل بود که هم طالب دین بود و هم طالب دنیا و ابن سیرین گوید که هر که پرده خواب چیده که بر دوازده و نیم اگر تنگ بود و اگر سطل غم و اندوه بود و ترس بیم و در آخر کار و امیر کند و اگر بنده که پرده بر دوازده و نیم یا بر دو مسجد یا در میان بازار غم و اندوه بود و ترس غم رانی گوید اگر بنده که پرده ضایع شد دلیل که خداوندش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس بیم ایمن گردد و چون پرده بنده و معروف نبود غم و اندوه صعب تر بود و اگر معروف بود آسان تر بود و جابر مغربی گوید که پرده نو پا و شاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و پرده کهن بهر حال نیکو نباشد پرده داری محمد بن سیرین گوید که کسی خواب بنده که پرده داری میکرد دلیل که حاجتی که دارد و اگر در جاه عتاش زیاده کرد و جابر مغربی گوید که اگر بنده که پرده داری یا در شاه مصلح عادل میکرد دلیل کند که وی اصلاح و بخیر کرد و حال حلال یابد و اگر بنده که پرده داری یا در شاه مفسد و ظالم میکرد دلیل بفساد و ایل کرد و حال حرام یابد پس و ابن سیرین گوید که اگر بنده که پرده داری کسی بوی داد و دلیل بود که از کسی که از او جدا شده بود و موانعت کبر و در مقام او قرار گیرد و اگر بنده که پرده استوار بخت یا از دست بشکند دلیل بود که با کسی که موانعت دارد جدائی جوید و در وقت در رانی گوید که دیدن پرستود خواب مردی تو آنکر با خرد بود و اگر بنده که پرستود

ماده بیند زنی توانگر با خرد بود و اگر بیند که بر ستوا زوی سپهر پر دلیل بود که از مردی توانگر جدا گرد و اگر بیند که بر ستود دست او برود
 دلیل بود که یا راویمیرد و رنج و اندوه بیند جابر مغزنی گوید اگر بیند پرستوی فرا گرفت دلیل که از غنای فرج یابد و از ترس سیم این کرد
 برف ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود و اگر ندانند دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجا بکشد
 که پیوسته در آنجا برف بود و دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغزنی گوید که دیدن برف بخواب شکر میسر می شود و خاصه که
 بابر برف بیند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی دوم زندگانی سیم مال بسیار چهارم
 شکر بسیار پنجم بیماری ششم غم و اندوه اگر بیند که تابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد دلیل که که بعضی خوش
 گذارد و منفعت بسیار یابد که مال گوید که برف بخواب دیدن در سردی دلیل بر خیر و نیکو کند و در گرمی دلیل بر غم و اندوه و قحط و
 بیاز بود و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد و بهتر از آن بود که بوقت بود برف ابن سیرین گوید که برف و در خواب خزان در پادشاه
 بود و بعضی از متبران گفته اند که برف وعده کردن پادشاه بود و بدی و موطا عرا بطبع وی اگر بیند که برف را از هوا یا از آب فرا گرفت
 دلیل که کاری کند که در آن خیلی حیران بود و اگر بیند برف می خرد و شید دلیل که در آن سال نعمت فراخ بود خاصه که بابر برف یا دانه است
 بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برف در خواب بر پنج وجه بود اول خزان در پادشاه دوم وعده بد سیم خواب چهارم حجت پنجم راه است
 بر کشود ابن سیرین گوید که بر کشود در خواب استواری و محکم کاری بود و اگر بیند که بر سبی یا بر گستان نشسته بود دلیل بود که
 کاری محکم استوار گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم اقم کند جابر مغزنی گوید اگر بیند که بر سبی یا بر گستان در میان رزم میدوید
 دلیل بود که کار بر او بخت و دولت مساعد گردد و اگر بیند که بر گستان از آب او را افتاد یا ضایع کرد و دلیل بود که نامرادی
 یابد و در دست خصمان مغلوب گردد و بر پنج ابن سیرین گوید که بر پنج دیدن بخواب مای بود که بر پنج حاصل کرد و بقدر آن که دیده بود
 که مانی گوید اگر بیند که بر پنج نخسته همی خورد دلیل بود که حاجت او را کرد و خیر و نیکو بدو رسد و اگر بیند که بر پنج با گوشت نخسته همی خورد
 دلیل بود که بهتر بود و نیکوتر بود و بر پنج با شیر خوردن نبات نیکو بود و اگر بیند که بر پنج با دوغ نخسته همی خورد دلیل بر غم و اندوه
 بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر پنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم حاجت سیم خیر و منفعت که بدو رسد و میرسد
 ابن سیرین گوید اگر بیند که بر پنجاه داشت و از دست او پیروی دیگر بار بدست او آمد دلیل بود که حاجت او را کرد و اگر بیند که بر پند دلیل بود که
 بعضی از مال او رود و بر پند یا نیکو بر نیان در خواب چون تاول دید یا بود و شرح آن در حرف دال بیان کرده شود بره ابن سیرین
 گوید که بره در خواب اگر ز بود و اگر ماده بود و زن بود و اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را فرزند یا فرزند
 بروی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت بره را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی گوید که
 دیدن بره در خواب خیر و منفعت بود و نیکو مال هم هست بقدر بزرگی و کوچکی او و اگر بیند که بره داشت او را مال و غنیمت رسد
 بقدر آن اگر بیند که بره یا بز یا خال را بکشت و آنرا بخورد و زهر بکشد دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت
 صادق علیه السلام فرماید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم مال حلال سیم معیشت چهارم غم

٧

۱۶۷

9

2

07.

سنگی

نار

نار

نار

نار

واندود بر سر یکی محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را بر پشته بنید چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند دلیل بود که حج طلب کند و اگر بنید در خواب بر روی مستور صالح بود که گناہش عفو کرد و اگر خداوند خواب صالح نباشد دلیلش بد بود و گمانی که بد اگر کسی خود را بر پشته بنید و در طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که از آری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت مجتهد گردد و جابر مغربی گوید بر پشته در خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بنید و در صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود و حضرت صادق علیه السلام فرمایند که بر پشته در خواب بر صالح را خیر و نیک بود و در مفسد را بدی و رسوائی و بیخبری پیر و اهل ابن سیرین گوید که پروانه در خواب دیدن مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنادانی و در هلاک اندازد و گمانی که بد اگر بنید که پروانه از پس پشت او بر پشته و انگس او را گرفت دلیل که بنیزکی و دشمنی و از کند و از وی پستی آید اگر بنید که پروانه را یکشت یا در دست او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک کرد و پروت در خواب دیدن دلیل بر سبیت مرد کند اگر بنید که کسی بر روت او را بمقتضی نیاز است تا بویل نیکو بود و او را مضرت نرسد و اگر بنید که بر روت او در وقت پیراستن از تن بر پشته یا بستر و دلیل نقصان سبیت مرد بود و گمانی که بد اگر بنید که بر روت او رازنده بود دلیل که او را قوتی بود و اگر بنید که کسی بر روت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بنید که بر روتش سفید گردیده بود دلیل که از کار ناگردنی باز ایستد و اگر بنید که او را بر روت بود اگر در آن بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند و برج دانیال گوید که دیدن حل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سبیل و جدی پسر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدار صاحب شرط و شراب و پادشاه بود و ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بنید با مردی محترمی او را کار می افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بنید با مردی جاهل و نادان او را کار می افتد و حاجت او روا کرد و اگر جوزا را بنید او را با مردی فصیح و با زبان کار می افتد و حاجتش روا کرد و اگر سرطان را بنید او را با مردی بی اصل کار می افتد و حاجتش روا کرد و در بزرگی و جاه و بزرگی سبیل را بنید او را با مردی کثرت و زیاده کاری افتد و مرادش بر نیاید و اگر میزان را بنید او را با مردی قاضی کار افتد و هر چه ده دهد وفا کند و اگر عقرب را بنید با مردی دشمن یا با زنی مفید بد کار می افتد و او را رحمت رسد و نمکین کرد و اگر قوس را بنید او را با مردی سالار و بهتر کار می افتد و حاجت او روا کرد و خلق او را دوست دارند و اگر حوت را بنید او را با مردی غریب ساده دل و نیک رای هم بران کم سخن کار می افتد و حاجت او روا کرد و پیری بدانکه معبر از او درین خلاف است بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند خجست است و کام روائی در آن کار که بود ابو هریره گوید از رسول خدا مر ویت که دیدار پیری در خواب دولت و بزرگی بود و دست در دست او نهادن با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین گوید که پیری بخواب دیدن که نخجوی و شکو مان و خوب روی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر او را زشت نمکین بنید دلیل بر غم و اندوه کند و اگر سری خوش آمده بنید کار او تیره کرد و اگر پاری جنگ میگردید که کار او آشفته و گمانی که بد اگر پاری بی گمانند و خواب دیدار دوست و دولت بود و آنچه کار او آشفته و دیدار دشمن او را تیره و تار بود و گمانی که بد اگر کسی در خواب بنید که پیران بود دلیل بود که سیر شود و آن مغرور و مبارک بود و اگر بنید که پیری او را زدن گرفت و میرفت دلیل بر عز و جاه و بزرگی بود و اگر بنید که پیری او را

از کردن بنیادخت از جا و دوزخی بیفتند و اگر بنید که بریان بلطف سخن می گفتند دلیل بود که کارش نیکو کرد و اگر بریان در جامه
 نیکو بنید حالش نیکو کرد و اگر بریان در جامه بد بر بنید حالش بد کرد و اگر بنید که بری او را چیزی داد از زویم و آنچه بدین ماند دلیل بود که
 دولت و اقتبالتش زیادت کرد و در جای بر منبری کوید که اگر بریان یا مرده بنید دلیل بود که حال او بد کرد و اگر بنید که پادشاه بریان او را
 بنواخت دلیل بود که دولت یابد و مقرب پادشاه کرد و اگر بنید که بری جایگاه خویش ابد و نمود و خود را بد و عرض کرد و کاه خود را
 پنهان دلیل بود که زنی با وی کرد و خیانت سازد و اگر بنید که در خانه بریان شد و ایشان را می شناخت و دید دلیل بود که نصرت افتد و
 شهرت یابد و اگر بنید که بری او را همی بود دلیل بود که حاجت او را کرد و از جامی که امید نکرده حضرت صادق ^ع فرماید که دیدن بری در جام
 بر پنج وجه بود اول دوستی عزیز و دویم محبت و دولت و سیم کاری که دارد از آن کامرانی یا بد چهارم بزرگی و ششم بود پنجم خوش و بد
 و کارهای باطل بود و پرواز کردن و انبال کوید اگر بنید که چون مرغ از جامی بجائی می پزد دلیل بود که بسفر رود و بقدر بلندی
 بریان وی از زمین بلند می و شرف یابد و اگر بنید که راست آسمان میرفت دلیل بود که او را مصرت رسد و اگر بنید که چندان پرواز
 میکرد در هوا که آسمان رسد و در آسمان ناپدید شد و آنجا ناپدید شده بزمین نیاید دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند محمد بن
 سیرین کوید که اگر کسی بنید که از جانب قبله برید و باز بجای خویش آمد دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار خاصه چون
 بنید که بریان دارد و اگر بنید که بی بری برید دلیل بود که از حال خود بد کرد و اگر بنید که از بام خویش بر بامی دیگر می پزد دلیل کند که
 زن را طلاق دهد و زنی دیگر خواهد یا کثرتی خردگرانی کوید اگر بنید که بعبان آسمان برید دلیل کند که حج کند و اگر بنید که از سرای خود
 بسرای مجهول برید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند اگر بنید که بریان داشت لیکن بخلاف بریدگان
 دلیل کند که بیمار گردد و نزدیک هلاک رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بنید که از جامی بجائی برید و از همسر دلیل کند که سفر نزدیک کند
 حضرت صادق ^ع فرماید که بریان بخواب بر پنج وجه بود اول سفر و دویم حج سیم بزرگی چهارم تغییر حال پنجم بیماری و مرگ نهم و فائدت
 بر بیان محمد بن سیرین کوید که بریان در خواب خداوند بخشن بود و در فراخی طلب روزی و کوشش نخته بنا و بیل بهتر از کوشش
 خام بود گرانی کوید اگر کسی بنید که بریان از کوشش کوفته خورد دلیل کند که بقدر آن مال بر پنج خوشی بدست آورد و اگر بنید که بریان
 از کوشش کا و خورد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن کرد و اگر بنید که بریان همی خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد و
 و بعضی از معبران گفته اند که خوردن بره پنجه در خواب دلیل آمدن لیسری کند یا بر منبری کوید اگر بنید که بریان می خورد دلیل بود که
 او را از همتی منفعت یابد و اگر بنید که مرغ بریان می خورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بکوشد و حلیت بدست آورد و اگر بنید که ماهی
 بریان کرده می خورد دلیل بود که بسفر شود و به طلب علم یا محبت مردی بزرگ پیوندد و اگر خداوند خواب تنور بود و اگر مفسد بود دلیل
 بر رنج و غم و اندوه بود و دشمنی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خر بود و دیدن بریان
 و فروش در خواب بدی بود که بسبب می دیگران فراخ روزی کرد و بزرگ از بفراری جامه فروش بود و دیدن شتر
 بود عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دنیا را بود که دهند و ستانند و تاویل درم و دنیا را کرده و اندیشه بود و در آن

بنیادخت

بنیادخت

بنیادخت

نب

هیچ چیز نباشد لکن اگر بسای جامه زرد و دو یا چتری دیگر سازند نیک و برش دلیل بر نوع آنست که کند که ساد و بود که مالی کوید اگر کسی بخوابد
 بزرگی همیکه و بسای کالاد و دیار نمی ستند دلیل کند که او را اندوهی و زمانی رسد و اگر بنید که کالای دیگر بپوش کالای خویش بپوشد دلیل کند که او
 حاصل کرد و حضرت صادق م فرماید که دیدن بزرگ خواب زینت دنیا بود و بر این سیرین کوید که بزرگ خواب مردی بود بزرگ ماله بزرگی بود
 در خواب هم بر نینسان اگر بنید بزرگی مجهول آن بخت دلیل بود که مردی بزرگ ظاهر یابد و اگر بنید که پوست بزرگ بخت دلیل کند که مال بسیار است و نه پنهان کند
 و اگر بنید که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر بنید که بروی نشست و از هر جانب میراند دلیل بود که با مردی بزرگ و حیل کند و مال
 که خواهد او را کرد اند و اگر بنید که بزرگ از پشت خود بپیکند دلیل کند که آن مرد را از جاه و حرمت بپیکند و اگر بنید که در دوش زن بزرگ نشست
 دلیل کند که آن مرد را از عمل منع کند و اگر بنید که سر و نه پای بزرگ را زوق می زند بود و یا در عدد زیاد کرد و بدید بود دلیل بود که در عمل خود
 مهتر و قوی کرد و برایشان ظفر یابد و اگر بنید که موی او زیاد شده بود دلیل بود که مالش زیاد کرد و اگر بنید که چشم او بسته بود دلیل
 که بقدر آن مال از فرزندان و اگر بنید که ماله بزرگی را یافت یا کسی بدو بخشید دلیل که زنی بخوابد که مالی کوید و اگر بنید که ماله بزرگی بپوشد
 و شیر او را بخورد دلیل که از زنی مال یابد و اگر بنید که ماله بزرگ بخت و گوشت او را بخورد دلیل که از آن زن حاجت او را کرد و اگر
 بنید که ماله بزرگ از بهر گوشت بخت دلیل کند که فی شکاح بخوابد و از او فایده نگیرد و اگر بنید که ماله بزرگ خانه او برین نشاند دلیل که زن
 طلاق دهد و اگر بنید که ربه بزرگ خانه داشت یا بجای دیگر و آنست که ملک است دلیل که بقدر آن ویرا مال و نعمت و غنیمت است
 آید و اگر بنید که ربه بزرگ کو سفند و صحرا می چراند و بهر جا که میخواست میرد دلیل بود که بولایتی از عرب یا از عجم حاکم کرد و جابر مغربی کوید که
 اگر بنید که از گوشت ماله بزرگ خورد دلیل کند که بیمار کرد و دوزخ شفا یابد و پوست و چشم و شیر بزرگ خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر
 بنید که بزرگاله بدو داد و یا بسای یا بخورد دلیل کند که در پیرا فرزند یا برکت یابد و اگر بزرگاله را بخت دلیل که فرزند او مالک کرد و اگر بنید که گوشت
 بزرگاله را بخورد دلیل که از مال فرزند چتری بخورد و حضرت صادق م فرماید که بزرگ خواب مقدمه لشکر بود اگر بیک بزرگ یافت و بروی نشست
 دلیل بود که این مرد مقدم لشکر کرد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر کرد و حضرت صادق م فرماید که
 از پیغمبر شنیدم که فرمود که هر که بزرگ خواب بنید که بخرید و بچانه برد چهل درویشی از وی دور کرد و دیدن بزرگ خواب مردی بود که
 مردان و زنان را جمع کند که مالی کوید که بزرگاله در خواب بدین گوشت او خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از مبران کوید که مالی جمع کرده
 او را حاصل کرد و جابر مغربی کوید که بزرگاله بدین خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر
 غم و اندوه که بنید و قسطو نا این سیرین کوید که بدین بزرگاله را دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود
 بساط یا که بساط و خواب شاد و روان بود و اگر بنید که بساطی بهتر و بروی نشست دلیل بود که روزی بروی فراخ کرد و عمرش
 دراز بود جابر مغربی کوید که اگر بنید که بساط پاکیزه و نود و شست و بزرگ فراخ دلیل بود که نعمت و مال و بسیار کرد و خاصه که گسترده بنید
 که بساط خویش بفرودخت یا کسی بخشد دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بنید که بساط او بسوخت دلیل کند
 که روزی بروی بسته کرد و مالش بدو حضرت صادق م فرماید که بدین بساط و خواب چون بزرگ نبود و برتر جبه بود اول عز و جاه

تفسیر

بک

دویم بزرگی و دست سیم مرتب چهارم مال پنجم مردار ششم شهاب قدر بزرگی بدانکه چون بساط فروش بهایستان خلاف این بود
 بستر ابن سیرین کویدیکه بستر در خواب زن بود و نیک و بدان تعلق بر زن دارد و اگر بنیدیکه بستر یا بستر را بدل کرد یا از آن بستر
 به بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بنیدیکه بستر از حال خود تنگتر کرد و دلیل بود که زن او از حال
 بحال دیگر کرد و اگر بنیدیکه بستر وی بستر دیگر شد بستر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی نخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بنیدیکه بستر خوشتر
 بفروخت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بمیرد و گمانی که دیگر کسی خود را بر بستر محمول بنیدیکه
 که بقدر قیمت آن او را زبانی رسد و اگر بنیدیکه بستر وی بر تختی محمول گسترده بود و بروی نشسته بود و دلیل بود که بنیدیکه و منزلت یابد و
 دشمنان از قهر کند یا بر مغربی کویدیکه بستر در خواب لایق و تن آسائی بود و قوله تعالی **فَتَكُونُ عَلٰی فَرْشٍ بَاطِلٍ مِّنْهُمَا مِثْلَ نَسْتَبِقُ** و اگر بنیدیکه
 که بستر از خانه بیرون گذاشت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق حرجی افتد و اگر خوشتر را بستر یا چهار بهر یکی افتاد
 بیند دلیل کند که بشماره هر بستر بیانی خواهد یا کمینک خرد و اگر بستر خود را در خانه بنید یا در محاکم از آنجا بیرون نتوانست آورد و دلیل بود
 که زنش بخورد و در آن رخ غلامی نیابد و اگر خوشتر را بستر نرم گسترده بنیدیکه خفته بود و دلیل بود که آنسال بروی مبارک کرد و اگر بنیدیکه بستر او
 از پیشم آگنده بود و دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر بنیدیکه بستر او دریده بود یا سوخته بود و دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و
 عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد و اگر بنیدیکه بستر او بر ششیم بود یا بستر که با سیم بدل کرد و دلیل بود که زن فاسقه است بداده
 زنی ستوده خواهد و اگر بنیدیکه در بستر او پوش سوراخ کرده بود و دلیل بود که میان زن او کسی ناست و معاطی اتفاق افتد و فساد و خدایا و اگر بنیدیکه
 در بر معاطی بود و دلیل بود که بستر او در جایگاه میزند گسترده کرد و شغل او بالا گیرد دولت یابد و اگر بنیدیکه بستر وی از هوا بر زمین افتد و دلیل کند که زنش بیمار
 گردد و بعاقبت شفایابد و انیال عام کویدیکه بستر خود را بر بنیدیکه دلیل بود که زنی خواهد و نیز در بار و اگر بستر خود را سرخ بنیدیکه دلیل بود که زن او بر خور کار
 کرد و اگر بنیدیکه بسترش کهنه بود و نوشت دلیل بود که زنش از خلق بد خلق نیک باز کرد و اگر بنیدیکه کهن شد همچنین دلیل کند که از خلق نیک بد خلق بد یابد و
 و اگر بنیدیکه بستر او بر سر بود سرخ شد و دلیل بود که زن وی از صلاح بفساد وایل کرد و اگر خلاف این بود از فساد وصلاح باز آید و اگر بنیدیکه بستر او سرخ
 بود مفید گردد و بد یا زرد شد و دلیل بود که زنش از گناه توبه کند و بیمار گردد و چنانکه سیم مرک بود و اگر بنیدیکه بستر او بود و در زیر خود گسترده بود و بالمشها
 نهاده بود و دلیل بود که زن کند یا کمینکان و خادمان خرد و اگر بستر خوش بالمشها دید نهاده و دلیل بخادمان کند و قوله تعالی **وَمَكَرَتْ مَعْصُومَةٌ**
 اگر بنیدیکه بستر بجای محمول دلیل بود که زنی بخورد و در آن کشاورزی کند و تخم آن کویدیکه میث یابد و اگر بنیدیکه بستر خفته بود و دلیل که رحمت و آسانی یابد و اگر بنیدیکه
 بستر وی دشته و بر هوا بروی او خفته بود و دلیل است که سبب آن جاه و بزرگی یابد و اگر بنیدیکه بسترش دریده بود و دلیل که زنش نابکار بود و معین کویدیکه زنش
 و اگر بنیدیکه زنش در بستر او افتاد و سخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت صادق فرماید و بدین بستر و خواب بر چهار و دو بود اول زن دویم
 کیسکه پنجم ولایت چهارم معیشت و منفعت و تن آسائی است ابن سیرین کویدیکه اگر خواب بنیدیکه بستر میخورد و دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد
 و اگر بدیدیکه بستر کسی داو یا بفروخت دلیل بود که از وی بدانکه داو غم و اندوه رسد جا بر مغربی کویدیکه بستر که بستر داشت و از خانه بیرون
 ریخت یا بکسی شید و هیچ از آن مخور و دلیل بود که از غم رسته گردد و از آن خلاصی یا بدستان افروز ابن سیرین کویدیکه بستان

بستر

بستر

افروز در خواب دیدن شادی بود لکن بدین بد بود اگر بنید که بستان افروز فرا گرفت یا کسی برود او دلیل بخرمی شادی بود
 که خرم کرد و اگر بنید که بستان افروز کسی داد دلیل بود که او را خرم کرد و اگر بستان افروز چون بوقت خود بنید می شادی بود بعضی از
 معیان کو بنید که زن باز کان توانگر بود با جمال و خوش طبع و اگر بنید که بستان افروز در خواب در جایگاه خوش میگردید که بسیار کافی
 دوست و معاصرا یافت و اگر بنید که از زمین بر کند دلیل که از صحبت مردی جدا گردد بستان در خواب خست بود و آنچه در بستان بنید از زیادت
 و نقصان صلاح و فساد آن جمله بد دختران کند و اگر بنید که از پستانش شیر روان کرد و دلیل که بد دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و
 و مال حلال یابد و اگر بنید که بدل شیر از پستانش خون روان شده بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بنید که پستانش بیش از اندازه فروخته
 بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بنید که در پستان او شیر جمع گردیده بود اگر زن نذر دوزخ نماید و فرزندش آید و اگر زن دارد
 توانگر کرد و اگر این خواب را عجز بنید دلیل بود بر درویشی وی و اگر زن جوان این خواب را بنید دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری
 بنید دلیل بود که هم در غرضی بمیرد و اگر مردی بنید که پستان مردی میکید دلیل بود که بیمار کرد و اگر زن پستانش بود و پس آورد
 و اگر زن بنید که از پستان میخورد دلیل کند که کار دنیا بر وی بسته گردد و اگر بستان مرد در خواب آن او بود و پستان زن در خواب
 و اگر زنی بنید که پستان او بریده بود دلیل بود که دخترش بمیرد و اگر مردی بنید که پستانش بریده بود دلیل بود که زنش بمیرد و اگر زنی
 بنید که در زیر پستان پستانی دیگر برآمد دلیل بود که دختر او را و اگر بنید که هم دو پستانش بزرگ شده بود دلیل بود که احوال فرزندانش
 نیکو کرد و یا دختر را بشوید و اگر بنید که از هر دو پستان خود شیر میخورد دلیل بود که او را غم و ملالت رسد و اگر بنید که از پستان و می شیر میخورد
 می شد دلیل که او را زبانی رسد و اگر بنید که یک پستانش باقی میماند دلیل بود که دخترش را شکی افتد از پادشاهی و اگر بنید که بر پستانش پاهای
 بود دلیل بود که او را فرزندش بسیار گردد و اگر فرزند ندارد از پستانش زیاد کرد لیکن با مردان ملائمت بود و اگر زنی بنید که از پستان آنچه بود
 دلیل بود که از نام پسری او و دختر تصادق فرماید که بدین پستان در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند از خورد و دوم دختران سیم خاوان چهارم
 دوستان پنجم برادران پستان نه دین میرن کو یک دیدن پستان بند و خواب آن را عزم و تربیت و کامرانی بود و مردان از خیم تا زیاده و
 غم و اندیشه بود اگر زنی بنید که پستان بند نواز داشت دلیل بود که عزم و تربیت یا بد و بکام رسد و اگر زنی بنید که پستان بند داشت دلیل
 بود که مال و نعمت یابد و شادمان گردد و اگر مردی بنید دلیل بود بر خدایان و نامرادی از بندگان پشت ابن سیرن کو یک که پشت در خواب
 بدین مردی بود که از او قوه و پناه و یاری طلبد و اگر بنید که پشت او شکست دلیل بود که عکس که پشت و پناه او بود از وی جدا گشت کند
 و اگر بنید که زخمی بر پشت او رسید دلیل بود که زخمی و آفتی بر او رسد که پشت و استظهار او بود که زنی کو یک در مهرهای پشت قوه و فرزند بود
 و هر صلاح و فساد که در مهرهای پشت بود تا و پیش بر قوت فرزند از بنید خواب رسد و اگر بنید که پشت او درشت و با قوه بود دلیل بود
 که او را فرزند می بیند و دانا و عاقل بود و اگر بنید که چربی بر پشت گرفت دلیل بود که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بوی رسد و اگر بنید که
 برده بر پشت گرفت دلیل بود که مونس کسان مرده بوی بود و اگر بنید که پشت او برشت دلیل بود که حال او بد گردد و اگر بنید که پشت
 دشمن بخوابد بدین امینی بود از دشمن و بدین پشت زن دلیل بر کشتن دنیا بود و اسماعیل اشعث کو یک که پشت بخواب دیدن

پشت

پشت

پشت

پشت

برادر بود اگر بنید که پشت او نشکست دلیل که برادرش بمیرد و اگر بنید که پشت او دردمیکرد دلیل بود که ویران برادر یا از مهر غم داند
رسد و اگر بنید که بسبب علی پشت او داغ کرد و دلیل بود بر صلاح دین و دنیاوی و اگر بنید که پشت بد یا ویران داد دلیل بود که بشتر شود
و مال حاصل کند حضرت صادق فرماید که پشت بخواب بر دوازده وجه بود و اول قوه دویم بر اوری سیم یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم حجت
هفتم پدر ششم برادر نهم سپه دهم مال یازدهم یاری داون دوازدهم جلیبی پدر یزد و معبران گفته اند که درین پشت کافران ایمان بود
فاستقار تو بر و جاد و اسلام و منافق را اخلاص **پشته** ابن سیرین گوید که اگر کسی دید در پشته زمین نامون نشسته بود یا بر پشته
کوپی دلیل بود که بر مردی بزرگوار مشرف و منزلت یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیرامن کو هست و اگر بنید که بر
سکن پشته ایستاده بود دلیل بخردیک مردی بزرگ شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بنید که آن پشته ملک موضع او بود دلیل بود که مردی
بزرگ او را قهر کند و نعمت و مال او بستاند و بجای او مقیم گردد و اگر بنید که بعضی از آن پشته ملک او است دلیل بود که بقدر آن نعمت بزرگی
یابد و اگر بنید که از آن بزرگوار قاصد یا کسی او را بزرگوار داشت دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار به حرمت گردد و در مضرت بنید و اگر بنید که آن
پشته بتواری و حرمت بالا سپردت دلیل بود که غم داند و بد و در حضرت صادق فرماید که پشته دیدن بخواب بر چهار وجه بود و اول بلند می دهم
مال سیم قوت چهارم تنومندی **پیشتم** ابن سیرین گوید که ششم و خواب بدین از بهر چه حال و روزی بود و شیمی که بافته نباشد بهتر بود و
نیکوتر و اگر بنید که ششم داشت یا کسی بد و او را یا بخیر یا بوضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی
وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارُهَا وَأَشْعَارُهَا أَثَا وَفَتَا عَا إِلَى حُبِّنِ کرانی گوید که ششم از خوشی و دوری انداخت دلیل بود که
مال خود را تلف کند و اگر بنید که ششم سبی سوخت دلیل بود که مال خود را بپزیند کند و اگر بنید که برتن وی جامه پشیم بود دلیل بود که او را از زمان
مال حاصل کرد و اگر بنید که جامه پشیم یا بنید که بخیر یا بد شیمی از ششم داشت دلیل کند که فی الواقع بخیر یا بد شیمی گوید که ششم شتر و خواب مال بود
از قبل پادشاه و معبران گویند که میراث بود **پشته** ابن سیرین گوید که ششم مردی ضعیف و خوار و ناکس بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بنید که
یا پشته چنگ بگیرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بنید که پشته بکلوی او فروزند دلیل بود که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول
گردد و از او اندک چیزی بد و رسد و اگر بنید که پشته بسیار برتن او جمع شده و او را میکند بد و دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از
ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زیان رسد زیرا که پشته خون مردم را کند و اگر بنید که پشته در گوش یا در بینی او فروزند و از او رخ و گرد
یافت دلیل بود که از مردم ضعیف بد و رخ و گرد رسد کرانی گوید که اگر بنید که پشته بسیار بخانه او در آمد و دلیل بود که او را غم داند و رسد
و اگر بنید که پشته کان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند دلیل بود که بر دشمن ضعیف ظفر یا دیگر بنید که پشته در بینی او فروزند و دلیل بود که در محنت
بلا گرفتار گردد و لبط ابن سیرین گوید که بجا و خواب بدین حال و نعمت بود که بد و در بقدر آنکه دیده بود و خاصه که در خانه و ملک خود دیده بود و اگر
بنید که بطلان بسیار در سر یا در کوفه او جمع شده بود و با ناک همیداشتند دلیل بود که در آن موضع مصیبت افتد و اگر بنید که با وی
سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی تو آنکر سفر کند و در آن سفر حرمت و منفعت یابد کرانی گوید که ببط در خواب مردی بود
بزرگ از اهل بیت یا مال چشم بسیار اگر بنید که از آن چشمی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یا بد حضرت

پشته

پشته

پشته

پشته

صداقاً نماید که بط سفید و خواب مال بود یا زن تو اگر و بپایه در خواب کینک بود اگر بنید که بط را بگشت و از کشت
 وی بخورد و دلیل بود که مال زن بمیات رساند و نه نیکند لعل ابن سیرین گوید که نعل دین بخواب دلیل بر طاعت و رستی بود که در برود و موی
 نعل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بر وی کرمانی گوید اگر بنید که از نعل می بوی ناخوش می آید دلیل بود که مال حرام یا چای مرغی که
 اگر بنید که از نعل می بوی ناخوش می آید هم مال حرام باید و اگر کسی بنید که دستها در زیر نعل داشت دلیل بود بر یافتن مراد و دشمن قوله تعالی
 وَأَخْضَمَ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ فَفُتِحَ بَيْضَاءُ وَبَعْضَىٰ از معتبران گویند که دلیل بود بر داشتن مروت و جوانمردی و هر که بنید که
 در نعل او نقصانی نیست دلیل بود که نامرادی کشد و دشمن بر وی غالب گردد و اگر بنید که از نعل می بوی ناخوش می آید دلیل بود که
 مال بوی ردا تا بادشواری و اگر بنید که از زیر نعل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال چیزی نقصان کرد و بقالی کردن
 ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب چهار کرون بود در کار و چیزی حاصل کردن بجهت معیشت اگر بنید که بقالی همیکرد و دلیل بود که
 بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت ویران تمام گردد و کرمانی گوید اگر بنید که متاعهای بقالی را برز و درم می فروخت
 دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زرد درم تنها و غم و اندوه بود حضرت صداق فرماید که بقالی کردن در خواب بر سر و دال و کسب
 کردن دویم منفعت یافتن ستم غم و اندوه چون بنید که متاعها را می فروخت برز و درم بلا نکینی ابن سیرین گوید که بلا نکینی
 در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت نباشد و اگر بنید که بلا نکینی از چوب نرم جسته بود و مادرش بخلاف این
 بود که گفته شد پلاس در خواب دیدن درویشی بود مصلح و پارسا و دین دار از لقوال و افعال با امانت اگر بنید که پلاسی شود
 داشت دلیل بود که او را با چنین مروی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بنید که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن
 او را مال و نعمت حاصل گردد و معتبران گویند که پلاسی حلال بود و اگر بخواب بنید که پلاس نوبت دلیل بود که زن پارسای تو اگر بخوابد
 و از او خیر و منفعت بنید و اگر مروی بنید که پلاس تو بخورد دلیل بود که کینک پارسا بخورد و از او خیر و منفعت یابد بلبل ویدن کرمانی گوید
 بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و از او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بنید که بلبل برید دلیل بود که فرزند یا غلام
 او ضایع گردد و اگر بنید که بلبل در دست برود دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد و چای مرغی گوید اگر بنید که بلبلان بسیار داشت دلیل
 بود که بقدر آن غلامان بخورد و اگر بنید که بلبلان را بگشت و از کشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیرد یا بدبلبل که کرمانی گوید که بلبل
 در خواب دیدن کینک بود و ابن سیرین گوید زن او بود و اگر بنید که بلبله خرید یا کسی بوی داد و دلیل بود که کینک خرد یا زن خواهد و اگر بنید که
 از آن بلبله آب می خورد دلیل بود که باز جماعت کند و اگر بنید که آن بلبله شکست دلیل بود که زن یا کینک می میرد و حکایت کند از ابوخلده
 که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مروی باید و گفت بخواب دیدم که از بلبل آب می خورد و آن بلبله را دو در بود و از یکی آب شیرین خوش
 می خورد و از یکی آب شور تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار می داری تو بر کن و از خدا یتیمانی
 بترس مرد گفت چنین است که تو گفتی تو بکر دم و بخت باز کردیم بلغم دیدن ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که
 بوجه صلاح آن مال را نفقه کند اگر کسی بخواب بنید که بلغم بجای کاه می جرد که از اخت مادرش بخلاف این بود اگر بنید که بلغم

تعب

تجارت

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

اسفید از کلو بر انداخت بجای پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند که مالی کوید اگر بیماری بنید که نفقہ دلیل بود که از
 بیماری شفا یابد و اگر بنید که نفقہ سیه بر نکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بنید که نفقہ خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان کرد
 اگر بنید که نفقہ بر درون خانه خواند اخت دلیل بود که مال بر یکجا نکان نفقه کند و اگر بنید که نفقہ در مسجد افکند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح
 بر یکجا نکان نفقه کند بر کس ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برک و درخت بر درخت خلق و خوی بر بنیده خواب بود خاصه
 بهنگام وی و اگر بنید که برک سبز از درخت پاره فرا گرفت یا کسی با داد دلیل بنیده خواب با خلق و خوی خوش بود و نیکو کرانی کوید اگر
 کسی بنید که از درخت برک تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جابر مغربی گوید که برک و درختان در خواب که
 میوه شیرین بود دلیل بر خلق نیکو بود و برک و درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برک و درختانیکه بار بار و در دلایل بر درم
 دنیا بود و صبر آن کوید که برک و درختانیکه میوه دارند دلیل بر درم و دنیا کند پلنگ ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب شمشیر قوی
 و توانا بود اگر بنید که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر غلبه بود یعنی اگر پلنگ بروی غلبه کرد
 دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر بنید که گوشت پلنگ همی خورد دلیل بود که در جنگ
 خصومت افتد لیکن منظر کرد و شرف و بزرگی یا بد کرانی کوید اگر بنید که بر پلنگ نشست دلیل بود بر عز و جاه وی و دشمن را قتل کند
 و اگر بنید که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر ظفر نیافتند دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بد و رسید یا بیماری صعب یا در این
 شفا یابد و اگر بنید که شیر پلنگ همی خورد دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسید و اگر بنید که پوست پلنگ یا
 استخوان یا موی او را فرا گرفت یا کسی بد و داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیاورد اگر بنید که پلنگی را بکشت دلیل بود که از
 اسلام روی گرداند و در آنچه خیر نباشد حضرت صادق فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دوم مال یافتن از
 دشمن سیم ترس از پادشاه بطور بد اگر بطور خواب بی بی اصل بود اگر بنید که بطور داشت یا کسی بد و داد دلیل بود که بی بی اصل بزرگی بخوابد
 و اگر بنید که بطور داشت یا صنایع شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر بنید که بطور بسیار داشت دلیل بود که او را سبب
 زمان مال حاصل کرد و جابر مغربی گوید اگر بنید که بطور میفرودخت دلیل بود که دلاکی زن آن بی اصل کند و اگر بنید که بعضی از آن بطور میفرودخت
 بعضی سوراخ نداشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلاکی دختر آن و شیرزه و زمان میوه بی اصل کند بطور ابن سیرین گوید
 که دیدن بطور و خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود اگر بنید که در خانه وی انبانیهای بطور بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار
 او را در آن سال حاصل کرد و چون دانید که آن بطور ملک است و اگر بطور در خانه دیگران بود دلیل که مردان پیش او مانند پادشاهان حضرت
 صادق فرماید که دیدن بطور و خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم معیشت نیکو پلنگ کرانی
 گوید که پلنگ افزون خسته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرامین وی کردند و خدش کنند اگر پلنگ افزون خسته
 نباشد تا پیش بخلاف این بود پنا کوشش در خواب دیدن پسر خوش روی مبارک بود و هر دو بنا کوشش دو
 پسر بود کرانی گوید که دیدن بنا کوشش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادت و نقصان دیدن بنا کوشش دلیل بر قدر

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بچه

بچه

بچه

بچه

و جادو صاحب خواب بود حضرت صادق فرماید که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکو روی و دومی که در جادو
سیم دین و ست چهارم منفعت از سبب فرزند پنجم ابن سیرین گوید که منبه در خواب ال حلال بود بقدر که دیده بود و از آنکه بسیار روی در آن
خواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آورد ولی هیچ و تعب حضرت صادق فرماید که منبه در خواب بر سه وجه بود اول ال حلال دومی
منفعت سیم ستر بودن پنجم در آن ابن سیرین گوید منبه در خواب در با خدمت و میبود که بود و شجشک و انبال که در منبه شجشک در خواب
دیدن مردی با قدر و جادو بود اگر صاحب ستور بود و اگر مستور نبود و بیند که او را برام یا بجلیختی گرفت دلیل بود که با مردم مقدر که جلیختی سازد
و اگر قهر کند و اگر منبه شجشک داده گرفت دلیل بود که زنی با قدر روی ظفر باید و اگر منبه که از گوشت وی بخورد دلیل بود که از مال آن مرد بداند قدر
گوشت وی خورده بود و درسد اگر منبه شجشک از آشیانه بیرون آورد دلیل بود که بدو رنج و ملامت رسد کهانی گوید که ابن سیرین گوید
اگر منبه که بچکان شجشک را شکار میکرد و کرون ایشان را فرو می گشت در انبان می نهاد دلیل بود که سلمی که در کان بکند و اندام ایشان را
بچوبه خورد کند و اگر منبه شجشک سرخ را صید کرد دلیل بود که زنی خبری خواهد یا کینه کنی با جمال نجر و اگر منبه شجشکی نزد یافت دلیل بود که زنی
بیمار که نزد زنم کند و متبلر آن گوید که شجشک یافتن در خواب فرزند بود و یا غلام اگر منبه شجشکی کور داشت دلیل بود که با مردم میبود
بدفعل و دوی کند و گفته اند که یافتن شجشک در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شتر دم باید و اگر تو انکر بودش شتر در دم باید و خانه شجشک
در خواب دیدن دلیل بر خیر و خوشی است یعنی بود اگر منبه که بچکان شجشک را از خانه بیرون آورد دلیل بود که او را فرزندان باشد از حال حرام
و اگر خواب منبه که شجشک از او میکرد و او از او را می شنید دلیل بود که سخنانی شنود که او را از آن شکفت آید و معبران گویند که او از شجشکان و خواب سبب کن
بود اگر منبه که شجشکان او را بسیار حاصل شد دلیل بود که بر سر قوی سروری کند مال بسیار یا در کانی گوید که شجشک در خواب چون یکی منبه فرزند بود و اگر منبه که
شجشکان بسیار بانگ میدادند دلیل بود که او را مردمان غوغا کاری افتد و اگر منبه شجشک در میان نهاد و فرو برد دلیل بود که او را فرزند
آید اگر منبه که شجشک بسیاری بدو ششید دلیل بود که قدر آن مال یا بد اگر منبه که شجشک را گشت یا دوست او بر دلیل کند که زبانی بدو رسد و فرزندش
بسیار و اگر منبه که شجشک را گرفت دلیل بود که او را فرزندان آید و درشت و بزرگ اندام حضرت صادق فرماید که دیدن شجشکان در خواب بر سه وجه بود اول
پادشاه و دومی والی سیم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوب روی پنجم قاضی ششم باز کان هفتم در راه زن هشتم مرد با خدمت نهم مردی بجایع کردن
بود حکایت ابوخلده حکایت کرد که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیاد و گفت که خواب دیدم که در استین شجشکان داشتم و یکبار بیرون
می آوردم و میکشتم و شهادت میکفتم و آنرا در چاه می انداختم تا ویش چگون بود ابن سیرین گفت خانه کجای دارد می گفت فلان محافلان کوچکی ابن سیرین
گفت که کی ساعت نشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال چنین است و در اندامی مردم است و مردمان
پادشاه را در خانه او آورد و در آنجا حجت و چو کردند و دیدند که قریب پنجاه مرد کشته و آنجا انداخته بدستند که آن مردان را بجلیه بد آنجا برد
مالشان را میکفت و ایشان را میکشت و در خانه می انداخت و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشند و مردم از تفسیر این شکفت مانند
تفسیر شجشک در خواب که کودک خورد بود تا ویش از نیک و بد آن بر کودک خورد بود و پسند اول ابن سیرین گوید که اگر مردی منبه
کسی صلح را پسندید که در آن پیدا و اصلاح دین و شرکاری آخرت بود دلیل بود بر شترانی که در آن خیر دین و دنیا می او بود

و اگر بخلاف میزدی پس بر فساد و تباهی دین و دنیا می بود و جای بر مغز می گوید که پند دادن در خواب کسی را که در اصلاح دین او دیک بود
 و پند دهنده فرشته مقرب بود که بشارت دهد صاحب خواب را بخرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و پند دادنی که در او فساد دین
 بود پند دهنده آن دیو رجیم بود که او را خبر میداد از تباهی و فساد کار او را و توبه باید کرد و بجزای بازگشتن تا او از شر و فساد کارها بر دواز
 غلبه حق تعالی رسته گردد و پندرهاون ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بنده اش در پای دشت دلیل بود که دین او بخل بوده و او دعوی
 مسلمانان کند بدو غوغ و مردی بخل بود و دوازده چیز می بختی نزد بعضی از معبران گویند که چون مردی مصلح بدست خود بند میزد دلیل بود که از
 کارهای بد و ناسازگار ماند و از دوست بدار و اگر بد دست از چوب بندد آنکه گفتیم که و آسان تر بود که رانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از
 چوب بندد دلیل که مانعی در گردن او بود و او امانت نمیکند از دو اگر چند چوبین برای خود بندد دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر انگیس
 در سفر بود سلامت باز آید و اگر بندد که بند کردش از بیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بندد که بندش از زیر بود رنج
 از حمتش از جهت مال بود و اگر بندد که بندش از مس بود دلیل بود که بسبب رنج او از کسب و معیشت دنیا بود و اگر بندد که بندش از شکست بیم
 خلل بود و او را بدین خاصه که بند او بدست بود اگر بندد که بند از پای او بدست دلیل بود که از عمل پادشاه خلاصی یابد و اگر برای خود
 کند بند نهاده میزد دلیل بود که او را بامردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را برین بسته میزد دلیل بود که کسی بوی منفعت رسد و انیال گوید
 که اگر امیری بندد که برای خود بندد این دشت دلیل که از ولایت خویش بفرستد و در آن سفر ماند و اگر کسی بندد که بر سر و پایش بندد بود
 دلیل بود که ولایت یابد و اگر بندد که چهار بند برای دشت دلیل بود که او را چهار پسر یابد و اگر بندد که بند از پای او بدست دلیل بود که از
 غمها فرج یابد و اگر امیری بندد که پای او بندد و زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از معبران گویند که کاروی آسان کرد و
 اگر بندد که بند از سیمین بود دلیل بود که زنی بکاح خواهد یا زنی داشتی کرد و اگر بندد که بند از رین بود دلیل که بفرستد و یا بیمار کرد و اگر بندد
 که بند او این بود دلیل که سفر دور کند یا بفرستی گوید که بند خواب ثبات دین بود و قبول جناب پیغمبر که فرمودند **أَحَبُّ الْقَيْدِ فِي النَّوْمِ وَلَا**
أَحَبُّ الْغُلِّ لَكَ الْقَيْدُ ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ یعنی دوست دارم پای بند را در خواب غل را دوست ندارم زیرا که بند پای بندگی بود و دین
 حضرت صادق علیه السلام گویند که دین بند خواب را چهار وجه بود اول که فردی نفاق نسیم بخل چهارم انصاف و دست برداشتن و بعضی از معبران گویند
 که غل در دست بخواب دیدن پادشاه ظالم را کوبه هوشی بود و از ظلم نیده ابن سیرین گوید که هر که بندد تا بالغ از خواب بندد که بالغ شد دشت دلیل بود که
 از او کرد و اگر کسی بندد که بنده خود را از او کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بندد که بندد که خواهر را بفرخت دلیل بود که نکاحی تمهید کرد و اگر
 بندد که بنده را بفرخت دلیل بود که شادمان گردد و بنفشه خمر بن سیرین گوید بنفشه و خواب دیدن بوقت خود دلیل بود که از زنی یا
 کینه ای چیزی بدو رسد یا او را فرزندی آید و اگر وی را از زحمت خویش جدا میزد دلیل بود که غم و اندوه خورد و رانی گوید که زنی بندد که بنفشه از زحمت بگذرد
 بشو خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بندد که کسی بنفشه بدو داد دلیل بود که میان ایشان مفارقت افتد یا بفرستی گوید
 که درخت بنفشه و خواب کینه ای بود بدو بخوی و ناسازگار بنیاد و نهادهون ابن سیرین گوید اگر کسی بندد که بنیاد و نهاده فائده دنیای
 وی بنیاد از خاص عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بندد که بنیاد و نهادهی در جانی مجهول و نداند که از آن کیست

بنده

بنده

بنده

بنده

دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بنید که بنیاد را بر زمین و ملک خود نهاد دلیل بود که فایده روزی حلال باید کرد و باید
اگر بنید که بنیاد از خشت پنجه و کج نهاد دلیل بود که مال او از حرام حاصل کرد و اگر بنید که بنیاد از خشت خام می پود نهاد دلیل بود که همه او
بلند بود در کار دین و اگر بنید که بنیاد و دیوار از خشت پنجه نهاد و برآورد دلیل بود که در اهل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بنید که خواب
بنا کرد بود و نزدستان دلیل بود که منفعت باید و اگر بنید که بنیاد از خشت پنجه برآورد دلیل بود که منفعت باید از پادشاه و اگر بنید
که بنیاد از خشت خام و کل برآورد دلیل بود که منفعت از مردم عام باید حضرت صادق فرماید که اگر کسی بنید که شهری بنا کرد دلیل بود که
جماعتی از مردم و پادشاه خود گیرد و اگر بنید که قلعه بنا کرد دلیل بود که از دشمنان ایمن کرد و اگر بنید که کوشکی بنا کرد دلیل بود که
بکار دنیا مشغول کرد و اگر بنید که سرائی بنا کرد و در وی بنیشت دلیل بود که نفعها و چیزها بنید و اگر بنید که مسجد را بنا کرد دلیل بود
که جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بنید که بنای مناره نهاد دلیل بود که نام او بنیشت منتشر کرد و اگر بنید که طرزی بنا کرد دلیل
بود که زنی خواهد و اگر ماد بنا کرد دلیل که در غم و رنج افتد و اگر بنید که باغی بنا کرد دلیل بود که زنی توانگر یا پارسا بخواند و اگر بنید که
کوسته ای را بنا کرد دلیل بود که بکار آخرت مشغول کرد و اگر بنید که قبه بنا کرد دلیل بود که قدر و منزلت جوید و اگر بنید که هر بنیادی
که بنید و تمام کند دلیل بود که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بنید که آن بنا تمام نکرد کارش ناتمام ماند پیشتر محمد بن سیرین
گوید که پیشتر در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر حاصل کرد و بنید و خواب او پیشتر مال بسیار بود که در حضرت است
آید جابر مغربی گوید که پیشتر مال و ثروت بود که باسانی یا بد و پیشتر خشک سفری بود و با آنک منفعت اگر کسی بخواب بنید که آن
با پیشتر بخورد دلیل بود که در سفری او مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از متجربان گویند که علقی بد و رسد لکن از آن زود
خلاص گردد پس بدانکه استادان این فن در تائیل به در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند که مهمتری بزرگ باید و از آن خیر و منفعت
بنید و تناسی نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری کرد و جنیت گویند که آن چون بگونه زرد است دلیل بیماری
کند و آنکه گوید که سفری دلزد بود بار خج تن بدان معنی گفت جبرئیل آدم را در وقت بیرون آمدن از بهشت به لوی داد حکم بفرزد از باغ و
اندره و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت بزیاده و با چنین غم و اندوه که لوی رسید و آنکه حکمی بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام
بنیاد انداز خوردن آن معنی می زیاده شد لاجرم از وی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنکه گفتند که از بهشت بزرگ خیر و منفعت بنید یا تناسی نیکو
بدان معنی گفتند که هنده آن جبرئیل بود و ستانده او آدم و از لوی خوش شامی نیکو بود و چنان دانید که هر خوابی که استادان تعبیر کرده اند
از کراف گفته اند ابراهیم که برید بخواب بیماری بود خواه بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگونه زرد بود و بیماری محبت تر بود حضرت صادق
فرماید که دیدن به خواب چون بوقت خود بود بگونه نبر بود و تائیل فرزند بود و چون نه در وقت خود بنید که بگونه زرد بود و بیماری بود پس از این
سیرین گوید که چهار در وقت چهار پادشاه بود اگر خواب بنید که فصل بهار بود و هوا معتدل چنانکه از گرمی سردی در زمانه حضرت و رنج
رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار از پادشاه رنج و محضرت رسد و بنید و اگر بنید که هوا معتدل بود و چنان خرم گشته از کل و
شکوفه مردم را هیچ رنج و محضرت نبود دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود با معتدل

چند

چ

بج

بنید دلیل که جاده و غرور و غفلت بود و مردم عام را از پاوشاوه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تا وی فصل
 یانیز زمین بود و بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مشرود بود و از خدا تعالی آید خلوها
 بسکاج الهی و اگر بنید از میوه های بهشت فراغت یاکسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود
 علم و دانش آموز و سیرت دین برانند لیکن سود ندارد و اگر بنید که با حوران بهشت همی بود دلیل بود که نزع بروی اسان
 کرد و اگر بنید که در بهشت مقیم شود لیکن ویرا نکند استند دلیل بود که در دنیا میلش بفساد و عصیان بود و اگر بنید که در بهشت
 بر روی اولی است که در دید دلیل بود که مادر و پدر از وی ناخوش شود و باشد و اگر بنید که بر نزدیک بهشت شده باز کرد دلیل بود که بهار
 کرد و بحال مرکب لیکن از آن شفا یابد و اگر بنید که فرشتگان دست ویرا گرفتند که در بهشت برند و آن برفت و در زیر درخت طوی
 بنشست دلیل بود که مراد و جهانی یابد و تعالی طوی لکم و حسن مآب و اگر بنید که وی را از خوردن شراب و شیر منع
 میکرد دلیل بود و بر تباهی دین وی قوله تعالی و من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و اگر بنید که از بیوی
 بهشت کسی بدود دلیل بود که آنکس از علم وی بهره بود و اگر بنید که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام
 چیزی خورد و اگر بنید که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که کونکهای بهشت را یکی بوی فواید
 دلیل بود که دلا رومی یا کنیز کی برنی بخوابد یا بر مغربی گوید اگر بنید که رضوان در برابر او خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و
 شادمان کرد و نعمت یابد و قوله تعالی سلام علیکم فادخلوها خالدين و اگر بنید که بر جایگاه بلند نگوید که صورت
 بهشت داشت و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که پادشاه عادل پیونگیرد و یا با تو اکر ی یا با عالمی بزرگوار و اگر بنید که سوی
 بهشت میرفت دلیل بود که بر حق پیوسته بود و حضرت صادق فرماید که دیدن بهشت در خواب بر نه و جواد اول علم دویم زهد سیم منت چهارم
 شادی پنجم بشارت ششم ائینی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم سادت و اگر بخواب بنید که در بهشت بود دلیل مرآت و جهانی بود و
 بدست او خیرات بسیار رود و اما چون مصالح بنید دلیل بود که به بیماری یا به بلای مبتلا کرد و چنانکه ثواب اهل بهشت بیاید و عالم کرد و مردمان
 از علم او نصفت یابند و اگر بنید که از خواب زن بود و اگر بنید که پهلوی چپ او آس کرد دلیل بود که زن و کنیز که او هر دو
 آسفتن شوند و اگر بنید که پهلوی او سرخ شده بود و پا ره گوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن و بچه به بیگم بنگید
 و اگر بنید که هر دو دست بر پهلوی نهاده بود دلیل بود که ویرا غمی سخت رسد که مالی گوید اگر کسی بخواب بنید که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل
 بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر بنید که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد دلیل بود که مال و عیالش هر دو تلف
 گردند و اگر بنید که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که عیالش رنجور گردد و اگر بنید که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن کوهری یا
 لکولی بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی عالم آید یا رسا و اگر بنید که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بنید
 که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود و در دینی و قوت عیال او و اگر بنید که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود و او پیش
 بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوی در خواب دلیل بر زمان بود زیرا که زمان از پهلوی مردان آفریده

بیت

بیت

شده اند پس هر خیره و شرکه در پهلوی میزد و آن بر زنان باز کرد و اگر عینیکه او را پهلوی میسار بود و دلیل بود که بقدر آن زبان و کین آن
 حاصل کرد و اگر عینیکه از پهلوی اواری برین آید دلیل بود که او را زنده بخت صادق فرماید که بدین پهلوی در خواب بر پنج وجه بود و اول آن
 دویم و خستیم یکیم چهارم خام پنجم پیر زنی که در خانه بود و تو بیچاره این سیرین کوید که تو بیچاره در خواب روزی بود و اول حلال که از زن بد
 رسد و اگر عینیکه تو بیچاره را گرفت یا کسی بد و داد دلیل بود که بقدر آن از زن مال بخورد و کرمانی کوید و اگر عینیکه تو بیچاره را گرفت و از کوفت وی
 بخورد و دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد و کرمانی کوید که تو بیچاره بدین در خواب دلیل بود بر بزرگی و اگر عینیکه تو بیچاره را گرفت و در
 خانه آورد و دلیل بود که از خوشایان خود زنی خواهد و از و مال و منفعت حاصل کند و چو ریا این سیرین کوید اگر کسی بود یا کند بر وی بشارت
 خیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف حال و از مردم ملات یا بد و اگر عینیکه بوی یا بشارت و سپهری شد دلیل بود که
 شغل خوشی را تمام کند و اگر عینیکه بوی یا از برای خانه می بافت دلیل کند که بکده خدای خود مشغول گردد و جای بدشرفی کوید و اگر عینیکه بوی یا بدست
 یا کسی بد و داد دلیل بود که او را از زنی منفعت رسد بقدر که چکی و بزرگی بوی یا حضرت صادق فرماید که بوی یا در خواب بر سه وجه بود اول
 منفعت دویم خواستن زن سیم بکده خدای خود مشغول بودن چو ریشم این سیرین کوید که بوزینه در خواب لیل بر دشمنی فرزند ملعون
 بود و اگر عینیکه با بوزینه نشسته بود و آن بوزینه مطیع او بود و دلیل بود که بر دشمن غالب گردد و او را تهنیت کند و اگر عینیکه با بوزینه نبرد
 میکرد و بر وی خیره شد دلیل بود که بیکار گردد و از آن شفا نیابد یا عیبی برین او پیدا آید که از آن خلاصی نیابد و کرمانی کوید و اگر عینیکه بوزنه را
 بکشت دلیل بود که بر دشمن تهنیت کند و اگر عینیکه گوشت او را بخورد و دلیل بود که در شکی و عیبی گرفتار آید و اگر عینیکه کسی بوزنه بوی بخشد دلیل
 بود که دشمنی او ظاهر کند چو ریا کوید اگر کسی عینیکه بوزنه را بکشت دلیل بود که بیکار گردد و در و دشفا یابد و اگر عینیکه بوزنه را بست نشسته بود
 دلیل بود که چو وی با زن افساد کند و بوزنه ماده زنی مغسوده جادو بود و اگر عینیکه بوزنه بخانه در آید دلیل بود که در آن خانه زنی او را
 جادو کند و اگر عینیکه بوزنه با وی سخن گفت دلیل بود که زن با وی در آن زیانی کند و اگر عینیکه بوزنه او را بکشد دلیل
 بود که بیکار گردد و یا از عیال خود دشنام شنود و اگر عینیکه بوزنه بوی چیزی داد یا بخورد و دلیل بود که مال خویش را از دست
 بفرماید کند و پوست و انیال کوید که پوست تن مردم در خواب آرایش و کده خدای مردم بود این سیرین کوید و اگر عینیکه
 پوست مردم ستر و مال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر خسته بپند و افتاده دلیل بود که ستر و راز وی کشته
 گردد و مال او تلف گردد و اگر پوست تن خود را بگوید یا سیاه بپند دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر عینیکه پوست
 پایش روشن بود و دلیل بود که کارش خواسته گردد و کرمانی کوید که پوست جمله چهار پایان خواب بدین مال بود و پوست شتر میراث
 بود از مردی بزرگ و پوست کوسفند صاحب را روزی بود و اگر پوست دخت بفرماید خداوندش روزه دار بود و اگر عینیکه پوست
 از مسلوخ باز کرده دلیل که از آنکس که بدان منسوب بود مالی بستاند و اگر عینیکه سرانی بنا کرد از پیر پوست باز کردن دلیل بود که
 اگر آنکس قصاب بود در سرای او ریاور نهند و اگر معلم بود بر کوکان ستم کند چو ریا کوید و اگر عینیکه پوست کوی باز
 میکرد دلیل بود که آنکس قتلهای کهن و چیزهای تبا شده را بصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میا نخی کند چون

تصحیح

سجده

سجده

تصحیح

این وزیر کان لشکر پادشاه خلاف کند و کارهای بسیار پوشتین ابن سیرین کوید اگر کسی در خواب ببیند که پوشتین پوشیده بود و وقت رستان بود دلیل بود که چیزی بوی رسد که و همیشه است و بود و اگر در وقت تابستان بود و همین دلیل کند که سرانجام غمناک کرد و کارهای کوید اگر ببیند که پوشتین بره یا بزغال داشت دلیل بود که زنی توانخواه و پادشاه مال بیاورد و اگر ببیند که پوشتین سسور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخوابد که توانخواه و مالدار بود و اگر ببیند که پوشتین رویا به از نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانخواه و پارسا لیکن فریبده و حیکه بود و اگر ببیند که پوشتین خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی نابکار و بد بخوابد و از رحمت ببیند و اگر ببیند که پوشتین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود که زنی ناسازگار و زنی بخوابد و اگر ببیند که پوشتین که بر پوشیده بود دلیل بود که زنی بدخو و زنی بخوابد و زنی امانت بود و اگر ببیند که پوشتین و شقی پوشیده بود دلیل بود که زنی اصل دین دار و زنی کند و اگر ببیند که پوشتین موش پوشیده داشت دلیل که زنی پلید و زنی بخوابد و اگر ببیند که پوشتین وی دریده یا سوخته یا صایع شده بود دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود پوشه و اول ابن سیرین کوید اگر کسی ببیند که کسی را بوسه داد دلیل بود که آنکس دوست و خواستکار بود و اگر آنکس مجبول بود دلیل که از جانی که طمع ندارد و خیر و منفعت ببیند و اگر ببیند که معرفی او را بوسه میداد دلیل است که از آن کس خیر و منفعت ببیند که زنی کوید اگر ببیند که مردی را بپشت بوسه میداد دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا او را بد عای خیر یابد آورد و اگر ببیند که مرده و پیرا بوسه میداد دلیل بود که طالب و خواستکار وی بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل بود که مراد و مقصود دنیا بد حضرت صادق فرماید که بوسه دادن در خواب و لیلیش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دوم حاجت روائی و سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن خوش شنیدن یوقی زدن ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب ببیند که بوق میزد و بوق زدن را نمیدانست دلیل بود که مردی از سر خود آگاه کند و اگر ببیند که بوق میزند دلیل بود که در میان مهران دروغ گوید و آن دروغ را بسو کند راست کند و بجاقت ظاهر کرد و که آن دروغ بود جابر بخوبی گوید که بوق زدن تا اول مردان را مصیبت بود و زنا را روائی و ظاهر شدن راز ایشان حضرت صادق فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار وجه بود اول خبر دروغ و دوم سخن نگروه سیم ظاهر شدن راز چهارم مصیبت بود و اول سخن ابن سیرین کوید که در خواب پادشاه بود یا دوی بزرگ که مردمان لبیب او بود و برنگرانی کوید که در خواب تا و لیلیش آن بود که نیکو باشد اگر ببیند که زنی بکشد است دلیل بود که پادشاه او را عز و جاه رسد و از منفعت ببیند و اگر ببیند که بنیادی برپا می نهاد و عمارت میکرد دلیل بود که ولایت و پادشاهی یابد و مال بسیار او را جمع کرد و قوله تعالى وَالْقَنَاطِيرُ الْمُقَنْطَرَةُ مِنَ الذَّهَبِ حضرت صادق فرماید که در خواب بر چهار وجه بود اول مردی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه رسد و او را که دوم پادشاه سیم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کردن اگر ببیند که برپا بنیاد و خراب شد دلیل بود بر بنیاد بی حال پادشاه و نقصان ملک او و بوم بخواب دیدن مردی دزد نابکار و مفید بود و خود اگر ببیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال

پوشتین

پوشتین

پوشتین

پوشتین

پوشتین

دیدن بوم نیکو باشد جابر بخونی گوید اگر بنید که بومی داشت یا کسی بدوداد دلیل بود که مردی در زور اقرار کند و اگر بنید که گوشت
 بوم منجور دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی در پنجو زد و اگر بنید که بچه بوم داشت دلیل کند غلام کوچک و زو یا ناکردی
 از زو او را حاصل کرد و بویهای خوشش این سیرین گوید که بویهای خوش و ناخوش شای نیک و بد و دم بخن ناصوس
 بود اگر بنید که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نکو پیش کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرکب ز که
 مرده را از بوی خوش و حنوط ناکزیر بود و کرمانی گوید اگر کسی بنید که او را خوشبو می کردند دلیل بود که او را ستایش کنند و ناکو بنید
 و اگر بخلاف این بنید دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکو پیش کنند و نام او برشتی منتشر کرد و پی این سیرین گوید که پی
 در خواب جمع کننده حال و کار او بود اگر خواب بنید که پی بر اندام او خشک شد یا بکست دلیل بود که دوستی که جمع کننده
 حال و کار او بود از دنیا ببرد و یا از دنیا رحلت کند اگر بنید که بسیار تن او خشک شد ند دلیل بود که از دوستان مفارقت
 جوید کرمانی گوید که بپای تن دلیل بر خوششان و اهل بیت بود اگر بنید که بپای او درشت و قوی بودند دلیل بود که خوششان و
 اهل بیت او بد حال و ضعیف کردند بسیار بایان دانیال گوید که بپایان در خواب قسمت و روزی بود بقدر بزرگی و فراخی
 آن اگر بنید که در بپایان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل کند اگر بنید که با گروهی و بپایان نشست
 دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاده کرد و این سیرین گوید اگر کسی بنید که از بپایان بیرون آمد
 دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که در بپایان شد دلیل بود که عکین و مستمند کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن
 بپایان در خواب بر چهار وجه بود اول روزی و قسمت و دویم حیرت و سرشکی سیم عناد و رنج چهارم سیم و خطر و هلاک مکر روزی
 زو و بیرون آید بسیار کرمانی گوید که پای در خواب دیدن مال حرام بود و بخن ناخوش و زشت اگر بنید که خواب مصلح و
 مستور بود و بچند خود را از خوردن آن دفع کند و اگر بنید که خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته روزی
 سخنان زشت گویند خاصه چون پای سرخ بود و اگر پای بچته خورد دلیل بود که سر انجام از حرام خوردن توبه کند و
 بخدا ایتالی باز کرد و حضرت صادق فرماید که پای در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام و دویم غیبت و سخن
 زشت سیم پشیمانی در کار پایاله محمد بن سیرین گوید که پایاله در خواب کینزک بود که با وی عشرت و طرب کند
 اگر بنید که از پایاله آب یا حلاب منجور دلیل بود که با کینزکی بجلال جمع شود و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بنید که
 آن حلاب یا آن آب از پایاله ریخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد حضرت صادق فرماید که پایاله در خواب بر دو وجه بود اول
 کینزک و دویم خادوم پیرا سیرین دانیال گوید که پیرا سیرین سفید در خواب دیدن مرد بود و بعضی از متبعان گویند که پیرا سیرین زن
 بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بنید که پیرا سیرین نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح کار و نیکوئی
 احوال و اگر بنید که باره از پیرا سیرین او دریده بود و تا ویش میانه بود و رنگی و بدی و اگر بنید که پیرا سیرین وی کهن و چرخ
 بود و دلیل بود که در ویشی و بیچارگی و رنج و غم بد و رسد و هر چند پیرا سیرین را که تر و دریده تر بنید بلا و مصیبت

تعیین

سپ

بپایان

بیک

بیک

سپ

و همیشه شکر بود که خداوند خواب هلاک کرد و اگر کسی بنید که پادشاه او را پیر این خود داد و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مالی کوید اگر کسی بنید که پیر این پوشیده بود دلیل بود که بظا هر نیکو بود و باطن بد و اگر بنید که پیر این تلوارش جلا هر کین بود که دلیل بود که اگر تو اگر بود و روشن کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر غریبی کوید اگر کسی بنید که پیر این نو فرخ پوشیده داشت دلیل بود که عیش روی فراخ کرد و اگر بنید که پیر این تنگ بود دلیل بود که عیش روی تنگ کرد و اگر بنید که پیر این او درید بود دلیل بود که رازش آشکار کرد و اگر بنید که پیر این بی گریبان بود دلیل استین و یکد ز بود و پوشیده دلیل بود که احش نزد یک آمده باشد و اگر بنید که پیر این دراز داشت دلیل که کارش بدر کرد و در او بر آید و اگر بنید که گریبان پیر این از سوی پیر بر آید دلیل بود که او را بد روح نهمت نهند قوله تعالی وان کان قیصه قد من دبر فکان بت و اگر بنید که پیر این کسی داد و انگس پیر این را بوی فرو مالید دلیل بود که پیغمبر کرد و او را جایگاه او را بشارت رسد قوله تعالی اذهبوا بقیصی هذا فالقوه

علی وجه الی یات بصیرا و اگر بنید که پیر این خون آلود در دست داشت دلیل بود که روزگار دراز و در غم و اندوه ماند و اگر بنید که پیر این دریده پوشیده بود دلیل بود که کارش پر کنده کرد و در رازش آشکار شود حضرت صادق فرماید که دیدن پیر این در خواب چون نو فرخ بود دلش برش و وجه او اول دیدن مردم دویم سترسیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم ریش و خرمی ششم بشارت بیت المعمور خانه است در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه و فرشتگان بود ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم با نیت یا بی علم ظاهر کرد و حج کند و از شد دشمنان امین کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بنید دلیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد و اگر بنید که در بیت المعمور خانه ساخت یا نجفت دلیل بود که اهل وی نزد یک آمده باشد و اگر بنید که پیر این بیت المعمور طواف میکرد و همین دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بگرد مسجدی دید و دوری نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او را کرد و اگر مالی کوید اگر کسی بنید که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود دلیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بنید که بیت المعمور آری است و فرشتگان بروی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عز و جاه یابند پیر این ابن سیرین کوید که پیر این در خواب دلیل بر مال و زمینت زمان و کینک کند بر قدر و قیمت پیر این که دیده بود که مالی کوید اگر بنید که پیر این آری است بود بخواب و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بنید که پیر این اوضاعی کردید دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر مروی بنید که پیر این زمان داشت دلیل بود که غمگین کرد و پیر و زده ابن سیرین کوید که پیروزه در خواب دیدن ظفر و قوه و حال روایی بود و اگر بنید که پیروزه از وی صنایع کردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر غریبی کوید اگر بنید که پیروزه بخوار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و شرف و بزرگی یابد حضرت صادق رضی الله عنه فرماید که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دویم حاجت روائی سیم قوت چهارم ولایت پیر شدن ابن سیرین

پیر این

پیر این

پیر این

کوید اگر کسی بخواب بنید که پیر کردید و محاسن او سفید شد دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را بنید که خرم و شادمان بود
 دلیل که از دوستی مراد می او بر آید و از غم رستد و اگر پیری معروف را بنید که خرم و شادمان بود دلیل بود که از دشمنی بدو
 رسد و اگر او از ترش روی و نکمین بنید و لبش بخلاف این بود جابر مغربی کوید اگر پیر را بنید که جوان شد دلیل بود که در عز و
 بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی یا کودکی بنید که پیر شد دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بجا آخرت
 مشغول گردد و بطیسی ابن سیرین کوید که کسی در خواب مال و ثواب آفرید بود و اگر بنید که تن او پیس گردد دلیل بود که تقدیر آن
 او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از متعبیان کوید که کسی در خواب میراث بود حضرت صادق فرماید که کسی در خواب بر چپا وجه
 بود اول مال دویم میراث سیم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی کوید اگر بنید که با مردی پیس او صحبت بود و اگر
 آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد و خبیث دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد
 پیشانی ابن سیرین کوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری تعالی است و بعضی کوید که پیشانی دلیل
 بر فرزندی بود که از اهل بیت او تو انکر کرد و اگر بنید که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوندش در پاک فنی و پیریز کاری مشهور
 کرد و اگر بنید که کسی زخمی بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر بنید که پیشانی او کوید که
 تاویش بخلاف این بود و اگر بنید که پیشانی او از حال خود بکشت دلیل بود که زبانی بوی رسد و اگر بنید که بر پیشانی او مورچه است
 دلیل بود که وام دار گردد و اگر بنید که آکنوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن دانش از جهت عیال بود و اگر بنید که پیشانی او آهاس
 داشت دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر بنید که از پیشانی او مار یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که تقدیر آن او را الم
 کند از دشمنان رسد جابر کوید اگر کسی بنید که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بجای خدا فی او پندار کرد و اگر بنید که بر پیشانی
 چشماهای بسیار داشت همین دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بنید که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود که
 او از نزدی آید عالم و پیریز کار و اگر بنید که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود کند
 و مرک او بر شهادت او بود و اگر بنید که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد
 و تاویل بخلاف این بود حضرت صادق فرماید که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دویم عز و
 بزرگی سیم فرزندی تو انکر چهارم معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکو پیشی گرفتن ابن سیرین کوید اگر بنید که در کاری پیشی
 گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزوا آنچه بدین ماند دلیل بود که در آخرت رشککاری یابد و او از نزد
 خدای تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار و نیایی پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت صادق فرماید که پیشی گرفتن
 در خواب در کارهای خیر و صلاح و جهانی بود و اگر بنید که پیشی گرفت در کار شر و فساد دلیل کند بر فساد و جهانی پیشی
 ابن سیرین کوید که پیشی در خواب دیدن اگر بنید که پیشی خود را بر دیگر دویم پیشی از آن بهتر مشغول گردد و دلیل بود که کارش
 و حالش بهتر گردد و در کسب و کار و نیکی پدید آید و اگر بنید که پیشیهای کونا کون همی کرد و اگر آن پیشیها نیکو بود دلیل خیر

پی

پیشی

پیشی

پیشی

و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر تر و بدی و اگر بدید که بعضی از پیشه‌ها بد بود بعضی نیک هر کدام قوی تر بود حکم بدان کند این سیرین
گوید که همیشه در خزان و خواب زنی بود بیابانی اگر بدید که در پیشه نشود آن پیشه نبرد و در خزان میوه دارد در آن بود خاصه در وقت آن
از میوه آن پیشه همی خورد و دلیل بود که زنی خواهد که اصل او بیابانی بود یا کینه‌ی خرد که در بیابان او را پرورده باشد و از آن زن او را چیز
منفعت رسد و اگر آن پیشه را خالی از آنها دید دلیل بر تر و مضرت کند و اگر بدید که در آن پیشه بجای در خزان خار بود و از آن خار او را کزند رسد
دلیل کند که او را غم و اندوه بجهت زنان رسد حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن پیشه در خواب بر چهار وجه بود اول زن بیابانی دوم کینه‌ی نیک سیم
منفعت چهارم غم و اندوه بود . هیچ ابن سیرین گوید اگر بدید که مصحف بفروخت دلیل بود که دین او نزد او خیر بود و خوار اگر بدید که
بنده خویش را بفروخت دلیل بود که کار بروی تنگ آید و تنگ کرد و اگر بدید که زن خویش را بفروخت دلیل بود که حرمت و بزرگی
زایل کرد و در زشت نام شود و مگر بجز ازین زن که بفروخت او را زنی دیگر بود دلیل بود که کارش بصلاح باز آید که مانی گوید هر چیزی که در
دین عزیز بود و فروختن آن بخواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود پس چکان در خواب دیدن مردی بزرگ خطر بسیار بود و اگر بدید
که چکانی تیر یافت یا کسی بوی کشید دلیل بود بر درستی کار که بد و درسد جا بر مغزی گوید که دیدن چکان در خواب قوه بود و بخنی
که بینده خواب با خصم گوید خاصه که پیکانش از پولاد و رشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند تا ویش بخلاف این بود
پس بچشم بد آنکه تاویل پیام بران در فصل شانزدهم یاد کردیم از آنجا مطالعه باید کرد و بچشم ابن سیرین گوید پیکر خواب زن
بود و اگر بدید که او را پیکری بود دلیل کند که زن خواهد و اگر بدید که پیکر از کسی بسیار خرید دلیل بود که کینه‌ی خرد جز و اگر بدید که پیکری داشت و از وی
ضایع شد یا زودت او بقیه دو شکست دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زارش از دنیا جلت کند و اگر چه در پیکر خود را بدست و گیرند دلیل بود که
احوالش بر دویم بر آن سیادت آن چیز رسیده بود که مانی گوید اگر پیکر خویش را بصورتی زشت بدل کرده بدید دلیل که حال او تغییر کرد و اگر بدید که
بحال و صورت خود بر دید دلیل بود که حال خود و بسوی خدا باز کرد و اگر پیکر خویش را بشکوه بدید دلیل بود که بر روی از وی بگرداند و بروی جفا
کند جا بر مغزی گوید اگر کسی بدید که پیکر آدمی یا پیکر حیوانی بر دلش کرد دلیل بود که آنکس بد مذہب و دروغ گوید و یا در منتهای خدایتی چیزی گوید و اگر بدید
که پیکری بکوبد یا بکشد یا از جنس او بدو شکست دلیل بود که بدید و اگر صاحب بدید و در آن تیغ بکشد و صورت در خواب بدین روی بود که بر خدا نیجالی دروغ
گوید پس ابن سیرین گوید که اگر کسی بدید که فرق نیست هیچ وجهی از شب خواب از او پس اگر کسی در خواب بدید که بر پل نشسته است دلیل بود که زنی
خواهد یا بخار و اگر این خواب بر روی بدید دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کینه‌ی نیک را بفروشد اگر بدید که پل را شکست دلیل کند که پادشاهی بر دست او نشسته که در دنیا
حصاری حکم کند یا اگر بدید که پل پامی بر روی نهاد و او را شکست دلیل بود که بهلاک نزدیک کرد و در حالش بگردد و اگر بدید که بر پل نشسته بود و آن
پل بر روی داشت دلیل بود که از خیرت پادشاه خویش بخرت پادشاه دیگر شود که مانی گوید اگر بدید که بر پل نشسته بود و آن پل صلاح داشته و یک مطیع او
بود دلیل کند که پادشاه حکم کرد و یا پادشاه عجم را قهر کند و اگر بدید که از کشتن پل بی خورد دلیل بود که بقدر زن کشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بدید که
از استخوان پل یا از پوست او چیزی با خود داشت پس دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بدید که شکام نرم بر روی نشسته بود دلیل بود که شمشیر
بزرگ را قهر کند و بر این قول قصه صاحب الفیل را دلیل آورده اند و اگر بدید که از پشت پل بقیه دلیل بود که در طای سختی افتد و اگر بدید که پل میان جنگ بقیه دو بود دلیل

پیشینه در خزان
پس
پس
پس
پس

دلیل بود که پادشاه آند یار بمیرد جابر مغربی کویدار مینید که از بهر تماشای پیل نشسته بود و آن پیل بروی قادی بود دلیل بود که
 زن عجبی را بنجاح خود بخوابد و آن زن بروی قادر کرد و اگر بخلاف این میند دلیل بود که بر زن قادر کرد و اگر میند که پیل صلاح پوشیده بود و
 از آن شهر بشهر دیگر میرفت دلیل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه پادشاهی و دیگر افتد تا او را طاع کند حضرت صادق می فرمایند که در پیل
 در خواب برش و جب و اول پادشاه عجمی دویم مرد غلام سیم مرد و مکار چهارم مرد و باقوت و هیت پنجم مرد و ششم ستم کاری خون خوار و کوش
 کیا می است که برک بزرگ بین دارد و آنرا شکوفه زردست دین آن در خواب فی بود خادمه فی اصل دون هیت اگر کسی بخواب میند که پیل کوش و شست
 یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از منفعت میند پیلو را بن سیرن کوید که پیلور در خواب نند طیب بود و مانند فقیه
 زیرا که طیب بیمار از امالجه کند و فقیه و دانا را ه دین نماید و اگر میند که پیلور دار و ماراف و در و این هر سه مردمان خیر و راحت رسد و بدین
 سبب دلیل بر خیر و سعادت کند جابر مغربی کویدار کسی میند که پیلور می می کرد دلیل بود که از آن کس خیر و منفعت بهر کس برسد و مانند
 به یکی در آن دیار منتشر کرد و پیل ابن سیرن کوید که پیل در خواب خادمی بود که کار کند که رانی کوید که پیل در خواب خادمی بود که کار
 بنفاق کند و بعضی کوید که پیل در خواب کاری بود که از سرخ و عناق حاصل کرد و اگر کسی میند که پیل دارد و از آن کاری کند دلیل بود که
 آن کار تمام کرد و اگر بدان کار کند دلیل بود که آن کار بریده کرد و بهاری ابن سیرن کویدار کسی در خواب میند که بهار است دلیل بود
 که دین او بفساد و بود و فساد او با مردم بنفاق بود و بعضی کوید که در آن سال بمیرد و اگر میند که بیماری سدرت شده بود و در خانه نبود و با کس سخن نمیکفت
 دلیل کند که بیماری بروی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بمیرد اما اگر میند که با مردمان مجالست میکرد و سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفا یابد
 که رانی کویدار میند که بیماری می بر تنه بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند که بیماری در خواب پیل فرستد و بگوید غم و اندوه که از قبل سلطان یاز
 قبل عیال بدو رسد جابر مغربی کوید که بیماری کوید که ناکون در خواب پیل بود و بخوابیدن فریضه ها و مستنها حضرت صادق می فرمایند که کسی میند که بهار بود و
 از علت خویش می نالد دلیل بود که از غم بکین کرد و اگر از بیماری قانع و رضی و شاکر بود و پیشش بکلی صحت بود و اگر میند که بهار بر تنه بود دلیل که جانش نزدیک
 آمد با شوقه الهی القدر جنت و نافرادی که ماخلقند که اول مرده بهمانه ابن سیرن کوید که بهمانه در خواب نظام کار بود و انصاف و ریت بود و با مردمان خاصه
 چون بهمانه او شکست یا بسخت دلیل بود که خداوند پیش بیم مرک بود و اگر میند که از بهمانه چری می پید و اگر اهل علم بود دلیل که قاضی کرد و اگر اهل علم باشد دلیل
 که از بهر داری تقاضی محتاج کرد و قبول نکرد که بهمانه در خواب بروی بود است کوئی منصف کرد و در میان دهر میند و انیال کوید که میند در خواب پیل برجاه و شست
 پسندد بود و بهر زیاده و نقصان که دوری میند دلیل قدر و جاه بر میند بود و اگر میند که مینی او کوتاه شده بود دلیل بود و نقصان قدر و منزلت آن کوید که
 مینی آن افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت میند و اگر میند که سوراخ مینی او فراخ شده بود دلیل بود که معیشت بروی فراخ کرد و اگر تنگ شده بود
 دلیل که معیشت بروی تنگ کرد و بن سیرن کویدار میند که عز از مینی او بیرون آمده بود دلیل بود که از منتهی منصفت یابد و اگر میند که جانوری
 از مینی دی بیرون آمد چون که م و کس و مانند این دلیل بود که او را فرزندی آید و اگر میند که در مینی او سوراخ بود و
 مہار در مینی او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا با ذی بزرگ جمع کرد و از مال و نعمت یابد و اگر میند که سر مینی او
 بسته بود چنانکه مردن نتوانست دلیل بود که کار بروی بسته کرد و اگر میند که سخن در مینی میکوید دلیل بود که در شش زایل کرد

پیش

پیدا

پیدا

پیدا

پیدا

پیدا

پیدا

پیدا

پیدا

و اگر بنید که پوست سر بینی اورفته بود دلیل بود که او را زانی افتد جابر کوید اگر کسی در خواب بنید که از بینی او خون می آید و بخوابد
 که بخواب دیدم که از بینی من خون می آید دلیل که مال بسیار یا بدار کوید که دیدم خون از بینی من میشد دلیل که مالش برود باید که چون
 سایل سخن کوید مبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفعل نکا پادار و اگر کسی بنید که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل بود که از بزرگ عاقله
 جمع کرد و اگر بنید که سر بینی او بریده بود دلیل که فرزند خویش را خسته کند و بعضی کوید که در جاه و منزلت او نقصان شود جابر کوید اگر کسی
 بنید که چیزی بکر است در بینی او شد دلیل بر خشم و یکی بود اگر بنید که خون از بینی او بیرون آمد چنانکه جلد تن او خون آلود کرد و دلیل بود که
 مالی حرام بوی رسد و اگر بنید که خون سبز و اندک از بینی او بیرون آمد دلیل بود که او فرزند از شکم مادر بقتل مقبول معبرن درویش کرد و
 و اگر بنید که خون از بینی او بیرون آمد و خون آلود گشت دلیل بود که فرزند از زنا خانه بیرون کند یا با ایشان کند رسد و اگر بنید که بینی او
 بر زمین افتاد دلیل بود که او دختر می رسد و اگر بنید که بینی خود را همی شست دلیل بود که مردی زن او را بفریبد و اگر بنید که بینی وی می رفتی
 بیرون آمد دلیل بود که چهار پای دارد و بچا آورد و بقبول بعضی از معتبران خون آمدن از بینی مال بود که از پادشاه آن دیار بوی
 رسد اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که بینی وی بر شمال خرملوی بزرگ شده بود یا کم از آن دلیل بود که بقدر آن بر مغزو جاوه می
 بیفزاید و از آن خوششان نیز زیاده کرد و اگر بنید که در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که او فرزند می مصلح بود و اگر بنید که در بینی او
 بوی ناخوش رفت تا ویش بخلاف این بود چنانکه کوید اگر بنید که بینی ندارد دلیل بود که کسی از خوششان می بهره و اگر بنید که او را
 دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بنید که کسی بوی خوش فرامی آید او شست دلیل بود که او از آن کس منفعتی رسد
 و اگر بنید که خوابن بود دلیل بود که او را پیر می مصلح آید و اگر بنید که شخصی بوی ناخوش در زیر بینی او شست دلیل بود که از آن کس ششی فرو خورد
 حضرت صادق فرماید که دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول مرد و دوم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش و شادی و ششم خوردن این سیرین
 کوید اگر کسی بخواب بنید که پیچ خور دلیل بود که خیر نعمت و فراخی یابد و اگر بنید که پیچ کوفند شست و پیچور دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد
 و اگر بنید که پیچ جانوری پیچور که گوشت او حلال بود دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن پیچ خواب بر سه وجه بود اول نعمت و
 فراخی و دوم مال و منفعت سیم کشایش کارهای ستم بهر خوشی که زانی کوید اگر کسی بنید که پیچش کرد و پیچا که عقل او زایل کرد و دلیل بود که او کارهای نیکو
 که در آن کشته و تخریب کرد و لیکن انجام کارش نکو کرد حضرت صادق فرماید که پیچش در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کار و دوم تخریب و تخریب دشواری
 و بیچارگی حرف الثامن کتاب کامل التفسیر **تاب اول** ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که بر ران یا پیر یا بر بازو دلیل بود که بفر
 شود و فرشت بقدر درازی و که باهی برن یا بر میان بود اگر دراز بود و غمور از کند و اگر کوتاه بود و منقرض کوتاه و زود بود و اگر برای چند وقت بر میان
 تاب می آید دلیل بود که از پیر مصلحتی کاری کند یا ز بهر نفس ریاضت کند حضرت صادق فرماید که **تاب اول** رن و بر میان بر سه وجه بود اول
 سفر و تخیل و دوم ریاضت نفس سیم کشایش کارهای فروخته **تابستان** ابن سیرین کوید که کتابان بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر
 که رای سخت بود و چنانکه مردم را از آن زبان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح رسد **تابستان** را بوقت خوش خواب
 دیدن بهتر بود و زمانی کوید اگر کسی تابستان را بخواب بنید بوقت چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار دلیل بود که غم و درد و کشتن زیاده

تفسیر خواب
 تفسیر خواب
 تفسیر خواب
 تفسیر خواب

برج

برج

برج

برج

کرد و کارش بجز او رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر تابستان را نه بوقت خوش بیند تا پیش بخلاف این
 بود تاج محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک و ولایت بود و روز ناز شوم و مردم عامه آنکه بوی محال و اگر بیند که بر سر تاج
 داشت از روز و صبح دلیل بود که قدری بلند و منتهی عظیم یابد لکن درین راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهر می کند
 صاحب شست و جابه و شغل دنیا کارانی گوید که بیند که پادشاه بر دوشی تاج نهاد دلیل بود که او را پادشاه بزرگی و کاملی بود و اگر بیند که پادشاه
 تاج بوی داد و او بر سر نهاد دلیل بود که فی الواقع خوب روی بخوابد و از دکان دل و داد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بقیاد و شکست دلیل بود که زنا
 طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر او بر گرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که تاج از سر او بقیاد و شکست دلیل بود که زن او بپذیرد یا
 کسی از اهل بیت او بپذیرد و از دنیا حلت کند حضرت صادق فرمایند که زنی بیند که تاج بر سر او درو شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر نکند و اگر شوهر دارد
 دلیل بود که بزنان بهتر گردد و اگر زنی بیند که تاج از سر او بر گرفته شد دلیل بود که شوهر از وی خواهد یا شوهر او اطلاق دهد و اگر بیند که تاج
 مرصع بگوید بر سر پادشاه بود و جابه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد یا تاج ابن سیرین گوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی تباراج
 بر او دلیل بود که آنکس با غم و اندوه و زبان رسد بقدر آنکه از وی برود بود حضرت صادق فرمایند که تاج کرون دلیل بود بر چهار وجه
 اول شغب و دویم زبان سیخ و غم و اندوه چهارم از زانی رخ مکره غنیمت بود تبار یکی ابن سیرین گوید که تبار یکی در خواب ضلالت بود و در راه دین
 و اگر بیند که تبار یکی فرار است یا کسی بدو داد دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تبار یکی بود و آن تبار یکی
 باز بر دشمنی مبدل گردد دلیل بود که توبه کند و راه دین برو کشاده کرد و در زمانی گوید که بیند که در تبار یکی فرو بود و آن تبار یکی باز
 بر دشمنی شد و دیگر تبار یکی شد دلیل بود که این منافق بود قوله تعالی و اذا الظلم ظلماتهم قاموا اولو شاء جابر گوید که تبار یکی بخواب غم و اندوه
 بود و اگر بیند که تبار یکی فرو بود دلیل بود که مردم آن دیار غم و اندوه و در راه دین تبار یکی تبار یکی که شوهرش بود و تبار یکی بر ناکاه پذیرد
 دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات ظاهر گردد حضرت صادق فرمایند که تبار یکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر و دویم تحبب و سوم فو لنسب کار
 چهارم بدعت پنجم و ضلالت افتادن اسمعیل اشعث گوید که اگر بخواب بیند که از تبار یکی برو دشمنی آمد و دلیل بود که از درویشی بتو اکر می افتد
 و از غم فرج یابد و کار بروی کشاده کرد و از راه ضلالت دور بود تاز یانه و انبال گوید که کسی بیند که تاز یانه بخیر کرده و داشت
 دلیل بود که کارش نه بر مرد و نظام او بود و اگر بیند که تاز یانه او محطه نکرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تاز یانه و بعضی
 گویند که تاز یانه در خواب دلیل بر مال اندک بود بر قدر بیند خواب اگر بیند که دوال تاز یانه او کسبت دلیل بود که مال و بزرگی از وی
 جدا گردد و ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که کسی را تاز یانه برزد دلیل بود که بجاری مشغول گردد و از آن کسب فائده بدو نرسد
 و اگر بیند که تاز یانه از دست بیند دلیل بود که نکاری که در دست دارد بیند از اگر بیند که چون او را تاز یانه برزد خون از تن او می ریزد
 دلیل بود که سخنهای ناخوش شود و اگر بیند که خون از وی زرفت دلیل بود که بهتر تاز یانه درمی یابد که مالی گوید که بیند که او را تاز یانه برزد
 دلیل بود که از آن کس مال حرام یابد اگر بیند که بر خشم تاز یانه خون از او روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که زخم تاز یانه بر تن او افتاد دلیل
 بود که سخنهای ناخوش شود و اگر بیند که او را تاز یانه برزد و زانست که کسی زد دلیل بود که ناکاه مال یابد جابر گوید که اگر کسی بخواب بیند که در دست

تازیانه نیکو داشت با علاقه بر شین دلیل کند که او را فرزند می آید و اگر بنید که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوت حال وی و اگر بنید که
 تازیانه او از چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بد و رسید و اگر بنید که تازیانه در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از
 کار خود مغضول گردد و اگر بنید که بر سبب بسته بود و تازیانه میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بوی منت نهاده و اگر بنید
 که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل بود که آنکس مال حرام باید یا زننده او را متهم کند بکنایه و اگر بر پشت خود زخم تازیانه
 بیند و ندانست که چه کسی زد دلیل بود که شغل دینی و دنیائی او تمام گردد و اگر بنید که کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره کرد و دید دلیل کند که او را
 تصرف کردند اگر کسی را بی اندازه تازیانه زد دلیل بود که دیر غم و اندوه رسد اسمعیل اشقت گوید اگر کسی بنید که در خانه خود بدست خود تازیانه
 کوتاه بود پس از آن دراز کرد و دید دلیل بود که زبان او خضم و زرز کرد و اگر بنید که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بر وی غلبه
 کند حضرت صادق فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شست و دوم جلد کردن سیم روشن شدن کاری شکل چهارم سفوف
 مفارقت پنجم بزرگی و مال تاوه ابن سیرین گوید که تاوه در خواب خدمتکار خانه بود که آنچه بیکر که خدای خانه بود و جمله عیال خود و بزرگان
 نفقه کند و اگر بنید که تاوه نموداشت یا کسی بدو داد دلیل بود که خدمتکاری مصلح او را حاصل کرد و یا از وی جدا کرد و جایز مرغی
 گوید اگر بنید که در تاوه چیزی می بخت دلیل کند که کار خدمتکار او نیکو گردد و اگر بنید که از تاوه چیزی بخورد دلیل بود که از خدمتکار
 خیر و منفعت بد و رسد بقدر خوردنی و اگر بنید که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه وی و شب ابن سیرین گوید
 اگر کسی بخواب بنید که او را تب میوسته بود چنانکه زمانیش را نمیکرد دلیل کند که میوسته بفساد و کنا مشغول بود و توبه باید کرد
 تا از عقوبت نجات یابد کرامی گوید اگر کسی بنید که تبش دراز بود دلیل کند که تبش درست و عمرش دراز بود و اگر بنید که وی را تب
 اندک بود و تابش بخلاف این بود تبش ابن سیرین گوید که تبش در خواب خدمتکاری بود که بخوابید که کاری کند اگر او را کاری فرماید
 خواهد که او را کسب کند و اندک کارش بفرمایند جابر گوید که تبش در خواب مردی ترسیده بود و اگر باری خواهد از مرد منافق بود و در میان
 مردم جنگ و جدالی افکند و اگر بنید که تبش داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را بامری بدان صفت دوستی افتد اگر بنید که تبش شکست
 یا ضایع کرد و دلیل کند که آمد و اجل فرارسد تبش بفساد سی طبل بود و بدین آن در خواب خبر کرده و سخن دروغ بود و کاری پیدا روشن
 و این جمله دلیل بر زننده آن گذا ابن سیرین گوید اگر بنید که با تبش یای کو بد و قص کند دلیل بود بر غم و اندوه و مصیبت و اگر بنید که او
 تبش مفرد و بی زد دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور کرد و بعضی از معبران گویند که تبش در خواب آنگاه از خوش
 بود لکن باطل بود کرامی گوید اگر کسی بنید که تبش میزد دلیل کند که کاری باطل کند یا شت که در آن هیچ اصل نباشد
 و بامرومان هر و عده که در جمله دروغ باشد حضرت صادق فرماید که تبش زدن در خواب کاری بود که نادمی کرده شود و
 عاقبت انکار ظاهر کرد که باطل است و تبش زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و راسته گوید بظاهر و در باطن مردمان را
 غیبت کند و سخنان زشت گوید و تهاج ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که تهاج بکوشت برده یا با کوشت کو سفند و ماست تبش میخورد
 دلیل کند که بقتل زن از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بنید که با کوشت کاو یا با کوشت خر کوشش کشک و ماست ترش

مفسر

ب

م

ت

ش

میخورد و دلیل بود که منفعت اندک از مردم سفله دون بد و برید جابر کوید که تهاج با کوشش یا چیزی ترش دلیل برغم و اندوه بود
 تخت محمد بن سیرین کوید اگر کسی بنید که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چری کشته و نبود دلیل کند که بسفر شود اگر بنید که بر تخت
 خفته بود و بر آن چری کشته بود دلیل بود که بزرگی یا بد و بقدر قیمت تخت و شمشیرا قهر کند اما ازین غافل بود اگر این کس از اهل فساد
 بود دلیل بود که برایش کند خاصه که خود را بر تخت خفته بنید و اگر بنید که تخت بشکست و او بفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بخت
 و حالش بد کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن تخت و خواب بر تخت وجه بود اول عز و جاه و دوم سفرتیم مرتبه چهارم بختی تخم و
 ششم قدر و جاه و هفتم عالی شدن کار و تخم کاشتن این سیرین کوید اگر کسی بخواب بنید که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که
 شرف و بزرگی یا بد و اگر بنید که از انجا که کاشته بود میخورد و دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بنید که از آنچه کشته بود چیزی حاصل نکرد
 و یا ندانست که باران چیست و نیز اندک و بسیار از ندانست دلیل برغم و اندوه کند که رانی کوید اگر بنید که کدم همی کاشت دلیل
 کند که او را خیر و نیکویی رسد و اگر بنید که چو همی کشت دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بنید که کا ورس همی کاشت دلیل بر مال
 اندک کند و اگر بنید که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن همی کاشت دلیل برغم و اندوه کند و انیال کوید اگر در زمین خویش تخم بکاشت
 دلیل کند که زنی خواهد که کارش ساخته کرد و اگر زمین کشته خویش زنا کشته بنید دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بنید که
 سجای مجبول تخم همی کشت و برآمد دلیل بود که غرا کند و غراب روی آسان کرد و و خیر نکند و اگر بنید که در زمین خویش کشت میکرد
 دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل کرد و اگر بنید که جویا کند یا درخت در زمین خود میکشت دلیل که جاه و غرا و زیاد کرد
 بقدر که کشته بود حضرت صادق فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم فساد و سیم مال حرام چهارم نفع و
 بازه کانی تخم ابن سیرین کوید اگر بنید که او را تخم بود دلیل بود که او مال را بخورد و فساد کند باید که ازین کناه تو به کند تا از عقوبت
 حق تعالی نجات یابد و اتفاق معتبر آنست که در خواب تخم دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق فرماید تخم در خواب بر چهار وجه بود
 اول مال را با دویم فساد و سیم مال حرام چهارم تناسبت هوای نفس کند تخمها که رانی کوید که تخمها در خواب دیدن آنچه ترش و تلخ
 و ناخوش بود جمله دلیل برغم و اندیشه کند خاصه خوردن بذر و صعبه بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب منفعت اندک
 بود جابر مغربی کوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد که آن تخم که پوسیده یا گرم غوره بود نذر و ابن سیرین کوید که نذر و
 مرغی است و در خواب مرغی غدا بود و نذر و ماده زنی فریفته بود معبران گویند که نذر و مال حرام بود که بحیله بدست آورد و اگر بنید که با نذر و نذر
 بود دلیل بود که با کسی غدا را و خصوصت افتد و اگر بنید که نذر و ماده او را حاصل کرد یا دلیل کند که زنی خواهد که در وی خیر نباشد و اگر خا نذر
 بنید دلیل است که زنی خوروی بنکاح خواهد بر قدر رسیدی و یا کینه کی از آن خانه رانی کوید که اگر بنید که نذر و در خانه و دست و مبر و دلیل کند
 که زن او طلاق کرد و یا بجهت زنان او امیبتی افتد و اگر بنید که نذر و از خانه او پیرید دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر مغربی
 کوید که نذر و در خواب زن پارا بود با حال و مال و اگر بنید که نذر و یافت یا گرفت دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت که
 کفیم و اگر بنید که نذر و در کنار او فساد و بخت دلیل بود که کسی با عیال او سرکاری دارد و او را می فرید حضرت صادق

تخت

تخم

تخم

تخم

تخم

میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا

میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا

و اگر بنید کسی چیزی ترش بودی داد دلیل کند که از ادوی رنج و غم و اندوه رسد و اگر بنید که او چیزی ترش کسی داد دلیل بود که بسبب او
 غم و اندوه بودی رسد فی الجمله و خودی ترش هیچ چیز نباشد مگر تف ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که
 ترف همی خورد دلیل بود که دام دارد و بسبب آن غمگین گردد که ترف بطعم ترش و بدیدار تره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک
 بود و خوردن او غم و اندوه بود مگر ترف دانیا که گوید که ترف اگر چه کم بود زود است اما بوی خوش دارد و بطعم و بدیدار پاکیزه بود و گویند که
 از میوه های بهشت است و دیدن او بخواب نیک است و دانیا که گوید که کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بنید تا ویش فرزند بود و اگر
 بسیار بنید مال و نعمت حلال یابد و ترنج بنزدیدن در خواب بهتر از ترنج زرد بود که مالی گوید که ترنج در خواب مردی بود تو اگر و با حال
 و بعد از آن نزد یک چنانکه همس او را دوست دارند و اگر بنید که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد
 و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزند می خوب روی آید و اگر بنید که ترنج را بخورد دلیل بود که او را مال خود یا مال بزرگی
 بهره رسد و اگر بنید که ترنج را پنهان کرد و در پنهان دلیل بود که فرزندش هلاک گردد و اگر بنید که در خانه ترنج بسیار داشت و کجی شد
 دلیل کند که در کجی نکوئی کند و اگر بنید که ترنج در آستین نهاد دلیل بود که او را فرزند می از کینیک آید و اگر بنید که از آستین بفتاد
 دلیل بود که او را فرزند می حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن ترنج در خواب بر چهار وجه اول زن نیکو روی دوم کینه پاک
 و بی سیم دوست تو اگر چهارم فرزند شریف صالح ترنج پس ابن سیرین گوید که ترنجکین در خواب مال حلال بی منت بود و قولی
 و انزلنا علیک القرآن و التسلوی کذا من طیبات ما دققنا که اگر بنید که ترنجکین بسیار داشت یا کسی بدو داد دلیل
 کند که روزی بسیار یابد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود و حضرت صادق فرماید که اگر ترنجکین در خواب دید یا خورد ویش
 بر سه وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت خلق دوم محبت و کنشایش کار با سیم کام دل یافتن تره و دوح ابن سیرین گوید که
 خوردن تره دوح بخواب دلیل بر غم و اندوه کند تره ابن سیرین گوید که اگر تره آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر حضرت کند تره فروشی
 اگر کسی بخواب بنید که تره فروشی کردی تا ویش نکو بود زیرا که بدست او کاری رود که همه خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب
 بیماری و غم و اندوه بود و تره یا ک ابن سیرین گوید که کسی بنید که تره یا ک از بهر بیماری خورد دلیل بود که از ترنج بهره و کار را
 بروی کشاده کرد و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود و تره کج ابن سیرین گوید که بنید که زن
 خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر عزب بود دلیل بود که زنی تو را خواهد و اگر بنید که زنی را طلاق داد دلیل که ترف
 بزرگی او را پس کرد و اگر مرده زن را زنی کرد و با وی جمع کردید دلیل که از ملک و مال آن زن او را چیزی حاصل
 کرد و اگر بنید که با آن زن جمع نشد دلیل بود که چیزی اندک از مال او را حاصل کرد و اگر زنی بنید که او را مرده
 مرده او را زن کرد و در سرای زن با وی جمع کردید دلیل کند که مال زن نقصان شود یا حال می متغیر گردد و اگر بنید
 که زن خواست لکن زن را ندید و نامش را ندانست دلیل بود که اجلش نزدیک شده باشد و اگر زن را بنید و سرای مجهول
 بود و آن سرایان شخص مرده بود و آن مرده با وی جمع کردید دلیل بود که آن زن بمیرد و اگر آن سر مرده بود دلیل بر نقصان

تف

تف

تف

تف

تف

تف

تف

زن کند کرامی کوید اگر زن شوهری دارد و خواب بیند که دیگر شوهری دارد و عوسی را ندید دلیل کذب شرف و عزت و زیادتى مال
او و اگر بیند که عوسی خواست کردن و عوسی را ندید و شناخت بهم مرگ بود و بعضى کوبید شخصى بر دست او هلاک کرد و او اگر
بیند که بیمار بود و زنى مجهول خواست و یا کسی دید که زن او شوهری کرد و آن شوهر را بخانه برد دلیل بود که مال بسیاری
ازین مهر بشوهر رسد و اگر بیند که زنى نابکار بزنى بخواست و یا عوسی جمع شد دلیل بود که کاری و دشوار بر عوسی آسان کرد
و اگر با عوسی جمع نشد آنچه گفتیم کمتر بود جابر مغزنى کوید اگر کسی بیند که دخترى دوشیزه را بزنى کرد و دوشیزه کی اورا بسند دلیل بود
که اندران سال اورا زنى یا کینزنى حاصل کرد و او از پادشاه خیر و نیکی بیند و اگر بیند که بچرام دوشیزه کی دخترى بسند دلیل بود
که مالی حرام بدست آورد حضرت صادق فرماید که زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود اول بزرگى دویم زیادتى مال
سیم رامش چهارم حرمى و شادى **تبییح کردن** ابن سیرین کوید تبییح کردن بخواب مطیع بودن بر فرمان حق تعالی اگر
بیند که تبییح میکرد دلیل بود که مطیع بود بر فرمان حق و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که تبییح بخواب با خود داشت غم و
اندوه بدو رسد و لکن اورا در آن اجر و ثواب بود و اگر بیند که تبییح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی کرد و مالی
یابد و این خواب را والى بیند دلیل بود که اورا آبادانى و ولایت رسد قوله تعالی **لَئِنْ شَكَوْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ** طشت کرامی
کوید که طشت در خواب زنى خادمه بود ابن سیرین کوید که طشت در خواب کینزنى بود که حوائج خانه بدو تسلیم کنند و اگر بیند که طشتى
فرارفت یا کسی بدو داد یا بخرد دلیل بود که زنى خادمه بخانه آورد یا کینزنى خرد و اگر بیند که طشت بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که آن کینزنى بگریزد یا از دنیا رحلت کند کرامی کوید اگر کسی بیند که طشتى خرید دلیل است که زنى خادمه را بزنى خواهد
کینزنى حضرت صادق فرماید که دیدن طشت در خواب بر سه وجه بود اول زن خادمه دویم کینزنى سیم منفعت از زنان
تشنه ابن سیرین کوید که سیرابى در خواب بهتر از تشنگى بود و اگر بیند که نبات تشنه بود و او آب نمى یافت دلیل کند که رنجى و رنجتى
بدو رسد و پیرى یا از دنیا بگریزد تشنه بود یا آب نمى یافت یا کسی بدو داد و تشنه بود دلیل کند که از رنج و بلا رستگردد و دوسر انجام ببرد و رستگارب
کوید که تشنگى در خواب فساد بود و در دین و اگر بیند که در تشنگى آب یافت و بخورد دلیل کند که کند و دوسر انجام نوبه کند و مصلح و پارسا گردد
تعوید ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند که تعوید با خود داشت از انماى خداست یا دلیل کند که از سخنى و غم برهد و اگر وام دار بود
وامش گذاره کرد و اگر بیمار بود تشنه یابد و اگر زندانى بود رهاى یابد و اگر در سفر بود سلامت باز آید کرامی کوید اگر کسی بیند که
تعوید نمى نوشت و بمردم میداد دلیل بود که از بمردم منفعت رسد و اگر بیند که تعوید نمى نوشت و بمردم میداد و بهامى سده دلیل بود که
از دین بکین کرد و متفکر لغو دیدن تبار زنى بود و عکسار و صالحه که خانه او اصلاح و در راه خیر بمردم آموزد و از شر و فساد
نوبه کند کرامی کوید اگر بیند که تبار و شکست یا ضایع کرد دلیل کند که آن زن از وجهه کرد و یا از دنیا رحلت کند بقول بعضى معبران لغو
کینزنى بود و خادمه **تفشله** بدانکه تفشله لغو عسى ختمه بود اگر کسی از خواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین کوید اگر بیند
که تفشله نمى خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد و یا اگر کسی خفتن افتد بدان سبب رنجور گردد و علی الجملة در تفشله

تبییح

طشت

تشنه

تعوید

تفشله

تفشله

خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد بکس کردن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب ببیند که بکسیر میگردیل کند که از شتر
 دشمنان امین گردد و در خیرات بروی کشاده کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن بکسیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول آنی
 از دشمنان دویم بر سنگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت چهارم کشایش کارهای بسته مگر کس ابن سیرین گوید که مگر کس در خواب
 دیدن عذاب و تنگی دنیا بود که ماندن بود اگر بوقت خود بود دلیل که اهل آموغ فراموشی و نعمت بود لکن مگر کس دیدن بوقت
 خود دلیل بر غم و اندوه بود اهل آموغ را حضرت صادق گوید که دیدن مگر کس در خواب بر پنج وجه بود اول بلا و دویم خصومت
 سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری شش بشارت بود و شرح و تحویل آن در حرف با بیان کردیم تمام شدن کارها
 ابن سیرین گوید که هر که بخواب ببیند که کارهای دنیائی او بنظام گشت و کامکار شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد و قوله تعالی
 حَقُّ إِذَا اخَذَتْ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَهُرِّمَتْ بَنِيهَا كَاشْرَافَ وَجْهٍ لَّيْسَ بِمُؤْمِنٍ بِهِ لَكُم عَذَابٌ عَظِيمٌ
 پیری کرد و دویم بیدار بود که از او انتقام کشند تن مردم ابن سیرین گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل غم و اندوه بود که
 معیشت مردم بود و بهر زیادت و نقصان که در تن ببیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر ببیند که تنش لاغر و خفیف بود دلیل
 بود بر رویشی و سستی کارها و اگر تن را فربه ببیند دلیل کند بر توانگری و کشایش کارها و اگر ببیند که از تن او رشته بیرون آید و
 دراز میگردید دلیل کند که زندگانی بعیش و فراخی گذراند و مالش زیاده گردد و اگر ببیند که رشته شده و تن او بخلایف این
 بود و اگر ببیند که تن او آهمنین شده یا مسین دلیل بود که عیش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ گردد و اگر ببیند که تن او
 آهکین بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد گرانی گوید اگر ببیند که تن او درست و قوی بود دلیل بود که کارش بنظام شود و راز
 او پوشیده بماند و اگر ببیند که تن او ضعیف است دلیل بود که در ویش گردد و رازش آشکارا گردد و حضرت صادق میفرماید که اگر بر تن
 خویش زیادتی ببیند دلیل کند بر قوت و توانگری و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی ببیند دلیلش بخلاف این بود و اگر
 ببیند که هم تن او آس داشت دلیل بود که بیمار گردد و دشمنان بر بخت پاری عیب و دیدن او در خواب ترعد بود از عامل و از عوام
 ابن سیرین گوید اگر ببیند که غریزین تندر را با باران دلیل بود که مردمان را ترس بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر ببیند که باران سخت
 بار و قند سخت بارید دلیل بود بر ترس کاری ببیند خواب از دعا و پیر و مادر گرانی گوید که غریزین رعد اندک و باریدن باران اندک
 دلیل بر ترس کاری از اهل بود از دعای زاهدان و صالحان حضرت صادق فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب و دویم حکمت
 سیم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر ببیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر ببیند که
 باران و رعد و برق بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود اگر ببیند که باران تراله می بارید دلیل بود که در آن دیار
 فتنه و عذاب پدید آید و اگر ببیند که تندر سخت بگریزد دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد
 و اگر ببیند که هم تندر بود و هم برق و هوا تاریک بود دلیل که پادشاه ستمگر پدید آید تندر لیسها ابن سیرین گوید که تندر لیسها که سایه
 آن بر زمین افتد چون بخواب ببیند غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه ببیند و آنچه در دیوار کشیده ببیند حضرت صادق

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

فرماید که تزلزلها در خواب بر سر وجه بود و اول غم و اندوه و دوم نقصان قدر و جاهدیم بی امانتی در کارهای سیرین کوید
 اگر بنید که تو تنگی بفرمانی آمد از جایگاههای و هم او بجایگاههای همین شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی شود
 و اگر بخلاف این بنید بد بود و جابر کوید اگر بنید که در جایگاههای تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد
 و اگر بنید که در آنجا طعام تنگ بود دلیل بود که عیش و روزی برادر تنگ کرد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد تنور
 ابن سیرین کوید که تنور در خواب منتهر بود که خدای خانه و بعضی از معتبران گویند در که با نوزی خانه بود اگر بنید که تنور درست
 داشت دلیل کند بر تن و رستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بنید که تنور بنفقا و در خواب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری
 و آفت که خدای و بدی وی و اگر بنید که تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها روزی حلال بیاید و کار بروی نیکو
 کرد و کرمانی کوید اگر بنید که در تنور تختی آتش است بیرونشائی و بر بالای تنور شعاع آتش می افتد و دود نبود دلیل بود که سفر
 بیت المقدس رود یا حج کند قوله تعالی من شاطئ الوادی الايمن فی البقعة المبارکة یعنی که و بیت المقدس و بعضی گفته اند
 که از اجز و منفعت رسد حضرت صادق فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول خیر و منفعت بود و خاصه که نو بود و دوم
 مردی با سبب شود و منفعت تو بره ابن سیرین کوید که تو بره در خواب خیر و منفعت بود و خاصه که نو بود و اگر بنید که تو بره داشت
 یا کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بنید که تو بره ای اوضاع کرد دیدن او پیش بخلاف این بود تو بره در آن
 ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که تو بره دلیل کند که از همه کسان و معصیت پشیمان کرد و در که در نیکو کند که در آن خوشنودی
 خدایتعالی بود و دست از نو بیاید و و طلب آخرت کند حضرت صادق فرماید که تو بره کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
 پشیمانی از گناه و دوم رضای خدایم راه آخرت چهارم سعادت و توتیا کرمانی کوید توتیا در خواب دیدن مال بود اگر کسی بنید که
 توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا در دشمنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصود وی بخلاف این بود دلیل
 کند که خود را بتفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی کوید اگر کسی بنید که توتیا بد و دادند دلیل کند
 که بقدر آن ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که توتیا همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین کرد و حضرت صادق فرماید اگر
 بنید که توتیا در زیر بغل داشت از برای دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن او را مدح و ستاوی کوید
 کوید توت توت شیرین خوردن در خواب روزی بود و خوردن خر توت غم و اندوه بود ابن سیرین کوید که توت شیرین
 بهنگام خود خوردن دلیل کند که بقدر آن از کسب خویش روزی بیاید و اگر این خواب بهنگام رسیدن توت بنید نیکوتر بود و اگر
 بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی کوید اگر بنید که توت شیرین میخورد دلیل بود که از مردی جو اندر وصل و عطایا
 اگر بنید که خر توت همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر کرد و حضرت صادق فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود
 اول مال و دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه بهر زن توت ابن سیرین کوید اگر بنید که تورات همی خورد
 بظاهر دلیل کند که ویرا قوتی بدید و از مردم محشم و اگر بنید که تورات خواند بظاهر دلیل کند که با کسی خصومت

چشم
 تنوع
 توت
 توت
 تنوع

کند و بروی طغریا بد و مروض حاصل کرد و اگر بنید کسی را تعلیم ثنات میکرد دلیل کند که از آنکس خبر بد و درستی را نیاورد
 که تیر در خواب دیدن مردیت راست گوشت آنکس خبر بد و مرد قبول بعضی از بعدان غیبت بود و اگر بنید کسی تیر بوی می انداخت
 دلیل کند که بخانی بد و فزور در خاصه چون بنید که لغرض انداخت اگر بنید که تیر لغرض انداخت دلیل بود که نام بدانکس فرستاد حرف
 الجیم من کتاب کامل التبعیه چادر ابن سیرین کوید چادر در خواب دیدن تر لوش زن بود اگر بنید که چون زمان
 چادر پوشیده بود دلیل که در آنکار خیر و شر بود لکن آنکار از آن مکره دارند و اگر کسی بنید که چادر را بدرید یا بسوخت دلیل
 بود که در آن وقت ستروی دریده کرد و کرمانی کوید که چادر شب در خواب دیدن زن بود اگر بنید که چادر شب فرافرت یا کسی
 بد و او دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بنید که چادر نو بخرد دلیل کند که کنیزی بخرد و او فرزند آید و اگر این خواب را زنی بنید دلیل
 کند که او را شوهر آید و اگر زنی بنید که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق فرمایند
 در خواب بر سه وجه بود اول قدر و جاه دوم مرد و زن و زن را شوهر سیم که خدای سرای جادوی کردن این سیم
 کوید که جادوی کردن در خواب کار باطل بود اگر خواب بنید که جادوی میکند دلیل کند که کاری کند بیجوده و باطل و بقول
 بعضی از مجربان جادوی فتنه بود آنکس که از بهر او جادوی کنند جابر مغربی کوید که جادوی کردن در خواب از بهر کسی تمهد بود
 بد و رخ که مردان را بد و فریب و جادوی در خواب دشمن فریبنده بود و حضرت صادق فرمایند که جادوی کردن در خواب بر شش
 وجه بود اول فتنه دوم فریب سیم که چهارم سکا نش بد پنجم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی بود چهارم یا می
 ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که چهار پایی را ذاکرقت و آن چهار پا مطیع و فرمان بردار بود دلیل بود که بقدر قیمت آن
 چهار پایی از مردی بیابانی او را منفعت رسد و اگر بنید که ربه چهار پاییان و شتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل
 کند که گروهی که مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند کرمانی کوید اگر بنید که چهار پاییان و شتی را می پرستید دلیل کند که مردمان
 و انار خدمت کند جابر مغربی کوید اگر بنید که چهار پایی شده بود دلیل کند که از عقل زایل کرد و اگر بنید که چهار پایی با او سخن گفت
 دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بنید که چهار پایی گوشت میخورد دلیل بود که بقدر آن مال یابد چهار و پ ابن سیرین کوید
 که جادو ب بخواب دیدن خادم و خدمتکار او و جادو ب در شب خادمی بود که تقاضای چیزی کند و اگر بنید که خازن
 بجادو ب میرفت دلیل کند که مالش ضایع کرد و اگر بنید که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال کسی بد و درسد خاصه که
 بنید خاک رفته را بخانه خود آورد و حضرت صادق فرمایند که جادو ب دیدن بخواب بر سه وجه بود اول خادم
 دوم منفعت سیم تقاضی چیزی که با مردم بود و بد و درسد چهارم کرمانی کوید اگر بنید که جام پر آب با خجل
 ذاکرقت یا کسی بد و او از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و او را فرزندی یابد یا آید که از او راحت
 بنید و اگر بنید که آب از جام بر ریخت و جام بماند دلیل کند که فرزندی بمیرد و مادرش بماند و اگر بنید که جام را بشکست و
 آب بماند دلیل کند که زنی بمیرد و فرزندش بماند و اگر جام بشکست و آب بر ریخت دلیل بر تلک فرزند بود و مادر هر دو

تیر

چادر

جادوی

چهار پایی

جارب

جام

جابر مغربی گوید اگر بنید که جامهها و خزانه او در دیوار نشاند بود دلیل بود که بعد از آن جامهها و اکتیزگان و زنان بودند و اگر جامه سفید یا سبز بنید دلیل کند که او از زمان مصلح پارسا باشد و اگر جامههای سرخ بنید دلیل کند که او از زمان معاشره مفسد بود و که جامهها زرد بنید دلیل بود که زمان او بیامروز و کون باشد و اگر جامهها سیاه بنید دلیل بود که او از زمان اندوگین و مصیبت زده باشد جامه و انیال گوید جامه در خواب کسب و کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بنید دلیل که کسب و کارش بد نشود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بنید دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بنید دلیل بود بر غم اندوم و جامه زرد در خواب بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان است آن نیز خوب بود قوله تعالی عا لیهام ثیاب سندس خضر و استنبق و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر فقر است بود و جامه سوخته دلیل زمان بود از بسبب پادشاه و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه شل و نمیدین و پلاس از پشیمین این جمله دلیل بر مال و خواسته او حاصل کرد و جامه برقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چرکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل بر ملات و شتاعت کند و جامه که از پوست چهار پایان بود دلیل بر چیز و منفعت بود که بدو رسد و جامه سبز زرشک گل کفن دلیل که شغلهای وی و دین تمام کرد و دکن عمرش با آخر رسیده باشد و اگر بنید که پوست خر پوشیده بود دلیل بود که غر و جاه یابد این سیرین گوید اگر بنید که جامه متهری پوشیده است اگر از اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بنید که جامه وزیر پوشیده است دلیل که مال بسیار یابد اما از خلق ملاتش بود و اگر بنید که جامه حاجی پوشیده بود دلیل بود که از عطای بزرگان محروم ماند و اگر بنید که جوانی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری دهد و بطا رسانیدن بوی و اگر بنید که جامه جلادی پوشیده است دلیل است که منفعت یابد و اگر بنید که جامه صاحب ده پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور کرد و بمهمات ساختن خلق مشغول گردد و اگر بنید که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده کرد و اگر بنید که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت بود و اگر بنید که جامه بازرگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بنید که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که کار و دینش اصلاح آید و اگر بنید که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از اهل فساد و غم و اندوه رسد و اگر بنید که جامه مزدور کارکن داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد و اگر بنید که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر بنید که جامه جهودان داشت دلیل بود که بیکر و حیل کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بنید که جامه ترسیان داشت دلیل کند که کاری کند که بسبب آن از دوست امین نیاشد و اگر بنید که جامه کشیش داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر و ضلالت بود و اگر بنید که جامه معان داشت دلیل بود که میلش بجانب بددیان و جاهلان بود و اگر بنید که جامه بزازان پوشیده است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بنید که جامه مرتدی پوشیده است دلیل بود که

کسی عطائی بدود و باز ستاند و اگر بنید که جامه بت پستی داشت دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول کرد و یا خدمت متهری
 و اگر بنید که جامه زنی پوشیده داشت دلیل بود که از غنیمت خویش دور کرد و اگر بنید که جامه مردان زندانی پوشیده داشت
 دلیل بود که بسبب کاری غمگین و متمنند کرد و اگر بنید که جامه جمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و انکشت نمایی
 کرد و اگر بنید که جامه کوری داشت دلیل کند که بخدمت مردی غمگین و بیست مشغول کرد و اگر بنید که جامه کشتیانی پوشیده
 داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی لال با و رسد و اگر بنید که جامه قصابی داشت دلیل بود که ویرانی و اندوهی رسد و اگر
 بنید که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که با زن صحبت دارد و نه بر است کرامی گوید اگر بنید جامه نو داشت و او نقصان
 نکرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و دون دیدن و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه زر بخت زن و خرمند
 و کینزک با فرنگ بود و جامه برد و مخطوط خیر و منفعت بود و جامه رسی که مجبول بود و زخم نازبان بود یا غمی سخت که بدو
 رسد و جامه معتین نال و خواسته بود و جامه بر روی یک کونه است یکونه بدین تعلق دارد و یک کونه
 بدین و جامه سفید دین است و جامه نو عامه دنیا اگر کسی بنید که جامه سفید نو بپوشید داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه
 سبزه و تنگ بنید هم دین را بد بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و درید بپوشید هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ
 زنانه را نیکو بود و در دنیا و مردان را هم نیکو بود و پیران و ازار و طبلسان و قبا و دستار را نیکو بود و از غم و اندوه بود
 یا جنگ و خصومت و جامه زرد و مردان را بسیاری بود و بقول بعضی از معتبران اگر بنید زنی که جامه زرد پوشیده بود
 دلیل کند که او را شوهری آید و اگر دار و بیمار کرد و جامه سبز زنانه و مردان را دین بود و اگر بر زننده بپوشید صلاح دین بود
 و اگر بر مرد بپوشید دلیل رستگاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که بپوشید سیاه پوشیده نیکو بود اما آنکه بپوشید سفید پوشند
 جامه سیاه دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از معتبران خطیب و قاضی و پادشاه را نیکو بود اما
 رعیت را غم و اندوه بود و جامه کبود و بنیان و غم و مصیبت بود و اگر کسی بنید که جامه ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد و دلیل
 بود که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که او را خوش نیاید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بخواب بنید که جامه داشت
 که رویش از رنگی و پشتش از رنگی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند اگر بنید که جامه خویش می خورد و دلیل کند
 که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر بنید که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بهر کاری ویران
 کشند و اگر بنید که جامه اوضاع کردید یا از وی بپندند و او برهنه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم گردد و حقیر و خوار گردد
 اگر بنید که جامه خویش را بریزد دلیل است که اندوهگین گردد و باز از خویش خصومت کند و اگر بنید که جامه وی بدرید
 دلیل کند که از آنکس جدا شود و اگر بنید که جامه خود را یا جامه اهل خود را مومی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد
 یا از دوستی و اگر بنید که جامه او کسی بر بود و برهنه بماند دلیل کند که از حرمت و منزلت بپندد و اگر بنید که جامه در نوشته از هم
 باز کرد دلیل است که بسفر رود و اگر بنید که جامه باز کرده را در نوشته دلیل بود که غایبش از سفر باز آید و اگر بنید که جامه

زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما ترسی عظیم بدو رسد و بقولی او از غم و اندوه رسد و بچیزت کرد و اگر بنید که
 جامه مردان پوشیده داشت دلیل که خیر و نعمت بدو رسد و جامه یافتن در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه
 در سفر ماند و اگر بنید که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز در اصفهانی گوید که بهترین جامهها در خواب جامه است که از پنبه بود
 و در وی قریب ابریشم نباشد و جامه عنابی از پنبه و ابریشم بود و جامه زهره و دلیل بر مال حرام و فساد کند و روین و جامه دیبا
 حریر و ابریشم مردانه بود و زنان را بنیک و جامه کهن غم و اندوه بود از قبل پادشاه و اگر کسی بنید که جامه کهنه فروشد بنیک
 بود و اگر بنید که جامه کهن می خرد دلیل بدو و جامه کهن پوشیدن بدست و جامه کهن از تن بیرون کردن نیکست جامه
 مغزنی گوید اگر بنید که جامه شسته بود و پوشید دلیل بود که باتب کرد و اگر بنید که جامه چرکین داشت درویش کرد و اگر بنید که
 جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاسی بود و اگر رنگ بود و اگر بنید که جامه با شکوه داشت دلیل بود که او را مسکری
 پدید آید حضرت صادق فرماید که دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دویم پادشاه سیم مال چهارم خیر و
 منفعت و هم او گوید اگر کسی بنید که جامه خود را بمقتراض برید دلیل کند که چیزی بدو رسد و اگر بنید که در دوان جامه او را بیرون
 کردند دلیل بود که فساد و در میان زنان وی افتد جامه خواب ابن سیرین گوید که جامه خواب دیدن تاویل
 زن بود و اگر بنید که جامه خواب بصفیه و پاکیزه بود دلیل که عیالش دیندار بود و مستور و اگر بنید که جامه خواب او سیاه بود
 دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از متعبین گویند که جامه سیاه در خواب پادشاه را نیکو بود و در رعیت را بد بود
 و اگر جامه خواب را بگو بنید دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بنید که جامه خوابش چرکین و دریده بود دلیل
 بود که زن او چرکین و پلید ناسازگار بود و اگر بنید که جامه خوابش منایع کردید باید زدی و دلیل بود که زن را طلاق دید باز و مفارقت کند
 و اگر بنید که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد و حضرت صادق فرماید که دیدن جامه خواب بر سه وجه بود اول زنی نکاح سیم
 راحت و آسانی سیم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرین گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر
 بیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف کرد یا خود هلاک کرد و اگر جان خویش بصورت
 مردی نیکو بنید دلیل بود که ویرا فرزندی نیکو سایید و حالش نیکو کرد یا بخد مت پادشاه خوش طبع و جوانمرد و پیوند و حالش نیکو کرد و اگر
 جان خود را بصورت مردی زشت خوبید بخلاف این بود که هفتم حکایت در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله
 در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا در کساک گرفت و بعد از آن با سمان رفت رسول فرمود که مصیبت کن که جان
 تو بمکان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد و کرمانی گوید اگر کسی بنید که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که
 بکار مخاطره مشغول کرد و که در آن ویرا بیم جان بود و اگر بنید که جان از کف او با سمان شد دلیل است که زود بمیرد و اگر بنید که
 رنگ جان او زرد بود دلیل که در بیماری صعب بمیرد و اگر جان را بگونه سرخ و یا سفید بنید عاقبتش نیکو بود و از غم رستگاری
 یابد و اگر بنید که بوی سیاه بود دلیل است که مستوجب عذاب قهقشالی بود و جامه مغزنی گوید اگر بنید که مرده جان همی کند و خوششان

جامه خواب

حج

او بروی نوحه زاری میگردند و دلیل بود که اهل بیت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بیند که غم ایشان وی آهسته میسر است
 دلیل بود که مالش در عقوبت بود چاه ابن سیرین گوید که چاه در اصل تاویل آن بود اگر بیند که در جایگاه چاه میگذرد دلیل بود
 که زن خواهد اگر بیند که کند چاه کسی او را بدید و میگرد دلیل کند که میان او و آن زن کسی متوسط است و خواهد که بگوید و چاه از زن از بی
 وی دیرتر که کند چاه بگوید و در امثال گویند که فلان چاه برای فلان میگذرد یعنی با وی بدی و مکر خواهد کرد و آب چاه
 در خواب مال زن بود اگر کسی بنماید چاهی آب خور و دلیل بود که مال زن بخورد و اگر از چاهی آب خورد که از خشت بخت برآورد و بود
 هم دلیل بر مال زن کند و اگر بیند که کسی چاه کند و آب بر نیامد دلیل بود که زنی در ویش خواهد که مالی گوید اگر بیند که آب چاه خوردن بطعم
 خوش بود دلیل بود که مال زن بکسایت است و اگر بیند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود که بخت مال زن بخیال بد و
 بقول بعضی از مبران بیا کرد و اگر بیند که آب چاه خشک و خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند و اگر بیند که آب چاه
 بسیار بود دلیل که زن جوانمرد و خنی بود و اگر بیند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن مغرور و دون بود و اگر بیند که چاه بکشد و آب
 زود برآمد دلیل بود که زن بیا کرد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد و اگر
 بیند که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یا بد و اگر بیند که آب چاه بقدر فوریت و بیخ نماند دلیل بود که زن پلاک کرد و و
 مالش تلف شود و اگر بیند که چاه در زیر زمین فوریت هم دلیل بود بر پلاک زن که مالی گوید اگر کسی بیند که دود چاه کرد و تا آب
 برآورد و دود چاه افتاد و در میان کست شد دلیل بود که از فرزندی آید تا تمام حکایت در خبر است که مردی از عبداللہ بن
 عباس پرسید که خواب دیدم که دود چاه کردم تا آب برآرم در میان بد و پاره کشت و آن دو پاره را یکی برآورد و دیگری در چاه ماند
 عبداللہ گفت که تو از خیال خود غایب بودی و تراف از زندی آمدش ماه که ویراد فن کرد و آن مرد گفت که مرا از آن سخن عجب آمد
 و اینال گوید اگر کسی بیند که در جایگاه چاهی معروف چاهی میگذرد دلیل کند که با کسان خود مکر و حیله سازد و بقول بعضی از مبران کند چاه
 و برآمدن آب بکساحت دارد و اگر بیند که چاه از بیک کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط بود کسی را بکساحت کردن جابر گوید اگر بیند که آب از
 چاه میگذرد دلیل بود که مکر و حیله مال جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر بیند که بد و آب همی کشید و در بومیر سخت دلیل
 بود که مال خود نیکو نکاهد و اگر بیند که آن آب را کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را نفقه کند بخیر و اگر بیند که در چاه افتاد دلیل کند
 که در مکر و حیله افتد و اگر بیند که باغ را آب همی داد و دلیل کند که مالی که حاصل کرده است زن خواهد یا نیکو کرد و اگر بیند که در باغ میوه
 بود دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیند که باغ را آب همی داد و دلیل کند که باز زن خود مجامعت کند و اگر بیند که آب بر سر چاه آمد
 و روان شد دلیل کند که زنی توانگر زنی خواهد و از آن زن او مال و نعمت حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن چاه در خواب بر
 شش و جود اول زن دویم کینک سیم عالم چهارم توانگری پنجم مکر ششم مکر و حیله و مرد چاه کن در خواب مکر و حیله بود و چپ
 ابن سیرین گوید که چپ در خواب زن بود و اگر بیند که چپ فراخ و پاکیزه داشت دلیل کند که زن از نیک رای و نیک سیرت
 بود و اگر بخلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بیند که چپ او بدید یا بسخت دلیل که میان ایشان جدائی

آنحضرت صادق فرماید که دیدن جبه در خواب که ببینند در زیستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر چهار وجه بود اول
 زن دوم قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه که بن و چرمین غم و اندوه بود و جابر گوید اگر بنید که جبه نبود داشت یا کسی بد و
 داور نمک سبز بود دلیل بود که زن پاک دین بخوابد و اگر بنید که جبه بخید نبود داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بنید زنی
 بیمارگون بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بنید زنی معاشر بود و با اوسان کاری کم کند چتر این
 سیرین گوید اگر کسی بنید که بر بالای سر او چتر میزدند دلیل بود که اگر ازا دل آن بود پادشاهی یابد و اگر ازا دل آن
 نه باشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بنید که چتر پادشاه در دست داشت دلیل که مقرب حضرت پادشاه گردد حضرت صادق
 فرماید که دیدن چتر در خواب بر منفعت وجه بود اول سلطنت دوم عزت سیم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت
 هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معتبر آن گویند که کد بانوی خانه بود و اگر
 در خواب بنید که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود و اگر بنید که چراغ
 نارنگ می سوخت دلیل بود بر سر کد بانوی خانه یا زن یا خادم اگر بنید که چراغ فرو مرد دلیل بود که خانه میسر که بانوی
 خانه بمیرد و جابر گوید اگر بنید که آتش زنده چراغ برافروخت دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا
 کینک خرد و اگر در سفر غایب دارد و سلامت یاز آید و اگر بنید که در شهر چراغ بسیارست دلیل بود که پادشاه ولایت عادل
 بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بنید که چراغ بسیار در دست داشت
 دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بنید که خواب فاسق بود دلیل که بخدا تنگالی باز گردد و توبه کند و
 اگر مشک بود رایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد و قوله تعالی و سر اجامید و ابشر المؤمنین بان لهم
 من الله فضلا کثیرا و اگر بنید که چراغ بر مرد دلیل بود که فرزندش پلاک گردد یا عزت و دولتش نقصان پذیرد و اگر بنید که
 در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیایی او ساخته گردد و اگر بنید که در دست یک چراغ داشت
 که در روی دو سو راخ و دو فتیله افروخته بود دلیل است که او را دو فرزند نیک بود که بیک تنگم آید حضرت صادق فرماید
 که دیدن چراغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سهری
 هفتم مهر ششم شادی نهم علم و دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کینک سیزدهم منفعت چهاردهم پنجه
 بنید همچنان بود و چراغ پایه ابن سیرین گوید که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر بنید که چراغ پایه
 داشت یا کسی به او داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر چراغ پایه زنک گرفته بود دلیل بود
 که زن خادمه متکبر و خود بینی بود و ویش ضعیف بود و اگر بنید که چراغ پایه جوین بود زن خادمه مغرور و دون
 بود و بر قول او اعتماد نبود چراغندان در خواب زن بود و معتبر آن گویند که خدمتکار خانه بود و قبلیه و
 چراغندان کار فرمای بود کرمی گوید اگر بنید که چراغندان آئین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار

تیم

تیم

تیم

تیم

میر

چک

باز

چین

تیم

کبر بوده باشد و اگر خالین بنید اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دین دار و با امانت بود و اگر بنید که چراغدان از دست او
 بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بمیرد و چرخ ابن سیرین کوید که چرخ در خواب پادشاه بود و اگر چرخ خوشی بنید
 دلیل فرزند می بود که بجد بود و مردی رسد و اگر بنید که چرخ را گرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه بر او قسم میداد کند
 و اگر بنید که پادشاه چرخ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که پادشاه حرمت و بزرگی یا بدو بر دیگران قسم کند و اگر بنید که چرخ
 شکار میکرد و او را گرفت دلیل بود که او را فرزند یا پسر یا فرمان اگر بنید که از گوشت آن چرخ چیزی میخورد و دلیل بود که از فرزند
 رنج و بدی بنید که مانی کوید که چرخ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بنید که چرخ در خانه وی
 یکبار یا دو بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد و هیچ زبانش نرسد بعضی از متجربان کوید که چرخ مردی
 دزد بود که شب کار کند چرخ ابن سیرین کوید که هر که در خواب بنید که جامه چرکین داشت دلیل کند فساد کار بود و اگر
 کسی بنید که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین و دنیای او و اگر بنید که چرک جامه او بسبب مردگان
 بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود که مانی کوید که چرخ در خواب دیدن بر سر تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن هیچ
 چیز و منفعت نباشد چرخ و خواب زنی بود مختلف حال و پراکنده احوال و مولی زاوه اگر بنید که چرخ داشت
 یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بدین صفت که گفتیم بخوابد و اگر بنید که چرخ او ضایع کردید دلیل بود که زنیش بمیرد یا طلاق
 دهد یا بر مغزنی کوید که چرخ سفید روشن بود دلیل بود که زنی مستور با امانت و خوب روی بخوابد و اگر بنید که چرخ تیره و سیاه
 بود تا ویش بخلاف این بود چشمتن ابن سیرین کوید که اگر کسی بنید که از جای میجست دلیل بود که از حالی که دارد بجان دیگر شود
 و اگر چشمتن دور بود دلیل بود که سفری دور کند و اگر بنید که چوبی یا نیزه در دست داشت و بدان از جانی بجائی میجست دلیل
 بود بر مردی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد در کاری تا آنکار بمردی بر آید و اگر بنید که از دیواری فرو جست و بر پشت
 دلیل بود که هلاک کرد و اگر بنید که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت و بمرد دلیل بود که زن از وجد او دو بار
 پیش می آید و اگر بنید که از زمین به هوا جست و روی بقبله آورد و بعد از آن خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه این
 جمله دلیل حج کردن بود و اگر بنید که از سرائی مجهول بسرائی مجهول بر جست دلیل بود که هلاک کرد و اگر بنید که با
 شکونه همی جست و معلق همی زد و دلیل بود که کار وی با شکونه بود و عیش بروی تباه کرد و اگر بنید که بهوا
 بر جست و مرغی را گرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بنید که بجوی یا بعضائی از جائے
 بجائی همی جست دلیل بود که از رنج و اندیشه برسد و کارش بنظام شود چشمتن ابن سیرین کوید که چشم بخواب دیدن
 مرد و بیانی بود که بدان راه همدی یا بدو چشم ازرق بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود و اگر بنید که نابینا شده است
 دلیل بود که از راه همدی کم شده بود یا فرزند وی بمیرد و اگر بنید که یک چشمش کور شد دلیل بود که یک نیمه دین او رفته بود
 یا کتانی بزرگ کرده بود بیک دست یا بیک پای یا بیک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن وی

کرمائی کوید اگر بنید که در چشم سر کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بنید که از سر و مقصودش زینت و آرایش است
 دلیل بود که خویش را با امانت و دین و ایمان نماید تا عزیز گردد و اگر بنید که سر سه بوی داد تا در چشم کشید دلیل بود که
 بقدر آن مال یابد و اگر بنید که روشنائی چشم اضعیف بود و بظاہر و باطن دوروی و منافق بود و اگر بنید که بزرگ چشم بسیار
 بود و همه چیز را بحال میدید دلیل بود بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرائض شریعت و اگر کسی بنید که
 کسی چشم او بر کند دلیل بود که چیزی که چشم او بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر بزرگ بنید
 جابر مغربی گوید اگر بنید که چشم از آتش است دلیل بود که پرده او در دیده گردد و اگر بنید که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانکه چشم باز
 نمی توانست کرد دلیل بود که با مردی مخالف صحبت کند و اگر نور چشم بنید دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی
 افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بنید دلیل بود که از دین شریعت بی بهره گردد و اگر بنید که در میان روی او یک چشم است
 دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود و در باب دین و اگر بنید که چشمهای او روشن است و مردمان بنیدارند که او کو راست یا
 شب کو دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاہر او بود و اگر بنید که چشم کسی سیاه بود و از رقی شد دلیل بدی برگشتن حال او
 بود قوله تعالی و خشر المجرمین یومئذ ذقوا و اگر بنید که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل بود که بهار
 کرد و یا با کسی خصومت کند و اگر بنید که هر چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که تنگ گردد و اگر بنید که یک چشم او
 آفت رسید دلیل بود که فرزندان او آفت رسد و اگر بنید که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را بر کند دلیل کند که فرزند او را ز راه
 برود و اگر بنید که کسی چشم او را بست یا بدست گرفت دلیل بود که فرزند او را زیادتی رسد یا مالش برود یا گناهی کند و اگر بنید که از
 دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال او شود و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بنید که چشم او
 گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را و ختری بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بنید که چشم بر عقدش
 بود دلیل بود که مال یابد و اگر بنید که در چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی و ابیضت عیناه من الحزن
 حکایت چنین گویند که مردی پیش دانیال آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بوسه بر چشم چپ من میداد گفت
 ای مرد از خدا ترس و توبه کن و بعد ازین با زن همسایه خیانت کن تا از عقوبت حقتعالی ایمن گردی مرد گفت که توبه
 کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنائی دویم دین بدی سیم اسلام
 چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب بهتر بود و جوانمرد خشنود
 چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فیما عین جادیه و اگر آبش تیره و کنده و ناخوش بود دلیل بود که انجام
 غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بنید که از آن چشمه مسج همی کرد دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر بنید که آب چشمه زیاده
 شد دلیل بود که جاه و عزت و در آن دیار جوانمردی زیاده گردد و اگر بنید که آب چشمه نقصان کرد تا و طیش
 بخلاف این بود و اگر بنید که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که بهتری جوان مرد از آن دیار

حالت کند که مانی کوید اگر بنید که در خانه او یا در دکان او چشمه آب پدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و کسب نین بود
 بر قدر و قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش بنید غم و اندوه بود مصیبت ترو اگر بنید که در آن چشمه دست و روی شست
 دلیل بود که اگر بنده بود از او کرد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد و وامش گذارده شود
 و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند جابر کوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود بان قدر که در
 چشمه آب بنید خاصه که دست در آن آب زند و آب ایستاده بتاویل ضعیف تر از آب روان بود و بعضی از متجربان گویند که چون
 آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر و صلاح دین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرمایند که
 دیدن آب چشمه در خواب پنج وجه بود اول متهری جوانمرد و دوم غم و اندوه سیم مصیبت چهارم بیماری پنجم عروزدن کانی
 یافتن چخانه ابن سیرین گوید که چخانه در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بنید که چخانه میزد دلیل که سخن باطل و
 دروغ گوید یا اورا غم و اندوه رسد و اگر بنید که پادشاه و پیرا چخانه داد دلیل بود که از پادشاه و پیرا غم و اندوه رسد و اگر
 بنید که چخانه را بکست و بپکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بنید که چخانه بر سر میزد و چخانه ندانند و دلیل بود
 که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند و از آن علم فایده ببرد و مان رسد و باشد که از شکوه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر
 این کس جاهل بود و شغلی پیشه کند که از آن شغل او را سرزنش کنند و اگر بنید که با چخانه چنگ و نای و قوس بود دلیل بر غم و
 اندوه و مصیبت کند چغندر در خواب مردی بود نابکار و حسام و حرام بود و اگر بنید که کسی چند سبی کید و دلیل بود که او را با چنین
 مردی خصومت افتد و دیگر بهر حال دیدن چغندر خواب مبارک نباشد که مانی گوید اگر کسی بنید که آواز چند سبی شنید دلیل بود که
 در آنجا نوحه و شیون بود و بقدر بانک چغندر و اگر بنید که بچه چند بود دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بنید که گوشت چغندر می خورد
 دلیل بود که از مال مردی در دنیا بکار بقدر آن چیزی بخورد و چغندر ابن سیرین گوید که چغندر در خواب دلیل بر غم و اندوه بود
 و اگر کسی بنید که چغندر سبی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بنید که چغندر را از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از
 غم فرج یابد ابن سیرین گوید که چغندر در خواب منفعت اندک بود از جهت زنان و چغندر ریخته سیم از زنان منفعت یابد از آنکه
 چک محمد بن سیرین گوید که اگر چک مهره بوی داو یا مهره کرده یافت دلیل بود که مال و منفعت یابد اگر کسی بنید که
 کسی برو چک یا خط یا قبضه می نوشت دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید که اگر بنید که چک مهره کرد یا داشت مهره زد
 بر گرفت دلیل است که در مال او نقصان افتد اگر بنید که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع کرد و
 چکاوک بغاری قبر خوانند و تا ویش در خواب فرزند یا غلام بود و اگر در خواب بنید که چکاوک بر گرفت یا کسی بوی داد
 دلیل است که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نزد غلام سپرد و اگر مرده بود غلام را و دختر یا آید که مانی گوید چکاوک
 در خواب مردی بود شیرین سخن غریب و کم ازو چرب زبان اگر کسی بنید که چکاوک ویرا عطا داد یا گرفت دلیل بود که با چنین
 مردی او را صحبت افتد چکر ابن سیرین گوید که چکر در خواب مال پنهان کرده بود و اگر بنید که چکر مردم بود

چینه

چغندر

چینه

چک

چکاوک

چکر

دلیل بود که مال پنهان کرده باید و نه زنی که دواگر بنید که بسیار جگر نخسته یا بریان کرده و او را حاصل کردید یا خام دلیل کند که کنج بیاید
 و جگر کاو و کوفتند هم دلیل بر مال نعمت بود و بعضی از متعبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود
 اولادنا الابدان کرمانی گویند که بیرون آمدن جگر پدید آمدن مال پنهان بود که سدا کرد و دو جگر بسیار اگر نخسته یا خام بود و دلیل کند
 بر یافتن کنج و بر علم غیب حضرت صادق فرماید که دیدن جگر و خواب برسته وجه بود اول فرزندان و دوم دوست که بجای فرزندان
 بود سیم علم و اگر بنید که از خانه او جگر بیرون میگرداند یا آتش جگر را میسوزد دلیل بود که باو شاه کنج و مال او بستند و اگر این
 خواب را عالمی بنید دلیل بود که علمها را جلوه افکند چنانچه جماع دانیا را گویند که جماع در خواب روا شدن حاجت بود و خاصه چون
 بنید که منی از وی جدا کردید اگر کسی بنید که با کسی جماع کرد دلیل بود که از آن کسی بچی بیاید و حاجت او روا کرد و اگر بنید که کسی با او
 جماع کرد دلیل بود که خاندان او تو انگر کردند و اگر بنید که باز خود و مجامعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند
 که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت بنید این سیرین گویند اگر بنید که باز خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت کرد دلیل کند
 مردی بستر خود بود بر طلب کار ناسزا و در آن کار او را مصلحت نباشد و سنت رسول را نگاه ندارد و اگر بنید که با ماوریا با خواهر
 یا با کسی دیگر که بروی حرامست مجامعت کرد دلیل بود که شفقت خویشی از وی بریده گردد و اگر زن زده بود یا مرده دلیل بر غم خوردن
 و بعضی از متعبران گویند که اگر زن زده بود از وی خیر و نیکی بنید و باشد که حج اسلام کند اگر بنید که باز زن مرده بود و مجامعت کرد دلیل
 بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بنید که باز مرده بیکانه جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن کار نوسید شده باشد
 تیمای بیاید مرده که بیکانه بود اگر بنید که با جوان مجهول مجامعت کرد و در میان ایشان خصومت بود دلیل بود که محبت ایجاد
 و از خیر و نیکی بنید و اگر آن مرده جوان معروف بود بروی ظفر یا بدو اگر بنید که جماع با مردی پیر میگرد دلیل بود که خیر و نیکی از
 بخت خود بنید که مانی گویند اگر بنید که دختر می بدو شیز کی بستر دلیل بود که در آن سال زنی خواهد یا کینزی بخرد و اگر بنید که
 بحریم پادشاه شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بدو اگر بنید که با وی جماع کرد همین دلیل کند و کارش
 برآو شود و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بنید که با مرغی مجامعت کرد دلیل کند که با کسی که بدین
 منسوب باشد ظفر یا بدو اگر بنید که با ترسانی یا چو دی یا کبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای دنیای او ببطالت رود
 و اگر مردی پیر که بجای شهوتش زایل شده بود در خواب بنید که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل کند
 که در کار دین نیک راغب گردد و اگر بنید که بازنی نابکار جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر
 این خواب زنی بنید همین تاویل دارد و اگر بنید که با شتر جماع کرد دلیل بود که از بختی بریده و بر دشمن ظفر
 یا بدو مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بنید که با پادشاهی جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بنید که
 باز پادشاه جماع کرد دلیل بود که از منفعت بیاید و اگر بنید که باز حایض مجامعت کرد دلیل که کارش بد بشود
 و اگر بنید که باز مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر از زن زنده

جگر

بود از خوشیشان او مفارقت کند و بعضی از معتبران گویند که بازن حایق مجامعت کردن آسایش کارهای دنیائی بود پس
 اشت که بگوید اگر کسی بنید که بازن او که کثیر بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد و اگر بنید که با مردی معروف
 جوان جماع کرد دلیل است که از او خیری بدو رسد و اگر بنید که با مردی مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت او روا
 گردد و اگر بنید که با مردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعائی یا خیراتی کند و اگر زنی بنید که با زنی دیگر جماع کرد دلیل
 بود که از وی بنید و حاجتش روا گردد و حضرت صادق فرماید که در خواب جماع کردن که از غسل واجب کرد و تا پیش نباشد
 جلاب ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال حلال و دین پاک بود و اگر کسی بنید که او را جلاب داد و بخورد دلیل بود که او را
 بقدر آن مال حاصل کرد و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر بنید که کسی با جلاب داد و دلیل بود که از آنکس
 خیر و منفعت یابد و اگر بنید که جلاب بخورد و بر زمین ریخت تا پیش بخلاف این بود چنانکه اگر کسی بنید که خنازه حی برزند
 دلیل بود که خداوندش را بچندان مردمان که از پس خنازه بودند ایشانرا فرمان روا کرد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بنید که او مرد
 و او را در خنازه نهادند و او را می بردند و مردمان از پس خنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و لکن دین او فساد
 بود و با آن قوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بنید که خنازه مرده برداشت و میبرد دلیل بود که بجزیت پادشاه
 پیوندد و از او خیر و نیکی بنید و اگر بنید که قومی از پس خنازه او میرفتند و در هر هوائی شدند دلیل که مردی بزرگ از آن شهر و حضر
 میرد و اگر خوشیستن را در خنازه بنید که آنجا زه بر زمین میرفت دلیل که کس بشود و کارهای گوید که بنید که زنده را بر خنازه میرد
 و در پس خنازه کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار و می کند و اگر بنید که مردمان در پس خنازه او بودند تا پیش بخلاف این
 بود و اگر بنید که بر خنازه کران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بنید که بر خنازه سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبکیا بود و حاجتش
 نیکو گردد و اگر بنید که از خنازه بیفتاد و یکسان که او را می بردند از خنازه بنید اختند دلیل بود که از عز و جاه بیفتد و کار او بسته گردد و حضرت
 صادق فرماید که خنازه در خواب دیدن بر سر وجه بود و اول بزرگی دوم ولایت سیم عز و جاه و رفعت جنب بود و اگر بنید که جنب
 بود دلیل بود که در حرام آشفته و کسر شده باشد و بعضی از مجملین گویند که سفر کنند و مراد نیا یابد و کارش تباه گردد و اگر بنید که
 خود را از جنابت بشت و جامه بپوشد دلیل بود که سرانجام از انکار رسته گردد و کار بسته گردد و اگر بنید که خود را به تمامی بشت
 دلیل بود که کارش بر تمام نگردد یعنی که تمام بر نیاید که کارهای گوید اگر کسی در خواب جنب بنید خود را برهنه دلیل بود که کار خود مختار
 گردد و اگر بنید که خود را در کربا بشت و بیرون آمد و جامه پاکیزه در پوشد دلیل بود که بخدا باز گردد و توبه کند چنانکه اگر کسی خود را
 چون مرغان چنگال داند دلیل کند که او را قوت بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بنید که چنگال مرغان در دست داشت
 دلیل بود که بقدر قیمت آن مرغ خیر و منفعت بدو رسد حضرت صادق فرماید که چنگال در خواب بر سر وجه بود اول قوت و
 ناتوانی در کار و دوم معیشت سیم کسب کردن چنگاله در خواب مردی بود و بر کردار و عذاب کننده و چنگال از لباسهای
 مخلوق خوانند که بنید چنگاله داشت یا کسی بومی داد دلیل بود که با مردی بدین صنعت او را صحبت و دوستی

جلاب

خنازه

جنب

چنگال

چنگاله

افتد و اگر بنید که چنگال اندام او را بخت دلیل بود که او را از مردی بدارد و حضرت وزیان رسد و اگر بنید که چنگال از دماغ
 کردید یا بختی دلیل بود که از صحبت مردی بدارد و اگر چنگ زد و ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب
 سخن دروغ بود و اگر بنید که چنگ میزد دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از انغم و اندوه و زیان رسد و اگر بنید که پا در شاه
 او را چنگ داد و دلیل بود که او را از پا در شاه عطا و بزرگی رسد و اگر از پا پس آن بود از غم و اندوه فرج یابد و اگر بنید که چنگال شکست
 یا بنیکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بنید کسی چنگ میزد و او سماع میکرد و دلیل بود که شش و ده دروغ و باطل بود
 و بعضی از معتبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر غم و راز بود و اگر کسی بنید که چنگ میزد و دلیل بود که بزرگی بزرگ از
 بهتر آن پیوسته کرد و از وعده و جاه یابد هم مال و هم سخن روانی و آخر کار آن زن را بکساح بخوابد و اگر بنید با چنگ و چنان
 فزائی در قصه هم اینچنین دلیل بود بر غم و مصیبت جا بختی که بیدار کسی در بیماری بنید که چنگ و چنان میزد و دلیل بود بر وفات
 چنگ کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که او چنگ کرد و با مردمان یا حیوان دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه
 غالب بود بر دشمن ظفر یا بد چهره و دشمن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بنید که او چهره و دشمن دلیل بود که بر راه عدت
 بود و چهره از باری و در قول ایشان راست دارد و ابن سیرین گوید اگر بنید که او چهره و دشمن یا ترسایا مشرک یا بت پرست
 دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدایتی بهتانی و دروغ گوید و اگر بنید که از آن کیش برکت و مسلمان شد دلیل که
 گناههای بزرگ از دور وجود آید و سر انجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز گردد و اگر خواب بنید که ندانند که نام دین است یا
 از کدام قبله نمازی باید کرد و دلیل بود که سرگشته و متحیر و گمراه شود و فروماند حضرت صادق و فرماید اگر کسی بنید که چهره و دشمن
 دلیل بود که صاحب خواب کارهای مشکل پیدا کرد و در مخالف شرعیت است یا بزرگ که بیو و مستحق است از باری و اگر
 معنی را خواب بنید و دلیل بود که صاحب خواب را بکارهای دنیا فریفته کرد و دو غافل بود از کار آخرت جائز بود که بیدار چهره و
 خواب بنید که مسلمان شد دلیل بود که زود میرد یا مسلمان کرد و چو کرمانی گوید اگر بنید که چهره یا خشک یا پخته همی خورد
 دلیل بود که چیزی اندک بوی رسد و اگر کسی بنید که چهره داشت یا کسی بوی بختی دلیل بود که بقدر آن چیز و نیکویی بود
 و دلیل بر تن درستی بود و اگر بنید که چهره زمین میکشت دلیل بود که ویران مال جمع کرد و کار می کند که خدا تعالی از خود بخشنود
 کرد و حضرت صادق فرماید که چهره در خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید و چو فروش خواب دیدن مردی بود که دنیا
 بر دین اختیار کند و چو ال و در ابن سیرین گوید که چو ال و در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد و خاصه
 کارهای کوچک اگر بنید که چو ال و در فرزند گرفت یا کسی بوی داد و دلیل بود که او را بامردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد و اگر چو ال
 او شکست یا ضایع شد دلیل بود بر بلا و آمو جوان شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که جوان کرد و در محاسن عینیه
 کرد و دلیل بود که فرمای کرد و اگر چو ال و چو ال و دلیل بود که از دشمن خواری بنید و مرادش بر نیاید و اگر بنید که چو ال و چو ال
 دلیل بود که حرقش زیاد کرد و در زمان نیز از اینجی چون مردان باشند جا بختی که بیدار که چو ال و در خواب بنید که بیدار بود

تکلیف ازین

تکلیف ازین

تکلیف ازین

چو

چو

چو

چوب

چوب

چوب

چوب

چوب

دلیل بود که علم و ادب آموز و تشریح آن در حروف میم بیان کنیم چوب کرمانی گوید که چوب در خواب بدین اتفاق بود و بعضی از
 معبران گویند که چون چوب بنید در خواب مردی بود که در اتفاق بود و اگر بیکانه در آن کس با وی اتفاق کند و چوب کج در خواب دیدن تاویل
 آن چون تاویل چوب راست بود و اگر چوب کج بود که خوش رشتاید و منافق و دروغ زن بود چوب راست ابن سیرین گوید که چوب
 در خواب خادمی بود و از شمار زنان اگر بنید که چوب نواز از بر ششم یا از بر سیاهان پوشیده بود دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او بر خوردار
 کرد و اگر بنید که چوب پشیم یا نقشین داشت دلیل بود که کنیز کی خبر وی بخرد یا زنی با جمال بخوابد و اگر بنید که چوب زرد داشت
 دلیل که او را خادمی بکار کون پیدا کرد و اگر بنید که چوب راست بود دلیل بود که او را خادمی شوخ بشیرم بود و اگر بنید که چوب او سیاه بود
 اگر بنید که مصلح بود و نیکو بود و اگر مفسد بود و بد بود و اگر بنید که چوب راست کهن و چوب کج بود دلیل بود که خادمش را بقتل می کشند
 و اگر بنید که چوبش ضایع شد یا بسخت دلیل بود بر مرک خادم و بعضی از معبران گویند که چوب را خواب مال و خواسته بود و اگر چوب بی روی و
 دلیل بود که زکوة مال بدید و اگر بی روی چوب ناخوش بود دلیل که زکوة مال ندید و زبان مردم بروی دارد و کرمانی گوید اگر بنید که
 چوب او از پوست بود و بنید که از کلام پوست اگر پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ سرت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست
 کوسفند بود که خادم او از مردم عامه بود و اگر از پوست اسب بود دلیل بود که خادمش اصل بهتر و سپاهیان بود و اگر بنید که از پوست
 تخم بود خادم او از مردم بیابانی بود چوب مغربی گوید که بنید که چوب در پای داشت دلیل بود که مال نکا بدارد و اگر بنید که چوب سفید پاکیزه و در پای
 داشت دلیل بود که زکوة مال داد و بود حضرت صادق فرماید که چوب پای ل مردم بود و نکا بدارد زکوة بود و اگر بنید که از چوب و بی روی خوش
 می آمد دلیل بود که در مرک و زندگانی او آتشا گویند و اگر بی ناخوش کند او را ملائت و فقرین کنند و اگر بنید که چوب او ضایع شد دلیل بود که زکوة ندید
 و مال ضایع کرد و چوبش مجرب ابن سیرین گوید که پوشیدن چوبش در خواب پشت و پناه بود بقدر روشنی و پاکیزگی آن و اگر بنید که چوبش
 دلیل است که او اهل بیت او این شوند از دشمنان و اگر بنید که چوبش پوشیده است دلیل بود بر حصار تن او از دشمنان که بروی طفره نیاند و اگر
 بنید که با چوبش و بیک صلاح داشت دلیل بود که از کفر منافق و از شر عامه امن کرد و بعضی از معبران گویند که چوبش در خواب زیادتی دین او بود
 هر که چوبش در خواب بنید دلیل که پوشیده و حفظ خدای عزوجل بود حضرت صادق فرماید که چوبش در خواب شش به بود و اول بزرگی دویم
 پناه بیم فوت چهارم مال تخم زندگانی ششم زندگانی و زیادتی و دین و چوبش در خواب بدین مونس مردم بود چوب کان زدن ابن سیرین گوید
 اگر بنید که چوب کان درست داشت و کوی میزد دلیل که آنچه بچوبید باید و قدر و منزلتش بپایند و دین و طاعت است بود کرمانی گوید که اگر
 چوب کان را در خواب بدست پادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان خطر باید و چوب کان چون درست مردم عامه بنید دلیل بود که با مردم جنگ خصومت کند و
 و سخن داشت شود و از قبل زمان و معبران گفته کرده اند کوی را بدان چوب کان را زبان چوب لاهی ابن سیرین گوید که چوب لاه و خواب وی مسافر یا یک بود
 در عالم سحر کرد و اگر بنید که چوب لاهی چاه می بافت با کسی از جنات و خصوصیت اقتدر کرد که کرباس یافتن تاویل شک جعل بود کرمانی گوید بافتن چوب لاهی در خواب حرف
 یا در بافتن چیز بپایان کردیم اگر بنید که چوب تمام بافت دلیل که از توکلین کرد و چوب سحر بپایان کرد و فروش کوبید بن سیرین گوید که اگر بنید که چوب سحر بپایان
 می فروخت و آن کو هر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خد راوند دین

نشانده دلیل بود که خداوند غلامان کرد و تقدیر و قیمت کوهر او را مال حاصل کرد و حضرت صادق فرمایند اگر مصالح بیشتر بود و بدید که کوهر را
میفرستد دلیل بود که او را علم و دین حاصل کرد و جوئی آب ابن سیرین گوید که جوئی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود
و پاکیزه دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بنید که از جوئی مجهول آب صفائی میخورد و انگیس در سفر بود یا در جایگاهی بیکانه دلیل بود که در
کاری مجهول مشغول کرد و عمر خود را در گذارد و بمقدار آن آب که در جوئی خورده بود و منفعت یابد و اگر آب جوئی شور و تلخ و
ناخوش بود دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوئی در خواب دیدن اصل جوئی دلیل بود که مقرب کرد و اگر کسی
آب جوئی روان و صفائی بنید دلیل که مقرب کرد و اگر کسی آب جوئی را روان و صاف بنید دلیل بود که کار وی روان کرده شود
و اگر بنید که آب جوئی تیره بود دلیل بود که کارش تیره و بی نظام شود و هر جای که آب جوئی بنید و طیش بر دلیل نایه بود و هر زیاده و
نقصان که در جوئی بود دلیل باز کرد و اگر بنید که تجزئی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی
بوی نهد و احوال و وجهانی او نیکو گردد و قوله تعالی تجزئی من تحتها الا کفها و لهم فیها ما یشاءون و اگر بنید که در جوئی آب صفائی
نشسته دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده کرد و اگر در سفر بود زود باز آید جابر گوید که
جوئی در تاویل مردی بود و محشم بامنفعت اگر بنید که آب جوئی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی محشم مال یابد و جوئی
خورد و زندگانی بود و الله اعلم بحقائق الامور **حرف الحاء من کتاب کامل التفسیر** حشر ابن سیرین گوید که خبر در
خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بنید که خبر بخرد یا کسی بوی داد و دلیل بود که معیشت بروی فراخ کرد و در مفاوش حاصل کرد و
و اگر بنید که خبر بر سخت یا از وی ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که رانی گوید که بنید که خبر بر جامه او بر سخت دلیل بود که او را زیانی رسد
و اگر دیر بود او را زیان ندارد اگر بنید که خبر چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت از قرآن یا از نام خدا تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او
کند و اگر بخلاف این بود که بنید دلیل بر شر و فساد او کند **حرف خورون** ابن سیرین گوید که خواب خوردن و اگر بنید که از برای
بیماری خورد و دید که خوردن او شفا و منفعت یابد دلیل بر خیر و منفعت کار او کند و اگر بنید که از دار و خوردن او را منفعت نبود
تا ویش بخلاف این بود **حرف گزاردن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر خواب بنید که حج رفت حق سبحانه و تعالی حج گذاردن او را روزی داد
و اگر بیماری این خواب بنید شفا یابد و اگر او را بنید و امش گذارده شود و اگر سفری بنید سلامت بمقام خود برسد و اگر خواب بنید که حج
رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز کرد و کارش بنظام بود که رانی گوید که اگر خواب بنید که حج رفت و در حرم لیبیک میزد
دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بنید که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نیکو دلیل که چنانست کند و اگر بنید که روزه فرست
دلیل که با کسی صلح کند و اگر بنید که در خانه نیکو نماز نیکو کرد و دلیل که از بزرگان منفعت یابد و کارش نیکو شود و حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حج گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی تزویج کردن و دوم کینزک خریدن سوم زیارت پادشاه داد کردن چهارم نیکوئی پنجم سعی
نمودن در کار خیر ششم مزد ثواب یافتن هفتم صحبت اهل علم رسیدن **حرف الا** سود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که
بنید که بر حجر الاسود دست مالید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر بنید که حجر الاسود را بر کف گذاشت دلیل که

تو خواب

چهار چیز است که در خواب دیدن آنرا نیکو کار است

خواب دیدن

خواب دیدن

حجر الاسود

حجرات

حجرات

حجرات

حجرات

حجرات

حجرات

بدست باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که باز بر راه صلاح آید و اگر بیند که
 آب زمزم منخور و دلیل که چیزیکه از وی کم شده باشد باز بوی رسد کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی
 روی میمالید دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاده شود و با علما پیوندد و حجامت کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 حجامت او حجامی بیکانه در جائی بیکانه کرد و دلیل که امانتی و گردن خود کند و اگر بیند که حجامت کنند و دوست بود و دلیل که
 امانتی بدو سپارد و از شد و دشمنی این شود و از غم فرج یابد اگر جوانی این خواب ببیند همین تاویل دارد که و اگر پیری ببیند بزرگی یابد
 کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیر را حجامت کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حجامت کرد و دلیل که منفرد
 پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد و خون از وی نیاید دلیل که زن از وی بنا کام جدا کرد و یا او را طلاق دهد یا میرد
 مغزی رحمة الله علیه گوید که حجام میبخت ببیند خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر ببیند خواب خداوند علمت دلیل
 که مستوفی شود و یا دبیر پادشاه گردد و اگر جاهل بود و رخصت غرق شود حضرت جعفر صادق فرماید حجامت کردن در خواب
 بر هفت وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت
 پنجم علیه السلام ششم آنکه اگر عامل بود و از عمل مغرول گردد و بعضی از معتبران گویند اگر حجام جوان بود و دلیل که محاسب خرج بود
 یا بیایند چیزها و کار مردم بدست وی کشاده کرد و حد زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حد زدن در خواب دلیل
 بر فراهم آمدن کار زمان باشد اگر بیند که او را حد میزند و دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او کسی حد زد تا ویش بخوابد
 این بود مغزی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کسی را از بهر کنایه حد زد و اگر ببیند خواب مصلح بود و تشغل و نیاز مشغول شود و اگر
 ببیند خواب خسر بود و دلیل بر غم و اندوه بود و هر چه نیزه کوتاه بود و اگر خواب ببیند که حربه داشت دلیل که او فرزند ی آید و اگر
 زن ندارد مال یابد و اگر بیند که با حربه بکشد تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد و دلیل که از پادشاه
 منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود کسی داد و دلیل که از آن کس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و شکست دلیل که از دشمن
 نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حربه در خواب دیدن بر شش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم
 طغری پنجم ریاست ششم منفعت حرم جای امین بود و اگر بیند که در حرم کعبه بود و دلیل که از آفات دنیا بمنی یابد و او را حج روزی
 شود کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگی رفت و دلیل که از همه شرها امین گردد و باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد
 و بعضی معتبران گویند که اگر حاجت افتد با ال آن حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه
 شروع کند و کاری کند که او را از انکار بدنامی حاصل آید و اگر بیند که بحرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد و حریر و خمر
 و دیبا در حرف دال بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببیند که حساب میکرد و دلیل که در محنت و
 عذاب افتد کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در قیامت حساب با وی آسان میکرد و امید بهست که
 رستگاری یابد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که در رحمت افتد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حساب قیامت بخواب

دیدن بر تش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و رنج چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم عمر کوتاه هفتم حصار را گریزند که در حصار می نشاند دلیل که از شر دشمن امان کرد و اگر بنید که انحصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر باید که گمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که در حصار می محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شر دشمن امان کرد و اگر بنید که انحصار بیرون آمد بخلاف این بود و مغزی رحمة الله علیه کوید اگر خود را در حصار بنید دلیل که نعمت و روزی بروی فراخ کرد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر تناسی احوال او و فرو بستگی کار را باشد حصیر ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر خواب بنید که حصیر داشت یا کسی بوی داو دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یا زیاده که بنید که حصیر می یافت دلیل که زنی عاشق شود و اگر بنید که حصیر کم بها بود که می یافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و اگر بنید که حصیر قیمتی و پاکیزه بود دلیل که زنی محترمه یا اصل بخوابد مغزی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که حصیر می یافت و می فروخت دلیل که او را غمی شد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دویم منفعت سوم خواستگاری که از آن او را نعمت بود و حقه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید حقه در خواب و خشم شدن باشد از جانی بجائی شدن خفا که از سختی آن بهوش شود و بعضی از تعبیران گویند حقه در خواب کاری بود بر بنیده باز کرد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بنید که او را حقه کرد و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بنید خیر و منفعت یا بد حقه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید حقه در خواب زن باشد یا کینز اگر بنید که حقه نافر گرفت یا بخیرد یا کسی بوی داو دلیل که زن خواب یا کینز خرد و اگر بنید که حقه لشکرت یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود و مغزی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که حقه بزرگ منقش است دلیل بود که زنی توانگر بخوابد و از منفعت یا بد و اگر بخلاف این بنید دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر خواب بنید که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بنید که کتاب حکمت بسوخت دلیل بر تناسی دین وی بود که مانی رحمة الله علیه کوید اگر خواب بنید که اوراق کتاب حکمت میخور و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بنید که اوراق میبرد دلیل که بنیده خواب ناز نگذارد و اگر بنید که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمة الله علیه کوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بردست وی گذاشته کرد و اگر بنید که حلاج میگرد دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه کوید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت دویم گشایش حالیت انکوره بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود حلاوا ابن سیرین رحمة الله علیه کوید حلاوا در خواب مالی بود که بردست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید حلاوا در خواب مال بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلاوا بوسه بود که بفرزند پدر و یک لقمه از زین نیکو بود و حلاوا یک لقمه با دام یا مخمر جو زرد و با شد منفعت بود که بد و در سدا مردی بخیل مغزی رحمة الله علیه کوید حلاوا کردن در خواب دلیل که بقدر آن مال حلال و روزی حلال یا بد و اگر بنید که در وی زعفران بود بهتر بود و حلاوا فروش در خواب مردی شیرین بخت بود جمال ابن سیرین رحمة الله علیه کوید جمال در خواب خداوند جاه و خطر بود و اگر بنید که بر پشت باری

[illegible]

4

این آیه
در سوره نحل

حک

حک

ض

تبع
حوض

حجب

سبک داشت آن باریک او بود دلیل که بقدر آن بار او راحت و خیر و منفعت رسد و اگر بنید که آن بار بر پشت داشت چنان بود
 که او را از آن بار که در زیر سید دلیل که کاه و عاصی شود قوله تعالی لیحملوا و از او هم کاه را تیر و القیامة مغربی رحمة الله علیه که
 بنید که حامی از بهر دیگران میکردی بجز دلیل که با خلق خدای خیر و احسان کند و اگر بنید که حامی میکرد و مردم میگرفتند وایش غم و اندوه
 بود حنا که رانی علیه الرحمة که بدید اگر بنید که بدست و پای حنا نهاده دلیل که خوشی تن را بیاورد و لیکن درین کرامت بود بعضی
 معبران گویند که حال خوشی آن از پوشیده نماند و اگر این خواب کسی بگوید بنید که او را خاستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود
 فرج یاب حضرت صادق رضی الله عنه گوید خاستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خویشان دوم ستر استیسم غم و اندوه
 حشو و بوی خوش باشد که بر مرده کنند این سیرین گوید اگر بنید که حوط بروی بر آید دلیل که تائب گردد و در پناه حشمتی
 باشد و اگر این خواب کسی مصلح بنید از غم و اندوه فرج یابد و از ترس این که در کوفی گوید که حوط خوش بودیدن تناسل مردم
 بود با خطر بخت آنکه بعضی از معبران گویند که نیکبانی بود بر اهل بیت بر اندازد حوط حوض ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 اصل حوض در خواب علم و دانش بود اگر بنید در حوض آب پاک صفائی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بنید که خود را
 آب حوض می شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان باز آیند و اگر بنید که آب حوض همه خورد دلیل که عمر سلامت
 گذرانند و دانش زیاده شود کوفی گوید اگر بنید که جامه خود را در حوض شست دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه دین
 و آیند و اگر بنید که جامه در حوض می شست و پدید در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار کند و اگر بنید که بجنه حوض سبزه
 رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض ملک او بود و اگر بنید که آب حوض
 زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید دلیل که مال و علم وی بقدر آن زیادت کرد و اگر بنید که آب حوض تیره و تلخ
 بود دلیل بر غم و اندوه بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که آب حوض میخورد دلیل که مال یا بد از مردی تو انکار و عاقبت
 وی محمود بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت دوم مردی توانگر سوم
 مال جمع کردن چهارم عالمی که مردم از علم وی نفع یابند حوض کوشن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که قیامت برخاست و
 خلق را بر بنزدیک حوض کوشن طلب میکردند دلیل که پادشاهی پدید آید و میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر خواب بنید که از حوض کوشن یک جام آب
 خورد دلیل که مرگ می برسانی بود و اگر بنید که بر این حوض کوشن می شست و آب میخواست و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 باشد و اگر بنید که پیغام صلح او را از حوض کوشن آب و او بخورد دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم بهره یابد کوفی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که نام وی بر
 حوض کوشن نوشته بود و جامی بسته و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت و جهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که از
 حوض کوشن آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بنید خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر خواب بنید که حوض کوشن
 بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او را جامه آب کوشن بخورد دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد و از جمله
 بزرگان دین گردد و حیض ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حیض در خواب مروا را بجا باشد در معیشت و زمان را زیادت

و معتبران گویند که عالمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید که خاکستر در خواب بر نه و چه بود و کی علم
 ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خدمت پنجم شتم مکر و حیلت ششم شتم لشیافای پنجم کار که در آن خیر نباشد
 قوله تعالی مثل الذین کفروا یؤقیهم اعمالهم کما یادی اشدت به التوبه فی یوم عاصف خامه قلم باشد که بنید که غلی فا گرفت
 یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش راست شود و مردش بر آید و اگر بنید که قلم چیزی می نوشت اگر آن بنیست خیر بود و دلیل بر
 بنیولی کند و اگر شر بود و دلیل بر فساد کند اگر بنید که بد و قلم می نوشت و دلیل که غایبی که در سفر دارد و روز و باز آید که مانی علیه الرحمه که بود که
 کسی در دست خود قلم بنیشتن بنید اگر از اهل علم بود و دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بنید که قلم چیزی می نوشت و بخواند
 دلیل بر مکر دی بود و قوله تعالی اقر ان کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حبیباً و اگر آنچه بنیشت موافق کتاب اهل بیت
 جماعت بود و دلیل که عز و جاه یا بد و اگر بنید که قلم در دست وی شکست اگر عالم بود و دلیل که حقیقت کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر
 بنید که قلم شکسته می نوشت و اگر آنچه بنیشت از شمار چهار پایان بود و یا از شمار پند کان تاویل آن کوه و صورت و طبع وی باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه که قلم در خواب بر هفت وجه بود و یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راستی هفتم
 چیز را بنیشتن حکام و مرد و خانه ابن سیرین رحمه الله علیه که بد خانه مرد در خواب زن بود و اگر بخواب بنید که خانه با ستونهای جای بود
 دلیل که زنی خواهد که با مرد و کرم بود و اگر بنید که در خانه نشوید دلیل که زنی توانا و خواهد و توانا شود و اگر بنید که خانه معسر و بیچاره بود
 بود و نه است که آن خانه ازان کیست دلیل که صاحب آن خانه از دنیا برود و اگر بنید که در خانه کریمه بود و در آن خانه غلق کرده بود
 و آن خانه بختهای دیگر پیوسته دلیل که از سرخ و سختی رسته گردد و اگر بنید که در خانه غلبه بود و اگر بنید که در خانه غلبه بود و اگر بنید که در خانه غلبه بود
 کند و اگر بنید که خانه وی ازان بزرگ تر شد که بود و دلیل که مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود و دلیل که مال و نعمت بروی
 تنگ گردد و کرمانی رحمه الله علیه که بد اگر بنید که خانه او بیفتا و یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر بنید که خانه وی بی کسی
 خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر بنید که خانه آهمنین است دلیل که توانگر گردد و اگر بنید که در خانه او سنین بود و دلیل که او را
 تو به باید که قوله تعالی لمن یکنس فی الدن لیس فیهم سقفا من فضة و اگر توانگر بود و نعمت وی زیادت شود و اگر بنید که پیران
 خانه وی هیچ خانه نبود و دلیل که حالش تنه گردد و خراکی ابن سیرین رحمه الله علیه که بد اگر بنید که در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خراکی
 از بالا بر زمین است و اگر بنید که در خراکی فرو شد و دلیل که غمگین گردد و اگر بنید که در خراکی غمگین گردد و دلیل که از غم و اندوه و خراکی
 رحمه الله علیه که بد اگر در سر امی یا در خانه خانهای بسیار پیدا شد و دلیل که در آنجا غم و اندوه و محبت بود و خایسک مسک بود
 دلیل دیدن خایسک در خواب بر قومی بهتر می کند و اگر بنید که خایسکی بسیار داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با منته قومی محبت
 افتد و از وی منفعت یابد و اگر بنید که بر خایسک کسی را بر دهنتر بر افتد و کند و اگر بنید که خایسک او ضایع شد و دلیل که دهنتری
 جدا افتد کرمانی رحمه الله علیه که بد اگر کسی آهنگری نداند و بنید که خایسک بر سندان میرود و دلیل که میان دو دهنتر سخن چینی
 کند و دشمنی افکند خایه مرغ و انیال علیه السلام که بدید خایه مرغ و دلیل بر کینه بود و اگر بخواب بنید که ما کبان پیش او جای

این آیه در سوره البقره

این آیه در سوره نوری

خانه

این آیه در سوره اعراف

خوابی

این آیه در سوره نساء

خایه مرغ

که در مجامع اول بنید فدا کند خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری و راز بان زن بماند و اگر بنید که خایه مرغ پنجه میخور و دلیل که
بر پنج و قصب ثانی بدست آورد و اگر بنید که خایه مرغ پنجه میخور و دلیل که مال حرام خورد و سرخ و غم بوی رسد و اگر بنید که خایه یابوت
خورد و دلیل که گفت مردگان ستانند که زانی کوید اگر بنید که خایه مرغ پنجه میخور و دلیل که زن بسیار بخوابد و بچای حرامی بود و اگر بنید
که بر خایه شست چنانکه مرغان نشینند دلیل که بازمان نشینند و خایه یابد و اگر بنید که خایه در زیر مرغ نهاده و مرغ آن
خایه بیرون افکند دلیل که کار مرده او زنده کرد و بعضی کوید و او فرزند می آید و مومن بود و اگر بنید که خایه بشکست
دلیل که در خمر زیاد و شیرین بستاند و اگر بنید که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آید و خایه بطرف زن
در ویش و بیچاره بود و خایه پنجه شکست دلیل بر خمری بود و خایه آدھی ابن سیرین کوید اگر بنید که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت
فرزند و مالش زیادت شود و اگر بنید که پرو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که خایه او بریده است دلیل که دشمنان
بر روی ظفر یابند و اگر بنید که خایه خود گسی و او بخشید دلیل که او را فرزند حرام زاد بود و که نسب وی از کسی دیگر یابند و اگر بنید که
خایه اش آسیده بود یا بادر بنده بود و دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را دشمن بهم بود و اگر بنید که خایه اش دراز شد چنانکه بر
زمین میکشید دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بنید که خایه های کسی بخشید دلیل که هر دو بازمان یکدیگر فساد می کنند و اگر بنید
که پوست خایه خود بخشید دلیل که کسی بر فرزند وی تم کند و اگر بنید که کسی خایه وی سخت گرفت دلیل که خبر مرگ فرزند شود و اگر او را
فرزند نباشد دلیل که جاه و حرش کم شود و اگر بنید که خایه از بن برید و دلیل که قوتش بریده شود و اگر بنید که خایه های وی بر میان
یا بچیزی دیگر بسته بودند دلیل که کار نامروی بسته کرد و مغربی کوید خایه مردم در خواب دلیل بر بازو دشمن شدت دشمن از وی بود
و اگر بنید که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بر روی ظفر یابد و اگر بنید که خایه چپ وی بیرون کشید دلیل که ملاک شود و جعفر
صادق رضی الله عنه کوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم اطمینت چهارم غریب پنجم بزرگی ششم طالب
حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چهار وجه بود یکی مراد یافتن دوم ران خواستن سوم کنیز خریدن چهارم فرزند آوردن
خبر که رون ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر خواب بنید که خبر کرد دلیل که عکین شود و در عملی مغرول کرد و اگر بنید که کسی را خبر کرد دلیل بر غم و
انده بود بعضی از معبران کوید تنگ عیشی بود خفته گردن ابن سیرین کوید اگر خواب بنید که خفته گردن دلیل که سختی بجای آورد که او را پاک
کرد و اندک زمانه و اگر بنید که هنگام خفته خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از کائناتان تو بکند و اگر بنید که چون خفته میکرد
نظر بخفته داشت دلیل که غم و اندوه و بسیار رسد که زانی کوید اگر بنید که او خفته کرد و دلیل که از کائناتان پاک کرد و اگر خفته نکرده باشند
دلیل که راه مسلمانان دست پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرمایند خفته کردن در خواب بر پنج وجه
بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکویی چهارم لاش پنجم جوانی از زن و فرزند خرمه ابن سیرین رحمه الله علیه کوید خبر بزه در
خواب بسیاری بود و سب و شیرین یافت و نشت بود چون بوقت خود بنید و خبر بزه خرد نیکوتر از بزرگ بود که مانی
رحمه الله علیه کوید خبر بزه سب و خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بنید که خبر بزه بسیار پیش می نهاد بود دلیل که بازدهی

خایه مرغ

خاکه در میان خایه مرغ

خایه مرغ

تجرب

از قبل بدین معنی
و ایندی که در این
بسم که کمال فارسی
و این لغوی که کمال
که در این کتاب
بیان شده است

بیان
معنی
و ایندی که در این
بسم که کمال فارسی
و این لغوی که کمال
که در این کتاب
بیان شده است

تجرب
معنی
و ایندی که در این
بسم که کمال فارسی
و این لغوی که کمال
که در این کتاب
بیان شده است

که قمار کرد و مغربی که بدین بزمه در خواب چون بوقت خود میبید زنی بود با منفعت بسیار و عیش خوش و جبهه صادق رضی الله عنه که بود
 خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش خاصه که چون خربزه شیرین بود و خرچک
 در خواب دلیل بر مردودن همت بود و اگر بنید که خرچکی گرفت دلیل که با کسی دون همت بدخوی مصاحب کرد و و اندک باید از وی نفع یابد
 و اگر بنید که خرچکی را بکشت یاد و رانداخت دلیل که از بد خوئی دون همت جدا کرد و اگر بنید که گوشت خرچک میخورد دلیل که تقدیر آن
 مال حاصل کند که رانی که گوید اگر بنید که خرچکی داشت دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوی باشد که از وی نیکی باشد خضر
 و انیال علیه السلام که پیروز خواب دیدن بخت و بزرگی بود و نیکی و بدی خرب میبندد خواب باز کرد و اگر بنید که خری ملک یی شد یا در و تاق
 وی آمد و آخر را گرفت و بخت دلیل که در خیر بروی کشاده شود و از غم رسته کرد و اگر خرب یار بنید دلیل که نعمت و مال او زیاد
 کرد و بدترین خرمائی که خواب بنید آنست که مطیع او بود و این میرین که گوید اگر بنید که بر خری سیاه نشست بود دلیل که بهتری و
 بزرگی یابد و اگر بنید که بر خرب سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بپذیرد و اگر بنید که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد کرد و اگر بنید
 که بر خری سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بنید که بر خری زرد نشست دلیل که بایر کرد و اگر بنید که بر خرماده آگشتن
 نشست دلیل که خیر و خرمی بود و اگر بنید که گوشت خرچک خورد دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بنید که خرچک گوشت و گوشت او
 بخورد دلیل که مال خود بهزیننه کند و اگر بنید که از نشست او خرم برد دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بنید که از خر خویش بختاد دلیل که
 در ویش و تنگ عیش شود و اگر بنید که از خرم ملک او بخورد بختاد دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بنید که از خر فرو آورد و دیگری
 بر خر نشست دلیل که مال خود را فقیر کند و اگر بنید که از هر کاری از خر فرو آورد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند و در همپا کرد
 که رانی که گوید اگر بنید که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود و زود متفایا بد و اگر بنید که خرمی خرید و بهای او اندا و دلیل که راحتی یا بد بسبب سختی
 که با بزرگی بگوید و اگر بنید که خرمی یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بد شتواری طلب معیشت بود و اگر بنید که خرمی داشت و آن
 خر هر دو چشم نداشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بنید که دست و پای خرمی بسیار بود و دراز شد دلیل که او را شایع بسیار شود و اگر
 بنید که خرمی بمرد و او بر خرمی دیگر نشست یا خر بکشد داشت بفرخت و خرمی دیگر بخرد دلیل که معیشت وی از حال کجائی کرد و اگر
 بنید که خرمی استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود لیکن بظلم و اگر بنید که خرمی کو سفندی شد دلیل که مال حلال یابد و اگر بنید
 که خرمی مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب باشد و اگر بنید که خرمی دزد بود دلیل که زن وی
 بفساد شتوت یابد و کار او بازن بفرق انجامد و اگر بنید که خرمی قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بروی آسان کرد
 و اگر بخلاف این بنید دلیل که کار و کسب دنیا بروی تنگ شود و شتواری کرد و اگر بنید که بر خر خواری بار نهاد و او بالای بار نشسته بود دلیل که
 توانگر کرد و اگر بنید که با خرمی جماعت کرد دلیل که مراد وی خود میابد و اگر بنید که خر را بر پشت گرفت و از آبی بگذرانید دلیل که
 قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بنید که خرمی بانگ کرد دلیل که نیکو باشد قوله تعالی **إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ**
الْجَمْرِ مغربی که گوید اگر بنید که بر خرمی نشست بود و آن خر زیروا بانگ میکرد دلیل که عیالش بدخوی باشد

و اگر بنید که خری داشت و با خرد بیکدیگر میگردانند و از خروی بدتر بود دلیل که حالش بدتر کرد و دو اگر از خروی بهتر بود و حالش نیکوتر شود
 و مالش زیاده شود و اگر بنید که خرو با پای یا استری بدل کرد و دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بنید که با دوی بدل کرد و دلیل که از پادشاه
 سنگ چیری بوی رسد و اگر بنید که خرو با مرغی بدل کرد و دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیری بوی رسد جعفر صادق گوید که دیدن خرو خواب
 برده وجه بود یکی تخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کینه زک هفتم شادی هشتم اقبال نهم
 بزرگداری دهم مرتب و خرنده و خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کننده کار و و هباید از نده حیثت خردگور
 ابن سیرین گوید اگر بنید که خرو بوی رسد دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بنید که خرو نشسته بود و آن خرو مطیع او بود دلیل که غاصی
 و کنه کار بود و اگر بنید که خرو با دوی جناب و نبر و دیگر و دلیل بخیرتی کار و رنجی بود که بوی رسد و اگر بنید که خرو لشکار گرفت دلیل
 بر خیر و منفعت بود و اگر بنید که در خرو با هم جنک میکرد دلیل که دو مرد فاسق از بهر دوی با هم یکدیگر جنک کنند و اگر بنید که خرو بوی
 بخانه آورد و دلیل که فاسقی را بخانه آورد و کرانی رحمة الله علیه گوید دیدن خرو در خواب مردی جاهل احمق بود و او را علم و خرد نباشد
 قوله تعالی اولئک کالانعام کلهم اجهل اگر بنید که گوشت خرو میخورد دلیل که مال بسیار یابد و اگر بنید که بر خرو کوری نشسته بود
 و بنیاد دلیل که کاری طلب کند و نیاید و اگر بنید که بر خرو کوری نایبانشسته بود و دلیل که مالی بی اندازه یا بدختری رحمة الله علیه گوید دیدن پو
 گوشت خرو در خواب غنیمت و مال بود و عز و جاه و اگر بنید که مرغ خرو گرفت دلیل که هزار درم یابد یا اورا با منتهی صحبت افتد و از خیر و
 منفعت بنید و اگر بنید که مرغ خرو میخورد دلیل که عبادت بسیار میکنند و زده دین و زرد و اگر بنید که خرو از دوی میگریخت دلیل که از مسلمانان
 مفارقت جوید و خرد دل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرد دل در خواب دلیل بر اندوه و اندر نشسته باشد و اگر بنید که خرد دل خورد و دلیل نقصان
 مال بود یا برنج و بیماری گرفتار شود و مرغی رحمة الله علیه گوید خوردن خرد دل در خواب دلیل بر مصیبت و خصومت و بیماری بود و خرس
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرس در خواب دشمن فواید احمق بود و اگر بنید که بر خرس نشسته بود و دلیل که از پادشاه خواری یابد و اگر بنید
 که خرس را بگشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که گوشت خرس میخورد و پوست با خود داشت دلیل که همی بوی رسد کرانی رحمة الله
 علیه گوید که خرس نزد خواب مردی بخت و دیوانه باشد و خرس ماده زنی بهین شکل و خصلت بود و اگر بنید که خرس ماده
 گرفت دلیل که زنی بدین صفت بخوابد و اگر بنید که خرس بخانه دوی درآمد اگر زنی بدین صفت در خانه او در آید و دلیل
 خرس در همه حال نیکو نباشد خرگاه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرگاه بخواب دیدن نیکو بود و اگر بنید که خرگاه نشسته بود
 دلیل که از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بنید که خرگاه ملک او بود دلیل که زنی خوابد و اگر خرگاه سبز یا سفید بود دلیل
 بر خیر و نیکویی بود و اگر خرگاه معروف بود و بزر بود و در آن نشسته بود دلیل که دیندار گردد و اگر خرگاه مجهول
 بود دلیل که شهید گردد و خرگاه سفید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاه سرخ بود دلیل که بدو و طریب مشغول
 گردد و اگر بنید که خرگاه کبود بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و خرگاه سیاه منفعت اندک بود و اگر خرگاه از آن
 او بود تاویل بدو باز کرد و خرگوش ابن سیرین گوید اگر بنید که خرگوش گرفت یا کسی بوی داد

جواب

جواب

جواب

خرگاه

سیرین

خ

تفسیر

تفسیر

دلیل که زنی بدخواب یا کینه‌ریز یا بکار خرد و اگر بنید که پوشیدن خرگوش پوشید یا گوشت او خورد دلیل که چتری از زنی بوی رسد و اگر
 بنید که خرگوش داشت دلیل که او را مالی حاصل شود که در آن خیر نبود و بعضی گویند که سنج و بیماری و اندوه وی از فرزند بود
 مغربی اگر گوید خرگوش در خواب زنی پارسا و خاموش بود و اگر بنید که خرگوش او بر و یا بکشت دلیل که سبب هلاک زن او بود یا سبب عیال
 او از محنتی برسد و اگر بنید که زنی خرگوش از روی قفا در پیچید خفا که او را خبر کرد دلیل که زن خود را از زنی دیگر محاسنت کند خرما
 ابن سیرین گوید که خرما در خواب مال و خواسته بود و اگر بنید که خرما خورد و اگر از ازل علت دلیل که عیش زیاده کرد و اگر باز کاران باشد
 دلیل که مالش زیاده شود و اگر بنید که خرما خورد و او انداخت بیرون انداخت دلیل که احکام شریعت بجای آورد و بعضی از معبران گویند
 اگر بنید که خرما خورد دلیل که میراث یابد و اگر بنید که خرما نارسیده خورد دلیل که میراث فرزندی خورد و اگر بنید که در خانه او درخت
 خرما بود و بار بسیار داشت دلیل که بازری پیوستگی کند و از وی منفعت یابد و اگر بنید که آن درخت خرما از بن خشک شد دلیل
 که میان ایشان جدائی افتد و اگر بنید که در سرای او خرما خشک بود و سبکشت اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بنید که بن خرما
 بنسیرید دلیل که کسی از اهل او بیمار کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خرما تازه داشت دلیل که مال سختی حاصل کند و معبران گویند که
 خرما در خواب منفعت باشد که از منتهی بوی رسد و اگر بنید که در خانه و منزل خود خرما بسیار داشت دلیل که بقدر خرما متاع و مال حاصل کند
 و اگر بنید که خرما تازه یا خشک میخورد دلیل که خلاوت ایمن یابد و کاش بنظام کرد و اگر بنید که بن خرما می برد دلیل که کار بکند
 دست دارد و از دستش بریده شود مغربی گوید اگر بنید که خرما داشت دلیل که زنی ثواب خواهد و بقولی دیگر مال یابد و اگر بنید که از
 خرما انگور بسیار بود و ذرا گرفت دلیل که از کینه‌ریزی سیاه فرزند آرد و اگر بنید که از خرما یا خشک خرما یا تازه ذرا گرفت دلیل که
 سغنی لطیف از مردی منافق شود و بعضی گویند که از مردی جا بل سخن مفید شود و اگر صاحب خواب غمگین بود و از غم فرج یابد قوله
 تعالی بجد ع اللخللة تساقط علیک رطباً یحییها جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما در خواب مال حلال از قبل
 رئیس کریم بود و خرما خشک در خواب دلیل بر دین پاک مال حلال باشد و خرما یا تازه و روشنائی چشم مال حلال و فرزند و یکی بود حکایت
 شخصی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که خواب دیدم که بر سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت خدا ترا اسپانجا چهل چوب بزند و چنان
 بود و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین آمد و گفت که خواب دیدم که بر سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بجای گفت پارسا
 سال تعبیر این خواب بگو زیرا که بود و سال چون است که بخلاف آنست گفت پارسا خرما بر درخت بنو و اوایل آن چوب بود و سال
 خرما بر درخت است و درختان بنو و تازه اند تعبیر این چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص چهل هزار درم یافت خرمن گرفتن ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و غله مال حاصل کند و آن مال بکاف هزینه کند و اگر بنید که درخت
 در خرمن در آورد دلیل که مال برنج حاصل کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خرمن غله بخرد یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد
 بعضی گویند که او را با مردی محبت افتد که مال برنج و غله حاصل کند خرمن غله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در
 خواب مردی باشد که مال سختی در دست آورد و اگر بنید که خرمن غله خورد دلیل که مال خود برنج حاصل

کرده باشد و بخورد و اگر بنید که خرفوت از دست جمع میکرد دلیل که از مردی بخیل بقدر آن مال حاصل کند و اگر بنید که خرفوت
 بآتش می بوخت دلیل که پادشاه مال و ملک بستاند خرفوس ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار بنید که خرفوس داشت و دانست که
 ملک دست دلیل که مرد عجمی که بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر بنید که خرفوس را بکشت دلیل که بر بنده زاده ظفر باید و اگر بنید که با خرفوس
 جنگ میکرد دلیل که با مرد عجمی خدمت کند و اگر بنید که از خرفوس او را گزنی رسید دلیل که از عجمی او را مغفرت رسد و اگر بنید که خرفوس بچایفت
 دلیل که غلامی کوچک یا پسری را بکشد و اگر بنید که بانگ خرفوس می شنید دلیل که نیکی و خیرات کند و اگر بنید که خرفوس
 بروی می جفت دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و غایب خرفوس در خواب غلام بود و اگر بنید که کسی خرفوس بچایبوی داد و دلیل که غلامی
 بوی بخشد مغربی رحمه الله علیه بیدار که در خواب بنید که خرفوس داشت دلیل که او را پسری آید یا او را بامردی مؤمن صحبت افتد چنانکه
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود **الَّذِي يَأْكُلُ حَبِيٍّ وَهُوَ يَدْعُو إِلَى الصَّلَاةِ** یعنی خرفوس دوست نیست که مردم را بنهار میخواند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که بر خرفوس دست یافت دلیل که بر بهتر زاده دست یابد و بروی ملک کند و اگر بنید که
 تخم خرفوس یافت و بشکست دلیل که بر بهتر می و یا خردی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار که خرفوس فروخت
 و خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دنیا کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد خرف ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید خرف در خواب جبه و دستار و کلاه آنچه درین ماند جملهم و از او پسندیده باشد و زکاتین جامها اگر بر یک صورت بودند
 بود و اگر نبود و غم و اندوه بود و در نمک سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرف در خواب کسی را که شرعی خرف بود
 بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت و دوم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم مرتبت با اندازه و قیمت پنجم ریاست و بزرگی کرمانی
 گوید پوشیدن جامه خرف در خواب دلیل بر مال حرام کند مگر آن کویند مردان را بر شتم و خواب دیدن بد باشد و زنان را نیک باشد و مرد
 خرفوش کسی باشد که دنیا را بدین اختیار کند خسته گردن ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار که بنید که تن او را کسی بکشت و از خون
 بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را سختی راست گوید چنانکه باشد که جواب نتواند کرد و اگر بنید که از آن جراحت خون نیاید دلیل که
 او را سختی گوید که دروغ باشد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تیغ بر او دو نیم کرد و او را دلیل که پیش او سختی گوید و بر طعنه زنند
 و اگر کسی در خواب خشکی بسیار بر تن خود بنید دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید خشکی بسیار بر تن نقصان
 مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب بر تنه و جبه بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن ناخوش خشت ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید خشت در خواب مال جمع و جموع باشد چنانکه خشتی هزار درم نهاده اند اگر بنید که خشت بسیار جمع کرد دلیل که او را مال
 بسیار جمع شود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خشت از دیواری تراشد دلیل که مال خداوند دیوار برود و اگر بنید که
 خشت پاره پاره کرد و پراکنده دلیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمه الله علیه گوید خشت بچته و خواب بد بود
 زیرا که آتش بوی رسیده است بدان بدی دلیل بر غم و اندوه بود خشم گرفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی
 خشم از پدر دنیا گرفت دلیل که کار دین را خیر و خوار دارد و پدر دنیا مغرور شود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که پدر و مادر بروی

خوب

خبر و خبر

خدا

خبر

خشت

خشم

تخصیص

تخصیص

تخصیص

تخصیص

خشم گرفتند دلیل که از جانی بلند افتد قوله تعالی وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ خُصُومَتِ ابْنِ سِرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که با کسی خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که سرانجام کار غالب کرد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که دشمن بر و غالب شد
 تا ویش بخلاف این بود که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که با والی آمد یا خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که از والی بد و خیر و منفعت
 رسد و اگر بخلاف این بنید از والی رنج بنید و اگر بنید که پیش پادشاه خصومت رفت دلیل که حاجتش روا کرد و مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که با مردم بی بی خصومت کرد دلیل که مردم از وی اندوگین کردند زیرا که آزار مردم جوید خصی کردن ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خود را خصی کرد دلیل که حاجتش روا کرد و بعضی معتبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری
 سبحانه و تعالی راغب باشد و تواضع شود و اگر کسی مجهول خصی بنید دلیل که آنکس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد
 که او را بره خیر و صلاح خود یا بخیرات مرده و پدری را که فرشتگان را شوق نیست و اگر بنید که دشمنش علم و حکمت نیست
 آن کس فرشته نباشد و اگر آن کس که بدی خصی بود و معروف بود آنچه از نیک و بد دید تا ویش بروی باز کرد که مانی رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر بنید که خایه وی بریده شد و بنیت او دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی معتبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر و دختران
 بود یعنی پس از آن او را دختری نبود زیرا که خایگان دختر بود و اگر بنید که خایه خود بدست آورد و کسی داد دلیل که دختران بگریه و غریبی
 علیه الرحمه گوید اگر بنید که بی بی خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیتش از تن بریده شد سمن تا ویش دارد و نامش از میان
 مردم کم شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصی در خواب بر سر وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت
خضاب کردن و انیال علیه السلام گوید خضاب کردن بر پیش پوشیدن کاره باشد اگر بنید که سر را بر پیش خضاب کرد و
 رنگ نمیکرفت دلیل که ظاهر بمردم نماید و اگر بنید که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود و اما کارهای او پوشیده ماند ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خضاب چیز دیگر که مردم آنرا میکردند دلیل که خود را بچیزهای محال و کارهای ناپسندیده دهد و اگر بنید که
 پای بجنای خضاب کرد دلیل که مال از دست رفته او باز آید و اگر بنید که هر دو دست را بجنای خضاب کرد دلیل که فرزند از خود آید
 بآریستی که خلاف شرع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دست خود را نکارد و بجنای خضاب کرد دلیل که خداوند که رحمت بود
 در کسب و عمل خویش و اگر بنید که نکار روی بهم شده بود دلیل بود که او را عزیزی بمیرد و یا خود را پاک شود و اگر این خوابها را بی بنیادی
 و خرمی بنید اسمعیل اشق علیه الرحمه گوید اگر بنید که دست و پای خود بجنای خضاب کرد دلیل که کاری کند که مردم بروی افسوس کنند
 اگر بنید که سر انگشتان را خضاب کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی
 کاتبانیه دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن بدو غ **خطبه خواندن** ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که بر سر منبر خطبه بخواند و از اهل خطابت بود دلیل آنکس عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بفرود آید
 بسیار کند و بهم و خطرتش بود و گویند که اگر توانگر بود و ویش کرد و اگر بنید که بی دینی خطبه بخواند دلیل که مسلمان شود و یا بمیرد که مانی
 گوید اگر بنید که پادشاهی بر سر منبر خطبه بخواند اگر پادشاه مصلح بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که نائب

کرد و اگر بنید که زنی بر سر منبر خطبه میخواند و مردم را پند میداد و دلیل که شوهر او رسوا شود و فضیحت شود و مغزنی رحمة الله علیه گوید که بنید
 که در میان خطبه نکرده هیچ میخواند دلیل که با همه کس خیر و احسان کند و خیر و صلاح و منفعت یا بد خطمی ابن سیرین رحمة الله
 علیه که خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بوقت غم و اندوه بود و خوردن آن حضرت و نقصان بود و شستن آن
 دلیل بر توبه و پاک دینی بود و خفتن ابن سیرین رحمة الله علیه که خفتن در خواب مرده را کسی را که پوشیده بود و راحت و تسکای
 بود و اگر بنید که بر تختی خفته بود دلیل که بزرگی یا بد و از راه دین و پر سپهر کاری بخیر بود زیرا که خفتن غفلت بود و در راه دین که
 بنید که در جای یکا پی بر بستر خوابیده بود دلیل بر حقارت و خواری بود که مانی علیه الرحمة که دید خواب ترسیده را ایمنی بود و مرده را
 آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را خلاصی بود و مغزنی گوید اگر بنید که در میان مردگان خفته بود و مردم او را دیدند دلیل که
 در میان مردم شهرت یا بد قول تعالی و تحسبهم ایقاظا و هم رقود خلال کردن ابن سیرین گوید خلال کردن در
 خواب نیکو نباشد زیرا که دندانها در خواب اهل بیت بود و خلال مانند جاروب که مال اهل بیت میرود و اگر بنید که خلال میکرد دلیل که
 بقدر آن که از دندان بیرون می آید نقصان اهل بیت می باشد مغزنی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که آنچه بخلال از بن دندان برود
 آورد و کسی داد دلیل که از مال اهل بیت خویش بناحق ستاند و کسی بد خلعت ابن سیرین رحمة الله علیه که بخلفت
 در خواب چون پاکیزه و خوب بود دلیل عزت یافتن و مرتب ریاست و مملکت باشد و زن و کینک و حکم تاویل القیومیت
 خلعت دهنده بود که مانی گوید اگر بنید که پادشاه بد خلعت داد دلیل که از آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یا بد اگر بنید که
 عالمی ویر خلعت داد دلیل که از آن عالم ویر اعظم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید خلعتی بد و او را نصیب
 بود یا سبب دلیل که عز و جاه دینی یا بد و اگر دین یا جاه را بر زمین بود دلیل که عز و جاه دینی دنیا یا بد خرقه جابه که بنید و پوشیدن
 آن غم و اندوه بود و اگر بنید که جامه ضحاک از تن خود بیرون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزها از خواب و بیدار
 باشد که موزه که نه که از نو بهتر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند یا بد و اگر جامه نو خود و بفرشند نیکو باشد
 و خرقه فروش در خواب مردی بود که بوی از خود دور کند خلم خطا باشد که از مینی بیرون می آید اگر بنید که از مینی او خلم می آید دلیل که او از تنش زرد
 شود و از غم و اندوه رسته کرد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند بود و اگر بنید که خلم بر جامه وی افتاد و دلیل که او را
 پسری آید و اگر بنید که خلم از مینی وی بر زمین افتاد و دلیل که او را دختر آید و اگر بنید که خلم بر زمین انداخت دلیل که زنش آستان کرد
 و فرزند از شکم بنید و اگر بنید که زنش خلم بر وی انداخت دلیل که بر زن همسایه داد کند و اگر بنید که خلم خورد و دلیل که مال زندان را خور و بوی
 نیک خلیفه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خلیفه وی کشاده بنید دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بنید که خلیفه او را کاری
 فرمود از کارهای خاص دلیل که عز و بزرگی و قربت یا بد و اگر بنید که خلیفه او را ولایتی داد و اگر از مسلمان بود دلیل که شرف و بزرگی یا بد و اگر
 بنید که در سرای خلیفه شد دلیل که از مغربان وی شود و اگر بنید که خلیفه از تناسخ دنیا چیزی بوی داد و دلیل که منزلت یا بد و میان
 بزرگان نامدار شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که خلیفه با وی خصومت کرد و از پسر کاری که بشروع تعلق دارد

خطمی

خفتن

خلال کردن

خلعت

خلعت

خلم

خلیفه

دلیل که حاجتش روا شود بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که در تیر بجای خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او زنی یا کینز کی یا مال دید و اگر
 بنید که در پس اسب خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بنید که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه او میرفت دلیل که مقدم
 در شغلهای وی باشد و اگر بنید که خلیفه با وی ترشروی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خلیفه
 شده است و او از اهل آن نباشد دلیل که او را بجاری فرستد و اگر بنید که خلیفه او را بجاری فرستاد و دلیل که وی خیر و منفعت یابد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بنید و تاوان بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عذر
 دولت یابد و اگر خلیفه غمگین بنید یا ویش بخلاف این بود خشم ابن سیرین رحمه الله علیه بدو خیم و خواب زنی بود که از قبل او فایده
 بخانه برسد بقدر بزرگی خیم کرمانی رحمه الله علیه بدو خیم یکی یافتن و خواب کنج بود و خیم آب زن بود اما زن توانا که باشد و اگر بنید که
 در خانه خود و خیم بر آب بود و از آن آب میخورد و دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و خیم سرکه در خواب مردی پیر و پکار
 بود و خیم سگ و روغن دلیل بر زیادتی مال حلال بود و خیم آب کامه دلیل بر مردی بیمار بود و خیم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان
 بود و خیم در خواب دیدن دلیل بر سلطان کند و ریاست اصحاب سلطان چهره گردان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرشتن آرد و نایل
 و برتی دین باشد و سرشتن آرد و کدیم مالی بود که از تجارت حاصل شده باشد و اگر خیم بر خاسته بود دلیل بر فساد کند و سرشتن
 آرد و کادرس در خواب نفع اندک که بوی رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خیم فرافرت یا بخیرید یا کسی بوی داد و اگر خیم چوب
 بود و دوستی دین و صلاحیت بود و اگر خیم کدیم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خیم کادرس بود دلیل که منفعت
 اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیم در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال
 خیمه در خیمه سه قول است بعضی گویند حاد و بود بعضی گویند پیغام بشهر و بود و بعضی گویند زن بود و اگر بنید که خیمه
 آگیند در خانه او است دلیل که زن اطلاق دهد یا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خیمه داشت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی حاد و
 یا کینز کی بقدر خیمه او حاصل شود یا او را زنی خاوم صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بنید که خیمه او ضایع شد یا ویش بخلاف
 این بود خیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که خیمه در دست داشت دلیل که او را کسی عداوت افتد و اگر بنید که خیمه او شکست یا
 ضایع شد دلیل که خیم و خصومت و عداوت از میان ایشان بریزد و صلح انجامد و اگر بنید که خیمه در دست داشت دلیل که او را از کتبی
 باشد در آن کار که خواهد اگر با خیمه سلاح بسیار داشت دلیل که دشمن ظفر یابد و کاشش بنجام کرد و خیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 خیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که بقیه می خندید دلیل که غش یاوه کرد و قوله تعالی فلیضحکوا فیکذلک و کینز کینز و اگر
 بنید که آهسته خندید دلیل که اندویش کمتر بود کرمانی رحمه الله علیه بدو خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و بشارت باشد
 قوله تعالی فنبشروها بالصق و خنده قهقهه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و شکفت آمدن از کار از وی قوله تعالی
 فنبشروها بالصق و خنده قهقهه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و شکفت آمدن از کار از وی قوله تعالی
 آمین هذا الحدیث عجیب و خوان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که خوانی داشت در آن مأمده بود و از آن

خیمه
 مسکلی
 شرع فیلست یعنی
 سه آتش ۱۲
 نفت نم روشن
 ۱۲
 خیمه

خیمه

خیمه

خیمه

خیمه

میخورد دلیل که بقدر آن غنیمت باید کرمانی رحمه الله علیه که بدید خوان آراسته در خواب نیک بود چون ناخورد و برادر نغم و اندوه
باشد و بسیار خوردن طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بنید که در خوان طعام سه کوزه بود دلیل که روزی او فرج شود قوله تعالی
وَبَنَّا الْإِنْسَانَ مِمَّا كَذَّبَ النَّفْسَ وَلَعْنَى كُوفٍ عَزَّ وَجَلَّ و فتادی بود و جعفر صادق رضی الله عنه که بدیدین خوان در خواب
بر پنج و در بود یکی غنیمت حاضر و دوم مردی شریف سوم قوت چهارم نظام کار و پنجم عز و خرمی خود ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید
اگر بنید که خود پولاد بر سر داشت دلیل که جاه و قدر بزرگی بود و قوت او زیاده کرد و بقدر روشنی خود و اگر بنید که خود بر سر داشت
دلیل از منتهی قوت گیرد و اگر بنید که خود خود کسی داد و دلیل که آنکس لقوت و شمت بود و اگر بنید که خود در لشکرت یا ضایع
شد دلیل که عمرش نقصان شود و جعفر صادق رضی الله عنه که بدیدین خود در خواب بر پنج وجه بود یکی قوت دوم مال سوم فرزندان
چهارم بقا و کونی پنجم خود را از کفر بکاهد شستن خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه که بدیدم خورشید که بوی خوش دارد در خواب
خوردن آن خیر و خرمی بود و اگر بوی ناخوش بود دلیل که شر و بدی بود و پیر و پیران و کند ناخوردن غم و اندوه بود و
اگر بنید که خورشید تلخ و ناخوش بود دلیل بر درویشی و بیچارگی بود و کرمانی رحمه الله علیه که بدیدم خورشید چون بطعم شیرین بود خرمی
و شادی بود و چون ترش و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و خوردنی و نوش در خواب تا دلیل خلودن سخن بود و خوشه ابن
سیرین رحمه الله علیه که بدید خوشه در خواب دیدن چون ناز و بود و فرزندان و برکت زیادتی مال و چون خوشه خشک بنید فرزندی
بود و بر درازانا و آن سال نکلی و قحط باشد و خوشه خرم و خوشه انکور بهتر بود و خاصه چون بوقت بنید کرمانی رحمه الله علیه که بدید
اگر بخواب بنید که خوشه بنمخورد دلیل که در آن سال او فراخی عیش بود و اگر خوشه از روی خشک بنید دلیل که قحط و تنگی بنید
جعفر صادق رضی الله عنه که بدید خوشه سبز در خواب دلیل بر فرزندان و برکت بود قوله تعالی تَسْبَعُ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ
و خوشه خشک قحط بود و خوک ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید خوک در خواب مردی توانگر لقوت بود و لیکن دهن همت و بی خیر باشد
و اگر بنید که خوک آن در جای نیک می داشت و در آن نیکو کرد که پراکنده کردند دلیل که مال بسیار جمع کند کرمانی رحمه الله علیه که بدیدم خوک
کردن با خوک و دیار اینک بود و دین را بد و بچه خوک در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که خوک بخورد و دلیل که ربا خورد و اگر بنید که
خوک آن را از جای بجای میبرد دلیل که احوال دنیا بی نیک کرد و احوال آخرت او نیک باشد و اگر بنید که در میان خوک آن
میکرد و دلیل که بخت مالی که انحراف جمیع کند حرم شود و گویند که خوردن شیر خوک در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و اگر بنید که در میان
خوک آن نشسته بود دلیل که دشمن غالب آید اگر بنید که خوک پس از وی درآمد و از پیش رویش میروند دلیل که مراد وی بطلد و او را
حاصل آید و اگر بنید که پوست خوک یافت یا کسی بوی داد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که شبان خوک آن بود دلیل که بر روی
بد و پیمان و بد فعل بهتر کرد و مغربی رحمه الله علیه که بدید که با خوک بصحرای جنگ میکرد و دلیل که با مردی دهن و تنگ او را
خفوت افتاد و اگر بنید که موی خوک یا پوست یا استخوان خوک داشت دلیل که بقدر آن مال حرام یابد
خون آمدن ابن سیرین که بدید که خوک بلی جراحت خون از تن وی می آید دلیل که زیان رسدش

خود

خود

خود

خود

خود

و اگر بزین خود جراحی یا بدلیل زبان تل و غم و اندوه بود و اگر بنید که او را بشمشیر زند و خون روان شد و دلیل که زبان بزرگی دراز
 کرد و او را و اگر آن ثواب بود و اگر بنید که خون جراحات جامه آلوده کرد و دلیل که مالی حرام حاصل کند که رانی رحمته الله علیه گوید اگر بنجواب بنید
 که خون میخورد و دلیل که مال حرام خورد و یا خون ناحق کند و اگر بنید که در تن او سوراخی بود که از وی خون یا ریح روان شد و جامه او را
 آلوده کرد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که از قبضش خون بیرون آمد و دلیل که او را فرزندی داده بقیقت و اگر بنید که از
 مقتضای خون می آید دلیل که بقدر آن مال حرام باید و اگر بنید که ازین دندان او خون می آید و دلیل که از خویش آن غم و اندوه خورد و اگر
 بنید که در کوی چهای شهر خون همی رفت دلیل بر خون ریختن بسیار بود و در آن موضع دانیال علیه السلام گوید اگر بنید که خون بسیار از بینی
 وی آید دلیل بر یافتن مال حرام بود و خاصه چون جامه آلوده گشت دلیل که در ویش بود مالش نقصان پذیرد و چنانچه ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید و خواب اگر در وقت خود خواب بنید دلیل که سخن خوش نشود یا زنی بوی رغبت نماید و اگر بنید که از آن خواب
 بخورد و دلیل که از آن زن در او مال حاصل آید و حکم خیاری و بادرنگ هم برین قیاس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خیاری
 و خواب بر سر وجه بود یکی شیمانی از کار قوم شناسی در امتش سوم منفعت از قبل خویشان و دوستان خبیث ابن سیرین
 گوید و دیدن خبیث در خواب پیر و مادر وی بود که بر دستش مال حرام خرج رود و خبیث انجین مرد عالم بود و دانش آموز و
 راه نمایند بود و اگر بنید که خبیثی داشت یا بنجر و دلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بنید و اگر بنجواب بنید که
 خبیث از او بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که از صحبت چنین مردی او را جدائی افتد و چهری ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خبیث از او بدزدید و یا
 بوقت خود بنید بخیر بود و اگر غیر وقت خود بنید پس تاویل دارد و خبیثه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خبیثه از او بدزدید و یا
 از او کسی بزد و آنجا نبشت دلیل که اگر خبیثه سیاه بود و مال یا بدقت بزرگی و کوچکی خبیثه که باز رکان باشد دلیل که سفر کند و مال
 یا بد و اگر بزرگی این خواب را بنید دلیل بر غم و اندوه بود و اگر خبیثه همنه باشد و حضرت بیشتر بود که رانی رحمته الله علیه گوید اگر بنید که از خبیثه
 بیرون رفت شرف و بزرگی یا بد و اگر بنید که پادشاه بر او خبیثه شسته بود دلیل که کارش نیکو شود و بدو دشمن ظفر یا بد و اگر بنید که پادشاه
 او را در خبیثه خود خواند و آنجا نبشت دلیل که از پادشاه قدر و بزرگی یا بد و کارش بنظام شود و چنانچه ابن سیرین گوید اگر بنید که خود را بخت
 دلیل که سخنی گوید که او را احوال نبود و اگر بنید که خیر و مسرت انداخت دلیل که سخن دروین گوید و همچنین در هر موضع که خیر و انداخت دلیل که
 سخن در اهل آن موضع گوید و اگر بنید که خیر و در او را انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خداست یا اهل اجل و علا در آن نبود
 و اگر بنید که خیر و در زمین انداخت ضیاع خود بنید و اگر بنید که خیر و درخت انداخت دلیل که عهد بشکند و سو کند بد و روغ خورد
 که رانی رحمه الله علیه گوید که خیر و کم دلیل بر عمر درازی باشد و خیر و دلیل بر مرگ بود و عینکس بالعکس و خیر و سیاه دلیل بر غم
 اندوه بود و خیر و زرد دلیل بر بیماری بود و آب پس چون از زمین بیرون آید بی آنکه جامه یا لایب دلیل که علی باطل و دروغ
 تقریر کند و اگر نه اهل آن باشد و اگر بنید که بطنم از کلو بر آورد و باستین گرفت دلیل که مال خود بر عیال خرج کند
 معتزلی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خیر و در وی او انداخت دلیل که در اهل او طعن زند و اگر بنید که خیر

خبیث

خبیث

خبیث

خبیث

خبیث
آب بن را گویند

خون آمیخته بود دلیل که حرام خورد و دروغ گوید و بر وعده وفا نماید حرف الدال : دار و ابن سیرین رحمه الله
 علیه کوید اگر کسی از بهر بیماری دار و خرد او موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر بنید که دار و خرد و موافق نبود دلیل که
 صلاح دین از وی زایل شود و اگر بنید که دار و از بهر ندرستی خورد دلیل که بقدر موافقت دار و صلاح دنیا طلب کند و اگر
 بخواب بنید که از بهر مردمان دار و ساخت دلیل که بخلق خدایتی احسان کند و اگر بنید که دار و خشک میشد دلیل که از غم و اندوه
 خلاصی یابد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دار و بخورد و اسهال بسیار آمد دلیل که او مضرت رسد و اگر بخلاف این باشد منفعت
 بود و اگر بنید که دار و بخورد و عقل و هوش از وی برفت دلیل که از غم و اندوه فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید هر که
 زرد بود بیماری در سنج باشد و آنچه بخورد نکرده بود دلیل بر بیماری باشد. دار حنی بن سیرین رحمه الله علیه کوید که
 بنید که دار حنی خورد دلیل که غم و اندوهش بیشتر شود که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دار حنی از بهر علت خورد و
 او را سود داشت دلیل بر خیر و منفعت باشد و اسخ کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید که داغ کردن در خواب
 مال و کسب بود و اگر بنید که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه خدایتی صرف کند و در عقبی از عقوبت رستگاری
 یابد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که از نشان داغ خون و ریم می آید دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود و اگر خون و
 ریم نباشد دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیابد و انیال علیه السلام کوید اگر بنید که داغی بر تن کسی نهاد و او پیش سخن رشت
 باشد یا بروی همت نهند و اگر بنید که بجهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین و دنیا باشد و بعضی
 سیر بن کوید داغ کردن بنیاد باشد در کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه کوید داغ کردن در خواب منع زکوة بود
 و مشغولی با پادشاه قوله تعالی یوم یجئنی علیها و اسس ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که داس در دست
 داشت دلیل که آلتی سازد که او از آن آلت مال حاصل آید اگر بنید که داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال او بود و مغری رحمه الله
 علیه کوید اگر بنید که داس زرین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرام چیزی حاصل کند و اگر بنید که داس حنیزی زرین در دست
 دلیل که مال و نعمت حاصل کند و ام ابن سیرین رحمه الله علیه کوید دام در خواب کرد و حیلت بود اگر بنید که پای او بدام گرفتار شد
 تا ویش بخلاف این بود مغری رحمه الله علیه کوید اگر بخواب بنید که جانور بر او بدام گرفت آنکس که بدان جانور منسوب بود بکرو
 حیلت بدست آورد و آنها ابن سیرین رحمه الله علیه کوید و آنها در خواب اگر بچپته یا خام بنید دلیل غم و اندوه بود و کوفی رحمه
 الله علیه کوید اگر خواب بنید که دانه بر زمین ریخته بود دلیل که ترش ارزان کرد و هر چیز از دانه که دید در خانه خود بر دیار جول کرد
 دلیل که آن چیز کران کرد و اگر بنید که مردگان دانه بچرم میدادند دلیل که آن دانه از آن شوند و باغی کردن ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوید باغی کردن در خواب که از رون تغل و فرمان بود اگر بخواب بنید که باغی میکرد دلیل که پیشه باغی کند
 که مانی رحمه الله علیه کوید باغی تاویل والی بود و پوست در خواب میراث باشد مغری رحمه الله علیه کوید باغی در
 خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به ابن سیرین رحمه الله علیه کوید دروغن در خواب

دارو

در چینی

در سخن

در

در

در

در غمی

در

مردی امین بود اگر بنید به روغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که بامردی امین اورا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند
 بقدر آن دیر روغن و اگر دیر چکین و کهنه بود دلیل که بنیده را مضرت رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه و در خواب
 بر نه و جبه بود یکی مرد امین دوم زن سیم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال نعمت هشتم خیر و برکت
 نهم میراث از جهت زمان و دهمیری ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که دهمیری میکرد دلیل که مال مردگان بحیثیت
 ستاند و کارهای ناگرددنی کند و اگر بیند که دهمیری پادشاه میکرد دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که دهمیری مردم
 عام میکرد دلیل که دلپای مردم بر خود گرم کند و انبال علیه السلام گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بکسر و حیلست روزی از مردم
 بدست آورد و اگر دیر و دانا بود که دهمیری میکرد دلیل که خیر و منفعت بسیار یابد و اگر بنیده خواب عملدار بود دلیل که معزول
 شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می نبشت دلیل که خیر و منفعت انجمنانی یابد و اگر بیند که غزالی شعر
 می نبشت دلیل که بعینش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت و مداونیک بود دلیل که قباله را نبوسد و اگر بیند که آنچه
 می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود و **بیرستان** خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت خیر
 بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و **جبال** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و **جبال** را در جانی معروف دیدن دلیل که در گنجی
 فتنه افتد و دروغ زمان انجنا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد و دختر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دختر خواب دیدن
 فرج و شادی بود و اگر خواب بیند که او را دختری آمد یا کسی دختری بوی داد و یا بنحشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال
 خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بفرمانش بخلاف این بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دختری چکین و ناقص
 بود دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر در بر گرفته بود و میبرد دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دختر خود کسی داد دلیل که از وی خرمی و برکت
 رسد و خشنه اگر بیند که در زیر خود دود و دعو و میکرد یا از بویهای خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بسیار سود دوزان منفعت یابد
 و با مردم عیش خوش گذرانند و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب بر سر و جبه بود
 یکی گب و میبشت دوم خیر و منفعت سوم بنای نیک و **دوکان** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت
 جمله خیر شد و یا یکی خرسند و یکی کاویا یکی کو سفند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او را زبان دارد و اگر بیند که چهار پایان وی دوکان
 شدند تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوکان در خواب بر چهار و جبه بود یکی دشمن دوم پادشاه
 ظالم سوم زمان مدیحه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت دوان میخورد و دلیل که مال مردم بحیثیت
 بدست آورد که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دوی شد دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که دوکان با
 وی سخن گفت ند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که دوکان را میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و **درج** ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید درج در خواب زنی خبر وی بود بد مهر که با شومر ساز کاری کند و اگر بیند که وراجی گرفت یا کسی
 بوی داد و دلیل که زنی بدین صفت خواهد و اگر بیند که گوشت درج بخورد و دلیل که مقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمه الله

بی

بیرستان

جبال

خبر

خشنه

دوکان

درج

علیه کوبید اگر بنید که در آج بسیار داشت و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن زمان و کنیز کان او را حاصل آیند و اگر بنید که
 در آج از دست وی ببرد دلیل که زن را طلاق دهد و راجحه ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنید که در اعنه نو و بزرگ
 و فراخ و سیر پوشیده بود دلیل که بقدر آن او را جاده و قوت و شرف در دین بود و اگر بنید که در اعنه چرکین و تنگ پوشیده بود
 تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در اعنه سپید پوشیده بود دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و اگر در اعنه
 سرخ پوشیده بود دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود دلیل غم و اندوه باشد لیکن در اعنه سیاه قاصی و خطیب رازیان
 ندارد و اگر بنید که در اعنه از تن وی بیرون کردند دلیل که از زن جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید و دین در اعنه در خواب بر
 هفت وجه بود یکی فرج دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کار هفتم زن و در خواب
 دیدن زن بود و اگر بنید که در بای بسته از جای معروف یا مجهول و بر بارش کشادند و آن درگاه کشاده شد بر جانب راه بود
 دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر بنید که در سرالی در برابرش کشاده شد دلیل که مالی از پادشاه بیايد و بر عیال نفقه کند و اگر
 بنید که در سرالی اول شکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود و ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در سرالی او کشند و بر دندکس
 ندانست که گجاء بر دند دلیل بر محنت و مصیبت صاحب خانه بود و اگر بنید که در سرالی او انباشتند دلیل بر مصیبت اهل سرای بود
 و اگر بنید که در وی کوچک بود دلیل که فوت بعیال او رسد و اگر بنید که در سرالش چنان فراخ بود که هیچ درمی بدان فراخی نبود دلیل
 که قومی بی فرمان در سرالی او روند بقوت و مصیبت با خصوصیت اگر بنید که حلقه در سرالی او می جنبانید اگر جوابش دادند دلیل که
 دعای او مستجاب گردد و بانشد که کنجی بیايد و اگر بنید که چون حلقه جنبانید زود در آن سرالی را بکشد و ندان دلیل که خدا تعالی البته
 دعای او اجابت فرماید و دشمن طغریا بد کر مانی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در نوخک بپست و قفل بر و نهاد دلیل که زانش
 بمیرد یا زن را طلاق دهد و اگر بنید که در و در کیرا فرمودند و در نوخک در خانه او نهادند دلیل که کنیزی و دشمنه بخرد و اگر بنید که در خانه ویرا
 غلق نبود دلیل که زنی بپوه بخوابد مغری رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در آن بر در خانه وی میچسبیدند و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد
 عیال او کنند و اگر بنید که در آسمانها کشاده شد دلیل که بر مردم آند یا در خیرات بکشد یا بد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید و دین در خواب
 بر سه وجه بود یکی خداوند سرای دوم زن سوم خادم در واره ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید که در واره شهر می بخواب بنید دلیل که
 حاجب در میان پادشاه بود و در میان در خواب بین مردی بزرگ بود در بانی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر در خواب بنید که در بانی
 میکرد دلیل که حاجتی که دارد در واره او شد و از مردی بزرگ عز و جاه بیايد و اگر بنید که در بانی میکرد و در بنو و دلیل که حاجت بر
 وی نیل کسی بود و روا شود اما او جاده نیا بد مغری رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در بانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه
 گردد و بر سر گرفتن شرح در بر گرفتن و حرف الف گفته ایم و رختان و انیال علیه السلام کوبید و خستی
 که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود اگر در خستی بنید که پیش مردم خوار بود دلیل
 بر مردی فرومایه بود و هر در خستی که میوه دارد بود دلیل که مردی توانگر بود و در خستی بی دلیل بر مردم درویش بود و در خستی

و اگر بنید که در اعنه نو و بزرگ

و اگر بنید که در اعنه سرخ پوشیده بود

و اگر بنید که در اعنه سیاه پوشیده بود

و اگر بنید که در اعنه سرخ پوشیده بود

که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بنید دلیل بر مال
 بود و بنید باغ اگر بنید که درختی از بن بنید دلیل که مردی از جاه و نعمت افکند و درخت خرمایا اگر درخت خرمایا بنید دلیل بر مردی
 شریف عالم بود و اگر بنید که درخت خرمایا درخت دشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود و خرمایا چون باغ بنید دلیل که تاویل او بنید و خواب
 باز کرد و درخت آبنوس دلیل بر مردی فرومانده شود و کار خویش بعضی کو بنید زن بود یا کینک درخت آلو
 مردی طبیب بود که زوی نفع بهر کس درخت باو دام زنی خوروی صاحب جمال بود و درخت انار مردی تو اگر بود
 با منفعت و درخت پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و درخت سمر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و درخت
 شترنج دلیل بر مردی مخالف و خود رای کند و درخت زیتون دلیل بر مردی با اصل و نسب باشد و درخت چنار
 دلیل بر مردی درویش بدین کند و درخت زرد آلو دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و درخت سرو دلیل بر مرد
 عجمی خوش طبع کند و درخت سنجد دلیل بر مردی سبک روح و مجتهد باشد و درخت سیب دلیل بر مردی بیار کون باشد
 و درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود و هلاک شود و درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که شهر
 باشد و درخت عود دلیل بر مردی بیکوروی و خوش زبان باشد و درخت فستق دلیل بر مردی تو اگر بخیل بود
 و درخت کل دلیل بر مردی شاد کام باشد و درخت فندق دلیل بر مردی غریب سخت دل بود که لهو و دست دارد
 و درخت بلوط دلیل بر مردی پیچر منافق بود و درخت جوز دلیل بر مردی شریف و جوانمرد بود و درخت جوز نندی
 دلیل بر مرد عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بنید که بالای درخت بود دلیل که با مردی بزرگ پیوند و دوستی
 و زریکی یابد و درخت لیمون دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود و درخت میوه دلیل بر مردی کران طبع و ناسازگار
 بود و درخت فی دلیل بر مردی بدخوی و دشمن چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل بر بیاس میوه او بود و اگر بنید که از درختی میوه دارد
 میوه میخورد دلیل که بقدر قیمت آن میوه مال نعمت یابد و متبران کو بنید و درخت و درخت و درخت که در خانه پادشاه
 چند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بنید که ساق ندارد همچون درخت خیار و خربوزه تا ویش بر مردان دون بود که مالی رحمة الله علیه
 کوید اگر کهای درخت قوی بنید دلیل که زکوة مال داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر مردی بود که خداوند درخت
 را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بنید که درخت بر کباب بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بنید
 که بارهای اندک دارد تا ویش بخلاف این بود و میوه درخت دلیل بر خداوندش که برهنه کار و دین دارد و اگر بنید که درخت
 بر بر و بنیقا و دلیل بر مرک خداوندش بود و مغربی علیه الرحمه کوید اگر بنید که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل
 بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بنید که درختی میوه ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر
 بنید در سرای او یا در سرای دیگران کو تا نه درخت بود دلیل بر صیبت بود و در آن سرای افتد و اگر بنید که در سرای خود تخمی
 می کشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بنید که درخت در زمین بیکانه نمی نشاند دلیل که با مردم بیکانه

و درخت خرمایا بنید دلیل بر مردی شریف عالم بود و اگر بنید که درخت خرمایا درخت دشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود و خرمایا چون باغ بنید دلیل که تاویل او بنید و خواب باز کرد و درخت آبنوس دلیل بر مردی فرومانده شود و کار خویش بعضی کو بنید زن بود یا کینک درخت آلو مردی طبیب بود که زوی نفع بهر کس درخت باو دام زنی خوروی صاحب جمال بود و درخت انار مردی تو اگر بود با منفعت و درخت پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و درخت سمر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و درخت شترنج دلیل بر مردی مخالف و خود رای کند و درخت زیتون دلیل بر مردی با اصل و نسب باشد و درخت چنار دلیل بر مردی درویش بدین کند و درخت زرد آلو دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و درخت سرو دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند و درخت سنجد دلیل بر مردی سبک روح و مجتهد باشد و درخت سیب دلیل بر مردی بیار کون باشد و درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود و هلاک شود و درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که شهر باشد و درخت عود دلیل بر مردی بیکوروی و خوش زبان باشد و درخت فستق دلیل بر مردی تو اگر بخیل بود و درخت کل دلیل بر مردی شاد کام باشد و درخت فندق دلیل بر مردی غریب سخت دل بود که لهو و دست دارد و درخت بلوط دلیل بر مردی پیچر منافق بود و درخت جوز دلیل بر مردی شریف و جوانمرد بود و درخت جوز نندی دلیل بر مرد عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بنید که بالای درخت بود دلیل که با مردی بزرگ پیوند و دوستی و زریکی یابد و درخت لیمون دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود و درخت میوه دلیل بر مردی کران طبع و ناسازگار بود و درخت فی دلیل بر مردی بدخوی و دشمن چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل بر بیاس میوه او بود و اگر بنید که از درختی میوه دارد میوه میخورد دلیل که بقدر قیمت آن میوه مال نعمت یابد و متبران کو بنید و درخت و درخت و درخت که در خانه پادشاه چند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بنید که ساق ندارد همچون درخت خیار و خربوزه تا ویش بر مردان دون بود که مالی رحمة الله علیه کوید اگر کهای درخت قوی بنید دلیل که زکوة مال داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر مردی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بنید که درخت بر کباب بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بنید که بارهای اندک دارد تا ویش بخلاف این بود و میوه درخت دلیل بر خداوندش که برهنه کار و دین دارد و اگر بنید که درخت بر بر و بنیقا و دلیل بر مرک خداوندش بود و مغربی علیه الرحمه کوید اگر بنید که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بنید که درختی میوه ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر بنید در سرای او یا در سرای دیگران کو تا نه درخت بود دلیل بر صیبت بود و در آن سرای افتد و اگر بنید که در سرای خود تخمی می کشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بنید که درخت در زمین بیکانه نمی نشاند دلیل که با مردم بیکانه

100

این آیه
در سوره بقره
در جزو دوم
است



کو چک بود و بنی از بن کوبید اگر بنید که درم ضایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزندی خود بار بردل او آید و اگر بنید که درم
 کو چک کم کرد و باز یافت دلیل که آن رخ از دل وی زایل کرد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود که مانی رحمة الله علیه
 کوبید درم در خواب بدست دشمن نمیشد و کوبید درم شکسته سخن بر آکند و درم بسیار مال باشد و اگر بنید که در خانه با عیال خود درهما
 در دست قسمت کرد دلیل که میان ایشان دواوری افتد و اگر بنید که درم در خانه بچید داشت بقدر آن مال یا بود اگر بنید که درم بسیار
 کرد دلیل که مردم را نفع و باطل باز دارد و قوله تعالی جمع ما لا عدده یحسب ان ماله اخلاذ اگر کبیرم عید در کف خود بنید
 دلیل که او از فرزندی آید و اگر بنید که آن درم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر کبیرم ای درم و دنیا ریافت دلیل که مال و
 نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه کوبید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصوصت بود و اگر بنید که یا در شاه
 پیمان یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه کوبید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصوصت بود و اگر بنید که یا در شاه
 او را درم داد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید درم در خواب بر یازده وجه بود یکی سخنهای درست
 دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجبوع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی و هم
 کینزک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب تصور بود و اگر مستور نبود دلیل که رحمت فرزند آن در غم و اندوه بود و اما
 درم شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ و خصومت سوم بند و زندان چهارم گفتگوی دروغ
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید درم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود و
 دروغ گفتن ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید دروغ گفتن در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بنید که کوای
 دروغ میداد دلیل که این وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه کوبید اگر بنید که یا در شاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوش و بدی او
 کوبند و حراست و ابروی او برود و دروغ دگری کردن ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید دروغ دگری و خواب بگوید که مردم او بدین
 صحبت با مردم منافق و بد مذمب باشد و بعد از ایشان رود زیرا که اهل چوب و نجوای بدین دلیل بر نفاق باشد و قوله تعالی کاتهم خشب
 مستند جعفر صادق علیه السلام کوبید دروغ در خواب متکلم کو دکان باشد که مرد جاهل و نادان را دانش و فرسنگ آموز و در بر مصلح
 کارهای مردم باشد و راه نفاق و فساد از ایشان زایل کرد و مغربی رحمة الله علیه کوبید دروغ در خواب متکلم کو دکان باشد و روشی ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوبید روشی در خواب بهتر از توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر بنید که در روش شده بود دلیل بر صلاح دین
 بود و اگر بنید که توانگر شده بود قنایش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه کوبید اگر بنید که یا در روش مسلمان خیرات کرد دلیل که از غم و
 رنج رسته کرد و اگر بنید که بر در میشت و زبان میخواست دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و یا ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید در خواب
 یا در شاه بود یا عالمی بزرگ اگر بنید که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که یا در شاه یا در عادل و دادگر بود و اگر بنید که آب در یاروشن
 تلخ بود دلیل که یا در شاه مضطرب و ظالم بود و اگر بنید که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که یا در شاه یا در عالمی بهره مند
 کرد و اگر بنید که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که یا در شاه یا در عالمی بهره مند کرد و اگر بنید که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که یا در شاه یا در عالمی بهره مند

و دروغ گفتن

و دروغ دگری

و روشی

و دروغ

فروشد چنانکه تن او بکل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بنید که تن خود را از کل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر بنید که در آب دریا بشناید دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر بنید که از دریا با شنا بیرون آمد دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر بنید که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که در کار دین غرق شود و اگر بنید که از دور دریا دید و نزدیک رفت دلیل که بدینچه امید بسیار دارد و اگر بنید که فرزند دریا میرفت و پای او ترختی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد و کارهای دنیا بر وی آسان گردد و اگر بنید که در دریا بود بقول کرمانی رحمه الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود و طبع و فضل گردد و اگر بنید که در میان دریا رفت دلیل که کار وی با خطر باشد و اگر بنید که از دریا بیرون آمد دلیل که بنیغم شود و اگر بنید که از دریا آب خورد و سرد بود و بنیده خواب عالم بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر بنیده خواب عالم نبود بخلاف این بود قوله تعالی

البحر قبل ان تنفك كلماتي و اگر بنیده خواب از مردان پادشاه باشد دلیل که از محترم پادشاه گردد و اگر بنید که

آب دریا خورد البتة دلیل که از پادشاه ایمن گردد و اگر بنید که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که نهای کند قوله تعالی و سقوا ماء هبما فقطح امعاءكم و اگر بنید که آب دریا بخورد و ناز خوش بود دلیل که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود

قوله تعالی يتجرعه ولا يكاد يسيغه جابر مغزبی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت گذارد و اگر بنید که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که آب دریا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه

زیادت شود و اگر بنید که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند و اگر بنید که آب دریا و رودها بهم جمع شدند در یک جای

دلیل که پادشاه آند بار مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر بنید که از جهان موهبا بخواست و جهان از ابر تار یک شد دلیل

بر کناه و عصیان اهل آن دیار باشد قوله تعالی من فوقه موج ومن فوقه سحاب و اگر بنید که از دریا شکار میکرد

دلیل که روزی حلال یابد و عیش و رغبت او فراخ گردد قوله تعالی احل لكم صيد البحر و طعامه متاعا لكم و اگر بنید که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند و اگر بنید که آب دریا تیره بود از شکار میکرد دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی و اسلمهم

عن القرية التي كانت حاضرة البحر و اگر بنید که از دریا یا قوت و مرجان بر آورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و اگر

اهل علم باشد علمش زیادت شود و اگر بنید که از دریا نهنکی را گرفت و بخت دلیل که دشمن پادشاه بردست وی هلاک شود و جعفر صادق

رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب برش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم کاری

بزرگ و ثمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در شب از دریا بر صلاح وی بود و اگر بنید که در خواب از خواب کرد

دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود کرمانی رحمه الله علیه گوید در خواب اگر بکج و آجر میکرد دلیل که صاحب دوزخی

و اگر بنید که از کل و خشت میکرد دلیل که از اعمال اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم میقام بود دلیل بر صلاح دین بود

و ثبات راه و اگر بنید که هر زبان از دژ بیرون آید و باز درون می شد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغزبی رحمه الله علیه گوید اگر خود را در دژ بنید بقول مغزبی دلیل بر صلاح دین بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر تباهی و ضعف

و

زیر کتب

دست

دست

دست

دست

در دین وی بود و زودی کردن اگر بنید که مال کسی در وید و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بنید که نیت داشت که بدزد
 اما ندزدید دلیل که کسی مکر و بی رسا ندی بعضی گویند که بیمار شود اما شفا یابد و اگر بنید که از خانه وی چیزی بدزدید دلیل که برخی اوقات
 بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که او در دست دزد است پس شد دلیل که حال وی بد شد و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر
 بنید که دزدان بروی راه زدند دلیل که غم و اندوه بنید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی کالائکسان بر دلی که عیش بر
 خداوند خواب نباه شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود معتبر آن گویند آنجا که دزدی کنند دلیل که ایادی
 باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداوند خواب غایبی دارد و سلامت باز آید و انبیا علیهم السلام گوید دزد و خواب بدین
 خیانت و جلیت بود و ستارچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که دستارچه از کتان بر دست داشت
 دلیل که او را از مردی پارسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بنید که دستارچه از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را
 زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستارچه در خواب بر سر وجه بود یکی منفعت و دوم کینرک سوم
 عطاء اندک و ستار سر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب و بدین دین بود و اگر بنید که دستار
 سفید یا سبز بود یا از کتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود اگر بنید دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین
 و نیا بود و ستار قرمز و ابریشم دلیل نیکوئی حال اینچنان بود و اگر بنید که باد ستاروی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی
 و منفعتش بیشتر کرد و اگر بنید که دستار از وی بقیقتا دو ضایع شد دلیل بر نقصان دین و بجز ممتی او باشد کرمانی
 رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود دزدیده بنید دلیل بر نقصان قدر و جاه او بود و اگر بنید که دستار می پیچیده خوب
 داشت دلیل باصحاب دین و دنیا ساز کاری کند و اگر بنید که دستار طراز داشت دلیل که در میان سفر و مردم شهر کرد
 و اگر بنید که دستار و جامه اش جلد سبز بود دلیل که بشهادت از دنیا برود و مغربی رحمة الله علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر
 باشد عز و جاهش بیشتر بود و اگر بنید که دستار خورد چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر دستار سرخ بنید دلیل
 که بر کسی تم کند و اگر زرد بنید دلیل که بیمار شود و اگر کبود بنید دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سیاه بنید دلیل که زبان و دهنش بنید
 مکر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار ابریشمین بنید دلیل که مصف و دوا کرد و مردم او را عز و دارند و اگر بنید که دستار از
 پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و ستار ابریشمین دلیل بر فساد دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار خوب
 بر منفعت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و ستار حامی و در حرف بیم بمان
 کینم انشاء الله تعالی و دست آس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس در خواب از فکر رستن بود و اگر بنید که دست
 آس داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آس دستش ملاک شود
 یا در محنت افتد و اگر بنید که سنگ آس دست بدزدید دلیل که بیمار شود و اگر بنید که آبس دست خدا و غیره خورد و دیگر دلیل
 بر خصومت بود و دست و انبیا علیهم السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود

و اگر بنید که دست راست وی دراز شد دلیل که کار بر اویش یا انباشش میجو کرد و اگر بنید که هر دو دستش باز گشته شده دلیل که بر او رو
 خواهر از وی روی بگردانند و اگر بنید که هر دو دستش کوتاه شد دلیل که قطع از برادر و خواهر باز گیرد و اگر بنید که هر دو دستش بریده و
 افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بر زندگی از وی جدا شوند و اگر بنید که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم
 خورد و اگر بنید که میان کوهی بود و دست میزدند دلیل که در آنجا عروسی کند و اگر بنید که تنهها دست میزد و شادی میکرد و دلیل
 غم و اندوه بود و اگر بنید که قاضی یا سلطان دست راست او بر بریدند بقول ابن سیرین رحمه الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندان
 ببرد و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب مراد خود بازماند و اگر بنید که یک دست از دست دیگر پوست باز میکرد و دلیل که بر کسان
 خود ظلم و بیاد کند و اگر بنید که دست خود را بکار میبرد دلیل که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود و قوله تعالی فقط صحن
 اید یا من و اگر بنید که کف دستها بر یکدیگر میسوید دلیل که خویشی بکجاست آورد و اگر بنید که یکی دستش بر بریدند و او را بر او گردند دلیل که امیران
 آن موضع مغرور گردند و اگر بنید که مانند چهارپای بچهار دست و پای میرفت و باز که روی با سنان داشت دلیل که از روی محال
 جوید و بدستواری بر آید و اگر بنید که دست وی مادر را در خشک بود دلیل که از حقه دادن و کار خیر فراماند کرمانی علیه الرحمه کوید و اگر بنید که
 دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که تلاش بر تعلیم علم و دانش بود و اگر بنید که دستش بریده بود و دانه است که دست راست یا
 دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بنید که چون دستش بریده شد و قرآن میخواند دلیل که دستش از مصیبت باز دارد
 و معتبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز کرد و عصبان را ترک کردن و بکار خیر مشغول بودن و اگر بنید که دست راست او از
 بر کتفهای بریده اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دیانت بود و مغروری رحمه الله علیه کوید و اگر بنید که دست خویش چون چمبر درون
 کرده بود دلیل که بر گردان نیک و نماز و طاعت و حج و غزاکردن و کردار نیک بجای آوردن بود و اگر بنید که دست راست او بریدند
 دلیل که سوزند بر رخ خورد و اگر بنید که دست از تن وی تحویل کرد برترین پادشاهی وقت اگر آن پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و
 صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و بدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بنید که یک دست وی از دست دیگر درازتر
 شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بآید و اگر بنید که بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد ماند و معتبران گویند که از خویشان
 منقعت یابد و اگر بنید که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او میگذشت و اگر بنید که از بر دو دست خود مراد بر دست
 داشت دلیل که کلمه قرآن بظاهر بخواند اسمعیل است رحمه الله علیه کوید و اگر بنید که دستش چون دست سلطان شده بود دلیل که بزرگی
 و پادشاهی یابد و اگر بنید که دست راست او زیرین شده بود دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بنید که دست خود با شنان و
 صابون می شست دلیل که نا امید شود و اگر بنید که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست
 بر شد یا از دست راست بر آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور
 تاول بد باشد دلیل که بر صغیری شکستند و اگر بنید که دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بنید که دست وی در دست گرفت
 یا دست در گردن او زد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بنید که دست مشترکی در تنه یا یکدلیل که آن مشترک

این آیه
 در سوره یوسف
 بسیار و مانع است

خین

شستن
دست و روی

و شین

و شین

و شین

و شین

و شین

بدست وی مسلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر دوم خواهر سوم نایز چهارم
 دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم پیشه و صنعت و دست
 اور بخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دست اور بخن در خواب زانرا شوهر بود و مردانرا غم و اندوه بود و اگر بنید که
 دست اور بخن سیمین داشت دلیل که اندوهش کمتر بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی دست اور بخن بدو داد دلیل که
 او را فرزندی آید یا بروری و اگر این خواب زنی بنید دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بنید که هر دو
 دست اور بخن داشت دلیل که او را مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست اور بخن در خواب بر پنج وجه
 بود یکی ریاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست و روی شستن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که دست و روی آب صافی آبست دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد بود وامش گذارده شود
 و اگر بنید که دست و روی ناسته نمازی گذارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد در دینش برود مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که هر دو دست و روی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بنید که دست و روی می شست و او را حدی
 بدید آمد و دوشویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بنید که او را حدیث افتاد و یک دست و روی شست و نماز
 آغاز کرد و اما نماز تمام نکرد دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که کسی دست و روی او را شست
 و او را مال در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید و ستینه در خواب مردانرا بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 دستینه از آهین در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود و در دشمن ظفر یابد خاصه که دستینه از پولاد بود و اگر دستینه از زین
 یا سیمین باشد تا ویش چون دست اور بخن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب بر سه وجه بود یکی قوت و توانائی
 دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی و شستن اگر بخواب بنید که او بر دشمن غلبه کرد دلیل که مرادش حاصل آید و اگر
 دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که دشمن او را بخورد دلیل که در بلا و مصیبت افتد و بایک کردن تا بلا دفع
 شود حضرت صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی لشکر کار نام دوم غم و اندوه سوم خسران مال
 و شناسام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را حال نیکو بود و اگر کس بر دشنام
 دهنده ظفر یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را دشنام داد دلیل که آنکس بروی چیره و کامگار شود و عاگردن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دعا کردن در خواب روانی حاجت بود و اگر بنید که خود را دعا کرد و او را دشمنش میخواست دلیل که خانه و کارش
 بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بنید که مصلحتی را دعا کرد دلیل که ظلم و فساد مکرر آید و امر معروف بجای آورد و اگر بنید که ظلم را دعا میکرد دلیل که بخیر
 خلق بود و حاجتهای وی روا گردد و اگر بنید که ناخاص میخواند دلیل که فرزندش آید و قوله تعالی اذ نادى ربه ندا خفيا کرمانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و یا بر او دلیل که محتاجی آید او را بامر زود حاجت وی روا گردد و اگر بنید که آن خواب فسد بود و او را توبه
 دهنده و اگر کافر بود اسلام آورد و زدن ابن سیرین رضی الله عنه گوید زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است

والرئید که دف نیز دلیل که تبرک کار صلاح کند کرامی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که دف زداستاد و دلیل که زنی بیک در
 بخوابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کینه زنی نشود بهتر بود و اگر از مردی نشود
 دولت و بندگی یا بد و چون از جوانی نشود دلیل ظاهر شدن کار با بود و لالی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم که در نیک چهارم امر
 معروف بجای آوردن و دلال مروی بود که راههای مردمان باشد بخیر و اگر کسی خواب ببیند که دلالی میکند دلیل که راه
 خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود که بالا ذکر رفته است اول بد آنکه دل پادشاه
 شهرت است و تن بفرمان او قائم است و دل خزانه عقل است و در نهان و آشکارا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دل خواب
 دیدن جمع کردن مال است که بوی رسد و اگر ببیند که دل بیرون از تن وی بود دلیل بر صلاح و نگوئی بود قوله تعالی حتی اذا
 فرغ عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربنا قال الحق اگر ببیند که دل وی تنگ شد دلیل که کار با بر وی دشوار شود و اگر ببیند
 که دل او شادمان بود دلیل که کار با بر وی کشاو کرد و اگر دل را فرو بسته ببیند دلیل که از گناه توبه باید کرد قوله تعالی اخذ
 بیتون القرآن اعلیٰ قلوبها اذقها لعلها اکر دل را بدست نهاده ببیند دلیل که بیمار کرد و اگر ببیند که دل بهر دوست
 گرفته بود دلیل که کار با می وی بر آید کرامی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دلش در دیگر دلیل که مالش زیاده کرد و اگر ببیند که چشمهای دل وی کشاو
 دل که بجای می هر دو جهان را غلبه جویس بود و اگر ببیند که از دل می خون بیرون می آید دلیل که از کار ناگرددنی توبه کند و بخوابد یا زنی باز کرد و اگر
 ببیند که از دل می صفر بیرون آید دلیل که بیمار شود و اگر ببیند که دل می خشکی رسید دلیل که بنیم شود و اگر ببیند که زنی می که بیرون آمدن کوهر از زمین
 افکند دلیل که کافر کرد و اگر ببیند که کوهر از زمین بر گرفت و بخورد دلیل که بازمسلمان کرد و اگر ببیند که کوهر از دل بر آرد و در او وارد شد
 و در او بر زمین ریخت و کوهر فرو خورد دلیل که تبرک بنج نماز بگوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دل او پاره پاره شد دلیل که دل را بهر
 محال مشغول گرداند و اگر ببیند که دل وی روشن و منور بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر ببیند که دلش تاریک بود و او را طیش بخلاف این بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دل در خواب برده و جبه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم
 حرص هفتم قوت هشتم قدرت نهم شهوت دهم نهان داشتن احوال خویشتن و بنال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که چون
 اسب و خر و گاو دم داشت دلیل که مالش زیاده کرد و در زندگانی او راحت کرد و اما در راه دین مست بود و اگر ببیند که دم او چون دم
 سگ یا چون دم کرک یا شغال بود دلیل مال حرام یا بد مردم او را اطمینان کند و اگر ببیند که در دست دم اسب یا گاو یا خر داشت
 دلیل که بقدر آن مال نعمت یابد و اگر ببیند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت او حرام بود دلیل که مال حرام یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 و بنال خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بیع دوم باران سوم مال حرام رحت و عیش و نبل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که
 و نبل داشت دلیل که مالش زیاده شود و بقدر نبل و اگر ببیند که نبل می بشکافت و خون آید دلیل که چیزی از مال می تلف شود و مغربی
 رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که از نبل خون در نیم می آید و می بکشد دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر ببیند که در وید نبل نهاد و جامه

در کتاب

من

این آیه
 در سوره سبأ
 سیاره و مشتری
 در سوره صافات
 سیاره جم

در کتاب

در کتاب

تبیان
درین

از خون پشت دلیل که از حرام توبه کند و منیم ابن سیرین رحمه الله علیه گویند بنده در خواب بدره مال بود که یکی نمیدارد و یا مال زن
بود بر قیاس زیادت و یکی او را که نمیداند بنده خام میخورد دلیل که مال شبهه خورد و اگر نمیداند بنده نیمه میخورد دلیل که دشمنش از مال
وی بخورد و کرمانی علیه الرحمه گوید اگر نمیداند و چون کوفته بنده بود دلیل که او را فرزند آید که خداوند دولت و اقبال بود و
روزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گویند بنده در خواب دیدن بدره زر بود و دندان
در خواب دیدن اهل خاندان بود دندانهای بالا دلیل بر برزیه بود و دندانهای زیرین دلیل بر مادیته بود و دندانهای پیشین
دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود و مادر و دندانهای که بر جنب آن باشند دلیل بر غم و غمزدگان بود و دندانهای
پسین دلیل بر خوششان دور بود و سفیدی و پاکیزگی دندان دلیل بر قوت و جاه اهل بیت بود و بعضی میگویند که دندانهای
پیشین آنچه از سوی راست است دلیل بر پدر و خوششان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خوششان مادر بود
و اگر نمیداند دندانهای پیشین وی میجنبند دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی بیا که دو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب
بیند که دندان پیشین او بر کف دست یا بر کنار یا بر زمین افتاد و خجاک آلوده نکشت دلیل که او را فرزند آید یا برادر وی یا خواهر وی
بیند که دندان وی در خاک افتاد یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر نمیداند دندان وی شکست یا بوسید
دلیل از اینها که گفتیم یکی را آفتی رسد و اگر نمیداند دندان پیشین او کوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر نمیداند
از دندان یکی بکشد یا دلیل که آن جماعت او را سختی زشت بگویند و از وی مفارقت جویند و اگر نمیداند دندان پیشین وی زرد
شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در غمی و راحت باشد و اگر نمیداند و در جنب دندان او دیگر برست اگر از زیر بود دلیل که او را آخری
آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر نمیداند دندان پیشین خود بر کند دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر
بیند که جمله دندان بنفثا دور در حال پدید شد دلیل بر هلاک اهل خاندان او باشد و اگر نمیداند دندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد
دلیل که اهل خاندانش بسیار کردند و اگر نمیداند همه دندان او از سوی زیر بود و اگر نمیداند خواب اهل صلاح بود دلیل بر خیر و نیکی
او بود و اگر از اهل شر بود دلیل بر شر و فساد او بود و اگر نمیداند دندانهای از سیم بود یا از آبکینه بود یا از سفال دلیل بر هلاک او
و مهران گویند که افتادن دندان گذاردن و ام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت کند کرمانی رحمه الله علیه گویند دندان بالا که در مقابل
چشم است دلیل بر برزیه کند و دندان زیر دلیل بر مادیته کند و اگر نمیداند جمله دندانهاش در کنار افتاد و جمله در کف دست بگرفت دلیل
خوشان خود را جمع کند و گذارد که از وی جدا شوند و اگر نمیداند دندانهای بوی خوش می آید دلیل که خوشبختی نشنا گویند و اگر بخلاف
بیند دلیل که غیبت وی کند و اگر نمیداند دندانهاش در میگرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر نمیداند دندانهاش زرد بود
آنکس که بدان منسوب بود بیا که رد و اگر نمیداند دندانهای او سیاه شد دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر نمیداند دندانهاش
افتاده بود و زکوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز کرد و چنانکه همه خوششان خود بگویند مغربی رحمه الله علیه گویند که
اگر دندان وی در میگرد و دست خود بر کند و بهر دو دست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد و اگر نمیداند دندان

دندان خون آلود بستر گرفت دلیل منفعت او را بود که دندان بر گرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بنید که بعضی از دندانها پدید
 شد دلیل که بعضی از ایشان لغزیت روند و سلامت باز آیند و اگر بنید که همه دندانهای او در میان زبان جمع شدند و دیگر هر
 دندان بجای خود باز شد دلیل که از ایشان تشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب برشش و جو بوی
 اهل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و هفتم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دندان در
 خواب کلید کارها و خاتمه کاروی و هر چه از دندان بیرون آید دلیل بر جوهر و کلام بود اگر نیک باشد و اگر بد باشد آنچه درین
 بود دنیاوی بود و اگر آن بکر است در دندان بود دلیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دندان شیرین بود و آبسانی
 فرورود دلیل بر معیشت و راحت و عیش بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دندان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک
 شود و اگر بنید که دندان از آرد و جو یا کند امکنده بود دلیل که جلش نزدیک آمده باشد و اگر بنید که دندان او فراخ شد
 چنانکه طعام بسیار در او کجید دلیل که بقدر آن او نعمت و روزی برسد و اگر بنید که دندان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو
 نشود و اگر بنید که گوشت دندان او بقیاد دلیل که ویرانیایی رسد و اگر بنید که از دندان خون بیرون آمد دلیل که با کسی
 گفتگوی کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از دندان کرم یا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال او
 جدا شود و اگر بنید که از دندان وی پلیدی بیرون آمد دلیل که هر چه بجائی برده باشد سبب منت نهادن باطل شود و اگر
 بنید که از دندان وی مردار بیرون می افتاد و مردم بر میکشیدند دلیل که مردم از علم وی بهره یابند و اگر بنید که از دندان خود
 پلیدی می انداخت و مردم از آن می ترسیدند دلیل که شاعر بود و مردم را بگوید و اگر بنید که کسی در دندان وی مهر نهاد و دست
 که بستی دلیل که رسوا شود و قوله تعالی **الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَوْجُهَهُمْ** حافط معبر رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که چیزی خوب از دندان وی بیرون آمد دلیل که سخنی گویند که معنی دارد و اگر بخلاف این بنید تا ویش بخلاف این بود و اگر
 بنید که چیزی در دندان نهاد و آن چیزی نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب برشش
 و جو بود یکی منزل دوم خزانه سوم کشایش کارها چهارم مال پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان دلیل زدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دهن زدن در خواب کلام باطل و خبر مکرده و دروغ و کارهای پید و روشن بود و تاویلین جمله ننده دل پدید باشد اگر
 بنید که با دهن نامی زود و پای کوفتند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که دهن تنهایی زود دلیل که کلام باطل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 دهن زدن در خواب خبرهای مختلف بود و در آن هیچ فایده نبود و دلیر کرمانی رحمه الله علیه گوید دهن زدن در خانه خادم بود و اگر بنید که
 دهن زدن آبادان بود و نیکو بود دلیل بر ندرستی بود و نظام خادم خانه بود و اگر بنید که دهن زدن است تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که دهن زدن را دیوار زشت و کل بود دلیل که اگر زشت و کل بود خادم خانه منفرد و بدین بود و دوال
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بنید دوال را دلیل بر خیر و منفعت بود و بقدر قیمت آن جانور دوال از پورتی بود و باید و اگر بنید که
 دوال پاره پاره کرد یا ضایع شد دلیل که بقدر آن مصرت بنید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دوال بسیار داشت آن دوالها

وین

این آیه در سوره ایش بسیار آمده و مالی

تجربین

وین

دول

دوخت

دو

دوخت

از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال باشد دلیل که مال حلال باید و اگر بخلاف این بنید دلیل که مال حرام باید و وضوح
جامه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب بنید که جامه خود میدوخت دلیل که کارش ببرد شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه
عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بنید که جامه زنی بکانه میدوخت دلیل که غمی و زبانی بدورسد و اگر بنید که جامه مردی
میدوخت دلیل که خیر و نیکی بنید و اگر بنید که سوزن و در دست و جامه تمام دوخت دلیل هر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بنید که
جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش و فراخ کرد و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بنید
که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار بود و اگر بنید که شلوار بدوخت و نیفته آن تمام کرد دلیل که
زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بنید که قبا بدوخت دلیل که بخدمتی مشغول گردد و اگر بنید که جامه عیال میدوخت
دلیل که بکج تنگدلی عیال در مانده شود و اگر بنید که از بهر جامه رشته میافت دلیل که عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بنید که از
بهر عیال خود جامه ایر شمعین دوخت دلیل که غمگین گردد و بهت کنای اندوه یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درزی در
خواب کسی بود که کالای پراگنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و دو دو خواب
پادشاه بنگر بود و اگر بنید که از جانب مشرق یا مغرب دو دو غنیمت بود دلیل که مردم آن دیار از دست پادشاه جو رو تم کشند و
اگر بنید که دو دو در عالم برخاسته بود و آتش زبانه میزد دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بنید که در شهری یار
و لایستی بی آنکه آتش بود و دو دو دلیل که آن موضع را از حق سجان و تعالی بیم بود و اگر بنید که از خانه یا از دکان وی دو دو می آمد
دلیل که پادشاه ظالم او را مصرت یا مصادره کند و مال وی بزرگستاند و وزخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و اگر بنید که
در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بدکردار باشد و بایر کردن و اگر دوزخ را دید و از آن گزند یی بوی نرسید
دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بنید که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت دلیل که پیوسته
در دنیا در پی روزی بود و اگر بنید که طعام و شراب با دل دوزخ میخورد و در آتش می سوخت دلیل که در دنیا کردار بد کند و در آخرت
و مال بود و اگر بنید که رشته از نومی پشیمانی او گرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بنید خواب علامت بختی باشد که مانی رحمه الله علیه گوید و اگر خود را
در دوزخ بنید دلیل که بر کناه کردن دلیر بود و اگر بنید که از زقوم و جیم خورد دلیل که تعلبی باطل چپول شغول گردد و اگر بنید که شمشیر بر کشید و در دوزخ
رفت دلیل که سخن خش و نگر گوید و اگر بنید که در دوزخ چیری میخورد دلیل که مال ملتیم در باغورد و اگر بنید که نزدیک دوزخ آتش
می افزود دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بخواب بنید که او را کشتان بد دوزخ میبردند
دلیل که عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مس سقر و اگر بنید که
بد دوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهایی که کرده باشد توبه کند و اگر بنید که او را در دوزخ می بردند و فریاد
نمی توانست کرد دلیل که بکفر بود قوله تعالی قال اخسوا فیها و لا تکلمون و اگر بنید که بانگ از دوزخ می شنید
دلیل که هیت و سیاست پادشاه بدورسد و اگر بنید که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان

بروی تنک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دوزخ در خواب برنش و چه بود یکی خشم حق تعالی دوم بملای کناه سوم جور سلطان
 چهارم تاشتم مصیبت در رخ ووشاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ووشاب در خواب مال و نعمت بود ولیکن زیبا
 و اگر بنید که ووشاب میخورد دلیل که بقدر آن اور مال حاصل کرد و اگر بنید که ووشاب می ساخت دلیل که کاری کند که از آن منفعتی
 یابد و اگر بنید که ووشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ووشاب سپید و پاکیزه
 میخورد دلیل که اور از زندی خوبصورت آید و ووشاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ووشاب در خواب زینت مرد بود و
 اگر بنید که ووشاب راست او ضعیف شد یا شکسته بود تا ویش بخلاف این بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ووشاب وی قوی و
 درست بود دلیل که امانتی در گردن وی بود و حال یابد از جانی که امید ندارد و ووشاب کی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که ووشاب کی زنی بکاح بسته دلیل که مال حرام یابد اگر زنی ووشاب نباشد و در خواب بنید که ووشاب است دلیل بر سترو
 عفت وی بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر مردی بنید که ووشاب کی بسته دلیل که در آن سال زن خواهد یا کینز کی خرد و ووشاب
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چرخیدن دوزخ در خواب غم داند و بود و خوردنش بهاری و معتبر آن گویند که خوردن دوزخ ووشاب
 مال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند و اگر بنید که دوزخ بجسی دود دلیل که آنکس غنا کند و ووشاب ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بنید که دکان را خواب کرد دلیل که زنا طلاق
 دهد و اگر بنید که دکان بنیفا د دلیل که زنش بمیرد و اگر بنید که بهر خنای خداوند دکان دارد و دکان نشست دلیل که بسال
 مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب برنش و چه بود یکی زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم
 مگبونی پنجم بلندی ششم چون دکان نو بود و مرتب باشد و ووشاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ووشاب در خواب دلیل
 بر دختر بود و اگر مردی بنید که دو کی فرا گرفت و در وی دومه دوش بود دلیل که دختر بشود هر دو و اگر بنید که دو کی وی
 شکست دلیل که دختر یا خواهر بمیرد که رانی رحمه الله علیه گوید ووشاب مردی مسافر بود اگر زنی بنید که دو کی فرا گرفت یا کسی
 بوی داد دلیل که مردی مسافر را شوی کند و اگر بنید که مهره از دوک وی بنیفا د دلیل که مهرش از شوهر بریده شود و مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر مردی بنید که دوک میرشت دلیل که اند و کین شود و اگر این خواب زن بنید دلیل که بهیم کرد و نیز گویند که دوک دلاله بود و ووشاب
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و ووشاب در خواب خزانه بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بنید که دولا بی می ساخت اگر از اهل آن
 بود دلیل که خزانه از خانه او بسازند یا از اهل آن باشد که خزانه خوب سازد و اگر بنید که پادشاهی یا بزرگی وی را دولا بی داد
 دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بدو سپارد و اگر بنید که از دولا آب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دار اورا
 منفعت رسد و لو که رانی رحمه الله علیه گوید و لو در خواب مردی بود که مالها را شناخته بیرون آورد و اگر بنید که
 و لو پر آب کرد یا بدو آب میخشد دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد و اگر بنید که و لو پر آب صافی داشت
 با کسی بوی داد و دلیل که اورا مالی آسان بدست آید و اگر بنید که بدو آب از جوی بر میگرفت دلیل که بقدر آن مال یابد

ووشاب

ووشاب

ووشاب

دوزخ

ووشاب

ووشاب

ووشاب

ووشاب

دوات

دویدن

دیک

دیک

دیک

دیک

و آن مال بگرد و حیلست بدست آورد و اگر بنید که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بخیری خرج کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 اگر بنید که دوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی مال در دوشی کند و از وی منفعت یابد دوات ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دواتی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی از خویشان خویش خصومت کند و اگر بنید که بدوات
 می نشست دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بنید که دوات بشکست یا بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که زن شود و اگر بنید
 بخوابد و اگر بنید که بقلیم سپاهی در دوات میگرد و دلیل که او را فرزند می زنند بشود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دوات زین
 بود و دلیل که متفکّر شود و اگر بنید که دوات سیمین بود و دلیل که زن خواهد یا کینه می خورد و اگر بنید که دوات او برنجین بود و دلیل که
 منفعت یابد و اگر دوات آهنگین بود و دلیل که در کاره قوت یابد و اگر دوات مسین بود و دلیل که چیزی کمتر بوی رسد
 و ویدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که میدوید یا ستور میدوید و ایند دلیل که بسفر رود و هر چند و ویدن او
 بلند تر بود و سفرش دور تر بود و اگر بنید که با سیب یا لالی سوار بود و میدوید و ایند دلیل که با عیال بسفر رود و مال یابد و بخیر می
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در دویدن بر کسی سبق گرفت دلیل که بجز مال از وی سبق گیرد و اگر بنید که در دویدن مانده شد
 و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک کند و قانع گردد و ویدا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ویدا خواب خیر و صلاح این
 جهانی بود و اگر زمان بنید بهتر بود و اگر مردی بنید که قبا و دیا و پرنیان پوشیده بود و غر کرد و دلیل که غر و جاه یابد و درین
 دنیا مغربی علیه الرحمه گوید اگر زنی بنید که جبه و لباجه اطلس سبز پوشیده بود و دلیل که آن زن دین دارد و با دیانت بود و اگر بنید که
 اطلس سفید پوشیده بود و دلیل بر پارسائی او کند و اگر اطلس کبود بود و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بنید که اطلس سیاه بود
 دلیل که اندوگین گردد و ویدا باف و خواب مردی ساز بود با صلاح دنیا و فساد دین و تا ویدل پرنیان چون تا ویدل با
 بود و یک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید یک نود و خواب زن بود و معتبر آن گویند که یک که خدای خانه بود و اگر
 بخواب بنید که یک فر گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد و خوردنی می ریخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت
 بدو رسد و اگر بنید که یک مسین یا دیک سنگین داشت دلیل که بقدر قیمت دیک فایده یابد و اگر دیک سفالین بود و دلیل که گای
 کند که بدان کار از منتهی خانه چیزی بوی رسد و اگر دیک بر آتش نهاد و دوری هیچ طعام نبود و دلیل که مرد و یا بکاری بدارد که
 در آن کار او اگر است باشد که مانی رحمه الله علیه گوید یک در خواب که خدای خانه یا یکد بانو بود و اگر بنید که در دیک گوشت و
 خوردنی بود دلیل که روزی بهیچ بوی رسد و اگر بنید که دیک وی شکست دلیل که خدا و کد بانو هر دو بمیرند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید ویدن دیک در خواب بر پنج وجه بود یکی که خدای خانه دوم که بانو سوم رئیس چهارم خادم پنجم مکل و ششم و یکم آن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ویکم در خواب بر دو وجه بود یکی که خدا دوم که بانو اگر خواب بنید که دیکدانی فر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بانو می بخازد
 و اگر زنی بنید که دیکم آن شکست دلیل که خدای خانه بمیرد مغربی گوید ویکم آن که خدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی اندیشد و شمار دنیا را علیه
 گوید اگر بنید و در دست دنیا داشت که بعد و پیش از چهار بود و دلیل که او اگر است بر دین می شود که ویران شود و اگر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید

بناشد قوله تعالى إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذْ أَمَسُّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ لَيَذَكَّرُنَّ أَفَإِذَا أَهْمُ مُصِيقُونَ وَكَرْبِيْدٌ كَرْدُ
 واورا غلبه كرد دليل كرين دى درست باشد و اگر خلاف اين بود دليل كرين نصف دين باشد كرامى رحمه الله عليه كويد اگر ديور لخرم بنيد
 دليل كرين به او شبهت مشغول كرد و اگر ديور غمگين بنيد دليل كرين عبادت و صلاح دين مشغول كرد و اگر بنيد كه ديور جامه ارتق
 دى كرشد كرامى بود دليل كرين عمل معزول كرد و اگر اين خواب بتهانى بنيد دليل كرين او امرت ريد مغربى رحمه الله عليه كويد اگر بنيد
 كه ديور از پي او فرزند دليل كرين دشمن بوى ظفر يابد و اگر بنيد كه او بدست ديور ايسر شد و او را بر دليلى كه بر سوانى مشهور كرد
 و اگر بنيد كه با ديور صحبت كرد دليل كرين كناهى بزرگ از دى صادر شود و اگر بنيد كه با ديور گفتگو ميكرد دليل كرين با دشمن با صلاح كى
 شود و از دى تعالى اجل و علامه او ايشان بد بقره تعالى إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَكِنْ
 يَصْنَعُهُمُ الشَّيْطَانُ الْأَلْوَانِ اللَّهُ أَسْمِعِلْ شَحْتِ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ كويد اگر خواب بنيد كه با ديور طعام و شراب مينجور و دليل كرين راه قس و
 فساد و ايد و مطاوعت ديور كند و اگر بخلاف اين بنيد دليل كرين براه خير و صلاح باشد و قانع راه دين بود و اگر بنيد كه ديور را گرفت
 يا در شكم ديور رفت دليل كرين از راه فساد و رشود و توبه كند و مطاعت مشغول كرد و جعفر صادق رضى الله عنه كويد ديور
 خواب بر شش وجه بود يكى ديور دشمن دوم فساد سوم شهوت و مصيبت و هوى نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم
 از اهل خير و صلاح دورى جتن ششم چيز ناي حرام ديور انكى ابن سيرين رحمه الله عليه كويد ديور انكى در خواب مال حرام بود
 بر بنيد خواب بقدر ديور انكى كرامى رحمه الله عليه كويد اگر بنيد كه ديوانه بود دليل كرين كرام افتد و ربا خور دى تعالى إِنَّ
 يَكُونُ الْوَبْوَالِ يَقْوَمُونَ إِلَّا مَا يَقْوَمُ الَّذِي يَنْجِبُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ مغربى رحمه الله عليه كويد اگر بنيد كه با

نجمى

ديوانه هم صحبت بود دليل كرين با ديورى ربا خور مفسد مصاحب كرد و او را ملامت و بدنامى حاصل كرد و حرف الدال
 نو كروا نياى عليه السلام كويد قضيبت در خواب فرزندى مبارك و نام آور باشد و اگر كسى خواب بنيد كه او را دو قضيبت بود دليل
 كه او را فرزند بود و هم بزرگى ميان مردم يابد و اگر بنيد كه قضيبت وى بر بده شد دليل كرين فرزندش ميرد و اگر بنيد كه قضيبت وى خود ميرد
 دليل كرين فرزندش نباشد و اگر بنيد كه قضيبت وى ست شد دليل كرين فرزندش بپارشد و ابن سيرين رحمه الله عليه كويد بزرگى قضيبت
 دليل بر بسيارى فرزند و نام آورى بود و كوكبى قضيبت بخلاف اين بود و اگر بنيد كه قضيبت وى چون قضيبتهاى ديكر مانند شاهنا
 پديد آمد دليل بر بسيارى فرزند و فرزند از دكان باشد و اگر بنيد كه از قضيبت وى ماهى بيرون آمد دليل كرين او را دخترى
 آيد از نيكه آن زن از كنار دريائى مشرق باشد و اگر بنيد كه از قضيبت وى كره بيرون آمد دليل كرين او را فرزندى دوز و زهرين
 پديد آيد و اگر بنيد كه از قضيبت او مرغى بيرون آيد و ايش از جويى مرغ باشد و اگر بنيد كه از قضيبت او موشى بيرون آيد دليل كرين او را دخترى با كاركه
 در وى خير نباشد اگر بنيد كه از قضيبت او ماري بيرون آيد دليل كرين او را فرزندى آيد كه او را دشمن باشد و اگر بنيد كه از قضيبت او كرم بيرون آيد دليل كرين
 دارد و اگر بنيد كه از قضيبت او كرم و مور بيرون آيد دليل كرين او را فرزندى آيد و در نيمت و در و مايه و ضعيف تركيب بود و اگر بنيد كه از قضيبت
 او مان بيرون آمد دليل كرين فرزند و عيال او كرسنه و تنگ دست شوند و اگر بنيد كه از قضيبت او كنجيد بيرون آمد

نور

دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر بنید که از قضیب او ریم بیرون آمد تا پیش بخلاف این بود و اگر بنید که از
 قضیب او بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خواسته باشد و اگر بنید که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و
 اگر بنید که از قضیب او آتش بیرون آمد و نیمه بطرف مشرق رفت و نیمه بطرف مغرب دلیل که او را فرزند می آید که پادشاهی مشرق
 و مغرب کند و اگر بنید که از قضیب او سرکین بیرون آمد دلیل که پیش بلوا طاعت بود و اگر بنید که قضیب وی بر خاست و سخت شد
 دلیل که سخت و اقبال او قوی گردد و اگر بنید که قضیب وی سخت و دراز شد دلیل که او را فرزند آن بسیار شود و اگر بنید که پیر
 قضیب وی پیر رسته بود دلیل که نامش در آن دیار مشهور گردد و حرمت و جاهش به فزاید و اگر بنید که بدست خود خایه
 بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بمیرد و او را فرزند دیگری آید و اگر بنید که قضیب خود در دهان کسی نهاد و کسی
 دلیل که از وی بد آن کس منفعت رسد و اگر بنید که بر قضیبش موی رسته بود دلیل که بجهت فرزندش دامن کرد و مغربی رحمه الله علیه
 اگر بنید که قضیب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب در خواب دلیل بر قوت و فراخی نعمت کند
 و اگر بنید که قضیبی بشکافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر بنید که قضیبش آماس گرفت دلیل که
 مالش زیادت شود و اگر بنید که روی بر قضیب وی زو ند دلیل بر تباهی عیش وی بود و اگر بنید که قضیب در میان بسته بود دلیل
 که گواهی که دارد و نهد و اگر بنید که زنی قضیب داشت اگر آن زن آبستن بود دلیل که پسری آرد ولیکن بمیرد و اگر آبستن نبود دلیل
 که آبستن گردد و اگر بنید که قضیب او باریک بود پنهان تاویل دارد و اگر بنید که قضیب وی برخی بریده بود دلیل که فرزندش بمیرد یا
 مال و جاه وی کم شود و اگر بنید که از سوراخ قضیب وی مروارید یا جوهری بیرون آمد دلیل که او را فرزند عالم و یار آید جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن قضیب در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم اهل خانه سوم مال چهارم عمر پنجم بزرگی ششم طلب
 حاجت هفتم جاه و حرمت و یکی حال **حرف الرابع** راز پانزدهم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راز پانزدهم در خواب در
 وقت بموقع غم و اندوه بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بنید که در پشینی که ملک او بود راز پانزدهم بسیار بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار
 شود و اسو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اسود در خواب دزد بود و اگر بنید که اسود را گرفت یا بگشت دلیل که دزد را بگیرد و بر وی
 ظفر یابد و اگر بنید که گوشت را سوخت و دریا چیزی از اندامهای وی در دست داشت دلیل که مال دزدیده از دزدستان آید و آن
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که اسود را گرفت و بگزید دلیل که بیمار گردد و عاقبت شفایابد و اگر بنید که بار اسود خنک میکرد و
 بر وی غالب آمد دلیل که بر دزد چیره گردد و او را قتل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اسود در خواب بدین بر سه وجه بود یکی در دزد دوم
 غم و اندوه سوم بیماری **رازی** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راز در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر خواب بنید که راز
 اول شکست یا بر قتل او دلیل که وی از خویشان جدا شود و بنی ضعیف گردد و بغیرت هلاک شود و اگر بنید که راز کسی بد برید و گس
 همین تاویل باشد که مالی رحمه الله علیه گوید راز راست دلیل بر خویشان پیری کند و راز چپ دلیل بر خویشان ماوری کند و اگر
 بنید که راز وی باریک شد دلیل که کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بسید که راز وی بریده شد دلیل که از خویشان

راز پانزدهم

اسود

رازی

جدائی جوید و اگر بنید که ران وی بشکست دلیل که از غمتی ذل و خواری بدورید و اگر بنید که گوشت را نهایی می افتاده بود
 دلیل که مال خویشان وی ضایع شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رانهایش بر لبیان بسته بود دلیل که از خویشان جدا نشود
 و پیوستگی بنجاح کند و اگر بنید که گوشت ران خود می خورد دلیل که بقدر آن مال خویشان بخورد حکایت چنین گویند که مردی
 پیش ابن سیرین رحمه الله علیه روایت نمود که در خواب دیدم که ران مرا سوراخ شده بود و بروی موی رسته بود کسی گفت که موی ران
 من تراش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان تو کسی وام تو را بگذارد و دهم در آن ماه کسی از خویشان
 آن شخص پیدا کند و دولت و دیار و ام بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی آنست
 دوم دوستان که برایشان اعتماد داشته بود مال چهارم خشم راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه بخواب دیدن دلیل دین و
 استقامت بود و جستن راستی در راه دین و اگر بنید که در شام راه میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بنید که روی را براه راست
 بر میری میگرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین بر میری کند و راه نماید و اگر بنید که در راه گسسته و تخریب شد دلیل که در راه دین
 یاد کار دنیا گسسته و حیران گردد و اگر بنید که در دزدان کالای او را از راه ببرند دلیل که بقدر آنچه برونند غارت کسی دیگر بگذارد
 و اگر بنید که در راهی میرفت و مانده نمی شد دلیل که حق خود بدشواری از کسی بستاند و اگر بنید که کسی او را از راه راست براه کج برد
 دلیل که بعضی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بنید که شب تاریک میرفت و راه بر او مشکل بود و کفایت آن داشت
 که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست یابد و اگر راهبانی بنید و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در وین خود
 متحیر بود و صحبت با مردمان بدین دارد و اگر بنید که راه بروی مشکل شده ندانست که گامبرد و بوقول پیامبر صلی الله علیه و سلم
 جانب دست راست گرفت دلیل که راه حق بروی پوشیده گردد و اگر بنید که قصد از راه راست بکجو میرفت دلیل که بدشمن گردد
 حیل سازد و اگر بنید که براه راست میرفت و از برای حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بحالات
 مشغول شود و بسبب معیشت خویش و اگر بنید که در راه میرفت و زنی پیشش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بکسو رفت دلیل
 که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و
 پاکدینی وی بود و اگر بنید که در راهی پوشیده بگمان میرفت دلیل که در دین بدعت آورد و یاد کار خود گسسته شود و قول تعالی
 إِنَّ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَأَتَّبِعُوهُ و اگر بنید که از راه برسد دلیل که بر خدا دین وی بود و قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهُ اَمَّا مَنِ اتَّبَعَ
 رحمه الله علیه بگذرد و در خواب لمائی بود و راه کج بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا
 دوم از مش ستم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت را نه زن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید را نه زن در خواب مردی بود که
 با مردم جنگ کند و اگر بنید که را نه زن مال می بستد دلیل که با مردمی پیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فائده یابد بقدر آنچه
 را نه زن برده باشد و اگر بنید که را نه زن بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند برون دلیل که اگر بیمار شود شفایا بد
 اگرافی علیه الرحمه گوید اگر بنید که را نه زن از وی چیزی بدزدید و دلیل که از نه زن با وی دروغ گوید و اگر بنید که را نه زن کلاه او را

۱۵

را نه زن

بر دند دلیل که مصیبتی آلوده کرد و مغرانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که رانبری کرد و کالای کسی را برود دلیل که آنکس با وی خشم گیرد
 و اگر خود راه زد و کالای کسی را برود دلیل که آنکس به او دشمنی یا بدجنسه صادق یعنی الله عنه کوید رانبری در خواب برود و برود یکی
 جنگ دوم خصومت دوام و دروغ گفتن سوم تباهی عیش و بیماری ربهما ابن سیرین رحمة الله علیه کوید ربهما در خواب بدین
 آنچه خوش طعم و خوش بوی بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر ضرر و رنج و اندوه بود و بختن رب
 در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر و منفعت بود و چون ترش بود تا ویش بخلاف این بود رباب ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید رباب در خواب دلیل بر سخن باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر خواب بنید که رباب میزد دلیل که سخن دروغ
 گوید و کسی را مدح و ستایش بر دروغ کند و اگر بنید که در پیش می رباب میزد دلیل که سخن باطل رضا دهد کرمانی رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که بار بابت جنگ و چنانچه فای بود آنچه دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بنید که رباب لشکرت یا غنای شد
 دلیل که از دروغ توبه کند و اگر بنید که رباب میزد دلیل که بمیرد یا بیماری بروی سخت شود و رخسار ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر خواب بنید که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که
 در میان مردم روشنائی کرد و اگر بنید که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تا ویش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه
 کوید رخساره در خواب آرایش مردم و که خدائی بود و اگر رخساره چسبی بنید دلیل که نقصان که خدائی بود و اگر بخلاف این
 بود دلیل نیکی که خدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی و حال و شادی مردم بود
 زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند و ابن سیرین رحمة الله علیه کوید زرد خواب دلیل بر زکی کریمه نیکو کار بود
 و اگر بنید که زردی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود در هنگام وی دلیل که زنی نیکو کار زنی کند و از خیر و منفعت یابد
 و اگر بنید که درختان زرد یا هیچ برگ نبود تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید بر که های زرد زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و
 اگر ملک او نبود تا ویش بخداوند زرد کرد جعفر صادق رضی الله عنه کوید زرد خواب دیدن بر سه وجه بود یکی زن کریمه نیکو کار
 دوم منفعت سیوم رنج و اندوه و اگر زرد خواب بنید دلیل بر بدی حال خداوند زرد بود و سنجیده ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که قیامت آتیا و صدقنا برخواست دلیل که حقتالی اجل و علی در آن دیار عدل بکسرت اند و اگر پادشاه
 آن دیار ظالم باشد دلیل که بلای و فتنی بدیشان فرستد و اگر ظالم باشد دلیل که این از این ظالمان نصرت دهد و اگر بنید که اهل آن دیار پیش
 خداستالی استاده اند دلیل که خشم خداستالی بدیشان فرستد کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که قیامت برخواست دلیل که مظلوم بر
 ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت و اندوه باشد دلیل که خلاصی یابد و اگر بنید که علامتی از علما منتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب
 از مغرب برآید یا یا چو ج یا و حال علیهم السلام پیدا شدند تا ویش اینکه توبه کند و بحق تعالی باز کرد و اگر بنید که شمار گاه رفت
 نشان غفلت باشد قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ و اگر بنید که با وی
 شمار کردند دلیل که او از زبانی رسد قوله تعالی فحاسبناها حسابا يسيرا وَعَدْنَاهُ عَذَابًا نَكِرًا و اگر بنید

سج

سج

سج

سج

سج

که در روی میکشیدند و یکی از زیادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود و توبه قلمی **فَمَنْ نَقَلَتْ مَوَازِينَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ**
الْفَائِزُونَ و اگر نمیدید وی زیادت شد دلیل که جایش در دوزخ باشد **قوله تعالى فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ** بجا
كَاوُوا آيَاتِهِ و اگر نمیدید که نام کرده بود دادند و بدست راست گرفت دلیل که بدست راست رود و امید است راه دین راست باشد
قوله تعالى وَالَّذِينَ كَفَرُوا و اگر نمیدید که نام کرده بود دادند و گرفتند که این را بخوان چون از اصل صلاح بود دلیل
که کارش نیکو کرد و اگر از اصل فساد بود کارش در خطر باشد **قوله تعالى أَقْبَلَ عَلَيْكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ لَكُمْ عَلَيْكَ حَسِبًا**
و اگر خود را بر صراط وید دلیل که بر راه راست باشد و اگر نمیدید که بر صراط توانست گذشت دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کرد تا
حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود کرد و رسن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رسن در خواب عهد و پیمان بود و اگر نمیدید دست در رسن
زده بود و از نهوا مطلق او نجات بود دلیل که بقدر بلند رسن منزلت یابد و اگر نمیدید که رسن در دست او بماند و او بقیادت دلیل که از
قدر و منزلت بقیه کمالی رحمه الله علیه گوید اگر نمیدید که رسن از آسمان او نجات بود و او دست در آن زده بود دلیل که پانی بود میان او
و حق تعالی چنانکه مثلاً اگر بار بود و بگوید اگر خدا آید چنانکه مرا شفا بخشد چنین کنم و اگر نمیدید که بر پانی ایستاده بود دلیل که در آن
پیمان بود که با وی حق سبحانه و تعالی کرده باشد و اگر نمیدید دست در رسن زده بود دلیل که دست در رسن زده باشد **قوله تعالى**
وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا یعنی اگر نمیدید که رسن پیمان بود که با حق سبحانه و تعالی کرده باشد و هم با خلق خدای و اگر نمیدید
رسن در کردن وی کرده بودند دلیل پمانی که با کسی کرده باشد و در کردار وی تاخیر میکند و اگر نمیدید که مشعید بازی میکرد دلیل که
در اعتقادش خلل بود و اگر نمیدید که از بام یا از جای بلند خود را بر سر فروخت دلیل که تبرک مقصود و حاجتی که دارد بگوید از سر جعفر
صادق رضی الله عنه که بیرون رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم روانی حاجت
رضوان بداند که رضوان در بان بهشت باشد بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نمیدید که رضوان بخواب وید دلیل که از عذاب
ایمن کرد و اگر نمیدید که رضوان در بهشت ایستاده بود دلیل که از دنیا برود و بعضی معتبران گویند که رضوان در خواب دلیل
خزینة دار سلطان بود که بوی صحبت افند زیرا که رضوان نازن بهشت است اگر نمیدید که او را رضوان یا قوت و کوه سر و مر و اید داد
دلیل که او را فرزندی آید و انا و عالم چنانکه نامش معلوم مشهور کرد و رفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نمیدید که از شهر خود
میرفت و ندانست که بجای هر دو دلیل که بجای هر دو گشته کرد و از زن و فرزندان همراه داشت دلیل که مجموع گشته و حیران کردند
اگر نمیدید که مانند اشتی میرفت دلیل که سعادت دنیا یابد و اگر نمیدید که مانند دوی میرفت دلیل که تا پیش بر باشد و اگر نمیدید که مانند کرم میرفت
تا پیش پهن بود و اگر مانند غنای شکاری میرفت دلیل بر خیر و نیک بود و اگر مانند کسی که از تار یکی بود و بر دشنامی میرفت
دلیل که از راه باطل براه حق گراید و اگر از خرابی آبادانی میرفت دلیل که از تنگی به فراخی رسد و اگر نمیدید که
از آبادانی بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود و اگر نمیدید که بجای یکاهای بد رفت بد بود و اگر بجای یکاهای نیک میرفت
دلیل بر خیر و نیک بود **رفو کردن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رفو کردن در خواب جامه را و دیگر

ب

رضوان

رفت

رفو کردن

چیز را دلیل بر جنک خصوصیت بود و اگر بنید که جامه یا مقنعه خود را زود و دلیل که او را کسی از خویشان خصوصیت افتد یا با دوستی که روی خیر نباشد کرمانی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که جامه خود را زود و دوستی که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و زود و خواب خراوند جنک و خصوصیت بود و بجهت کار خود را با صلاح آورد و از خصوصیت برادر قصص کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید پای کوفتن در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران کوبید که بیماری بود و بعضی کوبید که مردان از زنان خلاصی بود کرمانی رحمه الله علیه کوبید قصص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان از مصیبت اما صوفیان را کوبید که بسیار کنند ایشان را غم و اندوه نبود و قاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید قصص کردن در خواب غم و مصیبت بود رک کشادن ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که او را رک کشاند دلیل که از دوستی سخنی شود و یا مالش تلف شود و اگر بنید که رک کشاد و خون از وی بیرون آید دلیل که از سلطان او از جنتی رسد و اگر بنید که خون اندک بود دلیل که اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که عالمی او را رک زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد دلیل که بیماری شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسماعیل تحت رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که رک از دست راست کشاد و دلیل زیادتی مال و خواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر زیادتی مال دوستان بود و اگر بنید که معروفی او را رک کشاد از زلفش آستین نبود دلیل که آستین شود و اگر آستین بود دلیل که دختر می آرد و مغربی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که رک زد و خون از تن وی بیرون آید دلیل که او را سخنی حق کوبید جعفر صادق رضی الله عنه کوبید رک زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصوصیت چهارم از جهت مال انبازی کردن اگر بنید که رک زد و خون بیرون نیاید دلیل بر خصوصیت بود و اگر بنید که خون بیرون آمد چنانکه در تن خون نماند دلیل بر خصوصیت بود و اگر بنید که بجز احتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبران کوبید که رک زدن در خواب اگر بنید خواب مستور بود دلیل بر خجانی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شرف و فساد و کبیر که ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید رکهای در تن دلیل بر اطمینت و خویشان بود و اگر بنید که رکی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند و هر رکی که معین است که یکی تعلق دارد بر رکهای پیشانی دلیل بر بهتران کند و رکهای دست و بازو دلیل بر فرزندان و رکهای شکم دلیل بر خویشان مادر و رکهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رکهای سرین و ران دلیل بر اطمینت و زن و دوستان و رکهای ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بنید که رکهای بکشتاد و بر پهنار و دبر بریده شد یا خشک شد دلیل که از خویشان وی یکی که بدان تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معبران کوبید که غمی و اندوهی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان جدا ماند و اگر بنید که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شود و بعضی کوبید که بقدر آن خون که از وی رفته باشد مال یکی از خویشان خود تلف کند و انیال علیه السلام کوبید اگر بنید که رک قیضال بکشد دلیل که کار وی بسته گردد و

خصوصیت

سختی

سختی

اگر بنید که رک با سلیق کشاد همین تاویل دارد و چون سیال گوید که از رک من خون می آید دلیل که هر که باشد مال یا بد و اگر گوید
از دست من خون همیرفت دلیل که او از زبانی رسد و معبر باید که در لفظ کونیه خواب نگاه کند و تبسیر بر حسب لفظ او کند و اگر بنید که
رک او تهی و کبود بود دلیل که او را اندوهی رسد رکاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که رکاب از زمین جدا بود
دلیل بر فرزند یا غلام بود و اگر رکاب بازین بود دلیل فرزند می بود که در و شیخ خیانت نباشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
رکاب او از زمین بود دلیل که فرزند می خویشتن بین و تنگبر آورد و اگر بنید که رکاب همین بود دلیل که فرزند مال دنیا فرستاده شود
و اگر بنید که رکاب مسین بود یا بر بخین دلیل بر فرزند دون همت بود و اگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر رستی و پکی او را قوت
در کار دنیا بود و اگر رکاب او چین بود دلیل که فرزند او بد را می و فرومایه بود و رکاب در خواب نیکو بود زیرا که او بهتر از آن
نزدیک است زنگنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رنگ خفید خواب بدین در جامه غیر آن دلیل بر پکی دین او بود و رنگ
سرخ موانرا اگر همت در سنج بود و زنان را نیک بود و رنگ سبز زنان را دمر و از نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه
مصبیت باشد مگر کسی که پوشنده و رنگ کبود زنان را دمر و از نیک باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رنگ سبز و
سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است روایه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روایه در خواب
مردی فرمیده باشد یا زن یا کینه دروغ گو اگر بنید که روایه در بند بود دلیل که او را بامردی خصوصیت افتد و اگر بنید که
روایه می جست دلیل که از پریان ترسیده شود و اگر بنید که باروایه بازی میکرد دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف
بود که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که روایه می سانه میکرد دلیل که با کسی حیلت کند و او را بفرض بد و اگر بنید که روایه می پیش او چای پوسی
میکرد دلیل که غریبی با او در حیلت کند و پوست روایه مالی بود که بحیلت بدست آورد شیر روایه خواب خوردن دلیل شفا از
بیماری بود و نشادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و بعضی از معبران گویند که شیر روایه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که
بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید روایه در خواب دیدن زن در و عکوب باشد و اگر بنید که روایه گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی
فرمیده و دروغ زن خواهد و اگر بنید که روایه در خانه وی آمد و فرار گرفت دلیل که زنی او را بدوستدار او بود و اگر بنید که روایه
از بکر نخت دلیل که او را بکر یزد رود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روایه بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بنید که در
رود بزرگ صافی شد دلیل که بامردی بزرگ باو یانت پیوند دوازوی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که از رود بیرون آمد دلیل
که از بلا و غم رسته گردد و اگر بنید که در رودی بزرگ رفت و آبش تیره بود دلیل که بامردی بزرگ تنگ پیوندد و اگر بنید که در
آن رود غرق شد دلیل که تا مرگ از آن رستگاری یابد و انیال علیه السلام گوید رود بزرگ و زیر بود و اگر بنید که رود
بزرگ خشک شد دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رود زیادت بنید دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رود تیره
بنید دلیل که مال حرام یابد و اگر آب تلخ بود دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رود کنده بنید دلیل که بیمار گردد و اگر آب
رود سرد و خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد و اگر بنید که در جوی خون بود و میرفت دلیل که در آن

سحاب

سحاب

روایه

رود

خویش بسیار شود و اگر بنید که آب رود سفید و خوش بود دلیل که مردم عام تمای و زیر کوبند و اگر بنید که آب رود و برین
 فرو رفت و هیچ نماند دلیل بر عقوبت باشد و آن دیار قوله تعالی قل اراهم ان اصبح ما وکھ غودا فن یا نیکه جماع
 معین و اگر بنید که آب رود و در البست دلیل که از شر پادشاه و وزیر الهین کرد و اگر بنید که زیر آب غوطه مخور و دلیل که
 از رز و زیر کاه شود و اگر بنید که جامه خود را البست دلیل که او را اهل بیت او را از پادشاه و وزیر الهین بود و اگر بنید که در رود
 میرفت و جامه کوده کشت دلیل که از قبل بازار کانی غم خورد و اگر رود و جمله جواب بنید بقول کرمانی رحمه الله علیه خلیفه بود و
 همچون پادشاه خراسان بود و در و چون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی کوبند پادشاه روم بود و در
 نبل پادشاه مصر بود و در و در که پادشاه ارمنه بود و آب خوردن و شستن خود را در آن خیر و منفعت بود و بقدر آن
 آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد و اگر خود را در روی از شیر بنید دلیل که در فتنه افتد و جعفر صادق رضی الله عنه
 فرماید وین رود در خواب بر هفت وجه بود یکی حج دوم بندگی سوم پادشاهی چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم
 ظفر و علم رود بار وادی را کوبند اگر بنید که در رود باری شد دلیل که در غمی داند و پی گرفتار شود و ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر از رود باری بیرون آمد دلیل که از غم داند و بیرون آید کرمانی رحمه الله علیه گوید رود بار و در خواب حج اسلام بود و قوله
 تعالی بواذ غیو ذی ذریع عند بیتک المحرم مغربی رحمه الله علیه گوید رود بار و در خواب دلیل بر فتنه شعله بود و الشعله
 یتبهم النواون الم تراهم فی کل وادیهم و در و در ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر جواب بنید که رود و فرات
 و بخور و دلیل که از خوشی و خیر و منفعت بنید و اگر بنید که رود وادی می آید و درون پیدا شد دلیل که فرزندی از خوشی و می آید
 کرد و اگر بنید که رود کسی بخور و دلیل که بقدر آن مال کسی بخور و کرمانی رحمه الله علیه گوید آشکار شدن رود کان و در خواب
 مال نهاده بود که پیدا کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رود و از دنا نش بیرون آمد دلیل که مرکب بر فرزندانش بود و اگر بنید
 که رود کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را یا جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رود و در خواب بر شش وجه بود
 یکی مال حرام دوم سخنانی ناخوش سوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن و عیش روزها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که روز آدینه بود و در شب بود دلیل که کاری شروع کند و بیدار که در آن کار خیر است و در آن شر بود و اگر بنید که روز شنبه بود
 در روز دینه بود و بخلاف آن بود و اگر بنید که شب است و روز باشد دلیل بر نیکی باشد و اگر بنید که روز شنبه بود دلیل که دوست جهودان
 باشد و اگر شنبه بخواب بنید دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را دینه بیدار دلیل که هوا خواه اهل نعمت و توانگر باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه فرماید بهترین روزها روز آدینه بود و در شب بود و در شب بود و در شب بود و در شب بود و در شب بود
 روز ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر جواب بنید که روز میانه است و هیچ و تسلی و قرآن میخواند دلیل که از گناه و حرام توبه
 کند و اگر بنید که روز دوشنبه است و غیبت مردم میکرد و یا فحش میگفت دلیل که او طاعت بر یا میکند و در دین صادق نیست کرمانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که روز بود دلیل که برانی و طی طعام بود و بعضی کوبند که دلیل بر درستی دین بود و از غم فرج یافتن باشد و کذا و ن و ام خاصه

و در کما

و در

این آیه
 در سوره ابراهیم
 علیه السلام

و در

و در

که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید روز دوازدهم و ششم در خواب برده و جوبود یکی بزرگی دوم ریاست سوم
تن و سستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم فقره ششم نعمت ششم حج پنجم غزاه ششم سپهر ماه روز دوازدهم کثا و نافع موسی دلیل بر بیکدی
روزی حلال بود چون روزه بقصد کثا دلیل که در سفر ملا کشد یا بیاورد و اگر بنید که دوازده روزه داشت دلیل که از
کناه توبه کند و اگر بنید که روزه تلوغ میباشند دلیل که از بیماری امین کرد و اگر بنید که یکسال تمامی و پایی روزه داشت
دلیل که حج بگذارد و اگر خواب بنید که روزه عاشوراء داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و در خواب این سیرین
رحمة الله علیه کوید اگر روستا خود را در جایگاه میجوید و دلیل بر چیزی بود و اگر در جایگاه میجوید و دلیل بر نیک نباشد و اگر
خواب بنید که از روستای شهبستان رفت انشاء الله تعالی از قننه و عذاب امین کرد و کارش بنظام شود و اگر بنید که از شهر
بر روستا میرفت تاویل آن بخلاف این بود مغربی علیه الرحمه کوید اگر بنید که در روستای ملک او بود یا کسی بوی دانه بود دلیل که
بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بدو رسد و اگر روستا خواب بنید تاویش بخلاف این بود و روستای این سیرین
رحمة الله علیه کوید روستای در خواب دین بدی بود اگر بنید که روستای فرارفت یا کسی بوی دانه بود دلیل که کسی را علم دین بیاورد
و راه راست نماید و تاریکی در خواب کمای و بدینی بود قوله تعالی الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الى النور
کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که روستای بسینه و افتاده بود دلیل که پارسا و باوین بود قوله تعالی اقمین شریح الله صلوات
للاسلام فم علی النور من دینه اگر خواب بنید که پیرامین دی روستای بود دلیل بر خیر و عافیت بود جعفر صادق رضی الله عنه
و باید دیدن روستای در خواب بر چهار وجه بود یکی دین بدی دوم علم سوم راه راست چهارم اعتقاد پاک و خوش و نیال
علیه السلام کوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی کوید که میراث باشد و اگر خواب بنید که روغن کاود داشت و از آن بخور و دلیل
که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن کوید بنید بنی تاویل دارد و اما روغن کاو بهتر از روغن دینه
و روغن بادام و روغن کنجد مال و نعمت بود و روغنهای دیگر که انما یچون روغن بلسان و روغن بنفشه و روغن زیتون دلیل
که حله منفعت بود و از دهنمان و روغن زیتون منفعت باشد از عجب و روغن زکس منفعت باشد از روستا ابن سیرین رحمة الله
علیه کوید اگر خواب بنید که هم تن وی بروغن آلوده بود دلیل که بیا ر شود و اگر بنید که روغن بر سر میمالید دلیل بر آرایش
بود و اگر بنید که روغن خوشبوی بود چون بنفش و یا سمن دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنهای چون خوش بود
دلیل بر نیکی بود و اگر بوی او ناخوش و کنده بود تاویش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه کوید روغن زیت
در خواب مال و نعمت بود و اگر بنید که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد
مغربی رحمة الله علیه کوید روغن در خواب بر خود مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بنید
که روغن بینه چرب میکند دلیل که سو کند بد روغن خوردا سمعیل اشعث رحمة الله علیه کوید روغنهای تاویل بدو
مکر و روغن زیت که بخور و دلیل مال و بالیدن غم و اندوه بود و اگر بنید که جامه او بروغن آلوده شد دلیل که

توبه

توبه

این آیه
در روز هفتاین آیه
در سوره نزل
است

توبه

انده و کین کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روغن خوش بچوب برنش وجه بود یکی زن خبر روی دوم کینک سوم
شامی نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن کنده دلیل بر سه وجه بود یکی زن روی دوم منق
سیوم سخنهای زشت روناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روناس در خواب و بیدار دلیل بر آرایش دنیا بود
و خوردنش دلیل بر بخت و رنج بود و اگر بنید که جامه خود بر روناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد و راه
وین فو کند از روی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روی بچوب بنید بچال تر از آن که هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده
کرد و اگر روی خود زشت و ناخوش بنید زشتی کم کرد و اگر بانی رحمه الله علیه گوید اگر کونه روی خود سرخ و پاکیزه بنید دلیل که
روناس کرد و اگر بنید که کونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و اما الذین ابیضت وجوههم ففی همته
الله هم فیها خالدون و اگر بنید که کونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر کونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا
کرد و اگر بنید که با سیاهی روی جامه بنید پوشیده بود دلیل که او را فقر می آید قوله تعالی و اذا بدش احد هم بالافتی ظل
وجعه مسودا و هو کظیم اگر بنید که با سیاهی روی او گرد آلوده بود دلیل که شرک بود و اگر بنید که رویش خون آلوده بود
یا زرد آب از رویش می آید و او را بروی جراحت نبود دلیل که زبان مال او بود و اگر بنید که روی او کج شده بود دلیل بر تباهی حالی
بود و اگر بنید که پیش روی او خال بود دلیل که وادار شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر روی خود را بچوب بنید در آب یا در
آئینه یا کسی او را بنویسد که روی تو خوب است دلیل که کار روی نیکو شود و اگر زشت بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که روی
او سرخ بود دلیل که او را کسی مناظره افتد و خشم و خور و اگر روی خود سپید روشن بنید دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه
بنید دلیل غم داند و بود و مناظره کفر بود قوله تعالی و اما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانک و اگر بر روی خود
جراحی بنید دلیل که بقدر آن غم داند و یا بد و اگر روی خود خراشیده بنید دلیل که در کار و کد خدای وی خلل افتد و اگر خود را دوروی بنید
دلیل منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین روی در خواب بر پشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خاری و حقارت سیوم
نظام کار را چهارم دین و دینا پنجم اندوه و رسوائی ششم دام تنگم نیکوی هفتم توفیق طاعت ریگان اگر بنید که ریگان
سبز و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریگان از زمین دلیل که زمین دانه بود و ابن سیرین گوید اگر ریگان در جایگاه خود بنید دلیل
که خداوند خواب کار نمی نیکو کند و انیال گوید ریگان بچوب بدین اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب کار نمی نیکو کند و توفیق بکار خیر یا جعفر صادق
گوید بدین ریگان بچوب بر پشت وجه بود یکی زن دوم کینک سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیکو اگر بنید که در
سرانی یا باغ او ریگان بود دلیل بر خیر منفعت کند مغربی رحمه الله علیه گوید ریگان فروش در خواب بوقت خواب نجات نیکو بود
ریسمان در خواب سفر بود و اگر بنید که از پیشم یا موی ریسمان میشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال
کند و اگر ریسمان بچولا به برد تا جامه بافد دلیل که در تدریس کاری باشد که او را از آن خصومت بود و کرمانی علیه الرحمه گوید
اگر بنید که زنی مانند موی ریسمان از پیشم یا موی می رشت دلیل که او را غایبی از سفر بیاید و اگر بنید که بوقت رشتن

س

س

این آیه در سوره عمران است

این آیه در سوره نحل است

س

س

م
س
ت

ریشمان کشته شد دلیل که غایتش در سفر دیر ماند و اگر بنید که ریشمان بسیار داشت دلیل که عمرش دراز بود و بقدر ریشمان خیر و منفعت از خوشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه که دیر ریشمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر دوم مزد کار سوم عمر در چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال ر یو اسس ابن سیرین رحمه الله علیه که دیر یو اسس خواب اندوه بود بقدر خورون آن اگر بنید که ر یو اسس بنیدخت دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که ر یو اسس شیرین بود دلش که حضرت که تر بود و الله اعلم ریش ابن سیرین رحمه الله علیه که دیر ریش در خواب ریش مردم و که خدائی او باشد و در خبر آمده است که حقیقانه و تعالی را فرشته است که بشیخ او نیست سبحان من ذین الدجال بالحق والتساع بالذوات یعنی پاک است آن خدائی که بسیار است مردان را ریش و زمان را بکس و اگر بنید که ریش او دراز شد دلیل که کار که خدائی او ساخته کرد اما چون بدرازی از ناف گذشته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که ریش خود را بناخن بسیار است دلیل که خدائی خود را بسیار بنید و اگر بنید که ریش خود را خضاب کرد دلیل که حال خود را مردمان بنامید و نپوشد و اگر بنید که ریش خود بر زمین می کشید دلیل که اجلس نزدیک بود و اگر بنید که ریش او بر چیده بود دلیل که زبان مال و خواست و جاه او بود و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بر دباری و استسکی او زیاد شود لیکن غمگین شود و اگر بنید که ریش بدن می برید دلیل که اهل بیت و یارایان رسد و اگر بنید که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او از آنکه مضاجعات بهم باشد و مال و آبروش برود و اگر بنید که ریش را نشانه کرد و بخور و کلاب بر درخت دلیل که شغل کند که مردم مکر کنند مغربی رحمه الله علیه که دیر ریش او دراز شد چنانکه بر زیناف بود دلیل که مال یابد و اگر بنید که دست ریش او گرفت و پاره ریش بدست او ماند و از بنیدخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بنید که پاره ریش در چیزی نهاد و کاهشت دلیل که مال نکاهدارد و اگر بنید که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل که بنغم کرد و اگر بنید که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بهیر و اگر بنید که ریش او کنده شد دلیل که درفش بکبار برود و اگر بنید که موی سپید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سنت پیاپی صلی الله علیه و آله باشد اسمعیل اثنت رحمه الله علیه که دیر ریش او در جرم مجرم جج ستر نشیند اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بنید که سر و ریش او بسیار بستر دلیل که در حرم و آبروی او بکبار برود و اگر بنید که بی سبی اندک اندک ریش او می افتاد و نقصان در وی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بنید که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در درفش نقصان شود و اگر زنی بنید که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسد و اگر مردی بنید که او را ریش برآمد دلیل که او را هرگز فرزند نباشد و اگر فرزند آید هشتاد و هفتم و قوی کرد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش بنید دلیل که در غم و اندوه افتد و اگر بنید که ریش کی گرفت و میکشید دلیل که آنکس مال و میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ریش در خواب برده وجه بود یکی پنج دوم عروجه سیم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم ترویج هشتم مال نهم فرزند دهم کرامی شدن قوله تعالی و لقد کرمنا نبیاً آدمه اما ریش ستردن بخواب حاجیان را و زندانان را نکوبانند

یک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید یک در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بنید که در میان یک می نشیند
 که از بهر کسب شغلی مشغول کرد و بقدر کم و بیش و اگر بنید که یک می خورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت
 بنید جعفر صادق رضی الله عنه گوید یک در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سیوم منفعت چهارم رفعت لیکن
 بارخ ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که ریش وی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل که بقدر آن
 ریم او مال حاصل شود و اگر خلاف این بنید دلیل که مال او نقصان شود و اگر بنید که ریم از تن وی بیرون آمد و باز بجای میشد
 دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که ریم یکدوی خورد و دلیل که مال حرام خورد
 فی الجمله جمع شدن ریم در اندام دلیل جمع مال بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از تن وی ریم می آمد دلیل که بقدر آن
 مال او نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود دلیل که مال بود مخفی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که کله اندامهای ریش بود
 دلیل که غم و اندوه بود و یکم ابن سیرین گوید ریم در خواب مال بود بر خداوند خواب اگر بنید که از تن او ریم می آمد دلیل که مال او
 نقصان شود و اگر بنید که ریم از تن او بیرون می آمد و باز بجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود و کرانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ریم می یکدوی می خورد و ریم و سیم و آهن و غیره دلیل بر غم و اندوه بود و یونس ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که ریم بسیار داشت دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بنید که از بهر علایجی ریم خورد و از آن
 تسدرستی حاصل شد دلیل بر صحت و تسدرستی و خیر و صلاح بود و اگر خلاف این بنید دلیل بر رنج و بیماری بود و الله اعلم

حرف الزاء زن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر زنی خواب بنید که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که خیری
 بوی رسد و از خویشان خورم شود و اگر بنید که مردی پسری زاد او را و زنی استنبه بود دلیل که او را دختری آید و اگر بنید که دختری
 زاد دلیل که او را پسری آید کرانی رحمه الله علیه گوید اگر زن یا پادشاهی بنید که دختری بزاد او دلیل که شوهرش کنجی یابد و اگر بنید که
 پسری بزاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که دختری بزاد دلیل که شکست شود و اگر بنید که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود و اگر
 دختر و تنیده بنید که دختری بزاد دلیل که تاویل آزن و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر کسی خواب بنید که پسری بزاد و هم در آن
 روز با وی سخن گفت دلیل بر مرگ بنیده بود و اگر بنید که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی آید که بهتر قوم گردد
 زاع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زاع در خواب مردی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بنید که زاعی را
 بگرفت دلیل که کسی بدین پیوندد که صفت او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بنید که زاعی را بگشت
 دلیل که در آنجا زندان و فاسدان و فاسقان گرد آیند و اگر بنید که زاعی شکار کرد دلیل که از جانی باطل مال یابد کرانی
 رحمه الله علیه گوید اگر زاع را خواب بنید که نینک مندی تاویل آن باشد و زاعهای بسیار در خواب دیدن لشکر
 بود و اگر بنید که زاعی را پوست بر کند دلیل که بازنی غریب نماند و اگر بنید که زاعی را بگشت دلیل که اهل بیت او را
 مضرت رسد و اگر بنید که زاعهای بسیار در بهو می آمدند و میکند شقند دلیل که در آن دیار لشکری پدید آید بقدر

سیک

شب

سجده

سجده

زن

زاع

آن را غما مغربی رحمه الله علیه گوید که در خواب ببیند که زناغ و تذر و هر دو در شلوار بودند دلیل که با کتیک فساد کند و اگر ببیند که با
 زناغی جماعت میکرد دلیل که مردی دزد را بزند زنا که با ابن سیرین رحمه الله علیه گوید از جمله زنا که با اک سبز بستر بود و دیگر
 زنا که سپید و زنا که زرد باری بود و زنا که سیاه منیبت بود و خوردن زنا که دلیل بر برک بود و زنا که چار و غیره بدین تاویل
 باشد و در بدین زنا که هیچ منفعت نبود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زنا که در خواب بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم باری
 سیوم منیبت چهارم خصومت بسبب زنا که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند در شهری یا در مقامی زنا که بسیار دلیل
 که مردم آن شهر را از پادشاه رنج رسد و اگر ببیند که با زن یا بعد از برق و یا زنا که بود دلیل که در آنجا قتل و کشتی و مصرت بود و کرمانی
 رحمه الله علیه گوید زنا که با بازان بخواب دیدن دلیل بر نعمت و فراخی و ایمنی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنا که در خواب دیدن
 بر پنج وجه بود یکی بلا و دوم خصومت سیوم شکر چهارم قتل پنجم باری زنا که جانور است که در آب می باشد یا پرسی او را و بوجه
 گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنا که در خواب دیدن دشمن طماع بود و اگر ببیند که زنا که از اندام می یکید دلیل که دشمن بروی
 چهره کرد و بعد زخونی که خورده باشد زنا که وی نقصان شود و اگر ببیند زنا که کوی وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی
 مجالست کند و اگر ببیند که لوا از اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر باید کرد و اگر ببیند که زنا که مال را
 دیگران خورد و اگر ببیند که زنا که بسیار جمع شدند و خون وی را می یکید دلیل که مال وی نقصان شود و بقدر آن خون مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر ببیند که زنا که بر اندام وی بود و خون می یکید دلیل که از دشمن او را مصرت رسد زنا که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اصل زنا که
 در خواب معیشت بیننده خواب بود و اگر ببیند که زنا که او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی کرد و عیش بروی فراخ شود
 و اگر ببیند که زنا که او بر او میرفت دلیل که کار او ضعیف کرد و معیشت بروی تنگ شود و اگر ببیند که زنا که او قوی و ضعیف یا تنگ بود
 دلیل که کار وی تباه کرد و اگر ببیند که زنا که او قوی و ادب بود دلیل که مایه که دارد از دست او برود و کرمانی رحمه الله علیه گوید زنا که در خواب
 کسب معیشت مردم بود و اگر ببیند که زنا که او قوی و سخت و قوی کشت دلیل که کسب و معیشت وی زیادت کرد و اگر ببیند که زنا که او
 ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و قطع کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید زنا که در خواب جایگاه رنج و عذاب باشد
 و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زنا که او نبیند تا پیش چنین بود که یاد کردیم زنا که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر ببیند که زنا که با خود داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با ادب و فرنگ بود و هر دو مان مدح و شنای او میگویند و اگر ببیند که
 از آن زنا که بوی خوش می آمد دلیل که مردمان نکویش وی کنند و اگر ببیند که از آن زنا که هیچ بوی نیامد دلیل که با کسی
 نیکویی کند که از او هیچ منت ندارد و اگر ببیند که زنا که او میخورد دلیل که فرزندان وی با ادب و فرنگ باشند و جعفر صادق
 رضی الله عنه فرماید زنا که در خواب بر چهار وجه بود یکی آب دوم فرنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنا که زناش بریده شد و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت
 حجت زناش بسته شد تا پیش بخلاف این بود و اگر ببیند که زنا که زناش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زناش بوقت حجت

برکات

بیت

بیت

برون

بیت

بیت

زیادت شود و بر خشم روان گردد و ظفر یابد و اگر بنید که زبان وی دراز شد نه بجنبک دلیل که سخن گفتن دراز شود و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که دراز زبان بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بنید که زبان خود بر یقصد سخن نمک بود دلیل که گفتن باطل تو به کند و اگر بنید که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخنی گوید که حق سبحانه و تعالی اجل و علایق را رضی نباشد و اگر بنید که کسی زبان در دامن وی نهاد دلیل که او را از کسی قوی و جبری باشد در سخن و اگر بنید که زبان کسی می کشید دلیل که از آن کس علم و دانش حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که زبانش کنگ شده بود دلیل بر فساد دین و دنیا می وی بود و اگر بنید که زبان در ویشی برید دلیل که چیزی بد رویش دهد و اگر بنید که زبان زنی برید دلیل که بیشتر کند و از نشاشکارا کند و اگر بنید که زبانش بکام گرفته بود دلیل که او را در شود و انیال علیه السلام گوید اگر بنید که زبان وی قوی و طبعش دلیل که بر خشم غلبه کند و اگر بنید که زبانش ریش کشت دلیل که کسی بهتانی بند و یاد در و غلوید و اگر بنید که بر زبان وی موی برآمده بود دلیل که از سبب گفتارش در بلای افتد و اگر بنید که زبان وی آماسیده بود دلیل که سبب گفتارش مای حاصل آید اسمعیل شست رحمة الله علیه گوید اگر بنید که زبان وی دو شاخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بنید که زبان نداشت دلیل که از همه تشدها فروماند و اگر کسی بنید که سر زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست وکیل بر آید و اگر بنید که زبانش خشک شده بود دلیل که در تاول بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود یکی حکمت دوم ریاست سیوم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها و حرف سین یا و خواهم کرد و بر جلد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زبرد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بنید که زبرد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بنید که زبرد از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبرد در خواب بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سیوم منفعت زبرد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که زبرد میخواند دلیل که بخیر اند تبارک و تعالی باز کرد و دو بکار خیر رغبت نماید و اگر بنید که زبرد را بطاهر میخواند دلیل که زبرد و خیرات بر او و نفاق کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که زبرد می نوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بنید که زبرد میخواند دلیل که کار و کردار او نیکو گردد و هر چه فال گرفتن بآنک مرغان بود و اگر بنید که بآنک مرغان فال میگرفت تا ویش غرور و باطل دنیا باشد و در خواب بیداری از زله تاویل نموده بود ابن سیرین گوید اگر بنید که بآنک مرغان فال میگرفت دلیل که باطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی گوید اگر کسی بآنک مرغان فال میگرفت و اگر بنید که زخم خورد و زخم را با دست دلیل که بیمار کرد و دشمنیابد زخم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که بر تن زخم داشت و از خون پدید آمد دلیل که زخم زنده و ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بنید که از زخم او خون روان بود و اندام او آلوده شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که اندامش آلوده گشت دلیل که زنده او را بجناسی یا تهمتی متهم گرداند و اگر بنید که زخم خورد و تن او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زخم در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیر و منفعت

زبان

زبان

زبان

زخم

زوائد

سیوم نقصان مال زدن دایال علیه السلام کوید اگر بنید که اورا تا زیانه زدند چنانکه اثر زدن پدید آید یا در استخوان بستند و
 چندان زدند که خون از وی بیرون آید و پیش بد باشد این سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که اورا تا زیانه زدند دلیل
 که مالی حرام بجای او آید خاصه چون بنید که از اندامش خون آید و اندام خون آلوده گشت و اگر خستگی بر تن وی پدید آید دلیل که
 بقدر آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از مجربان گویند که جامه بپوشند که بانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که تا زیانه بر پشت وی زدند
 خون بیرون آید دلیل که آنکس مال حرام یابد و اگر بنید که بر پشت خود تا زیانه دید و ندانست که او را که دلیل که شغل دین و دنیا وی
 نیکو باشد و اگر بنید که تا زیانه بر کسی زدند چنانکه تا زیانه پاره پاره گشت دلیل که آن خاندان وی پراکنده گردند و اگر بنید
 کسی اورا تا زیانه بشمار زدند دلیل که او را غمی رسد و اگر کسی در خواب اورا تا زیانه زدند دلیل که نمکین شود و به سبب مری بر دین
 و منافق و اگر بنید که محاسب او را بدتره زدند دلیل که سلطان او را عمل دهد و کاش نیکو کرد و اگر بنید کسی او را بگوش زدند دلیل که
 از آنکس منفعت یابد و اگر بنید که کلنجی بر پشت وی زدند دلیل که کسی او را فقیحت کند و اگر بنید که طباخچر بروی وی زدند دلیل که
 از کسی سخنی زشت نشنود و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که مرده او را میزدند دلیل که در غیر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز
 یابد و اگر بنید که مرده بود او را میزدند دلیل که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زدن در خواب بر تنش و چو بود
 یکی منفعت دوم مجادله سیوم روشن شدن کاشکل چهارم سفر بچشم شرف و بزرگی ششم مال حرام ششم ابن سیرین رحمه الله
 علیه کوید زنجواب دیدن مردان را دلیل غم و اندوه بود و زنان را غمی و پسندیدگی باشد و اگر بنید که زنی یافت یا کسی
 بوی داد و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود که بانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زنی یا سیم میکند اخت دلیل که در زبان مردم
 افتد و اگر بنید که زنی میفرودست و میخورد دلیل که او را غمی و اندوهی رسد و اگر بنید که زنی بخورد و بخورده دلیل که مال یابد و اگر بنید که زنی
 میخورد و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمه الله علیه کوید زنی در خواب مردان را زدند اگر کسی زنی را زدیم بیک جا
 بهم یابد دلیل که عجز و جاه یابد و اگر کان سیم بنید دلیل که دختر بزرگی خواهد و گویند زنجواب ردی باشد و روغن زن و اگر بنید
 که پیش زنی نشست و با وی معاشرت میکرد دلیل که او را باد و غلغله سرو کار افتد زرد آلو ابن سیرین رحمه الله علیه
 کوید زرد آلو بوقت خود چون شیرین بود به زرد آلوئی که خورده باشد دلیل که بیماری حاصل کند و اگر زرد آلو ترش بود دلیل
 بیماری و غم بود و بعضی مجربان گویند که زرد آلو بخواب دیدن کینه بود یا مال که بانی علیه رحمه الله کوید اگر بنید که استخوان انگشت
 و تلخ بود دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زرد آلو بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و
 اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زرد پها ابن سیرین رحمه الله علیه کوید زرد پها در خواب دیدن بیماری
 بود از میوه و خورد و جامها زرد شک ابن سیرین رحمه الله علیه کوید زرد شک در خواب غم و اندوه بود و
 خورون آن همچنین و اگر بنید که زرد شک از روخت جمع میکرد دلیل که او را بامردی نخل خصومت افتد زرد شنبلیله ابن
 سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بخواب بنید که زرد شنبلیله میخورد دلیل که بیماری و هلاک بود و اگر بنید که زرد شنبلیله فروخت یا بکسی داد دلیل که

نوشته

زوائد

زوائد

از بیماری امین کرد و مغزنی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زرنیخ یافت دلیل که مال بسیار بدست آورد و به بیماری بخورد و اگر بنید که
 زرنیخ در جای جمع کرد دلیل که در سفر بیمار کرد و زرنیخ ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید که بنید که زرنیخ پوشیده بود و دلیل که از
 دشمن امین کرد و اگر بنید که زرنیخ ضایع شد دلیل که دشمن بروی چهره کرد و اگر بنید که کسی زرنیخ بومی داد و او پوشید دلیل که با او
 قهر کند یا بقتل کردن دشمن با وی یار کرد و در دو نصرت وی خواهد و بعضی معتبران گویند که زرنیخ حصن دین است که مالی رحمة الله
 عليه کوبید که بخواب بنید که زرنیخ داشت دلیل که او را اهل بیت او را امین بود و از دشمنان و اگر بنید که زرنیخ با سلاح پوشیده بود
 دلیل که از شر عامه و منافق امین کرد و حضرت جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که زرنیخ در خواب دیدن برش و جوب بود و یکی امینی
 از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم مال تخم زندگانی ششم بکونی و زرنیخ که در خواب مردی بود که مردمان را ادب آموزد
 زعفران ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید که کسی بخواب بنید که زعفران داشت دلیل که مردم را مدح و ثنا گوید و اگر بنید که
 زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود و کرانی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زعفران ناکوفه بود که بومی داد و دلیل که زنی
 ثواب خواهد و اگر بنید که زعفران بخوار داشت و بخورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل کرد و زعفران ابن سیرین رحمة الله
 عليه کوبید زعفران در خواب دلیل بر پادشاه آن موضع کند و اگر بنید که زعفران مطبخ او گشت دلیل که او را اعلاستی باشد و به بزرگی رسد
 و اگر این خواب زنی آبتن بنید دلیل که پسری آورد که مقرب پادشاه کرد و کرانی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زعفران از
 دست پیرد که زنی آبتن بود دلیل که فرزند مرده آورد یا از دنیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید زعفران در خواب بر
 چهار وجه بود یکی تواضع بودن دوم بزرگواری سوم فرزند چهارم مال رفعت ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید زعفران
 در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که زعفران داشت یا کسی بومی داد و دلیل که در سرخ و اندوه گرفتار آید و اگر بنید که زعفران
 میخورد دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر بنید که زعفران را بفرخت یا بکسی داد یا به نجات بیرون افکند دلیل که
 از غم و اندوه رستگاری یابد مغزنی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زعفران در جراحت نهاد و درست شد دلیل که از کسی خیر و راحت
 یابد و اگر بنید که جامه وی زعفران آلوده گشت دلیل که از بومی کاری آید که او را از آن زشتی و بدنامی حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمة الله
 عليه کوبید که بنید که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر بنید که زکوة فطر میداد دلیل که نماز و روزه و شایع زیاده کند و
 رستگاری یابد و اگر وام دارد که زاده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمنی دارد بروی ظفر یا بد کرانی رحمة الله عليه کوبید که
 بنید که زکوة مال میداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود و بقول حضرت رسول صلی الله عليه وسلم حصنوا أموالکم
 بالزکوة یعنی حصن سازید و لای خود را زکوة مال دادن مغزنی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زکوة مال میداد دلیل که برزخ و ثواب مال باشد و
 ثوابی و ما اوتیتکم من زکوة تنیدون وجه الله فاللک هم المضعفون جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که زکوة و فطر دادن خواب بر شست
 یکی از ثواب دوم خیر و برکت سوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هفتم طهر یافتن
 بدشمن زکوة ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید که زکوة در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بنید که زکوة را از کسی بستد دلیل

ز

ع

ع

ب

س

ب

که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که زنگار بر گشت نهاد و آتش نیکافروخت دلیل که یا پادشاه معاملات کند و از وی فایده یابد
 اگر مانی رحمه الله علیه بزرگوار در خواب دلیل بر آن و نحوسته بود و اگر بنید که جامه یا اندامش بزرگوار شد دلیل که او را از سلطان حضرت رسد
 و اگر بنید که زنگار میخورد دلیل که مال حرام خورد و سر انجام او را از پادشاه غم ماند و در سده گاهم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که او را
 علت و کام بود دلیل که چیزی زبانه زد و در هر چند که زکام بیشتر بود بیماری بیشتر بود که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که او را زکام بود دلیل که
 بر کسی شتم گیر و در و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب بر وجه بود یکی بیماری اندک دوم شتم گرفتن بیگوم
 منفعت یافتن زلا میسر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زلا بید خواب دلیل بر کوشش بیرون از اندام و یافتن مال بسیار و شای
 بود و اگر بنید که زلا سید داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بنید که زلا بیهوشی بود او را بدندان و بی بهاد و دلیل که از
 کسی سخن خوش نشنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زلا بیهوشی میخورد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بنید که باز عطران میخورد
 دلیل بیماری بود زله که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زمین می جنبید دلیل که مردم آند یا در از پادشاه سرخ و طاعت رسد
 بقدر جنبیدن زمین و معتبران گویند که آفت مردم رسد و در آند یا بیماری افتد و اگر بنید که زمین بر کردید و زیر و بالا شد دلیل که در آن
 دیار فتنه و بلا افتد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زمین است جنبید و یک نیمه فرو رفت دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را
 عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زله در خواب و ضل و زمین فرو شدن سخت و بلا ی عظیم از قبل پادشاه بود قوله
 تعالی فحسفنا به و بداده الاض بهم حال زله در خواب دلیل بر عقوبت و طاعت بود و اهل آن دیار زهره ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید زمره در خواب دلیل بر فرزندان و برادر باشد یا مال حلال اگر بنید که زمره در شت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی آید یا
 برادر یا که از منفعت یابد و اگر بنید که زمره می ضایع شد دلیل که فرزندی بر او مال او تلف شود و مانی رحمه الله علیه گوید زمره در
 خواب دیدن دلیل بر بزرگبختی پاک بود و هر زیادت و نقصانی که در زمره بود تا دلیل آن بزرگبخت پاک او باشد که در مغربی رحمه الله
 علیه گوید زمره و خواب دیدن سخن نیکو بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمره در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزندان دوم برادر بیگوم مال حلال
 چهارم کنیز پنجم غلام نیکو و هر چند که زمره نیکو تر باشد این دلیلها که گفته شد بهتر بود زمستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 زمستان در خواب یا پادشاه بود و اگر خواب بنید که زمستان بود و چنانکه در همان را از آن حضرت میرسد دلیل که اهل آن دیار را از
 پادشاه حضرت رسد و اگر بنید که زمستان بود و هواسر و بود کسی را حضرت تمیز رسد کسی را زبانی نمیداشت دلیل که مردم آن دیار
 از پادشاه خیر و منفعت یابند و زمستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل حضرت و ظفر باشد زمستان و انبال علیه السلام گوید زمستان
 در خواب زن بود و اگر بنید که زمستانی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زنی باشد بهتر و صلاح چنانکه میان اقربا و اولاد
 منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی زمین اگر بنید که در آن زمین سبزه و نبات مجبول بود و دانند که از آن اوست دلیل که آنکس در نزد مسلمانان
 باشد و سبزه و خواب بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در زمین سبزه و نبات بود و جوانی معروف بود دلیل که او را فضل و دیانت باشد
 و اگر در زمین نباتی نهاد و عمارتی کرد دلیل که او را فضل دین و دنیا باشد و سر انجام ثواب راه آخرت یابد و اگر بسیند که او را در میان

سیچر

زیر سبزه

زیر سبزه

زیر سبزه

زمستان

زیر سبزه

صحر از مینی بودمانند بیا بان و از زمین را شناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بنید که زمین میکند و پیچ و دوپیل که بخند خورد
 خاک مال یابد و اگر بنید که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاسی یا مناکای و آن جا بود و در آنجا ناید پیچند دلیل که بنید که زمین
 را مانند چاه و سرداب میکند و دلیل که در اندوه و صیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بنید که در زمینی فراخ بود و زمینی تنگ شد
 میرفت در آنجا دلیل که در آنجا از کاری تنگ بکاری جبهول افتد و خبری رحمة الله علیه که در خواب بنید که زمین باوی سخن گفت و
 بخیر و صلاح او اندوخته داد و دلیل که در دنیا تنگی بسیار کند و بعد از وفات او را تنگی یا نکند و اگر بنید که زمین او فراخ و بزرگ شد
 و دلیل بر درازی عمر و فراخی میشت او کند و اگر بنید که زمین می پیچد و دلیل که بفرود و انگیختن شخت رحمة الله علیه که در خواب بنید که زمین
 از بهر شست می شکافت دلیل که لشکر بزرگ مشغول گردد و از قبل زن منفعت یابد و اگر بنید که زمین خویش را آبادان میکند و دلیل
 که کارش آبادان و تنگ گردد و اگر زمین را خراب بنید یا پیش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین کشته و دلیل
 که او را با کسی انبازی بود یا زنی را تنگ و در آور و اگر بنید که آبی آمد و زمین را غرق کرد و آن کشته را تباہ کرد و دلیل که از پادشاهی
 طاعت یا بجنه صفاق رضی الله عنه که بنید که در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم ولایت
زنان ابن سیرین رحمه الله علیه که دیدن جوان و خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل این جهانی و نیز دیدن زنان در
 خواب بقدر خوبی و جمال و فریبی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بنید زنی باشد معروفه و زن فربه و معروف
 فراخی روزی بود و زن رشت و لاغر قحط و تنگی بود و زنان نسا و مان و آراسته مراد این جهانی بود و پیر زن چرکین و دلیل
 بر نامرادی و بد حالی بود و کرمانی رحمه الله علیه که دید که زنی بنید که او را قصب بود همچون مردان و دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند
 بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان بنید که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بنید که
 قصب داشت و محاسنت کرد و دلیل که دردت و بزرگی او کم شود و اگر بنید که زنی جامه مردانه پوشید و بود اگر آن زن مستوره بود
 و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود و دلیل بر شر و فساد بود و مغربی رحمه الله علیه که دید ووستی زنان در خواب اهل دنیا را
 ز با و بی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تاویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر بنید که بر زن وی کسی دست درازی
 کرد و دلیل که اهل آن زن آید اگر نشوند و اگر بنید که زن وی بفساد و زنا و کجانه رفت دلیل که پسری آورد و خیر و منفعت یا بجنه
 صفاق رضی الله عنه که دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل این جهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط
 ششم تواریک زما این سیرین رحمه الله علیه که دید که زنی در دست داشت و دلیل که در دین ضعیف بود و اگر بنید که زنا بر میان آید و اگر بنید که مستور
 نبود و دل که کافر شود و اگر بنید که مستور بود انصاف از خشم تساند و اگر بنید که زنا بر دید و دلیل که در دنیا و دنیا را صلاح اختیار کند
 و بنوعی این سیرین رحمه الله علیه که دید و خواب وی دون و منفعت بود و اگر بنید که زنا بر دید و دلیل که از مردی دون و رنجی بود و اگر بنید که زنا بر دید و دلیل که
 میان مردم دون گرفتار گردد و خاصه چون زنا بر دید کرمانی رحمه الله علیه که دید که زنا بر دید و دلیل که او را با زنان دون و سخن چینی کا افتد و اگر بنید که زنا بر
 را بخت و دلیل که در دشمنان ظفر یابد و اگر بنید که از هموزن مردان بسیار بقیاس گرد آمده بودند و دلیل که در آن دیار لشکری برسد

بخت

زنا

بخت

[illegible]

گوید و بدان اقدام نماید و اگر بنید که تن او را از زیر کزندی رسید یا آس داشت دلیل که بقدر آس او را غم و اندوه رسد و اگر بنید
 که زهر خورد دلیل که از کسی خشم فرو خورد زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زهره مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد و
 اگر بنید که زهره چهار پایی میخورد دلیل که بدخوی و دشمنی شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تن وی زهره مردمان آلوده
 کشت دلیل که از مردمان جوید و اگر بنید که تن وی زهره چهار پایان آلوده کشت دلیل که لباس حرام بپوشد و اگر بنید که تن
 وی زهره داون آلوده کشت دلیل که صحبت با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زو بن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر خواب بنید که زو بن در دست داشت و چیزی دیگر غیر زو بن با وی نبود دلیل که او را فرزندی آید و اگر بنید که زو بن
 سلاحی دیگر داشت دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زو بن
 انداخت دلیل که کسی را سخن بد گوید و اگر بنید که زو بن کسی را مجروح کرد و ایند دلیل که بر کسی پنهان نهند زیتون ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
 که مانی رحمه الله علیه گوید روغن زیتون در خواب لیل خیر و برکت باشد و اگر بنید که روغن زیت می پالود و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه
 خورد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زیتون تلخ نبود و با نان میخورد دلیل که او را منفعت بسختی حاصل شود زهره باج
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره باج در خواب چون ترش نباشد و میل بشیرینی دارد دلیل بر خیر و منفعت باشد و چون میل
 بر ترشی دارد دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از تعبیران گویند که خوردن زهره باج در
 خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیلو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیلو در خواب چون کسره باشد دلیل بر درازی عمر و سختی
 کار و نیا کند و هر چند زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو سحید باشد دلیل بر نقصان عمر کند و اگر بنید که بر زیلوی کوچک نشسته بود
 و آن زیلو در زری فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زیلو بر تخت خود سحید و در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت
 خود را تبا کند و اگر بنید که زیلو بر پشت نهاد دلیل که امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بنید که زیلو سحید و یکسی دیگر او دلیل که
 عمرش با خیر رسیده باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و
 اگر بنید که زیلوی کهنه و دریده بود دلیل که عیش بروی دشوار شود و اگر بنید که زیلوی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه در دست
 دارد از دست او برود و اگر بنید که زیلوی نوبه و داوند و در خانه بکشد دلیل که دولت و اقبال یا بد و عمرش دراز گردد
 حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیم روزی
 فراخ چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش ششم گناه زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره در خواب
 چون بسیار بنید دلیل منفعت دین و دنیا ی وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زهره در خواب چون
 اندک بنید منفعت کمتر بود زو بن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زو بن بخواب چون بر پشت چهار پای نباشد زن بود
 و اگر بنید که بر پشت چهار پای بود دلیل که حکم نیک و بد آن بر راکب باشد و اگر بنید که زینی بخرد یا کسی بومی دلیل

زهره

زیتون

زیتون

زهره باج

زیلو

زهره

زیتون

که کینه کی بخرد یا زنی بخوابد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر بنید که زین وی لشکست دلیل که زن بمیرد و یا بپار
 شود و اگر بنید که زین وی بزیریم آریسته بود دلیل که زرش خوشتر بین و تکبر بود و اگر بنید که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت
 دلیل که زرش پارسا و دیندار بود و زین کرد و خواب زن دلاله بود و دلالی کار او بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین**
 سار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سار مرغی است و اگر خواب بنید که ساری داشت دلیل که مردی مسکار باشد که سفر بسیار کند
 و اگر بنید که ساری گرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مسافر او صحبت افتد و اگر بنید که کوشش سار میخورد دلیل که بقدر آنچه
 خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید پرن سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بنید که
 سار بسیار بروی جمع شد دلیل که میان کافران گرفتار شود ساطور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ساطور در خواب مردی
 شجاع و دلیر بود و اگر خواب بنید که ساطور داشت دلیل که با چنین مردی او صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر
 بنید که ساطور لشکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد مغربی رحمه الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که
 کارهای دشوار بسبب او آسان کرد و خاصه که ساطور بزرگ بود ساعد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ساعد دست در دست و
 انباز معتدل بود و اگر بنید که ساعد و تنش قوی بود دلیل که او را از انبازان و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بنید که ساعد وی لشکست
 دلیل که انباز و دوست از وی جدا شوند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر ساعد دست وی موی بسیار بود دلیل که دوستان
 از وی جدا شوند و نمکین گردند و اگر بنید که موی از ساعد خود بستر دلیل که و امش گذارده شود ساق ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معبران گویند که ساق مردم را عروجه باشد و اگر بنید که ساق وی قوی
 بود دلیل که کارش نیکو شود و اگر اقلش ضعیف بود دلیل که حال و کارش ضعیف و بی نظام بود کهانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ساقش آهین
 یا روین بود دلیل که عمرش دراز شود و مالش باقی ماند و اگر بنید که ساق او لشکست دلیل که بر تن او بد باشد مغربی رحمه الله علیه گوید پرن
 ساق در خواب مرد از انبازان بود و زنا را نشوید اگر بنید که ساقهای وی بر یکدیگر می چسبید دلیل بهم لاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار
 بود دلیل که و اندر کرد و اگر بنید که موی از ساق بستر دلیل که و امش گذارده شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید پرن ساق در
 خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم معیشت سوم عمر و از چهارم مرد از انبازان و زنا را نشوید سایه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سایه در خواب
 بزرگی و هیبت بود و سایه پادشاه و زناویل هم پادشاه بود و سایه و پیر مردی بزرگ بود و سایه درخت بی دلیل بر فساد که زانی رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که در جانی زیر پایشته بود دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی الذین یأتون الی دوابک کیف مد الظل و لو شاء لجعلها
 ساکناً جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر پایشته در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم هیبت سوم پناه چهارم منفعت پنجم
 مرگ سایه بان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرماید بود و اگر بنید که زیر سایه بان نشسته بود
 دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بنید که سایه بان بروی افتاد و او را از نزدی نرسید دلیل که پادشاه بروی شکم گیر
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سایه بان پشیم یا کرباس بود و لون آن بنر یا سپید بود دلیل که خدمت پادشاه ظالم

سار

ساطور

ساعد

ساق

سایه

در صورتی که
جزو ۱۹

سایه بان

کند سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سپهر در خواب در وقت دشتن دلیل که از کسان بادشاه او را پناه بود و اگر بنید که با سپهر
 دیگر بود دلیل بر مردی بود که دوستان و برادران را از شر نکند و اگر بنید که سپهر زمین نهاد دلیل که او را با مردی فاضل صحبت افتد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوید سپهر در خواب برش وجه بود یکی برادر دوم یا سوم قوت چهارم سپهر بنجم ایمنی ششم شست و نه
 بقدر بزرگی سپهر سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سپهر در خواب دیدن مال و ثنای بود و اگر بنید که سپهر زکاودا شست
 دلیل که او را در آن سال چیزی حاصل کرد و اگر بنید که سپهر زداشت دلیل که ویران مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بنید که سپهر چهارم یا بی
 داشت دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپهر زدان داشت دلیل که بقدر آن مال از سپهر یا جعفر صادق رضی الله عنه نماید
 دیدن سپهر نامی مجموع در خواب مال بود و سپهر جانوریک که گوشت او حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت وی حرام باشد مال حرام
 بود سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سپهر در خواب دین بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بنید که زمینی داشت
 و در آن سبزه بسیار بود دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر بنید که در آن زمین گیاه مجهول بود و او آن گیاه را شناخت
 و به تعجب در آن می نگریست و دانست که در آن زمین ملک ویت این جمله دلیل بر دین و دیانت بنیده کند و اگر بنید که در آن زمین
 گیاه معروف بود دلیل بر فراخی نعمت و مال وی بود و مغربی رحمه الله علیه کوید سپهر در خواب چون بوقت بنید دلیل از زید و ورع بود
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سپهر زار در خواب نیک بود و اگر بنید که در سبزه را میقیم شد دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بنید که مرده در میان
 سبزه را میقیم بود دلیل بر عاقبت و ثواب آخرت او بود و اگر مانی علیه الرحمه کوید که سبزه زار پاکیزه و حرم بنید و دانند که ملک ویت دلیل بر
 دین پاک و ورع و دیانت او باشد و اگر سبزه زار زرد و پژمرده بنید تا پیش بخلاف این بود و اگر بنید که در میان سبزه زاری
 بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت او با مردمان پارسا با دیانت باشد و اگر بخلاف این بنید دلیل که صحبت او با مردمان مفسد
 بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سبزه در خواب بدین چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم پرستکاری
 سبیل ابن سیرین رحمه الله علیه کوید که چشمهای وی سبل داشت یا خاک نمی توانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد
 و اگر چشمهای از زرق بود و سبل در آن بود دلیل که در راه دعوت باشد و اگر چشمهای شعله داشت و سبل در آن بود دلیل که فرزندش
 بیمار بود و اگر بنید که سبل از چشم وی بر گرفتند دلیل که توبه کند یعنی کوید که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود دلیل که
 سلامت در وطن خود باز رسد سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سپهر در خواب مرد منافق بود که بدست وی مال ضایع شود و اگر مالی رحمه
 الله علیه کوید سپهر در خواب کنیز یا خادم بود اگر بنید سبوی نو فر گرفت یا بخرید دلیل که کنیزک بنح و یا خادمی او را حاصل شود و اگر بنید که
 سبوی ضایع شد یا شکست دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بنید که سبوی او را سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بنید که
 سبوی آب صافی پر بود دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید سپهر در خواب دیدن برنج وجه بود یکی مزدور
 منافق دوم زن سوم خادم چهارم کنیز پنجم توأم دین سبوس ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی بود
 و اگر بخواب بنید که مردی نان سبوس میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی افتد و اگر بنید که سبوس را از خانه بیرون ریخت دلیل

ج
 س
 ح

سب

ح

سب

سید اب
محمد
شیرکان

این آیه
در سوره نحل
سپاره چهارم

بر لغت و واضحی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید پیوس در خواب بر سر و جگر بود یکی نیا زمندی دوم خط سیوم سنگی همیشه
سید اب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سید اب بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که سید اب داشت یا کسی
 بوی داو و دل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر بنید که سید اب بر روی داشت دلیل که تقدیر او را متاع دنیا
 حاصل شود و کرانی رحمه الله علیه گوید سید اب روی خدشکار بود و بعضی از تعبیران گویند که خدای خانه بود و نیک و بد آن بکبر خدای خانه
 باز کرد و **سید اب** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سید اب هر ه بدید دلیل که راز نهان وی ظاهر کرد و اگر بنید که
 سید اب نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آنکار نراند مغرب رحمه الله علیه گوید سید اب هر ه در خواب دیدن مرد از رنج و
 سختی بود و زمان را بر سوانی و ظاهر شدن راز بود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سید اب هر ه در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی
 خبر مکرده دوم سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی **ستارگان** دانیا علی السلام گوید ستارگان در
 خواب دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر بود و اگر زحل را بخواب بنید دلیل که او را بامردم و باقین
 شغل افتد و اگر زحل از جلال و عظمت او حاصل آید و اگر شتر را بخواب بنید دلیل که او را بامهری پارسا و مصلح و نیکخواه کار افتد و اگر مرغ
 را بخواب بنید تاویل آن بر زمان خبری خوشم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطار در خواب بنید
 دلیل که او را بامردم حکیم و پیوستگی افتد و از وفایده یابد و اگر بنید که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت
 یابد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ستارگان تاسه چون عیوق و عقیق و سہیل و طیل که بعضی از شترکان می پرستیدند اگر یکی از
 ایشان بخواب بنید دلیل که او را بامشترکان صحبت افتد و اگر بنید که ستاره روشن بزین افتاد و ناید بزند دلیل عالمی از آن دیار از دنیا
 برو و قول تعالی و علامه و بالجم هم بخت و ن اگر بنید که ستارگان یکدیگر و دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر
 بنید که ستاره بدست گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بنید دلیل که او را فرزندان بسیار شوند
 کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ستارگان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرق در میان پادشاه افتد و اگر بنید که ستارگان سجد بر زمین
 دلیل که حالش نیک شود و اگر بنید که ستارگان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر بنید که ستارگان مطلق
 وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بنید که ستارگان سخن می گفتند دلیل که پادشاه وقت و اگر باشد و اگر خلاف این بنید دلیل که پادشاه
 ظالم و تمککار بود و اگر بنید که ستارگان با هم جناس میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بنید که ستارگان در آسمان خود
 نهاد و دلیل که مال بسیار حاصل کند مغرب رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ستارگان یکسار و در برابر او متحرک شدند و در کنار وی
 افتاد و دلیل که او را فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بنید ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که نسلش
 زیاد شود و اگر بنید که ستاره می پرستید دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید ستارگان که
 مردم در میان بد و راه می برند و خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگان یکدیگر مردم آزمای پرستند دلیل بر شر و مضرت
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا

پنجم و زار ششم و بران هفتم خزانه دار ششم مردمان جنگجو نهم شاگردان حکایت آورد و اندک در غیاب و مردوی بخواب دید
 که ستاره روشن بر زمین افتاد و مبرن گفتند عالمی بپیر و در آن هفته امام عظم از دنیا رحلت کرد **ستون** ابن سیرین گویند
 در خواب خداوند اقبال و دولت بود اگر بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود دلیل که از مردوی قبل مالی حاصل کند و اگر بیند که ستون خاوی
 بیفتاد یا شکست دلیل بر لاک او بود و گمانی رحمت الله علیه گویند ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستون خانه بیفتاد یا شکست دلیل که
 خداوند خانه تلاک شود و اگر بیند که ستون خاوی باریک بود دلیل بر ضعف دین وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند ستون در خواب
 بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرکب یوم مرد و محشم چهارم قوت در کار یا پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین رحمت الله
 علیه گویند سجاده در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در سجده بر سر سجاده نشسته بود دلیل که سفر حجاز رود و قوله تعالی وانحن و
 من مقام ابوالهیم مصلی خاصه چون بیند که در سجده مشکف شد مغربی رحمت الله علیه گویند اگر بیند که سجاده پشیم یا پنداشت
 دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاده او بسوخت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سجاده وی پشیم بود
 دلیل که طاعت وی ربانی بود و **مسجد** ابن سیرین رحمت الله علیه گویند اگر بیند که باری سبحانه و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردوی
 بزرگ ظفر یا بدو اگر بیند که غیر خدای تعالی را سجده کرد دلیل که مرادیکه دارد بر نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گویند که مهنتری را
 سجده کرد دلیل که او را از سلطان رحمت رسد قوله تعالی فتعبدون من دون الله ما لا یفعلکم ولا یضربکم **سختن**
 ابن سیرین رحمت الله علیه گویند اگر بیند که تر از دور دست داشت و چیزی می سختید دلیل که میان مردم داوری کند و اگر بیند که راست سختید
 دلیل که حکم برستی کند قوله تعالی و ذنوبا بالقسط اس المستقیم اگر بیند که راست سختید که از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر
 عالم نبود دلیل که تقاضی محتاج کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گویند راست سختن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست و دوم نیکویی
 سوم محتاج شدن بدوری چهارم حاکم شدن و اگر آن که سختن تا ویش بخلاف این بود **سختن** ابن سیرین رحمت الله علیه گویند سختن
 گفتن در خواب و شنیدن تا ویش بر زبانها مختلف بود و اگر بیند که بزبان عربی سخن گفت دلیل که از مهنتران عروج جاه یا بدو
 اخبار و حضرت رسول صلی الله علیه و سلم استماع کند و اگر بزبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با مهنتران او را صحبت افتد
 و از ایشان نیکی یا بدد اگر بزبان عبری سخن گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم
 بی اصل دون محبت ویرا کاری افتد و اگر بزبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دلقین صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن
 گفت یا شنید دلیل که خبری کرده شود و اگر بزبان سغدی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را سختی افتد و اگر بزبان یونانی
 سخن گفت یا شنید دلیل که بمقتولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از محبت نادانی غم و اندوه
 رسد گمانی رحمت الله علیه گویند اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از انفع
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که هر زبان که در خواب سخن گوید و نشود اگر خواب خیر و صلاح بود تا ویش آن
 خیر و صلاح باشد و اگر شر و فساد گوید تا ویش آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که

ستون

سجاده

مسجد

سختن

سخت

برخوشتن گواهی راست و بر قوله تعالی یوم تشهد علیهم السنتهم وایدهم وارجلهم با کافوا یعلون
وهرندانی که بدان سخن گوید دلیل برتم و بداد باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب در خواب خصومت و
داوری بود اگر بنید که سراب داشت یا کسی بومی داد دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بنید که سراب بخور و همین تاویل دارد
مفسر بنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سراب زرد شده بود و میخورد دلیل که بیمار کرد و اگر بنید که سراب کسی داد یا از خانه سیرین
افکنند دلیل که از جنگ خصومت خلاصی یابد و در دیدن سراب بخواب هیچ منفعت نباشد سر دانیال علیه السلام گوید
سراب دیدن بهتر قوم بود و اگر بنید که سر بریده است دلیل که بهتر بر او دست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بنید
بسیز خم تنگ سرش از تن جدا کرد و دام دار باشد دلیل که دامش گذارده شود و از غم فرج یابد و اگر این خواب بنده
بنید دلیل که آزاد کرد و اگر بخور بنید شفا یابد و اگر بهتر می بنید ولایت یابد و اگر از او بنید دلیل که زنی خواهد مات و اگر
باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرهای بریده بسیار بنید دلیل که بهتر آن آنجا بسیار جمع شوند و اگر بنید که ازان سرهای
یا پوست یا مغز دارد دلیل که ازان بهتر آن مال یابد و اگر بنید که پوست سر میخورد دلیل که از بهتر آن و بسیار مال
حاصل کند و اگر بنید که پوست سرهای مردم میخورد دلیل که بهتر می باوی عتاب کند و اگر بنید که سر مردی معروف میخورد دلیل که سرایه
خود را بخورد و اگر بنید که سر چهارپائی دشتی میخورد دلیل که مال یابد و اگر بنید که سر مردی مجهول میخورد دلیل که سرایه می بخورد و اگر
بنید که سر مرغی میخورد دلیل که بقدر آن مال پادشاه بخورد و اگر بنید که سر مردی سری یا سر پیش او آورد دلیل که سرور آن کرده کرد
و از ایشان خیر و نیکی بنید و اگر در خواب سر زنی بنید دلیل که از زمان تو آنکر راحت یابد و اگر بنید که سر کسی میخورد دلیل که عمرش
در آن گره دو مال حلال یابد و اگر بنید که سر کاوی میخورد دلیل که آن سال مال و نعمت یابد و اگر بنی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سر خود بزرگ بنید
که جاه و قربت یابد و اگر بنید که او را دوسر بود دلیل که کارش توی کرد و اگر سر خود برهنه بنید دلیل که از تخلیکه دارد و بخت و عین شود و اگر
بر سر خود جراحی بنید که ازان خون می آید دلیل که با کسی داوری افتد و اگر بنید که از سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد دلیل که سرایه
از دست وی برود و اگر بنید که مغز باز جای خود نهد دلیل که باید باز بدست آورد و اگر بنید که سر وی چرب بود دلیل که کارهای خیر کند
و اگر بنید که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد و ولایتی بهتر کرد و فرمان روا کرد و اگر بنید که سر وی سخن نگوید دلیل که
نیکو کار باشد و در کارها انصاف نکاید و اگر سخن بد گفت تا پیش بخلاف این بود و اگر سر خود را بر زمین بنیضیان که یک نیمه در دست
راست داشت و یک نیمه در دست چپ داشت دلیل که مادر و پدر وی بمیرند و اگر بنید که سر خود در دست خود داشت دلیل که از بهتر
خیر و منفعت یا بخیر بنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سر وی چون سبیل شد دلیل که ولایت یابد و اگر بنید که سر وی چون سبیل شد دلیل که
بفساد حرام را بد و اگر بنید که سر وی چون سبیل شد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بنید که سر وی چون سبیل شد دلیل که از بخت خود کامکاری
یابد و اگر بنید که سر وی چون سر کاوش شد دلیل که سر و خلق خوار کرد و اگر بنید که سر وی چون سر کاوش شد دلیل که چهل بروی غالب
کرد و اگر سر خود چون سر شیر بنید دلیل که فرمان روائی یابد و دشمن را قهر کند و اگر سر خود را چون سر یک بنید

دلیل که دل و خورای یابد و اگر بنید که خوک شد میلش بکبوتر باشد نفوذ باشد منها و اگر بنید که سروی آکینید شد دلیل سربلک وی
 بود و اگر بنید که سر و زین یا سیمین شد دلیل کمال یابد و اگر بنید که سروا و سنین یا سنگین بود دلیل که خدمت مهنتری سفلی کند و اگر
 بنید که سر و چوبین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بنید که سروا سفالین بود دلیل که خدمت مروی لاف زن کند
 و اگر بنید که سروی چون سرمه غان شد دلیل که بفرود و اگر بنید که سر خود بریده داشت دلیل که او را برادر کند و اگر بنید که سروا زن جدا
 کردند و باز بر جای نهانند و در دست شد دلیل که عاقبت در جهنم آید و اگر بنید که سروی داشت و زرش آستین بود دلیل که
 او را پسری آید و اگر زنی خور را سر کشیده بنید دلیل که شوهرش بمیرد و اگر بنید که سر بریان میخورد دلیل که مال یابد و اگر بنید که سر
 بریان بخورد یا کسی بوی داد و او را آن بخورد دلیل که از مهنتری فایده یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان بناویل ریشی یا
 مهنتری کردن باشد و اگر بنید که سر خام میخورد دلیل که مهنتر بر غنبت کند و سر خسته بهتر از خام بود و جعفر صادق رحمه الله علیه گوید سر در ح
 بخواب پیر بود یا مهنتر یا پسر و اگر سر خود را بریده بنید دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بست خود بنید دلیل که
 با ایشان پیوند و اگر سر خود را باز کردن خود بست دلیل که از کسی بضاعت بستاند یا او کند و اگر بنید که سر گوی بریده در پیش
 داشت و رقص میکرد دلیل که مهنتر آن دیار را غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر سر پا در شاد برداش خود بنید دلیل که ده هزار درم یابد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر درم بخواب بدین برده اندوه و چه بود یکی رئیس دوم مهنتر سیوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم
 مؤذن مفتی عالم ششم و هزار درم پنجم پسر و ششم غلام یازدهم زن و دوازدهم نوکر و اگر بنید که سر بزرگ کرد و جامه پاک
 پوشیده بود دلیل که او را با مهنتر آن صحبت افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشید دلیل که از مهنتری غم و اندوه یابد و اگر بنید که
 سر را در تنور نهاد دلیل که از مهنتر آن و خادم کارش افتد سر آب تا ویش سخن باطل باشد و علمی که در و منفعت نبود
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در زمین سرائی مقیم شد دلیل که بعلم باطل سخن که در و خیر نباشد مشغول کرد و اگر بنید که از
 زمین سر آب میخورد دلیل که از علم باطل نان جمع کند سر اسیر و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر اسیرده بنید و دانده که
 ملک و بود دلیل که بزرگی و منزلت یابد و باشد که مهنتر کشند و اگر بنید که در سر اسیرده پاوشاه مقیم شد دلیل که از پاوشاه
 حرمت و جاه یابد و اگر بنید که سر اسیرده پاوشاه بنیاد دلیل که زوال مملکت وی بود و اگر بنید که سر اسیرده پاوشاه سوخت دلیل که
 پاوشاه بمیرد و اگر بنید که پاوشاه او را سر اسیرده بیرون آوردند دلیل که پاوشاهی بیاید و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید بدین سر اسیرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سوم ولایت چهارم دولت پنجم سر یکی سر
 و انیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بنید که در سرائی بکانه شد و هیچ نشناخت و در آنجا مردگان دید دلیل که آنسری آخرت است و حسرت
 خواب را وقت اجلش باشد و اگر بنید که در آنجا شد و بیرون آمد دلیل بر بیماری او بود و لیکن شفا یابد و اگر بنید که پسری معروف شد و بنیادش
 از کل بود دلیل که روزی حلال یابد و اگر بنید که بنیادش از کج و آجربود دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که آنسری بزرگ و فراخ بود دلیل
 که روزی بزرگی فراخ کرد و اگر سرائی کوچک بود و اویش بخلاف این بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سرائی

ب

س

س

خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود بندد و عبادت نکند و اگر بنید که سرای که بنید دلیل که در خیرات بروی گشاده شود و اگر بنید که سرای نو و پاکیزه بود دلیل بر تندرستی و عمر و از مادر و پدر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سرای نو و پاکیزه در شد و دانست که ملک دینت دلیل که روزی بروی فراخ کرد و دو غر و جاه یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرای در خواب بر مصفت و چه بود و اگر بنید زن و زن را شوی دوم تو اگر می بینی چهارم عیش و تنعم مال و ثمن و ولایت و تقیم امانت و عزت و سحر **سیر** بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی و دین او را حاصل شود و اگر بنید که سرب میگذشت دلیل که بدی در زبان مردم افتد **سحر** **سحر** جامه بداند که در جامه مردان سرخی که است بود و رنج و اندیشه و زانرا خیر و خرمی و اگر مردی بنید که جامه وی سرخ بود دلیل که قنده و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم کند بقدر سرخی جامه **سحر** **سحر** در خواب دیدن دلیل بر زیادتی مال بود و اگر بنید که بزنی وی سرخ میرون آمد دلیل که نالی برنج و سختی بدست آورد و اگر بنید که سرخچ را بر تن او ناپدید شد تا ویش بخلاف این باشد **سحر** **سیر** بن سیرین رحمة الله علیه گوید بر سر فیدن در خواب بر پنج وجه بود یکی سرفه تر و دوم سرفه خشک و سوم سرفه بغم چهارم سرفه که خون برآورد و پنجم سرفه که صفرا برآورد و اگر خواب بنید که بگاه سر فیدن بغم برآورد دلیل که پیش کسی شکایت کند از بیماری که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بنید که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت می از محال و بیهوده بود و اگر بنید که سرفه تر داشت دلیل که شکایت می از غشیا ن بود و اگر بنید که سرفه خون داشت دلیل که شکایت می از فرزندان بود و اگر بنید که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از همه شکایت کند و اگر بنید که بهترین می سر فید دلیل که غمخوار دین بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بنید که او سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر بنید که سرفه و کلوی او بماند دلیل که وقت مرگش باشد و اگر بنید که او را سرفه پیران پدید آید چنانکه بغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خواب بنید که می سر فید دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد **سحر** **سیر** **سیر** بن سیرین رحمة الله علیه گوید سر که در خواب مال حلال بود با برکت و خوردنش تبایل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه السلام فرمودند خبیث الاکدام خلی و بعضی معبران گفته اند که سر که ترش در خواب نمود و دزد بود و سر که فروش در خواب زنی خدمت طلب بود **سحر** **سیر** **سیر** بن سیرین رحمة الله علیه گوید سر که سب و کاه در خواب مال و نعمت بود و اگر بنید که سر که بسیار جمع آورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بنید که سر که سب مردم بود دلیل که مال حرام بود و اگر بنید که در آب خانه سر که می انداخت دلیل که مردی بوی رسد و نقصان مال وی بود و اگر بنید که در بنر طیدی کرد دلیل که مال خود بعضی بعیال دهد و اگر بنید که سر که آن سر که در آنجا پوشید دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سر که مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بنید که بجای کسی مجهول سر که آنکند دلیل که مال خود بجای خج کند و اگر بنید تن خود را بر سر که بیالود دلیل که در گناه افتد و اگر بنید که اسهال پدید آید دلیل که مال با اسراف خرج کند و مال عظیم السلام گوید سر که مردم مال حرام بود و سر که چهار پا یا ن مال حلال بود و سر که دین مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید سر که در مردم جلد شود دلیل بر نماند و اگر بنید که در میان پلیدی می رفت و غرق شد دلیل که او را

س
س
س
س

س

س

از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بپنید که بای بر پیدی نهاد و بقیاد و جامه و اندامش آلوده گشت دلیل که از خاک مسرت بنیج صراطی
رضی الله عنه کوید مسرت در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم کثایش بیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم سر کین
کردن یعنی جعل باشد مردی بود که مال جمع کند این سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که جعل گرفت دلیل که او را با مردی حرام غم
صحت افتد و اگر بنید که جعل شکست دلیل که مردی حرام خوار گشت و اگر بنید که بخورد دلیل که مال حرام خوار بخورد سر ما این سیرین
رحمه الله علیه کوید سر ما در خواب سرخ و مسرت بود و اگر بنید که سر ما یافت دلیل که بقدر سر ما درویشی و شکستی او را بود و اگر بنید که سر ما در
مسرت رسانید دلیل که از خوشی ان اور مسرت رسد سر ما این سیرین رحمه الله علیه کوید سر ما در خواب مال بود و اگر بنید که سر ما
در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید و اگر بنید که سر ما کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال یا بدگرانی رحمه الله علیه کوید سر ما
در خواب مال و جاه بود و وزن را بعضی معتبران کوید که سر ما در خواب یافتن راه حق و صواب بود و جعفر صادق رضی الله عنه
کوید سر ما فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین جوید زیرا که چشم دین بود و سر ما روشنائی باشد سر ما این
سیرین رحمه الله علیه کوید سر ما در خواب زنی بود که پیوسته با خدا یتالی باشد و مردان را برده دین خواند اگر بنید که سر ما در
وی شکست دلیل که زن وی بهر مغربی رحمه الله علیه کوید سر ما در خواب زن دیدار بود و اگر بنید که سر ما در آن وی
ضایع شد دلیل که از صحبت زنی جدا شود و اگر بنید که سر ما در آنی بخورد دلیل که کینک دیدار بخورد سر ما کوئی رحمه الله علیه کوید
سرخ در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که سرخ داشت یا کسی بوی داد دلیل که شکین و متفکر شود و اگر بنید که سرخ میخورد دلیل
که بیمار شود و اگر بنید که سرخ گسی داد یا بفروخت دلیل که از غم رسته کرد و سر ما این سیرین رحمه الله علیه کوید سر ما در خواب
دلیل برخن باطل مصیبت بود و اگر بنید که سر ما با نوا می دیگر چون دف و چنگ و نای میزدند دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر
بود و اگر بنید که سر ما می شنید دلیل که سخن باطل شود و کرانی رحمه الله علیه کوید چون خواب بنید که سر ما می گفت اگر در بازار بود دلیل
که تو انکران را رسوائی باشد و در ویشان را غم بود و معتبران کوید سر ما در گفتن در خواب یا شنیدن بر نشن وجه بود یکی کلام باطل دوم
غم و اندوه بیوم مصیبت چهارم رسوائی پنجم خجاست ششم علم و حکمت سر و نھا این سیرین رحمه الله علیه کوید سر ما خواب دیدن
همه نیک باشد اگر از آن بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بنید و اگر سر ما کا و ما و بنید دلیل که در آن سال او را منفعت
بسیار بود و اگر بزرگ تر باشد حاصل بیشتر باشد و اگر بنید که سر ما در هوا معلق آویخته بود دلیل که بمردم آن و یا خیر و منفعت
رسد کرانی رحمه الله علیه کوید اگر خواب بنید که بر سر خود و سر ما داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد و اگر بر سر خود سر و نهای
بسیار بنید دلیل بر غم و اندوه بود و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که بر سر ما داشت دلیل که صلاح و کارش باز یابد
آید و عمر در خرمنی بگذراند و اگر بنید که مردم را بدان سر ما میزد دلیل که بمردم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه کوید
سر و نهای چهار پایان شستی دلیل بر خیر و منفعت بود و سر ما چهار پایان شهری دلیل بر خلاف این بود سر ما
این سیرین رحمه الله علیه کوید سر ما در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن مسرت و نقصان باشد و اگر بنید که

درین

سیرین

ک

م

درین

سیرین

ک

م

درین

سیرین

ک

م

درین

سیرین

ک

م

درین

سیرین

ک

بیش چیزی می چسباند دلیل که کاری کند که باز اصلاح آورد سرشیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که بنده که سرشیم است
 یا کسی بوی داد دلیل که تقدیر آن و پیراحت رسد و اگر بنده که سرشیم بخورد دلیل که بسبب عیال کاری کند که محکم است و استوار باشد
 سرین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرین در خواب دیدن یکی از خویشان بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر سرین کند و
 سرین چه دلیل برد ختر کند و اگر بنده که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک
 بنده تا ویش بخلاف این بود و اگر بنده که سرین وی شکست دلیل که فرزندش بمیرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین سرین
 در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت جیوم باغ چهارم یکی از خویشان سطلی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطلی در
 خواب دلیل بر خدیشکار بود و اگر بنده که سطلی نو بخزد دلیل که کینزک سخره و اگر بنده که سطلی وی سوراخ شد دلیل که عیبی بر کینزک
 ظاهر شود و سرین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرین در خواب غم و اندوه بود خوردن آن خصوصیت و بعضی گویند که خوردن
 آن نقصان مال باشد و دیدن سرین در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بنده که سفر کرد و دانست
 که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این بود و اگر بنده که سفر کرد و ندانست که کجا رفت دلیل که
 از عیال خود دور گردد و یا از آن سرای نقل کند و اگر بنده که بوداع قوی میرفت یا کروی بوداع اومی آمد دلیل که بدتی
 حال و کار بروی متغیر گردد و باز بجال خویش آید و خبری رحمه الله علیه گوید که اگر بنده که بابرک و سازه تمام بسفر رفت دلیل که کارش
 نیک شود و اگر بخلاف این بنده کارش بد شود سفره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بنده که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخزد دلیل که
 کینزک زشت روی بود و اگر بنده که سفره زیان و نمت بود دلیل که از آن کینزک منفعت یا بد کرانی رحمه الله علیه گوید سفره بخواب
 سفری با منفعت بسیار باشد اگر سفره کوچک و تنی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بنده که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل
 که کینزکش بمیرد یا مالش تلف شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره و خواب بر چهار وجه بود یکی کینزک دوم خدیشکار سوم سفر چهارم
 کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بنده که سفوف خورد و از خوردن
 آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود و سرین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بنده که بدست وی خیرات بود خاصه که اگر
 بنده که بر مردمان آب بی طمع میداد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر بنده که تقاضای میکرد بی طمع دلیل که بکار آخرت راغب باشد و اگر بنده
 که رشک پرآب کرد و کسی نداد دلیل که مال جمع کند و الا راحت از آن نیابد و اگر بنده که آب بخانه کسان می برد دلیل که بجهت کسان مال
 جمع کند و از آن هیچ منتع نباشد مستفق و راهی است که در میان ریک می باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بنده که
 مستفق داشته دلیل که او کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و معجزان گویند که ماهی مستفق و خواب کرده باشد
 مستفق و نیا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستفق و خواب دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و اگر بنده که از بر علی خورد و از آن شفا
 یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بنده که از خوردن مستفق و نیا منفعت یافت دلیل بر نقصان مال بود و سبک ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید سبک و خواب دشمنی فرومایه بود و مهربان باشد و سبک سیاه دشمنی از عرب بود و سبک دشمنی

بیش
 سطلی
 کینزک
 سفره
 سفوف
 سبک

از عجم باشد و اگر بنید که سکی او را بگریزد و دلیل که از دشمن گرفتار یابد و اگر بنید که جامه او بآب دهن سگ آلوده شد دلیل که از دشمن بجنب خسته
 کرد و اگر بنید که سگ جامه او بدرید دلیل که در مال و نقصان آید و اگر بنید که گوشت سگ میخور و دلیل که دشمنی را دفع کند و اگر بنید که
 نان بسک داد دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بنید که سکی با وی نزدیکی کرد دلیل که دشمنی بوی طمع کند و اگر بنید که سگ بروی
 بگردد دلیل که دشمنی فرومایه اعتماد کند و اگر بنید که شیر سگ میخور و دلیل که ترسی و بی بوی رسد و اگر بنید که سگ از وی میگریخت
 دلیل که دشمنی پر حذر باشد که مانی رحمته الله علیه گوید اگر بنید که ماده سگی در خانه وی آمد دلیل که زنی دون همت و فرومایه زنی
 کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بنید که بسک شکاری شکار میگرد دلیل که او را دشمن
 که دعوی داشت کند خبری بد و رسد و اگر بنید که گوشت سگ شکاری میخور و دلیل که میراث یابد و اگر بنید که سگ شکاری از وی دور
 گشت دلیل که از دشمن بامنعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم
 پادشاه طامع سیوم و انشد چهارم در غماز سسکها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سسکها اگر بگوشت کوسید و حواشیج نیکوخت بود
 دلیل بر عیش خوش و غرور و جاه بود و اگر بگوشت کاهنچه بود دلیل بر یافتن مال و خواسته بود و اگر بگوشت مرغ نخته بود دلیل
 بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سکوره نوبد و دادند دلیل که سخنی
 لطیف شود و اگر بنید که سکوره بشکست یا ضایع شد دلیل که سخن باطل شود و بعضی از معتبران گویند که سکوره در خواب
 کینزک بود و اگر بنید که سکوره نوحزید دلیل که کینزک نومی خورد و اگر بنید که سکوره بشکست دلیل که کینزک او طاک شود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کینزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم
 مال هشتم سخن خوش نهم میراث از بیت زنان سسکنجبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سسکنجبین در خواب چون شیرین بود
 دلیل بر مال و روزی حلال بود که آسان بدست آید و اگر ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بنید که
 سسکنجبین خور و اگر شیرین بود دلیل که شفا یابد و اگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز شود و سسکاح ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر بنید که سسکاح پوشیده در میان خلقی بکانه بود دلیل که عوام زبان بروی دراز کند و لیکن مکره پی بوی نرسد
 و اگر بنید که روپی آشنا بودند دلیل بر دشمنان ظفر یا بند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را با تیر و کمان بنید دلیل که
 بزرگی یابد و اگر بنید که از آن آلهتای که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی وی بود
 و اگر بنید که با کسی جنگ و نبرد میکرد دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بنید که کسی او را ر بود دلیل که آنکس را مضرت
 رساند و مخری رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را زخمی بزدند آنکه آنکس که بود دلیل که او را مضرت رسد و اگر بنید که
 در آن زخم ریم جمع شد دلیل که بقدر آن مال جمع شود و اگر بنید که بدان زخم که زد گوشت و استخوان برید دلیل که از
 آن کس مال و نعمت رسد و اگر بنید که در حرب دست کسی برید دلیل که او را سخنی سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد و اگر
 بنید که سر یکی برید دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش وجه بود

سکبا

سکوه

سسکنجبین

سسکاح

سیرت

یکی قوت دوم بزرگی سیوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و صلاح کرد در خواب با دشمنان بزرگ داد و کرد بود سلام
کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دوستی بروی سلام کرد دلیل که آن دوست از وی شادی بنید و اگر بنید که دشمنی بروی
سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود و اگر بنید که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که غریبی با وی دوستی یا دشمنی
کیر و اگر بنید که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که از غلبه حق تعالی امین کرد و اگر بنید که پیری آشنا بروی سلام کرد دلیل
که زنی خواری خواهد که زنی که بنید که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد دلیل که میان ایشان جدائی افتد
مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که اقبال دنیا یا بدو اگر بنید که در نماز بود و سلام بجانب چپ داد دلیل که کارش
شورید و کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی آمیختی دوم شادی سیوم اقبال چهارم منفعت مال
سلطان ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که سلطان در سرای یا در مسجدی یا در شهری یا در دهی شد دلیل که بخشی و بخشی
بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها اگر بنید که در جنگ با سلطان غلبه کرد دلیل که
حاجتی که دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر بنید که سلطان دست راستش بریده دلیل که سوگندش دهند و اگر بنید که
سلطان از تخت به قیاد یا تخت لشکرت یا آب او را لکزد یا شمشیری لشکرت یا کاوی سرونی بروی زد و او را
مجرع گردانید این دلیل بر زوال مملکت وی بود و اگر سلطان داد و کرد بنید دلیل بر شرف و بزرگی وی بود و بقدر آنکه عدل کند اگر
بنید که سلطان بساطی بزرگ بکشد دلیل که ملک دنیا او را نشو و عمرش دراز کرد و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر سلطان
کا خوش نیکو بنید دلیل که عمر و جاهش زیادت کرد و اگر سلطان مرده را کشته روی و خرم بنید و با وی سخن گفت دلیل که کا
او نیکو شود و شغلهای مرده او زنده کرد و سماروغ کیا هست که او را کاغ خوانند دیدن وی بخواب زنی بود که در وی
خیر نباشد و اگر زیاد از سماروغ بنید دلیل بر مال و نعمت بود که از زنی بوی رسد که زنی رحمه الله علیه کوید اگر سماروغ بزرگ بود
دلیل که او را پسری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید سماق ابن سیرین رحمه الله علیه کوید ساق در خواب دیدن دلیل بر
جنگ و خصومت بود و اگر بنید که ساق خورد دلیل که کسی گفت که کند و در خوردن ساق هیچ خیر نبود سمانه ابن سیرین رحمه الله علیه
کوید سمانه در خواب پسری غلام بود و اگر بخواب بنید که سمانه گرفت یا کسی بوی داد دلیل که غلامش را فرزند می آید و اگر بنید که
سمانه در دست وی پرید فرزند غلامش بمیرد که زنی رحمه الله علیه کوید سمانه در خواب مال و روزی حلال بود
قوله تعالی و انزلنا علیک المن والسلاوی اگر بنید که گوشت سمانه میخورد دلیل که روزی حلال یابد
جعفر صادق رضی الله عنه کوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سوم منفعت
چهارم خیر و مال سمسور ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سمسور در خواب مردی کافر و ظالم و راهزن بود و اگر بنید
که با سمسور ریزد و میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بنید که گوشت سمسور
میخورد دلیل که مال مردی ظالم بخورد که زنی رحمه الله علیه کوید سمسور در خواب مردی غریب توانگر بود و گوشت و پوست

سیرت

سیرت

سیرت

سیرت

و موی وی در خواب مال و خورسته بود و اگر بیدار می شد که گوشت او بر زمین افتاد و دلیل که مال مردی غریب تلف کند
سنان ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار می شد که سنان بر تن خنجر نو و او را بخیلند و دلیل که حصیر را تحت غلبه و بروی طغیان بیدار
 و اگر بیدار می شد که سنان وی شکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه بیدار می شد که سنان پولاد درفشند و داشت
 اگر از اهل آن باشد و دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند و اگر بیدار می شد که سنان زنگ گرفته بود و دلیل که
 نفعتش اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنان در خواب بر سرش وجه بود یکی تحت دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم
 طغیان پنجم ریاست ششم منفعت بعد از قیمت سنان سمنب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سمنب در خواب فرزند بود و اگر
 بیند که سمنبی فرزندش یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند می آید و اگر بیدار می شد که سمنبی داشت و از وضایع شد و دلیل که فرزندش غایب شود
 یا بهر و کرمانی رحمه الله علیه گوید سمنب خرد خواب مال بود و اگر بیدار می شد که سمنبها فرزندش یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل
 کند و اگر بیدار می شد که بریای او سمنب بود و دلیل که عمرش بخوشی و خوشی گذرد و اگر بیدار می شد که سمنب بغیا و تا ویش بخلاف این بود
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب دید که سمنب داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیدار می شد که سمنب خشک داشت
 تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار می شد که سمنب تازه می خورد و دلیل که مال حلال بدست آید یا فرزندش آید که در آن
 و یا مشهور کرد و اگر بیدار می شد که سمنب بر آتش می سوخت دلیل بر نقصان مال بود و سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سنجاب در
 خواب مردی غریب و توانگر و ناآزمیزنده بود و پوست و موی و تنخوان وی مال خواسته بود و گوشت وی مال غریبی بود و اگر بیدار می شد
 که سنجاب را کشت و گوشت او بخورد و بخیلند و پوست او پاره کرد و دلیل که مال مردی غریب تباه کند و یا بجنب بستاند کرمانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بیدار می شد که سنجاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد دلیل که دو شیرینی و خمر برد سنجید ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید سنجید در خواب مال صالح بود که برنج بدست آید و اگر بیدار می شد که سنجید خرید یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیدار می شد که سنجید
 می خورد و دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجید در خواب بر سر وجه بود یکی مال برنج دوم مال بهر
 سیوم منفعت از مردم بخوشی **سندان** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سندان بخواب دیدن رئیس بزرگ بود و اگر بیدار می شد که
 سندان فرزندش یا کسی بوی داد و دالت که ملک اوست و دلیل که از رئیس خیر و منفعت یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید سندان
 در خواب دلیل که با بهترین صحبت افتد و از وی راحت یابد و اگر بیدار می شد که سندان کسی داد یا ضایع شد و دلیل که از صحبت مردی بزرگ
 جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود یکی بهترین دوم منفعت سیوم قوت چهارم
 ولایت پنجم قبال در کارها مشکها کرمانی رحمه الله علیه گوید در خواب دیدن مشکها بر دو وجه بود یکی مال دوم بهترین و سکنی که نرم
 بود و منفعت بیشتر باشد اگر بیدار می شد که سکنی سپید گرفت دلیل که با بهترین خوش خلقی او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیدار می شد که سکنی سیاه گرفت
 دلیل که با بهترین از عیب او را صحبت افتد و اگر بیدار می شد که سکنی سرخ گرفت دلیل که با بهترین منفعت او را رختی باشد و اگر بیدار می شد که سکنی سیاه گرفت
 که بزرگ بود و بزرگ بود که آن مشکها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منافقتی که آن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مشکها و خوابی نباشد و اگر

سنان
 سمنب
 سنجاب
 سنجید
 سندان
 سکنی

ببیند که سنک از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکبر و حیل جمع کند و اگر بیند که سنک از کوه و میزانشید دلیل که مال از بزرگی جمع کند
 و اگر بیند که سنک از بیابان جمع میکرد و دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بیند که سنک بر کسی انداخت و دلیل که بر کس است از مال خود کسی
 چیزی دهد و اگر بیند که کسی سنک بر او انداخت و دلیل که بقدر آن مال باید مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بیند که بر کسی سنک انداخت
 دلیل که بروی تهمت کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سنک در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم متهی سوم سختی
 در کار چهارم کس بر پنج سنک خواره مرغیت که سنک ریزه بخورد و این سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که سنک خواره
 گرفت و دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خیر نه بیند یا او را بامردی ابله کار افتد و اگر بیند که سنک خواره از دستش میریزد
 یا در دستش میرود دلیل که از کاری دشوار بزرودی خلاصی یابد و اگر بیند که گوشت سنک خواره خورد و دلیل که از کس غشکاری
 چیزی بدست آورد سوار می گردد و این سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که سوار می گردد و دلیل که از پادشاه اسبی سلاح نعمت یابد و اگر
 بیند که با سواران می کشد و سواران مطیع و بودند و دلیل که بر کوهی فرمان روائی یابد و اگر بیند که سواران مجهول از تسامع دنیا چیزی بوی
 و اندد و دلیل که او را از کسی غریب منفعت رسد و اگر بیند که سواران معروف چیزی بوی و اندد و دلیل که او را از آشنائی یا دوستی منفعت رسد
 و اگر سواران را با جامه که بود بر سببان الاغ و چرکین بیند و اویش بخلاف این بود سوره های قمر آنی خواندن در خواب سوره الفاتحه
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که عرش دراز باشد و خاتمت کارش با ایمان بود سوره البقره اگر
 بخواب بیند که سوره البقره میخواند این تاویل دارد و از شر دشمنان امین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید میان خلق را سنک بی باشد
 و اگر درویش باشد تو اگر دو و اگر بیار بود و شفا یابد و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر نرسد بدو آرد و اگر دو سوره آل عمران ابن
 سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که سوره آل عمران میخواند و دلیل که از همه پیرایا امین گردد و دو پاک شود و عاقبت خیر گردد و جعفر صادق رضی
 الله عنه فرماید که بیند که آیه شهد الله میخواند دلیل که تقضای حق تعالی را رضی باشد که رانی رحمة الله علیه کوید که رومی دارد و یکبار دو و دوم
 او را عزیز دارند این سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که آیه قل الله هو مالک الملك در خواب میخواند و دلیل که بزرگی و عز و جاد یا
 و حاجتهای او را کرد و سوره النساء ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که سوره النساء میخواند و دلیل که میراث یابد و خوشنشان و
 الی بیت او بسیار شوند که رانی رحمة الله علیه کوید مال و نعمت او بسیار شود سوره المائدة جعفر صادق رضی الله عنه فرماید که بیند که سوره
 مایده میخواند و دلیل که شرف و بزرگی یابد که رانی رحمة الله علیه کوید خواندن سوره مایده دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و سیرین کوید که خواندن
 سوره مایده در خواب دلیل صحت و علامتی بود سوره الانعام ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که سوره الانعام میخواند
 دلیل که سعادت دنیا و آخرت یابد که رانی رحمة الله علیه کوید چهار پایان بسیار حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید که با حسان و
 سخاوت توفیق یابد سوره الاعراف ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سوره الاعراف میخواند و دلیل که دنیا را
 و مؤمن بود و عاقبتش محمود گردد که رانی رحمة الله علیه کوید خواندن سوره اعراف در خواب دلیل که کوه طور را زیارت کند
 جعفر صادق رضی الله عنه کوید خواندن سوره اعراف در خواب دلیل که همه خلق از وی خوشنود گردند و امانت نکند دارد

تکلیف

سوره یونس

سوره یونس

سوره یونس

سوره یونس

سوره یونس

سوره یونس

سوره یونس

سوره یونس

سورة الانفال ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة الانفال میخواند دلیل کہ خبر صلح بود سورة التوبة
 ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة التوبة میخواند دلیل کہ از گناہ توبہ کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر انجام کارش
 بخیر باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد در راه دین بیکانہ بود سورة لقمان ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة یونس
 میخواند دلیل کہ روزی او فراخ کرد و کارش بمراد شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر کاوان و کبکد جاد و از وی دفع شود و بر دشمن غالب
 کرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد لفظ و عبادتش نیکو شود سورة ہود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بنید کہ سورة ہود میخواند
 دلیل کہ روزی او از گشت و زرع بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر کارش نیکو کرد و در کار با اقبال یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد کر در راه
 دین بیکانہ شود سورة یوسف ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة یوسف میخواند دلیل کہ سفر بسیار کند و مال یابد
 کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر از رخ و محنت عز و بزرگی یابد و کارش بالا آید و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد کر است قول و با امانت
 باشد سورة الرعد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة الرعد میخواند دلیل کہ پوستہ بپاوت و قرآن خواندن
 مشغول کرد و کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة الرعد میخواند دلیل کہ عمرش کوتاہ باشد سورة ابراہیم
 ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة ابراہیم میخواند دلیل کہ دلم لطاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ
 کو یاد کر حق تعالی عز و بزرگی بود و عاقبتش محمود کرد سورة الحج ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بنید کہ سورة الحج میخواند دلیل کہ نزد حق تعالی
 حل و عطا پندیدہ بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر در حاضرتش آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ کہ بد حضرت باری جانہ و تعالی اور اعلم
 روزی کرد و اندوختش بفریاد سورة النحل ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة النحل میخواند دلیل کہ روزی حلال
 یابد و دوستدار این باشد کرمانی علیہ الرحمہ کو یاد کر از محنت و آفت این کرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد کر بخت جانہ و تعالی اورا
 علم روزی کند سورة بنی اسرائیل ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة بنی اسرائیل میخواند دلیل کہ نزد حق تعالی قرب
 یابد و در دنیا جاہ و منزلت یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بدشمن ظفر یابد و بکام دل برسد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد کر دین
 اعتقادش پاک شود سورة الکہف ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة الکہف میخواند دلیل کہ از ہر طاعہ
 ایمن کرد و در راه دین بیکانہ مخلص بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر عمرش دراز کرد و سعادت عقیبی یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید
 کہ چندان عمر بیاورد کہ در سورة ہرچم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة ہرچم میخواند دلیل کہ در قیامت از عذاب
 در کف باری تعالی باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر ہجرات کیر و رفت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بجای آورد سورة طہ ابن سیرین رحمۃ
 اللہ علیہ کو یاد کر بخواب بنید کہ سورة طہ میخواند دلیل کہ با دشمنی سختی کوید و دشمن را قہر کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر ہجرات
 منتشر کرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یاد کر در راه دین بیکانہ و نامدار کرد سورة الانبیاء ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر بنید کہ
 سورة الانبیاء میخواند دلیل کہ حق تعالی حل و عطا اورا پیرت انبیا بخشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر اقبال و جہانی یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ
 کو یاد کر عالم و دانا شود و از مشقت آسانی یابد سورة الحج ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یاد کر در خواب بنید کہ سورة الحج میخواند

سورة الانفال
 سورة التوبة
 سورة لقمان
 سورة هود
 سورة يوسف
 سورة الرعد
 سورة ابراهيم
 سورة النحل
 سورة بني اسرائيل
 سورة الكهف
 سورة طه
 سورة الانبياء
 سورة الحج

دلیل که مال خود را در راه خدا تجاری صرف کند گرامی رحمة الله علیه گوید که در امامی پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید در زیاده بیکانه و در راه دین مجتهد بود **سورة المؤمنین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة المؤمنین میخواند دلیل که بامؤمنان و برپشت بود گرامی رحمة الله علیه گوید در حاجت و نیتش قوی کرد و سیرت پسندیده اختیار کند **سورة الفرقان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة الفرقان میخواند دلیل که راستی حق از باطل جدا شود گرامی رحمة الله علیه گوید میان خلق منصف و داد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید از راه باطل براه حق گراید **سورة النور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة النور میخواند دلیل که دانش و حکمت منور گردد و سورة الشعرا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة الشعرا میخواند دلیل که در پناه حق تعالی باشد گرامی رحمة الله علیه گوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید باری سبحانه و تعالی او را از خواش نکاهد و سورة العنکبوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة العنکبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در ایمان خدایتعالی باشد **سورة النمل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة النمل میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بر حق تعالی مشغول گردد و گرامی رحمة الله علیه گوید پیوسته در راه دین و صلاح کوشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید در امامی رحمت بروی کشاده کرد و سورة العنکبوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة العنکبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در ایمان خدایتعالی باشد **سورة الروم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة الروم میخواند دلیل که بردست وی شهری از روم کشاده کرد و گرامی رحمة الله علیه گوید در کار دین و غزاه و جهاد مجتهد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را از دین و صلاح وی بهره بماند **سورة السجدة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة السجدة میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برو و گرامی رحمة الله علیه گوید که سجود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق علیه السلام فرماید که عاقبت کارش محمود باشد **سورة الاحزاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة الاحزاب میخواند دلیل که مال یابد و بخشم دهد گرامی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سورة الاحزاب میخواند دلیل که صدق و یاریابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که سورة الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه و تعالی یابد **سورة السبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة السبا میخواند دلیل که زاهد و عابد گردد و گرامی رحمة الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلحا گزیند **سورة فاطر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود گردد و گرامی رحمة الله علیه گوید پیوسته در طاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشاده کرد و سورة النیس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سورة النیس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد گرامی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز باشد از حق تعالی اجل و علا رحمت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه

سورة المؤمنین
سورة الفرقان
سورة النور
سورة الشعرا
سورة النمل
سورة القصص
سورة العنکبوت
سورة الروم
سورة السجدة
سورة الاحزاب
سورة السبا
سورة فاطر
سورة النیس

و سلم در دلش مستقیم شود **سورة الصافات** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الصافات میخواند دلیل که
 بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد کرمانی رحمه الله علیه کوبید که براه صلاح در آید جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که فرزندی
 صلاح آید **سورة ص** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة ص میخواند دلیل که مالش زیاده کرد و دوزخ نشود
سورة الزمر ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الزمر میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی کنایهش عفو کند
 کرمانی رحمه الله علیه کوبید غایت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید ویش قوی کرد و سورة مؤمن ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة مؤمن میخواند دلیل که مؤمن مخلص بود کرمانی رحمه الله علیه کوبید شریعت نکاه دارد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوبید رحمت و غفران باشد **سورة فصلت** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که
 سورة فصلت میخواند از مقربان حق کرد کرمانی رحمه الله علیه کوبید پیوسته در صلاح دین کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید
 داعی بود بحق و اجابت کند ویرا **سورة حم عسق** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة حم عسق میخواند
 دلیل که در آخرت از عذاب رسته کرد کرمانی رحمه الله علیه کوبید تا ویش یمنین باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید عمرش
 دراز کرد و سورة **الر حرف** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الر حرف میخواند دلیل که نماز و طاعت
 بسیار کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید راست قول و خوب افعال بود **سورة الدخان**
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند کرمانی رحمه الله علیه کوبید
 راست کوشی باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید تا او نگر کرد و سورة **الحا شیم** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید
 که سورة الحاشیه میخواند دلیل که توبه کند و بخواند تعالی باز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که بزرگ کار بود و توبه کند
سورة الاحقاف ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مادی و پدیر
 بجای آورد کرمانی کوبید با مادی و پدیر جهان کند و عجایب بسیار بنمید **سورة محمد** علیه السلام ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید
 اگر بخواب بنمید که سورة محمد علیه السلام میخواند دلیل که بدشمنان ظفر یابد کرمانی رحمه الله علیه کوبید از آفت و بلا امین کرد و
 جعفر صادق رضی الله عنه کوبید در جهان توفیق یابد **سورة الفتح** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الفتح میخواند
 دلیل که در همه باب اوراق فتح و نصرت باشد **سورة الحجرات** ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة الحجرات میخواند دلیل که
 مردم را با نقاب خواند و غیبت نکند کرمانی رحمه الله علیه کوبید که از آنسوی جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که با مردم پیوند و سورة
الذاریات ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنمید که سورة الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول کرد کرمانی رحمه
 الله علیه کوبید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که بروی روزی فراخ کرد و سورة **قاف** ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوبید اگر بخواب بنمید که سورة قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد کرمانی رحمه الله
 علیه کوبید که کارهای دشوار بروی آسان کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که از کسب و بهره یابد **سورة الطور**

سورة الصافات
سورة ص
سورة الزمر
سورة مؤمن
سورة فصلت
سورة حم عسق
سورة الر حرف
سورة الدخان
سورة الحاشیه
سورة الاحقاف
سورة محمد
سورة الفتح
سورة الحجرات
سورة الذاریات
سورة قاف
سورة الطور

ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الطور میخواند دلیل کہ بروشنی ظفر یا بدکرمانی رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ کہ حقتعالی
 جل و علا اور یاری دید جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ در مکہ مجاور شود سورۃ النجم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ
 سورۃ النجم میخواند دلیل کہ حقتعالی جل و علا در حجت بروی کشادہ کرواند کہ مانای رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ بروشنی ظفر یا بد جعفر صادق
 رضی اللہ عنہ کو بدید کہ حق سبحانہ و تعالیٰ اور السیر می صالح دید سورۃ القمر ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ
 القمر میخواند دلیل کہ بروشنی ظفر یا بدکرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ کارهای و شوار بروی آسان کرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید
 کہ جادو بروی کار نگیرد سورۃ الرحمن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الرحمن میخواند دلیل کہ از
 دروغ و حرام اجتناب کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ سیرت نیکو و راہ دین گزید جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ در دین جهان
 مال یابد و در آن جهان نعمت سورۃ الواقعة ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الواقعة میخواند دلیل کہ
 از کثافتان توبہ کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ در طاعت سبقت کند
 سورۃ الحجد بد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الحجد میخواند دلیل کہ روزی بر سنج و سختی یابد
 کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ راہ آخرت گزید و رضای حقتعالی آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ در راہ دین متجود
 کرد و سورۃ المجادلہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ المجادلہ میخواند دلیل کہ او را با زبان خصوصت
 افتد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ در راہ دین با خلق مجادلہ کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ با اہل خود خصوصت کند
 سورۃ الحشر ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الحشر میخواند دلیل کہ حشر وی با مخلصان باشد
 کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ صحبت او با بدیناران و اہل صلاح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ بروشنی ظفر یا بد
 سورۃ الممتحنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الممتحنہ میخواند دلیل کہ از آیش کار برستی کند کرمانی
 رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ صحبت او با اہل صلاح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ محبتی گرفتار شود و کہ ہلاک او در آن باشد
 سورۃ الصف ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الصف میخواند دلیل کہ در راہ خدای عز و جل غرا کند
 کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ پیوستہ در رضای خدا متعالی باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ آخر عمر شہادت یابد
 سورۃ الجمعہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الجمعہ میخواند دلیل کہ حق سبحانہ و تعالیٰ او را توبہ روزی کند
 کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ توفیق خیرات یابد سورۃ المنافقون ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ المنافقون
 میخواند دلیل کہ منافق باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ از منافقین توبہ کند سورۃ التغابن ابن سیرین رحمۃ اللہ
 علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ التغابن میخواند دلیل کہ صدقات بسیار و بدکرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ دستگیری
 ضعیفان بکند جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بدید کہ راست قول و مقیم احوال باشد سورۃ الطلاق ابن سیرین
 رحمۃ اللہ علیہ کہ یہ اگر کجواب بنید کہ سورۃ الطلاق میخواند دلیل کہ با زبان گفتگوئی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدید کہ سیرت

سورۃ النجم
سورۃ القمر
سورۃ الرحمن
سورۃ الواقعة
سورۃ الحجد
سورۃ المجادلہ
سورۃ الحشر
سورۃ الممتحنہ
سورۃ الصف
سورۃ الجمعہ
سورۃ المنافقون
سورۃ التغابن
سورۃ الطلاق

حق نکاه را در جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند **سورة التخریم** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 بنید که **سورة التخریم** میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید از حرام توبه کند و دور باشد
سورة الملک بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة الملک** میخواند دلیل که او را عذاب کور نباشد کرمانی
 گوید که عاقبتش محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد **سورة القلم** بن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بخواب بنید که **سورة القلم** میخواند دلیل که صدقه و غیر کردن دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید با همه کس احسان کند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خدای عزوجل او را علم روزی کند **سورة الحاقة** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 بنید که **سورة الحاقة** میخواند دلیل که فریضه های خدایتعالی بگذارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق گردید جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید که بر جاده شرع باشد **سورة المعارج** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة المعارج** میخواند دلیل
 که خیر و نیکی بسیار کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گردید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم امین گردد
سورة النوح بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة النوح** میخواند دلیل که توبه کند و عاقبتش محمود گردد کرمانی
 رحمه الله علیه گوید که نادیش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که معروف کند **سورة الجن** بن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بخواب بنید که **سورة الجن** میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن امین باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
 دیو و پری مضرت او را نرساند **سورة فصل** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة فصل** میخواند دلیل که
 نازش و دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد **سورة مدثر** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 بنید که **سورة المدثر** میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک و راه راست یابد **سورة الیقیم**
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة الیقیم** میخواند دلیل که شهادت از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تائب
 گردد **سورة الانسان** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة الانسان** میخواند دلیل که در ویشان را
 طعام دهد و رضای خستعالی عزوجل جوید کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر سخاوت و شکر نعمت توفیق یابد **سورة المرسلات**
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة المرسلات** میخواند دلیل که از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله
 علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد **سورة النبأ**
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة النبأ** میخواند دلیل که ترسکار و متوکل بود
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود **سورة النازعات**
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة النازعات** میخواند دلیل که
 بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت امین گردد و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید که دلش از مکر و حیلت و خیانت پاک گردد **سورة عبس** بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید

سورة التخریم
سورة الملک
سورة القلم
سورة الحاقة
سورة المعارج
سورة النوح
سورة الجن
سورة فصل
سورة مدثر
سورة الیقیم
سورة الانسان
سورة المرسلات
سورة النبأ
سورة النازعات
سورة عبس

که سوره عیس میخواند دلیل که بدو در وی ترش کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 که خیرات کند سوره التکویر بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره التکویر میخواند دلیل که از درویشم نرسد کرمانی
 رحمة الله علیه گوید که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه بنیرد این شود سوره الانفاطار
 بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الانفاطار میخواند دلیل که از خدا تعالی ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که
 وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سوره المطففین بن
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره المطففین میخواند دلیل که کیل و پیمان راست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که
 راستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با هر کس منصف بود سوره الانشقاق بن سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر کجواب بنید که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمال وی در دست راست وی دهند کرمانی رحمة الله
 علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امنا و صدقنا بروی آسان کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نسلش بسیار
 کرد و سوره البروج بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره البروج میخواند دلیل که در دنیا اندوختن
 باشد و عاقبت کارش محمود کرد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع الدرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 که از غمها فرج یابد سوره الطارق بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الطارق میخواند دلیل که او را
 فرزندی صالح آید کرمانی رحمة الله علیه گوید او را فرزندی خوب روی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل و
 خرم شود سوره الاعلی بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الاعلی میخواند دلیل که نتیج و تمیل بسیار خواند
 کرمانی گوید زبانش بذكر حق مشغول و جاری کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار و شوار بروی آسان کرد و سوره
 الغاشیه بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الغاشیه میخواند دلیل که از بول قیامت ترسد و توبه کند و از آن
 ترس این کرد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در رضای حق تعالی عزوجل ثابت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او
 بزرگ شد و سوره الفجر بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیک مشغول کرد و
 کرمانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هیت و سکوه او کم شود سوره الیل بن
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الیل میخواند دلیل که صدقه دادن بر او واجب باشد و دوست دارد کرمانی رحمة الله
 علیه گوید که با هر کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کجواب بنید که سوره الیل میخواند دلیل که از آفات و بلیات امین کرد و
 سوره الشمس بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره الشمس میخواند دلیل که بدوست او کاری فاسد رود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از لاء امین کرد و سوره اللیل بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که سوره اللیل
 میخواند دلیل که سایه از آفت نگیرد و زکوٰۃ نالد و سوره الضحی بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کجواب بنید که
 سوره الضحی میخواند دلیل که چیزی نخواهند کان بد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان را عزیز دارد

سوره التکویر
سوره الانفاطار
سوره المطففین
سوره الانشقاق
سوره البروج
سوره الطارق
سوره الاعلی
سوره الغاشیه
سوره الفجر
سوره الیل
سوره الشمس
سوره اللیل
سوره الضحی

سورة الم نشرح ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الم نشرح ميخواند دليل كه دشواري بروي آسان كرد
كراني رحمه الله عليه كويد كه كاروي بسته بروي كشاده كرد و جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه مراد و جهانى بايد سورة التين
ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة التين ميخواند دليل كه نيك سيرت و خوي و خوب كردار كرد و كراني رحمه
الله عليه كويد كه خير و منفعت بايد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه از بخشي فرج بايد سورة العلق ابن سيرين رحمه الله عليه كويد
اكر جواب بنيد كه سورة العلق ميخواند دليل كه حبيب سعاد و تعالى او را علم و قرآن روزي كند كراني رحمه الله عليه كويد كه عالم فصيح كرد و
جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه شواش و نيكو خصال بود سورة الفجر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الفجر
ميخواند دليل كه از دنيا برون برون و ثواب شب قدر يا بديكراني رحمه الله عليه كويد كه عيش و دراز كرد و مراد يا جعفر صادق
رضي الله عنه كويد كه جاه و قدرش عالي كرد سورة البقرة ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة البقرة ميخواند دليل
كه با ثواب از دنيا بروي كراني رحمه الله عليه كويد كه مردم را راه خير و صلاح دارد و جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه دين تاويل دارد
سورة الزلزلة ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الزلزلة ميخواند دليل كه اورا بكسي كاري افتد و عدل و
الضاف كيد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه قومي از كافران هلاك كند سورة العايات ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا ك
جواب بنيد كه سورة العايات ميخواند دليل كه اهل بيت او او دوست و ايد كراني رحمه الله عليه كويد كه بخوار و جعفر صادق
رضي الله عنه كويد كه شكر اكنه و منظر كرد سورة القارعة ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة القارعة
ميخواند دليل كه در قيامت ترازوي اعمال وي از كروانيك كران آيد كراني رحمه الله عليه كويد كه در كاخير كوشد جعفر صادق
رضي الله عنه كويد كه مردم را كرامت دارد سورة الشكاية ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الشكاية ميخواند دليل
كه زيارت جمعي صالحان كند كراني رحمه الله عليه كويد كه اورا با قومي دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه دست از دنيا
بدارد سورة العصر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة العصر ميخواند دليل كه در كارها
صابر و شكيبا كرد و كراني رحمه الله عليه كويد كه اورا زيان نرسد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه از تجارت كارتش
نيك شود سورة الهمزة ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الهمزة ميخواند دليل كه سخن بسيار
كويد و پيش مردم روشناس كرد و كراني رحمه الله عليه كويد كه مال حريص بود و از عاقبت نيند يشد جعفر صادق رضي الله
عنه كويد كه در راه خداي تعالى مال نفقه كند سورة الفيل ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الفيل
ميخواند دليل كه ظالم را ياري و يديكراني رحمه الله عليه كويد كه بر دشمن ظفر يا بد و مرادش حاصل كرد و جعفر صادق رضي الله
عنه كويد كه دست او فشي بر آيد و دشمن ظفر يا بد سورة القمر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة
القمر ميخواند دليل كه از ترس بيم اين كند و كراني رحمه الله عليه كويد كه بكسي صحبت دارد كه او را نصيحت كند و در راه دين جعفر
صادق رضي الله عنه كويد كه با خلق احسان كند سورة الماعون ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب

سورة التين
سورة العلق
سورة الفجر
سورة البقرة
سورة الزلزلة
سورة العايات
سورة القارعة
سورة الشكاية
سورة العصر
سورة الهمزة
سورة الفيل
سورة القمر
سورة الماعون

خوردیل بر ششم خدا تعالی بود و در رحمت افتد مگر توبه کند و در و ام غرق شود و از پادشاه زبان بنید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که سو کند راست خوردیل که اورا توبه باید کرد اگر نه و خطا تا رستگار شود و اگر بنید که سو کند دروغ خوردیل که در پیش تباہ شود
 و اعتقادش غلط پذیرد قوله تعالی و یحلفون علی الکذب و هم یعلمون مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سو کند
 بر است خوردیل که اندوه و مضرت بنید سوراخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوراخی بود و در آن سوراخ
 شد دلیل که از راز پادشاه آگاه کرد و اگر بنید که در اندام وی سوراخی بود و از آن خون میرفت دلیل که اورا زبانی رسد مغربی
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در شکم وی سوراخی بود دلیل که از عیال خود نا امین بود و اگر بنید که در سکنی سوراخ میکرد دلیل
 که در سہلانی پایدار بود و اگر بنید که در درختی سوراخ میکرد تا ویش بخلاف این بود و میسران گویند که بقدر آن سوراخ مال او
 نقصان شود حکایت در خبر است که مروی پیش امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ آمد و گفت بخواب دیدم که از
 سوراخی کوچک کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز بسوراخ رو نتوانست رفت گفت آن سوراخ و سرت
 و آن کاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نزد سوراخ و در حرف میم بایان کنیم سبب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 سبب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود و چون سرخ باشد منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از
 باز رکان بود و چون زرد و ترش بود دلیل بر بیماری بود و اگر بنید که سببی سپید بدو نیم کرد دلیل که شرکت با کسی که داور
 از وی جدا شود و اگر بنید که سببی سرخ از درخت باز کرد و خورد دلیل که اورا دختری آید که مالی رحمة الله علیه گوید سبب در خواب
 دلیل خیر بود و اگر سبب ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بنید که سبب شیرین بود دلیل خبر خوش شنود و انیال علیه السلام گوید
 اگر بخواب بنید که سبب داشت و خورد دلیل که نفع یابد و سبب همت بنید خواب باشد و شغل و صفت وی اگر پادشاه سبب
 بخواب بنید دلیل که مملکت یابد و اگر باز رکان بنید دلیل که تجارت نیک بود و جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید سبب در خواب
 بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم منفعت نسوم بیماری چهارم کینک پنجم مال ششم فرمان روالی هفتم همت خداوند خواب و خبر
 غایب و حاضر سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود و کرمانی گوید خوردن سیر در خواب
 خبر زشت بود که از پس مردم گویند اگر بنید که سیر نخورد دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی گوید که سیر در خواب بخورد و اگر سیر
 باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن سیر در خواب بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم کینک
 پنجم سختی دیدن سیر می ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خورد و خواب سیری بنید دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دشواری
 بود و اگر خورد اگر بنید دلیل که مصیبت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه کرد و نه سیر بنید زیرا که هر دو خلاف
 طبع اند و آنچه خلاف طبع بود از وی مزاج برنج آید سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سبزی داشت دلیل که ناوش بخورد
 یکی منتشر کرد و اگر بنید که در زمین او سبزه بود بوقت خورد دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بنید دلیل بر مضرت باشد
 سبکی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبکی در خواب مال حرام بود و اگر بنید که در میان سبکی شد دلیل که در رفته افتد

سورخ

سخت

سبب

سید

سج

سج

سج

و اگر بنید که سیکی میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام باید و اگر بنید که سیکی می بخشت و می خورد و دلیل که مالی حرام برنج و سختی بدست
 آورد و اگر بنید که در خانه سیکی بسیار داشت و دلیل که بقدر آن از دوستان منفعت یا بدکر مالی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که سیکی
 می آمیخت و میخورد و دلیل که مالی باید که بعضی حلال باشد و بعضی حرام بود و اگر بنید که سیکی می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و
 را بود و در سیکی خوردن چیز نباشد و الی را و دلیل بر عزل بود و سیکی خزانم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید سیکی در خواب
 بر سر وجه بود و سیکی مال حرام دوم تزویج کردن پیغم نعمت این جهانی و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنک فتنه
 طلب کند سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه کوید سیکی در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بنید که
 سیل را از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد و دلیل که دشمن ظفر باید و غم و اندوه و می کم شود و اگر بنید که سیل میسخت و دلیل
 که از دشمن بگریزد و کرانی رحمة الله علیه کوید سیل در خواب در و یا سردی غم و اندوه بود و دریا بکرم سیر دلیل بر
 منفعت بود و مغزلی رحمة الله علیه کوید اگر جهان پر سیل بنید و نداند که این سیل از کجاست و دلیل که حبس خانه و تعالی عذابی
 بدان دیار فرستد و تعالی فارسلنا علیهم الطوفان و بعضی از معبران گویند که چون خواب بنید که سیل جانی خراب
 میکند و دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم مصاویه بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن سیل در خواب بر چهار وجه
 بود و یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه شکر سوم شکر غایت چهارم بلا و فتنه سختی سیما اب ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر
 خواب بنید که در معدن سیما درون شد یا از آنجا سیما بر گرفت و دلیل که زلزله در کار بد افتد و اگر بنید که سیما بجز
 یا کسی داد و دلیل که از کوه حیات زن امین کرد و اگر بنید که در چشمه سیما غرق شد و دلیل که زنان بروی جاو و کنند و بیم
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوید سیما مردم باشند که در خواب بیم بنید و در بیداری بیم یابند و بسیار بود که در خواب
 بیم بنید و در بیداری غم و اندوه بود و بسبب طبیعت های مختلف کرانی رحمة الله علیه کوید بیم در دست و در خواب خبر راست
 باشد و بیم شکسته خبر دروغ باشد اگر بیم در کیسه بود و دلیل که کسی پیش او و بختی نهد و انیال علیه السلام کوید اگر کاسه یا
 آفتاب یا طشت سیمین خواب بنید که بی اندازه آلات سیمین بایست و دلیل که بقدر آن کنج باید و اگر بنید که از معدن سیم پاره
 بایست و دلیل که از آن دیار زنی خواهد و بیم پاره در خواب مردی بود که در حق او سخن راست گویند و سیمرخ ابن سیرین رحمة الله علیه
 کوید اگر در خواب سیمرخ بنید و دلیل که بامدی خوش طبع و بزرگواری دوستی کند و اگر سیمرخ ماده بنید و دلیل که زنی با جمال و خوروی بود
 و اگر بنید که سیمرخ با وی سخن گفت و دلیل که وزیر پادشاه کرد و اگر بنید که با سیمرخ جنک میکرد و دلیل که بامدی بزرگ خصوصیت کند
 و اگر بنید که گوشت سیمرخ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یا بدکر مالی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که سیمرخ ماده کشت
 و دلیل که در دشمنی دختر است مانند و اگر بنید که سیمرخ از دست وی پرید و دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بنید که بچه سیمرخ
 بگرفت و دلیل که او را فرزند از ابله میخورد و رحمة الله علیه کوید سیمرخ در خواب پادشاه بود و اگر بنید که سیمرخ در کوچه
 فرو آمد و دلیل که بچه سیمرخ را بگرفتند و دلیل که پادشاه اندام را بگرفت و اگر بنید که از سیمرخ عیتر سبب دلیل که پادشاه

سی

سیما

سیم

سیمرخ

اور اعطاء بدینہ ابن سیرین کو بدینہ در خواب شریعت بود و قوله تعالیٰ اقصیٰ شریعہ اللہ صلواتہ للاسلام
 اگر جواب بدینہ وی فراخ شد دلیل کہ کارهای وی ساخته کرد و او اگر بدینہ کہ سینه وی تنگ شد دلیل کہ در دینش خلل
 بود و اگر بدینہ کہ بر سینه وی خلی سبز نشسته بود دلیل کہ حق با وی کرامت کند و اگر بدینہ کہ بر سینه وی خلی کبود نشسته بود دلیل کہ در
 دین او خلل افتد و بی شهادت بمیرد و اگر بدینہ کہ از سینه وی ستره بود دلیل کہ وانش گذارد و شود مغربی رحمة اللہ علیہ
 کوید اگر بدینہ کہ سینه وی دم گرفته بود چنانکہ دم نتوانست زدن دلیل کہ دین و دنیا بروی کشاده شود و اگر بدینہ کہ سینه
 وی کرم بود و باقی اندام سر و دلیل کہ دل او متعلق کسی بود و انیال علیہ السلام کوید اگر بدینہ کہ سینه او تنگ بود دلیل کہ گدائی
 کرد و اگر بدینہ خود فراخ بنید دلیل کہ حرم و شاد کرد و بعضی متبرن کوید اگر کافر سینه خود فراخ بنید دلیل کہ مسلمان شود

فَقَدْ بَرَّكَ اللَّهُ أَنْ يَحْدِثَ بِهِ شَيْءٌ مِنْ صَدَقَ بِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَوَيْدِ بْنِ سَيْنَةَ وَرَخَابَ بِرَهْمَتِ
 وَجْهِ بُوَيْكِي عَمَّ وَكَلَّتْ دَوْمُ سَخَاوَتِ يَوْمَ إِيْمَانٍ جَاهِلٍ كَفَرٍ بِسُجُومِ إِيْمَانٍ شَتْمِ مَرْكَ تَهْتَمُ بِجَلِّ حَرْفِ الشَّيْنِ شَاوِي
 ابن سیرین رحمة اللہ علیہ کوید اگر شادی در خواب بنید غم و اندوه بود و اگر بدینہ کہ کسی شادمان شد دلیل کہ از آنکس غم
 اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و حرم بنید دلیل کہ حالش نیکو کرد و دو خاتش سعادت بود و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کوید
 اگر جواب بدینہ کہ بی سبی شادمان بود دلیل کہ اجلش فرسیده بود و قوله تعالیٰ حَتَّىٰ إِذَا فَرَغُوا مِنْ جَمْعِ شَاوِي
 شاد و روان ابن سیرین رحمة اللہ علیہ کوید اگر شاد و روان نو و فراخ در خواب کسره بود و دانست کہ ملک است دلیل کہ
 بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر در زیاید و اگر بدینہ کہ بشاد و روان باد و ستان در شمر خود یا جای بیکانہ نشسته بود دلیل
 بر مال و نعمت و درازی عمر و روزی بود و اگر بدینہ کہ در جای بیکانہ از بهر شاد و روان کسره بود و ندانند کہ شاد و روان
 از آن کیست دلیل کہ احوال بروی تغییر کرد و در عزت بمیرد و اگر شاد و روان کوید در خواب بنید دلیل بر روزی اندک و عمر
 کوتاہ بود و اگر بدینہ کہ شاد و روانی حمیدہ بر خود گرفته بود دلیل کہ از جای خود بجائی بیکانہ رود و اگر بدینہ کہ بر شاد و روان صوت
 مروی نکاشته بود و آن مردی شناخت و با وی سخن گفت دلیل کہ غم در او فروغ ستایش کند و اگر بدینہ کہ شاد و روان
 بنزدی کسی وادتا و پیش بد بود و انیال علیہ السلام کوید اگر بدینہ کہ شاد و روان کسره بود دلیل کہ بر روزی عمر و ساختگی کار بود
 و اگر بدینہ کہ شاد و روان کوید بود و در زیر او فراخ شد دلیل کہ روزی بروی فراخ کرد و اگر بخلاف این بنید دلیل کہ روزی او
 تنگ شود و اگر بدینہ کہ شاد و روانی فراخ کسره بود و برست خود در نوشت بکنج خانه نهاد دلیل کہ دولت و اقبال خود تباه
 کند مغربی رحمة اللہ علیہ کوید اگر بدینہ کہ شاد و روان کہنہ و وریدہ بود دلیل کہ بعشرت دنیا مشغول کرد و اگر بدینہ کہ شاد و روان سیاه
 یا کبود بود دلیل کہ غم و اندوه بود و اگر بدینہ کہ شاد و روان زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر شاد و روان سپید بنید دلیل بر نعمت و فراخی
 روزی ظالم بود و بمعین است رحمة اللہ علیہ کوید اگر بدینہ کہ شاد و روانی مجہول و در جای بیکانہی مجہول افکندہ بود دلیل کہ آنچه
 دارد از وانش برود و اگر بدینہ کہ شاد و روان معروف و در خانه کسی کسره بود دلیل کہ خداوند خانه را روزی و

سینه

شادی

شاد و روان

بنی

نه

سرمی

شاه و

شاه و

شاه و

نعمت بود و اگر بیند که در خانه محبوس نشود وانی انداخته بود و او بر آن نشسته بود و دلیل که بسفر رود و در آن سفر اقامت
 حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاد و روان و خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر تسویم منفعت چهارم معیشت
 شاخ ابن سیرین رحمه الله گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب دلیل بر برادران و فرزندان و خوششان بیننده
 خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و سبزه بود دلیل که خوششان او بسیار شوند و اهل بیت او بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف
 این بود و او پیش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود جدا شد دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور کند و اگر بیند که شاخ
 درخت وی خشک شد دلیل که از خوششان او یکی لاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود و او پیش دیگران باز کرد و کرمانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بیند که شاخ درخت خراب بوی دادند یا بیافت دلیل که او از فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی بخورد دلیل که بقدر آن مال از دست
 خور و شانه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب نسب نبود در دین او اتفاق باشد و اگر خواب بیند که
 سروریش را شانه میکرد دلیل که از نعمها فرج یابد و او امش گذارده شود و برادر برسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که
 ریش را شانه میکرد و یکسان موی برون می آورد دلیل که زکوٰۃ مال بدین مخرجی رحمه الله علیه گوید شانه در خواب بیان موافق در
 کار خیر باشد و موی را شانه کردن یا فتن مراد بود و شانه تراش مردی بود که غم و اندوه از دلش ببرد و او امش گذار و بعضی
 تعبیران گویند که مردم خبری باشد که از دیدن شانه چشم روشن گردد شانه آدمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شانه آدمی در خواب
 دیدن زن بود و اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی بخوابد و اگر بیند که شانه کاوا یا کوفته یافت هم او زنی حاصل شود و اگر
 بیند که دوش وی بشکست دلیل که دوشش بمیرد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و در کپا پدید بود دلیل که در آن سال رخ
 بسیار بود و اگر بخلاف این بیند یا او پیش بخلاف این بود و اگر بیند که در آن شانه سیاهی بود دلیل که در آن سال آفت و بلا باشد و اگر در آن شانه خرمی یا
 سیاهی بیند دلیل در آن سال زحما از آن باشد و اگر در آن زردی بیند دلیل بر بیماری بود و اگر کرباره او خطهای سیاهی بیند دلیل که در آن سال مرکب
 بسیار بود شاه رود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاه رود در خواب دلیل بر لهو و طرب دنیا و تنگ دروغ و محال بود و اگر بیند که شاه رود منور
 دلیل که بدروغ و ضاد دهد و اگر بیند که با شاه رود چنگ و چپانه و نای بود دلیل بر مصیبت بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود شکست
 یا بقیله دلیل که از تن دروغ تور کند مخرجی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود منور دلیل که بازنی بزرگ پیوند و از وی عز و جاه
 یابد شاه اسپر علم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه اسپر غم و خواب بر تنش وجه بود یکی غم و بزرگی دوم فرزند تسویم و دست چهارم تن خوش
 پنجم مجلس علم ششم نام نیکو و شاد و دج ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شانه این را گرفت یا کسی بوی داد
 و آن شانه این مطیع او بود دلیل که او را از پادشاه یا از بزرگی ظالم منفعت و جاه رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید شانه این در خواب
 مردی بسیار دان بود و اگر بیند که شانه این گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را بامردی و نا صحبت افتد و از وی خیر و
 منفعت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شانه این در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرزند

سیوم مال و نعمت چهارم قرآن را می‌نوشید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که شب تیره و ناخوش بود و تاویل آن غم‌نازده بود و اگر بخواب بنید که شب روشن و مهتاب بود دلیل که عیش و خرمی بود که می‌توانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در شب تیره و بی‌تاب و راه بروی مشکل بود و بی‌تاب راه راست میرفت دلیل که او را در دین استقامت بود و شب بیهوشی که از ناز و اکسید گویند دیدن آن در خواب غم‌نازده بود و خوردن آن دلیل بر هلاک بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر شب بیهوشی می‌توانی را روشن چون آفتاب درخشان بنید دلیل بر خیر و خوشبختی و کارهای وی بود و اگر خلاف این بود دلیل بر ضرر و نسیبی که کاره بود و شبان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که شبانی گاه و گاه سفید و اسب و خر و مانند آن کرد و هر چه پیرا تقدیر وی تاویل بود شبان اسب دلیل بر ولایت و بزرگی بود و شبان خر دلالت بر تحت کندی و شبان کاه دلالت بر سالت و نعمت و فراخی بود و شبان کوفه سفید دلیل بر روزی حلال و مال و نعمت بود که می‌توانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شبانی میگرد و در کمر از کله وی کوفه سفید را بود دلیل که پادشاه آن دیار را خطاب کند و احوال رعیت تباه کرد و دنیا را علیه السلام گوید شبانی که بنید که در دل که بعد از آن کوفه سفیدان اول جمعی هجران می‌نمود و اگر بنید که شبانی چیزی بودی و او دلیل که او را از بزرگی فایده رسد و نعمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شبان در خواب به وی ناصح بود و حافظ مال مردمان باشد چنانکه صداب کاره هر کسی باز نماید شب بازی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب بازی کردن در خواب به وی طرب و آه و خوش و محال باشد و اگر بنید که شب بازی با بریط و نای میگرد دلیل بر غم و اندوه بود شب مرکب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب مرکب در خواب مردی که راه و محروم بود و اگر بنید که شب مرکب داشت دلیل که او را با کمر ای محبت افتد و اگر بنید که شب مرکب بخورد دلیل که از کار آنکس بر نفع شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شب مرکب از درخت وی برید یا برود دلیل که از صحبت مردی که راه او را جدا می‌افتد و صلاح او در آن باشد شمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که شمش را بکشت دلیل که دشمن را فتنه کند و اگر بنید که شمش بکشد بود دلیل که دشمن او ضعیف باشد و اگر بنید که شمش بسیار بروی جمع شدند او را میگرد دلیل که در زبان مردم افتد یا او را نقصان مال بود اگر شمش خون مردم بخورد و در خون تبایل مال بود و شمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شمش جانوری بود که در تابستان در جابه شمش و پوتین افتد و تباه کند و بزمن بهم خوانند دیدن وی بسیار بود و اگر بنید که شمش جانوری بخورد دلیل که در مال او نقصان افتد و اگر بنید که شمش بسیار شمش تباه کرد دلیل که از خانه وی در چیزی ببرد اگر بنید که شمش را بکشت دلیل که در دریا که دو مال بسازد شمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که شمش داشت یا بخرد و سودا رخ کرده بود دلیل که او را دختری آید و اگر دختر نایب غناک شود و دیدن شمش بود و سیاه خری نبود مغربی رحمه الله علیه گوید شمش بسیار بخواب و دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و بعضی گفته اند که شمش زرد دلیل بر بیماری بود و شمش فتنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بکاری می‌شتافت دلیل که از آنکار پشیمانی یابد و اگر بنید که از آن پشیمان شد و شمش فتنه دلیل که در آن کار شتاب کند مغربی رحمه الله علیه گوید در همه کاری شمش فتنه دلیل در ناک بود و در نیک دلیل بر شتاب فتنه بود شمش النکب یافتن در خواب جنک و خصومت بود و اگر بخواب بنید که با شمش النکب بازی میگرد

شب

شب

شب

شب

شب

شب

شب

شب

شب

شرب

تیرگی

شمر

شستن

شست

شکسته

شعر

و بانگ و شغب میداشت دلیل که او را خصوصیت افتد و اگر بینکام بازی خاموش بود مال حرام یا بیهوشی شراب بن برین
 رحمۃ اللہ علیہ کو بد خوردن شرابهای که نطعم شیرین بود چون شراب سبب و شراب انار و شراب ترنج و مانند این برشش و جود
 یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمود از پنجم عیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابها یکله بوی آن برشش بود
 چون شراب ریواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم فائده بود اما شرابها که تلخ باشند
 چون شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب دلیل بر فائده دین و دنیا بود و اما شرابها یکله نطعم معتدل و
 خوشبوی بود چون شراب عمود و شراب بنفشه و شراب کل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خور می بود و ستایش
 کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد شرابها یکله از برای دار و خوردن در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بحجت دار و بکار نبردند
 دلیل بر صلاح و خیر دنیاوی کند شمرائی ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر خواب بنید که شرابی بخورد دلیل که کینک بخورد و
 معتبران گویند که شرابی در خواب خادم خانه بود و اگر بنید که شرابی وی شکست یا ضایع شد دلیل که کینک یا خادم
 بهیر و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بد و بدین شرابی در خواب برزد و بدی زن دوم خادم سوم کینک چهارم قوام دین
 پنجم صلاح دنیا ششم عمود از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زنان ششم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد
 شرم از ایمان باشد چنانچه حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود **الحياء من الايمان** مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد
 اگر بنید که در کاری شرم داشت دلیل که در آن کار خیر و صلاح بود و زیادتى ایمان و شرم داشتن از کاریکه در آن شرم
 فساد بود و دلیل بر نقصان ایمان بود شستن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن در خواب باب جوی و کاریز و حوض و دریا
 دلیل است بر نجات از غم و اندوه و اگر این خواب محسوس بنید دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر دام دارد و دامش گذارده شود و اگر
 بیمار بنید شفا یابد و اگر تن خود کام شست دلیل که کارش تمام شود و اگر مانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که مرده خود را شست دلیل که
 خویشان او از غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بنید که باب شور خود را می شست دلیل که برخی بوی رسد و اگر بنید که جامه پاک
 باب چرکین می شست دلیل بر تباہی کار و فساد دین بود و اگر بنید که باب سرد یا باب چرکین خود را می شست دلیل که توبه کند
 مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن باب سرد در چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم ایمنی از ترس و شستن باب گرم
 غم و اندوه بود و دست در وی شستن در خواب برشت و جود بوی حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چهارم حج پنجم دین
 پاک ششم رستن حاجت ششم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن در خواب شوی و گرمی بود و اگر بنید که شستن برود و او آن شخص معروف بود دلیل که از وی
 خرمی بنید و اگر شستن کسی را دلیل که خیر و انگیزساند مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که شستن غم یا بخت بخورد و اگر بنید که شستن
 مال حاصل کند شستن شراب ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن شراب با خشن و خواب بهتان بخشن دروغ بود و اگر بنید که شستن با خشن و بخل باطل
 کسی را کند و بهتان بنید اگر کسی را بنید که شستن می با خشن دلیل که خیر و مناعت کند و معتبران گویند شستن با خشن خیر و منفعت نبود شستن ابن سیرین
 رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که شستن را نعل میخیزد یا در کسی یا بجوی میخیزد دلیل که بخنی باطل گوید و توبه تعالی و الشراء یقتبهم الغاوان اما اگر توحید یا نعت

یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و بزرگ کار نشود شغال ابن سیرین را گوید اگر بید که طلب شغال میست و تخم بود و تخم است
 گرفت دلیل که بیمار شود و اگر بید که شغال با وی بازی کرد و لیل که بر زنی عاشق شود و اگر بید که گوشت شغال بخورد و دلیل که
 بیمار شود و شغال یا بید که و ام دارد و امش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب همه مال بود و شغال لو
 ابن سیرین را گوید شغال و در خواب اگر زرد بود و لیل بر بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر بید که شغال و
 شیرین بود و زرد نبود و کثیر باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شغال و در
 خواب بر پنج وجه بود یکی که کبک و دوم سپر نیوم علت چهارم مال تخم منفعت از قبل مودی غریب و اگر بید که استخوان شغال و
 بشکت و بخورد و تلخ بود و لیل بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود و دلیل که از مودی بی اصل بقدر آن مال و منفعت باشد
 شکا کردن ابن سیرین را گوید اگر بید که کوسفندان یا کاکو یا یا خور یا مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد
 همه دلیل نیکی بود و اگر بید که شکار بفکند و دلیل که غنیمتی یابد که مانی را گوید شکا یک بدم کیرند یا بجا طلبند و دلیل که زیان
 بود و بعضی معتبران گویند که شکار کیر در خواب چونید معاش بود و شکر ابن سیرین را گوید پاره شکو در خواب بخنی لطیف
 بود یا بوسه که کسی بدید چون فرزند و برادر و دوست و اگر شکر بسیار بود و دلیل بر مال و روزی حلال بود و مغربی رحمه الله علیه
 گوید شکر بسیار بگروه بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکر
 در خواب بر پنج وجه بود یکی تخن لطیف و دوم بوسه دادن نیوم منفعت چهارم فرزند آن تخم مال شکر گذاردن
 ابن سیرین را گوید اگر بید که شکر خدا تعالی گذارد و دلیل بر بدستی دین و قوت و جاه و مال و سعادت و وجهائی بود و قول تعالی
 لَئِنْ شَكَوْتُمْ لَا ذِيْقَدَّ لَكُمْ شَكْسْتَن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که چیزی بشکت دلیل که بقدر آن
 او را زیان رسد و اگر آنچه که شکت از آن دیگری بود و دلیل که مضرت آن بر بنده باز گردد و اگر بید که اندامی از اندامها
 وی بشکت دلیل بر غم و مصیبت خویشی که بدان اندام تعلق دارد و اگر بید که از آلات چون چپک و رباب و طبین و رمای
 چیزی بشکت دلیل بر خرمی بود شکم و تعبیر معتبران سه قول است و انیال علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید فرزند بود که مانی رحمه الله علیه گوید شکم در خواب دلیل بر خوششان باشد اگر بید که شکم وی بزرگ
 شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خوششان کند و اگر بید که شکم وی کوچک بود و از پوست وی چیزی نقصان شد
 دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بید که هر چه در شکم بود بجهل برین آمد و لبست و باز بجای نهد و دلیل که حال او
 نیک شود و مقصدش حاصل گردد و اگر مودی بید که از شکم وی فرزند می بیرون آید دلیل که از قبل وی کسی بدید که مل میت
 او را جاه و حشمت و بغیر این مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آسید بید دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را
 شکافته بید دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بید دلیل که او را از قبل عیال و ام افتد و اگر کسی از
 شکم خود موی سترده بید دلیل که بنجم گردد و او امش گذارده شود و اگر کسی بید که سودا خن در شکم داشت دلیل که

شغال

شکار

شکر

شکر

شکست

شکم

تسکینه

تسکینه

تسکینه

تسکینه

تسکینه

تسکینه

تسکینه

تسکینه

تسکینه

عیال مال و بنجر و جعفر صادق رضی الله عنه کو بد شکم در خواب بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزانه سوم نظام چهارم
 فرزنده شکم ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد شکم در خواب از جانوری که گوشت او حلال بود و دلیل بر مال حلال بود و اگر بد شکم
 شکم بر سر کین بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بد شکم بخت خور و دلیل که غیر و منفعت بیند شکم ابن سیرین رحمه الله
 علیه کو بد شکم در خواب دلیل بر خوری و بیاری بود و اگر خواب بیند که او را از شکم المی رسید دلیل بر این بود و اگر
 بیند که او را از شکم زحمت رسید تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را در شکم کرد و دلیل که از پادشاه گزند بیند
 شکم و در حتمان شکم در حتمان تا ویش بوقت خویش بهتر بود و شکم زرد تا ویش کمتر از سرخ و سفید بود و
 کلان در خواب عروسی نیکو بود و شکم در حتمان بهتر و کوتاهی و بلندی درخت سخن لطیف بود و قهقری رحمه الله علیه
 کو بد اگر بیند که بهنگام شکم در حتمان بخورد از گروسی که بدان در حتمان نسبت دارد سخن لطیف شو و از ایشان
 خیر و منفعت بیند اگر بیند که شکم می بود دلیل که مردم او را در حتمان و شکم بیند مثل شد ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد اگر بیند
 که اندامی از آن اویش شد و بکنج خانه افتاد و بود و نتوانست برخاست دلیل که از کارهای بد توبه کند و شتر خود را در حتمان
 باز دارد و اگر بیند خواب مفسد بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه کو بد اگر بیند که اندامی از اندامهای
 خسته بود دلیل آنکس از خوشی که بدان نسبت دارد و آفتی رسید شکم ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد شکم در خواب غم و اندوه
 بود و اگر بیند که شکم کسی داد دلیل که بدان کس راند مغربی رحمه الله علیه کو بد شکم بخت خواب به از خام بود و گاهی
 رحمه الله علیه کو بد اگر بیند که شکم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد شکم ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد
 شکم در خواب کینک عجیب بود یا زنی دون که بخوابد و اگر بیند که شکم او بنجر بد و پوشید دلیل که کینک عجیب بخورد و اگر زنی بیند که
 شکم پوشیده بود دلیل بر زنی متبهره بود و اگر بیند که او را شکم از خسته اند و دلیل که او را خادمی زیادت شود و اگر بیند که شکم او
 نوبت دلیل که خادمی نو یابد و اگر بیند که شکم او چرکین داشت دلیل که عقوبت از حق تعالی حل و علایا بقوله تعالی سبحان ابراهیم
 من قطران و تفتشی و جوهام النادر اگر بیند که شکم او سرخ و ریای داشت دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر بیند که شکم او زرد
 داشت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شکم او سبز داشت دلیل که مردم او را ملامت کنند و زنان را شکم او رنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شکم او
 نوخیز دلیل که شوهر کند و اگر بیند که شکم او می کشد دلیل که کینک یا خادم و بکر نیز و اگر بیند که شکم او زنی و ریای داشت دلیل که او را زنی
 خوری رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شکم او در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کینک سوم خادم خانه شکم او بیند
 دلیل بر عورت مردم بود و اگر بیند که شکم او بد سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکم قضیب کند و اگر شکم او بد کهنه بیند
 دلیل بر ضعیفی قضیب باشد شمار کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد اگر بیند که با کسی شمار میکرد دلیل که در
 محنت افتد مغربی رحمه الله علیه کو بد هر شمار که آسان تر بود محنتش کمتر بود تا ویش عدد و از یکی تا صد و هزار و حرف
 عین بیان خواهیم کرد و شمشیر دانیال علیه السلام کو بد شمشیر در نیام بودن زن باشد و بی نیام مال و خواسته

و فرمان روائی بود و اگر بنید که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و اگر بنید که شمشیر از نیام بیرون بود و او پیش
 همچنین بود و اگر بنید که شمشیر در نیام بود و نیام بشکست و شمشیر سلامت بود دلیل که فرزند سلامت بود و مادرش بمیرد و اگر
 بنید که شمشیر بر نه در دست داشت و بالابره تا یکسی زند دلیل از غنی اندیشیده بود که کسی کوید و اگر بنید که شمشیر یکسی زد و
 کار کرد و دلیل که زبان در حق آنکس کشاده باشد و اگر بنید که شمشیر یکسی زد و کار کرد و دلیل که آنکس که زخم خورده باشد
 نیش منقطع شود و اگر بنید که شمشیر در کون حمال داشت دلیل که ولایتی در کون او بود و اگر حمال شمشیر دراز بود دلیل
 که احتمال ولایت ندارد و اگر بنید که حمال شمشیر کوتاه شد دلیل که آن ولایت بدو سپارند و اگر حمال شمشیر کوتاه بود دست
 دلیل که آن ولایت از دست وی برود و اگر بنید که آنکه جنگ بود کسی از شمشیر زد و دلیل که آنکس شهید کرد و کوفی رحمة الله
 علیه کوید و اگر بنید که دست خود شمشیر از بخیه بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود فرمان روائی باید و اگر بنید که کسی او را شمشیر
 داد و دلیل که توانگر کرد و اگر بنید که شمشیر با نیام بود و بشکست دلیل که فرزند و مادر هر دو بمیرند و اگر بنید که کسی او را شمشیر زد و خون
 از وی روان شد و جامه وی آلوده گشت دلیل که او را به مال حرام نهد و اگر بنید که شمشیر از وی بسفید و دلیل بر عملی کرد و
 از وی بستانند و اگر بنید که شمشیر بر میان بست دلیل که عمرش دراز کرد و مغربی رحمة الله علیه کوید و اگر بنید که شمشیر از میان دست
 دلیل که کارش قوی کرد و اگر بنید که شمشیر از بلور داشت دلیل که از زنی بزرگ خیر یابد و اگر بنید که شمشیر از مرورید داشت دلیل
 که از عملهای اهل دین قوت یابد و اگر بنید که شمشیر از چوب داشت دلیل که کارش ضعیف شود و اگر بنید که شمشیر از سفال داشت
 دلیل که از زبان پادشاه قوت یابد و اگر بنید که نیام آن شمشیر شکست بود دلیل که یکی از اهل بیت او بمیرد و اگر بنید که شمشیر وی
 دور وی بود دلیل که کارش روان کرد و اگر بنید که شمشیر لاجور بود و دلیل که کارش پایدار باشد و اگر بنید که شمشیر او چون آینه بود
 و میدرخشید دلیل که از متهری نواخت و حرمت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید و دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند
 دوم ولایت سوم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر که در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان و ششم این
 سیرین که کوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر خواب بنید که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و عیش
 زیادت شود و اگر بنید که شمع افروخته در خانه خود نهاده بود و همه خانه از روشن بود دلیل که در آن سال نعمت بر وی فراخ گردد
 و تجارت وی روان شود و بعضی کوید که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر بنید که شمع افروخته او را داد و دلیل که عز و دولت یابد و اگر
 بنید که او را شمع با شمعان سبین بود دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر بنید که شمعان زرین بود دلیل که زنی از زوکیان
 پادشاه بخوابد و اگر شمعان از زرین بود دلیل که زنی از قبیل متوسط خواهد و اگر بنید که شمعان از مس بود دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر
 بنید که شمعان بر مس بود دلیل که زنی از اصل کبار خواهد و اگر بنید که شمعان از آهن بود دلیل که زنی از اصل قوی خواهد و اگر بنید که
 شمعان از خمال بود دلیل که زنی از مردمان عامه باشد کوفی رحمة الله علیه کوید و اگر بنید که شمع افروخته و بر دست داشت
 ناکاه بمردنش بمیرد و اگر بنید که شمع افروخته در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد بر او برود و اگر بنید که

روشنی شمع کم شد دلیل که عز و جاه و دولت او کم شود و انبیا علی السلام گوید اگر بنید شمع افروخته در دست درشت دلیل که
 اگر زن دارد و او را پسری آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بنید دلیل که پادشاه آنجا عادل و دادگر باشد و قاضی منصف
 و دانشمند و زاهد و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بنید دلیل که مردمان آن موضع بطاعت و تعظیم علم مشغول
 باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم فرزند چهارم عروس
 پنجم فرمانروای ششم متهرب هفتم سمرای هشتم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش و بازی دهم کنیز سیزدهم زن چهاردهم
 دلیل بر بنیده شنا کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شنا کردن در خواب در آب صافی طلب معیشت کردن بجدت
 و تدبیر بود و اگر بنید که در آب صافی شنا کرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که در دریا شنا کرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بنید که شنا کردن بروی آسان
 بود دلیل که کار وی آسان گردد و اگر بنید که شنا بروی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کنار دریا
 نمی دید دلیل که در حبس افتد و اگر بنید که آب غلبه کرد و او در میان آب ببرد دلیل که در دست خصمان ملامت شود و اگر بنید
 که در غرق شدن امان یافت دلیل که از دشمنهای این جهانی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بنید که آب
 بر زمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بنید که از زیر آب بر زمین آمد از غم فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که از دریا شنا و پیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از دشمنهای پادشاه خلاصی یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل
 که تا ویش باز نماند بود و اگر بنید که از روی بزرگ شنا و بکنار آمد دلیل که از دشمنی بزرگ رسته گردد و اگر بخلاف این بنید
 دلیل که در آن مثل بماند شکوف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شکوف در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که شکوف داشت
 دلیل که اندوه یابد و اگر خواب بنید که شکوف خورد دلیل که بیمار شود و اگر خواب بنید که بشکوف صورت می نکاشت
 دلیل بهو باطل و دنیا فریفته شود و اگر بنید که بشکوف چیزی می نشست اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر
 بخلاف این بنید دلیل که محضرت یابد شهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهادت بر می آورد دلیل که از غمها
 فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مصلح بود و بنید که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت
 مرگ شهادت یابد و اگر بنید که مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بنید که خواب مشرک بود دلیل
 که مسلمان گردد و عاقبتش بخیر بود شاه بلوط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاه بلوط داشت و بخورد دلیل که گمین
 گردد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاه بلوط داشت یا کسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد ششم
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهید با موم بود تا ویل میراث بود یا غنیمت حلال بود اگر بنید که شهید
 داشت دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهید داشت دلیل که بقدر
 آن علم و دانش حاصل کند و اگر بنید که از آن شهید مردم را میبرد و میخورد و نه دلیل که مردم از علم او فایده یابند

تشیع

شیع

شهادت

شاه بلوط

شهید

و اگر بخلاف این بنید منفعت نیابد و معبران گویند که شهید دلیل بر قرآن کند جعفر صادق رضی الله عنه که بید و خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهرستان اندر شد دلیل که دین وی استوار بود و عاقبتش محمود کرد و اگر بنید که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان و خواب بر منفعت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم طفره یا فتن هفتم دلیل بر استواری کار و ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در شهری شد دلیل که دینش قوی کرد و اگر کاری در دینش دارد تمام شود و بمراد برسد و اگر بنید که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر کسی خود را برکنکره یا بر روی شهر بنید دلیل بر هلاک او بود و اگر بنید که از شهری بشهری او را کرد دلیل که زن رطلاق دهد و زن وی شوی و دیگر بنید و اگر بنید که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بنید که از شهر مسلمانان بشهر کافران تحویل کرد دلیل که از دین راست بدین باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر برف و یخ بنید دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سرد سیر بنید دلیل بر فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بنید که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بنید که از روستا بشهری رفت دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بنید که از شهر بروستقا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی دَبْنَا آخِرَ حَيَاتِنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا و اگر در شهری کم شده بود تا ویش نیکو بود و اگر بنید که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و بلا افتد و اگر بنید که زنان در آن شهر رفتند دلیل که در آن دیار نعمت و فراخی بود و اگر بنید که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلامان یا پادشاه آنجا روند و بر آل آنجا ظلم و سب و اذیت کنند و اگر بنید که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش رود و اگر در خواب در شهری جانب شرق بنید دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی گوید اگر در خواب خود را بشهر هندوستان بنید دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهری ای ترکستان بنید دلیل که بدتر است از طفره یا بد و اگر خود را در شهری ای بلغاریه بنید دلیل که بدی و خیانت بود و کارهای بدی پوشیده کرد و اگر خود را در شهری ای ماوراءالنهر بنید دلیل که عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود را بخوارزم بنید دلیل که کارش بسته کرد و اگر خود را در شهری ای عراق بنید دلیل که دولت و کامرانی یابد و اگر خود را در شهری ای خراسان بنید کار او باسانی تمام کرد و اگر خود را در شهر فارس بنید دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را بشهری ای کرمان بنید دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهری ای حجاز بنید دلیل که حج کند و اگر خود را در شهری ایمن بنید دلیل بر سلامتی و ایمنی بود و اگر خود را در شهری ای مصر بنید دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهری ای آذربایجان بنید دلیل که در آن کارهای و بلا کنند و اگر خود را در شهری ای رینه بنید دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهری ای مغرب بنید دلیل که

تشیخ

تشیخ

گوید شیر از خواب غم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صعبتر باشد و اگر بنید که شیر از بغر و خنث یا کسی داد و از آن
 هیچ نخورد دلیل که خور می بنید کرمانی که گوید خوردن شیر از خواب سختی به بود که از آن بر بخند شیر و انیال علیه السلام گوید شیر
 در خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تا ویش بخلاف این باشد
 و اگر بنید که شیر تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بنید که شیر در پستان وی جمع شد دلیل که او فرزندی
 آید و اگر مردی بنید که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او فرزندی آید و اگر مردی بنید که شیر میدوشید و عوض وی شیر خون
 می آمد دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که از پستان خود شیر میخورد و دلیل که در کسب معیشت خود زیان کند و اگر مردی
 بنید که گوشت شده بود و شیر میخورد و دلیل که مراوش بر نیاید و اگر زنی بنید که گوشتی را شیر میداد و دلیل که از یاد شاه مال یابد
 و اگر زنی بنید که گوشت از شیر باز گرفته بود و باز شیر داد و دلیل که زیان کند کرمانی رحمه الله علیه گوید شیر چهار پایی شقی در
 مال اندک بود و اگر بخواب بنید که شیر کور خر میخورد و دلیل بر توبت و صلاحیت کند و اگر بنید که شیر شتر میخورد و دلیل که از بزرگی
 مال یابد و اگر بنید که شیر آهو میخورد و دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر بنید که شیر بز میخورد و دلیل که از زن مال و نعمت
 یابد و اگر بنید که شیر بک میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که شیر ببر میخورد و دلیل که از مردی بزرگ مال حرام یابد
 و اگر بنید که شیر کاه میش میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بنید که شیر خر میخورد و دلیل که بهار شود و شفا یابد و اگر بنید که شیر خرگوش
 میخورد و دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بنید که شیر خوک میخورد و دلیل که ابله و بی خرد گردد و اگر بنید که شیر و باه میخورد و دلیل که
 با کسی مکر و حیلت سازد و اگر بنید که شیر کرم میخورد و دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بنید که شیر کوسید میخورد و دلیل که
 مال حلال یا بدختر بی رحمه الله علیه گوید شیر دوشیدن در خواب از جانوریکه گوشت او حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و حیوانیکه گوشت
 او حرام بود دلیل بر غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر زنه و چه بود یکی روزی حلال دوم مال فرزندی
 یستوم غم و اندوه شیر بن سیرین رحمه الله علیه گوید شیر اگر در خواب خیر و منفعت دنیاوی بود و قوله تعالی یغاث
 الناس و قبله یعصرون اگر بنید که شیر انکوری فشر و دلیل که بپادشاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بنید که شیر تازه میخورد
 و دلیل که بقدر آن روزی حلال یابد و اگر بنید که شیر بطعم ترش بود دلیل که روزی برنج و مخمط آورد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که شیر داشت دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بنید که انکور و شیر می دوشید و تلف میکرد و دلیل که مال بسیار یابد و شیر
 هر چند که تازه تر و شیرین بود و منفعت آن بیشتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر چهار وجه بود
 یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوم علم و حکمت چهارم منفعت بی رنج شیر پنهان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 شیر پنهان در خواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بنید که کسی شیرینی بوی داد و دلیل که از آن گس روزی
 یابد و اگر بنید که شیرینی خورد و دلیل که منفعت یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید شیرینی در خواب کینزک نیکو بود و اگر
 بنید که شیرینی سفید بود دلیل که پارسا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر

شیر

شیر

شیر

نزد بود و دلیل که کنیزک با حقیقت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر برین خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم
 مال حلال سیوم علم و ادب و فرزندک و حکمت و ثنای نیکو چهارم کنیزک خوبروی شیر برین شیر برین که گوید شیر در خواب دشمن بود
 و اگر بنید که با شیر جنگ میکرد و دلیل که با دشمن خصومت کند و از هر دو آنرا که ظفر بود غالب او باشد و اگر بنید که بر اثر شیر گرفت
 و دلیل که از پادشاه تبرسد و اگر بنید که از شیر میکشید و شیر او را طلب میکرد و دلیل که از آنچه میترسد امین گردد و اگر بنید که گوشت
 شیر میخورد و دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن مظفر گردد و اگر بنید که گوشت شیر میخورد و دلیل که از پادشاه خلعت
 یا بزرگانی که گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بنید که از اندام شیر چیزی بیافتد یا کسی بوی داد و خورد و دلیل که از
 مال دشمن چیزی بخورد و اگر بنید که با شیر مجامعت میکرد و دلیل که از سخنهای بد بسته گردد و مراد یابد و اگر بنید که شیر را بر
 گرفت و دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بنید که شیر بر بادی مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خواری بنید و اگر بنید که شیر را پس او
 در آمد و از پیش وی بیرون شد و دلیل که از پادشاه او را مضرت رسد و انبیا علیهم السلام گوید اگر خواب بنید که سر شیر بیافتد
 و دلیل که پادشاهی یابد و اگر بنید که پادشاهی او را شیر داد و دلیل که پادشاهی خود بدو بدیال و لایق از آن خود او را پادشاه گرداند
 و اگر بنید که بر سر شیر نشست و دلیل که دولت و مرتبت او را زیادت کرد و دشمنی رحمة الله علیه گوید شیر بر خواب پادشاه بود و
 شیر ماده زن پادشاه بود و اگر بنید که شیر شیر میدیست و دلیل که دبیر پادشاه گردد و اگر زنی بر این خواب را بنید و دلیل که دبیر
 پادشاه شود و اگر بنید که شیر را بر پشت گرفته بود و دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بنید که شیر او را بگریزد و دلیل که از دشمنی مضرت رسد
 اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بنید که شیر او را در بر گرفت و دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بنید دلیل خشم پادشاه
 بود و اگر بنید که با شیر طعام خورد و دلیل که معتمد پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر
 بنید که گوشت شیر میخورد و دلیل که دشمن را باسانی بدست آورد و اگر بخلاف این بنید با دشمن بخلاف این بود و جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم مرد و لیر سوم دشمن قوی شیر خور شست ابن سیرین رحمة الله
 علیه گوید شیر خور شست در خواب روزی حلال بود و اگر خواب بنید که شیر خور شست جمع میکرد و دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بنید که
 شیر خور شست میخورد و دلیل که مال بر عیال نفقه کند و عوض باز یابد و اگر بنید که شیر خور شست داشت و دلیل که از مال زن چیزی بویسد
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر خور شست در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیوم کام دل یافتن شمشیر
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شمشیر و خواب زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زن آن کند و لیکن شتابش نباشد و اگر بنید که
 شمشیر خالی بود که بوی دادند و دلیل که زنی در ویش خوابد و اگر بنید که در آن شمشیر روغن گل و نفقش دلیل بر زنی دیدار
 باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن توانگر باشد و اگر بنید که از آن روغن چیزی بسازد و دلیل که از مال زن چیزی بویسد
 و اگر بنید که از شمشیر شرابی میخورد و چون شراب سبب و شراب انار و غیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد و مغربی
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که شمشیر آکینه داشت و سپید و پاکیزه بود و دلیل که زنی خوبروی و بار سازد و اگر بنید که شمشیر

شیر

شیر

شیر

بشکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر بنید که نشسته خنایع شد دلیل که زن رطابق و پادشاه اشعث رحمة الله علیه کوید که بنید که
 نشسته داشت و در وی حجاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی ساز کا خوش طبع خواهد و اگر حجاب ترش بود تا ویش بخلاف
 این بود و اگر بنید که نشسته چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوب روی خواهد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن نشسته در
 خواب بر سره وجه بود یکی زنی با جمال دوم کیزک سیوم خادم خانه **نشیط** دار و دست که در غرور آن هیچ ضرر نباشد
حرف الصاد صوابون ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی خواب ببیند که جامه خود را بصابون می شست دلیل
 که از کارهای بد باز گردد و اگر بنید که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کاردارد باز دارد و اگر بنید که صابون میخورد
 دلیل که مال حرام خورد و اگر بنید که صابون کسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دید که مانی رحمة الله علیه کوید اگر
 بنید که صابون بسیار داشت و جامه خود را بشست دلیل که او را خواسته حاصل کرد و اگر بنید که دست خود بصابون
 بشست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه کوید صابون در خواب خریدن بر از فروختن بود و اگر صابون
 سپید بود و از آنش بوی خوش می آمد بنیابت نیکو بود و صابون که زنی مهر بود و **صرافی کردن** ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید صراف در خواب عالم بود و اگر کسی خواب ببیند که صرافی میکرد و معبر نگاه کند تا سایل را چه مراد است اگر بنید
 مستور و دیدار بود دلیل که آنچه که موافقت دین بود آنرا اختیار کند و اگر سایل چیزی بفرشتن نداند تا ویش است
 که مردی مخیر باشد بخرافات مشغول بود و کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر خواب ببیند که صرافی میکرد دلیل که بنیانت نیست مردم
 مشغول بود و کوید صراف در خواب مردی خرافات کوی باشد که نه آن کند که از زبان دارد و **صبار و صج** ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که صبار و صج کرد دلیل که با مرد سخن لطیف کوید و صبار و صج کرد خواب مردی خوش بود و مغربی رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که صبار و صج کرد دلیل که آنکس را ادا کند و جعفر صادق رضی الله عنه کوید صبار و صج کردن در خواب
 بر سره وجه بود یکی سخن لطیف دوم ادا کردن سیوم رضای آنکس جستن **صاعقه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید صاعقه
 آتشی بود که از آبر جبهه اگر خواب ببیند که از آبر صاعقه افتاد دلیل که بقدر آن صاعقه عذاب خداست تا با اهل آن مقام رسد قوله تعالی
 وَیُنْزِلُ عَلَیْهَا حُسْبًا فَاَمِنْ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَبِغًا زَلَقًا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از ایشان رفع شود و کرمانی
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که آتشی از هوا نازل بر آن می بارید دلیل بر بلا و فتنه و خون رنجین از جهت پادشاه بود و کرمانی رحمة الله علیه
 کوید اگر بنید که صاعقه بقیاد او را بسوخت دلیل که از عقوبت پادشاه هلاک شود **صبح** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که صبح
 صادق بر مید و جهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را امینی حاصل شود و اگر بنید که بعد از صبح تاریکی پدید آمد تا ویش بخلاف
 این بود و مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که صبح دید و سرخ بود چنانچه زمین از عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل و خون رنجین
 شود و اگر آنکس صبح زرد بود دلیل بیماری بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن صبح در خواب دلیل بر قوت و صلح دین مردم آن دیار
 بود و صبح در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر بنید که صبح میخورد و دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر بخورد

نشیط

صافی کردن

صبار و صج

صاعقه

صبح

تا و پیش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه کوی صبر خوردن در خواب دلیل بر غم و اندوه بود که بوی رسد صحبت
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوی اگر صحبت با مردم مصاح و پارسانا میباشند دلیل بر دیانت و صلاح زندگی او باشد و اگر
 بخلاف این بیند دلیل بر فساد و تنباه کاری او باشد مغربی رحمه الله علیه کوی اگر بیند که همراهی با پادشاه میکرد و دلیل که از
 پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که همراهی با مردمی عالم میکرد و دلیل که علم و دانش یابد و کارش تنظیم شود
 و اگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد و توبه باید کرد و اگر بیند که با بنی سحر همراهی میکرد و دلیل که بدینا مضروب شود و سحر ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوی بدین سحر در خواب خرمی و نیکویی بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی سحر اگر سحرانی بی اندازه بیند و در آن
 خار و خس بسیار باشد و او در آنجا میبشت دلیل که او را با پادشاه شکر می ظالم صحبت افتد و مقرب وی شود و اگر سحرانی
 بیند که در سبزه بود و دلیل که با مردم فاضل و عالم صحبت افتد و فایده یابد و صحف ابن سیرین رحمه الله علیه کوی اگر خواب
 بیند که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند و دلیل که او را کسی راه صواب نماید و از خطا منع کند خاصه که از کتاب خواند و اگر بیند که
 صحف از ظاهر میخواند دلیل که صحبت او با مردم متفق و دریا باشد مغربی رحمه الله علیه کوی اگر بیند که مسلمانی مصحف و اگر صحف
 ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی بود و کبریا و جبهودان را دوست دارد و دلیل تمام با ایشان
 بود و صحیفه سه معنی دارد یکی نامه دوم کاغذ سوم پرده ابن سیرین رحمه الله علیه کوی اگر بیند که بر صحیفه چیزی بنویشت
 دلیل که میراث یابد و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی می نوشت دلیل که از مردمی دیدار با امانت چیزی یابد و اگر
 بیند که بر صحیفه خط سبز چیزی بنویشت دلیل که از نصیب زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی بنویشت دلیل که میراث
 نزد صدق کرمانی رحمه الله علیه کوی صدق در خواب زن بود و اگر خواب بیند که صدق داشت دلیل که زنی
 خواهد یا کنیز کی خرد و اگر بیند که صدق ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد و صدقه دادن خلاف است معتبر است
 درین ابن سیرین رحمه الله علیه کوی اگر خواب بیند که عالمی صدقه میداد و دلیل که از علم وی بمردم نفع رسد و اگر بیند
 که پادشاه صدقه داد و دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه وری صدقه داد و دلیل که شاکر و انرا کار آموزد
 کرمانی رحمه الله علیه کوی صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از رنج و سختی یابد مغربی رحمه الله علیه کوی اگر وام داری بیند که صدقه
 داد و دلیل که وامش گذارده شود و اگر بده بیند که صدقه داد و دلیل که آزاد کرد و اگر زندانی بیند که صدقه داد و دلیل که خلاصی
 یابد و اگر ملکی بیند که صدقه داد و دلیل که مسلمان شود و اگر بخل صدقه داد و دلیل بر سعادت و دجانی باشد صراط ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوی اگر کسی بخواب بیند که بر صراط ایستاده بود و دلیل که کارهای کج بردست وی راست کرد و زیرا که صراط راه راست است
 قوله تعالی وَ یُتَدِّیْ بِکَ صِرَاطًا مُسْتَقِیْمًا اگر بیند که از صراط گذشت دلیل که از بلای بزرگ و مرگ ایمن کرد و اگر بیند که از صراط درون افتاد
 دلیل که در رنج و بلا و مصیبت افتد کرمانی رحمه الله علیه کوی اگر بیند که از صراط گذشت دلیل که راه آخرت گزند و عمل صالح کند و صبر و صلو
 رضی الله عنه کوی بدین صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صعبی کار سوم ترس چهارم

صحب

صحا

صحب

صحب

صحب

صدقه

صحا

راحت از قبل سلطان پنجم کناه ششم اتفاق شد **صحنه** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه در خواب مادر پدر بود اگر کسی بیدنه که صنفه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل بر درازی عمر و سلامتی نفس مادر پدر باشد و اگر بیدنه که صنفه بنشیند و خواب شد دلیل بود بر پاک پدر و مادر مغربی رحمه الله علیه کو بیدنه که صنفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیدنه که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش بیمار شود و اگر مادر پدر ندارد دلیل که او را غم و اندوه رسد **صلوات** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه که خواب بر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم می افتاد دلیل که حاجت بایش روا کرد و روزی بروی فراخ کرد و حاجت کارش بسعادت بود مغربی رحمه الله علیه کو بیدنه که صلیوات بسیار می فرستاد دلیل که حج کند و اگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم را خواب بیدنه دلیل که مستهای پیغمبر صلی الله علیه وسلم بجای آورد **صمغ** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه که صمغ از درخت انجمن است که فضل آن خود و اگر خواب بیدنه که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر آن از فضل مال کسی بخورد و اگر بیدنه که صمغ بکسی داد دلیل که از فضل مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمه الله علیه کو بیدنه که صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مری بوی رسد که بدان درخت منسوب است چنانچه اگر صمغ با دام خورد دلیل که از مری بخیل منفعت یابد اگر صمغ زرد آلود خورد دلیل که از مری بیا منفعت یابد و اگر صمغ مغیالان داشت دلیل که از مری بیایانی منفعت یابد **صنخ** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه که صنخ در خواب کرد و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیدنه که در پیش او صنخ میزد دلیل که بدروغ و باطل رضا دهد و اگر بیدنه که صنخ یا چنک و چخانه میزد دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود که باطل آن موضع رسد و اگر بیدنه که صنخ بشکست یا بیداخت دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه کو بیدنه که صنخ زدن در خواب بر پنج وجه بود یکی خبر کرده دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه **صندل** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنای او کوید و اگر بیدنه که صندل سپید داشت دلیل که از مری بزرگوار عطا یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه کو بیدنه که صندل در خواب بر چهار وجه بود یکی ثناء آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود **صندوق** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه که صندوق در خواب زن بود و بعضی معبران گویند که عروجه بود و اگر خواب بیدنه که صندوق بزرگی نو بخرد یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن عروجه یابد و اگر بیدنه که صندوقی خنای شد یا بشکست دلیل که جاه وی کم شود مغربی رحمه الله علیه کو بیدنه که صندوقی پاکیزه داشت دلیل که زنی خوب روی و پاکیزه بود و اگر بیدنه که صندوق کهنه بود تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه کو بیدنه که صندوق در خواب بر سه وجه بود یکی عروجه جاه دوم بلندی قدر و مرتبت سوم زن بود **صورت** ابن سیرین رحمه الله علیه کو بیدنه که صورت خواب بیدنه که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که حالش بد آنکه دیده باشد بگرد و اگر بیدنه که بصورت

صفحه

صلوات

صمغ

صنخ

صندل

صندوق

صورت

ص

ص

ص

ص

ص

خود باز گشت دلیل که بخداوند تعالی باز کرد و در خواب صورت خود باز گوید بنید دلیل که هر کس روی از روی بگرداند
 منقری حرمه الله علیه که بیدار بیدار که صورت آدمی یا صورت جانوری شود دلیل که بدین بیدار و دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 که صورت در خواب کسی بیدار که بخداوند تعالی دروغ بگوید صوفی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چاه صوفی در خواب خبر و منفعت
 دنیا بود خاصه که مردم صلاح را و اگر بیدار که از بدن صوفیان بیرون آمد دلیل که میل و بخل و کراه بود و گویانی رحمه الله علیه که بیدار
 بیدار که صوفی شد و مرقع پوشید و در میان صوفیان مقام داشت دلیل که همین بیداری بیدار که بیدار که صوفیان او را از
 میان خویشین بیرون کردند و طیش بخلاف این بود و اگر بیدار که صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت و نفاق
 کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صوفی شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست از دنیا برداشتن دوم از خلق کناره
 گرفتن سوم پیوسته بعبادت مشغول بودن چهارم طمع کسی نداشتن صبیقل در خواب پادشاه بود و بعضی گویند
 وزیر پادشاه بوده و اگر بیدار که صبیقل میکرد اگر از اهل صلاح بود دلیل که پادشاهی یا بد یا مقرب پادشاه شود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صبیقل کرد در خواب مردی باشد که بدست خود حق از باطل جدا کند صیغی ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید صیغی آلت زن خادمه بود و اگر صیغی روشن و پاکیزه بنید دلیل که زن خادمه با جمال بود و اگر تیره
 بنید دلیل که زن خادمه زشت روی بود و اگر بیدار که آلات صیغی داشت یا فرا گرفت دلیل که زنی خادمه بخانه آورد
 یا کنیز یا زن بمیرد یا بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید صیغی آلت در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه دوم
 کنیز سوم منفعت از زنان **حرف الصاد** ۴ **ضرای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ضرای در خواب خبری
 باشد که سخنان خود را بیارید و بفرز باز گوید و اگر خواب بیدار که ضرای میکرد دلیل که سخنی خدایی اصل بیارید و لطیف و
 شیرین بگوید و اگر بیدار که مردم در وی میزد دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش بود که مردم از آن سخنان برنجند ۵
ضعیف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیدار که سروی ضعیف شد دلیل که قدر و
 جاهش کم شود و اگر بیدار که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بیدار که گشت وی ضعیف شد دلیل که زلزل یا فساد
 بیار شود و اگر بیدار که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیدار که دینش ضعیف شد دلیل که سخنان باطل بگوید
 و اگر بیدار که گردش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیدار که تنهای وی ضعیف شد دلیل که غیبت مردم کند و اگر بیدار که
 دست وی ضعیف شد دلیل که زلزل رخور شود و اگر بیدار که ساعدش رخور شد دلیل که مادر یا فرزندش بیمار شود و اگر بیدار
 که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای او محال گردد و اگر بیدار که پستان او ضعیف شد دلیل که پستان او واری دارد و اگر
 بیدار که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیدار که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پای
 او باشد ضعیف گردد و اگر بیدار که سرن وی ضعیف شد دلیل که حال مہتری از خویشان وی بد کرد و اگر بیدار که
 ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی بیمار گردد و اگر بیدار که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او

نقصان پذیرد و اگر بنید که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوگمین کرد و ضعیف است زینهار مالک بود اگر بنید که در زمین خود تخم میکاشت دلیل که الحش نیکو باشد و اگر بنید که ضعیف وی بوقت خود رسته بود دلیل که در راه دین نیکو باشد و اگر بنید که جمیع ضایع خود بفرخت و بهیاست دلیل که در سرک و غم افتد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر بنید که ضایع خود آبادان میداشت دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بنید دلیل که او نقصان مال بود و اگر بنید که پس ضایع او را خواب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد حرف الطاء : طاس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید طاس در خواب زن خادمه بود و یکینک خدمت خانه کند اگر بنید که طاسی داشت یا کسی بوی داد و دلیل خانه بخانه آورد و یکینک کی خبر داد اگر بنید که طاس وی بشکست دلیل که آن زن از وی جدا شود یا بهی و کرانی رحمه الله علیه گوید طاس در خواب یکینک با سیرت بود و اگر بنید که طاس آب بوی داد و بجزر و دلیل که او از فرزندی آید و اگر بنید که طاس بشکست و آب بماند دلیل که یکینک بمیرد و فرزندی که باشد بماند و اگر بنید که آب ریخت و طاس بسلامت بود دلیل که فرزند بمیرد و یکینک بماند جعفر صادق گوید که طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم یکینک سوم فرزند چهارم منفعت از زنان طالع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که طالع بدو دادند تا خزانه خود محصر کند دلیل که عز و جاه و شرف یابد زیرا که تاویل طالع بهتر و قوی تر از انکشتن بود کرانی گوید اگر بنید که پادشاه یا امیری طالع بدو دادند که خزانه را بهر کند دلیل که مال خود بدو بسیار رود و اگر بنید که سزاوار نبود دلیل که بقدر خود و بزرگی یا بجعفر صادق گوید و بدین طالع در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی و جاه دوم خزانه سوم مال جمع کردن طاعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که طاعون دلیل بر فتنه و بلا باشد و اگر جواب بنید که برتن وی علت طاعون بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمه الله علیه گوید طاعون در خواب خبک و کارزار بود و طاعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید طاعون در خواب پادشاه عجم بود و اگر بنید که طاعون نزد داشت دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر بنید که طاعون ماد بود و دادند که ملک است و دلیل زنی عجمی بزرگ با جمال خوابد و از مال و فرزندان حاصل کند کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که طاعون با کبوتر زنجبیل شد دلیل که تواند کی کند و انیسال علیه السلام گوید که طاعون در خواب زنی مفیده بود و اگر بنید که طاعون زرباوی سخن گفت دلیل که او لاتیا یابد و اگر بنید که تدزو و طاعون با هم بودند دلیل که بیکانه با عیال افساد کند و اگر بنید که طاعون از خانه وی بر پید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بنید که طاعون را بکشت دلیل که از دختر می دوشیزگی بستاند و اگر بنید که طاعون در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بنید که بچه طاعون را بکرفت دلیل که او را دختری آید و اگر بنید که طاعون نراز دست وی بر پید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاعون در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزینة و مال طمع در خواب مردی حلیس بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که طباخی می کرد و آن طبخ بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بنید دلیل

ضایع

طاس

طالع

طاعون

طاس

طاعون

طریق

طریق

طریق

طریق

طریق

طریق

طریق

که حضرت یاب طریق ابن سیرین رحمه الله علیه کو طریق در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت نشاندی و هر که در یار بنشیند
 کرد و او اگر بنید که طریق بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خامی حاصل آید و اگر بنید که طریق لشکرت دلیل که خادم او میگرد
 کرمانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید طریق در آتش افتاد و بسوخت دلیل که کنیز کی و یا پستش باشد و بیاطاعت و سرسام
 گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن طریق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کنیزک سوم نایب
 چهارم بدیه طریق ابن سیرین علیه الرحمه کوید طریق در خواب سخن دروغ و باطل بود و اگر بنید که باطل نامی و رقص بود دلیل
 بر غم و مصیبت باشد و اگر بنید که طریق مفرد و ند دلیل که سختی باطل کوید یا چیزی مشهور بدو رسد کرمانی رحمه الله علیه
 کوید اگر بنید که طریق میزد دلیل که کاری باطل کند و طریبال در خواب مردی بود که دروغ آراسته کند طریق ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوید اگر بنید که طریق بیایر علاج کرد و درست شد دلیل که یکی را از راه فساد برادره صلاح آورد و اگر بنید که بیماری
 بر آنکس صبر نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که مردم را در داد و نافع آمد دلیل که علم کوید و پند دهد و مردم نهدی
 پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر در وی وی نافع نبود تا ویش بخلاف این بود و طریق کرون در خواب مردم مصالح با
 دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد اصلاح تن و کسب محبت بود و طعام دانیال علیه السلام کوید هر طعام و شراب
 که از آید به باشد تا ویش بد بود مگر یا بوده و غیره زیرا که جواهر حلوا از اصل روغن و انگبین باشد و این هر دو در تا ویش
 مال بود ابن سیرین رحمه الله علیه کوید هر طعام که بخوردن دشوار و بهمه باشد یا تا ویش سخت و اندوه بود و هر چه در
 باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود کرمانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که طعام از زرد و سبز و دلیل بر زبان
 مال باشد و اگر بنید که طعامی در خانه داشت و همه بخورد دلیل که عمرش بسزاده باشد و اگر بنید که چندان طعام بخورد که طاقت
 نداشت که بر خیزد دلیل بر مرکب وی بود و اگر بنید که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام کران شود و جعفر صادق رضی الله عنه
 کوید اگر بنید که در پوشی را طعام داد و دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته کرد و اگر بنید که کافر به طعام داد و دلیل که در کاف
 دشمنان خستنی او را یاری دهد و طعمه نیزه زدن بود و اگر بنید که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی درون شد دلیل که این
 کس بقدر آن زخم و شمشیر این کس در دل دارد و مغربی رحمه الله علیه کوید طعمه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد و اگر
 بنید کسی را طعمه زد و جای او را خست دلیل که از سخن وی که در حق وی بگوید او را و حاصل آید و اگر در دنگرد و تا ویش
 بخلاف این بود و طلاق ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زن را طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل
 که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود و بغیر این زن دلیل که شرف و جاه بعضی نقصان پذیرد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بنید که زن را طلاق داد و دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و خلق کردن
 در خواب تو انگری بود قوله تعالی وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللَّهُ كَلَامًا مِنْ سَعْنَةٍ طالع ابن سیرین رحمه الله علیه کوید طالع بار
 خراب بود و اگر بنید که یک طالع یا دو یا سه فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بنید که طالع خور و دلیل که مال و نعمت

بسیار حاصل کند و اگر بنید که طلوع بسیار داشت و از آن میخورد و کسی بنید و دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خستند
 شود و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید طلوع در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم شدن مال
 بنسب طلق ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید طلق اندک مایه سختی بود و در کار کارزار بریا که چهاروی از سنگ است
 اگر بنید که از جانی طلق بسیار جمع میکرد و دلیل که او را بکار و حیلت از سفر مال حاصل کرد و مغربی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید
 که طلق محلول بر تن بالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج نبوی رسید دلیل که شریک پادشاه از وی دفع شود و اگر
 بنید که طلق میخورد و دلیل که مال بسج سختی حاصل کند و اگر بنید که طلق از وی ضایع شد و دلیل که مالش تلف شود و طلق بود
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در خانه و منزل خود طلق میزد و دلیل که در آنجا غم و مصیبت بود و اگر بنید که طلق زدی
 شکست دلیل که توبه کند و اگر بنید که طلق میزد و دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بنید که او از طلق نور می شنید دلیل
 که بسجن باطل شنیدن رضا در طوطی ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود و اگر کسی بخواب
 بنید که طوطی از دست وی برید دلیل که فرزند یا غلام او بضرر رود و اگر بنید که طوطی مادی سخن گفت دلیل که سخنی کوبید یا
 کاری کند که مردم را از آن عجب آید و طوطی ماده و دختر و شیر و بوی و طوطی زمرودی پاک دین بود یا غلامی جلد یا پارسا
 بود و اگر بنید که طوطی ماده را بکشت دلیل که دو شیر کی و دختر کی برود و اگر بنید که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد
 دلیل که او فرزند می آید که در شان وی بخنان ناخوش کوبید جعفر صادق رضی الله عنه کوبید دیدن طوطی در خواب بر سه
 وجه بود یکی فرزند و غلام دوم دختر و شیر و سوم شاکر و پارسا طوقی ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در کردن او
 طوق بود از زیر یا از سیم دلیل که بقدر آن ولایت یابد و در آن انصاف نکند و اگر بنید که از آن بن بود دلیل بر بی امانتی
 و فسادین بود و کرمانی رحمه الله علیه کوبید اگر طوق در کردن خود بنید دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمه الله علیه کوبید اگر
 در کردن خود طوق ز سیرین بنید دلیل که ولایت یابد و اگر از مس یا از آن بن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر
 صادق رضی الله عنه کوبید دیدن طوق در کردن در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم خدمت چهارم نامت
 پنجم غلام ششم کنیز و اگر طوق در کردن اسپ خود بنید دلیل که از پادشاه مال و بزرگی یابد و طلیسان ابن سیرین رحمه
 الله علیه کوبید طلیسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بنید که طلیسان نو و پاکیزه بود و دلیل که قدرش بیک بود و اگر بخلاف این
 بنید دلیل که قدرش کم شود و اگر بنید که طلیسان بر بر یا بوخت دلیل که عزیزی از آن او میرود یا الیه السلام کوبید دیدن طلیسان
 در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بنید که طلیسان پاکیزه بود و دلیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود و دلیل که امانت در
 کردنش بماند و اگر بنید که طلیسان زرد بود و دلیل که او را غمی سخت افتد مغربی رحمه الله علیه کوبید طلیسان سپید در خواب فرزند
 مصلح بود و اگر سرخ بود و دلیل که فرزندش معاش و طرب و دوست دارد و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب بود
 جعفر صادق رضی الله عنه کوبید دیدن طلیسان در خواب بر ده وجه بود یکی عز و جاه دوم ولایت سوم فرزند

کالت

کلت

کلی

کلی

کلی

تجسم

تجسم

عاج

سیرت

عاشق

عالم

عبادت

چهارم دولت تجسم نیز که ششم مال ششم منفعت ششم علم ششم دین ششم شمشیر حرف الظاء به ظلم کردن ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بنید که بروی ظلمی رفت دلیل که بر ظلم کند نصرت یابد و اگر بنید که او بر کسی ظلم کرد دلیل که آن کس بروی ظلم یابد
و اگر بنید که پادشاه بروی ظلم کرد دلیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بنید که او بر پادشاه ظلم کرد دلیل که از پادشاه نصرت
یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بنید که بر بیکار ظلم کرد دلیل که آن بیکار در نصرت کند و اگر بنید که بزرگ
ظلم کرد دلیل که از خواجه او را بلا محنت رسد ظلمات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در ظلمات بود و پرورش نائی بدل
شد دلیل که راه دین بروی کشاده کرد و کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در ظلمات بود و پرورش نائی آمد و باز در ظلمات رفت
دلیل که منافق باشد قوله تعالی **وَإِذَا الظَّالِمُ عَلِيمٌ قَامُوا وَكُلُوا شَاءَ اللَّهُ** الا یہ مغربی رحمة الله علیه گوید ظلمات در
خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که در دیاری ظلمات ظاهر شد دلیل که در آن دیار غم و اندوهی صبر یابد آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم تحمیر سوم فرو بستن کار و چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر
تو اگر بنید که بدرویشی آمد دلیل که مال زیادت شود و اگر درویشی بنید که بتواکری رفت دلیل که کارش بد بود حرف
العین ۴ **عاج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عاج و خواب دولت بود و اگر بنید که عاج داشت دلیل که از
پادشاه مال یابد و اگر بنید که عاج از وی ضایع شد دلیل که مالش ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که عاج در
صندوقی داشت دلیل که یکی از خویشان وی زنی بزرگ خواهد و اگر بنید که دو اتی از عاج داشت دلیل که پادشاه او را
کیزی عطا و بدو جاه یابد و اگر بنید که عاج بشکست یا ضایع شد دلیل که زن یا کنیزک او پاک کرد و هر خدی که عاج سپید
و پاکیزه تر باشد مال بیشتر بود عاریت کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر
آن چیز از نوعی بود که دوست دارند دلیل که ثابت شود و اگر چیزی بود که دوست ندارند تا ویش بخلاف این بود
عاشق ابن سیرین را گوید اگر خواب بنید که عاشق است و حریص بود دلیل بر فساد و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و
خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بنید که کسی خبر وی عاشق شده بود و اگر در آن عشق نیت حرام بود دلیل
بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود دلیل بر خیر و صلاح بود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بنید که از
معشوقی کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و عالم اگر بنید که عالم یا فقیه شود و اصل جابل بود دلیل که مردم سخن کنند
و در زبان مردم افتد به بدی و اگر عالم یا فقیه بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بنید که قاضی یا حکیم یا خطیب بود یا
عالمی زنده یا مرده از معنی بگذشت که در آنجا ترس یکم بود دلیل که مردم آموخت از ترس و بیم امین شوند و پادشاه ایشان عادل
کرد و کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که مردم را علم میفت اگر از اهل علم نبود دلیل که از آن دیار بگریزد و اگر عالم بود دلیل که عزو
جاه یابد و اگر بنید که علم فتن عطا بستد دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب بر چهار
وجه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خطیب عبادت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که

بضاعف لمن یشاء و اگر عدد دویست بنید دلیل که دشمنان بروی ظفر یابند و اگر عدد سه صد بنید دلیل که بروز کار
 ماروش حاصل شود قوله تعالی وَلَکُمْ فِی کُلِّ شَیْءٍ حِکْمٌ ثَلَاثَ مِائَةِ سِتِّیْنِ وَأَرْبَعَةَ وَتِسْعًا و اگر عدد چهار صد بنید دلیل که دشمنان
 ظفر یابند چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خیر الحیوش اربعه الف یعنی بهترین خوابها چهار صد و بهترین لشکرها
 چهار صد هزار و اگر عدد پانصد بنید دلیل که کارش موقوف باشد و اگر عدد شش صد بنید دلیل که شاد شود و بمقصود رسد و اگر
 عدد هفت صد بنید دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت بر آید و اگر عدد هشت صد بنید دلیل که دشمن ظفر یابد و اگر عدد
 نه صد بنید دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد دویست بنید دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالی وَإِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ
 أَلْفٌ یَتَّبِعُوا أَلْفَیْنِ یَا ذِی الْعَرْشِ وَ اگر عدد دویست بنید دلیل که بد باشد و اگر عدد سه صد بنید دلیل که بر فیروزی بود قوله
 تعالی وَیُثَلِّثُکَ الْاَکْفِی مِنْ الْمَلَائِکَةِ مُنْزَلِیْنِ و اگر عدد چهار صد بنید دلیل بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد پنجاه
 بنید دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شش صد بنید دلیل تاویل دارد و اگر عدد هفت صد بنید دلیل که کارهای او
 کشاده گردد و اگر عدد هشت صد بنید دلیل که کارش بنظام شود و اگر عدد دویست بنید دلیل که بد باشد و اگر عدد دویست
 بنید دلیل که نصرت و فیروزی بود و اگر عدد سیصد بنید دلیل تاویل دارد و اگر عدد سیصد بنید دلیل که نصرت و ظفر
 بد رنگ یابد و اگر عدد چهل صد بنید دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه صد بنید دلیل که برکت و سخنی و عجز فرموده شود
 قوله تعالی وَفَقَدْ آتَاهُ خَمْسِیْنِ أَلْفَ سَنَةٍ و اگر عدد شصت صد بنید دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد هشتاد
 صد بنید دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد صد بنید دلیل که کارها بروی پوشیده گردد و اگر عدد نود و نه صد بنید دلیل
 که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد صد صد بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی وَلَوْ سَلَوْنَا إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ یَزِیدُ
 عَدَسٌ مِیْرَانٌ زِدْنَا ذِی الْعَرْشِ خَلْفَهُ ابْنِ سِیرِیْنِ رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ کَیْوَیْدُ خُورْدَنِ عَدَسٍ وَ رِخْوَابِ نِکِیْسَتِ زِیْرَاکِ
 حضرت ابراهیم علیه السلام او را دست دینی که مانی رحمة الله علیه کوید خورون عَدَسٍ وَ رِخْوَابِ نِکِیْسَتِ زِیْرَاکِ چنانکه چون نامی امیر
 را از من بملومی ملال گرفت از حق جل و علا عَدَسٍ و سِیرِیْزِیَا خُورْدَنِ رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ کَیْوَیْدُ خُورْدَنِ عَدَسٍ وَ رِخْوَابِ
 مال بود که از زمان بوی رسید خاصه که نخسته بود و اگر خام بود دلیل بر نصرت و اندوه باشد عَرَاوَه ابْنِ سِیرِیْنِ رَحْمَةُ اللهِ
 علیه کوید اگر بنید که عَرَاوَه در دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران را سخت دشمن دارد و اگر بنید که عَرَاوَه در شهر مسلمانان
 می انداخت دلیل که درین مسلمانان دشمنان ناموار کوید و باشد که اهل اسلام را دعای بد کند و اگر بنید که عَرَاوَه می انداخت
 دلیل که اهل آن موضع را غیبت کند یا دشنام دهد عَرَشِ ابْنِ سِیرِیْنِ رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ کَیْوَیْدُ عَرَشِ ابْنِ سِیرِیْنِ
 بزرگ یا مال خواسته بسیار بود و اگر بنید که عَرَشِ آراسته بود دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و
 عزت و نصرت یابد و اگر عَرَشِ را حقیر بنید دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر عَرَشِ را بر عَرَشِ نشسته بنید دلیل که او
 بامردی بزرگ پیوندد و از وی حرمت و جاه میبرد و اگر بنید که از عَرَشِ بزرگ آید تا ویش بخلاف این بود و جعفر

ع

ع

ع

صادق رضی الله عنه کو بدیدن عرش و در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفت سوم مرتب چهارم عزت پنجم
 بزرگواری ششم عمر ابن سیرین رحمه الله علیه کو بدید اگر کسی بخواب بیند که عرو داشت دلیل که بامردی اصل او را صحبت افتد و عرو
 عرو بتاویل بروی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی بخواب بیند که عرق او تن وی روان شد دلیل که بقدر عرق
 و پرازیان افتد خاصه اگر عرق وی بزین میچکد ابن سیرین رحمه الله علیه کو بدید اگر کسی بخواب بیند که جامه وی از عرق تر شد و بود
 دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود بخورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق سپید بود و بوی خوش داشت
 دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود و کرمانی رحمه الله علیه کو بدید عرق کردن و در خواب دلیل حاجت
 روائی کند و اگر بیند که عرق میکرد دلیل که حاجتش روا شود و اگر بیا بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین
 رحمه الله علیه کو بدید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخوابد و لیکن او را ندید و مالش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود
 و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی نجفت دلیل که بزرگی یابد و چیزی که ملک او نباشد ملک او شود و کرمانی رحمه الله
 علیه کو بدید عروسی که در آنجا چنگ و چخانه و نای باشد دلیل بر مصیبت بود و مغربی رحمه الله علیه کو بدید اگر کسی بخواب بیند
 که عروسی شد و او را بنزد شوهر می بردند دلیل که عمرش با خور رسیده باشد و اگر بیند که شوهر او را بستد و با وی نیکی کرد دلیل
 که چیز و منفعت یا بد عزل دور کردن از کاری بود و اگر بیند که پیر را معزول کردند دلیل که خواری و بخیختنی یابد
 و اگر بیند که جوانی را معزول کردند تا ویش بخلاف این بود و کرمانی رحمه الله علیه کو بدید اگر بیند که بهتر پیر را معزول کردند
 دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد دلیل بر کسب معیشت کند تا ویش نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش
 عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست از بیدی کوتاه کند و راه صلاح کیه و عسس ابن سیرین رحمه الله
 علیه کو بدید اگر بیند که با عسس میشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل که او را چیز و منفعت رسد و اگر بخلاف این
 بیند دلیل بر شرف و مضرت بود و اگر بیند که عسس او را گرفت و کز نذر رسانید دلیل که از مردم پادشاه بوی رنج رسد
 و اگر بیند که از آن عسس بوی طالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند کرمانی رحمه الله علیه کو بدید اگر بیند که عسس جابوئی بکشد یا ویر
 بزنان کرد دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و بخیختنی بیند و اگر بیند که از عسس بکسخت و کسی او را نتوانست
 گرفت دلیل که اندک رنج بوی رسد عصا ابن سیرین رحمه الله علیه کو بدید اگر بخواب بیند که عصا بر وی میگردد دلیل که
 بکاری مشغول گردد که او را شناسا گویند و نام نیکی و چیز برود و عصا ابن سیرین رحمه الله علیه کو بدید عصا در خواب
 مردی بزرگواری با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگی قدر
 و جاه پدید آید و اگر بیند که عصای وی ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا کرده دلیل که
 بمعانوت مردی بزرگ آنچه میجوید بسیار کرمانی رحمه الله علیه کو بدید اگر بیند که عصا در دست و را زدند دلیل که
 برادر رسد و اگر کوتاه شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که پلاک شود و اگر بیند

عروسی

عروسی

عروسی

عروسی

عصا

عصا

که عطا با وی سخن گفت دلیل که او را فرزندی آید و از منفعت یا به جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین غصا در خواب بر
سه وجه بود یکی مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عظیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عظیمه نوعی از خلوا است
و آن بهتر که زعفران بود و دیدن او در خواب مایه بود که بهشت درونی بدست آید و اگر بیند که لقمه از عظیمه در دهان
گذاشت دلیل که سخن خوش شنود و اگر بیند که عظیمه بسیار زهر و ویل که مال شخصیت حاصل کند عطا ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را عطا داد و معتبر باید که بپرید و ازین عطا می گوید دادند چه نوع بود و
یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد و چون جمله نیکو بد آنست آنکه تعبیر کند اگر نیکو باشد
آنچه مردم آزاد است میدارد دلیل که از آن عطا می گوید و او یکی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول بود دلیل که سبب
دنیا او را خاری رسد و اگر عطا بدهنده خطا بود اینچنین دروغ بود و اگر بیند که عطا بست و دیگر باز داد دلیل که نیک و بران
ببطل دهنده باز کرد و اگر بیند که او را میوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا دادند دلیل که آن کس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده
جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر غیبت سنگ دلیل که ایمان او پر خطر باشد و اگر چه و یا ترسا بخواب بیند
که مسلمانی اینسانرا عطا داد و بر غیبت بست دلیل که مسلمان شود و گرامی رحمه الله علیه گوید اگر بیند کسی او را عطا داد و او
شکر گفت دلیل که زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر نگفت تا ویش بخلاف این بود و معتبر بی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده دون بود تا ویش بد بود و عطا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی
خوش داشت و او عالم بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر تو انکر بود دلیل که از مال نفع رساند گرامی رحمه الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که با خود عطر داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و ثنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر
در خواب بر سه وجه بود یکی ثنای نیکو و دوم سخن خوش و سوم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد که نیم بخت مرد و
فرنگ ششم دین پاک هفتم خبر خوش عطا اگر بخواب بیند که عطاری میگرد و دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که مردم
بوی خوش میفروخت دلیل که وعده دیدن گین خلاف کند اسمعیل شعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطار دوستی
و آشنائی شد دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند و نامدار شود و عطسه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت دلیل که اگر بیمار است و اگر بطیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی
حاجتش روا کند و بروی منت نهد و اگر بیند که سه بار عطسه داد و دلیل بر نگی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار
داد و دلیل که مرادش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی بازگشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که
چون عطسه داد و حنا ط از بینی باز گرفت و روان شد دلیل که در وی سخنی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و جهنده او
بیرون آمد دلیل که از جوهر آن جهنده او را فرزندی آید که بدان چو آن منسوب باشد گرامی رحمه الله علیه گوید اگر عطسه
در خواب با سانی داد و دلیل که مال با سانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد و دلیل که مال بدشواری بدست آورد عقل ابن

عظیمه

عطا

عطر

عطا

عطسه

عقل

سیرین رحمه الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بنمیزد چنانکه گوید که من عقل تو ام و دانند که عقل و نیست که بنشیند
 خواب این آن باشد دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از وزیر بنید و پادشاه زاده او را دوست دارد و گمانی رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی عقل خود را بدین صورت بنمیزد دلیل که بخت روی بومی نهند و عز و جاه یابد و توانگر شود و انبیا علی السلام گوید
 عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بنمیزد چنانکه گوید که من عقل تو ام دلیل که بخت و دولت یار او
 شود و مغربی رحمه الله علیه گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غایب باشند و زنده بودند دلیل که در میان ایشان
 باز بنید و اگر مرد باشد دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و و خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله و سلم گفت بخواب دیدم که مال و جان من از من جدا شدند و در دو بصورت آدمی بودند و بجان من درآمدند و هر سه
 بنشینیم و شراب شوقی کشیم رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود که عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آنجهان کار تو
 بمراد شود و اگر بنید که عقل و جان بقیه و حجاج میگردند دلیل که با سلطان ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و پدر سوم فرزند پادشاه چهارم مال و
 نسبت تحقیق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که عقیق داشت یا کسی بومی داد دلیل که بزرگی صاحب
 شود و از وزیر یابد و اگر بنید که عقیق از صنایع شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که بجز و عقیق داشت و از
 چیزی بخورد دلیل که او را فرزندی آید که شرف و بزرگی و جاه یابد علک کند را بود اگر بنید که علک بر آتش نهاد
 دلیل که بقدر آن در مال و نقصان شود و اگر بنید که علک میخاید دلیل که مالی بخصومت و گفتگی یابد علم در خواب مردی
 و انبیا امام زاهد بود و شخصی که مردم بومی افتد کنند و اگر بنید که علم در دست داشت دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم
 با کسی آشنا شود و از وی رحمت یابد و اگر بنید که علم از دست دی بقیه و یا صنایع شد تا ویش بخلاف این بود که مانی
 رحمه الله علیه گوید بدین علم در خواب دلیل بر سفر بود و اگر بنید که علی بومی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد
 خاصه که علم پدید یاسنر باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که علمی پدید بزرگ و دوست داشت دلیل که با مردی
 توانگر مصالح او را صحبت افتد و از وی چیز و منفعت یابد و اگر بنید که علمی بزرگ داشت دلیل که زاهد و دیندار شود
 و اگر بنید که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین علم در خواب بر
 چهار وجه بود یکی بهتر دوم سفر سوم جاه چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که
 در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر
 بنید که بر زمین خراب شده بود و از بهر خود عمارت میکرد و چون سرای دوکان و مانند این دلیل که فایده
 آنجهانی یابد و اگر بنید که جای محروف بود و خراب شد دلیل که در بلاد مصیبت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید که
 بنید که در جای معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از آن مقام خیر و صلاح و منفعت بقدر عمارت آن

تحقیق

حکایت

حکایت

حکایت

مقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه کو بدیدین عمارت و در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجانی دوم خیر و منفعت
 سوم کامرانی چهارم برکت و کشایش کارهای بسته عمار می ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در
 عمار می نشسته بود و عمار می وی بر استر یا بر آب بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عمار می بنشیند
 و یا از عمار می بیرون شد تا پیش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند کسی او را در عمار می نشاند دلیل که با
 بزرگی پیوندد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیاد شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمار می در خواب
 بر منفعت وجه بود یکی بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهنری
 محمود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید محمود و در خواب مردی درست و راست بود و معبران گویند که سخنهای سخت باشد
 و اگر بیند که محمودی بر کسی زد و دلیل که سختی بکسی بگوید و اگر بیند که عمده و آئین داشت دلیل که او را از پادشاه توان
 و یاری بود و اگر بیند که محمود از دست وی بستند تا پیش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محمود
 در خواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم سخنهای سخت و زشت سوم مهنری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب کسی داد و دلیل که از او
 بد آنکس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از دخت جمع میکرد و دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند
 مختبر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عنبه داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر بیند که عنبه
 بسیار جمع میکرد و باز بیافت دلیل که بقدر هست خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبه کسی داد و دلیل که از او بد آنکس
 منفعت رسد و اگر بیند که عنبه از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبه مالید دلیل که
 بجای او یکی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبه در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم ثمنای بگو
 عتقا نوعی از نوا بود چون چنگ و بر لب و مانند این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتقا میرد و دلیل که باطل سخن
 محال رضا دهد و اگر باری بیند که عتقا بشکست یا بکشد دلیل که از او و غ و محال تو به کند و اگر بیند که عتقا میزد و دلیل که
 زود میرد و عتقا بکوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عتقا بکوت در خواب مردی ضعیف و کمزوری و عاصی بود و بعضی
 معبران گویند که عتقا را به بود و اگر بیند که عتقا بکوت از وی دور شد دلیل که از مردی جلا به دور شود و ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر بیند که عود زیر کسی میسخت دلیل که از خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع
 بود و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عود خام داشت و یا کسی بومی داد و دلیل که از پادشاه خلعت یابد و هر چند که عود خوشتر
 باشد عطا بیشتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی خوب روی دوم سخن خوش سوم ثمنای و آفرین
 چهارم مال و منفعت عود سوزن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عود سوزن در خواب کینزک با فرنگ یا غلام زیر یک و
 دانا بود و اگر عود سوزن پدید روی باشد دلیل که غلام یا کینزک از اصل تر نشا باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل چود

عمار می

عمود

عتاب

عنبه

عتقا

عتقا بکوت

عود

عود سوزن

باشد اگر از همین بود از اصل کبریا باشد و اگر بنید که عود و سوز شکست یا ضایع شد دلیل که غلام یا کنیز یک پاک شود
 عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او را میدیدند دلیل که
 سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بنید که عورت خود زود باز پوشید دلیل که سر او زود پوشید که دو و معمران گویند
 اگر بنید که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارد
 شود و اگر ترس دارد دلیل که این کرد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که عورت او برهنه بود و بپوشید و از آن نشسته
 شد دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بنید که قصد عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت کرد
 یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق کرد و عیید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که عید قربان بود دلیل که او را بدری
 عاقل کار افتد و اگر بنید که عید رمضان بود دلیل که او را بامردی عابد زاهد محبت افتد و منفعت دینی باشد که مانی
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که عید بود و مردم آراسته بیرون آمدند دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عرف مشرف
 بود دلیل که شرف او زیادت کرد و عیاشور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عیاشور بخواب بنید دلیل که کامکار
 یابد قوله تعالی اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بنید سال و ماه و روز
 بروی خسته و مبارک بود دلیل بر خیر و صلاح بود حرف الغین + غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بنید که در غار شد و زود بیرون آمد
 دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در غار شد و آن غار روشن بود دلیل
 که او را بر زندان کنند و بعضی گویند در کاری سخت گرفتار شود و اگر بنید که در غار بیرون آمد دلیل که رنجور شود و شفا یابد غارت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مال و نعمت وی غارت کردند دلیل که غم و مصیبت بود مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که لشکر اسلام دیر کفر را گرفت و غارت کردند دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بنید که لشکر کفار اهل اسلام را
 غارت کردند دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب بر چهار وجه بود یکی
 جنگ دوم زیان سیوم غم و اندوه چهارم زنج از آن خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خالیه در خواب فرزند
 نام آور بود و اگر بنید که خالیه کسی داد و دلیل که آنکس را از وی ادب و فرزند نام آورده که مانی رحمه الله علیه گوید
 خالیه نشان حج بود و معبران گویند که خالیه مالی باشد که از مهر بدورسد و اگر بنید که خالیه یافت دلیل که
 از زنی یا از مردی باز زکان منفعت یابد و اگر بنید که کسی بر چشم وی خالیه مالید دلیل که بجای وی حق گذاری
 کند و مردم او را دعا گویند و اگر بنید که کسی بر بنا گوش وی خالیه مالید دلیل که او را متهم بدروغ کوئی کنند جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن خالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرزند دوم نشان و آخرین سوم
 حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید

عید

عید

عاشور

غار

عاشور

خالیه

حجاب

غیا

غیا

غیا

غیا

که غیابی از سفر نزدیک وی آمد دلیل که نامه و یا خبر آن غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد
خویشان وی برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بر وی کشاده کرد و اگر
بنید که غایبش ترش روی و متفکر بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که
غایبش زود بانمت و مال باز آید و اگر غایب را پیاده و عاجز و برهنه بنید دلیل که در راه غایب را قطع الطریق بر بند
و مفلس شده باز آید عجمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که غبار بر چیز که ملک او بود نشست دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند اگر بنید که غبار بر روی آسمان و زمین می شد دلیل که مردم آن موضع از آن کار که دارند بیرون آیند
و اگر بنید که بر چیز که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که روی او غبار
بود دلیل که او را رنجی و عقوبتی رسد قوله تعالی وَجْهَهُ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّارِ وَهُوَ مُعَذِّبٌ مُسْتَقِرٌّ وَكَرِهُوا غَيْبُكُمْ بِرَبِّكُمْ كَذِبًا
اوست غبار بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند غریب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غبار بر غلامی که خادمی بود
مهرین و اگر کسی بخواب بنید که غبار بر او افتاد دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بنید که غلامی که شکست دلیل که خادمی
بگریزد و یا بمیرد و کوفی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که غبار بر یک میکرو دلیل که کاری کند که مردم را از آن منفعت باشد و
او را مضرت رسد و اگر بنید که آنچه پاک میکرد از بهر خود میکرد دلیل که منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غبار بر خواب
بریده وجه بود یکی خادم دوم یار سوم شاگرد و زیرک غرق شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در دریا غرق
شد و بمرد دلیل که پادشاه او را اهلک کند و اگر بنید که آب او را فرو برد و باز بالا آمد و فرو دلیل که از کار دنیا دست بردارد و
صلاح دین در راه آخرت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که چهار پای در سرامی یا دو کانی یا باغی غرق شد دلیل که کجای
صاحب در نماند و سر انجام را بیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار
دوم اقبال سوم صحبت با مردم بد مذنب چهارم منفعت غمزه اکرون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بنید که در راه خدایتعالی غمزه میکرد دلیل که کار خویشان و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابند قوله تعالی وَمَنْ يَهْتَكِرْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَئِيًّا كَثِيرًا وَسَعَةً اگر بنید که از غمزه روی بگرداند دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی
هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ اگر بنید که غمزه روی بگرداند دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی
نَمَت وَبِزَكَاةٍ يَدْعُونَ تَعَالَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْبَاجِبِينَ عَلَى الْبَاجِبِينَ أَجْرًا عَظِيمًا اگر بنید که مردم آن دیار نیزه بیرون شدند
دلیل که غمزه جاه یا بد مردم را قهر کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی
حلال بدو رسد و عمرش دراز کرد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ يُدْعَوْنَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جَعَلَ جَعْفَرُ صَادِقٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كُوَيْدَ غَمَزِ أَكْرُونَ و خواب بر شش وجه
بود یکی آخرت دوم سخت رسول الله صلی الله علیه و سلم که از آن نوم بردن ظفر یا فتن چهارم

شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه و دشمن نشستن غنیمت یافتن غسل کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بیدار که در اصل دریا غسل میکرد و دلیل که غم و اندوه وی کم کرد و او را بیمار بود و شفا یابد و اگر و ام دارد و او را
 گذارد و از ترس ایمن کرد و او را محبوس باشد خلاصی یابد و اگر بیدار که باب کم غسل میکرد و آنکه دست در وی نشست
 دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیدار که دست آب و دشمنان نشست اگر دوشی دارد و دلیل که در میان ایشان وقت افتد و اگر بیدار که
 خود را از جنابت بشت دلیل که شغل تمام شود مغز فی رحمه الله علیه گوید غسل کردن و در خواب از جنابت دلیل بر پاک از دروغ
 بود و هر زیادت و نقصان که بشتن از جنابت پدید آید دلیل بر دین دروغ شود غسل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دین
 غل در خواب کفر باشد و پیش با حق بود و اگر بیدار که غل در کردن و دشت دلیل که کافر میروا و اگر بیدار که غل وی کردن بند
 سبک شده بود و دلیل که منافق بود و اگر بیدار که غل در کردن و بند بر پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی سلمانی مدبر و غ کند
 کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که غل بردشته داشت دلیل بر یکل او کند قوله تعالی و قال لا اله الا الله مخلصا
 عقلت اید بجم و کنت ایا ما قاله و مقصود از غل غسل است ابن عباس رضی الله عنه گوید مبرن گویند چون مرد صالح غل در
 کردن بیدار دلیل که دست از کار شر بدارد و خلاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خلاف در خواب زن بود و اگر بیدار که خلاف
 شمشیر شکست و شمشیر سلامت باز و دلیل که فزنده سلامت از مادر بیرون آید و مادر پلاک شود و خلاف کار و همین حکم
 دارد و خلاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که غلام شده بود و دلیل که بکاری سخت افتد و در آن رجوع نشود و اگر
 بیدار که غلامی گرفت یا بخرید دلیل که در آن کاریکوی بود کرمانی رحمه الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود قوله تعالی
 و بشرنا فانه نعلم حلیه و در جای دیگر فرموده یا بشری هکذا غلام جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیدار که غلام یا کینه
 میفرودخت و دلیل که نیک بود و اگر بیدار که میفرودخت و نیک بود و اگر بیدار که نیک بود و اگر بیدار که نیک بود و اگر بیدار که نیک بود
 نیکو باشد غلامی که در آن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیدار که در خصم علیه کرد و دلیل که بر خصم غالب شود و اگر خلاف این
 بیدار دلیل که خصم بر وی غالب شود پنجم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غم و خواب فرح و شادی بود و اگر بیدار که غمین شد بود
 دلیل که فرح یابد و بر او برسد مغز فی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که اندوه گین شده بود و دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیدار که
 از غم رسته بود و تا پیش بخلاف این بود غنیمت است ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب
 اگر مال کافران بود و دلیل که نرخوا کران کرد و او را بیدار که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که در آن
 دیار که غنیمت آنجا برود و نرخوا کران شود و اگر بیدار که مسلمانان از دیار مسلمانان غنیمت آوردند
 دلیل که بقدر آن او را منفعت حاصل شود و غنما حص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیدار که
 بر ریافت و رفت و مرد و بر پدر آورد و دلیل که بقدر آن علم و دانش آموزد و از مال سلطان راحت یابد و اگر
 بیدار که بر ریافت و رفت و هیچ نیارد و دلیل که بلام آموختن مشغول گردد و لیکن فایده نیابد و اگر بیدار که گوهری از فقر

حرف

حرف

حرف

حرف

حرف

حرف

حرف

حرف

غوره

فاخته

خفت

فالوده

فام

فتنه

فراخی

در بار آوردن دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد غوره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب
 ببیند که غوره بوقت خود میخورد دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن یابد رنج و کوفتی رحمه الله
 علیه گوید اگر ببیند که غوره میخورد دلیل که اند و لیکن شود و اگر ببیند که غوره بفروخت یا کسی داد و از آن بیخ میخورد دلیل که
 اند و پیش کمتر بود و اگر غوره بگوشت پخته بود بهتر باشد غوک و وزغ و در حرف و او شرح آن گفته شود حروف
 الفاء فاخته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فاخته در خواب زنی ناقص دین بدیده بود که با کسی سازگاری
 نکند و اگر ببیند که فاخته داشت دلیل که زنی بدین بدینسان نخواهد و اگر ببیند که بچه فاخته بگرفت دلیل که او را فرزندی
 آید و اگر ببیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و حج کند که مانی رحمه الله علیه گوید فاخته فرزندی
 دروغ زن بود و اگر ببیند که فاخته بر بام وی بانگ یکبار کرد و دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانگ کرد و بهتر
 بود و اگر سه بار بانگ کرد و نبات نیکو بود و اگر ببیند که فاخته باز ناخ و دو بخانه وی درآمد دلیل که در دو روز خاوی
 در آید و کالای او بر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم خادم
 فال گرفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که فال گرفت و فال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر ببیند
 که فال گیری میکرد دلیل که آنکس جویندهی بسیار غور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه
 بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت روا شدن اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تا ویش بخلاف این بود
 فالوده اگر بر عفران بود بیماری بود و دیدن فالوده رنج و مضرت بود و بقدر آن آلتی که بروی رسیده باشد
 اگر ببیند که فالوده در دهان نهاد و دلیل که سخنی لطیف گوید و اگر ببیند که لقمه فالوده بکسی داد و دلیل که آنکس سخنی خوش گوید یا
 از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده در خواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت
 چهارم بجنب کاریکه بر آید بشاری بود فام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که فام بروی بود دلیل که حج
 کند و اگر غارزش فوت شده باشد قصا کند و اگر امانتی در کف و در باز رساند و اگر دام دارد و دلیل که بگذارد و فتنه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که اهل آن دیار بخداوند تبارک و تعالی باز گردند
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر از ده چتر یکی ببیند دلیل در آن دیار فتنه و بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد و چهارم باد گرم
 پنجم سیاهی آفتاب و هفتم غبار هفتم باران هشتم برکندن درختان نهم ابر سرخ یا سیاه دهم جامة سرخ و زرد یونشیدن
 فراخی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که از جایگاهی تنگ بفرخی آمد یا از سخنی باستانی رسید دلیل که از غم بفرخی
 و از اندوه فرح یابد بفرخی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال وی فراخ کرد و اگر
 ببیند که خانه بروی تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیالان وی تنگ کرد و اگر ببیند که خانه بروی تنگ شد و باز
 فراخ شد دلیل که راه دین و شریعت بروی مستقیم شود فی الحقیقه فراخ شدن چیزی که تنگ دلیل بر کنایش

فرج
فوج

کار را بود و برکت در چرخ ما فراتش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فراتش در خواب دلاله بود که از بهر کسی زن خواهد
 فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را همچون زمان فرج بود دلیل که خواهر و بیا را هر که در دوایر
 بیند کسی با وی جماعت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دوزن بیند که ایشان را یک فرجست دلیل که دوزن
 از یک کس باشند که بانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از آهین یا از مس بود دلیل که از بیاختن مراد ما نوسید
 و اگر مردی بیند که فرج زنش از سوی پس بود دلیل که آئین چتری دوست دارد که رضای حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی
 بیند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر
 زنی بیند که از فرج او که بر بیرون آمد دلیل که او را فرزند دزد و راهزن پیدا آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد
 دلیل که او را دختری نابکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری نر بیرون آمد دلیل که او را فرزند آید که دشمن او کرد و اگر
 بیند که از فرج وی کز دویم بیرون آمد دلیل که او را همین تاویل دارد و اگر بیند که از فرج او کرم یا موری بیرون آمد دلیل که
 او را فرزند دوزخ است آید و اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگ دست گردد و اگر بیند که از فرج وی کبچ
 بیرون آمد دلیل که شوهرش او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی
 جماعت کند و اگر بیند که از فرج وی یم بیرون آمد دلیل که او را فرزند صالح پارسا آید و اگر بیند که از فرج او آبی تیره بیرون آید
 تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از فرج وی
 آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهان بگیرند و اگر بیند که کسی فرج وی را برید دلیل که از آن شخص منفعت یابد
 اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موی رسته بود و بسیار بود دلیل که سبب فرزند خواند و کین
 شود و اگر بیند که بر فرج وی موی نبود دلیل که نشاء شود و اگر بیند که فرج وی آما سیده بود دلیل که مال یابد و اگر زنی
 بیند که او را بجای فرج قضیب بود اگر استن بود دلیل که پسر آرد و نماز و اگر استن نبود دلیل که پسرش بمیرد و اگر
 بیند که از فرج وی که هر پامر و اید بیرون آمد دلیل که او را فرزند عالم و پارسا آید فرجی ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قوچی یا کبزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین و کهنه بود تا ویش
 بخلاف این بود که بانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از وی سیاه بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد ولیکن با
 مردم پارسا بود و دیبای رنگ از ملون بود و فرجی که باس و ابریشم و نیل بر زیادت و دین بود مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که فرجی زمان پوشیده بود دلیل که او را علامت رسد و اگر بیند که در آن فرجی با کسی جماعت کرد و دلیل که
 حاجتش روا شود و اگر آنکس که با وی جماعت کرد اسمعیل اشعث را گوید اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود
 دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده بود اگر عالم بود دلیل که بر
 راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود بر بدست

فوجی

کو پیشتر در خواب مال و نعمت بود و اگر بنید که مغز مفتق داشت و بخورد و دلیل که بقدر آن مال و نعمت بود و اگر بنید که مغز مفتق داشت دلیل که از مردوی بخیل منفعت یا بد مغزی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که مغز مفتق بد و او اند دلیل که مال و نعمت یا بد فقاع خور و دل ابن سیرین رحمة الله علیه کوید فقاع خوردن در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود و از قبل خا و بیکه بوی رسد و اگر بنید که فقاع میخورد و دلیل که از خا و می خیر و منفعت یا بد اگر بنید که فقاع بکسی داد و دلیل که باکس منفعت رساند و اگر بنید که کوزه فقاع بنیها و بر نخت دلیل که او را زیانی رسد که مانی رحمة الله علیه کوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بنید که فقاع خور و دلیل که خدمت مردی نفل کند و اگر بنید که فقاع خور و شیرین بود و دلیل که از منفعت یا بد و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که او را زیان و مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید فقاع خوردن در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم بوسه سوم خدمت کردن چهارم مردی غلبه فقیه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که فاضل شده بود و سخن او نزد خلایق قبول بود و دلیل که شرف بزرگی یا بد و نامش در آن دیار بر یکی منتشر کرد و مغزی رحمة الله علیه کوید اگر مردی اتمی خود را بخواب فقیه بنید دلیل که عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بنید و دلیل که قاضی شود **فلاخن** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که فلاخن بکسی انداخت دلیل که بد آن کس نضرین کند و اگر بنید که کسی سنگ فلاخن بزرگی انداخت دلیل که آنکس بروی نضرین کند و اگر بنید که اندام از سنگ فلاخن خسته شد و دلیل که از نضرین آفتی بوی رسد و بخور کرد و **فلوس** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بنید که فلوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بنید که فلوس بسیار داشت دلیل که در غمی سخت گرفتار شود و اگر بنید که فلوس از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و مغزی رحمة الله علیه کوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر فلسی بود **فندق** در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخواب بنید که فندق داشت دلیل که از مردوی بخیل منفعت یا بد و اگر بنید که بخور و فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد که مانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که مغز فندق شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یا بد **فنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید فنگ در خواب مردی غریب توانگر و آینه زنده با خلق بود و پوست و موی داشت خوان از وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بنید که فنگ مطبخ وی نبود و دلیل که فایده یا بد و اگر بنید که فنگ را بکشت و پوست وی را بکند و گوشت و پیرا بپزند دلیل که مال مردی غریب تلف کند و اگر بنید که فنگ را خیه کرد و از گردن او خون روان شد و دلیل که دو شیرینی دختری غریب بستاند و اگر بنید که فنگ بسیار بروی جمع شدند و از ایشان گزند و دلیل که در میان مردی افتد و از ایشان منفعت یا بد و اگر بخلاف این بنید مضرت یا بد **فواق** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی بنید که فواق آمد و دلیل که خشمش کبر و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید که مانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید

تجمل

قصه

خبر

محب

فندق

فنگ

فندق

که بینکام نان خوردن اور افواق پدید آید دلیل که تبار شود و اگر بنید که اور افواق پیاپی می آید دلیل که بی عجبی کسی شتم
 کیر و و اگر بنید که فواق او به بانک اولند بود دلیل که دروغ گوید و بدن دروغ اور علامت رسد و اگر بنید فواق نرم و
 آهسته بود دلیل که کسی خشم گیرد و لیکن زود باز آید و اگر بنید که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد دلیل که اجتناب
 رسیده باشد فووه خمیر خشک باشد که از آن آبکار سازند دیدن وی در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که فووه خور
 دلیل که سبب کاری متفکر گردد و فووه در خواب جنک و خصومت با خویشان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 فووه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگاری عیال فوطه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب نشادی و آسانی بود و اگر بنید که فوطه از پنبه بود که داشت
 دلیل بر راحت دین و دنیا وی بود که یا بدخاصه چون نو و فرخ بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تا ویش بخلاف این
 بود که مانی رحمه الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بنید که جامه فوطه پوشیده بود و بنید مستور بود
 دلیل بر زیادتی ستر او بود و اگر بنید خواب مفسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر جامه
 فوطه یا شاه بنید دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی بنید که جامه فوطه پوشید دلیل که حکم برستی کند و اگر شرک بنید
 مسلمان شود و اگر فاسق بنید تائب گردد و اگر دزد بنید توبه کند و راه صلاح جوید **حرف القاف**
قاضی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قاضی شد و در میان خلق داوری میکرد و از اهل قصنا نبود
 دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته باشد او را قضا ع الطریق بزنند و مالش تلف شود
 و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بنید خواب عالم بود و جوان بود از سفر سلامت باز آید که مانی رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی قاضی معروف بخواب بنید دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی مجهول بنید که نشسته بود و
 او کسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی واللّه یحکم لاهعقب
 لحکم و در جای دیگر فرموده یقضي الحق و هو خیر الفاصلین مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قاضی بر وی
 حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بنید که قاضی ترازوی در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم برستی کند و اگر بنید
 که قاضی مبر و شفقت بر نگاه کرد و با وی بلطف و مدارا سخن گفت دلیل که او از اهل علم حرمت و جاه نبود و خوار و
 فرومایه باشد **قافله** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید با قافله سوی خانه می آید دلیل که کار بسته وی کشاده گردد و
 از خویشان دور شود **قالب** کالبد بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر قالب کفش یا موزه در خواب
 بنید دلیل که زن و خادم بود که کارهای وی راست دارند و اگر بنید که قالبی داشت دلیل که خادمی او را حاصل آید
 و اگر بنید که قالب بشکت یا بسوخت دلیل که آن خادم خانه او هلاک شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 قالب بسیار داشت دلیل که او را از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر بنید که کفش دو یا موزه دو در خواب

فووه

فوطه

قاضی

قافله

قالب

دلیل که بهتر باشد قالی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قالی بزرگ از بهروی افکنده بود و دانست که ملک
 ولایت دلیل که بر روزی عمر و فراخی روزی بود و اگر بنید که بر قالی نشسته بود و در جانی بیکانه زندانست که آن جایگاه
 کیست دلیل که دنیا بروی متغیر گردد و در غربت بمر و گرامی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود
 دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت
 دلیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و فراخ تر باشد معیشت و روزی
 بیشتر و بهتر بود و اگر بنید که بر قالی کوچک نشسته بود و زیروی فراخ شده دلیل که عیش و روزی فراخ گردد
 و اگر بخلاف این بنید دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر بنید که قالی کسرتده بود و بدست خود در نوشت
 و در کنج خانه نهاد و دلیل که دولت و اقبال خود تبا کند و اگر بنید که قالی بر پشت نهاده و میبرد دلیل که بزه بسیار
 کند و آسپال علیه السلام گوید اگر بنید که قالی کوچک و سبز بود و دلیل که روزی بروی تنگ شود اما عمرش و راز
 شود و اگر بنید که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بنید که قالی در خانه کسی افکنده بود
 دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر بنید که در خانه مجبور قالی افکنده بود دلیل که سفر کند و مال غنیمت
 یابد **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبا ی که پاسب در خواب پناه و قوت سفر بود و اگر بنید که قبا ی که پاس
 فراخ پوشیده بود و دلیل که از غنمها فرج یابد و اگر بنید که قبا ی حمیر پوشیده بود و در خواب مکرده بود مگر که با سلاح
 پوشیده بود اما از مروی بزرگ شرف و منزلت یابد گرامی رحمه الله علیه گوید اگر بنید قبا پوشیده بحجر میرفت بر دشمن ظفر
 یابد اگر بنید که قبا ی سبز پوشیده بود و دلیل که روشنائی یابد و اگر کبود بود مصیبت باشد و اگر سیاه بود غم و اندوه
 باشد و اگر ملون بود کارش بنظام گردد و اگر قبا ی کهته و دریده بود و دلیل که زلزله و بیدخیزی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که قبا ی عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که قبا ی پوستین سیاه و پلید پوشیده
 بود و دلیل که زنی توانگر بزرگ کند و اگر بنید که قبا از پوست روباه بود و دلیل که زنی یا سبزی کند و اگر قبا از پوست سمور بود و دلیل که
 زنی توانگر خواهد بود و حق رضی الله عنه گوید قبا در خواب برش وجه بود یکی پناه و دوم قوت سوختن چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست
 قبا **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قباله و خط داشت دلیل که بقدر خط و قباله از حکمت حاصل شود و اگر بنید که پادشاه خط
 قباله بوی داد و دلیل که او را والی دلائی گردد و اگر بنید که قبا ی بوی داد و دلیل که علم شرع او حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله
 در خواب برش وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبا ی
 در خواب مروی خوشنوار بود و کف قبا ی در خواب شنوای بود و زبانه اش فرونی بود و بوقت گذارون حکم مغربی رحمه
 الله علیه گوید قبا ی در خواب قاضی بود و اگر بنید که قبا ی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر
 بنید که بقبا ی چیزی می یخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید

تعب
تعب

تعب

تعب

اگر بنید که قبله گذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد و دلیل که براه حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بنید که قبله نشاخت و دلیل
 که در راه دین سرگشته و تخیر کرد و قبیله کند و در حرف کاف بیان کنیم قدح ابن سیرین رحمه الله علیه که بدگرگی بخواب بنید
 که قدح آب با جلاب داشت و از آن بخورد و دلیل که زن بخوابد یا کینز که خرد و فرزند صالح و پارسا آورد و اگر بنید که آب برنجیت
 و قدح باغ و دلیل که فرزند بمرور و زن سلامت باشد و اگر بنید که قدح شکست و آب برنجیت دلیل که فرزند و زن هر دو بمرور
 و اگر بنید که قدحی بود از آن بخورد و دلیل که او را فرزند بی بد کرد و اگر آید و از مخنتی بد و برسد و اگر قدحی بپوشد و دلیل که او را
 فرزند بی نیاید و جعفر صادق رضی الله عنه که بید قدح در خواب برسد و چون بویکی زن دوم کینز که نسوم خادم که مشترک در هیچ
 خانه بود قدح بد ابن سیرین رضی الله عنه که بید قدح در خواب اگر گوشت کوسپند بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسب
 بود و دلیل که غنیمت مردم سپاد بود و اگر گوشت چار یا بایان دشتی بود غنیمت مردم بایان بود و خوردن گوشت قدح بد
 نباشد **قرآن خواندن** در خواب دلیل بر حاکم است اگر بخواب بنید که آیت رحمت و بشارت بود و اگر حق سبحانه
 و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حق تعالی اجل و عطا کند و اگر بنید که آیه عذاب میخواند دلیل که برشم غصب
 خدا تعالی اعزوجل بود و توبه کردن باید و بخداوند تبارک و تعالی باز کرد و بدین و اگر بنید که آیت از قصص و امثال میخواند
 و دلیل که معصیت کند و بانی رحمه الله علیه که بد اگر بخواب بنید که نیمه قرآن میخواند و دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بنید
 که حافظ قرآن شد و دلیل که امانت نگهدارد و اگر بنید که آواز قرآن می شنید و دلیل که کارش در راه دین نیکو کرد و اگر بنید که
 کسی قرآن وی میخواند و از آن هیچ فهم نمیکرد و دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسید و مضر فی رحمه الله علیه که بد اگر بنید که جمله
 قرآن ختم کرد و دلیل که مراد باید و بعضی از معتبران گویند عمرش باخبر رسیده باشد و اگر بنید که قرآن با و از بلند میخواند و دلیل که
 کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بنید که یاد دارد که کدام آیه میخواند و دلیل که تفسیر آیه تعبیری باشد یا تفسیر
 رحمه الله علیه که بد اگر بنید که چهار یک قرآن میخواند و دلیل که کار وی نیکو کرد و اگر بنید که از اعراف نامر میخواند و دلیل که در میان طوف
 مشهور گردد و اگر بنید که از زمر تا سورۃ الناس خواند همه حاجات وی بر آید و اگر بنید که تمام سی پاره قرآن خواند و دلیل که سال و
 ماه بروی مبارک باشد و اگر بنید که هفت سی پاره قرآن خواند و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر کسی قرآن خواند و بخواب بنید
 که قرآن میخواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و قول تبارک اهل آیه کتابك کفی بفسادك اليوم علیک حسبیا اگر بنید که بر سر
 بود و قرآن میخواند و دلیل که هوادار بود و اگر بنید که بجایگاه پاک و پاکیزه میخواند و دلیل که در اعتقادش خلل پیدا شده باشد و جعفر صادق رضی الله
 عنه که بید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن از آفتها دوم توانگری بعد از درویشی نسوم مراد و کام
 دل یافتن چهارم بیداری و برینز کار می فرمودن کسانی را که مستور باشند روز قیامت حجت مرایشان را
 بعذاب و عقوبت **قرآن کردن** ابن سیرین رحمه الله علیه که بد اگر کسی بخواب بنید که اشتر یا کاویا
 کوسپند قربان کرد و دلیل که اگر بنده بود آنها دشو و اگر در رنج و بلا و زحمت گرفتار بود و شفا یابد و اگر در بند بود و خلاصی یابد

تعب

و اگر در ویش بود تا نگر کرد و اگر ترس دارد و این کرد و اگر وام دارد و وامش گذارد و شود و اگر حج کرده باشد گذارد و اگر
 بنید که بصر بجهت قربان رفته بود و ندلیل که آن قوم اگر از چیزی ترسند این کردند و اگر محبوس باشند خلاصی یابند و اگر قحط و
 تنگی بود بفرخی بدل شود و خاصه که این خواب نزدیک عید قربان باشد و اویش زد و تراش کند که مالی رحمة الله علیه بیدار کند که
 گوشت قربانی ببرد و قسمت میکرد و دلیل که مرد می بخشیم آنجا میبرد و مالش را قسمت کنند و اگر بنید که گوشت بدزدید و ندلیل که
 بر خداوند تعالی عزوجل دروغ گوید و قربان در خواب بشارت بود و قوله تعالی و لبشر ناه باسحق نبی صلی الله علیه و آله
 و با کنا علیه و صلی الله علیه و آله اگر خداوند خواب زن بود و حاله پیر صالح آرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا ویدل قربان و در
 خواب برشش وجه بود و یکی آینه از ترس دوم حاصل شدن ملز و حاجات سوم خیر و بکت چهارم تا ششم زوال قحط و
 تنگی قرا به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرا به در خواب کنده پیری بود که مال و خواسته بدو سپارند و اگر در قرا به
 آب یا حلاب یا چیزی بخورد نش حلال بود و بنید دلیل که آن کنده پیر حلال خوار بود و اگر بنید که در قرا به چیزی بود که مستی کند
 دلیل که آن کنده پیر حرام خوار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قرا به داشت دلیل که او را با کنده پیری صحبت
 افتد و اگر بنید که از قرا به آب یا حلاب خور و دلیل که او را از کنده پیر خیر و منفعت رسد و اگر از قرا به چیزی ترس و دلیل
 که غم و اندوه خورد و از قرا به تنی هیچ خیر و شرم رسد و اگر بنید که قرا به شکست دلیل که از آن کنده پیر جدا کرد و قرض
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرض در خواب شنای نیکو بود و اگر بنید که قرض بسیار داشت و بپرس عطا داد و دلیل که
 اهل آن دیار بروی شنا گویند و نامش به نیکی منتشر کرد و اگر بنید که قرض میخورد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد
 قرا به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرا به بر شیم چون سپید باشد دلیل بر نعمت این جهانی باشد و اگر در ویدل بر
 بیماری کند و دیدن ابریشم بخت بهتر از خام بود و اگر بنید که ابریشم یا قرا به او سوخت یا خنک شد دلیل که ویرانی بانی رسد
 و اگر بنید که قرا به بر شیم داشت و سفید بود و ملک وی بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر سبز بود و بهتر باشد و اگر
 سرخ بود و مردان را بد باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بنید که از هر رنگی ابریشم داشت دلیل
 که او را از هر رنگی متاع حاصل شود و ابریشم مردان را در دین مکرده بود و زنان را نیک باشد قسط ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که قسط در زیر خود می سوخت و دود میکرد و دلیل که مردم آن ولایت او را مدح و ثنا گویند و نامش در آن
 دیار به نیکی منتشر کرد و اگر دود کند و ناخوش بود و اویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قسط میخورد و دلیل که غمگین شود
 قسمت کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید میان کوهی چیزی قسمت میکرد و دلیل که میان خلق انصاف نکند و اگر
 و اگر بنید که مال خود بخیر و صلاح قسمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایشان قسمت کند و اگر بنید که مال خود بشو و فساد
 قسمت میکرد و دلیل که مال وی تباه شود و اگر بنید که مال کسی برضای او قسمت میکرد و اگر بصلاح یا فساد بود و دلیل که خیر و شر آن بوی باز
 کرد و قصاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قصاب چون مجهول باشد ملک الموت بود و اگر بنید که قصاب

قرا به

قسط

قرا به

قسط

قسط

قسط

قصاب

در سرای یاد کوچه آمد دلیل که در آنجا کسی بمیرد و اگر بنید که او قصاب است و قصاب نبود دلیل که کسی را کشته و اگر
 بنید که با قصاب همراهی کرد دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که قصابی کرد و قصاب
 نبود دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود و اگر بنید قصاب بود خون حق ریزد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که قصاب
 ججهول در خانه وی درآمد یا در کوچه درآمد دلیل که در آن موضع مرک مفاجات پیدا شود **قصه** گفتن ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قصه مجهول میخواند دلیل که از ترس و بیم همکاران ایمین شود و قوله تعالی قل لعلنا
 جاءه و قرض علیه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که مردم
 قصه می گفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل بر شر و فساد کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که قصه میگفت دلیل که کارش نیکو شود و میراثش حاصل کرد و قصه گوی در خواب مردی نیک محضر بود **قصاب**
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قصاب شاخ و دخت بود که در خواب بنید اگر کسی بخواب بنید که شاخ و دخت تازه و بار یک بود
 و بد و داند و آنکس محروم بود و دلیل که او را از آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بنید که شاخ و دخت باریک و
 خشک بود و دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که شاخ و دختی که ترش میوه او بود و بد و داند
 دلیل که از آنکس بد و غم و اندوه رسد و اگر از دخت شیرین بود و دلیل که خیر و منفعت یا بد **قطایف** ابن سیرین رحمة الله
 علیه گوید اگر بنید که قطایف بشکرو بادام کسی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بخورد
 جوز و و شتاب بود و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود
 یکی تخم خوش دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت بیرنج **قطران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قطران در
 خواب مال حرام بود و اگر بنید که قطران داشت و از آن یکی خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که تن یا جامه
 وی بقطران آلوده بود و دلیل که لباس حرام پوشید و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بنید که قطران از خانه بیرون
 انداخت دلیل که توبه کند **قفا خورون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بنید که بیلدار شود
 و اگر بنید که موی از قفا سترده بود و دلیل که و امیکه وار و گذارده شود و اگر بنید که بر قفای او سیلی کسی زد و چنانکه آس کرد و دلیل
 که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بنید که بیکانه بر قفای او سیلی زد و دلیل که منفعت از بیکانه یا بد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
 بنید که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد و دلیل که او با کسی داور می کند و زیانش رسد و اگر بنید که قفای خود
 بدرید و دلیل که عیالش بروی خیانت کند و اگر بنید که بر قفای خود حجامت کرد و دلیل چیز که خریده باشد قابل نوبید مغربی
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که رویش بققا کشت دلیل که با مردم منافق کند **قصص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که قصص داشت دلیل که در جایی گرفتار شود و معبران گویند که او را با کسی از خویشان در زندان کنند و اگر بنید که
 قصص بشکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قصص در خواب

قصه

قصاب

قطایف

قطران

قفا خورون

قصص

برسته وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم سزای نجاس قفل ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قفل در خواب دلیل
بر است شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بنید که قفل زود بشکند دلیل که کارها بروی کشاده شود و شاید که
حج اسلام بگذارد و اگر بنید که قفل نتوانست کشود دلیل که کارش دیر کشاده شود و مغربی رحمه الله علیه که بد که بنید که
قفل محکم بر جانی نباشد دلیل که مال خود بمصلح سپارد و اگر بنید که قفل شست و ضعیف بود و اویش بخلاف این بود و جعفر صادق
رضی الله عنه که بد دیدن قفل در خواب برش وجه بود یکی تا خشن کار دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم زشتی ششم
اعتماد بر کسی مصلح و او شستن قلمه در بود و حرف دال ذکرش رفته است قلم معبران در تاویل قلم خلاف کرده اند
ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قلم امر حق است و خدایتالی را بقلم لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمه الله علیه که بد
قلم فرشته ایست که بفرمان خدایتالی اجل و علا کار کرد و اگر کسی قلم ابدان صدرت که هست بنید دلیل که او را بایاوشای
عاقل کار افتد و حقتالی اجل و علا قلم را یاد کرده است ن والقلم و ما یسطرون اگر بنید که قلم بردست گرفت دلیل
که او از فرزندی فاضل آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه که بد اگر بنید که بر آن قلم بردست و او شست چیزی نبشت
دلیل که علم آموز و قوله تعالی علم الاکسان مالم یعلم جعفر صادق رضی الله عنه که بد دیدن قلم در خواب بر پنج وجه
بود یکی امر حقتالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم قلم را خامه گویند و شرح آن و حرف خا
یا و کرم قلمه ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قلمه که باب سخته باشد بهتر از آن که بی آب سخته باشند و هر چند که قلمه علم
خوشتر بود و منفعت آن بهتر باشد اگر قلمه از گوشت کا و فربه باشد و حوز دلیل که در آن سال از ترس و بیمین
بود و اگر از گوشت بره یا بزغاله خورد و دلیل که مالی اندک یا بد مغربی رحمه الله علیه که بد اگر بنید که قلمه از گوشت اسب بود و خورد
دلیل که مال از پادشاه بربخ و سختی بدست آرد و اگر از گوشت اشتر خورد و دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلمه
از گوشت ماهی خورد و دلیل که از جهت زمان بکمال بدست آرد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بنید که
قلمه از گوشت چهارپایی خورد و گوشت وی حرام است دلیل که مال حرام خورد و متع ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قمع کوچک
در خواب غلام و کینه بزرگ بود و قمع بزرگ وی مرند بر کنند و بود و اگر بنید که قمع کوچک بخورد یا کسی بوی داد و دلیل که غلام یا کینه بزرگ
کوچک بخورد و اگر بنید که قمع او شکست یا ضایع شد دلیل که او از صحبت چنین مردی مفارقت افتد و اگر بنید که قمع او سبیمین
بود دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بنید که قمع او آهنین بود و دلیل که با مردی قوی رای شجاع
صحبت افتد و از خیر و منفعت یابد قند ابن سیرین رحمه الله علیه که بد اگر بنید که قند خورد و دلیل که تعجیل کاری کند که از آن
کار پشیمان شود و اگر بنید که کسی پاره قند و در دهان او نهاد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بخورد و قند داشت دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بنید که قند می فروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود
قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قندیل آفر و خسته تو فقیع عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر

قفل

قلم

قلمه

قمع

قند

قندیل

کسی بخواب بنید که در خانه وی قندیل افروخته آویخته بود و دلیل که زنی صالحه با پارسا بخوابد و اگر این خواب زنی بنید
 طاعت و عبادت بسیار کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قندیل افروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خود پنهان
 دوم توفیق سوم عز و دولت چهارم کنش در کارهای بسته و قندیل نافر و خسته دیدن منفعت اندک بود قنوت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بنید که قنوت خواند دلیل که مردم بدح و شاکو بنید و حاجتش روا گردد و اگر مرد
 مصلح و پارسا در خواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بنید که مصلح بود از درگاه حقیقی حاجتهای او برآید و اگر
 بنید که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیا پوی برآید قنینه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قنینه در خواب خامی
 بود که کلید خانه بدو سپارند اگر کسی بخواب بنید که قنینه داشت و روی آب بود یا حباب یا چیزی که خوردن او حلال بود
 و آن میخورد دلیل که مال حلال یابد و اگر قنینه چیزی حرام بود و از آن میخورد دلیل که او را از آن خادم چیزی حاصل
 شود و اگر بنید که قنینه شکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید قنینه در خواب خامی بود
 که چیزی بدست وی باشد قیامت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه
 و تعالی او را آن دیار غرگسره گرداند و اگر اهل آن دیار ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دیار
 مظلوم باشند دلیل که حقیقی عزوجل ایشانرا نصرت دهد و اگر بنید که اهل آن دیار پیش حق جل و علا ایستاده بودند دلیل بر خشم و
 عذاب حقیقی حق جل و علا باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قیامت بر خاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظلم دست یابد
 و از غم رسته گردد و اگر بنید که عتقی پیدا شد چنانچه آفتاب منور برآمد یا طبل و یا جوی و یا جوی پیدا شدند باید که توبه کند
 و بحق تعالی گراید و اگر بنید که کور یا بشکافت و مردمان بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که او را برانگیختند
 باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی اجل و علا جوید و اگر بنید که در شمار کاه بود و دلیل که در غفلت بود و قوله تعالی
 اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَقْرُونُونَ اگر بنید که با وی شمار کردند دلیل که او را زیان برسد و قوله
 تعالی فَمَا سَبِّحْنَاَهَا حِسَابًا بَاشَدِيدًا أَوْ عَدِ بِنَاهَا عَدْلًا بَالُكُلٍ و اگر بنید که در راه بسجید و از آن وی یکی زیادت آمد
 که سرانجام کار وی نیکو شود و قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِسُونَ و اگر بنید که یکی وی بشیراز
 یکی بود دلیل که سرانجام کار وی بد بود و قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ
 خَالِدُونَ اگر بنید که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست و دست چپ دلیل که وی برادر راست بود و قوله
 تعالی وَإِنَّ لِلَّذِينَ هُمْ أَلَكْتَابُ وَالْمِيزَانِ لَيَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بنید که نامه گرداری دادند و گفتند که برخیزان اگر از اهل
 صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد و قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ الْمَصْحُورِ اگر بنید که بر صراط است دلیل
 که راه راست میرود و اگر بنید که بر صراط نتوانست گذشتیم برادر است بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح بر چهار وجه
 بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال و خاتمت با سعادت و اهل فساد را

تعبیر

تنبیه

تعیین

بخلاف این بود قیر ابن سیرین رحمه الله علیه که پدر کسی بخواب بنید که قیر داشت دلیل که بقدر آن نعمت در روزی
 یابد مغربی رحمه الله علیه که پدر کسی بنید که قیر بسیار داشت و بخانه برود دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برود اگر بنید که قیر از خانه بیرون
 افتد تا ویش بخلاف این بود اگر بنید که در قیر او آتش افتاد و بسخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش بستاند
 و اگر بنید که قیر میخورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبران گویند که او را غم رسد قی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بنید که قی میکرد و آسان بر می آمد دلیل که توبه کند و اگر بنید که قی نتوانست کردن یا در وقت بر آمدن با حاجتی
 رفت دلیل که از توبه باز کرد و وسر انجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد و اگر بنید که قی میکرد
 و میخورد دلیل که از بخل چیزی بر عیال نفقه نکند گرانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که قی میکرد و طعم او ترش و ناخوش
 بود دلیل که بعد از توبه بر سر گناه رود و اگر بنید که بهنگام قی کردن چیزی از شکم وی بزبان آمد دلیل که بار شود
 و اگر بنید که طعم بر آورد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بنید که خون بسیار بر آورد دلیل که مال یابد و اگر بنید که صفرا
 بر آورد دلیل که از سرخ امین شود و اگر هر چه در شکم بود بر آورد دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
 قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن ششم
 کارهای بسته کشاده شدن و اگر بنید که قی کرده و میخورد دلیل که چیزی کسی بخشد و از آن کس باز نماند حرف
الکاف کاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کاجی بروغن کنجد و شکوفه و روغن بادام
 خورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که بروغن و انجبین میخورد دلیل که بقدر آن راحت یابد و اگر بنید
 که کاجی بروغن و ماست میخورد دلیل که از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بنید که کاجی بچیزی ترش میخورد دلیل که بر غم و
 اندوه و اندیشه بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کاجی بچیزی شیرین میخورد دلیل که او را مال آسانی بدست آید و اگر
 بنید که بچیزی ترش میخورد دلیل که غم و اندوه بود بقدر ترشی کاه و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کار و فرزند بافتد
 و پیام کار و زن بود اگر کسی بخواب بنید که کار و در دست داشت و داشت که از آن وی است دلیل که او فرزند
 آید اگر بنید که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد گرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سلاحی پوشیده و
 کار وی در دست داشت دلیل که او از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و دگر آموز و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید
 که کار و از پیام بر کشید دلیل که زارش سپری آورد و اگر بنید که کار و در پیام بشکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان پدرش
 بمیرد و اگر بنید که اندام خود را بکار و نجست دلیل که بقدر خشکی اندام او از زیان رسد و اگر بنید بکار و چیزی تراشد دلیل که
 از آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که در کار و او رخنه افتاده بود یا زنک گرفت یا علیبی در و ظاهر شد دلیل که
 نقصان مال او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کار و در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند
 سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم توانائی هفتم ولایت کارزار کردن ابن سیرین رحمه الله

تعبیه

سیرین

کاجی

کاه

کارزار کردن

علیه کو بدکار زار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی بنحواب بیند که کار زار میکرد و دلیل کار زار از علت طاعون بیم بود
و اگر در کار زار دشمن را قهر کرد و دلیل که از علت خلاصی یابد و اگر در کار زار دشمن بروی چیره کشت دلیل که بعلت طاعون
سلاک شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کار زار با کسی بشمشیر جنگ میکند و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل
بر خصومت بود و آنرا ظفر بود که فرصت یافته بود و اگر کار زار را بنیزه میکشد و همین تاویل دارد و اگر به تیر و کمان کار زار
میکرد و دلیل که میان ایشان بزبان گفتگویی شود کار زاری کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کاری
میکرد و کار زار نبود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه تاویل غم و اندیشه بود و کار زار پاک کننده چرک است
پس دلیل بازگشت بخداوند تعالی بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بدرید و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که
جامه دریده را بدوخت و دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او شستن سفید شد و دلیل که از توبه خلاصی و رشککاری یابد و اگر
بیند که جامه می شست و سپید نمی شد و دلیل که همواره در گناه بماند مگر فی رحمه الله علیه گوید کار زار در خواب مروی باشد که بر دست
وی خیرات و حسنات هر دو بر دوازده کفایت کند آن جعفر صادق رضی الله عنه گوید کار زار در خواب مروی باشد که غم و اندوه
از دل مردم بر دوازده سبب مبران گویند چون کسی بنحواب بیند که جامه می شوید و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و از گناهان توبه
کند خاصه که جامه را سپید شوید کار زار و دنیا کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنحواب بیند که کار زار دنیا میکرد و دلیل
بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار دین میکرد و دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آنجهانی نیک بود
و اگر بیند کار زار دنیا وی آراسته شد و دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بود و عمرش دراز باشد
و اگر بیند که بکاری مشغول بود که او را و غیر او را از آن منفعت نبود و دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر
و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که با مروی بکاری می شد و در راه بنشست دلیل که
مخالف دین بود و قوله تعالی **فَرَحَ الْمُخْلِفُونَ بِمَقْعَدِ هِمِّ خَلَاَفِ رَسُولِ اللَّهِ** **کَارِوَان**
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنحواب بیند که با کاروان در راه بود و دلیل آن کاروان مصلح و پارسا بودند
و دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند و دلیلش بخلاف این بود و اگر
بیند که سوار بود و برک تمام داشت و دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برک
نداشت تاویلش بخلاف این بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد و دلیل که کار زار وی
کشاده کرد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که کار زار بروی بسته کرد و کار زار بنی سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی
در خواب بیند که در جایگاهی معروف کار زاری میکند و دلیل که با کسان خود مکر و حیلت سازد و این تاویل وقتی
بود که بکندن کار زار آب پیدا نشود و چون آب پیدا شود و دلیل که بکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کار زاری کند و باشد منفعت بقدر
علیه گوید اگر بیند که از کار زار آب می ستد و دلیل که بکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کار زاری کند و باشد منفعت بقدر

کار زاری کردن

کار زاری کردن

کاروان

کار زاری

آنکه از بردارد بوی رسد و اگر بنید که آب از کار نیز برداشت و در خم ریخت یا در سبزه کرد و لیل بر مالی باشد که خرج کند و
 اگر بنید که در کار نیز افتاد و لیل که در مکر و حیالت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که باغ را در کار نیز آب میداد و لیل که
 باین خود مجامعت کند و کار نیز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بکرو حیالت ساز کند کاسه ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید کاسه چوبین چون در وی خورونی بود و بخورد بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه
 سفالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندی و بیچارگی بود گر مالی رحمه الله علیه گوید کاسه طعام می
 بود با برکت و منفعت که بردست وی چیزات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که
 در وی خورونی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شهنش بود و کاسه آبکینه
 دلیل بر آن کند و کاسه تهی دلیل مفلسی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و
 شیرین داشت دلیل که نعمتی مالی یابد و اگر چیزی ترش و ناخوش بنید دلیل بر غم و اندیشه بود کاسه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه در خواب مال و بزرگی بود اگر بنید که کاسه سفید و پاکیزه داشت دلیل که بقدر
 آن مال و بزرگی یابد و اگر بنید که کاسه غروی در آب بریان رفت یا سوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال او
 نقصان شود گر مالی رحمه الله علیه گوید کاسه در خواب علم و دانش بود اگر خداوند خواب پارسا بود و اگر بنید که
 کاسه بسیار داشت دلیل که در فضل و علم شهرت یابد و اگر خداوند خواب مفسد و جاہل بود تا و پیش بخلاف این بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاسه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم
 مکر و حیالت کافور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک و راست بود در راه
 حق اگر بنید که کافور می سوخت و از آن بوی ناخوش می آمد دلیل که نیکویی کند با کسی و از آن منت ندارد و اگر بنید
 که اندکی کافور یافت دلیل که بشارت شادی یابد و اگر کافور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کمینک خوبوی
 پنجم مال بسیار ششم شنا و آفرین و سخنهای خوب هفتم رامش نفس کافور سیر غم نبایست که شکر کوفه او زرد بود
 و از وی بوی کافور آید و اگر بنید که در زمین او رفته بود دلیل که مدح و ثنای او در زبان مجوس مردم باشد و اگر بنید که کافور سیر غم از
 جانی برگزد دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود و اگر بنید که کافور سیر غم بخورد دلیل که او غم و اندوه بد جعفر صادق رضی الله
 عنه فرماید دیدن کافور سیر غم در خواب بوقت خویش بر سر و جلو بوی شنا و آفرین دوم نفع اندک سوم سخن لطیف شنیدن کافور
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کافور شده است دلیل که او را بخت کفر میل باشد و اگر بنید که کبر
 شد و آتش می پرستید دلیل که بخدا و مدد تعالی عاصی شود و اگر بنید که آتش نور و شجاع نداشت دلیل
 که مال حرام جوید و دین خود را بمال حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافور در خواب

ح

کاسه

کافور

کافور

کافور

برسته وجه بود یکی میل بفرودشتن دوم صحبت بامردم دشمن و بابت اعتقاد ان گشت و خاست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بروی کاهم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کام وی چنان درازند که کلوی از درازی او بسته شد دلیل که بدینا حریص بود مردم را غیبت کند کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کام بالائی وی بزرین لب بود دلیل که کار با بروی بسته کرد و اگر بنید که کام او درازند بود و بید و بنیدخت دلیل که بترک حرص و از بگوید و مردم را غیبت نکند کاهم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کامها در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بنید که کامه میخورد و دلیل که بقدر آن رنج و اندوه بوی رسد و اگر کامه کسی داد و او بخورد و دلیل که آنکس از وی رنج و دل کرد و غم و اندوهش کمتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کامه در خواب خوردن برسته وجه بود یکی غم و اندوه دوم مصرت سوم خصومت و گفتگوی کاه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کاه در خواب مال و نعمت بسیار بود و خاصه که کاه کند باشد و اگر بنید که کاه بسیار داشت و در خانه میکشید دلیل که مال و نعمت حلال بسیار حاصل کند و اگر بنید که کاه جو بود آنچه گفتیم کمتر از آن باشد کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کاه دانی رفت و داند که ملک اوست دلیل که توانگر شود و مرد و دو جهانی یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که آتش در کاه داند اتفاقا و کاه او بسوخت و دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مال خواسته از وی بستاند و اگر بنید که چارایانی کاه میخورد و دلیل که بجهت مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاه در خواب برسته وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سوم کاهم و نشاء وی کاهم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کاهموی شیرین بوقت خود میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که کاهموی تلخ بود دلیل که مصرت و زیان بیند و اگر بنید که کاهموی تلخ و نیکو نبود دلیل که با کسی گفتگوی کند کاه و رس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کاه و رس میخورد و دلیل که مال و خواسته یا بد و اگر بنید که کاه و رس بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بنید که کاه و رس بفروخت و دلیل که او را مصرت رسد کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کاه و رس بود و دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کاه و انیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بنید که بر کاه و رس نشسته بود و کاه و رس آن او بود و دلیل که از پادشاه عجل کبر و نفع بسیار از وی بیاید خاصه چون کاه و سیاه باشد و اگر کاه و رس و بنید دلیل که بیمار بود و اگر بنید که کاه و رس نرازد و رخا و وی در آمد دلیل که حق تعالی در خیر و روزی بروی کشاده کرد و اند لیکن اند و پیش سپردی نکرد و اگر بنید کاه و ان نریب داشت دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او در کار ایشان سعی کند و اگر بنید کاه و رس نرازد برون بزد و از منزلش بیرون برود و دلیل که از غلامان او را مصرت رسد و او خود را معزول بگرداند و اگر بنید که کاه و او را رسه سرون بود و هر سرونها بموضع سر بود و دلیل که بعد هر سرون فی غلامش یکسال عملی کند و اگر در اندامی از اندامهای وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان بیند یا ویش بخلاف

ک

ک

ک

ک

ک

ک

این بود که مانی رحمة الله علیه گوید که او در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و دم کاو و زرد و زوخت نیز عامل بود و اگر بینید که دنبال کاو و زرد سرای در آمد دلیل که مال بسیار یا بد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچه خویش کاوان بسیار بینید دلیل که بهتر کرد و در کار او خیرات و برکت پیدا آید و اگر کاوی نزد او را برون بزد و بیند خست اگر بیند خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد و اگر باز رکان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک برفت و اگر بیند که کاو و لبرون بزد و او بقیه دلیل که کسی بروی شرف و بزرگی کند و در غزل وی گوشت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاو و زرد میان کاوان یکشت و قسمت کردند و کاوان عامل بود دلیل که مردی بزرگ از آن کوچه کشند و اگر بیند که کاو را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که خداوند کاو را هلاک کند و مالش بستاند و اگر بیند که کاو میشت که نکاو او بود دلیل که مردم محشم در آن موضع میزند و اگر کاوان بسیار زود ماده مختلف بیند که در آن موضع آمدند و میگردند دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر کاو فریه باشد دلیل فراخی و از زانی بود و اگر بیند که کاوان زمین را می شکافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاو جنگ میکرد دلیل که او را با بهترین جنگ افتد این سیرین رحمة الله علیه گوید که او در خواب سال بود و اگر ماده کاو بیند دلیل که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر ماده کاو لاغر باشد و پیش بخلاف این بود و گوشت ماده کاو مال و فراخی در آن سال بود و پوست وی ذخیره باشد و اگر بیند که ماده کاو را میبوسید و از شیر میخورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند از او گردد و اگر در ویش بیند تو انگر گردد و اگر از او بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده کاو او آستین بود دلیل بر امید داری بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت کاو فریه بخورد دلیل که در آن سال زنی ثوا نگر زنی کند و اگر بیند که ماده کاوی باد بوشید و از آن شیر میخورد دلیل که مال بسیار جمع کند و از آن چیزی بخورد و اگر بیند که ماده کاوی با وی سخن گفت دلیل که عیش بروی فراخ گردد و اگر بیند که ماده کاوی پیش آمد دلیل که سال بروی مبارک بود و اگر بیند که ماده کاو از وی روگردانید دلیل که آن سال بروی بد باشد و اگر بیند که بر ماده کاوی نشسته بود و بقیه دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده کاو جنگ میکرد دلیل که در آن سال بار زنی خصومت کند و اگر بیند که ماده کاو در آن زمین مرغ میکرد دلیل که در آن سال مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماده کاو او را بگزید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که ماده کاو ناگاه در خانه او در آمد دلیل که ناگاه مال یابد و پیغمبر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین ماده کاو در خواب بشنود و چه بود که فرمان روائی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکویی ششم سال نیکو کاو و ششمی کرمانی رحمة الله علیه گوید کاو و ششمی در خواب مردی ثوا نگر بود با مال بسیار و اگر بیند که در شکار کاو و ششمی گرفت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دو کاو و ششمی با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو فاسق با هم جنگ کنند و ماده کاو

دستی بنادیل زن بود و اگر بنید که گوشت ماده کاودستی میخور و دلیل که انجبت زمان مال حاصل کند و اگر بنید که بچه کاودستی
 بگرفت دلیل که او را فرزند می آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گوشت کاودستی میخور و دلیل که قوت و دولت یابد اگر بنید
 که کاودستی شاخهای بسیار داشت دلیل که پسر شاخی او را دولتی و قوتی بود کا و پیش ابن سیرین گوید که کا و پیش
 در خواب مردی با قدر بود که از مردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود کا و چشم کیا هست دیدن آن در خواب که یک
 نیکو بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر زنی بنید که شکوفه کا و چشم از درخت بکند و چشم هر فاد دلیل که او را طلاق یابد
 و اگر بنید که شکوفه کا و چشم کند و بنام داد دلیل که غلام بگریزد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کا و چشم بوقت خویش بر درخت
 بنید دلیل که او را فرزند می آید و اگر بیوقت بنید باشد و اگر پسر مرده بنید فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود ممکن شود و
 باشد که او را زبان رسد کا و زبان از انواع نباتات و بر کهای وی درشت باشد ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید خوردن کا و زبان در خواب جنک خدمت بود و در خوردن و دیدن آن خیر نبود گوشت پنجه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گوشت پنجه در خواب بهتر از گوشت کباب بود اگر بنید که کباب از گوشت گویند میخور د
 دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت کا و بود دلیل که از ترس و بیم امین گردد و اگر
 کباب از گوشت میخور و دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بنید که از گوشت چهار پای دشتی کباب میخور و
 دلیل که او را منفعت و خیر از بزرگان پای پی برسد کرانی رحمه الله علیه گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل بر
 منفعت کند کبر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر جمع میکرد دلیل که اند و ممکن شود خاصه که هنگام خود بود
 و اگر بنید که کبر میخور و دلیل که غم و اندوهش صعبتر بود و در خوردن کبر هیچ منفعت نبود کبر شدن ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کبر شد دلیل که خواستکار و نیاز بود و طالب آخرت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که کبر شد و در گشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بددیان دارد و تابع اهل فساد و سوءای
 نفس باشد و اگر بنید که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل که توبه از گناه کند و بخدا توبه یابد و بکار خیر
 مشغول شود کباب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کباب در خواب زنی خوروی بود و یا کینک با جمال و اگر بنید که
 که کبکی را گرفت دلیل که زن خواهد و اگر بنید که کبکی را بد و بخشد دلیل که از بهر وی زنی خوروی بخواند و اگر بنید که
 کبکی بشکار گرفت دلیل که کینک کی خوب بدست آورد و اگر بنید که گوشت کباب میخور و دلیل که او را لباس نوحاصل شود کرانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کلوی کبکی برید دلیل که و شیرینی کینک بر و مغربی رحمه الله علیه گوید کباب زبیر باشد و کباب ماده
 زن و کینک ناموفق و اگر بنید که کباب از دست وی برید دلیل که زن را طلاق دهد و یا کینکش بگریزد و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید دیدن کباب در خواب بر چهار وجه بود یکی پسردوم دوست سوم رامش چهارم دل و مراد کبوتر
 دیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود یا کینک اگر کسی بخواب بنید که کبوتر گرفت دلیل که زن خواهد

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

و او را دختری آید و اگر بنید که بوتر بسیار گرفت دلیل که بعد و بوتر زمان خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بنید که گوشت که بوتر بخورد
 دلیل که از مال زنان فایده یابد و اگر بنید که بوتر بچکان گرفت دلیل که از زمان منفعت یابد و بعضی معتبران گویند که بوتر بچ
 غم و اندوه بود از قبل زنی که بوی رسد که رانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که بوتر بسیار در خانه او بود دلیل که او را
 فرزندان بسیار شود و نیز گویند که او را مال بسیار از جهت زمان حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید که بوتر خواب
 زنان آزاد بود و اگر بنید که بوتر کسان بحیثیت گرفت دلیل که بقدر آن مال بکرو حیثیت حاصل کند و اگر بنید که بوتر
 از هوایش می آید و مطیع می شد دلیل که از جای که امید دارد بدو منفعت رسد و اگر بنید که بوتری را طعام داد
 دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بنید که بوتران بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل بر ریاست
 و سروری کند و بهترین بوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سبزه فام باشد و خداوند خواب زن باشد دلیل
 که شوهر می کند یا او را دختری زاید و بوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که بوتر خانه در خواب جای زن باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیز سوم مال چهارم نامه غایب پنجم بیست
 و معتبران گویند که بوتر در خواب هر بوتری درم بود که باید کتاب خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که
 کسی در خواب بنید که کتاب نفیر میخواند دلیل که در راه دین و زهد گام آید و کارهای بستره بروی کشاده کرد و اگر
 بنید که کتاب فقه میخواند دلیل که از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بنید که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه
 صاحب رای شود و اگر بنید که کتاب اصول میخواند دلیل که بکاری مشغول شود که منفعت بر پنج حاصل کند و اگر بنید که کتاب
 توحید میخواند دلیل که بعد از مشغول شود و اگر بنید که در آن فایده دینی باشد و اگر بنید که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تحلیل
 میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بنید که کتاب قصص میخواند دلیل که بر سخن اولیا و انبیا طریقی بود
 و اگر بنید که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح این جهانی او حاصل شود و اگر بنید که کتاب نحو و ادب میخواند دلیل که شغل دنیا
 مشغول کرد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بنید که کتاب رسایل میخواند دلیل که صلاح که خدا می مشغول کرد و
 اگر بنید که کتاب طبایع میخواند دلیل که در طلب چیزها و ثبات خشن چیزها مشغول کرد و اگر بنید که کتاب شعر میخواند
 اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری مشغول شود که مردم او را طاعت کنند و اگر نعت و تحمید میخواند دلیل که نیک باشد
 و اگر بنید که کتاب تبصیر میخواند دلیل که بچندین بزرگ بر محترمی منت دهند و از وی چیزی یابد و اگر بنید که کتاب هدیه میخواند دلیل که بکار مشغولی
 شود که مردم او را نماند و لیکن دین را سود ندارد و اگر بنید که کتاب صاحب قضا میخواند دلیل که بسفر رود و آن سفر منفعت یابد و اگر بنید که
 کتاب حساب میخواند دلیل که همواره اندوختن بود و اگر بنید که کتاب مضاحک و فساد میخواند دلیل که کاری کند که از آن نشت نباشد و اگر بنید که
 کتاب سجود و عیب میخواند دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام کرد و کتاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کتاب
 در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم

بوتر

شعر

جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بید که تخم کتان میخور و دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه میگوید
 دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم شرک کتف در خواب آستین مری و جمال وی بود این
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که کتف وی درست بود دلیل بر زیادتی مال جمال باشد و اگر کتف شکسته و ضعیف
 بید تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی بید امانت گذارد و اگر ضعیف بید در
 امانت گذارد و اگر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتف از موی
 پاک بید دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بید که کتف موی داشت از جانی که ضرر ندارد مال یابد کثیرا
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که کتف داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن فضل از مردمی بخیل بوی رسد
 و اگر بید که کثیرا میخور و دلیل که مالی بخور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کثیرا در خواب بر سه وجه بود یکی فضل مال مردم
 دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت بخند و خواب برسد هیچ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کچ در
 خواب جنک و خصومت بود و اگر بید که کچ داد دلیل که در جنک و خصومت افتد و اگر بید که کچ کسی داد تا ویش بخلاف
 این بود که مالی رحمه الله علیه گوید کچ در خواب سختی باشد و بر میآید که از کچ درست بید همه بد باشد زیرا که همه باتش بخینه اند و اگر
 بید که کچ میخور و دلیل که بیم طلاق او بود کمال هر که کمال را بخواب بید دلیل بر صلاح کار کند شتبا کند و راه نود
 بکارهای که در آن گمراه باشند و اگر بید که کمالی میکرد و در وی او چشمها نافع بود دلیل که خلق را به صلاح خواند و کمال را نرا
 راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کمالی میکرد دلیل که دوستی که از هم جدا
 باشند جمع کند و میان مردم صلاح جوید و اگر در وی وی نافع نبود تا ویش بخلاف این بود که مالی کردن این
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که کمالی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را چیز و منفعت بسیار برسد و
 با هر کس زندگانی بلطف کند الامروم او را طاعت کنند و اگر بید که از را چیزی میخواست کسی او را چیزی نداد دلیل که
 کار بروی بسته کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم محبت
 چهارم عز و جاه که و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که و بوقت خود اگر کسی بخواب بید که در خانه او درخت کدو بود
 دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر بید تنفایا بد و اگر بید از او کرد و اگر کافر بید سلمان کرد و اگر سلمان
 بید سلامت بوطن خود برسد و اگر فاسق بید تو بید جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که کدو داشت دلیل که از زنی
 یا را منفعت یابد و اگر بید که درخت کدو ازین بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بید که کدو بی تخمه میخور و دلیل که
 حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید که و در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم نعمت و مال سوم نظام
 کمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که و در خواب مال و خواسته بود و اگر کسی بخواب بید که بر تن وی که پدید آمد و
 او را اندک خارش میگرد و در کریم بود دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کدو داشت

ترتیب

۱۰

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

و جلد از تن وی و در بخت و ناپدید شدن دلیل که مال جمع کرده اولف شود و بعضی متبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه
 بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام بود که با سوسو جانور است و بدین وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد
 اندازد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کرباس را بگرفت دلیل که مردی بزرگ بخوابش تن نزدیکی کند
 و اگر بیند که کرباس را از او بگرفت دلیل که آن مفسد از او بگریزد و اگر بیند که کرباس را بگشت دلیل که آن مفسد را حالی
 تنباه شود و اگر بیند که کوشش کرد با سوسو بخورد دلیل که بقدر آن مال حرام از مردی مفسد غور و کرد که به ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید که در خواب و در مفسد بود اگر کسی بخواب بیند که کرباس معروف بخانه وی درآمد دلیل که دزدی
 معروف بخانه او در آید و اگر کرباس به چوبل بود دزدی بیکانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد یا بهر دلیل که دزد از خانه
 وی چیزی ببرد و اگر بیند که کرباس را گشت دلیل که دزد را قهر کند که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوشش بخورد و پوست
 از او بگشت دلیل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با کرباس جنگ میکرد و کرباس او را بخوابشید دلیل که بهار
 شود و اگر کرباس را قهر کرد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر کرباس او را بگریزد دلیل که بیماری بروی درازد و بعضی از متبران گویند
 که به تاویل خادم بود و انبیا علیهم السلام گوید کسی نباشد که کرباس بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر نبیند
 بخواب بیند که کرباس بدو پیشد و پیروی بخورد و دلیل که آزاد کرد و در آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را زنی کند و اگر
 آزادی بیند که شیر کرباس بخورد دلیل که او را با کسی خصومت افتد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرباس در خواب بر پشت
 وجه بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چهارم بیماری پنجم زنی مشفق ششم حسود هفتم جنگ خصومت هشتم جابر کوتاه
 باشد که مردم از او طلق خوانند و پوشیدن آن در خواب قوت سفر بود و اگر کرباسه وی ببرد و از مردی پناو
 قوت یابد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که کرباس پوشیده بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند
 که کرباس در او پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که کرباس پوشیده بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که عیشت
 دنیا مشغول کرد و اگر مالی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کرباس پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما دین ضعیف بود
 اگر بیند که کرباس بخت یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن کرباس
 در خواب بر چهار وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار و اگر در ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کرباس
 چیزی که ملک او بود گشت دلیل که بقدر آن او ایال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود دلیل که کاری
 پوشیده و در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که روی او را آلوده بود دلیل که او را نوحه و غم و تنبیه رسد و اگر
 بیند که در و خاک بر زمین که ملک او بود گشت دلیل که بقدر آن مال خسته یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن بر
 وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت و خصلتی کردن و انبیا علیهم السلام گوید که در خواب دیدن
 جایگاه امانت و جایی دین بود و اگر بیند که کردن آن سبب شد دلیل که او را قوت و امانت گذارد و اصلاح

دین و نکاستن دینت بود و اگر بنید که کرون او کوتاه و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود و اگر بنید که
 ماری در کرون وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال نذر بقوله تعالی سبطون ما بنحو ابدیه بود القیمة اگر بر کرون
 خود کرافی بنیدنی آنکه چیزی بر کرون داشته باشد دلیل که باری شود و اگر باری بر کرون خود بنید و هیچ کرافی پیدا نبود دلیل
 بر دوستی دین و دوزخی عمر وی بود و کرافی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کرون وی متبر و قوی شده بود دلیل که امانت نیک گذارد
 و کارش قوی کرد و اگر کرون خود را دراز بنید دلیل که امانت در کرون وی دیر بماند و از کوفت و اداون خود باز ماند و اگر
 کرون خود کوتاه بنید دلیل که امانتها از کرون خود زود و در کند و اگر کرون خود سیاه بنید دلیل که در امانت خیانت
 کند و اگر کرون خود شکسته بنید دلیل که از مراد خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانتی بزرگتر از دین نیست و اگر
 کرون خود را کوتاه بنید دلیل که در امانت خیانت کند و اگر بر کرون خود موی بنید دلیل که او را از جهت امانت گذاری و امی
 افتد و اگر موی از کرون خود بستر و دلیل که و امش گذارده شود و اگر گوشت از کرون بریده بنید دلیل که مال کسی را بوی
 بود و منالغ شود و اگر کرون خود را کوتاه بنید دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشد خیانت کند مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید
 که گوشت کرون وی میخورد و اویش بخلاف این بود اگر بنید که بر کرون کسی شسته بود دلیل که بر دشمن ظفر یا بد جعفر صادق
 رضی الله عنه کوید دیدن کرون در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم و ام پنجم بیماری کرون بنید
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کرون بنده زمر و ایدر بنید داشت دلیل که حق سبحانه و عزوجل او را علم و کلام خود
 روزی کرد و اندوهر چنانکه جوهر کرون قوی تر بود علم و دانش او بیشتر بود و کرافی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کرون بنده
 وی از زربود یا از سیم مرصع ملبوس می گرانایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی باید و باشد که امانتی در کرون گیرد و اگر
 کرون بنده او دراز نشد دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود و اویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که
 کرون بنده خود بچوهر مرصع کرده بود یا مرصیغه در کرون داشت دلیل که جاه و ولایت باید و اگر کرون بنده وی دراز بود دلیل که
 منزلت باید و اگر کوتاه بود و اویش بخلاف این بود و اگر بنید که کرون بنده ای بسیار داشت دلیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر
 صادق رضی الله عنه کوید دیدن کرون بنده زین در خواب بر شش وجه بود یکی حج قدم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم
 امانت پنجم محالجت ششم کنیزک و هم او کوید کرون بنده زین حج باشد و از آن سیم کنیزک کرون زدن ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که او را کرون زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده بود دلیل که آزاد شود و اگر
 بیمار بود شفا یابد و اگر و ام دار بود و امش گذارده شود و اگر خوف دارد امین کرد و اگر کافر بود
 مسلمان شود و اگر بوقت کرون زدن سرش از تن جدا نشد تا اویش بخلاف این بود و اگر آن کس
 که کرون زد معروف باشد آن چیز که گفته شد از کرون زنده بدور رسد و اگر کرون زنده کوید فانی بالغ
 بود دلیل که اگر بیمار بود و کرافی رحمة الله علیه کوید اگر آنکس که کرون او زدن در دست و آزا و تو انگر بود دلیل

سروید

سروید

که از نیک بختی به بد حال افتد و مال و نعمتش نماند و در ویش شود و سر انجام کارهای هلاک شود علی الجملة کردن زدن و زخم
مرد و ایشان و خداوندان محنت را نیک بود و مرگوان و خداوندان نعمت را بد باشد کرده در خواب مال نهان
کرده باشد که بیاورد و خرج کند و اگر بیند که کرده بخت یاربان کرده بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیاورد
و اگر کرده از جانوری که گوشت او حلال بود داشت دلیل بر یافتن مال حلال بود و اگر از جانوری که گوشت او حرام باشد
دلیل که مال حرام بود که مانی رحمة الله علیه گوید کرده یافتن در خواب مال نهان کرده بود و بعضی میگویند که کرده و زخم
فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از او بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرده اسب
داشت و بخت میخورد و دلیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که کرده کاو داشت دلیل که در آن سال مال نعمت
حاصل کند و اگر کرده گویند داشت دلیل که در آن سال مال نعمت حلال یابد از قبل دشمن و اگر بیند که کرده های خام
میخورد و دلیل که مال حرام یابد و اگر کرده های بخور و آنچه کفایت می کند و کرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بر گردن شسته بود و گردن نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گردن بی کاوان ایستاده
و او در گردن بود و دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از گردنهای خود گردنی بدو داد دلیل که از
پادشاه منزلت و بزرگی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب دلیل بر پشت و وجه بود یکی ولایت
دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسانی در کارها که سسکی ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید که سسکی در خواب بهتر از سیری بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که رسنه شده بود و چیزی
نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آرزو در مال دنیا کمتر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رسنه بود و دلیل که بقدر سسکی
او را مصیبت بود و اگر بیند که رسنه بود و چیزی خورد و سیر شد و دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود
دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم نماند و توبه بشکست و بر سر مصیبت رود و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که سسکی در خواب بر چهار وجه بود یکی مصرت دوم حرص و آرزو سوم مصیبت و گناه چهارم طمع
داشتن بر دوم کرسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است و از راه خود چنین
واجب کند که ایزد تبارک و تعالی اجل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سع کرسیه السموات
والارض ابن عباس رضی الله عنه گوید و سع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و
قدرت خدا تعالی است و بعضی میگویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید
تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا تقوی بحال دارد و یا پادشاهی عادل و پریر کار وافی و ناچا که در
اجرا آمده است دلیل که اهل دین و علم را نیک بود و بسند خواب از سلطان عادل خیر و نیک بیند و مالش
زیاده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل دوم انصاف سوم

سوره

سوره

سوره

سوره

عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکسی نشسته بود دلیل که کار او بالا گیرد و قدر و
مرتبت و جاه یابد و بهر مراد و ببرد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق پیدا شود
و اگر این کرسی که در روی سار و در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کسی بزرگ و پاکیزه بستد و بر و نشست
و دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کسی نشست دلیل که دختری دوشیزه بخوابد و اگر بیند که
در زیر وی کرسی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و اگر بیند که کسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی در ویش و حیو
در مانده بود و اگر بیند که کسی در پشت اما بر و نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد که نفس ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که کفّس بخورد و لوقت خود بود دلیل که شکمین شود و بعضی از معبران گویند که چیزی
مکروه خورد و اگر بیند که کفّس داشت اما نخورد و آنچه کفّس کمر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کفّس در خواب بر سر
وجه بود یکی غم فاند و دوم خصومت گفتگوی سوّم خوردن چیزی مکروه کرد و کمری بود بقدر که بوتر و تاویل آن
بزن کنند اگر کمر در خواب بیند و غریب بود دلیل که زن کند و اگر نکینک خورد و اگر بیند که از دست وی برید
و دلیل که زن را طلاق دهد و اگر نکینک دارد و بگریزد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن میراث
زن یابد کرس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کس مهتر مرغان بود و قوی و تیز بین و در از عمر از مرغان بود
و اگر بیند که کسی داشت دلیل که از نمودی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر استخوان
یا بریان گوشت کرس داشت همین تاویل دارد که زانی رحمه الله علیه گوید که اگر بیند که کرس او را بگرفت و در هوا برد و نزدیک
آسمان رسید دلیل که سفری دور کند و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بقضا و بود بسبب آنکه فرود
بکرس آسمان بر رفت و اگر بیند که کرس او را از هوا بریرافکند و یا خود از چنگال کرس بفتند و دلیل که از شرف و بزرگی
بمیرد و کارش خراب شود و اگر بیند که کرس او را آسمان برد و آنجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و در آن سفر بمیرد و اگر مقیم نشد
باز زمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر از اهل پادشاه بود یا از اهل و خویشانش خود بزرگی یابد و اگر کرس بی چنگال در خواب
دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حمله العرش بصورت گرگ مانند و اگر بیند که کسی بالای سروی شکار میکرد دلیل که
بیننده خواب باز رکائی کند و اگر بیند که با کرس جنگ میکرد و او بر کرس غالب شد دلیل که با نمودی بزرگ خصومت
کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب بچه کرس بیند اگر زن
دارد دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند و اگر بیند که کرس روی
نشسته بود دلیل که او را بر و ار کنند و انبیا علیهم السلام گوید که اگر بیند که در آن کوچه که کرس فرود آمد
دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرود آید و اگر بیند که در آن کوچه که کرس بکشتند دلیل که پادشاه آن دیار بمیرد و او
یا ملاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم فرمان

فیب

سرب

سرب

سوم ریاست چهارم ثنای ایشان پنجم مرتبت ششم امر و نهی کردن کرک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کرک در خواب
 پادشاه دروغ زن شکر بود و اگر بنید که با کرک جنک و نبرد میکرد دلیل که او را پادشاه یا با کسی دشمنی بود و خصوصیت
 کند و اگر بنید که شیر که میخورد دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود و اگر بنید که گوشت کرک میخورد دلیل که
 از پادشاه شکر بقدر آن مال باید کرانی بخرد و اگر بنید که کرک را بکشت دلیل که اهل اسلام از وی روی بگردانند و
 در وی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قتل کند و اگر بنید که سر کرک بیافتد و یا کسی بوی داد دلیل که شرف و بزرگی باید
 بقدر وی و اگر بنید که کرک در خانه وی در آمد و زبانی انداخت دلیل که او را از پادشاهی مضرت رسد و اگر بنید که زبانی نکر و
 دلیل که پادشاه جهان او آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کرک در بستر او بکین کرد دلیل که پادشاه با عیال وی
 فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن
 سوم مخالف ضعیف چون کرک ماده باشد که ماده ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که ماده در خواب غم داند و بود و
 خوشتن شستن شادی و خرمی بود و آب نیم گرم نیک بود و آب سخت گرم بد باشد و اگر بنید که در کرک ماده رفت و غسل
 کرد و خود را پاک شست دلیل که از رنج و فکر رستگاری یابد و اگر بنید که در کرک ماده رفت و خود را نشست دلیل غم داند و
 بود که بدل وی رسد بسبب زمان کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کرک ماده رفت و آب پاک بخورد و خود را پاک شست
 دلیل که اگر ترسی دار و امین شود و اگر غمگین بود شاد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر واعدار بود و امش که از او شود و اگر
 بنید که توانگر است ازین چیزها که گفتیم خالی ماند نیز درالش نقصان شود و اگر بنید که آب بخورد و مالید و خود را شست دلیل
 که کارش تمام نکرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کرک ماده رفت و دست در وی و سرقه را بکشت و بیرون آید دلیل که
 از غم بیرون آید و اگر بنید که در کوچه یا در خانه کرک ماده بود دلیل که در آن مقام زنی روی بد یابد و اگر بنید که کرک ماده بی آنکه
 بشستن محتاج بود دلیل که غمگین و وام دار شود و اگر بنید که در کرک ماده جامه او زد و بر او برهنه بماند دلیل که بسبب
 کاری غمگین و رسوا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که ماده در خواب برشش وجه بود یکی زن دوم غم داند و سوم دین
 چهارم نابکاری پنجم دوست ششم دام و کرک ماده بان بیاورد زن بود و بعضی مجازان گویند که که خدای سزای بود کرانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کرک ماده بانی میکرد و اگر مرد بود دلیل که زن محشم خواهد و بختهای زن مشغول شود و اگر زن
 بود دلیل که شوهری بدین صفت کند که مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کرمان
 بسیار در شکم وی شد و طعام در شکم میخورد و ندلیل که عیالان دیگر از مال دیگری خواهد و اگر بنید که
 کرمان دراز و در تنش می افتاد و نیز بر تن و جامه وی کرمان بسیار بود و ندلیل که مال و عیال او شست
 بسیار او را حاصل شود و اگر بنید که کرمان از تن خود بر زمین می افتد و ندلیل که عیالان خود را
 از خود دور کند و بیمارستان نذر و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بعضی از اندامهای

او کرمان خوردند دلیل که عیال از مال وی خوردند و اگر بنید که از کرمان تن ویرا حضرت میر سید دلیل که او را از عیالان کج
 و حضرت رسد و اگر بنید که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد کرم بیرون می آید دلیل که بقدر آن مالش با عیالش
 زیادت شود و اگر بنید که کرمان از تن وی می افتادند و می مردند دلیل که عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا گردند
 و اگر بنید که کرمان بسیار از چوب خانه وی و غیره بر می خفتند دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن کرمان در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خوشه گره افکندن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر لیمان گره افکند دلیل که از کار یک دور بود و بر آن تکیه کند و اگر بنید که بر لیمان
 باز کشد دلیل که بر آن کار اعتماد نکند و اگر بنید که چیزی محکم بپست و گره زد دلیل که روز کاری در شغل آن چیز بسته بماند چیزی
 کشودن بزودی نتواند و اگر آن چیز تعلق بدین دارد یا بدینا کرمانی رحمه الله علیه گوید بستن گره در خواب دلیل بر بستگی
 کاره کند و هر چند که گره سخت تر بود و بستگی کار او سخت تر بود و اگر بنید که گره کشودن نتوانست دلیل که کار وی بسته ماند
 کرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در جالی گره بست یا تن خود را بچیزی گره نهاد دلیل که از گناهان بسیار بر
 تن خود می ترسد که گره است و اگر بنید که عیال و فرزندان خود کسی که او را دلیل که بروی ستم و سبید و کند و اگر بنید که
 خود را پیش کسی گره نهاد دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 خود را بگر و دلیل بر فساد و دین کند کل نفس بما کسبت رهینه و اگر بنید که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گره
 کرد دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و حضرت یابدر گوید که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گره بد داشت
 دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بنید که گره میخورد دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که
 بطعم تلخ و ناخوش بود و هر چه تلخ و ناخوش باشد در تاویل غم و اندوه بود و اگر بنید که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 که خنجر در خواب رستگاری بود و اگر کسی خواب بنید که از دشمن یا از جانوری گزند میگرخت دلیل که از شر و خوف
 ایمن گردد و بر خصم مغرور شود زیرا که موسی علیه السلام در خواب دید که از فرعون علیه السلام میگرخت پس از شر فرعون رستگار
 شد و سرانجام بروی ظفر یافت کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از دشمن پنهان میگرخت چنانکه دشمن
 او را میدید دلیل که متفکر شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مردمان میگرختند دلیل که او را از بزرگی
 تهت رسد قوله تعالی یوم توفوا لها تن هل کل مرضعة عما اوضعت اگر بنید که مردمان از زنان
 میگرختند از زنان مصلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید که خنجر در خواب شادی بود چنانکه بانگ مصیبت و اندوه بود و آن موضع که لیستن
 اگر بنید که از کر لیستن بروی وی نشان بود دلیل که بگردار نیک او را طعمه زند کرمانی رحمه الله علیه گوید
 که لیستن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی اگر در خواب بنید برگناه کر لیست

سخت

سرو

سرو

سخت

سخت

یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باری تعالی باشد که بفضل خود بروی رحمت کند و
 گناهان وی عفو کند و اگر بنید که میکرست و اشک انچه چشم وی نمی آمد دلیل که ناکردن از کار وی گذشته حسرت خورد
 و توبه کند و اگر از بهر معصیتی میکرست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بنید جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اگر بنید که میکرست و بعد از آن بنزدید دلیل که اجلس فرارسیده باشد قوله تعالی هو اضحک و ابکی کرمی
 در خواب درویشی و بد حالی و فرو بستگی کار را بود این سیرین رحمه الله علیه گوید کرمی در خواب تنهایی دین و غم و اندوه بود
 و کار را بروی بسته کرد و مردارش بر نیاید قوله تعالی اضمکم بکم عجبی فهم لای رجوعون کرامی رحمه الله علیه گوید
 کرمی در خواب دلیل بر بدینوالی و بستگی کار را کند و اگر بنید که کوشش وی بشنود دلیل که کار بسته بروی کشاده شود
 و بر او کام دل برسد و از رحمت حق تعالی نصیب یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرمی در خواب بر چهار وجه بود یکی
 درویشی دوم تنهایی دین سوم غم و اندوه چهارم بستگی کار را و نامرادی که در خواب مردی منافق و بخیر بود بعضی
 از معبران گویند دیدن کز در خواب روزی حلال باشد که بی منت خلق بدورسد قوله تعالی و انزلنا علیکم
 المن و السلولی اگر بنید که کز انگبین بسیار داشت و بخور و کسی نداد دلیل که مالی حلال بوی رسد و از آن
 خیر بنید و اگر بخلاف این بنید دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد که اگر بنید این سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بنید که کز انگیزی پوشیده بود دلیل که زنی بخوابد و بر دشمنان چیره گردد و اگر این خواب زنی بنید
 دلیل که شوهر کند و از شوهر خیر و منفعت بنید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کز انگیزی پوشیده بود دلیل که
 زنی توانگر و پارسا زنی کند و اگر بنید که کز انگیزی بستر پوشیده بود دلیل که آن زن مصالح و دیدار بود و اگر بنید که کز انگیزی
 سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر کز انگیزی سیاه پوشیده بود و بنید قاضی خلیب
 بود دلیل که نیک باشد و اگر کز انگیزی بود دلیل که آن زن خداوند معصیت بود و اگر کز انگیزی کهنه بود دلیل که آن زن
 پلید و نابکار بود و کز شوهر این سیرین رحمه الله علیه گوید کز دم در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم را میرنجاند و دوست و دشمن
 نزد او یکسان است اگر کسی بخواب بنید که کز دم او را بزدل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و اگر بنید که کز دم را
 بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که بعد از کشتن کز دم زنده شد و بار قصد وی کرد دلیل که بعد از این بر دشمن ظفر
 یابد و دیگر باره دشمن قصد وی کند و اگر بنید که در دست او کز دم بود دلیل که او مردم از او بود و از پس مردم را بد گوید و مردم را
 در یکدگر اندازد و فتنه انگیزد و اگر بنید که کز دم نچته یار بیان کرده میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر
 بنید که کز دم را در دهان نهاد و بخورد دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی مجالست و خفت و خیر کند و اگر بنید که
 کز دم در درون جامه داشت همین تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از کز دم ترسید و کز دم
 او را کزید دلیل که از دشمن گزند یابد و بعضی از معبران گویند باران مجامعت ننماید که کند و اگر بنید که کز دم

کرمی

کرمی

کرمی

کرمی

در پیرایه وی بود و دلیل که از دشمنان او را مضرت رسد و اگر بنید که در شکار وی کثرت بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با
 اینک وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کثرت در خواب بر سر وجه بود و یکی از دشمنان دوم حاسد سوم مخم حسین
 از نوم خواره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کثرت در خواره در خواب چیز است که در خورستان و در بیان آب می باشد
 دوم و زمین می کشد و چون کسی زخم آن یافت در حال هلاک شود و گاهی که در خواره در خواب
 دشمنی باشد با جزو حلیه و از مرید و فرزند و شیرین سخن و در دشمنی مسبب بود و اگر بنید که کثرت در خواره و اگر بنید دلیل
 که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدور رسد و اگر بنید که کثرت در خواره که نزدی نرسید و دلیل که از دشمنان زمین
 که رود و اگر بنید که چیزی مانند کثرت در خواره بود و از او میترسید و دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد و او از دشمن وی باشد که
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی خواب بنید که کثرت در خواره و دلیل که از او بسیار
 بودی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر بنید که کثرت در خواره بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر کثرت در کثرت نبیند و دلیل
 میشتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی میبازان گویند خوردن کثرت در خواب بیماری بود و اگر کثرت بر بیان بنید هم نیک باشد
 و بهتر آن بود که بکوشت بخت بود که دیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر خواب بنید که کسی او را کثرت دید و دلیل که مهر و
 هوا و آنکس در دل وی زیادت کرد و اگر بنید که کسی او را بخشم و کینه بزد و دلیل که نقد آن از وی زیادت شد
 مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر بنید که او را خزی بزد و دلیل که کارش از سخت در خطر بود و اگر بنید که شتر او را بزد و دلیل که
 او را از سفر زیان رسد و اگر بنید که او را بزد و دلیل که در آن سال مضرت بنید و کزیدن جمله دکان و در خواب بر
 چهار وجه بود یکی مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال کشتی گرفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که با کسی شتی میکرد و آنکس او را بنیادخت و دلیل که حال او نیکو گردد و در آنکس غالب شود و اگر بنید که خود بنیاد
 تا پیش بخلاف این بود و اگر هر دو قایم بودند و دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمیانه باشد اما بنیاد ظاهر باشد یکدو شتی کنند
 کاسنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که کاسنی بوی دادند
 و بخورد و دلیل که اندوه کمین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب مضرت و خصومت بود
 کشت و زراعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشت و زراعت در خواب توکل بخدا و ایتالی اجل و عطا بود و زراعت
 حلال طلب کردن و یکی و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بنید که از بهر تخم کشتن زمین شکافت و دلیل که
 خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت رحیم الله گویند که اگر بنید که کثرت و زراعت میگرد و دلیل که بیماری بود
 که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر بنید که زمین شکافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد و دلیل که بزرگی و جاه و
 نعمت یابد و اگر بنید که کشته بود و بازش میخورد و از آنچه کشتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بنید که از آن کشته چیزی
 حاصل نشد و ندانست که بازش چگونه است و دلیل که برغم و اندوه بود و اگر بنید که کثرت میکشت و دلیل که از پادشاه خیر

تشریح

سنة

سنة

تشت

کافی

کتاب

و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو میکشت دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که او رس میکشت دلیل که مال
 اندک یا بد و انیال علیہ السلام کوید اگر بیند که در زمین خود تخم میکشت دلیل که زن خواهد و کارش ساخته کرد و اگر
 باز کارنی زمین خود نکشته بیند دلیل که زبان بیند یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجای کا پی محبوبی زمین میکشت
 و تخم می انداخت دلیل که بر بخت او صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل
 که نعمت بروی فراخ کرد و اگر کندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوید کشا و رزی در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن و دوم خیر و منفعت سوم
 بیماری چهارم عز و جاه پنجم میکشت کشته زار ابن سیرین رحمه الله علیه کوید کشته زار چون معروف بود
 در جای معروف بوقت خوابید دلیل بر فرزندان مردم بود و اگر بیند کشته همی دروید دلیل که مردم در جنگ کشته
 شوند و انیال علیہ السلام کوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عملی کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند
 که کشت کرد و دروید و در خرمن افکند دلیل امید می که دارد و بر آید و اگر بیند که در میان کشت را میرفت دلیل که با
 غازیان بغض دارد و منفعتی رحمه الله علیه کوید کشت و دروید خواب دلیل بر حربه و خصومت بود و بعضی از تعبیران کوید که
 بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سبز بود و میدرد و بد دلیل که در میان مصاف رو و اگر بیند که آتش در میان
 کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آن دیار قحط میاید و اگر بیند که کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از
 دست وی بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر بیند که آتشی باید و کشت ویرا بسوخت دلیل که او را از پادشاه
 معزیت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رو و بزرگ می آمد دلیل که در آن دیار قحط و نیکی پیدا شود و اگر بیند که از
 خوشه های کندم و آنها بر زمین می افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت را زیان رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که زیان
 آن بخداوند خواب بود و قوله تعالی نسائکم حرث لکم فاتواحرثکم الی شئتم و اگر کشت زار در وقت خویش سبز بود دلیل که
 در آن دیار نعمت فراخ کرد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا کرد و اگر بوقت خویش کشته را بد رو و خوشه سبانه
 بر و دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغض دارد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید کشت
 درویدن خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر بیکویی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر و با بیماری بود و بعضی شعث
 رحمه الله علیه کوید کشت درویدن بوقت خویش دلیل که خدا تعالی بجای آورد و توفیق باید تا در حق و درویشان خیرات کند و قوله تعالی واقفا
 حقه یوه حصاده اگر این چیز که میدید و میدرد و دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشت تن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید
 اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را برید دلیل که از موی تو او کم خیر و نیکی بوی رسد و معبران کوید که کشته در کشته
 غلام اندیشد و اگر بیند که وی را بکشت تند دلیل که عمرش دراز بود و کمالی رحمه الله علیه کوید که بیند که کسی ویرا بکشت
 دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که روی را بظلم بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر

و منفعت بدو رسد قوت تعالی و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه ساطعا فاذا خلا یسرف فی القتل و اگر بنید که
 کسی را بظلم بکشت دلیل که عامی و ظالم باشد حق تعالی اجل علی کسی را بر کار و تا او را بر بخاند قوت تعالی و لا تقتلوا اولادکم
 الا بینه و یعنی گویند که ستم بر فرزندان کردن بهر باب عز دنیا باشد و اگر بنید که کسی را بکشت و خون از تن وی روان شد دلیل که بقدر
 آن مال باید و اگر تن خود خون آلوده بنید دلیل که از مال خود چیزی بوی دهد و اگر بنید که خون روان شد دلیل که دین کشنده
 برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که ستوری یا چیزی از خشرات بکشت دلیل که بر خصم خود ظفر یا بد و کسی که بر آن
 جنس منسوب باشد قهر کند و کشته خون آلوده دیدن غدار و بیدار باشد **کشتی** و انبیاء علیهم السلام گویند کشتی
 دیدن در خواب غم و اندیشه بود یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بدو رسد خاصه که از دریای کشتی بیرون نیامده
 باشد یا کشتی در دریا فرومانده بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که کشتی بود و سلامت از آنجا
 بیرون آمد دلیل که از رنج برید قوت تعالی فابجیناه و من معه فی الفلک المشحون اگر بنید که بدریا کشتی تهاک شد
 دلیل که بدست قوی تهاک شود و اگر بنید که کشتی وی بر زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و دستکاری ویر دست دهد
 و اگر بنید که کشتی غرق شد و او سلامت بماند دلیل که مالش تلف شود و او سلامت بماند و اگر بنید که کشتی بشکست و جمله
 غرق شد دلیل بر مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر بنید که کشتی بر جای بنشیند نشسته بود کشتی در میان آب میرفت دلیل
 که او را از پادشاه و بزرگواران قری و منزلی پیدا شود و اگر بنید که در میان دریای کشتی با کاز و میرفت دلیل که بسفر رود
 قوت تعالی وله الجوار المنشأة فی البحر کالاعلام و اگر بنید که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود و بین بماند
 بلکه در آن سفر مقیم شود و اگر بنید که کشتی نشسته بود و بادوی خوش می آمد کشتی را خوش می بود دلیل که از غم و اندوه فرج
 یابد و اگر بنید که کشتی ایستاده بود و از همه جانب کشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم تهاک وی باشد قوت
 تعالی و جاءهم الموج من کل مکان اگر بنید که کشتی از پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری و شوا افتد
 و عاقبت خلاصی یابد قوت تعالی فابجیناه و اصحاب السفینة اگر بنید که در پهلوی کشتی در دریای رفت دلیل که بسفر
 رود و او را منفعت بسیار حاصل شود قوت تعالی ینبجی لکم الفلک فی البحر لیتقوا من فضلہ اگر بنید که در میان
 کشتیها چیزی نبود و تنی میرفتند دلیل که پادشاه رسول از بجای فرستد و اگر بنید که کشتیها غرق شدند دلیل که آن رسولان را
 باز دارند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کشتی بید یا غرق شد و دانست که آن کشتی تهاک او نبود دلیل که او را از تهاک اندیشه
 نبود و اگر بنید که کشتی نشسته بود و از پادشاه می رسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بقدر بزرگی کشتی او را منفعت رسد و اگر در
 کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود و اگر بنید که در دریای کشتیها بجای ملون آهسته بود دلیل که
 پیش پادشاه مقرب شود و اگر بنید که کشتی در قعر دریا فروشد دلیل که او را از پادشاه قوی عظیم باشد و اگر بنید که
 کشتی میرفت تا ویش بخلاف این بود اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کشتی کوچک نشسته بود

کشتی

در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بنید که گشتی در آب روان بود و دلیل که بسفر رود و زود باز آید
 و اگر گشتی نخورد و خشک استاده بنید دلیل که بیماری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه کوید و دیدن گشتی در خواب بر پشت وجه
 بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم امینی هفتم عیش هشتم توانگری کشف ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید کشف سنگ بر پشت را کوید و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و صحبت او منفعت رسد
 اگر کسی خواب بنید که کشف داشت یا چنانچه او را بدلیل که او را باز آمدی صحبت افتد و اگر بنید که گوشت کشف میخورد دلیل که
 بقدر آن علم حاصل کند که رانی کوید و اگر بنید که کشفی در سر کین وانی بیافت دلیل که صحبت عالمی رسد و اگر بنید کشفی در مسجد یا در
 جای عزیز بیافت دلیل که زاهد شود و بنزدیک بزرگان و علما و احرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید و دیدن کشف در
 خواب بر سر وجه بود یکی زاهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع در کارها کشف کباب ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
 اگر بنید که کشف کباب غناب و بنفشه باشد که میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم از دلش برود
 و اگر بنید که کشف نمی توانست خوردن تا ویش بخلاف این بود کشف شمش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
 کشفش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بنید که کشفش داشت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل که بقدر آن خیر
 منفعت بدان کس رسد و اگر بنید که آب شمش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بزرگان
 بود مالش زیادت شود که رانی رحمة الله علیه کوید و اگر بنید که کشفش بخورد داشت اگر عالم بود دلیل که مال زیادت شود
 و اگر پیشه کار بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید کشفش در خواب خوردن بر سر وجه بود
 یکی منفعت دوم مال حلال سوم کسب کشفش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کشفش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و
 اگر بنید که کشفش داشت و خورد دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمة الله علیه کوید و دیدن
 کعب بخواب تباهیل مقام بود اگر بنید که با کعب بازی میکرد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بنید که کعب بسیار داشت
 دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بنید که کعب پای او شکست دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که تباهیل مناعت
 بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت باشد مغربی علیه الرحمة کوید بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمنی و حقیقت و جنگ و
 خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید کعب در خواب بر پنجه وجه بود یکی مقام دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم
 گفتگوی قولی تعالی و کواعب اتوا با و کاسا دهاقا اگر بنید که کعب جانوری داشت که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال
 حلال کند و اگر کرم بود دلیل بر مال حرام بود کعبه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کعبه خواب بنید خفیه بود و هر یک که بوی کعبه بود بر زیادت
 نقصان که در کعبه بنید دلیل بر خفیه بود و اگر بنید که طواف کعبه کرد دلیل بر صلاح دین وی بود و اگر خفیه رحمت یابد و اگر بنید که کعبه کرم بود و روی
 کعبه داشت دلیل بر زیادت و صلاحیت او بود و اگر بنید که سرای او کعبه شده بود و مردم زیارت میکردند دلیل که امانت
 نیکو نگهدارد و حرمت و منزلت یا بد مغربی رحمة الله علیه کوید اگر پاوشاه بنید که کعبه میرفت دلیل که

کشف

کشف

کشف

کشف

کشف

کشف

از خلیفه بزرگی یابد و اگر بنید که کعبه بنیاد یا آتش بسوخت دلیل که احوال خلیفه بد کرد و اگر بنید که از کعبه چیزی بر گرفت
 دلیل که او از خلیفه فایده برسد و اگر بنید که در کعبه نماز میکند دلیل که از خلق کارش نیکی کرد و اگر مانی رحمة الله علیه کوید
 کعبه ایمانست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بنید دلیل که از شر دشمن ایمن کرد و دو عایش مستجاب کرد و قوله تعالی و من
 دخله کان امنّا اگر بنید که روی کعبه الاسود نهاده بود و دوسه میداد دلیل که حج گذارد و اگر بنید که زیارت قبر حضرت
 رسول الله صلی الله علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید دلیل که حج رود و سلامت باز آید و اگر خود را بر امام
 کعبه بنید دلیل که بد مذہب بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان
 مسلمانان چهارم امینی از بیم کفتار در خواب زن زشت پلید و بد کردار باشد ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر
 بنید که کفتار بسته بود دلیل که زنی زشت پلید بخوابد و اگر بنید که گوشت کفتار میخورد دلیل که بروی جادو کنند
 کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که شیر کفتار میخورد یا از پوست یا از آتخوان او چیزی داشت دلیل که از آتزن فایده
 یابد مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کفتار با وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان درازی کند جعفر صادق رضی الله
 عنه کوید درین کفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کفچه در خواب کار فرمای خانه بود و اگر بنید که
 کفچه نو و پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود و تاویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که کفچه وی شکست دلیل که خادم وی بمیرد و یا بیمار شود و اگر ضایع شد یا بسوخت نیز خادم بمیرد
 کفچه آتش نشان نظام کوید ملاطین و ملوک چون بنید دلیل که نایب وی باشد و اگر کسی غیر ازین دو بنید دلیل بر خدنگاری
 خانه داخل می باشد ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدنگاری حاصل شود
 و اگر نظام بکشت یا ضایع شد دلیل که خدنگارش بمیرد یا بروی کفش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کفش
 در خواب زن باشد اگر بنید که کفش نمود داشت و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کینزک خود و اگر بنید که کفش
 دیگر و در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل که زنی تنبیه کار بود و اگر کفش سرخ بود
 دلیل که زنی معاشره و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمار کون بود و اگر کفش سفید بود
 دلیل که زنی خبر وی خواهد کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر کفش از پوست کاو بود دلیل که زنی با اصل بخوابد
 و اگر از پوست کوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخوابد و اگر بنید که کرمک کفش از پای
 وی بنیاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و بجز مرتی بنید و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که
 زن او تنباه کار بود و نیز کوید کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید درین
 کفش در خواب بر بهشت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کینزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر
 و کفش در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند کف ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که چیزی

سخت

سخت

سخت

سخت

سخت

کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بنید که کفها دست بر هم می بودند دلیل که آنجا عروسی و شادی
 بود و اگر بنید که کفها او خسته یارش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بنید که کفهای وی کشاده روی بود دلیل بر
 فراخ دستی بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر نامرادی و تنگ دستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف و
 خواب بر شش و چه بود یکی دست فراخی دوم مال تنوم ریاست چهارم فرزند پنجم و گیر ششم باز ن بجوم در شدن
 کف و بر یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کف در پادشاه یا از مردی بزرگوار بود که نفس
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از بهر مرده یا زنده گفتن بساخت اگر آنکس معروف بود دلیل که از آنکس
 بوی برخی رسد و اگر بنید که نفس مرده معروف کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده جوید که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 نفس مرده میدریه معتبر آن گوید اگر بنید که صالح و پارسا بود و طالب علم باشد و خنهای باریک گوید دلیل که دنیا روی
 بوی دهند و مال حرام جمع کند و اگر بنید که مردگان از کفن میکنند و از بجائی بجائی می بروند دلیل که مالهای حرام بدست وی
 روان شود و اگر بنید که مفسد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بفساد مردم کو اهی دید **کلاب** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید کلاب در خواب تندرستی بود و اگر بنید که کلاب بروی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او را مدح و ثنا گوید
 و اگر بنید که کلاب بهر کس میداد دلیل که نامش در آن دیار منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره مند
 گردند **کلازه** مرغیست و آنرا اعتق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بد دین بود و اگر بنید که
 کلازه گرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بنید که با کلازه نبرد و میکرد دلیل که با مردی
 بدین صفت که گفتیم خصومت کند و اگر بنید که کلازه از دست وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر چه که
 کلازه را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد **کلاخ** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید کلاخ در خواب مردی فاسق و بد عهد بود و اگر کسی بنید که کلاخی را گرفت دلیل که غیبتی از کسی بحلیتی و
 دروغ حاصل کند و اگر بنید که بر سر شاخ درختی نشسته بوده بانگ میکرد دلیل بر وبال وی باشد که دو کلاخ
 بنید دلیل بر رنج و مشقت بود و در دیدن کلاخ در خواب خیر نبود **کلاه** دانیال علیه السلام گوید کلاه در خواب
 دیدن عز و جاه بود بقدر قیمت کلاه که اگر بنید که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود و ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که سختی منفعت یابد و اگر بنید که
 کلاه معان بر سر داشت دلیل که عز و اینجهانی یابد و الا در دین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه
 پادشاه بنید دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بنید که کلاه عنابی داشت دلیل که شادمان گردد و
 منفعت یابد و اگر کلاه بروی بر دست داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند و اگر کلاه بر سر
 و ستار نهاده دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان باید داشت و اگر کلاه بر شین داشت

و کف
صفت

کلاب

کلازه

کلاخ

کلاه

دلیل که منفعت بیند و اگر بنید که کلاه ای از زیر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مرد و از بد بیند دلیل که پیش مردم عزیز گردد و صحبت با کسی دارد و دین دارد و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عز و جاه و قوت بیند و یابد و اگر از چوب بود دلیل که خود را نزد مردمان خوار پذیرد و دروغ و محال گوید که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کلاه تابستانی بزمستان بر سر نهاده دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل که از مراد بازماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سروی بقیما و دلیل که از عمل مغرور گردد و یا غمی سخت بوی رسد و اگر بنید که کلاه ای از این کلاهها که هفت کردیم بر سرش نهاند دلیل که بقدر قیمت آن کلاه از مهنتری جاه و منزلت یابد و اگر بنید که کلاه از سروی برگرفته بود دلیل که از عز و جاه و نفیقه و اگر نانی بیند که کلاه ای دو گوشه بر سر نهاده دلیل که آن زن را پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بنید که کلاه و زیر بر سروی نهاند دلیل که آنکس بدین بود و پادشاهان را نیک بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کلاه ای پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت او زیاده است کرد و اگر بنید که کلاه دریده و کهنه بود دلیل که اندک و کمین شود و اگر بنید که بیکانه کلاه از سروی در بود دلیل که از مردی بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کمال در دین نباشد و اگر بنید که کلاه ای بر سر داشت که در بیداری سر کند و پوشیده بود اگر سفید باشد دلیل بزرگی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر بزرگی و کز آنکه از این نوع کلاه داشته باشد در بیداری و اگر کلاه سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمعیل اشرف رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کلاه ای مرصع پوشیده بود دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بنید که کلاه ای آتشی افتاده بود دلیل که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و بدین آن در خواب بر شش وجه بود یکی ولایت دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عز و جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه دوز در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند کل شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سروی کل شده بود دلیل که مال و خواسته بسیار یابد و بعضی مجبران گویند که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر وادار و دانش گذارده شود و اگر بنید که او را بامری کل صحبت بود دلیل که بامری توانا گردد و دوست و آشنا نشود و اگر بنید که سروی کل بود و بعد از آن موی بر آورد دلیل که مال وی تلف شود و او ام دار شود کل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حکم بر کلی در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه کل بر درخت بود و یکی آنکه کل از درخت شده باشد و کلی که آنرا بتائسے بود و دلیل بر غم و اندوه بیننده خواب بود و اگر کسی کل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که در از فرزندی آید و چون بیوقت بیند دلیل که بسبب درزند او را مصیبت بود و درخت کل در خواب مهنتری و سخن روانی بود و درخت کل ز روزنی بود و بزرگان حاجت روا کنند و درخت کل سفید دلیل بر عز و دولت و جاه بود

خبر

هـ

اگر در سبای خویش درخت کل میزد دلیل که دختر را نکاح آورد و اگر در سبای خود کل صد بر کل میزد دلیل که بسبب فرزند
 شاد شود و اگر کلها از هر گونه شکفته میزد دلیل که از خوشنشان و اهل بیت شادمان شود و اگر پنج درخت کل از زمین
 کشته میزد دلیل که مردم سرایش کامل باشند مغربی رحمة الله علیه گوید کل در خواب مرد و در بخت و بدعهد بود که
 با کسی وفا نکند و اگر میزد که کل کسی داد یا از دوست بپسندد دلیل که از صحبت چنین مردی دور افتد اسمعیل انشوت رحمة الله
 علیه گوید کل در خواب نادر بود که از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب
 بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سوم مرد و در بخت چهارم کثیر یک پنجم غلام ششم نادر غایب **کل شکر**
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کل شکر در خواب و کل انجبین در خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بنید
 که کل شکر با کل انجبین داشت و از آن بخورد اگر توانا نکند بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفایا بدو اگر کلین
 بود شادمان گردد و اگر دام دار بود و امش گذارده شود **کل خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که
 کل میخورد دلیل که از پس مردکان بپسندد و اگر بنید که کل با خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بنید که
 در خاک تربت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم میخورد دلیل که حج گذارد و اگر بنید که خانه بکل حی اندود دلیل که غلغله
 شود و مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن کل سفید و بنور در خواب مال حلال بود و کل زرد و بیمار می بود و کل سرخ لهو و
 طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آب تیره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که در میان کله خرق شده بود دلیل
 که در محنتی عظیم افتد که راهی نیابد و اگر بنید که از میان کل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک نشست دلیل که از غم و اندوه
 راهی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سر و سر صحبت بود که در گرم سیر کلبتین ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید کلبتین در خواب خامی بود که بخوبی مال از دست پادشاه بدر آرد و بر مردم نفقه کند و اگر بنید که کلبتین در
 دست داشت دلیل که او را مال منتهی حاصل شود و اگر بنید که کلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زیانی رسد که زانی رحمة الله
 علیه گوید اگر بنید که کلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل که بقدر آن از پادشاه راحت یابد کلم ابن
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کلم داشت و بخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و چون
 بی گوشت خورد دلیل که منفعت کمتر بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گوشت و کلم با هم خخته خورد دلیل
 که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد و منفعت کمتر باشد و اگر کلم بیوقت میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود
 و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد **کلزار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کلزار در
 خواب عروسی پاکیزه خوب خاصه که بهنگام خود بر درخت بنید اگر بنید که کلزار از درخت افتاد
 دلیل که از دیدار عروس پاکیزه یا کینزک جدا ماند **کلنگ** در خواب مردی غریب بود ابن سیرین رحمة
 الله علیه گوید اگر بنید که کلنگی گرفت یا کسی بوی داو دلیل که با مردی غریب پیوند و باو می نیکی کند و اگر

بیند که بر کلنگ یا گوشت او داشت دلیل که از روی غریب راحت بیند که مانی رحمتہ اللہ علیہ کوید اگر بیند که کلنگان را
 میچرا نید دلیل که بر روی غریبان و درویشان بهتر کرد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت دلیل که درویش شود
 کلنگ ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ کوید اگر کسی بخواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ المی ندارد دلیل که امانت
 دوام بگذارد و اگر بیند که سرخ و آفتی در کلوی وی پدید آید تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فراخ بیند دلیل که
 روزی بروی فراخ کرد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانت را
 نیک نگه دارد و مغربی رحمتہ اللہ علیہ کوید اگر بیند که کلوی او را بریدند دلیل که بریدہ بروی ظلم کند یا درین او طعنہ زند
 و بر جانوری که کشتن او را نباشد چون بیند که کلوی او را بریدند دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد و بدان مردم
 راستم کند و اگر بیند که پیه را کلوی برید دلیل که کار بروی و شوار کرد و اگر بیند که کلوش را بضرورت برید و کوشش
 بخور و اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر حرام بود مال حرام یابد و اگر بیند که کلوی آدمی برید
 دلیل بر آنکس پیدا و ستم کند یا دروین او طعنہ زند و اگر بیند که کلوی کسی را بقیصه و وضعه کرد دلیل که از شرف و بزرگی
 معزول کرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کوید کلوی در خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند استعیل اشعت رحمتہ اللہ علیہ
 کلوی شدن در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش مغلوب بود کلیچہ ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ کوید کلیچہ در خواب دلیل بر عیش
 خوش و نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچہ میخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند
 که کلیچہ نخورد و داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچہ در دمان نهاد و نتوانست خوردن دلیل
 که مال و نعمت او قسمت دیگران باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کوید خوردن کلیچہ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که
 آسان بدست آید دوم روزی فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش کلید ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ کوید کلید
 خواب مروی کشايند کار بود و اگر کسی بخواب بیند که قفل را بکلید باز کرد و در کشاد دلیل که کارهای بسته بروی کشاد
 شود و روشن ظفر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد و قوله تعالی له مقالید
 السموات والارض الایہ کرمانی رحمتہ اللہ علیہ کوید کلید در خواب کشایش و خیر بود و بستن شری و بعضی کوید کلید در
 بستن تزویج بود و اگر بیند که کلید های در پشت در دست داشت دلیل که دروین سلطان بوده عاقبت کاشنیکو
 محمود بود و انبال علیہ السلام کوید اگر بیند که کلید آئینین داشت دلیل بر قوت و نیکوئی بود و اگر بیند که کلید برنجین یا سین
 داشت دلیل که او را سخن روانی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت دلیل بر نیکوئی کمتر بود و اگر کلید زرین یا سپهرین داشت
 دلیل که سخن او روانی یابد و نیز کویند که کنج یا بد مغربی رحمتہ اللہ علیہ کوید چند آنکه کلید بسیار بود مال خسته بود و نیز کویند که
 کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفل نهاد و در باز کرد
 دلیل که حاجتش روا کرد و کار بسته او کشاده شود و اگر بیند که کلید در کلید ان شکست دلیل که دعا و دعای خالص

نباشد و اگر بنید که بیک کلید و قفل را بکشد و در باز کرد دلیل که زنی خوب روی بخوابد حافظ معبر گوید اگر کسی دست
 خود را کلید بنید دلیل که نماز گذارنده بود و اگر بنید کلید وی بنفیت دلیل که کامل نماز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید
 و خواب بر پشت و چه بود یکی کشادن کار با دوم فراغ از غم سوم تنهایی بیماری چهارم یافتن مراد پنجم قوت دین
 ششم گذاردن حج هفتم اجابت هفتم دانستن علم **کلید دان** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کلید دان
 زود بکشد و زحمت نداد و دلیل که کارهای دینی و دنیاوی وی کشاده کرد و اگر بنید که کلید دان بدین شوری بکشد
 تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که کلید دان نتوانست کشود و در بسته بماند دلیل که کارهای دنیوی بسته کرد و از حال
 نیک بجال بد افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کلید دان زود باز کرد و اگر نکین بود دلیل که زود فرج یابد و اگر
 بیمار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی دارد روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهایش
 بنظام گردد و **کلید سار** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کلیسا رفت و در آنجا سوی قبله نماز کرد و دلیل که آنکس
 از گناه توبه کند و در دین قوی شود و از بهر آنکه کلیسا جای عبادت است که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کلیسا بود دلیل
 که میل او بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سوی قبله ایشان بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بنید که در گشت نشد
 اگر بنید که خواب پارسا باشد دلیل بد بود خاصه که بنید و آنجا مقیم شد **کلیم** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کلیم در خواب
 رئیس و سرور بود و اگر بنید که خواب بهتر بود دلیل که بزرگی و جاه او بفریاد و شعی بر آن گویند و وی صالح و گزیده بود
 و از دور ایشان دیدار بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کلیمی بیافت دلیل که زنی توانگر بزی کند و اگر این خواب زنی
 بنید دلیل که شوهر کند و از و خیر و منفعت بیند و اگر بنید که کلیمی کوتاه نشسته بود دلیل که زنی خوب روی و پارسا و موافق
 بزی کند و اگر بنید که کلیمی سبز بود دلیل که زنی ستیزه کار و دیدار بود و اگر بنید که کلیم سرخ بود زنی معاشره و طرب
 دوست بود و اگر کلیم زرد بود زنی بیمارگون باشد و اگر کلیم سیاه بود از زن که باشد زاهد و عابد بود و اگر کلیم تلخ
 بود این همه که گفتیم در زن موجود بود و اگر بنید که کلیمی پوشیده بود دلیل که در پناه مهتری پارسا بود و از و منفعت یابد و
 اگر کلیم از خود دور افتد و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کلیم در خواب بر پنج
 وجه بود یکی مرد رئیس دوم مهتر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کینه که پیچ خیز و منفعت **کمان** دانیال علیه السلام
 گوید اگر بنید که کمان را بی تیری کشید دلیل که بسفر رود و با فائده باز گردد و اگر بنید که کمان کشیدن زده کمان برید
 دلیل که فقرش تمام نشود و باشد که در امش زبان رسد و اگر بنید که کسی کمانی بوی داد و دلیل که سپر پاره آرد و اگر بنید که
 کمان وی شکست دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از مال او تلف شود و اگر بنید که از کمان تیری انداخت دلیل
 که از بزرگی نامه بدو رسد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از کمانی تیری انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید
 بسبب راست و کج رفتن تیر و اگر بنید که از بهر خود کمانی ساخت دلیل که او را از پادشاه عجبی شرف بزرگی حاصل شود

درین
کلیه

کلیه

کلیه

کمان

یا زن عجمی بخوابد و او را پسری آید و اگر بنید که از کمان تیر نترست انداخت و دلیل که او را از پادشاه یا از آن زن فایده نباشد و اگر بنید که کمان را بفروخت یا بکسی داد و دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تاویل درازی عمر بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کمانی نو و پاکیزه داشت دلیل که زن خواهد و اگر بنید که کمان بکشید دلیل که زن پایدار بود و اگر بنید که کمان ضالچ شد دلیل که از زن جدا شود و اگر بنید که کمان او سخت بود و در وقت کشیدن نرم باشد دلیل که زنی بکاخ بخوابد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر بمراد برسد و اگر بنید که کمان مست بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که کمانی بدست خویش از بهر خودی ساخت دلیل که کار او ساخته گردد و اگر بنید که کمان بفروخت و از بهای او درم و دینار بستد دلیل که دینار بدین اختیار کند و اگر بهای کمان جز درم چیزی دیگر بستد دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بنید که کمانی عطا بوی داد و دلیل که زود زن را خواهد و بر دشمن ظفر یابد اگر بنید که کمان خمیده کشیده بوی داد و بی آنکه کمان را بکشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بنید که کمان در کمان دان نهاد دلیل که از دنیا برود و اگر بنید که کمانهای بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشند که بکاه سختی بفریاد وی رسد و اگر بنید که کمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که کردار های نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گزارد و آنچه بدین ماند بخواند تعالی نزدیک بود و قوله تعالی فکان قاب قوسین او ادخا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمان در خواب پیشش وجه بود یکی سفر دوم فرزند یار و سوم زن چهارم قوت پنجم کردار های نیک ششم مرد درست در کار هفتم کمان حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کمان حلاجی در خواب شناعت زننده بود و اگر بنید که کمان حلاجی در دست داشت دلیل که منافق کند و اگر بنید که کمان حلاجی داشت و ندانست که ملک اوست دلیل که شنيع خواهد کمانه آسمان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بنید که کمانه آسمان زرد بود و دلیل بر بیماری مردم آمد یار بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بزمی کمانه آسمان بیشتر از سرخی بود و دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر بنید که سرخی بیشتر از سرخی بود و تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر آسمان علامت سرخی بگردید و شد و دلیل که پادشاه آن دیار را قوت و کامکاری رسد و اگر عمو و های سیاه بنید تا ویش بخلاف این بود کمان کروهمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کمان کروهمه در خواب کار پادشاه بود و باغم داد و ده و اگر بنید که کمان کروهمه در دست داشت و کلمه می انداخت و دلیل که کسی را سخن زشت گوید و دشنام دهد زیرا که کمان کروهمه در راه دین ناپسندیده بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کمان کروهمه کلمه مردم انداخت دلیل که بسبب آزار مردم نمکین شود و اگر بنید که کمان کروهمه وی بشکست یا ضالچ شد دلیل که آزار کسی بخوابد کمر بند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در میان کمری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بنید که

حلاجی

کمان

کروهمه

سرنبد

که بنده بدر و جواهر مرصع بود و دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه وی قوی گردد و باشد که فرزند
 آرد و محنتی قبال کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنده سه چهار بار که بنده بر میان بسته داشت دلیل که او را مال و چشم بسیار
 باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بنده که کمر بنده بدو دادند و در میان بست دلیل که به ضرر رود و اگر بنده که کمر بنده
 بشکست و بنیاد و صنایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که کمر بنده وی
 بجواهر مرصع بود دلیل که بهتر قوی شود و اهل بیت وی بسبب وی توانگر شوند و اگر بنده که کمر بنده ششمین پسرین یاس
 آری بسته بود دلیل بخواب بسته بود و لیکن کمتر و اگر بنده که کسی او را کمر بنده و ششمین پسرین دلیل که از بهر پادشاه سفر کند و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمر بنده در خواب بر پشتش وجه بود و بی منفعت از قبل پدر یا برادر یا خویشان دو فرزند
 سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم انصاف و اودن و یافتن مرا و ششم پاکی دین و اگر بنده که کمر بنده بر میان بسته
 داشت دلیل که انصاف از خصمان بستند اما نیمه عمر گذشته بود که شد **ن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بنده که کشد دلیل که در آن موضع که او بود و صنایع شود و زیرا که او را بمعرفت نشناسد و قرب او
 نماند و اگر بنده که عیال یا فرزند او کشد دلیل که از جهت ایشان اند و ممکن شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که
 چیزی از وی کشد اگر آنچه جز بنا و دلیل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت وی زایل شود و کارش
 بنظام گردد و اگر آن چیز بنا و دلیل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش بنظام نشود که **ن** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بنده که کشد یا بنده که کشد و مر ویرا گرفت دلیل که با ندازه کند از بزرگی یاری خواهد و اگر بنده که
 کشد از زمین بود دلیل که از مردی مؤمن یاری خواهد و اگر بنده که کشد از مردی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری
 خواهد و اگر بنده که کشد انداخت و در کردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که
 در دست آغز افتاد دلیل که از مردی مسافر یاری خواهد و اگر بنده که کشد انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل
 که هیچکس او را یاری ندهد که **ن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب مال بنفش بود و از میوه و میوه را خالصیت
 آن نبود و گویند که میوه بهتر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود و اگر بنده که کنار بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و حاصل چون
 بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر در خواب مال حلال بود و در زیر فراخ باشد و اگر بنده که بخورد کنار داشت دلیل
 که مال بسیار یابد که **ن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنده که کشد و میوه داشت که آن کناه چه بود و دلیل که در کناه و فتنه افتد
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب هم محصیت و کناه بود و توبه بآید و از عقوبت حق تعالی اعزوجل ایمن شود و کارش
 بصلاح آید که **ن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کشید در خواب زن بود و اگر کشیدی پاکیزه بنده و اندک مال او است
 دلیل که زنی خوروی خواهد که **ن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کشید در خواب شرف و بزرگی بود و اگر کشیدی بزرگ
 بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن کشید در خواب بر چهار وجه

سنة

سنة

سنة

سنة

سنة

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

بود یکی زن دوم کینک تو م منفعت چهارم عز و جاه کنج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کنج بیافت
 دلیل که بیمار کرد و یا برنجی بدل او رسد و اگر بنید که کنج اوضاع شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید کنج
 یافتن در خواب در جایگاه خراب بیمار یا لاک شود و اگر بنید که در جایگاه آبادان یا بدلیل که بیمار شفا یابد که بخند
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کنج در خواب مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بنید که کنج داشت و میخورد و دلیل که بقدر
 آن مال حاصل کند و اگر بنید که کنج کسی داد و دلیل که بقدر آن ازال خود او را منفعت رساند و اگر بنید که کنج خور و و طعم
 آن ناخوش بود و دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی از معبران گویند که اگر غم و اندوه رسد کند سپهر ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید کند و پیر و خواب دنیا باشد و کند پیر مسلمان که بجایه آراسته باشد دلیل که مال حلال یابد و کند پیر
 که بجایه حرکتین باشد و کافر بود تاویل مال حرام بود و کند پیر خبروی و نیکو جامه تاویل اینچنان و آن جهان باشد
 و اگر بنید که کند پیر فریه و مسلمان بزی خواست و دانست که ملک اوست دلیل که مال حاصل کند و اگر بنید که زنی
 پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که تبرک دنیا بکوشد و راه آخرت جوید و اگر بنید که با کند پیری
 جماعت کرد و دلیل که مراد اینچمانی او را حاصل شود کند رو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند و میخورد
 یا می خایند دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود و بقدر خایند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند و داشت
 دلیل که غمگین شود زیرا که تلخ است و در تاویل اندوه بود کند س ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کند بسیار
 داشت دلیل که بیماری و از کشد و عاقبت شفا یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند میخورد و دلیل که در رنج و آزار
 شود و اگر بنید که کند به بلنی و گرفت و عطسه داد و دلیل که حاجتش بدشواری برآید کند هم ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید کند در خواب مال حلال بود که برنج بمردم رسد و اگر بنید که کند میخورد و دلیل که صالح و نیکو بود و اگر بنید که میخورد
 دلیل که غمگین شود و اگر بنید که و آن تا شکم او پر از کندم خشک شده بود و دلیل که عمرش با خرسیده باشد کرمانی رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که خوشبهای کند میخورد و دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پدید آید قول تعالی سبع سنبلات خضر
 و آخر یا بسای و اگر بنید که کندم میکشت دلیل که در آن دیار قحطی بجا نهد و تعالی نوح علیه از آن کند جعفر صادق
 رضی الله عنه فرماید کندم در خواب برشته وجه بود یکی مغزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم عزیزی اسمعیل شمس
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کندم بریان میخورد و دلیل که هیچ منفعت نیابد و اگر بنید که کندم بوقت خود
 میدرد و دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و کندم فروش در خواب ویدن مردی بود که دین بدینا
 اختیار کند کندنا و انیال علیه السلام گوید کندنا در خواب مردی بود که مردم او را بدستی یابد
 کندنا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کندنا در خواب مال حرام بود و کندنا زشت بود و اگر بنید خواب
 مستور و مصالح نباشد دلیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن کندنا هیچ منفعت

نباشد کند و امس انجین بود اگر بنید که کند والی فر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که رسولی پیش او در آید و او را
شادمان کند و کرامت یابد و بعد از چهار روز از قبل زمان متقصد و در ملواید چاه که بوقت روز دیده باشد کشت
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کشت نشست و از سوی قبل نماز کند و دلیل که عاقبت توبه کند و بخداوند
باز گردد و بدین قوی گردد و بسبب آنکه کشت جای عبادت است و اگر نماز سوی قبله چو دان کند و دلیل که بوی
چو دان دارد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خور و در کشت بنید دلیل که بجفا مردم بدین کار کند جعفر صادق رضی
الله عنه گوید بدین کشت و کلیسا و خواب مردم مصلح را خیر و نیکی بود و مردم مفسد را شر و فساد بود و کنگر
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بوقت خود کنگر میخورد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کنگر
در خواب فسخ نبود و اگر بنید که کنگر داشت و نمیخورد و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد کنگر ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کنگر شده بود و دلیل که در ویش و بد حال گردد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را
در خواب کنگر بنید دلیل بر تباهی و نقصان دین وی بود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده قوله تعالی اصم بکم

عجمی فهم کایو جعون جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنگر در خواب بر زلفت وجه بود یکی در ویش دوم بدجالی
توم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر کنگر بخواب بنید که زانش
کشاده شد و دلیل که کار بسته بروی بکشایند گفته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب عیال مردم بود
و اگر بنید که گفته اندام او میخورد و دلیل که بقدر آن عیال از مال او بخورند و اگر بنید که گفته بسیار بر چهار پای بود و دلیل
که مردم از چهار پایان او فایده بنید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گفته از خود دوری انداخت و دلیل که عیال
از خود دور کند و اگر بنید که گفته از چهار پای خود میکرفت و می انداخت و دلیل که هیچکس فایده از ساند جعفر صادق رضی
الله عنه گوید بدین که در خواب بر سر وجه بود یکی عیال دوم خدم چشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بنید که گفته
میگشت دلیل بدان چیزهای گفته نیم نقصانی بود و کنگر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کنگر و خواب خیر و نیکی
بود و بقدر حال او اگر کسی بخواب بنید که کنگر خبر وی فریب داشت دلیل که چیزی پنهان بوی رسد و از آن
چیز متفکر گردد که مانی رحمه الله علیه گوید کنگر و خواب مال بود و اگر بنید که کنگر بخورد و دلیل که بخورد و اگر بنید که
کنگزک بفرخت و بهای او بست و دلیل که او غم رسد و اگر بنید که کنگر بخورد و دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت
یابد و اگر بنید که کنگر برهنه بود و دلیل که زبانی بد و در زند و اگر بنید که کنگر خبر وی بسته بود و در خانه وی درآمد
دلیل که شادی و منفعت بد و درسد که با ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که با در خواب بیماری بود
اگر کسی بخواب بنید که کنگر داشت دلیل که بیمار شود و زود شفایابد و بعضی گویند که بیماری او دراز کشد
کوارش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوارش در خواب چون شیرین بود و دلیل بر منفعت و خیر

دشادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد دلیل بر غم و اندوه و رنج و فساد بود و هر گوارش که بوی خوش بود دلیل بر صحت و شفا
 بود و هر چه بوی او ناخوش باشد و تلخ و بد بوی این بود که کافی جرئت الله علیه که بوی گوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود
 گوارش دارد و خوش و خورن دلیل بر ستایش کند که ال ابن سیرین رحمه الله علیه که بوی کمال در خواب دلیل بر مردی
 عالم باشد و چیزهای که در و از خیر و شر بود و بدینقول دلیل از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه می آید چنانکه فرموده
 ان القلوب و عینة مغرانی حمة الله علیه که بوی کمال چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود دلیل بر منفعت بسیار بود
 و الا منفعت اندک باشد که و اینها ابن سیرین رحمه الله علیه که بوی کمال در خواب بنید بهتر از کواب خواب بود
 بعد از آن کواب جنین با دام و بعد از آن کواب نان و بعد از آن کواب خشخاش را تا دلیل منفعت از اینها کمتر باشد
 و اگر بنید که کواب جنین میخورد دلیل که بقدر آن مال از مردی بخیل برست آورد اگر بنید که کواب خشخاش میخورد دلیل که
 بقدر آن مال حاصل شود اما فایده اش کمتر بود و اگر بنید که کواب نان میخورد دلیل که بقدر آن مال نعمت از مردی
 پارسا و ارباب دست آید و اگر بنید که ازین کوابها که گفتیم داشت و از آن چیزهای میخورد و آنچه گفتیم برسد مغرانی رحمه الله علیه
 که بوی کوابها آنچه شیرین و خوش طعم بود دلیل بر نیکی کند و آنچه تلخ و ناخوش بود دلیل بر بدی کند که و اینها دلیل
 السلام که بوی کوابها دلیل بر زندان بود و اگر بنید که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بروی تنگ شود و بعضی از متعبان
 گویند در آن موضع که کواب باشد از بهر خود و سرای نوساز و اگر بنید که او را در کور کردند دلیل که احوال بروی دشوار شود
 تو که تعالی شد امانت فاقب و ثم اذا شاء انشره اگر بنید که او را در کور کردند و خاک بر سر او کردند دلیل که دین وی
 نقصان بود و بی توبه از دنیا برود این سیرین رحمه الله علیه که بوی کوابها که بنید که خود را در کور نهاد دلیل که او را در زندان کنند
 و اگر بنید که در کور برود دلیل که در زندان ببرد و اگر بنید که بر بام او کوری میکند دلیل که زندگانی او را نجات باشد و اگر بنید که
 بر سر کوری ایستاده بود دلیل که بر کناه و مقیم و ایستاده بود که کافی رحمه الله علیه که بوی کوابها که در کور مرده دید و منکر و دیگر از
 سوال کردند دلیل که پادشاه آن دیار او را مطالبه کند و اگر جواب منکر و دیگر خطا داد و دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر
 بنید که او را از کور بیرون آوردند و برادر کردند و دیگر باری در کور نهادند دلیل که پادشاه او را ستود و و خلعت پوشانند و
 بعد از آن بزدان کنند اما اگر این خواب باز زکان دیده باشد حساب او با باز زکانان بود و شمار هر کس با جنس خود و دیگران
 باید قیاس از چیزی های نیک بداند تا خطائی نیفتد که کورستان ابن سیرین رحمه الله علیه که بوی کورستان در خواب
 دیدن صحبت با جاها ن بود که دین و دنیای ایشان بفساد کرد و و غم و پشیمانی بود که کافی رحمه الله علیه که بوی کورستان
 اگر بنید که اهل کورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بنید که در کورستان باران
 بارید دلیل که اهل کورستان را رحمت از حق سبحانه و تعالی بود و مغرانی رحمه الله علیه که بوی کورستان که کورستان
 میرفت و بر کور اسلام میکرد دلیل که در ویش کرد و و از مردمان که اهل کورستان که کورستان جائی خلستان است

سوال

سوال

سوال

سوال

و اگر بیند که در کورستان معروف بود و مردگان از کور بر خاسته بودند دلیل که اهل آن جایگاه رباط محنت رسیده و اگر
 بیند که در کورستان کور با نامیکو دند بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن ولایت محنت و غمی بدید آید و غیر صادق
 رضی الله عنه گوید کورستان در خواب بر سر نه و چه بود یکی زن از قوم غم غم محنت و بلا کور در خواب مالی بود که محنت و بلا
 رنج و سختی حاصل کرد و اگر بیند که کور باز میگردید و کور در دست داشت دلیل بر جنگ و خصومت بود و کورانی را گوید
 کور که مغز آن تنه شده باشد دلیل که مال حرام بدور رسد بقدر کی و بسیاری و اگر مغز کور لطیف خوش بود مال حلال
 بدور رسد و اگر بیند که کور می شکست دلیل که از مردی عجمی مال گیر و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کور داشت دلیل که
 او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کور تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بیند که از مغز کور
 روغن بیرون آورد و دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد کور هندی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی
 کور هندی بوی داد و دلیل که سخن فال گیر و منجم شود و اگر بیند که کور هندی میخورد دلیل که سخن ایشان راست یزد و بعضی
 از متجربان گویند کور هندی در خواب مردی دون یا کینز کی هندی بود کورانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کور هندی میخورد
 دلیل که سخنان منجمان راست یزد و واقعا و بدان دهم شده باشد کور بویاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کور بویاب
 در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شرع و اگر بیند که کور بویاب خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شرع
 بیا موزد کورانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کور بویاب بسیار داشت و میخورد و میبرد و میباید دلیل که در علم و حکمت بیکانه نشود
 و از آن علم او را و دیگر از آن منفعت بود و اگر بیند که کور بویابی داشت و از آن کسی غذا و دلیل که از آن علم منفعت نه او را
 و دیگران را باشد و بعضی گویند که خوردن کور بویاب دلیل بر تعلیم علم نجوم کند کوی زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 کوی زمین در خواب مالی بود که بکر و حیلت بدست آورد و اگر بیند که کوی پنهان بود که از آنجا او را برون آمدن نبود
 دلیل که بکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدستواری بر آید و هر چند که کوی دور تر بود کار صعبتر بود و اگر بیند که آن کوی
 مانند سوراخ بود و دلیل که در دوزخ چیزی بر در کورانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوی یا چاهی کند دلیل که از بهر کسی که و حیلت
 سازد و اگر بیند از آن کوی آب بیرون آمد دلیل که در آن کوی بکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدان میشت کند و اگر
 بیند که کوی از بهر کسی دیگر بود دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کوی افتاده بود و از آن
 بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری
 یابد کوزه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوزه از سپید روین یا از مس بود و در خواب خادم باشد و اگر سفالین
 نبود داشت دلیل که او را کینز کی حاصل شود و بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که از کوزه آب خورد و دلیل که با کینز
 جماع کند و اگر بیند که کوزه بشکست دلیل که کینز کش بمیرد مغربی رحمه الله علیه گوید کوزه در خواب مال و
 نعمت باشد و اگر بیند که کوزه زین داشت یا سیمین او را مال خواسته حاصل شود اما در آن مال تهمت باشد و اگر بیند که

سوز

سوز

سوز

سوز

سوز

که کوزه سفید روئین یا طلعی داشت دلیل بر مال و نعمت باشد و اگر کوزه آهنین داشت دلیل بر مال بود اما کمتر بحضرت صادق
رضی الله عنه فرماید دیدن کوزه در خواب بر نه و چه بود یکی زن دوم خادم سیوم که نیز یک چهارم توأم دین پنجم صلاح تن ششم
عمر و از هفتم مال ششم خیر و برکت هفتم میراث از قبل زمان و کوزه او نیز را براده خوانند و اویش بخواب زنی بزرگ را داده
مهرتر بود که **کوساله** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کوساله زنی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل
که او را پسری آید و اگر بیند که کوساله داده بود دلیل که او را دختر می آید و اگر بیند که کوساله بختنه برد و برود دست مالید دلیل که
اندو بکین شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله در منزل او در آمد و شد میکرد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که
کوساله دشتی زنی گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت کوساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجبی پیوندد
و از بزرگی یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله وی بمرد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر کوساله وی ضایع شد
دلیل که فرزند آن از وی مفارقت جویند و اگر بیند که کوساله داشت و از گوشت وی بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد
استمعیل اشرف رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانا گردد و اگر بیند که
کوساله ابلق بود دلیل که میان بدهد و اگر کوساله وی قوی و فربه بود دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر
ضعیف و لاغر بود تا اویش بخلاف این بود که سپید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که پسند در خواب غنیمت بود و اگر
بیند که کوساله میخسرد دلیل که بر کوهی بزرگی و دهرتری یا بد و اگر بیند که کوساله ان بعضی سپید و بعضی سیاه بودند دلیل
که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که کوساله بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل که او را مال
بسیار حاصل آید و اگر بیند که کوساله بر کوهی گرفته بود دلیل که ثروت کسی بر کوهی که در آن بیند که گوشت کوساله میخورد
دلیل که بقدر آن او غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده بخورد و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند که از بهر خوردن کوساله
را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند زنی زنی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل
که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که زنی زنی را کتو ببرد و دلیل که بر مردی بزرگ
ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که بر زنی نشست و متع و فرمان بردار او بود و دلیل که بر مردی بزرگ حیره
کرد و اگر بیند که زنی بر وی ناپ بود تا اویش بخلاف این بود و اگر بیند که سر ویای زنی زنی بکشت دلیل که بر آن مرد که ضعف
کردیم غالب شود و اگر بیند که سر ویای زنی زنی دراز و قوی بود دلیل که آن مرد قوی و توانا شود و اگر بیند که چشم زنی زنی دراز
بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود و اگر بیند که چشم زنی زنی بکشت دلیل که ملک اوست دلیل که بقدر آن بزرگ
فرمان دهد و ایشان را زبردست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند که بعد از هر زنی زنی را سالی بزرگی و شرف
حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید داده میش در خواب زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه
داود علی نبیا و علیہ السلام فرموده قوله تعالی ان هذا اخي له تسع وتسعون نعجة و لی نعجة و لحدی اگر بیند که داده

سکه

سکه

بیشی ذاکرست یا کسی بوی داد و دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم او را محب و خوشکار می شود و از وی مال حاصل
 کند و اگر بنید که ماده میش ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماده
 بیشی را کلو بهرید دلیل که زنی مستوره را بهشتان کند و اگر ماده میش سیاه بود دلیل که آن زن از غرب بود و اگر بنید
 بود از عجم باشد و پوست کوبند غنیمت و مال حلال بود و دیدن کوبند در خواب بر پنج وجه بود یکی بهتر و دوم زنی
 بزرگ سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت کوشتها و انیال علیه السلام گوید کوشتها تاویل هر چند پنجه
 خور و دلیل بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و کوشتهای که خام خور و دلیل که مال برنج و سختی بدست
 آید و خرید و فروخت کوشتها در خواب غم و اندوه بود این سیرین رحمة الله علیه گوید خور و ن کوشت پنجه بهتر از
 بریان باشد و خور و ن کوشت بریان بهتر از خام باشد و اگر بنید که کوشت تن خود را میخورد و دلیل که غیبت
 اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند که از آن کار پشیمانی خور و اگر بنید که کوشت مردم میخورد و دلیل که
 غیبت مردم بناحق کند قوله تعالی ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیبه میتنا فکوهتوه و اگر بنید که مردی را
 برادر کرده بود و او کوشت او میخورد و دلیل که مال حرام خور و اگر بنید که کوشت کوسپند فریب پنجه بود و میخورد
 دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بنید که کوسپندی مسلول بخانه آورد و دلیل که کسی بزرگوار و آغا میبرد و اگر بنید که برخی از
 اندام کوسپند در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود و مرغی رحمة الله علیه گوید که کوشت فریب بهتر از کوشت لاغر بود و اگر
 بنید که کوشت تازه کسی را همی زد و دلیل که او را بزبان ریخورد و رواند یا او را غیبت کند و اگر بنید که کوشت بریان میخورد و دلیل
 که بقدر آن روزی با غم و اندوه یابد و اگر بنید که از قصاب کوشت بخرد و بهایش بداد و نمیزل خود و دلیل که هلاک
 شود و اگر بنید که کوشت از دماغ میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بنید که کوشت
 اسب میخورد و دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پادشاه چیزی بدو رسد و اگر بنید که کوشت اشتر میخورد و دلیل که بقدر آن
 مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بنید که کوشت اشتر بچه میخورد و دلیل که بقدر آن مال یتیمی بخورد و بعد از آن بیمار شود
 و شفا یابد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه او را منفعت رسد و اگر بنید که کوشت اشتر مرغ میخورد
 و دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بنید که کوشت آله میخورد و دلیل که از پادشاه شکر او را دم
 دیار حاصل شود و اگر بنید که کوشت آه میخورد و دلیل که بقدر آن از زنی خبر وی او را مال حاصل آید و اگر بنید که کوشت بز میخورد و دلیل
 که او را منفعت مال دشمن بدست آید و خرج کند و اگر بنید که کوشت بز میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران
 گویند که مال دشمن بخورد و اگر بنید که کوشت بظا میخورد و دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بنید که کوشت پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آور باشد
 و شرف و بزرگی یابد و اگر بنید که کوشت گوسفند میخورد و دلیل که از مال مردی رفت یا از مال نزد بقدر آن او را مال شود و اگر بنید که کوشت بوز میخورد و دلیل که
 بیمار شود و اگر بنید که کوشت پل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر بنید که کوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه شکر او را منفعت

کوشتها

رسد و اگر گوشت تذرو میخور و دلیل که مال مردی غذا خورد و اگر بنید که گوشت چند میخور و دلیل که مال زن دیده خورد و اگر بنید که گوشت چکان یک میخور و دلیل که چیزی از مال بنده خورد و اگر بنید که گوشت خر میخور و دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که گوشت خر گوشت میخور و دلیل که از مال زن چیزی اندک یابد و بعضی از معبران گویند که میراث یابد و اگر بنید که گوشت خر و س میخور و دلیل که بقدر آن از مردی عجبی منفعت یابد و اگر بنید که گوشت خر چنگ میخور و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بنید که گوشت در اج میخور و دلیل که مال زن بتا ند و خرج کند و اگر بنید که گوشت را سو میخور و دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بنید که گوشت را غ میخور و دلیل که بقدر آن از مال فاسق بخورد و اگر بنید که گوشت سنگ خار میخور و دلیل که از مال مردی این منفعت یابد و اگر بنید که گوشت سو سها میخور و دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سو سها و دلیل بر کمال و زینت اینجهانی یافتن باشد و اگر بنید که گوشت سبک میخور و دلیل که بر دشمن طغیر یابد و اگر بنید که گوشت سنجاب میخور و دلیل که مال مردی غریب خورد و اگر بنید که گوشت سیمرغ میخور و دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بنید که گوشت شاهین میخور و دلیل که از مال مردی شکر نفع یابد و اگر بنید که گوشت بره میخور و دلیل که با کسی که راه محروم پیوندد و اگر بنید که گوشت شیر میخور و دلیل که بسبب تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بنید که گوشت طاوس میخور و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بنید که گوشت طوطی میخور و دلیل که علم آموزد و ویرا منفعت کند و اگر بنید که گوشت فنک میخور و دلیل که بقدر آن مال زن بتا ند و اگر بنید که گوشت قمری میخور و دلیل که از زنی خوب منفعت یابد و اگر بنید که گوشت ماده کاو میخور و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام گردد و اگر بنید که گوشت کاو و دشتی میخور و دلیل که بقدر آن او را مال زن پاکیزه نفع رسد و اگر بنید که گوشت کبوتر میخور و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر بنید که گوشت کر میخور و دلیل که منفعت یابد و اگر بنید که گوشت کر میخور و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بنید که گوشت کشف میخور و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بنید که گوشت کفتار میخور و دلیل که پیر زنی بروی جادو کند و اگر بنید که گوشت کلاره میخور و دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر بنید که گوشت کور خر میخور و دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بنید که گوشت ماکیان میخور و دلیل که او را مال از کینه یک یا از خادم جمع شود و اگر بنید که گوشت ماهی میخور و دلیل که چیزی از مال زن خورد و اگر بنید که گوشت مرغابی میخور و دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بنید که گوشت مروه میخور و دلیل که آن مروه را بر بدی یابد و اگر بنید که گوشت نهنگ میخور و دلیل که رنج و بلا بدو رسد و اگر بنید که گوشت پد میخور و دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بنید که گوشت های میخور و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بنید که گوشت هزار دستان میخور و دلیل که از مال زن یا فرزندی غلام او را منفعت رسد و اگر بنید که گوشت واشه میخور و دلیل که از مال دشمن بخورد و اگر بنید که گوشت یوز میخور و هم از مال دشمن خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم توانگری چهارم نصیب و از ده گوشت

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببنید که گوش او بفتیقا و یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا دخترش بمیرد یا
از هم جدا شوند و بعضی معبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بنید که او کر شد چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل
بر فساد دین و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خیر
سوم دوست چهارم رفتن پنجم پسر ششم غلام هفتم مال و خواسته هشتم ترس و بیم کوشوار ه ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که در هر دو گوش کوشوار داشت دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون کرد و اگر بنید که در هر دو
گوش مروارید کرانمایه او نیخته بود دلیل که علم و قرآن بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بنید که در یک گوش مروارید بود
و در دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاموزد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که هر دو کوشوار داشت دلیل که بزرگی و جاه و یا بد
و اگر مردی زن خود را بنید که در حلقه در گوش داشت یکی از زور و یکی از سیم دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کوشوار در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و جمال و آرایش دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی
چهارم غم و اندوه بسبب طلاق و ادون زن کوشک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببنید که در گوش
شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که گوشک از خشت خام وکل بود و اگر بنید که از کل و آجر بود دلیل که مال
یابد اما در دین او نقصان بود و اگر بنید که پادشاه کوشکی بوی و او دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که گوشک او خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بنید که در گوشک او آتش بفتیقا و دلیل که پادشاه
از او مصا دره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشک در خواب بر پشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم
مرتب چهارم ریاست پنجم بزرگوار ششم پادشاهی هفتم رامش هشتم شادی و خرمی بقدر بلند و یکوفی گوشک
گوگرد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در گوشک او غم و اندوه بود و در دیدن گوگرد و غیر منفعت نبود گوگرد
و انبال علیه السلام گوید که کوکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که کوک شده بود در کتاب چیزی پیش علم میخواهد دلیل
که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کوک صلاح از فساد خواهد و معبران گفته اند که اگر خود را کوک بنید دلیل که کارش
ضعیف شود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببنید که کوکی بریان کرده پیش وی نهاده و میخورد دلیل که
از وی خیر بسیار یابد و آن کوک با حشام بسیار برسد کرمانی رحمه الله علیه گوید کوک خبر و خبر و ی تبایل فرشته بود
و کوک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بنید که شیر خواره شده بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بنید که
کودکی را شیر میداد دلیل که در وقت نزاع سلامت بود گوگرد و انبال علیه السلام گوید اگر خود را کوک بنید و داند که آن کوک
ملک است دلیل که مردی بزرگ او را در پناه خود گیرد و اگر بنید که کوک را از جای خود بکند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بنید که کوک را
کرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بنید که بر بالای کوه می شد دلیل که بزرگی و جاه یابد بعضی از معبران گویند که پادشاهی
بر بالای کوه می شد دلیل که غم و اندوه بد و درد اگر بنید که انکوه بر زیر آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر

سوم

سوم

سوم

سوم

سوم

بنید که بر سر کوهی مقام ساخت دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که
 بر سر کوهی نماز میکند از رویا بانگ نماز میگوید دلیل که کار او نیکو شود و مغفرت رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوه شکستن
 در خواب دلیل بر مقصودی که در دنیا بدو اگر بزرگ آید تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که بر دامن کوه بنیاد دلیل که
 اندوختن شود و اگر بنید که بر دامن کوه نماز میکند دلیل که کاری کند که موافق دین باشد و اگر بنید که در کوه در می
 از کسان پادشاه با وی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر بنید که کوه بنسبید و بعد از آن قرار گرفت دلیل که
 از مردی بزرگ در آنجا رنجور شود و شفا یابد و اگر بنید که کوه را میکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که نزد وی
 عطا یابد و اگر بنید که کوه از خاک بود دلیل که او را با بهترین خیس طمع باشد و اگر بنید که بر کوه قاف نشسته بود
 دلیل که اجلش فراریده باشد و اگر بنید که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مراوش حاصل
 آید و اگر بنید که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بنید که بر کوه بنیان بود دلیل که با علما
 و صلحا صحبت دارد و اگر بنید که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را بهم لاک باشد و اگر بنید که بر کوهی که جلش
 نزدیک آید یا بزرگان گرفتار آید و اگر بنید که بر کوهی روشن بود دلیل که مال یابد و استغنیای شت رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که در کوهی خراب بود که در سنگها افتاده بود و بدستواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که او را از پادشاه ستودگی بود
 و اگر بنید که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر بنید که در
 کوه سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه شود و اگر بنید که از آن سوراخ چیزی
 بیرون آورد دلیل که از آن پادشاه عطا یابد و حافظ معجز گوید اگر بنید که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت
 مردی بزرگ مشغول گردد و اگر بنید که از کوهها سنگ میگرفت و هر یک بجائی می انداخت و او میگرفت و
 بر کوه مینهاد دلیل که باها بقهر جمع کند و اگر بنید که از کوهها در کنار گرفته بود دلیل که خود را کسی بزرگ
 بند دوازوی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که از کوه بزرگ افتاد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر بنید که
 بر کوه نزد بانی از گنج و آجر بسته بود و بدان نروبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود
 حاصل شود و اگر بنید که نروبان از کل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد و اگر از مس بود
 باشد و اگر از برنج بود مرادش بر نیاید و اگر بنید که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل که خاص
 مقرب پادشاه گردد و مال بسیار یابد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوه در خواب بر
 پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دبیری سوم ظفر چهارم بلند می تجسم ریشی یافتن
 گوهر این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کوه بر پنج خواب زن با جمال تو اگر بود و
 اگر بنید که کوهی داشت دلیل زنی که دارد طلاق دهد و اگر بنید که کوه بسیار

داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کوهر مغیر و خست دلیل که بشغل زمان مشغول گردد و دلالی کند و اگر بنید که بعضی کوهر با سوراخ داشت و بعضی نداشت دلیل که دلالی و ختران و دشمنه و زنان بویه کند مغربی رحمة الله علیه گوید کوهر سفید در خواب فرزند بود و اگر بنید که کوهر سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوهر در خواب بر پشت و جبهه بود یکی مال و دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی کران بها پنجم زمان با جمال ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تصور نباشد دلیل بر پیشانی بود و کوهر فروش در خواب خداوند علم و حکمت بود و کوچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که در کوچه آبادان بود دلیل که خیر و منفعت بوی رسد خاصه که در مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این بنید دلیل که شر و مضرت بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در کوچه فراخ مقیم شد دلیل که غم و اندوه بوی رسد کیکی اگر کسی بخواب بنید که یکگزشت یا کسی بوی داد دلیل که اند و کلین شود و اگر بنید که یکگزشت خورد دلیل بر غم و اندوه معتبر بود و اگر بنید که یکگزشتی داد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و در دیدن یکگزشت منفعت نباشد و الله اعلم **حرف اللام** لبا چه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لبا چه در خواب دیدن نیکوئی و پایداری دین بود خاصه که سبز باشد و اگر بنید که لبا چه سمور یا شجاع داشت دلیل که پناه مروی با ویات بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که لبا چه سبز داشت دلیل که او را از مروی با امانت منفعتی رسد و اگر بنید که لبا چه سفید بود دلیل که از مروی مصلح تو او را لغتی رسد و اگر لبا چه سرخ بود پوشید دلیل که از مروی ماسخر بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر لبا چه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لبا چه بکوبد بنید که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لبا چه سیاه پوشیده بود اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل که مضرت و بی حرمتی یابد اسمعیل اشعری رحمة الله علیه گوید لبا چه دیبا مردمان را نقصان دین بود و زنا را شادی بود و لبا چه عنابی مردان را زنا را نیک باشد خاصه که سفید و فراخ بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لبا چه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لبا چه که باس زنا را مردمان را نیک بود و لبا چه در خواب بر چهار وجه بود یکی زمان دوم امانت داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت **لباس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود اما ترس و بیم عظیم بوی رسد لیکن انجاش نیکو باشد و اگر زنی بنید که لباس مردان پوشیده بود دلیل که بشویش چیزی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بنید که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بنید نیکو شود و اگر برخود لباس بهتران بنید دلیل که بهتر شود و اگر برخود لباس فاسقان بنید دلیل که گناه بسیار کند و اگر بنید که لباس سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بنید که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بنید که لباس صوفیان داشت دلیل که

سجده
سجده

رباچه

رباچه

سبب

از دنیا دست بردارد و اگر بنید لباس تو اگر آن داشت دلیل که جمیع کردن مال حریص بود و اگر بنید که لباس جهودان یا ترسایان داشت دلیل که دلش با ایشان مایل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر منفعت وجه بود یکی دین پاک دوم تو اگر کسی سوم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خاورد لباس این سیرین رحمه الله علیه گوید لباس در خواب دیدن دلیل بر برآوردن حاجات بود و لب زیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از معتبران گویند لب در خواب خویش و قرابات بود و اگر بنید که لب بالای وی از اجازات ایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و لب زیرین همین تاویل دارد و اگر بنید که لب بالای وی بریدند دلیل که زن را طلاق دهد یا زن او را طلاق کند و اگر هر دو لب افتاد بنید دلیل که او مصیبتی رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که عازر بود و اگر لباسی خود را در دست بنید دلیل که غمگین شود و اگر بنید که لباسش بهم و چسبیده بود چنانکه باز نتوانست کتشد و دلیل که کارش بسته کرد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه بنید دلیل که عز و زیادت کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد و دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه بیم طلاق او بود و اگر بنید لباسش آماسیده بود و دلیل که مالی زیادت شود و اگر بنید که لباسش سرخ شده بود و دلیل که فراق روا کرد و اگر بنید که لباسش سبز یا سفید بود و دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر بنید که لباسش سست و ضعیف بود و دلیل که حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود **لحاف** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید **لحاف** در خواب زن بود اگر کسی بخواب بنید که **لحاف** نداشت دلیل که زن خواهد و اگر بنید که **لحاف** نداشت بخوابید دلیل که کنیزکی و دشمنی بخورد و اگر بنید که **لحاف** او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر **لحاف** دریده و چرکین بود و دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که **لحاف** نداشت دلیل که زنی دیندار و توانگر خواهد و اگر بنید که **لحاف** سفید بود و دلیل که زنی توانگر و پارسا او را بود و اگر بنید که **لحاف** سرخ بود و دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر **لحاف** زرد بود و دلیل که بر زنی بیا که کون باشد و اگر **لحاف** او طولی بود و دلیل که زنش مکاره و فریبنده بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن **لحاف** در خواب چون نوباشد بر سر وجه بود یکی زن عالم دوم دختر دشمنه سوم **لر زید** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که **لر زید** میلرزید و دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بنید که **لر زید** می لرزید و دلیل که از حاکمش زیان رسد و اگر بنید که قفایش میلرزید و دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بنید که دستهای وی میلرزید و دلیل که تنگ معیشت بود و اگر بنید که سینه وی میلرزید و دلیل که سخنی بشنود که اندوگین شود و اگر بنید که شکم وی می لرزید و دلیل که از مردی که قوت او بود و پناه او بود و بختی بوی رسد و اگر بنید که پایش می لرزید و دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بنید که اندامش می لرزید و دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود رنج و سختی بنید و انبال علیه السلام گوید لرزیدن

لحاف

لر زید

اندا نهاد در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف
 احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم مصرت و بیماری لرزیدن چهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بنید که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار فتنه و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بنید که آفتاب و ماه لرزید دلیل که
 پادشاه آن دیار رنج و مصرت رسد و اگر بنید که ستارگان لرزید دلیل که آشوب و درز و یکان پادشاه افتد
 و اگر بنید که زمین می لرزید دلیل برفتنه و آفت بود و اگر بنید که کوه می لرزید دلیل که پادشاه آن دیار بمصرت رسد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که عرش می لرزید دلیل بفساد و بی و یانتهی علما بود و اگر بنید که لوح و قلم می لرزید دلیل
 بر بد حالی و بیران و اهل علم بود و اگر بنید که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه و تعالی بسبب فساد اهل
 آن دیار بود و اگر بنید که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان می لرزید دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه انداختن و
 خون ریختن بود و اگر بنید که گوشه یا سراسر پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر بنید
 که تن وی لرزید دلیل بر صیبت و فساد بود **شکر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لشکر و رجا یکا می بود
 یا فراسید دلیل که اهل آن موضع را کزندی رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار
 که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود که لشکر از آن او بود و اگر لشکری بی صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن
 پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لشکر و خواب بر پنج وجه بود یکی تلخ دوم سیل سوم باد
 سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لعل در خواب زنی با جمال و توانگر
 بود اگر بنید که لعل آتش فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخیزد دلیل که بدین صفت که گفتیم زنی بخوابد یا نیک یا کینه خور
 و اگر نشانش باشد و ختری با جمال لطیف صورت زیاده و اگر بنید که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
 لیکن در دین کم رود بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی آشنا پاره لعلی بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن
 زنی توانگر از خوشیان خود خواهد و اگر بنید که بکانه او پاره لعل داد دلیل که زنی مجبور بدین صفت خواهد و اگر بنید که جوانی
 پاره لعل بد داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن و بیم کنیز
 سوم منفعت چهارم مال و نیا و دختران **لعوق** لیسیدن بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که طعم آن شیرین
 و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بنید که چون لعوق انار و لعوق چلغوزه و لعوق
 خشتی شش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و ترش بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و
 مصرت باشد مغربی رحمه الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت
 باشد و آنچه ترش بود و اویش بخلاف این بود **لفاح** الشمامه دستنویه را گویند
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دستنویه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر کسی داد و انگس بیمار

لر زیدن چهره

لعل

لعل

لعل

تعلق

تعب

لقوه

لگام

لکد زدن

کرد و اگر بنید که لجاج را بوی میکرد دلیل که سخنها می خوش نشود و اگر بنید که لجاج بسیار داشت دلیل که مال و
 خواسته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه کوید لجاج در خواب برشش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند
 چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف **لقلق** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید لقلق در خواب مردی با حسب
 نسب و آزاد و عاقبت اندیش بود و اگر بنید که لقلق گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با کسی بدین صفت
 صحبت افتد و اگر بنید که لقلق را بگشت دلیل که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بنید که لقلق با وی
 سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از مهتری او را منتفع رسد و اگر بنید که لقلق بر
 بام وی بنشست دلیل که مهتری در خانه وی در آید و اگر بنید که لقلق از دست وی بپرد دلیل که از صحبت مردی
 و همتان جدا ماند و اگر بنید که گوشت لقلق میخورد دلیل که بقدر آن مال و همتان خورد و جعفر صادق رضی الله عنه
 کوید لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی مردم و همتان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریبی و
 درویشی بود **لقمه** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد دلیل که
 آنکس سخن خوش بد گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه کوید
 اگر بنید که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد مصلح بود و دلیل که مال حلال یابد و اگر بنید که لقمه شیرین گرم در
 دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر
 صادق رضی الله عنه کوید لقمه در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت
 بقدر لقمه **لقوه** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که روی از علت لقوه کج شده بود دلیل
 که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر بنید که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و کرامی باشد جعفر صادق
 رضی الله عنه کوید لقوه در خواب دلیل بر منافقتی بود که میان مردم سخنان نفاق کوید و اگر بنید که لقوه شده بود
 دلیل بر آشکار شدن علت و نقصان دین بود **لگام** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که لگام لشکرت
 یا ضالچ شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بنید که لگام بر سر داشت چنانچه اسپان را باشد دلیل
 که روزه دارد و از گناه تو بکند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر یک که نابکار و بدسکال تربود
 لگام در دهانش رود مغربی رحمه الله علیه کوید لگام در خواب بر سه بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان
 خواجه باشد و بر سر آزد نیکو نبود و گویند که بنده خواب با ادب و فرمانک باشد جعفر صادق رضی الله
 عنه کوید دیدن لگام در خواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم روزه داشتن سوم ادب و
 فرمانک و لگام فروش در خواب مدبر کارهای ولایت باشد **لکد زدن** ابن سیرین رحمه الله علیه
 کوید اگر کسی بخواب بنید که کسی را لکد زد و دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اگر

بنید که اسپ اورا لکد ز دلیل که در شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معتبران گویند بفساد مشغول
 گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زنی اورا لکد ز دلیل که بسبب زنی اندوگین شود و اگر بنید که گنده
 پیری لکد ز دلیل که مالش تلف شود و اگر بنید که اشتر اورا لکد ز دلیل که از مردی بخشد و اورا زیان رسد و اگر
 بنید که خزنی دیر لکد ز دلیل که در سفر او را زیان و مضرت رسد و اگر بنید که کا و اورا لکد ز دلیل که در آن
 سال او را زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لکد زون در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت
 سوم غم و اندوه چهارم فساد و عیال **لک** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که لک و است
 دلیل که از کسی فرومایه او را منفعت رسد و اگر بنید که لک را بر آتش نهاد و دود و دود و دلیل که نامش در آن
 دیار بیک منتشر گردد و اگر بنید که لک بخور و دلیل که غمگین شود و اگر بنید که کار و دوست وی بود و لک
 محکم و دلیل که در میان دو کس مصالح پیوندد **لوی** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که لویا در خواب اگر
 بوقت خود بنید نیکو بود و اگر بیوقت بخت یا خام دلیل غم و اندوه بود **لوح** محفوظ ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید که لوح محفوظ بنا و دلیل عام با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که مانی رحمه الله علیه گوید که
 لوح محفوظ بنا و دلیل علم و حکمت و قرآن باشد و اگر بنید که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر
 بنید که لقم بر لوح محفوظ چیزی می نوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر بنید که بر لوح میرفت دلیل که او را با
 پادشاهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بنید که نام وی بر لوح محفوظ نبشته بود دلیل که طبعش
 رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر سوم
 علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت **لوزینه** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید
 که لوزینه بشکورد و آن نهاد دلیل که از کسی خنی لطیف شود و اگر بنید که لوزینه بسیار خورد دلیل که بقدر آن
 مال حاصل کند و اگر بنید که لوزینه کسی داد دلیل که او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کاری نیکو کند مغربی رحمه الله
 علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال و نعمت بود و اگر بنید که لوزینه خورد و یا خرید یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر
 آن مال و نعمت از حلال باید و خرج کند و اگر بنید که لوزینه کسی داد و دلیل که از وی بر آن مال و نعمت رسد و اگر بنید که لوزینه
 خنای رسد باید زود بدلیل که آن نقصان مال بود **لنک** شد **لن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لنک شده بود
 دلیل که کار را طلب کند از خیر و شر و مست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معتبران گویند اگر کسی خور لنک و
 حقیر بنید دلیل که بختش مردمان خوار و حقیر گردد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خور لنک بنید و دلیل که در دین
 دنیا شکسته بود و مقصودش بر نیاید و اگر بنید که خور لنک ساخت دلیل که از کسی بجهت کار
 معیشت خویش یاری خواهد و اگر بنید که لنک شده بود و بصدا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد مردم بروی عتقاد

ک

لوی

لوزینه

لنک

کنند و مراوش حاصل شود و اگر بیند که بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاهر هر کسی اعتماد نکند و اعتقادش
 حقیقی نبود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت
 دلیل که بشغل که خدائی درویش و عاجز و دردمند بود و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمی
 توانست رفت دلیل که از شر آنکس ایمن گردد و اگر بیند که در هر دو پای وی خار بود و آما سیده بود و نمی لنگید دلیل
 که دشمن بروی حد بدو مال و جاه وی ریافت شود و استعجیل اشعت رحمة الله علیه گوید اگر لنگ خواب بیند که
 پای او درست نشد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشته شده که دو و از مرگ وی که نمیبرد شده باشد
 بیا بدو کارش بنظام کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی گسستی در کار و دوم نامرغی
 سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و لذت و در خواب حد متکبران خانه که اصلش ترس بوده باشد و اگر بیند
 که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی پستی و چکین و کوچک
 بود و اویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بقیه دو شکست دلیل که خدمتکارش بیبر و کوفی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که لویدش سوراخ شده بود دلیل که خدمتکارش بیار شود و اگر بیند که لوید پر از آب صافی بود دلیل که خدمتکار
 او را منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر از خور و فی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید خور و فی
 که از خدمتکار خیر و منفعت رسد لیسو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن لیسو در خواب بوقت خود یا بوقت چون
 زرد بود دلیل باری و در در رخ بود و چون سبز بود غم و اندوه کتر باشد و در دیدن و خور و فی لیسو خیر و منفعت
 نبود و الله اعلم بالقواب **حرف المیم** مار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدو خواه
 پنهانی بود و اگر بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمنی خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمنی بگانه بود و
 اگر بیند که با مار جنگ و نبرد میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چهره شد دلیل که بر دشمن ظفر
 نیابد و اگر بیند که مار او را بگزید دلیل که از دشمن مصرت یابد و اگر بیند که مار را شکست دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
 بیند که گوشت مار خورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خور و خیر و خشن بیند و اگر بیند که مار بر او پیاده کرد دلیل که
 از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند که هر دو نیمه را فر گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف
 سخن گفت دلیل که ویرا عجب کاری پدید آید که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بر وی تندی و زشتی سخن گفت دلیل که دشمن روی
 ظفر بیاورد و اگر ماری مرده بیند دلیل که دشمن بگانه و توانی اشرافت از وی بگرداند و اگر بخی بوی رسد و اگر بیند که مار طبع او بود دلیل که جاه و بزرگی
 یابد و اگر بیند که مار زوی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی و نیکو و با
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران دیگر بودند دلیل بر شکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بگانه کون باشد و اگر
 سرخ بود دلیل بر دشمنی طرب دوست و معاشر بود و اگر بیند که مار یا بیا داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد

گوید

لیسو

ک

و اگر بنید که مار بسیار در پیش وی جمع شده بودند و گزداور بر این دلیل که او را دشمن از ایشان خود بود و بسیار باشند
 و لیکن از ایشان حضرت زینبید و اگر بنید که ماران سر و نهها و دندانها داشتند دلیل که دشمن او کینه دار و بدسیرت بود و غریبا
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماری از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قنصب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن
 او باشد و اگر بنید که مار از دندان او بیرون آمد دلیل که سخنی گوید که ویران آن و بال باشد یا تسبیح است رحمة الله علیه گوید
 مایهید دشمن بود و مار سیاه سر ننگ لشکری باشد و اگر بنید که از مایه نکت و مار او را ندید دلیل که رامش و خرمی یا بدو
 اگر بنید که مار او را گرفت و گزند می کرد دلیل که بزرگی یا بدو از دشمن این کرد و خلف امضا فانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که گنجی یابد و اگر بنید که از استین او ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد
 و اگر بنید که مار بر بکشت و خویش در خود مالید دلیل که مال دشمن یابد و اگر بنید که بر بستر خود ماری بکشت دلیل که
 زلفش میرود و اگر بنید که مار از کمر بیان یا از دندان او بیرون آمد و بزین فروشد دلیل که طلاک کرد و دوزخ مار و در خواب
 دشمن ضعیف بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مار در خواب برده و جود بود یکی نهانی دوم زندگانی سوم سلامت
 چهارم پاوشای پنجم پیسار لاری ششم زن هفتم دولت هشتم مرک نهم سپردم سیلاب مار چو به اگر بنید که مار چو به
 از زمین جمع میکرد بوقت خود دلیل که بقدر آن او را منفعت رسد و اگر بنید که مار چو به خام میخورد دلیل بر حضرت در سج بود
 مار قشیشا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار قشیشا در خواب دلیل بر سج و حضرت و بیماری بود و دیدن او در
 خواب خیر نباشد مار و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که از درخت از جوع کرد و دلیل که بر سج و سختی مال حاصل کند
 و اگر چار بنید که نخورده مار از داشت دلیل که مال کرده بود و اگر بنید که مار از میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود
 دلیل بر بیماری بود و اگر بنید که مار از غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مار زرد در خواب بر چار و چه بود یکی
 مال کرده دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار زرد چون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار زرد چون در
 خواب در وقت و بوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال و هلاک تن بود و دیدن وی
 خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت و
 ترش غم و اندوه بود و انبال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بنید که ماست
 بخورد و دلیل که مال از سفر حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بنید که ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن
 او مال حاصل شود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماست شیرین میخورد و دلیل که مال حلال بدست آرد
 و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ماست در خواب اگر نکت بود
 دلیل که اندک خیر بدورد و اگر خام خورد و اند و لیکن شود و اگر بنید که ماست در خانه گذاشت و بمردم
 داد و دلیل که بیغم کرد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید دیدن ماست در خواب چه خشک و تر و خام یا نکت و دلیل غم و

ماری

ماری

ماری

ماری

ماری

ماری

سیرین

میر

ما

۵۶

اندوه باشد ماکیان مرغ خاکمی بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کینزک
 بود اگر بنید که مرغ خاکمی بخزید یا کسی بوی داود دلیل که کینزک بخزد و یا خادمی بمنز دیگر دو اگر مرغهای خاکمی بسیار
 و بیقیاس داشت دلیل که ریاست و سروری یابد و اگر بنید که کشت ماکیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از
 خادمان یابد و اگر بنید که ماکیان را بکشت دلیل که کینزک را دو و نیزگی بستاند و اگر بنید که بچه ماکیان را بکشت دلیل که
 فرزند او یا فرزند غلامش یا کینزک او بملائی گرفتار شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خایه ماکیان را یافت دلیل
 که او را و ختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید ماکیان در خواب زنی با جمال بود و ماکیان
 سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بنید که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد دلیل که سخن ناخوش شود
 اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب بر تنه و بود یکی زن با جمال دو م کینزک سوم خادم مامیر
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مامیر در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرا از آن غیر و ثواب حاصل شود ما پیشما
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مامیر در خواب اگر بوقت یا بوقت بمید دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن مامیر در خواب
 خیر نباشد ماه دانیال علیه السلام گوید ماه در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بنید که ماه از آسمان فرا گرفت
 یا او را ملک خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد و اگر بنید که با ماه جنگ و نبرد میکرد دلیل که با وزیر
 خصومت کند و اگر بنید که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه گردد و اگر بنید که نور ماه بستد دلیل که وزارت
 یابد و اگر بنید که ماه آسمان فرا گرفت و نور و شمع داشت و نیز تاریک و تیره نبود دلیل که از غمها فرج یابد
 و اگر بنید که تیره و تاریک بود و بجای خود بخود دلیل که وزیر پادشاه بکاری محتاج وی کرد و ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بنید که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر یا پادشاه هلاک
 شود و اگر بنید که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی نظم کنند و او خود خوانند و اگر بنید که ماه با وی سخن گفت
 دلیل که ولایت یابد و اگر بنید که دو ماه با یکدیگر جنگ میکرد دلیل که دو پادشاه با هم یکدیگر جنگ کنند و اگر بنید که از آن
 دو ماه یکی بقیه و یا پاره پاره و نقصان شد دلیل که از آن دو پادشاه یکی از پادشاهی بقیه مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که زن خواهد و اگر ماه هلال بود دلیل که آن زن به اصل و نسب از و
 کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد دلیل که زن از اصل هلالا زادگان باشد و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن به اصل و نسب
 از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بنید دلیل که شوهری بدین صفت بخوابد و اگر بنید که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی
 یافت دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یابد و اگر بنید که چیزی ماه را بپوشانید دلیل که پادشاه بر وزیر متخیر شود و اگر
 بنید که ماه منخسف شده بود دلیل که حال و تیرید باشد و مغرول گردد و مانی رحمه الله علیه گوید اگر ماه بدر و مغرور
 بنید بموضع خویش و نورش مقابل خانه وی یافت دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت

و اگر ماه بدر بود و تار یک بنید دلیل که او در رنج و کرامت رسد و اگر ماه طالع از مطلع خویش برآمد لیکن نه بادل ماه
 نورش زیادت شد یا بدکشت دلیل که او را فرزند می آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه طالع از موضع خود برآمد دلیل
 که از وی فرزند می آید یا او را کاری صعب افتد که مرد را از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متعبران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب
 بنید دلیل که پادشاه آن دیار را پسری آید و اگر نور ماه را بدید دلیل که آن پسر را زندگانی دراز بود و اگر ماه را بدید
 دلیل که عمرش میان بود و اگر ماه را نقصان بنید دلیل که بخدمت پادشاه یا وزیر مشغول شود و اسمعیل اشعث رحمة
 الله علیه گوید که بنید که ماه را بدست گرفت یا بکند روی آمد دلیل که فرزند می آید و انا او را آید و اگر این خواب کسی
 از مقرران پادشاه بنید دلیل که او پادشاه شود و اگر بنید که ماه و آفتاب و جملة ستارگان فرا گرفت و همه تیره و
 سیاه بودند دلیل که بنید که خواب هلاک شود و اگر مصالح بود و در غم و اندوه افتد یا بنید که بیمار گردد و عاقبت
 شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر سقده و چه بود یکی پادشاه دوم وزیر یوم ندیم چهارم
 رئیس پنجم شرف و جاهد ششم دست به ششم کینزک ششم غلام پنجم کار باطل و ششم والی یا زوهم عالم فاسد و دوازدهم همت
 بزرگ و اسیز دهم پدر چهارم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند بهشت دهم بزرگ واری ماهی دانیال علیه السلام
 گوید ماهی در خواب در دریای گرم سیر ملا و سختی بود و در سرد سیر تا ویلش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ
 بسیار دید دلیل بر مال و غنیمت کند و اگر ماهی خرد و بنید غم و اندوه یا بد و اگر در شکم ماهی مرورید یافت دلیل که او را پسری
 آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماهی خشک یا شورکی بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگی او را مضرت
 رسد و اگر ماهی شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند که ماهی شور بریان کرده تا بویل سفرد طلب علم یا صحبت
 مردی باشد و در خوردن ماهی خرد و خصومت باشد و اگر بنید که چیزی از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد
 بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بنید که در وی ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از اهل کسی
 زنی بخوابد که او را مال بسیار باشد و مخری رحمة الله علیه گوید ماهی تازه و بریان کرده بخوابد و نعمت باشد زیرا که ماهی
 تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر علی علیه السلام از آسمان آورده اند قوله تعالی ونبأ النزل
 علینا ما نزل من السماء اگر بنید که از دهن ماهی بیرون آمد دلیل که سختی دروغ در کاری گوید و اگر ماهی از قصب
 وی بیرون آمد دلیل که او را دختر می آید و اگر زنی بنید که از دهن وی ماهی بیرون آمد دلیل که اندوختن شود و اگر بنید که از جری
 ماهی بگرفت دلیل که از مردی بزرگوار مال نعمت یابد و اگر بنید که ماهی تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل شعث
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماهی فروشی میکرد دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بنید که ماهی از حوض یا
 از جوی می گرفت دلیل که از مردی عامه بکرو حیات چیزی بستاند و اگر بنید که ماهیان دریا با او سخن در آمدند دلیل
 که رازان پادشاه آشکارا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب برشش وجه بود یکی وزیر

بازی

مید

مید

مید

مید

مید

مید

مید

دوم لشکر سوم دختر و شیر چهار غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کین و بد و مایه خواره ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید مایه خواره در خواب زن بود اگر بنید که مایه خواره را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زن خواهد
 و اگر بنید که مایه خواره از دست وی ببرد یا ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بنید که گوشت مایه خواره بخورد
 دلیل که بقدر آن مال حرف کند مغربی رحمه الله علیه گوید مایه خواره تاویل غم و اندوه باشد مبر و سودن باشد
 باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مبردی داشت و زنک بدان میزد دلیل که کاری مشکل بر وی کشاده
 کرد و خاصه که آهن ملک او باشد و اگر بنید که آهن روشن و پاکیزه را در آنجا بچیزی میزد دلیل که کاری کند که
 در آن مضرت و زیان بنید و بعضی گفته اند که مبر و سخن نرم باشد و اگر بنید که مبر و او شکست یا ضایع شد دلیل که کاری
 طلب کند و بدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی از آلتها مسین خانه مبر و روشن میکرد
 دلیل که چیزی از وی بخاوم خانه وی رسد یا شغل خادمش بسبب او باز خلاصی یابد **مطهر** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که مطهر نو داشت دلیل که از سفر او را خیر و منفعت رسد و اگر بنید که مطهر کهنه و دریده بود
 تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهر در خواب بر سر و چو بود یکی سفر دوم مال سوم
 زندگانی مرگه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بنه چوبی یا درختی سوراخ میکرد دلیل که بکر و حلیت
 چیزی از وی بستاند و بعضی از مجربان گویند که مقصودش حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بنه اندام
 کسی را سوراخ میکرد دلیل که بکر و حلیت و یکی را ببلال افکند مجلس علم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در
 مجلس علم نشسته بود و عالم کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و توحید می گفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم
 کند که خلاف شریعت باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید در مجلس علم می نشست دلیل که بکار دنیا مشغول شود
 و از آن شادمان گردد و اگر بخلاف این بنید دلیل که غمگین شود و اگر او در مجلس علم حالی پدید آمد و بهیوش گشت
 چنانکه عقل از وی بر میزد دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار گشته و تخیر شود اما سر انجام آن بخیر بود
مجلس شراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مجلس شراب بود و شراب نمی خورد و دلیل که بفساد و طام مشغول
 نشود اما رخا دهد و اگر بنید که در مجلس شراب بطرب و چنانچه بود دلیل که او را غم و اندوه باشد یا با کسی خصومت کند
مجمره عود و سوز بود و شرح آن در حرف عین گفته ایم **مجمره** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مجمره در خواب
 بنید دلیل بر نی پاک دین و عالمه بود و اگر بنید که مجمره داشت دلیل که زنی عالمه بزنی کند و از و خیر و منفعت
 یابد و اگر بنید که مجمره شکست یا ضایع شد دلیل که زانش مبر و اگر زن ندارد و از خویشان او یکی بمیرد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که مجمره چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت قرآن یا نامهای
 خدای تعالی باشد دلیل بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر شر و فساد بود

محراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که در محراب نماز می گذارد و دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حقیقتی در قصه بهتر ذکر یا علیه السلام فرموده و هو قائم یصلی فی المحراب الی آخر الایة اگر بینید که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او را فرزندانش صالح شوند و اگر بینید که در محراب نشسته بود و دلیل که در نماز کامل بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که محراب را عمارت میکرد و دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب و در خواب بر تنج وجه بود یکی امام دوم یا پادشاه سوم قاضی چهارم محاسب پنجم میاخی مردمان بود و ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که حجت شده بود و برینیت زنان خود یا بشارت دلیل که بقدر زن او ترس و بیم افتد و ببارسد و اگر بینید که جامه زن از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و بحال مردان باز آمد دلیل که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل کرد و مغفرتی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مجالست با غنثان داشت دلیل که با مفسدان اختلاط کند و اگر بینید که در میان ایشان اوستیم شد دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود مداد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مداد و نجواب دید دلیل که معیشت بر وی فراخ گردد و اگر بینید که مداد از وی ضایع شد تا ویش بخلاف این بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مداد بر جامه وی ریخت دلیل که او را زیانی برسد و اگر دبیر بود متهتری یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مداد و در خواب بر چهار وجه بود یکی متهتری دوم ششم سوم همیشه چهارم شادی مذکور نیند و هنده و واضح باشد اگر بینید که مردم را پند میداد و دلیل که او را شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد و قهر کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مردم را پند میداد و دلیل که در آن پند صلاح دین و دستکاری آخرت بود و بشارت چیز دینی و دنیاوی باشد و اگر بینید که مردم را پند و هنده بود و دلیل که او را بخداوند تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شرف و فتنه نگاهدارد مدنی آب و شفاط بود چون کسی شهوت بازی کند اول آب مدنی از غضیب او فرود آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مدنی در خواب شادی و خوشی بود بقدر آنچه دیده باشد هر جان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر جان و در خواب فرزند بود و اگر سرخ بود فرزند خوب روی بود و اگر مرجان با جوهرهای بسیار بیند دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرجان و در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم زینت سوم جمال چهارم مال از جهت خادم هر و معروف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند و در بیداری هم چنان بیند یا هم نام او پاکسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود و دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که کجاست وی باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که مویش سیاه شده بود تا ویش بخلاف این بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند و دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی و نیکوئی او

حکایت

محدث

مداد

نیم

مدنی

مرجان

مردم

کتاب
در بیان

در دین بود و اگر مردی جوان را بنید دلیل که از بزرگی زحمت و کلاسیست رسد و اگر مردی ضعیف بنید که با وی سخن بسرد
میگفت دلیل که با مردی بدان صفت در خدمت افتد و بروی ظفر یابد و اگر مردی بنید که کودک شده بود دلیل که کار بخوبی
کند که او را پند مردم لامت گشتند و اگر مردی بنید که زن ویران قبیله بود چنانکه مردان را با بنید دلیل که او را پسری آید که مهر اهل بیت
کرد و اگر مردی دیگر او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و در حال وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مردی در
خواب دولت و نجات بود مردم را دیدن مردی که در حیات و چیزی نکرد بود مرد و اسنک ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید مرد اسنک در خواب بیماری بود و اگر بنید که مرد اسنک میخورد دلیل که بیمار شود و چنانکه بیم پلاک باشد و اگر بنید که
مرد اسنک کسی بنید یا بفروخت دلیل که از رنج و بیماری این شود و مرد اسنک زرد بیماری و اندوه بود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مرد اسنک در خواب بریده و چه بود یکی رنج دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مرد و خواب
و انیال علیه السلام گوید اگر بنید که مرد و مردم بروی میگردانند و زاری میگردانند یا در بستند و در کفن سپیدند یا بر جنازه
نهادند و بگویند این جمله دلیل بر فساد او و درین بود که اگر بنید که او را از کور برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن
و دفن کرده بودند و اگر بنید که او را دفن کردند و کورش از خاک پیر کردند و مردم از سر کوری باز گشتند دلیل که
ویش بر کز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بنید که بمرد و زو و بر جنازه نهادند و حال جنازه اش برداشته و خلق بسیار
از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد اما بر ایشان ظلم کند و اگر بنید که مرده بود و زنده
شد دلیل که گناهی کرده بود و از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بنید که کسی او را گفت که تو هرگز نمی
دلیل که شهید و غزا شود و اگر بنید که بمرد و کسی بروی نکرست و از پس جنازه او کسی نموده دلیل که آنچه از خانه او خراب
شده باشد بر کز آبادان نشود و اگر در خواب خود را در میان بنید و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است دلیل که
با مردمان جاهلی سفر کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که هر که خوابد که بداند که حال وی بنزدیک اصلاح چگونه است اگر مردگان
صلاح و برادر خواب بشارت میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق
سجانه و تعالی نیکو بود و اگر بنید که مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک
باری تعالی بد باشد و مشربی رحمه الله علیه گوید که هر که در خواب دیدن دلیل بر راحت مومن و عذاب کافر بود
و اگر مفاجات نبود و فساد وین بود و هر چند که جان کندن خود سخت تر بنید عذاب و عقوبت صحت بود و اگر بنید
که بمرد و کسی او را می شست دلیل که تائب گردید و اگر بنید که از پس جنازه وی قومی در هم می رفتند دلیل که
بزرگی از آن شهر و رفسر میرو کردانی رحمه الله علیه گوید که بنید که بمرد و او را در جنازه نهادند و خلق دلیل جنازه
او می رفتند دلیل که بقدر خویش ولایت و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه کران بود دلیل که بمردم فقر و
ستم کار بود و اگر بنید که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر بنید که مرده را بر کف برداشت و بی برد دلیل

که مال حرام یابد و اگر ببیند که زنده بمرد و او را بر تخت خوابانند و آن تخت بر کف نهاده و دلیل که بخدمت پادشاه
 رود و از وی منفعت و راحت یابد و اگر ببیند که بمرد زنده شد دلیل که آن شهر خراب کرد و اگر ببیند که دیگر باره بمرد
 دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر ببیند که فرزندی از آن او بمرد دلیل که توانگر شود و نیز که بید که از دشمن الهین شود
 و اگر ببیند که پدر و مادر وی بمرد و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی ببیند که آبستن بود و بمرد و مردم بروی میگیرند
 دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه کوید اگر ببیند که مرده بار دیگر بمرد و بمیرد که یه نبود بلکه آهسته میگیرند
 دلیل که از اهل بیت وی یکی را زنی کند و شادی و خرمی بود و اگر ببیند که بمیرد وی زمان و مردان فغان برداشتنند و نوحه
 میگردند دلیل که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی ببیند که بمرد و او را بشستند و بر جنازه نهاده و دلیل که سخن نگوید
 کوید و اگر ببیند که او را دفن کردند و دلیل که بد باشد هر روز زنده شد که با فی رحمه الله علیه کوید اگر ببیند که مرده
 زنده شد دلیل که حال وی نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشاده روی ببیند و اگر زنده را مرده ببیند دلیل که حال بروی
 بد باشد خاصه که ترش روی بود و اگر کسی ببیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و کشاده روی و با جامه پاکیزه ببیند دلیل
 که دولت و اقبال یابد و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده ببیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی ببیند که پسری زنده شد
 دلیل که غایبش از سفر بیاید و اگر ببیند که مرده بیکانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر ببیند که
 زنده بمرد و اویش بخلاف این بود و اگر ببیند که مرده را زنده کرد و دلیل که کافر بدست وی سلمان شود و مغرانی رحمه الله
 علیه کوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترش روی و غمگین و با جامه های چرکین ببیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان کرد و
 زیرا که در سرای حقست بهر صفت کسی مرده را در خواب ببیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را
 کشاده روی با جامه های پاکیزه ببیند دلیل که نعمت بسیار یابد و اگر برادر خود را بدین صفت که کردیم زنده ببیند دلیل که شرف
 بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این ببیند تا ویش بخلاف این بود که با فی رحمه الله علیه کوید اگر کسی مرده را در خواب دید و
 پرسید که تو مرده گفت زنده ام دلیل که سخن مرده نیکو و آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد
 قوله تعالی و لا تخسبوا الذين قتلوا في سبيل الله اموالهم احياء عند ربهم يرزقون فحين
 بما انتم الله من فضله و این آیه دلیل است بر آن که هر چه مرده کوید راست کوید و اگر ببیند که مرده خرم و شادمان
 بخانه خود را آمد و نشست دلیل که صدقه و عابد و میرسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر ببیند که مرده بخانه خویش
 در کنار گرفت دلیل که نزد رست و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او بود و عا و صدقه
 از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان ببیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین ببیند تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که مرده از اهل بیت
 خود بروی جست و با وی مناظره میگرد یا روی بگردانید دلیل که مرده وصیت کرده باشد

مرد زنده شد

و وصیت او بجا نیاورده باشد و اگر بیند که مرده شاد و خندان بنزدیک وی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است
و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد
و اگر سخن بد گفت یا او را وصیت کرد تا ویش بد باشد و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند
داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دایات خداوند خواب بود و اگر مرده را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه
پاکیزه داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مرده از عذاب خدا یتعالی ایمن باشد
و عاقبت محمود بود و حافظ معتبر گوید اگر بیند که مرده دست در کردن او در آورده و در کنار گرفت دلیل که عمرش
دراز بود و اگر بیند که مرده القات نکرد و سخن نکفت دلیل که بیند را از بهر وی صدقه یا هدیه او را بدعا یا نکند
و اگر مرده را ترش روی و غمناک بیند دلیل که عاصی و کنه کار بود و اگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده
مسلمان نموده باشد و اگر مرده را سیاه رو بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی **فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ**
اَلْكَفِرَةُ بعد ایمان که فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون و اگر مرده را در مانده و بیجا می بیند دلیل که حال مرده بد
باشد اسمعیل اشع رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که آن مرده در زندگانی استغفار بسیار کرده باشد
و معتبران گفته اند که مرده را بجای طاعت ثواب است دلیل که بیند خواب لطاعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را
در جای که بنزدیکی نماز گروی در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح عاقبت رنده بود هر چه چیزی **داون**
و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیزی از تناسع دنیا داد و دلیل که از آنجا که امید ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که
مرده چیزی از خورونی و آشامیدنی بوی داد و بخورد و دلیل که روزی حلال یا بد و اگر نخورد و تا ویش بخلاف این بود و اگر
بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم و اندوه رسد و اگر جامه پوشید
و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا حلت کند این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو داد
و از آن جامه در پوشید و باز بیرون کرد و ببرد و داد و دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت کرد و اگر
بیند که جامه خود ببرد و داد و گفت که جامه بدوز یا بسوز یا نکند و دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را باریت
بداد و دیگر باره از وی طلب میکرد دلیل که آن مرده را کردار بد باشد و اگر مرده جامه که بدو داد دلیل که خداوند خواب در پیش کرد
و اگر جامه نبود که بدو داد دلیل که عزت و بزرگی یا بد و اگر مرده او را جامح کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند و دلیل که
توفیق خیرات و طاعات یا بد و اگر مرده جامه می فروخت دلیل که آنجامه که آن کرد و اگر چیزی بمرده می بخشید و قبول
نکرد دلیل که او را مصرت و زیان رسد **مرده نالیدن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی مرده را
بد حال و نالیده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کند و اگر مرده را بیمار بیند دلیل
که او را از دین و ایمان سوال کنند و اگر مرده از درو سر می نالید دلیل که از تکبر که در دنیا کرده باشد

و چیزی که در دنیا

مرده نالیدن

اورا سوال کنند و بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر و پدر کرده است اورا سوال کنند و اگر از درد دندان نمی آید
 دلیل که از غیبتی که در حق مردم کرده باشد اورا سوال کنند و اگر از درد چشم می آید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده
 باشد از آن سوال کنند و اگر از درد گوش می آید دلیل که سخن بخشش شفته باشد در دنیا و از آن سوال کنند و اگر از
 درد دست می آید دلیل که از آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد از سوال کنند و اگر از درد پهلوی آید
 دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود از سوال کنند و اگر از درد پشت می آید آنچه در حق مادر و پدر کرده باشد
 از سوال کنند و اگر از درد عورت می آید دلیل که آنچه در دنیا زنا و فساد کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درد
 سرین می آید دلیل که آنچه در حق خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درد ساق و پا بیار
 می آید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند **حجامة کردن** بامروءه جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اصل این خواب آنست که اگر بامروءه حجامة کند و آب منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا ویل آن خواب
 بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا ویش باطل باشد و اگر بیند که بامروءه حجامة کرد و دلیل که از
 جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر کرده بودند حجامة کرد و دلیل که از جانی که صدقه و
 ثواب بدان مرده برسد و اگر بیند که بامروءه که اهل حرمت بودند حجامة میکرد دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسد
 و اگر مرده را بشنود بوسه میداد و دلیل که زن خواهد و از بهر مرده چیزی کند یا اورا بدعا یاد کند و اگر بامروءه حجامة
 کرد و دلیل که از مال مرده چیزی بوی رسد از پس **مرده شدن** کرمانی رحمه الله علیه گوید از پس مرده شدن
 دلیل که اگر مصلح و یار سا بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و سیرت او گیرد و اگر زندان مرده مصلح بود یا مفسد و از پی
 وی می شود دلیل که بیمار شود و عاقبت شفا یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده ویران بانک جواب داد و مرده را
 ندید دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسرا می مجھول در شد دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان
 وقت پیش من بیا او گفت که بایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتی که مرده مصلح و درستگوئی بوده باشد
 و اگر بیند که مرده اورا بسهم پیش خود خواند و او را منع نتوانست کرد و دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسری
 خود خواند و او در سرای مرده نرفت دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده اورا به بازار برد و دلیل که کسب و
 معیشت او نیکو گردد و انجیل اشقت رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف و نهی
 منکر کند و از وی نشوند و اگر بیند که بامروءه دوستی گرفت دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادی و خرمی
 یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه خبر او میان ایشان کسی دیگر زنده نبود دلیل که با گروهی محالست کند که
 دین ایشان بقسا و بود و اگر بیند که او نیز همچو ایشان مرده است دلیل که در دین او نیز فساد بود و اگر بیند که در
 مردگان طعام خورد و دلیل که در آن دیار طعام کران شود و حافظ معتبر رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که پاره

نصفه

حجامة کردن

مرده شدن

از تن مرده بخور و دلیل که از زمین کنجی یابد و اگر بنید که مردگان مجهول باشند شیر کردن نمی زد و اگر مصلح بود دلیل که مرد
 بدست وی تو بگستند و از گردن باز آیند بعضی معتبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه دلیل و حجت غلبه
 کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که مرده او را راه می نمود دلیل که راه شریعت در یابد و اگر بنید که مرده خود را می
 دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر بنید که مرده را بر زمین می کشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار
 یابد و اگر بنید که مرده را بر دشت دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که مردگان را زنده میکرد دلیل که دباغی کند و اگر
 بنید که با مرده در یک خانه نخته بود دلیل که عمرش دراز بود و مرده را جاها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که مرده جامه بهر پوشیده بود دلیل که با شهادت از دنیا رفته باشد و اگر بنید که جامه پدید داشت
 دلیل که در جهنم او نیکو باشد و اگر بنید که جامه سیاه پوشیده بود دلیل که حالش بد باشد و جامه دوزخیان
 سیاه باشد و اگر بنید که جامه سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر بنید که جامه زرد یا کبود پوشیده بود دلیل
 که بنیده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگانی بنیده را با او خصوصیت
 باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بنید حق بجانب زنده بود و بعضی از معتبران گویند زنده در خواب چون مرده
 جامه بپوشاند دلیل که اجلش رسیده باشد تا و دلیل که کفن مرده کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مرده
 معروف را کفن کند دلیل که در دنیا طریقی آن مرده بگوید و اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود مال و اگر بخواب بنید که
 مرده را کفن بر کند دلیل که آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر بنید که مرده را کفن
 کرد دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مرده در خواب برسته و جلودگی مال
 دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بنید که مرده نکلیست دلیل که عمرش دراز بود و لیکن در سزاایش خرابی
 افتد و اگر بنید که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بروی ظاهر کرد و چنانچه اگر مغرول بود و عمل یابد و اگر یا دشتا بود
 علم و حکمت زیادت کرد و امیدیکه دارد و اگر دواز شغلی تر و دود باز یا بد قوله تعالی فاصالة الله مائة
 عام فتمت بخته الاية مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بهترین یا عالمی زنده شده بود دلیل که نه سب یا سیرت او
 زنده شود و اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بنید که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود و کارش
 بالا گیرد و اگر بنید که چیزی برده و او دلیل که آن چیز عزیز کرد و ورخ او کران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید
 بود و اگر بنید که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد و هرگز نکوشش ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که مرز نکوش می بود دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد
 و اگر بنید که مرز نکوش از جای خود بر کند دلیل که پیشش بیار کرد و اگر فرزند دار و او را غم و اندوه رسد و اگر
 بنید که در زمینی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته بود دلیل که او بر مردم مصلح بسیار باشد کرمانی

جامه

سوزش

شست

رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست دار بود و اگر بنبید که مرزنگوش
 سبز بود و در زمین اورسته بود دلیل کسی از اهل بیت اید و مستی داشت شود و اگر بنبید که مرزنگوش زرد و تر بود
 بود دلیل که آنکس مفسد و بدبخت بود و مرغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل
 که بختش در آن کار طلب کند که عظیم تر باشد و اگر بنبید که مرغان بسیار در جایگاه های بانک میکردند دلیل که اهل آن موضع
 را غم و مصیبت رسد و اگر بنبید که خایه مرغ داشت دلیل که او را فرزندی آید که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنبید که مرغ
 باوی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بنبید که مرغ در دست او ببرد دلیل که اندوختن شود و اگر بنبید که بار بر
 پشت مرغ نهاده بود دلیل که بدان کس که بدان مرغ منسوب باشد او را مصرت رسد و اگر بنبید که مرغی تازه گوشت
 از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر بنبید که گوشت از اندام خود می برد و در پیش مرغ می افکند دلیل
 که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بنبید که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افکند دلیل که مال باید بود و آنکه
 تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بود منسوب بود و این باول بیان کرده ایم مغربی رحمه الله علیه گوید بخورس
 مانند تخماس بود که غلام و کینزک فرو شد اسمعیل است رحمه الله علیه گوید اگر بنبید که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند
 و دلیل که لشکری بیکان در آن جا رسد و اگر بنبید که مرغ چشمهای وی بر کند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد
 و اگر بنبید که خون مرغ میخورد و دلیل که بقدر آن خون نقصان مالش رسد مرغ آبی ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است و اگر بنبید که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داو دلیل که مال و نعمت
 و بزرگی یابد و بیکام دل برسد و اگر بنبید که مرغ آبی بسیار ویرا جمع شدند دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن
 طغی یابد که مانی رحمه الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بنبید که مرغ آبی گرفت یا کسی بوی داو دلیل که بقدر
 آن مال و بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنبید که مرغ آبی جانی میداشتند
 دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بنبید که بچه مرغ آبی را گرفت یا کسی بوی داو دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمان روالی
 زیرا که مرغ آبی کاهی در هوا و کاهی در آب باشد چنانکه خواهد این سبب است که هر که مرغابی در
 خواب بنبید هر را دیکه خواهد بیاید مردمان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنبید که مردمان
 بسیار جامهای سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی و پاک دینی وی بود و اگر بنبید که مردمان
 جامهای سیاه داشتند تاویش بخلاف این بود و اگر بنبید که جامهای کبود داشتند
 دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بنبید که جامهای نوز و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت
 بود هر غزال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بنبید که جوهر نباتهای

س

ب

م

م

او شناسد دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر بنید که میان مرغزاری بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل
بر اعتقاد دین وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او تماشا میکرد دلیل که صحبت او با بنیکان باشد و اگر بنید که
در مرغزاری خوش و خرم میکشت دلیل که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گردد و مرغزار در خواب مردی
بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزاری سبز و پاکیزه بنید و داند که ملک اوست دلیل که او را با مردی بزرگ
پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و دریا
در وی شکفته بود و وجودی آب در وی روان بود دلیل که مرکب وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری بسید
با شهادت بود معروف یا مجهول که کل و ریاحین از وی سبز شده بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد
که آن مرد از خدم و حشم خویش جدا مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بنید از سبزه و گلها و آب روان بیاید
و آن مرغزار را از هیچ برکنده و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را مرکب مفاجات رسد مغربی رحمه الله علیه
گوید اگر بنید که در مرغزاری درون شد و در آنجا شیران دید دلیل که پادشاه آن دیار ظالم و ستمگر بود و اگر در آن
مرغزار کوسپندان دید دلیل که پادشاه آن دیار را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار کاوان و خزان دید
دلیل که لشکر پادشاه سیوفا باشد و برایشان اعتماد نباشد و اگر بنید که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد
دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید مرغزار در خواب زن بود اگر بنید و مرغزاری
سبزه و خرم رفت و در آنجا مقام کرد دلیل که در آنجا زنی ستیزه و خوب روی زنی کند و اگر بنید که مرغزار سبزه و خرم بود
تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم
اعتقاد سوم معیشت و نظام چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد هجدهم
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی به خواب بنید که هر هم در اندام خسته و ریش می نهاد دلیل بر خیر و صلاح کار و دین او
باشد و اگر بنید که هر هم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت بدورسد و اگر مردی بنید که هر هم کسی داد دلیل که
فرزند آن مرد را خیر و منفعت رساند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که هر هم بر اندام خسته یا بر ریش نهاد و آن هر هم
میخورد دلیل بر نقصان مال وی بود هر و ار پله دانیال علیه السلام گوید مردی در خواب فرزند غلام یا فرزند
کینزک بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مردی در خواب کینزک خوب روی بود یا زن با جمال اگر بنید که مردی در
بسیار بود چنانکه در شمار نیاید دلیل که بقدر مر وارید او را منفعت رسد و بعضی معتبران گویند که چون مر وارید
پراکنده بنید دلیل بر سخن علم و حکمت بود و بعضی گفته اند دلیل بر سپهران و دختران بود ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر چنین بنید دلیل بر زنان و دختران کند و اگر بنید که مر وارید بسیار داشت دلیل که بقدر
آن مال یابد و اگر بنید که از دامن وی عقد مر وارید بیرون آمد دلیل که از دامن وی کلام منطوق از علم

صحیح

مر وارید

وحکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بنید که مر و اید میخیزد و دلیل که علم و توحید و یمن حکمت را بپوشاند یا قرآن را فراموش
کند و اگر بنید که در منزل یا در راه عقده های مر و اید که توده داشت دلیل که مر و اید علم حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و
مردم از کلام وی علم و دانش حاصل کنند و اگر بنید که بجای میزمر مر و اید می سوخت دلیل که علم و حکمت بسیار بر مردم موزد
که میزای علم و حکمت نباشند و اگر بنید که مر و اید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی
کند و اگر توانگر بود دانش زیادت شود که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بنید که مر و اید داشت دلیل که او را فرزندی خویشی
آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده است کاتمام لؤلؤ مکون و اگر مر و اید بزرگ بنید چنانکه از حد
گذشته بود دلیل که مال بسیار را حاصل کرد و اگر بنید که مر و اید را بفروخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و
اگر بنید که مر و اید در دین انداخت و فروبرد دلیل که او را از حق تعالی علم و حکمت روزی کند و اگر بنید که مر و اید را
بجای مجهول بنیداخت دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر بنید که عقد مر و اید در دست
بسته داشت دلیل که مر و اید ختری آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مر و اید بسیار داشت دلیل که حق سبحانه
و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بنید که از دین وی یک یک مر و اید کرانما بیرون می آید
دلیل که سخنهای نیکو گوید و مردم آنرا پسندند و اگر بنید که عقد مر و اید از دست او بیفتد و بشکست دلیل که
بسیار بگوید اسمعیل است رحمه الله علیه گوید اگر بنید مر و اید بر سر کلین دان یا بجای پلید افکند دلیل که علم حکمت
در پیش مردم نادان گوید و اگر بنید که مر و اید با تش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع
بود و اگر بنید که مر و اید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندیش بمیرد و اگر بنید که مر و اید از قفسب وی
بیرون آید و آن مر و اید سوخت داشت دلیل که او را دختری آید و اگر بنید که عقد های مر و اید در گردن بسته
دلیل که از هر کوزه علم حاصل کند و اگر و گردن کسی بسته دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بنید که گوشواره از
مر و اید در پیرد و گوش داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بنید که مر و اید بخوار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
جابر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مر و اید فروشی میکرد دلیل که آنکس پارسا و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد
و اگر آن کس از اهل علم نبود دلیل که او را فرزند و مال بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مر و اید
در خواب بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت و فرهنگ سوم مال چهارم زن پنجم کنیزک با جمال ششم فرزند
نیک و مر و اید فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم دین داشته باشد هر دو را آن
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که ویرا با خویشان
یا دوستانه خصومت افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در
خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری صعب گرفتار شود و خداوند خانه را یکی خصومت افتد

پیشین

مذکورہ

مس

متی

مسجد

و اگر بنید کہ مزدوران در خانہ او کار میکردند دلیل کہ عکسین شود اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ کو یاد اگر بنید کہ مزدوران
 در خانہ او خاک میکشیدند دلیل کہ بقدر آن اورا مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بنید دلیل کہ مال وی نقصان شود
مشرکان ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہ مشرکان در خواب بکہد اشعث دین باشد و اگر کسی بخواب بنید کہ مشرکان وی
 جنبیدند دلیل کہ بیمار شود و اگر بنید کہ مشرکان چشم فروخت دلیل کہ در دین وی فساد بود و اگرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یاد اگر
 بنید کہ مشرکان چشم وی بازگو نہ کشت دلیل کہ بقدر آن اورا زیان مال بود و اگر بنید کہ مشرکان چشم وی جنبید
 دلیل کہ بیمار شود و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ دیدن مشرکان در خواب بر چہار وجہ بود یکی بکہد اشعث دین دوم دست
 موافق سوم مال و روزی چہارم خرمی بقدر فرزند فی الجملہ ہر خیر و شر کہ بر مشرکان بنید دلیل برین چہار وجہ بود
مذکورہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہ مذکور چون ترش و ناخوش نبود و در آن چربی باشد دلیل بر خیر و منفعت
 کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل بر مضرت و غم بود **مس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہ مس از بہت
 جہودان باشد و اگر بنید کہ مس داشت دلیل کہ بقدر آن اورا مال حاصل شود و اگرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ آوردن مس
 چون مشرب و آفتابہ و آنچه بدین ماند جلد دلیل کہ خدائی بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ اگر بنید کہ مس می کہد احت و صاف
 و پاکیزہ کرد دلیل کہ کاری مشکل بردست وی کشادہ کرد و کوہند کہ مال حلال بر پنج بدست آوردستی
 ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہ دستی در خواب مال حرام بود و در نماز کالی کردن چنانکہ در کلام مجید فرمودہ قولہ تعالیٰ
 یا ایھا الذین امنوا لا تقربوا الصلوۃ وانتم سکا دی کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ دستی در خواب چون از شراب
 بود دلیل کہ بقدرستی ترس و بیم عظیم بود حضرت جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرمایستی در خواب بر چہار وجہ بود یکی
 مال دوم تو انگری سوم ناتوانی و نقصان چہارم ترس و بیم بقدر آن مسجد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہ
 مسجد آبادان تاویل مردی عالم بود کہ مردم بنزدیک او بسیار آیند از بہر صلاح و حقیقتی در کلام قدیم فرمودہ
 قولہ تعالیٰ و مساجد یدنکس فیہا اسم اللہ کثیرا اگر بنید کہ مسجد بنا کرد دلیل کہ از بہر مسلمانان خیر و نیکی کند و
 از آن اورا اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین و شریعت بدارد مغربی رحمۃ اللہ علیہ
 کو یہ بنامی مسجد در خواب نہادن زن خواستن بود و اگر بنید کہ مسجدی بنا کرد اگر بنیاد تمام کرد دلیل کہ
 زن حلال خواهد و آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بنید کہ چراغ مسجد بکشت دلیل کہ فرزندانش ہمہ
 و اگر بنید کہ در مسجد جامع نشستہ بود و پیرامن او سبزی رستہ بود دلیل کہ بروی کمانہا بر نذر و دی
 نباشد کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ اگر بنید کہ کسی اورا از در مسجد بازداشت دلیل کہ آن کس بروی
 ستم کند و اگر بنید کہ در مسجد نماز میکند و رویش سوی قبلہ نبود تا ویش بد بود و اگر بنید کہ در
 مسجد دست و روی می شست دلیل کہ مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر

ببیند که مسجد ویران شد دلیل که عالمی بمیرد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب
 خواستش بود و جمع کردن مردمان که در ضلالت باشند باز بصلاح آمدن و غیبت کردن اعدایان که حصصاً
 جل و علا فرمود قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدًا و اگر ببیند که جایگاه کسی از ملک وی
 مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را بدعوت حق خواند و اگر ببیند که باقوی مسجد میرفت
 دلیل که زنی ستیزه کی بزنی کند و اگر ببیند که در مسجد چراغی برافروخت دلیل که او را فرزندی صالح آید و اگر ببیند که
 در مسجد که یا در مسجد مدینه درون شد دلیل که از همه ترس ایمن کرد و دو جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خلیف
 هفتم مؤذن هشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکو کردن و اگر
 ببیند که مسجد آویخته می آراست دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر ببیند که مسجد را عمارت
 می کرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر ببیند که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود
 قوله تعالی ومن دخله کان امنًا مسح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مسح موزه
 میکرد دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر ببیند که مسح موزه میکرد دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام
 کرد مسکه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روغن تازه بنا و بل مال و نعمت حلال بود و اگر ببیند که
 مسکه فراگرفت یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد که مافی رحمه الله علیه گوید
 مسکه فروتن در خواب کو اسی راست دادن بود و اگر مسکه کو پسندد در خواب بخورد دلیل دادن که او را
 مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آن سال بروی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجملة مسکه
 جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق
 رضی الله عنه فرماید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم کو اسی راست سوم علم و دانش چهارم
 معصیت مسواک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مسواک کرد دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن
 هیچ ثواب نباشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دندانهای پیشین را مسواک کرد دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند
 و اگر ببیند که دندانهای خود را مسواک کرد دلیل که با همه خویشان یکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید درین مشرق
 در خواب دلیل بر نیکو عالم است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روانی و توان از جهت پادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر
 ببیند که بکار می صلاح بمشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد ببیند دلیل که مرادش بر نیاید و بهمه حال حاجی
 بر آمدن آفتاب بهتر از فرو شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال و بزرگی بود و جای

مبتدیان

مشک

مشک آب

مصحف

مصطکی

مطبوع

مطرب

فروشدن آفتاب دلیل ادبار و فروماندن بود و مشرک شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بنید که
مسلمان شود دلیل که در مسلمانان نمیرد و اگر بنید که مشرک سوی قبله نماز میکند از دینش حقتعالی میکند از دلیل که مسلمان
شود و نعمت بر وی زیادت کرد و چنانچه حقتعالی فرموده قوله تعالی الله نور السموات والارض مثل نور
المشکوة الخ اگر بنید که مشرکی در خانه مسلمانان آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی مشرکی را بخواب
بیند و بیننده خواب مستور باشد دلیل که طالب علم کرد و دوبره و ثمن ظفر یا بدو اگر مستور نباشد دلیل که با مردم بدین راه او را
صحبت افتد و مشک و انبال علیه السلام گوید اگر بنید که مشک با خود داشت دلیل که با ادب و فرشتک بود و هر کس
بر وی آفرین گفتند و ثنا گویند و اگر بنید که بوی مشک از وی می آمد یا کافور دلیل که یقین دوی پاکیزه و صاف کرد
و در راه حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مشک را بسو دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بنید که بافه
مشک بشکافت و از آن مشک بوی ناخوش می آمد تا وایش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن مشک در خواب بر تنش وجه بود یکی زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کنیز یک پنجم مال بسیار
ششم سخن خوش و مشک آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مشک بخر باشد و اگر بنید مشک آب داشت و نوبه
دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بنید که مشک آب بکشد بود تا وایش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن مشک آب در خواب بر تن وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مصحف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف
در خواب تا وایل علم و حکمت بود اگر بنید که مصحف بخرد دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر بنید که مصحف را بآتش
بسوخت دلیل بر فساد دین او بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مصحف کشاده و بر سر رویده نهاد دلیل که هر چه کند تقدیر آن
کار کند و والی آن شهر کرد و اگر بنید که مصحف قرآن بادی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر گفت دلیل بر شر کرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم امانت چهارم
روزی حلال پنجم دین و دیانت مصطکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مصطکی میخاید دلیل که در گفتگوئی
بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مصطکی باب میخاید دلیل که بقدر جاییدن با کسی شکایت کند و اگر بنید
که مصطکی بآتش بخورد دلیل که ویران از یاد شاه رنج رسد مطبوع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
بنید که مطبوعی از بیمار می بخشد و آن مطبوع موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر مطبوع موافق
نبود دلیل که صلاح دین از وی بخوبید و اگر بنید که مطبوع بخورد و در وی اثر کرد دلیل بر صلاح و تندرستی
و خیر بود و اگر بخلاف این بنید دلیل که رنج و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید
که مطربی میبرد و چیزی از سرود و ترا نه میزد دلیل که بچیزهای حرام که اید چون ف و طبل و آنچه
بدین ماند میزد و دلیل که اندوختن شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت بود و معتبر خواب گذار

بود و مردی باشد چون قاضی و مفتی و واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و در تعبیر دلیل بر فساد
 کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از و خیر و
 منفعت باشد و اگر بنید که معجون از بهر رمتن بود دلیل که از و ببرد مان خیر و منفعت رسد معده ۵ ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که معده وی قوی و بی آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این
 بنید عمرش کوتاه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب برشش وجه بود یکی مال حرام دوم شایع سوم
 سخنها یا ناخوش چهارم وزن پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از و حاصل شود و بدون مغزول شدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از کاری مغزول شد یا کسی ویرا مغزول کرد دلیل که زن را طلاق دهد اگر زن را
 نذر در تجارت زیانی کند معصوم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصوم در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم
 غم و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد معصوم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصوم در
 در خواب بهتر و آسانا بود و اگر بنید که معصومی میگردد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان سخن حق گوید که مافی الله
 علیه گوید اگر بنید که معصومی میگردد و کودکان را علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی نبود و در موضع خود او را سخن
 روا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معصومی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی
 چهارم حکم کردن مغرور و انیال علیه السلام فرمایند مغرور و مغرور استخوان در خواب مالی بود که به و خیره نهاده بود اگر
 بنید که مار و کرم مغرور می بخورد و ند دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد و انجیل است رحمه الله علیه گوید مغرور و خجسته
 مال دینیه بود و اگر بنید که مغرور کند و ناخوش خورده بود دلیل که مال او حرام بود یا زکوة نداده باشد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغرور در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر بشل شدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مبتلا شده بود چنانکه نمی توانست خاستن دلیل که در کارها ضعیف و ست
 بود مغرور رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی را مبتلا کرد و دلیل که عیش بر آن گس تباه کند و مضرتی بوی
 رساند مقراض ناخن گیر بود و در حرف نون بیان خواهیم کرد مقعد ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید مقعد در خواب دیدن شغل و کسب وی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بنید که بیرون آمده دلیل
 که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بنید که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت مال
 سوم معیشت مقنعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را شوی و مردان را زن بود
 و اگر بنید که مقنعه از سروی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد اگر مقنعه سیاه بنید دلیل که شوهرش
 فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست بود و اگر کبود بنید دلیل که شوهر وی معیبت زده بود

معجون

معجون

معصوم

مغرور

مغرور

مقراض

مقعد

مقنعه

تتبع
مسلمان

مسما

سم

سمیت
سمیتسمه
سمه

و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش بیارکون بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقننه در خواب بر چهار وجه بود
 یکی زن دوم گیزک سوم خادم چهارم منفعت از زمان و اگر مقننه که یا سان یا پشتمین بود دلیل که شوهر وی مصلح
 و پارسا و دیندار بود مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مسلمان بخواب بیند که دیگر باره
 مسلمان شد دلیل که از بلاد آفتها ایمن گردد و اگر کافر بیند که مسلمان شد دلیل که کافر را حق تعالی مسلمان فی روزی
 کند و اگر بیند که مسلمان کافر را گفت که مسلمان شود دلیل که کارهای وی مستقیم شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که مسلمان کافر شد دلیل که در بلا گرفتار شود و فاقمت کارش بخیر نبود و اگر بیند که کافر بدست وی مسلمان شد
 دلیل که کسی را از فسق و فساد باز دارد و مسما را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسما بیند دلیل
 بر مردی بزرگ بود که بکار ایتناوه باشد و بهم پیوندد و بعضی معتبران گویند که مسما در خواب پادشاه یا ایدی
 بزرگ بود و اگر بیند که مسما بر مردی بزرگ و قوی داشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیند که بخیری
 بمسما بدوخت دلیل که بسبب مردی بزرگوار کارهای برآید و اصلاح آید و جمع شود و اگر بیند که مسما شکست
 یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسما در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی
 بزرگوار دوم مردی که با مردان عهد پیوندد سوم امیر یا والی چهارم مکروه و مضرت کارها مکس ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید مکس در خواب مردم سفله و درویش بود اگر بیند که گسان بروی جمع شدند یا در چشم و دمان
 دی می شدند دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند تا مضرت یا بد و اگر بیند که مکس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله
 سخن زشت شنود که از آن کوفه خاطر گردد و اگر بیند که بانگ مکس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند که مانی
 رحمه الله علیه گوید مکس در خواب مردی حاسد و فرمایه بود و اگر بیند که پیرامن او گسان جمع شدند دلیل که با مردم
 حاسد در اشغال افتد و اگر در خواب بیند که مکس بسیار در خانه وی می گشتند دلیل که مردم سخن وی گویند و اگر بیند که
 گسان او را میگزیند دلیل که مردم دون برخویشان او حیدرند و اگر بیند که مکس را میکشت دلیل که حاسد اثر
 قهر کند و اگر بیند که گسان در زیر زمین می شدند دلیل که حاسدان از مال نهان کرده وی بستانند و خزینه کنند و ویرا
 مضرت رسد مکس انجبین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مکس انجبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کننده باشد
 و اگر بیند که مکس انجبین را گرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال غنیمت حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گسان
 انجبین بروی جمع شدند و او را میگزیند دلیل که بر سچ مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که گسان انجبین میخورند دلیل
 که او را بقدر آن زیان و مضرت رسد و اگر بیند که انجبین از گسان می شنید دلیل که سخنها یا باخیر و منفعت شنود
 و از آن فایده بیند مکس مبارک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکس بیند دلیل که زیارت کعبه کند
 و حج دریا بدو اگر بیند که بکد از بهر تجارت رفته اند بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد و مغربی

رحمة الله عليه کويداگر بنید که در که بصلاح و زهد بود و عبادت مشغول بود و دلیل که در رفعت دنیا باشد و اگر که را
آباد و پر بنید دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خراب بنید تا ویش بخلاف این بود **ملخ** ابن سیرین
رحمة الله عليه کويدملخ زنده در خواب لشکر بود و ملخ بخته درم و دنیا بود و اگر بنید که در شغری یا در وضعی ملخ پدید آید
و در آن جا حضرت رسانید دلیل که بقدر آن ملخ در آنجا شکر جمع شود اهل آن موضع را بلا و زحمت رسد کرمانی
رحمة الله عليه کويداگر بنید که ملخ بسیار جمع کرد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بجا بین زن و دهر و اگر
بنید که ملخ بقیاس در دریائی جمع شدند و نبات آنجا خوردند دلیل که مال بقیاس در آنجا جمع شود و همه را
بتاراج ببرند دلیل که خراب کنند **منادی** ابن سیرین رحمة الله عليه کويداگر بخواب بنید که منادی که گشت
و کلامش موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله
عليه کويداگر بنید که منادی بصلاح آنجهانی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر دنیاوی کرد و دلیل که
مراو آنجهانی بیا بد و اگر بر شر و فساد بود و تا ویش بخلاف این بود **مناره** ابن سیرین رحمة الله عليه کويد
مناره در خواب مردی بود که مردمان را براه دین خواند و اگر بخواب بنید که مناره بنا کرد و دلیل که کار خیر کند و عجبی
از اهل اسلام جمع دارد و اگر بنید که مناره بکند و خراب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی کونید که مؤذن آن مناره
از دنیا برود کرمانی رحمة الله عليه کويدمناره در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچ مناره بنید دلیل که
بزرگی در آن کوچ برسد و اگر مناره از گنج و آجر بنید دلیل که از مهتر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود دلیل
که آن بزرگ از رعیت بود و دود پیدا و متواضع باشد و اگر مناره از سنگ و آهک بنید دلیل که آن مهتر پادشاه
شکر بود و اگر مناره از چوب بنید دلیل که آن مهتر سفل و دون همت باشد و اگر مناره بر در مسجد دید دلیل که
آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند و اگر بنید که مناره مسجد افتاده بود و دلیل که یکی از بزرگان دین
هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکنده کی افتد و اگر بنید که میان شهر مناره بود و دلیل بر پادشاه کند و اگر
بنید بر آن مناره از مس یا برنج بود و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بنید بر او از زریا از سیم بود و دلیل
که پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از خشت پخته بود و دلیل که پادشاه کروش و متکبر بود و
اگر خود را بر سر مناره آمده بنید دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بنید که بر مناره طعام
پناده بود و دلیل که در آن دیار پادشاه پدید آید مغربی رحمة الله عليه کويداگر بنید که در مناره بود و
بانگ نماز می گفت دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر بنید که در مناره مسجد جامع بانگ نماز
داد و دلیل که عمره آرد و اگر بنید که مناره بجنب دلیل که پادشاه بیا کرد و اگر بنید که پادشاه مناره را
بفکند دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق رضی الله عنه

ملخ

منادی

مناره

کوید ویدن نمازه و در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منشی
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و چیز و شریکه در منبر بنید تا ویش سلطان
 کند و اگر بخواب بنید که بر منبر شد و علم و حکمت و خطبه بخواند اگر از اهل آن نبود دلیل که فرزندش یا یکی از خویشان
 او عالم شود و اگر بنید که بر منبر شمر میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت دلیل که در میان اهل اسلام بد بدینی
 و بدعت رسوا گردد و بعضی از معتبران کوید که دیر بر دار کنند و اگر پادشاهی بنید که بر منبر بود آن منبر بیفتا یا شکست
 دلیل که او پادشاهی معزول گردد که مانی رحمه الله علیه کوید که بنید که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد
 دلیل که از خطابت معزول گردد و اگر زنی بنید که بر منبر کلام و حکمت و علم در میان مردم میگفت دلیل که رسوا
 شود زیرا که زنان را علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردان روا نباشد و نیز مردان را خواندن هم میان زنان
 بد باشد و اگر بنید که از منبر بیفتا و اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوار و حقیر شود و مغربی
 رحمه الله علیه کوید که بنید که بر منبر شد دلیل که عالم او صلاح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر
 مفسد بود دلیل که او را بزدی بگیرند و بردار کنند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر بنید منزلت و جاه
 بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید ویدن منبر در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم
 امام چهارم خطیب پنجم بردار کردن منجم ابن سیرین رحمه الله علیه کوید که بنید که منجم شد دلیل که پیش
 پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت او بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال کوید خاصه که در خواب سخن از
 احکام نجوم گفته باشد که مانی رحمه الله علیه کوید که بنید که سخن علم و نجوم و هیئت افلاک میگفت دلیل که پادشاه
 و بزرگان او را حرمت دارند و اگر بنید که سخن در احکام نجوم میگفت تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی
 الله عنه کوید منجم در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدایتجانی نکند منجمتقیق ابن سیرین رحمه الله
 علیه کوید که بنید که در شهر یا در قلعه مسلمانان سنگ منجمتقیق می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنها می بد کوید و اگر
 بنید که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجمتقیق می انداخت دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان
 میگوید مغربی رحمه الله علیه کوید که بنید که پیر من شهری منجمتقیق نهاده بودند و بنا ای ان شهر را خراب میکرد و دلیل که ان شهر را
 از دشمن خطر بود و اگر بنید که منجمتقیق یا بآتش بسوخت دلیل که پادشاه آن شهر بر دشمنان مظفر منصور
 شود و اهل آن شهر از ترس و بیم امین شوند منجمتقیق دسار بود ابن سیرین رحمه الله علیه کوید منديل
 بخواب خادم بود و هر زیادت و نقصان که در روی بنید بخادم باز کرد و اگر بنید که منديل نموداشت یا کسی
 بوی داد دلیل که او را خادمی حاصل شود و اگر منديل سبز یا سفید بود دلیل که خادم وی باد یا ناست بود
 و اگر منديل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر و سرکش بود و اگر منديل زرد بود دلیل که خادمش بیمار

کرد و بکدر اصل بسیار کون بود و اگر کج بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوختن بود و اگر مندی وی فوطه بود
 دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بنید که مندی از پیشم یا پند بود دلیل که خادمش با امانت و دین دار بود و اگر از کتان بود
 نیک باشد و اگر از قز یا بریشم بود دلیل که خادمش بی وفا و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل که از آن
 خادم نیکویی بنید و اگر مندی صنایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر مندی بیخفت دلیل که خادمش بهیرو
 منشور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بد و دادند که در آن کار مهیا
 بنشسته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بنید
 دلیل که بستمکاری نیابد و اگر بنید که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که پادشاه منشور بد و داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یابد و
 کارهای وی بتظام شود و اگر بنید که آن شهر خراب و ولایتی دون بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اگر بنید که فرشته یا پیاپی منشور بخط بنشسته بد و داد دلیل که حقتالی او را بیاورد و از وی خوشنود و راضی شود
 و اگر منشور سیاه بود تا ویش بخلاف این بود متقار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که او را بان مرغ فقار
 بود دلیل که بقدر و بزرگی متقار مال حاصل کند و اگر بنید که مرغی بزرگ چون آله و کرس و مانند این او را متقار زد
 و او را در درو دلیل که ویرا سنج سختی رسد و نقصان مال وی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که متقار مرغی داشت
 دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و منفعت رسد و اگر بنید که متقار داشت و مردم را بمتقار کردند
 رسانید دلیل که مردم را از وی کزند و زحمت رسانی آبی بود که از وی فرزند پدید آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 و بدین منی در خواب مالی بود که بیاورد و از آن شاد شود و اگر بنید که یک سبوی از آب منی داشت دلیل که مال بسیار
 حاصل کند و اگر بنید که از قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر منی
 که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از قضیب وی آب منی بی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیکانه بد و رسد مغربی رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که منی از وی فرو آمد دلیل که مال یابد چنانکه باری تعالی عزوجل فرموده افاخلقتنا الا انسان
 من نطفة امشاج نبت لیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه فرماید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم زایدی
 مال سوم نقصان مال چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بنید که منی از وی بیرون آمد معتبر باید که تعبیر بر زیادتی
 مال کند و اگر منی نمی آمد نقصان مال بود محمد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در مهند نشسته بود
 و خداوند خواب سزاوار محمد بود دلیل بر راحت و آسانی و عیش خوش وی بود و از ترس و بیم ایمن کرد و
 و اگر بنید که از محمد بیفتا و تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در مهند نشسته بود
 دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینزگی خوب روی خرد و بعضی معتبران گفته اند که مهند در خواب

منشور

متقار

منی

مهند

اگر امکاه و عز و مرتبت بود کسی که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید مهند در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم عز چهارم دولت
 پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم کینزک مهربان هشتم زن و دیدن مهند و رویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم
 جایگاه تنگ سوم غم و اندوه چهارم رنج و محنت **محمدر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر کل مهر
 انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت و بزرگی یابد و اگر بنید که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی
 بدورسد و اگر بنید که پادشاه یا بزرگی انگشترین بوی داد که بستان و خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه
 بوی سپارند و اگر سزاوار خزان پادشاهی نباشد دلیل که بزرگان یکی مال خود بدو سپارند و اگر بنید که پادشاه
 مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بنید که پادشاه بر نامه مهر نهاد و خا که رسم است دلیل که
 زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر
 هفت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و
 بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب **محمدر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مهره یافت
 یا بنجد یا کسی بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن مهره مال بدورسد یا اورا خدمتکاری حاصل شود و اگر بنید که
 مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدمتکار مصلح و یار سا بود و اگر مهره سبز بنید دلیل که خدمتکارش مبارک و
 بود و اگر زر بود دلیل که خدمتکارش بیمارگون باشد و اگر سیاه بود خدمتکارش سخت دل و بدخو باشد جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خدمتکار سوم کینزک چهارم مال
 پنجم اوب و فزنیک ششم فرزند هفتم غلام خورد و مهر زیادت و نقصان که در مهره بنید بدین هفت چیز آید **محمدر**
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مهربانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بنید که قومی را بمهربانی خواند دلیل که کاری کند
 که آن کار اورا از بهر شغلی باز دارد و اگر بنید که اورا در باغی بمهربانی بردند که کن باغ پر از میوه کی الوان و آب روان بود
 دلیل که بغزار رود و سپید شود و قوله تعالی فیها فاكهة كثيرة و شراب کرمانی رحمه الله علیه گوید دیدن مهربانی در
 خواب که در آنجا چنگ و چانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت
 و خرمی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید مهربانی در خواب دلیل بر باز آمدن غائب بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر بنید که عروسی بی نکاح خواست و مهربانی کرد دلیل که اورا غم و اندوه رسد
مورچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بنید که مورچه بسیار در چیزی
 شد دلیل که مردم بسیار در خانه وی فرار کنند و اگر بنید که موران بسیار از سرای او بیرون
 آمدند دلیل که مردم آن سرای تحویل بجای دیگر کنند و اگر بنید که مورچه بیگانه

م

م

م

م

در خانه وی شد دلیل که در دنجانه وی رود و اگر بنید بر تن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا زدن وی
 بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود و مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر در خانه خود مورچه بسیار
 بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بنید که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمعیل است رحمه الله علیه
 گوید مورچه خر و دوسرخ دلیل بر مردم ضعیف است باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر زود مال اهل بیت باشد و اگر
 بنید که موران از سرای وی بیرون آمدند و در پوچی پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید دیدن موران تاویل اهل بیت بیننده خواب بود و اگر بنید که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال
 آن خانه پریشان شود مور و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مور و در خواب مردم آزاده و خوش طبع و خبر و می
 و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بنید که مور داشت دلیل که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت
 یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که درخت مور و شکست یا از جایی برگذ دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت
 کند مغربی رحمه الله علیه گوید مور و در خواب مال و نعمت بسیار بود و بعضی از تعبیران گویند مور و فرزند صالح بود جعفر
 صادق رضی الله عنه فرماید دیدن مور و در خواب بر چهار وجه بود یکی مزدوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار
 چهارم منفعت اگر زنی بنید که دسته مور و بسته بشود داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود موز ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید موز تو انکران را مال بود و دیدن آن را دین و برک موز بهترین برک در جهنم بود و اگر بنید که موز
 فرکفت یا کسی بوی داد و آنکس تو انکر بود دلیل که مالش زیادت کرد و اگر بنید که موز میخورد دلیل که منفعت دینی
 و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید موز در خواب بر سه وجه بود یکی زیادت مال دوم زیادت دین سوم روزی
 حلال و عیش خوش و بعضی از تعبیران گویند اگر بوقت خویش بنید که موز میخورد دلیل که زنی خبر و می و تو انکر زنی کند و
 از وی منفعت یابد موز ۵ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید موز در خواب در زمان زمستان دلیل بر جزو نیکوئی
 کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موز و معبران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که موز
 در پای داشت و سلاح پوشیده بود دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بنید که با موز و سلاح نداشت دلیل که غم
 اندوه بنید خاصه که موز تنگ باشد و اگر بنید که موز اویم در پای داشت دلیل که زن خواهد و اگر بنید که موز اویم
 در پای داشت و باز کوزه بود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که موز از پوست گیش
 داشت دلیل که بقدر آن مال بد و رسد و اگر بنید که زیر موز او دیده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بنید که از
 پای موز بیرون آورد دلیل که شادی و خرمی یابد و اگر زنی بود خلاصی یابد و اگر بنید که موز و اش
 سوخت دلیل که زنش بمیرد و اگر بنید که موز او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موز
 زمین تاویل دارد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که موز و اش از خانه بدر افتاده است دلیل که زنی را

مور

موز

موز

ت

طلاق و بدو اگر بنید که موزه به مردم بیکانه داد یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد و اگر بنید که موزه او بدیدند دلیل که
 زن او بمیرد و اگر بنید که موزه او بدیدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید موزه
 در خواب چون نرم بود و پای را نیا زارد دلیل بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کینزک چهارم قوت
 پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن موش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید موش در خواب
 زنی بود که بظاهر مستوره باشد باطن فاسقه بود و اگر بنید که موش را گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین
 صفت که گفتیم خواهد و اگر بنید که موش را در طبل گرفت دلیل که زنی بکرم و حلیت خواهد و اگر بنید که موشان بسیار
 در خانه او جمع شدند و جمله یکسان بودند دلیل که بعد از آن موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بنید که
 موشان مختلف بودند چنانکه بعضی سیاه و بعضی سفید دلیل که اختلاف تاویل آن در شب و روز بود و در خبر
 از سید عالم صلی الله علیه و آله فرمود شب و روز دو موش اند که عمر مردم را می برند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که از سوراخ بینی یا از سوراخ قضیب او موش بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که در خانه موشان و شتی آمدند دلیل که در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب
 مال و کالای زنان مفسد بود و موش خانگی و شتی تاویل یکسان بود اممیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 موش گرفت و دم نداشت دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر بنید که موشی در دست وی برود دلیل که او را مصیبت
 رسد و اگر بنید که موش را بپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بنید که شک بموش انداخت دلیل که
 کسی را متهم گرداند و اگر بنید که موشی در لبش روی بود دلیل که بزنی مفسد قصد فساد کند و اگر بنید که موش میخورد دلیل
 که مال زنی مفسد بخورد و موش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید موش سپید در خواب مال و نعمت بود و موش زرد باری
 و اگر بنید که موش سفید میخورد دلیل که بعد از آن مال حلال باید و اگر بنید که موش از وی ضایع شد یا بفروخت دلیل بر نقصان
 مال او بود مغربی رحمه الله علیه گوید که موش بهر رنگ که باشد مال و نعمت بود و اگر بنید که موش سپید بود و میخورد بهتر از موشهای
 دیگر بود و اگر بنید که موشی خائید دلیل که از کسی شکایت کند و اگر بنید که موش با تش میخورد دلیل که بعد از آن
 پادشاه از مال وی بستاند و اگر بنید که از موش شمع میگرد و بمردم میداد دلیل که مال خود بخیر و صلاح و صدقه خرج کند
 و با مردم خود و احسان کند **مومبالی** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مومبالی می خورد دلیل
 بر غم و اندوه بود و اگر بنید که مومبالی بکسی بخشید یا از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بجهت خشنکی اندام مومبالی خورد و صحبت یافت تا و طیش بخلاف این
 بود **مومی** و انیال علیه السلام گوید مومی در خواب مرد از غم و اندوه بود و زنا از زینت و موی چارپایان
 مال اندک بود و اگر صوفی بنید که مومی سداورد از شد دلیل که او زینت و صلاح یابد و اگر صوفی نبود

م

م

م

دلیل که غم و اندوه بود بقدر درازی موی و اگر بنید که قدری از موی برید و بنیداخت دلیل که غم و اندوه از موی
زایل شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در وقت حج موی سر را ستر و دلیل بر صلاح دین و کفارت
کتمان بود و اگر در خواب با سبهای حرام یعنی رجب و ذی حجه و ذی القعدة و محرم بنید دلیل که وارش گذارد و شود
از غم فرج یابد و اگر بنید که موی تمام بستر و دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب زن امیری بود و بنید که
موی سر بستر و دلیل که شوهرش بمیرد یا والی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاهی موی خود را بنید دلیل بر شکر
بود و اگر رعیت بنید دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موی تن هم غم و اندوه بود و اگر مردی بنید که موی سر
او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موی سر خود او کینه بنید دلیل بر غم و اندوه بسبب دارد
پدر یا جهت مهنری بود و اگر سر خود را صلح بنید بابر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بنید که او را بسان علویان
و کیسوی بود دلیل که مهنری یابد و نیکنام گردد و اگر بنید که موی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند
و اگر بنید که موی خود را شانه میکند دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر منفعت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بنید که موی بغل یا موی زانو ستر و دلیل که صلاح دین وی باشد و موی بغل ستردن دلیل بر یافتن مال و مراد
بود و ناستردن موی بغل دلیل بر زیادتی بیروتی بود و اگر بنید که در سینه وی موی بود دلیل که دام بروی
جمع شود و موی بر تن دام مال بود و اگر بنید که موی از تن خود بستر و دلیل بر نقصان مال وی بود و اگر این کس
در ویش و او را بود وارش گذارد و شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بنید که آنگ بزنن خود مالید و موی
از تن خود بستر و اگر تو آنکر بود دلیل که در ویش کرد و او را در ویش بود و تو آنکر کرد و اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بنید که قدری از موی فرار سخت اگر تو آنکر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر در ویش به و تو آنکر
کرد و او را دار باشد وارش گذارد و شود و اگر بجای بود دلیل که شفا یابد و اگر بنید که موی راست او بمشرق رفت
و موی چپ او بمغرب دلیل که او را دلپس باشد که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور کرد و حافظ معبر رحمة الله
علیه گوید اگر عالمی بخواب بنید که موی او جعد بود دلیل بر بدعت و ذلت وی بود و اگر جاهل این خواب بنید دلیل که
نمیت و عزت یابد و اگر بنید که موی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بنید که موی زکار او دراز بود دلیل که او را
زیانی رسد و درازی موی زانرا نیک باشد و اگر بنید که موی زانو خود می ستر و دلیل که دین وی نقصان شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موی در خواب بر هیچ وجه بود یکی حج گذاردن و دوم سفر کردن سوم غم و غصه
چهارم امینی پیچم دولت و باریتجالی و کلام مجید فرموده محققین و دسک و مقصّرین الخ اگر خد و خد غم موی ستردن عاد
بود دلیل که نیک و بد آن سهل باشد می سخنة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تا دلیل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بنید
می خرد و دست شد دلیل که بقدر مستی آن جاه و منزلت یابد و اگر بنید که بی می نخفته و خمر مست شد دلیل که برین عظیم بود

میخ

میش

اقول تعالی و تعالی الناس سکا دی الخ منزلی رحمۃ اللہ علیہ کو بدستی از می نخچہ یا شراب مویر بقدر خوردن
 مال و نعمت کم شود و اگر بنید می نخچہ داشت و بهمنامی خورد دلیل که با مردم جنک خصوصیت کند و اگر بنید که در میان
 می نخچہ غرق شد دلیل که در خصومت هلاک شود و اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که می نخچہ میخورد دلیل که
 مال حلال حرام مبدل گرداند و اگر بنید که می نخچہ باب مصافی بود دلیل که مالی بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام
 باشد و نیز کو بنید که مال از زنان بستاند و اگر بنید که می نخچہ میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد و میخ ابن سیرین
 کو بد میخ در خواب برادر بود اگر بنید که میخ در دیوار زد دلیل که برادرش در آن جا که میخ زد مردی فراگیر و زیار
 که دیوار بتاویل مرد باشد و اگر بنید که میخی بری بر بست دلیل که برادرش مردی پیوند و اگر بنید که میخ بر پشت زد
 دلیل که از پشت او فرزند می آید که پادشاه بود یا شرف و بزرگی تمام برسد یا زاد شود که نام او در تمام عالم
 منتشر گردد که مانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد میخ در خواب بهر چیز بزرگی و شرف دین و دنیا بود و اگر بنید که میخی بر
 در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد اگر بنید که میخ از خانه خود بکند و بنید اخت تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بنید که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی که
 زن خواهد یا دوستی گیرد و اگر بنید که میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد
 و اگر بر درخت زد و قرار گرفت احتیاط کند و آن که چه درست بود تا ویل از آن درخت کند و بدستی یا
 بنکاح یا بوطا و وصلت مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد میخ از برنج یا از مس بود تا ویل نیکو باشد و اگر از آهن یا
 از استخوان بود دلیل بر نیکویی و قوت کند و اگر بنید که دوست وی میخ آهنین بود دلیل که او را فرزند می آید
 که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند نذر دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم باشد
 دلیل که اهل علم او را دوست دارند و اگر بنید که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود ثواب ببرد
 جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بد دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن
 خواستن میش ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد میش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا
 نیز اندکی ذکر کنیم اگر بنید که بر نر میش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمانبردار او شود و اگر ماده میشی در جنک بود
 آن نر میش بروی چیده گشت دلیل که خصم بروی غالب کرد و اگر بنید که شاخهای نر میش بزرگ و قوی گشته دلیل که
 آن کس قوی و ثواب بکشد و اگر بنید که نر میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که از مردی بزرگ مال و نعمت یابد و اگر بنید
 که پوست نر میش بکند و گوشتش جدا کرد دلیل که شخصی غالب کرد و مال وی بستاند و اگر بنید که نر میشی را از گشتن
 باز دارند دلیل که از غم برهد که مانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که ماده میش با وی جنک میکرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت
 کند و اگر بنید که گوشت ماده میش از خانه وی بجانه کسی دیگر شد دلیل که زن و بی عشق کسی دیگر مشغول

میوه

کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زهره عیش در خواب برنشش و چه بود یکی امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم پس
پنجم مال ششم در زند میوه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت بود و
هر میوه که خام و ترش و خوردنش بود دلیل بر بختهای بهیود و دوسرو باشد و انکور سیاه و آلود و زیتون دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر بنید که از درخت میوه چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بنید که
نشسته بود و از درخت میوه می چید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اگر بنید که بی آنکه دست برد درخت کرد و
میوه بقیه داد دلیل که بی رنج و تعب او را مال حلال حاصل شود و اگر بنید که از درخت لغتی میوه فرا گرفت اگر بوقت
باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بوقت باشد تا و طیش بخلاف این بود و انیال علیه السلام گوید
هر میوه که در وقت خود بخواب بنید و بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر میوه بوقت خود نباشد
دلیل که مالش برانگذه شود و تاویل هر میوه باصل درخت باز کرد و خواه نیک یابد بود و میوه آنچه زرد بود دلیل
بیماری بود و اگر ترنج و به و زرد آلو که این هر سه در تاویل زیان ندارد و میوه های ترش غم و اندوه بود و میوه های
ترچون رسیده و شیرین بوقت خود باشد دلیل بر روزی حلال بود و میوه های نارسیده و ناخوش در خواب دلیل
بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر بنید که میوه تابستان بزمستان میخورد دلیل که بیمار شود که مانی رحمه الله
علیه گوید میوه شیرین در خواب اگر بوقت بنید دلیل بر غم و اندوه بود و میوه کلو که اگر بوقت خورد دلیل بر تنگی
کار و تنگی عیش بود و فی الحکله هر میوه که سبز تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث
رحمه الله علیه گوید اگر بنید که میوه میفرودخت اگر میوه باشد که مردم آزاد و دست دارند دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد
و اگر میوه ترش و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه در رخ بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون
میوه خوش و شیرین فروشد دلیل بر شر و مضرت بود و معتبر باید که نیک و بد جنس و ناجنس و اندک که دام را چگونه بایست
و خوابهای هر کسی را بدان نوع فرق تواند کرد و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد و الله اعلم **حرف النون**
نا بیضا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بنید که ناهیا شده است دلیل که از دین و اسلام گمراه
باشد و اگر بنید که یک چشم وی کور گشت دلیل که نیمه دین وی بشود و یا کنایه بزرگ کرده باشد و بیک اندام
از اندامهای وی مصیبت رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ناهیا را دست گرفت و برد دلیل که
گمراه گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ناهیا شده دلیل که کارهای خوب بر دست وی بگذرد
و اگر بنید که یک چشم کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین برد و اگر بنید که چهار پای را کور کرد و دلیل بر کسی
بود که بدان چهار پای مغلوب باشد و ویراگزند و مضرت رسانند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناهیا که در
خواب بر مصیبت و چه بود یکی در ویشی دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت

نا بیضا

بخش

مقدم

بخش

نار یا

نار مشک

ششم نقصان مال ستم تباهی دین قوله تعالی هم بگوئیم چه فایده بگوئیم و اگر نایابی بخواب بنید که دنیا
 شد دلیل که کارهای دنیا بروی کشاوه شود و از آنچه نوبت گذشته باشد امیدوار کرد و از رحمت خستنی نصیب
 یابد قوله تعالی لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً ناخن ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معتبران گفته اند که خداوند سلاح را ناخن سلاح
 بود اگر بنید که ناخن را بمقتراض برید دلیل که دین و می قوی کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید ناخن در خواب
 قوت توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر بنید که ناخنهای وی بشکست دلیل که مال توانا حاصل کردن
 و اگر بنید که ناخن از بن بیفتد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود و اگر بنید که ناخن بیفتد و دیگر باره برست و
 زیادت شد دلیل که کار وی نیکو کرد و مال بسیار بدست آورد و اگر بنید که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود دلیل
 بر مصیبت او بود و اگر بنید که ناخنهایش چنان دراز شده بود که نیم شکستن داشت دلیل بد باشد و اگر بنید که ناخنهای
 از بن بریده بود و متغیر گشته دلیل بر سستی کار وی باشد مخری رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ناخنهای او سجد اعتدال
 بود دلیل بر صلاح دین و دنیا می وی بود و اگر بنید که ناخنهای راست میگرد دلیل که مال بسیار یابد و ناخن پای و
 دست را یک تاویل بود و بعضی از معتبران گفته اند تاویل ناخنهای دست حاصل کردن مال بود و از آن پای هم
 حاصل کردن مال بود اما در جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب برشش وجه بود یکی قوت
 توانائی دوم مقدار مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم نند زادگان یا برادرزادگان
 ناخن پیرا بمعنی مقتراض بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناخن پیرا در خواب مردی بود که قسمت کند اگر بنید که
 موی سر ناخن پیرا برید یا ناخن پیرا جامه برید دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بنید که کسی ناخن پیرا بوی واد یا بخرد
 اگر لیسری دارد دلیل که لیسری او بد و اگر دختر دارد دختر و کیش آید و اگر ناخن پیرا دوپاره بود همین تاویل بود کرمانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی ناخن پیرا بد واد یا بخرد یا بیافت اگر آسبی دارد دلیل که آسبی دیگر بخرد یا
 بیابد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین قیاس باشد از چیزی که یکی باشد دیگر حاصل کند مخری
 رحمه الله علیه گوید مقتراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با ایشان دوستی کنند و دین و
 دنیا می وی زیادت کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب برسته وجه بود یکی مرد
 قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق نار یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 نار یا در خواب خوردن چون شیرین بود و بگوشت گوشت پند یا بگوشت مرغان پنجه بود و دلیل بر
 چیز و منفعت باشد اگر بگوشت کا و یا گوشتی غلیظ پنجه باشند دلیل بر غم و اندوه بود نار مشک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در زمین او نار مشک رسته بود دلیل که نار مشک

بخیر و خرمی و خوبی در آن دیار منتشر کرد و دو اگر بنید که نار شکما از زمین بکند تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه
 علیه کوید اگر بنید که دسته نار شک تازده داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و منفعت یابد نار سنج دانیال علیه
 السلام کوید نار سنج کو زرد است آنا بوی خوش دارد و پدیدار نیک و پاکیزه است و از میوه های بهشت است
 لاجرم در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمة الله علیه کوید نار سنج در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود
 مال باشد بقدر آن نار بجا و نار سنج بهتر باشد و نار سنج زرد و بوقت خود بد نباشد که مانی رحمة الله علیه
 کوید اگر بنید که نار سنج سبز بود و بعضی از معبران گفته اند که نار سنج سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه کوید نار سنج در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود و از مردمان
 ناطف ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال نعمت
 بسیار بدست آید و خیرات و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه کوید ناطف انگبین و ناطف و شتاب دلیل نیرت
 مال بسیار بود و الا فایده ناطف انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید ناطف انگبین در خواب بر سه وجه بود
 یکی سخن شیرین دوم مال حلال سوم معیشت نافع ابن سیرین رحمة الله علیه کوید نافع در خواب زن بود و
 کینه که زیر دست وی باشد و اگر بنید که نافع وی بیهوش و دلیل که زن را طلاق دهد یا کینه کش میرود و اگر بنید که
 نافع بریده است دلیل که عیال وی میرود و همه شغل وی تنه ا کرد و اگر بنید که نافع وی کوچک شد تا ویش بخلاف
 این بود و اگر بنید که در نافع او سوراخ شد دلیل که در حال او خلل پدید آید مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که نافع
 یاسینه او همچو خطی موی برآمده بود دلیل که بر سنت های پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را غیب کرد و اگر بنید که حاصل نافع
 وی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا کرد و اگر از نافع تا شک شکافه بود دلیل که دانا و عالم گردد و لیکن
 مالش برود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه کوید اگر بنید که نافع کسی بریده و بخورد دلیل که بقدر آن مالی وی ضایع
 شود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن نافع در خواب بر پنج وجه بود یکی زن خواری دوم کینه سوم مال
 روزی چهارم پسرتانم مادر و پدر نافع ابن سیرین رحمة الله علیه کوید نافع در خواب مردی منافق و دروغ زن
 بود و در ویش خیر نباشد و اگر بنید که نافع زرد دلیل که با مردی منافق نشیند و بتفاق سخن دروغ گوید و در ضاوت
 و اگر نافع شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن نافع در خواب بر سه وجه بود یکی
 دروغ گفتن دوم منافق سوم مهر اهل کفر و دل داشتن نام کروانیدن ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
 نام کردن نافع در خواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و احمد و سعید و صالح و آنچه بدین مانند
 دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر شر و فساد کند جعفر
 صادق رضی الله عنه کوید نام نیکو و کفایت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو سعید

سراج

مختص

ناف

سراج

سراج

یا

یا

یا ابوالبرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بنید چون ابوجهل ابولهب و عتبه و ثقیف و مانند
 اینها لعنهم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم نامه ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که
 نامه برسد داشت دلیل که چیزی پوشیده بشود و اگر نامه سرکش داده داشت دلیل که چیزی فاش بشود و اگر بنید که
 نامه سر بجهر داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد کهانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که کسی نامه بوی داد که روی
 آن نامه بخواند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بنید که عنوانش
 نبسته بود و مهر داشت کسی نکشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که لظا هرنگو نماید و باطن غم و اندوه اقتضا کند و اگر بنید که
 مهر نامه بکشد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت کرد و اگر بنید که خواب خوانده بود و دید که نامه را بخواند دلیل که
 عز و جاهش زیاده تر کرد و بعضی از معبران گویند که اجلس نزدیک آمد باشد تو را تعالی اقرء کتابک کفی
 بتفساک الیوم علیک حسیدا مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که نامه پادشاه بدو داد اگر نکشاد و بخواند
 دلیل که غم و اندوه بود و اگر برکشاد و بخواند و بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای
 زشت ناخوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترش و تهلیک بود و اگر بنید که نامه بمهر یافت و بپادشاهی
 داد دلیل بر خیر و منفعت بود و اسمعیل اشعث را گوید اگر بنید که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امید داری بود
 و کار دمی وی بر آید بدان حاجتی که خواهد و اگر بنید که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کار دمی او بر نیاید ناخوش
 و انیال علیه السلام کوید دیدن نامه های پاکیزه در خواب عیش باشد و اگر نام پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش
 بود و اگر بنید که نان خردید و بخانه برد دلیل بر خیر و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بنید که نان
 یکسی داد دلیل که راحت بدان کس رساند ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دوسته نان یافت دلیل که از غم و اندوه
 برپد و شادی و راحت یابد و اگر بنید که در جای مجهول نیمه نان یافت دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بنید
 اندکی نان یافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بنید که نامه های بسیار داشت و
 نمیخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بنید که نان گرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کهانی رحمه الله
 علیه کوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل بر
 قحط و تنگی بود و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کاو رس دلیل بر تنگی عیش و
 پرهنر کاری بود و نان جوین خوردن دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و بسکی کار کند و نان
 عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه کند مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که نان خشک میخورد دلیل که روزی بروی
 فراخ کرد و بعضی گفته اند که خوردن نان تنگ در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بنید که نان کرده بر
 پیشانی وی آویخته بود دلیل که درویش کرد و اسمعیل اشعث را گوید تاویل نان بر امر

و مردم بزرگ و رئیسان است و اگر سلطان یک نان بخواب بنید دلیل که ملکش زیادت کرد و اگر بزرگان بنید دلیل
که مالش زیادت شود و یک نان از یکدرم تا هزار درم باشد بقدر شخص و اگر رعیت بنید ضیاع و قارش زیادت
شود و انیال علیه السلام کوید پیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان باشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که
بی رنج بدست آید و نان بخشن و خواب بناویل کار کردن باشد در طلب معیشت و تعبیل کردن اندر زمان بزرگی
حاصل کردن باشد با مال جعفر صادق رضی الله عنه کوید نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال
حلال سوم شهری چهارم خیر و برکت و بدانکه نان در خواب کسی بود که طلب مال کند و اگر بنید که نان داشت دلیل که
بسیار مال بجنبک و خصومت جمع کند و بعضی از متبرعان کویند که نان واد تاویل پادشاه عادل بود و نان خواه
ابن سیرین رحمه الله علیه کوید نان خواه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که نان خواه کسی داد یا بنید خست
دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و در دیدن و خوردن نان خواه پیچ منفعت نباشد بخیر غم و اندوه و الله اعلم
ناودان ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که بی ناودان آب از باها فرو می آمد دلیل که
در آن مقام جنگ و خصومت و خون ریختن پدید آید و اگر بنید که باران نمی آمد و از ناودانها آب فرو می آمد
دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادره و رنج رسد و اگر بنید که ابر باران بود و از ناودانها آب فرو می آمد
دلیل که به حق تعالی اجل و علا بر اهل آن موضع عنایت و رحمت باشد مغزنی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که ناودان
بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بنید که ناودان خانه او بفتاد و شکست دلیل که تاویش
بجلاف این بود و اگر بنید که ناودان مسین یا آهنین بود دلیل که به نظام کارش مستدام باشد و اگر بنید که از ناودان
کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید ناودان در خواب بر سه وجه بود
یکی رئیس شهر دوم بهتر سوم خیر و منفعت اندک نامی زدن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید نامی زدن
در خواب دلیل بر غم و اندوه و صیبت بود و شنیدن آواز نامی دلیل غم و تفکر بود و اگر بنید که نامی میزد دلیل که
در غم و اندوه گرفتار شود که مانی رحمه الله علیه کوید نامی زدن کسی باشد که خیر بمردم برساند و در نامی زدن
خیر نباشد نبات ابن سیرین رحمه الله علیه کوید هر نباتی که بوقت خود بنید که او را ساق نباشد دلیل بر خیر و منفعت
کند و هر نباتی که او را ساق و پیشانی پیشاخ باشد دلیل بر افزونی مال و نعمت و جاه بقدر سبزی و کوتاهی و
بندی و باریکی شاخهای وی بود و اگر بنید که بتن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت
یابد و هر چند نبات بیشتر بنید خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بنید که بر چشم و گوش و زبان وی نبات برست بود
دلیل که او را بزرگی زیادت کرد و که مانی رحمه الله علیه کوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود
و خواسته مردم خاص و عام را و اگر بنید که در زمینی که ملک او بود نبات بسیار رسته بود دلیل که بنیده

پیچ

ناودان

نامی زدن

نبات

جلال

نبش

نبش

نبش

خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم
 منفعت و بزرگی و جاه سوم محبت خوش چهارم زیادتى دولت نبات جلال ابن سیرین رحمه الله
 علیه کوید نبات جلال بخواب دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بنید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بنید کسی نبات
 در دلمان دی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش شنود یا ویرا بوسه دهد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که
 بخواب نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید نبات جلال
 در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزندان پنجم روزی
 حلال نباش آنگس بود که کفن از مردگان بکند بزوی ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید
 که نباش شد اگر آن کس از اهل علم بود دلیل که علم را فروشد و طلب دنیای باطل باشد و عمر خود در آن ضایع و
 صرف کند مغربی رحمه الله علیه کوید اگر نباشی بنید که کفن بسیار جمع کرد دلیل که مصلح شود و علم و حکمت حاصل کند
 بعضی از مجربان گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد نویسنده ۵ دانیال علیه السلام کوید
 اگر بنید که چیزی می نویسد و نویسنده باشد دلیل که بکرو حیات مال کسی را بستاند و کار ناکردنی بکند و اگر بنید که از
 بهر یاد شاه چیزی می نوشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بنید که از بهر مردم عامی نوشت دل مردم
 بخویشتن بکرو حیات کرم کند ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که ناکاه نویسنده شد دلیل که بکرو حیات روزی
 از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد و بنید که نویسنده کی بکرو دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بنید که شعر و
 غزل و افسانه می نوشت دلیل که شغل دنیا مشغول کرد و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بنید که قرآن و توحید و دعوات
 می نوشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که نامه می نوشت و در او شوق بود دلیل که قباله را با
 نویس اسمعیل اشعث رحمه الله علیه کوید اگر بهر کسی بخواب بنید که خط بهتری می نوشت اگر صاحب بود دلیل که دین و دیانت
 او ضایع گردد و اگر فاسق بود تا یاب کرد و اگر بنید که بسری می نوشت دلیل بر عیش و عشرت و نیا کند و اگر بنید
 که بزوی می نوشت دلیل که بیمار گردد و اگر بنید که بسری می نوشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در آن دیار منتشر
 گردد و اگر بنید که بزوی می نوشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یا جعفر صادق رضی الله عنه کوید بنش
 در خواب بر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم بکرو حیات چیزی حاصل کردن چهارم
 مغز و لی عمل بنید ابن سیرین رحمه الله علیه کوید بنید در خواب مال حرام بود که بکنک و خصومت
 بدست آید و اگر بنید که در بنید عرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر بنید که در خانه او بنید بسیار بود
 دلیل که بقدر آن از دهقانان بده و منفعت رسد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که بنید خور و
 دست شد دلیل که خونی و ترسی بد و رسد و اگر بنید که بنید با و گیران میخورد دلیل که بقدر آن که خود بود

جنگ و خصومت کند و اگر بنید که در جوئی یا در روی بنید میرفت و او در میان او شنا میگرد و دلیل که در
 فتنه افتد و اگر بنید که پاره بنید و دست او بود و بدین اوست و دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بنید باب امیخته بود و میخور و دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و
 بعضی حرام باشد و اگر بنید که بنید میفر و خست دلیل که مال بر باد و بدو خوردن بنید و الی دلیل بر عزل بود و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید بنید در خواب برسد و چه بود یکی تر و یکی پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت اینجهانی اگر
 بنید که بنید میباید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یا بدستخاسی ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که نخاسی میگرد و دلیل که سختیهای محال گوید و سو کند و روغ خورد و دستخاسی در خواب
 پیچ فائده نبود و تخمچر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تخمچر و رام شد و دلیل که منته و بزرگ شود
 و بعضی از معبران گویند که سالار و روان شود و اگر بنید که تخمچر او را متابعت نکرد تا ویش بخلاف این بود و اگر
 بنید که بصورت تخمچر شد دلیل که بدوین شود و باطل کرد اید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تخمچر تکه یا دام
 گرفت دلیل که بقدر تخمچر او از مردی بیابانی بگرو حیلت فایده رسد و اگر بنید که کوشت تخمچر میخور و دلیل که از مال
 مردی بیابانی خزینه کند و اگر بنید که در میان تخمچر آن مقیم شد و از آن تخمچر آن اورا کوند نرسید دلیل که
 در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان چیز و منفعت او رسد و اگر بخلاف این بنید دلیل که او را
 کوند رسد و منفعت نرسد و اگر بنید که تخمچر آن باوی سخن گفتند و ویرا مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود دلیل
 که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یا بدو اگر جابل بود دلیل که کاری کند که مردم را از آن کار عجب آید و خود
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بخود در خواب خواهد تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بنید
 که بخود از کسی بستد و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم و اندوه رسد و اگر بنید که بخود بخورد و داشت دلیل
 که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بنید که بخود و بشو با یا کوشت پنجه میخور و دلیل که غم و اندوهش کمتر بود
 نزد با ختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نزد با ختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی
 بخواب بنید که نزد می باخت و بختم غلبه کرد و دلیل که بسبب کاری باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر بنید
 که انگس مردی غالب آمد تا ویش بخلاف این بود و نزد بان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که بر
 نزد بان بالا می شد و آن نزد بان از کل و خشت بود و دلیل بر غیر و صلاح بود و دین وی زیادت کرد و ویکوئی بدو
 رسد و اگر نزد بان از سنگ و آهک بود دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از چوب بود دلیل بر ضعف دین او بود و اگر بنید که بر
 نزد بان بالا شد اگر از آهک باشد دلیل که پادشاه شود اگر از آهک نباشد دلیل که غیر و منفعت یا بدو اگر بنید که از نزد بان بریزد تا ویش
 بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از نزد بان بریزد تا و دلیل که از جاه و بزرگی بفتند و او را مقصرت برسد

پیچ

تخمچر

نخود

ختن

بخت

سیر

نشر

سیر

نشر

نشر

حضرت صادق رضی الله عنه که پدر زبان در خواب مرد مصلح و پارسا بود و روشن ظفر و با بدوفاق را منافی بود و نکرس
 و انیال علیه السلام که پدر نکرس در خواب مردی ظریف و خوب روی و لطیف بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 نکرس در خواب بن سیرین باشد و اگر زنی بنید که نکرس تازه ذکر نکست یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند زنی خوب روی
 آید و اگر شوهر ندارد دلیل که شوهری خوب روی کند و اگر بنید که نکرس از زمین بر کند و دلیل که زن را طلاق دهد یا
 فرزندش بمیرد و اگر بنید که نکرس از درخت بر کند و بخلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی بنید که نکرس شوهر
 داد و دلیل که شوهرش طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نکرس در خواب بر سر دوج بود یکی مرد و ظریف و خوب روی
 دوم فرزند سوم دوستی که دوستی وی دیر بماند و اگر بنید که نکرس بنز بگرفت و دلیل که احسان و نیکوئی کند و در خیر مشهور
 کرد و اگر بنید که نکرس بود و زیادت شد دلیل که عیالش زیادت کرد و نشر هم بداند که نشر هم صاف را خواند و اگر بنید که
 نشر هم را فرآ گرفت و دلیل که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد و درین و اگر بنید که نشر هم بود و بر و شناسائی بدل شد و دلیل که تائب
 کرد و اگر بنید که نشر هم بود و با نشر هم شد دلیل که منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که نشر هم تار یک
 شد و دلیل که غم و اندوه بود و کارهای شان بسته کرد و اگر بنید که هوار شدن بود و ناکاه نشر هم بدید و دلیل که برک
 مضاجات در آن دیار بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نشر هم در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن
 کارها سوم بدعت چهارم گمراهی اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از نشر هم بر و شناسائی آمد و دلیل که از درویشی
 بتوانگری آید و از بدعت ضلالت دور باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نشر هم در خواب خوب نباشد نشر سیرین
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نشر سیرین در خواب اگر بوقت خود بود و دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزند زنی آید
 و اگر نشر سیرین از درخت دور باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که کسی دست نشر سیرین بوی داد و دلیل که در میان ایشان
 گفتگوی پیدا شود و اگر کل نشر سیرین بر درخت بنید و دلیل که خرمی بوی رسد و باشد که دیبا باشد که از کسی چیزی اندک یا بد
 نشاسته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نشاسته کندم در خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست
 آید اگر بنید که نشاسته میخور و دلیل که اند و کمین شود و بعضی از معتبران گفته اند که بجای کرد و اگر بنید که از نشاسته
 حلو کرد و بخورد و دلیل که مال و نعمت بدست آورد و معزنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از کندم نشاسته بیک و دلیل که
 از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند نشستن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر زمین مقیم نشسته بود
 و قرار گرفته بود و دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بنید که بسیار خفته بود و بکین تاویل دارد و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید نشستن بر اسپ یا بر ستر یا بر جز و دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرتبت
 چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد و دلیل بر یادشاهی کند چنانکه باد مطیع او باشد که مانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که با مردم مصلح میرفت و در راه بنشست و دلیل که هوا و در مخالفت دین بود چنانکه

خدا تعالیٰ در کلام مجید فرموده توله تعالیٰ اخرج المخلوقون بمقتد هم و اگر بنید که مخالف دین بود و میرفت و در
 راه بنشست تا ویش بخلاف این بود اسمعیل اشعث را گوید اگر بنید که با گروهی متعلمان و پارسایان نشسته بود
 دلیل که چیز و صلاح او زیادت کرد و اگر بنید که با فاسقان نشسته بود تا ویش بخلاف این بود **نعل** ابن
 سیرین رحمه الله علیه که بد نعل در خواب مال بود از هر سبی که بد و رسد و اگر بنید که نعل استرا داشت دلیل که از
 پادشاه منفعت یابد و اگر بنید که نعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاصل کند و اگر بنید
 که نعل بندی میسر و چهار پایان خورد دلیل که بسفر رود و نعلبندی بود که میان مردم دوستی جوید **نعلین**
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنجواب بنید که دوال نعلین بشکست دلیل که روزگاری در سفر باز ماند و اگر
 بنید که نعلین او سوراخ داشت دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بنید که نعلین او پنهان بود دلیل که سفرش
 از برای آخرت باشد و اگر بنید که نعلین نداشت و بدان سبب از سفر باز ماند دلیل که کینگی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که نعلین او سیاه بود دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر سرخ بود زن معاشربود و طرب دوست دارد و اگر
 بنید که نعلین او سفید بود دلیل که آن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بنید که نعلین او طون بود این صفتهای که گفتیم
 از هر یکی برخی دروی بود و اگر بنید که نعلین او از پوست کاه بند داشت دلیل که آن زن اصل عجم باشد و اگر بنید که
 بند نعلین او از پوست اشتر بود دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او میفاد و ضایع شد احتیاط کند
 و آن نعلین از پوست چه بود و اگر از پوست اشتر بود دلیل که زنش بیمار شود اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید
 که نعلین او بدید پنهان تاویل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب برسته وجه بود یکی سفر دوم زن سوم کینگی
نفس ابو دینار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نفس در خواب غم و اندوه بود اگر کسی بنجواب بنید که در زمین ملک
 نفس بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بنید که نفس میخورد دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر بنید که نفس در
 زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین را غم و اندوه بود و اگر بنید که نفس از زمین خود بر کند و بنیادخت دلیل که از غم و اندوه
 خلاصی یابد **نفت** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نفت در خواب زنی نابکار بود اگر زنی بنجواب بنید که نفت در خود مالید دلیل
 که باز زنی نابکار جمع شود و بعضی از متبران گفته اند که چیزی حرام خورد و اگر بنید که نفت بسیار داشت دلیل که مال حرام
 جمع کند مغربی رحمه الله علیه گوید نفت در خواب برسته وجه بود یکی زن نابکار دوم مرد غمار عوان سوم مال حرام
نفرین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی به خواب بنید که بر ظالمی نفرین میگرد دلیل که بر آن ظالم
 ظفر یابد و اگر بنید که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که ناحق بکینگی را نفرین میگرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که موی را
 ناحق نفرین کرد دلیل که کار او بند شود و بعضی از متبران گویند که نفرین ناحق در خواب بخواند خواب باز گردد

نعل

نعلین

نفس

نفت

نفرین

تعا

تعا

نقصان

تجاری

تجاری

تجاری

خواب باز کرد و اگر نفرین بحق کند تا ویش بر آنکس باشد که او را نفرین کند و مصلح را زودتر از آنکه از مفسد مفسد
 اگر نفرین بحق یا ناحق کند بجنم باز کرد و نقاد و در خواب عالم و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیزیست
 بهترین باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید کسی و بنید اصرار صلح نقاد شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل
 کند و اگر خواست کار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و مال دنیا اختیار کند مغربی رحمه الله علیه گوید
 نقاد و در خواب مرد عاقل و تمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 نقاد و در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا و دوم حکیم سوم خرمند چهارم دریا بنده کار فقره دلیل بر زنان آزاد
 کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که فقره از کار خود گرفت دلیل که آنان موضع ولایت که او بود و زنی
 را بزنی کند زیرا که فقره جوهر زنان باشد و اگر بنید در مکانی که معدن فقره بود و درون شد و از آن جان فقره بیرون آورد
 دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که فقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فقره و در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم عیشت
 نقصان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که در تن او نقصان بود و دلیل که بقدر آن مالش نقصان
 شود و اگر نقصان زمان که در آن صلاح بود چنانکه در باب زنان فرمود و در حرف زایا و کردیم کرمانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که مال و خواسته او چیزی نقصان شد دلیل که متفکر شود اما او را مضرت برسد نکار کرمانی ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که نکار کرمانی میکرد و بر سقف دیوارهای خانه دلیل که او دوستان در دنیا و فرقیته
 و مشرور بدینا باشد کرمانی رحمه الله علیه گوید نکار کرمانی و صورت کرمانی و در خواب کار باطل و ناحق بود چنانکه خداوند
 تعالی جل و علا فرموده تو را تعالی ما هذه التماثل التي انتم لعاكافون مغربی رحمه الله علیه گوید نکار کرمانی
 و در خواب فرقیته باشد در دنیا و راه راست گذاشته و راه باطل گرفته باشد اسمعیل اشعث را گوید اگر بنید که دستهای
 خود را بسیار خضاب و نکار میکرد دلیل که در کعب دنیا خداوند که حیلت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نکار کرمانی و در خواب
 بر چهار وجه بود یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ نمکین انگشتری
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نمکین انگشتری در خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد و اگر
 بنید که نمکین انگشتری او ضایع شد دلیل که در بزرگی و جاه و نقصان پدید آید و یا فرزندش بمیرد و اگر بنید که نمکین
 انگشترین شکست همین دلیل کند و اگر بنید که ناکاه نمکین بر انگشترین او ظاهر شد دلیل که بقدر و قیمت آن نمکین
 نعمت یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید نمکین و تاج پادشاهان را ولایت بود و زنان را شوی و عام را جاه و نیکوئی
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نمکین انگشترین در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم مال سوم
 ولایت چهارم عیشت پنجم فرزند ششم بزرگی هفتم مال و نعمت هشتم عمل نماز ابن سیرین رحمه الله

علیه که بیدار کسی بخواب بیند که در نماز روی جانب مشرق میکرد و دلیل که سحج رود اگر محل سج نباشد میلش بر جانب
 ترسایان باشد و اگر بیند که بر جانب مغرب نماز میکرد و دلیل سوی قبله داشت دلیل که دین اسلام پس پشت انداخته
 باشد و اگر بیند که بر راه نماز میکند اردو پشت سوی قبله داشت دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و توبه باید کرد و اگر
 بیند که نماز گذارد و نداشت که قبله کدام است دلیل که در راه دین متخیر بود و اگر نمازی سوی قبله گذارد و دلیل که در راه
 دین مستقیم شود و اگر مانی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد و دلیل که بعد از جماعتی که اماموم وی بود دیگر
 یابد و اگر بیند که وقت نماز گذشت و جای پاکیزه نیافت که نماز گذارد و دلیل که کارش بدشواری بر آید و اگر بیند که
 نماز قطع کرد و نماز نگذارد یا نماز بی وضو گذارد و دلیل که در طلبیکه باشد آن مطلب میسر نشود و اگر بیند که در مسجدی یا
 در مدرسه امامت میکرد و دلیل که پادشاه آن دیار مطیع وی شود و اگر بخلاف این بیند و اویش بخلاف این بود و اگر
 بیند که در نماز رکوع و سجود تمام بجای آورد و دلیل که کار دین و دنیا می شود و مغربی رحمته الله علیه گوید اگر بیند
 که نماز پیشین بوقت میکند اردو آسمان روشن و پاکیزه بود و دلیل که رفیع درجات وی بحضرت حق تعالی باشد و اگر
 آسمان تیره و ابرناک بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که نماز میکند اردو دلیل بر امیدیکه دارد و بآید و اگر بیند که فضا
 شام میکند اردو دلیل که با اهل و عیال خود معامله کند و از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که نماز صبح میکند اردو دلیل که
 بسفر رود و اگر این خواب فی بینه جانیض شود و اگر بیند که بی وضو نماز میکند اردو دلیل که بیمار شود و اگر بیند که فرضیه غشا میکند اردو
 دلیل که ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در باغ نماز میکند اردو دلیل که از کثرت توبه کند و اگر بیند که در کشتیها
 نماز میکند اردو دلیل که و امش گذارد و شود و اگر بیند که بجای نمازی نبود و نماز گذارد و دلیل که مفسد و بدکار باشد
 و اگر بیند که نماز کرد و روی بجهرا نهاد و دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکند و اگر بیند که در
 کعبه نماز گذارد و دلیل که کارش از چرخه نظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بیند که بعد از نماز سجده کرد و دلیل که بر
 روی بزرگوار خشم ظفر یابد و بروی مستطاب شود و اگر بیند که سحر خدا تعالی کسی را سجده کرد و دلیل که مرادش حاصل شود
 و اگر بیند که بر سر دیواری سجده میکرد و دلیل که با وزیر بزرگان رنج و خاری رسد و اگر بیند که نماز میکند اردو انکبین بخورد و دلیل که
 با عیال خود نزوی کند و اگر بیند که در نماز تنجیات نشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و اجلش رود و اگر بیند که سلام نماز
 اول بدست چپ داد و دلیل که حالش شوریده شود و اگر بیند که نماز نشسته میکند اردو دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند
 غمزی گوید که از وی بپندیرند و اگر بیند که در نماز خود را دعا کرد و دلیل که ویرا فرزند آید و قوله تعالی اذ نادى دقه ندا
 خفیا اگر بیند که در نماز یکی نماز گذارد و دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز شب میکند اردو دلیل که از همه ترسایان کرم و دوست
 بزرگی و فرمان روائی یابد و اگر بیند که نماز بر پهلوی میکند اردو دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که نماز جمعه میکند اردو دلیل که
 در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس نماز میکند اردو دلیل که میراث یابد و روزی بروی

فراخ کرد و اگر بید که در کعبه نماز میکند از دیار بام کعبه دلیل که روی کعبه آورد و عاقبت کارش بخیر کرد و حافظ
 معبر رحمه الله علیه گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فرضیه دوم سنت سوم تطوع و اگر بید که نماز فرضیه
 میکند از دلیل که حق سبحانه و تعالی جل و علا او را حج روزی گرداند و از فواحش نکهار و قوله تعالی ان الصلوة
 تنهی عن الفحشاء والمنکر و اگر بید که نماز سنت میکند از دلیل بر صبر کردن کارها و آشکارا شدن نام نیکو شخصیت
 بر خلق بود و اگر بید که نماز تطوع میکند از دلیل بر کرامی داشتن عیال و سعی کردن در کارهای دوستان و مروت
 کردن با هر کسی بود و اگر بید که بر ستور نماز میکند از دلیل که او را سببی عظیم رسد و اگر بید که در کارخانه یا دوکانی نماز
 میکند از دلیل که حق تعالی در کار و کسب برکت کند و اگر بید که نماز آدینه گذارد دلیل که کار وی جمع کرد و خال
 اصفهانی رحمه الله علیه گوید رکوع و سجود و خواب بحضرت باری تعالی عز و جل دلیل تقرب بود قوله تعالی
 کلا لا تقوله و اسجد واقترب و معبران گفته اند اگر بید که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوة مال ندید و اگر بید
 که نماز بجای آورد دلیل که ایزد تبارک و تعالی عبادت او پذیرفته گرداند و دعای مستجاب کند و بر وی رحمت
 کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سوم عز و جاه
 چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا و هم او گوید که رکوع و سجود در خواب بر پنج وجه بود یکی
 یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم مظهر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اذکروا
 و اسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیرات لعلکم تفلحون و اگر بید که بر نماز گذارد دلیل که او را دعا و ثنا
 گوید و اگر بید که نماز تمام نکند از تاملش بخلاف این بود محمد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که ندی سپید
 و پاکیزه داشت دلیل که دل حلال یابد و اگر چهره کین بید در آن هیچ منفعت نباشد و اگر بید که نمد بسیار داشته دلیل که
 بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بید که نمد بسوخت دلیل که مال بفساد تلف کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بید که بر تن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی توانگر خواهد یا کینزکی و دشیزه بخرد و اگر بید که نمد از پشم آشته
 بود دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که نمد داشت و از صنایع شد دلیل که در مالش نقصان
 شود و نمد در خواب مردی بود که بجلال گراید و از حرام پرهیز نماید نمک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نمک در خواب
 درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بید که نمک سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند که مانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بید که نمک خور دو دلیل که راه زهد گیرد و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل جنک و خصومت بود جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید نمک در خواب بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو
 و نمک ناخوش در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم سخنیهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم
 خورندگی نمک سوو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که گوشت نمک سود فربه

نمک

نمک

نمک

بود و خورد دلیل که نشت و روزی بود و میراث یا بد و اگر نکاح بود و لاغر بود دلیل که زیانی بود و هر چند که
 شور بود و لاغر تر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن و خواب دلیل بر غیبت کردن بود و مغربی رحمة
 الله علیه کوبید اگر بنید که گوشت قدید است و لاغر بود دلیل که از مردم یا دشاد او را زیان رسد و اگر گوشت اشتراک بود
 دلیل که از مهنتری مضرت یا بد و اگر نکاح بود از گوشت چهار پاییان دشمنی میخورد و لاغر بود دلیل که از مردم بیایانی مضرت
 بیندنی الجمل و گوشت لاغر منفعت نباشد نهنگک ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید نهنگ در خواب دزد باشد
 و تنگبار و سبیزنده بود اگر کسی بخواب بنید که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد دلیل که در آب هلاک شود و اگر
 بنید که نهنگ او را بگزید دلیل که بقدر گزند او را از دشمن مضرت رسد و رحمت بنید که مانی رحمة الله علیه کوبید اگر بنید که آب
 او را فرو برد دلیل که ماهیان او را هلاک کنند و اگر بنید که نهنگ بر و غالب شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که
 گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ داشت دلیل که از دشمن مضرت یا بد مغربی رحمة الله علیه کوبید اگر بنید که نهنگ
 او را در آب کشید دلیل که در دست دشمن شهید شود و نویدن ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید هر چیز که نو
 باشد پسندیده بود دلیل بر خیر و خرمی بود و کهنه را در حرف کاف بیان کردیم نوحه کردن ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوبید اگر کسی در خواب بنید که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد و مردمان متهم از آن موضع متفرق شوند
 و اگر بنید که والی آن شهر بمرد و مردم بر نوحه میکردند دلیل که ایشان را از آن والی رنج و ستم رسد و بعضی از معتبران
 کوبید که والی را خرمی باشد و اگر بنید که با نوحه میکردند دلیل که برایشان بیداد و ستم کند و از بیدادی وی تخفین مومند
 شود که مانی رحمة الله علیه کوبید اگر بنید که نوحه میکرد و دو فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود و از و مضرتش رسد
 و اگر بنید که میکسرت و آهسته نوحه میکرد دلیل خرمی و شادی بود و اگر بنید که با زنان مردمان بسیار بودند و نوحه
 با و از میکرد دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم و اندوه رسد **نوشه** و ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید
 نوشه در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که نوشه داشت دلیل که تخفین کرد و اگر بنید که نوشه در میخورد دلیل که
 غم و اندوه صبر بود و غیره **نوشه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوبید اگر بنید که نیر و مند ترا از آن شد که در بیداری بود دلیل
 بر نیکی احوال او در دنیا و آخرت بود و اگر مصالح بود و اگر مفید بنید تا ویش بخلاف این باشد **نیزه** ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوبید اگر کسی بخواب بنید که نیزه و صلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و کامرانی یا بچپانگی
 در و لایتهای فرمائش روا کرد و اگر بنید که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری آید
 و اگر بنید که نیزه بشکست دلیل که فرزندی یا برادرش بمیرد و اگر بنید که نیزه او کسی بر دویل که کار وی
 دشوار کرد و اگر بنید که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد دلیل که غیبت مردم کوبید و نیزه در خواب دلیل قوت و
 طفر یافتن بر مردم بود و اگر بنید که سر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکوکار صحبت افتد

نهنگک

نوحه کردن

نوشه

نیزه

نیزه

و از وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر پشت وجه بود یکی قوت دوم سفر نوم
 ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم اینی همتم توانای هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه کرد خواب مردی بود که
 بامردمان یاری کند و از وی بهر کس قوت رسد نیشگون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بپنید
 که می نشت یا کسی بوی می آموخت دلیل که دانش بیاموزد و اگر بنید که چیزی می نشت دلیل بر شرف و فساد بود و اگر
 بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشت دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می نشت
 دلیل بر شر بود نیشگون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که نیشک می یکید دلیل که بکاری مشغول گردد و آن
 کار ویرا بقدر یکیدن گفتگوی و خصوصیت باشد اگر بنید که نیشک می داند دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد نیشگون
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نیشکی کردن در خواب قوت و بزرگواری در دین بود بدان قدر که نیشکی کند رستگاری
 یابد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که با او مردی نیشکی کرد و او خوار داشت
 دلیل که در همه کارها ناسپاس بود قوله تعالی ولا تنسوا الفضل بینکم ان الله جماعه بصدیق اگر بنید که
 نیشکی با اهل شرک کرد دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسانی که حاجت ویرا خیر و دجانی حاصل کرد و دلیل ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که نیل داشت دلیل که بقدر آن اول غم و اندوه بود
 و اگر بنید که نیل کسی داد یا از وی ضایع شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بنید که جامه خود را بنیل رنگ
 کرده بود دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب خویشان و دوستان بود و اگر بنید که نیل بخورد
 دلیل که در دریا افتد یا آفتی بوی رسد نیلوفر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر بجای خود بوقت خود
 بر درخت بنید دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل بر غم و اندوه بود
 که رانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی بنید که نیلوفر از درخت شکست و بفلام داد و دلیل که غلامش بگیرد و اگر بنید که دوستی
 درسته نیلوفر بداد و دلیل که میان ایشان جدائی افتد و انیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل بر گیزی بود
 که از وی اورا زیان رسد **حرف الواو** داشته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چون داشته مطیع
 و فرمان بردار خود بنید چنان که از دست برود و بانگ کند او را باز ماید و دلیل بر مال حلال بود و
 منزلت خداوندش بود و اگر بنید که داشته سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود
 دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت یابد و اگر بنید که داشته پیرید و رسته در دست می
 ماند دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید داشته در خواب پادشاهان را
 ملک و بزرگواری بود و توانگران را مال باشد و درویشان را فرزندان بود و اگر بنید که داشته از دستش
 بیفتد و بمرد اگر صاحب خواب پادشاه بود و دلیل که از ملک بیفتد و اگر امیر بود و پادشاه بود و دلیل که

نیشگون

نیشگون

نیشگون

نیل

نیلوفر

واو

از جاه و منزلت بیفتد و اگر توانا گزیند و رویش کرد و او اگر درویش بیند و فرزندش بمیرد و بعضی معبران گویند که
 واشه مردی پیشترم بود و اگر بنید که گوشت واشه میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بنید که واشه بسیار
 در جای جمع شدند و دلیل که عیاران در آن موضع جمع شوند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن واشه در
 خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان روائی سوم مال چهارم منفعت و **والی** کار واری
 و فرمان روائی بود و اگر بنید که کار واری از تخت میفتد یا تخت او شکست یا کسی از وی بشتمید یا ساری
 او خواب گشت یا در دامی گرفتار شد و گشت ته نشین یا چهار پا سبزه برآمد و بنیاد یا کسی او را بنیگند این همه دلیل
 بر آنکه از شرف و بزرگی بیفتد و مغرور گردد و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کار واری بنید که دستارش با
 دستار کسی پیوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بروی پانیده باشد و اگر بنید که بندی بر پای اوست دلیل که شرف
 بزرگی او زیادت کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کار دار شد و در عمل خود منصف و دیندار بود
 چنانکه مردم از وی خوشنود و بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر شرف و فساد بود و خاصه که
 بنیده مفسد و ناپاراسته بود و **حوش** چهار پایان دشتی باشد هر چند از ایشان نز بود دلیل بر مردان کند
 و هر چند ماده بود دلیل بر زنان بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که وحوش صید میکرد یا کسی از وحوش
 صید بدو داد دلیل بر مال و نعمت و غنیمت بود و گوشت و پوست او بهین دلیل بود که مانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که وحوش مطیع و فرمان بردار او شد چنانکه سلیمان علیه السلام را بودند دلیل که گروهی ایشان را که در
 مسلمانان خلل بود او را مطیع و فرمان بردار شوند خاصه که بنیده خواب مستور بود و **روج** در حرف بین بیان
 کردیم و رونه و تبوک نان هر دو در خواب انباز متفق یکدیگر بودند اگر بنید که و رونه و تبوک نان کسی بوی
 داد و دلیل که او را انباز گرفتیم حاصل شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که و رونه داشت دلیل که با کسی محبت کند
 که او را راه حق ناید و از باطل دور کند و اگر بنید که و رونه او شکست دلیل که نصیب این چنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید دیدن و رونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق در کار دوم انباز یک طلب کند و محبت سوم کار دشوار که بزرگی
 آسان کرد و **وروه** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که بروست دشمن و روه شده است دلیل که برو دشمن
 غالب کرد و او را قهر کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که و روه میفرودست چون غلام و کنیزک دلیل که او را خیر و منفعت رسد
 و اگر بنید که و روه از کافران بستاند و یا بخرد دلیل بد باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر و روه غلام بود که خرید دلیل
 که بد باشد و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامیکه فروخته بود باز خرید دلیل که بد دشمن طغریا بد
 و اگر بنید که و روه داشت و از وی بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیزک بود دلیل بد باشد
 و نعمتدان مال بود و روه فروش مردی بود که اختیار مردمان جوید و **رسان** جانوری بود که خراسان آنرا

والی

حوش

روج

ورونه

وروه

رسان

که بوتر خوانند دیدن وی در خواب زن و کینزک بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که بوتر
 و رسان گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زن خوابد و اگر بید که و رسان بخیرید اگر از دست وی برید دلیل که زن اطلاق
 و بید یا کینزک فرود شد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که و رسان را بکشت و گوشت او را بخورد و دلیل که بقدر آن مال زن
 بستم بستاند و اگر بید که و رسان بسیار داشت و دلیل که کینزک بسیار بخورد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید دیدن قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم محبت سوم غم و اندوه و وزغ
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید وزغ در خواب مردی زاهد و عابد بود اگر کسی بخواب بید که وزغی گرفت و دلیل که
 با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با وزغ نبرد و دلیل که با چنین مردی خصومت کند و اگر بید که وزغ
 بسیار در جانی جمع شدند و فریاد میکردند و دلیل که در آن موضع عذاب خداست و فریاد مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بید که وزغ را بکشت و از گوشت وی بخورد و دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه
 کند و اگر بید که وزغ او را بکشد و دلیل که از مردی زاهد وی را رنج رسد و اگر بید که وزغی را از آب گرفت و بر خشک
 انداخت و دلیل که زاهد را از کار باز دارد و مضرت رساند و ز پیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که وزغ
 پاوشاه را کار نیکو بود و دلیل که آن وزغ را کار نیکو شود و دوش زبانت شود و اگر بخلاف این بید تا پیش بد بود و اگر کسی
 بید که وزغ را بکشد و دوا کرد و دلیل که بقدر عدل انصاف خویش شرف و بزرگی یابد و اگر بید که در زیر ساط بکشد و دلیل که
 جاه و لغت و مال بروی فراخ گردد و عمرش دراز بود و اگر بید که وزغ را خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم و دیوالی
 گردانند و اگر بید که وزغ را بر سر ای او آمد و دلیل که او را بسبب پاوشاه غم و اندوه رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بید
 که با وزغ طعام خورد و دلیل که از وی شرف و بزرگی یابد و اگر بید که خانه و زیر افتاده بود یا بیمار بود یا پاوشاه او را
 مغضول کرده بود یا اسب او را بفکند یا کادی او را برون زد و این همه دلیل بر عزل وی بود جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم آفتاب و ماه تاب کشته بود و دوم آنکه چون
 بید که چشم او جلد افتاد کشته بود و سوم آنکه چون بید که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه از چهار یا ران
 رسول الله صلی الله علیه و سلم کی تاجی بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند و سیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمینی داشت و در آن زمین و سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود
 و اگر بید که و سیمه از زمین بر کند و بیداخت و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بید که و سیمه بخورد و دلیل که بسبب
 عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بید که دسته و سیمه بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که دسته و سیمه بدست عیال خود داد و دلیل که از بید که جدا کردند و دور دیدن
 و سیمه خیر نباشد و سیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که

وزغ

وزغ

وزغ

وزغ

و شته بر دار داشت دلیل که غم داند و زیادت کرد و واکرو شته بکسی داد و دلیل که از غم داند و خلاص
 شود مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که چسبزی به و شته و نشانید دلیل که کار پر کند او جمع
 شود و اگر بنید که و شته می خانید دلیل که غیبت مردم بسیار کوید و ضحوی نماز ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که دست و روی باب صافی پشت دلیل که کاری جوید که تمام کار بیاید و
 مقصودش حاصل کرد و اگر بنید که باب پلید روی می شست تا ویش بخلاف این بود کرانی رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که دست و روی خود را می شست دلیل که از بهر یاران خود یاری خواهد و اگر بنید
 که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود و کیل ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی
 بخواب بنید که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود دلیل که چیز و اقبال دنیا یابد و اگر وکیل قاضی
 شد همین تا وکیل وارد و اگر در شغل و کالت منصف بود و اگر نبود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
 علیه کوید اگر وکیل بنید که منیب را بنواخت دلیل که او را با مردمی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب را
 کشاوه روی بنید دلیل که او را از منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بنید دلیل که بد بود واری
 علت جذام بود و دیدن او در خواب مالی بود که بومی رسد خاصه که در تن آید سفید بنید ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که در تنش واری بسیار شده بود دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معتبران
 گفته اند که او را معروف کرد اند جعفر صادق رضی الله عنه کوید واری در خواب درویش را توانگری و نعمت
 بود و توانگری از این است او از گناه و اگر بنید که چنان شد که همه انگشتان افتاده بودند دلیل که کارهای نیکو
 کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و ایرانی ابن سیرین رحمة الله علیه کوید که ویرانی خانه و مکان
 و آنچه بدین ماند دلیل که راهی بود و درین و اگر بنید که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود کرانی
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بنید که
 ویرانه کهنه آبادان میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بعینه از گمراهی بره صلاح آید مغربی رحمة الله
 علیه کوید اگر ویرانی از کردار خالق است دلیل که بنیده را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تا ویش بخلاف
 این بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بنید که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد
حرف الحاء و ا و ن ابن سیرین رحمة الله علیه کوید ا و ن و وسته مرد و شریک باشد که ایشان را از
 یکدیگر ناکزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند و اگر از ایشان یکی بنید فایده نباشد
 و اگر بنید که در ا و ن چیزی می گوشت و آن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر و قیمت آن او را برنج و
 سختی نفع رسد و اگر آن چیز دار بود و اگر واری امساک بود دلیل بر زیادت مال بود مغربی رحمة الله علیه

نسخه
وضوح

وکیل

واری

ویرانی

نسخه

سیاه

میدید

میدید

سیاه

سیاه

گوید اگر آنچه در دامن میگوشت شیرین بود دلیل که برنج و سختی فایده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
 جواهر بود که در دامن میگوشت و می سود و دلیل که بقدر آن منفعت بنید و عاقبت مال خود تلف نکند سیاه
 بدانکه کرد و در آفتاب بود این سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار در خواب سخن باطل و کردار بی نی پراکنده بود که
 در آن چیز و منفعت نباشد چنانکه حق تعالی در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منثورا جابر مغربی
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سبائی سرخ در هوا پدید آید دلیل که در آن و یا بر بیمار شوند و اگر سیاه بود دلیل بر
 مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد میدید این سیرین رحمة الله علیه گوید در خواب مردی
 زیورک و دانا بود که از کار نهانی مردم خبر دهد و اگر بنید که بدید بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی دانا و بزرگ
 بدین صفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فر هنگی حاصل کند و اگر بنید که بدید را بگشت دلیل که بر مردی دانا
 و بزرگ نظر یابد و بروی قهر کند و اگر بنید که گوشت و می بخورد دلیل که بقدر آن مال از مردم از غلش حاصل
 کند و یا بی رحم گوید بدید بخواب و بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود و اگر بنید که بدید بادی سخن گفت دلیل
 که از اهل بی راقهر کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید بدید در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر خوش که بشنود
 دوم بزرگی سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم در آن کار که باشد زیورک و دانا باشد چنانکه حق تعالی فرمود
میدید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که یکی بدید یکسی داد اگر آن بدید چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده هر دو
 بود دلیل که هر دو را منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که هر دو را از یکدیگر منفعت نبود بلکه شر و فساد
 بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که چیزی او را بدید و اندک آن چیز را دوست دارد دلیل
 بر خیر و صلاح بود و اگر آنچه خیر دوست ندارد دلیل بر شر و فساد بود و اگر بنید که مردی پیر یا زنی پیر او را بدید و اندک
 دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر مردی جوان یا زنی جوان بدید و دنیا و طیش بخلاف این بود سیاه این سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بنید که هر سه میخورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا
 شود و بعضی از معبران گفته اند که او را فرزندی آید که چشم او بدان فرزند روشن شود زیرا که حضرت رسول الله صلی الله علیه
 سلم فرمود که المهریسة اطحة الجنة مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن هر سه در خواب دلیل بر اندیشه بود
 از جهت اعمال جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر هر سه بگوشت گویند فریب بود و دلیل بر خیر و منفعت بود
 و آنچه بگوشت غلیظ باشد و بطعم ناخوش بود دلیل که بقدر آن او را مضرت رسد هزار داستان
 این سیرین رحمة الله علیه گوید هزار داستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود الا ضعیف احوال
 باشد و خداوند عظم و ادب و فر هنگ بود و بنزدیک مردمان محبوب باشد و اگر بنید که او را هزار داستان عطا داد و دلیل که
 او را فرزندی بدین صفت آید و اگر بنید که هزار داستان از باغ بگرفت دلیل که او را با مردمان نیک خلق و خوب سخن پیشگی

شود که مانی رحمه الله علیه کوید مزارستان در خواب زن خوش آواز بود و اگر بنید که مزارستان بخیرید دلیل که کینزک
خوش آواز و مطهر به بخرد و اگر بنید که مزارستان از دست وی سپرد دلیل که زن را طلاق دهد یا کینزک وی بمیرد یا
بگریزد و جابر مغربی رحمه الله علیه کوید مزارستان در خواب فرزند غلام بود و سخن شیرین و شنیدن آواز خوش
بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید مزارستان در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند غلام سوم قاضی
چهارم حکیم پنجم غلام طایفه ابن سیرین رحمه الله علیه کوید طایفه کابلی در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و طایفه زرد
دلیل بر بیماری بود و طایفه سیاه دلیل بر مصیبت بود و اگر بنید که مینوع ازین طایفه میخورد و دلیل که اندویش صعبتر باشد
و اگر بنید که ازین طایفه یابی با شکر یا با نجبین میخورد و دلیل که اندویش کمتر باشد و در دیدن طایفه سیح منفعت
نبود همای ابن سیرین رحمه الله علیه کویدهای در خواب دولت و عزت و بزرگی و ظفر باشد و اگر بنید که های
داشت دلیل که بقدرهای عزت و دولت یابد و اگر بنید که های از دست او سپرد دلیل که در جاده و حلقش نقصان شود
که مانی کویدهای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار و اگر بنید که های را بکشت و گوشت وی بخورد
دلیل که بر مردمی بزرگوار قهر کند و مال وی بستاند و بخورد و اگر بنید که های داشت دلیل ازین کسان که گفته شد
خیر و منفعت یابد و اگر بنید که های را به تیر یا بسک زد و دلیل که از پس مردم چنین سخن بد گوید و اگر بنید که های
او را بخراشد دلیل که ازین کسان او را مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن های در خواب بر پشت
وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی ششم فرمانروایی هفتم عزت و اقبال
هوا ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که هوا روشن و صافی بود و دلیل که مردم آن دیار را تندرستی و حیثیت
نیکو و راحت بود و علما و اهل حکمت را دولت و اقبال زیادت شود و اگر بنید که هوا تاریک و تیره بود
دلیل که اهل آن دیار را غم و اندوه بود و اگر بنید که هوا سرخ رنگ بود و دلیل که در آن دیار جنگ و فتنه بود
و اگر بنید که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت و غله و نبات زمین بسیار پیدا شود و اگر بنید که سپید
و پاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل آن دیار را نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود و مانی کوید اگر بنید
که هوا از گرد پاک بود و با سختی می جست دلیل که پادشاه بیکانه در آن دیار آید و رنج و محنت برایشان
رساند و اگر بنید که برخی از هوا بر سر شهری یا محلی روشن و صافی گشت و دلیل که در آن سال اهل آن موضع
را نعمت و فراخی و خیر و منفعت رسد و اگر بنید که هوا مختلف بود و دلیل که اهل آن دیار را حال پرکنده شود جعفر صادق رضی الله عنه کوید
دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سوم تندرستی چهارم آسایش پنجم معیشت و این پنج وجه دلیل بر وفای بود
هوا هم بدانکه هوا جنبه کانی زیاده بود ابن سیرین رحمه الله علیه کوید تاویل هوا جنبه کانی باشند بقدر قیمت و صلاح
ایشان باشد زیرا که هر چه فروتر بود دلیلش از علم تبیین دشمن قوی تر بود از جنبه کانی که زیاده دارد

طایفه

همای

هوا

هوا

جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو دیدین ہوام در خواب تہدید باشد کہ باز گشت آن بدشنام و حاسد باز کرد
 ہمیزم ابن سیرین کو دید ہمیزم تر و خشک در خواب جنک و خصومت و سخن چینی بود و اگر بنید کہ ہمیزم
 در خانہ خود آورد دلیل کہ بقدر ہمیزم اورا در آن شہر و خانہ جنک و خصومت بود و اگر بنید کہ کسی بیکانہ ہمیزم
 بد بختید دلیل کہ ویرا بامردم بیکانہ بقدر ہمیزم جنک و خصومت افتد کہانی نہ کوید اگر بنید کہ از ہمیشہ یا از
 صحرای کونہ ہمیزم جمع میکرد دلیل کہ این کس بد کردار و حاسد و سخن چین بود و زود گرفتار شود قولہ تعالیٰ
 حمالة الحطب فی جیدہا جمل من قسید اگر بنید کہ از در خانہ ہمیزم جمع میکرد دلیل کہ ویرا
 محتشان و بزرگان اورا از مودن کنند و سخنامی بی اصل کوید و اگر بنید کہ آن در خانہ ہمیزم ازان
 جمع میکرد و میوہ دار بود دلیل کہ میان بزرگان بزرگ تہمت بود و محتشم باشد فی الجملہ دیدن ہمیزم تر و خشک
 خوب نباشد حرف الیاء پاره در خواب جنسی بود از جنس دست اورا بنی ابن سیرین رد کوید اگر
 مردی بنید کہ پارہ زرین در دست داشت دلیل کہ مروپی بد و رسد و اگر پارہ سیمین داشت دلیل کہ غم و
 اندوہ بومی کمتر رسد و جملہ پیرایہ زنان مروان را نیک نباشد و ازان مروان زمان راطوق و کوشوارہ وغیرہ
 کہ زینت پادشاهی باشد مروان رازن بود و زنان را شوہر بقدر و قیمت آنچه دیدہ باشد و شرح ہر یکی از پیرایہا
 و راول کتاب بیان کردیم یا سحین ابن سیرین کوید اگر بنید کہ دوشی دستہ یا سحین بد و دلیل کہ میان ایشان
 گفتگو افتد و از ہم جدا شوند و اگر زنی بنید کہ یا سحین از دختی بچید و شوہر داد دلیل کہ شوہر اورا طلاق دہد و اگر بنید کہ یا سحین
 بعظام و او دلیل کہ اورا غلام گیرد و درخت یا سحین در خواب زنی توانگر و بدخوی بود و مفلک و حاسد باشد و اگر یا سحین
 خوشبوی بود دلیل کہ آن زن با جود و احسان بود یا فتن ابن سیرین کوید اگر کسی بنید کہ چیزی یافت اگر خداوند
 خواب پارسا و صالح بود دلیل کہ در بیداری چیزی یابد و اگر صالح مستور نبود دلیل کہ اورا غم و اندوہ رسد کہانی
 رحمۃ اللہ علیہ کوید اگر بخواب بنید کہ دو چیز یافت و ہر دو یکجس بود دلیل بر خیر و منفعت بود و حج و عمرہ کند و اگر بنید کہ
 دہ چیز یافت و ہر دہ یکجس بود دلیل بر خیر و منفعت و روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر برین قیاس باشد و اگر
 آنچه یافت از یکجس نباشد تا ویش بد باشد یا فتن کاٹھا ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کوید اگر کسی بخواب بنید کہ
 کوہ کند و کان زیر یافت دلیل کہ بقدر خویش ولایت یابد و اگر بنید کہ مصلح و پارسا بود و اہل دین کہ حق تعالیٰ اورا علم و حکمت
 ارزانی دارد و اگر بنید کہ کان سیم یافت دلیل کہ زنی از بزرگان خواہد کہ با جمال و مال بود و بعضی از معتبران کوید کہ او فرزند
 مبارک پی آید و اگر بنید کہ کان مس یا برنج یافت دلیل کہ اورا بامہتری بد کردار میرحم صحبت افتد و اگر بنید کہ کان از زینہ
 یافت دلیل کہ زنی خوب روی بزنی کند و اگر بنید کہ کان آہن یافت دلیل کہ اورا بامہتری قوی صحبت افتد
 و از روی مال یابد و اگر بنید کہ کان بلور یافت دلیل کہ از پادشاہ یا زن اورا منفعت رسد و اگر بنید کہ کان

بیم

پارہ

سحین

فتن

کاٹھا

زهر چید و ز سر و پاست دلیل که صاحب مال و جاه کرد و اگر بنید که کان یا قوت یافت دلیل که عز و مالش بابت
 کرد و اگر بنید که کان پیروزه یافت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بنید که کان عشیق یافت دلیل
 که از پادشاه نفع یابد و اگر بنید که کان شبه یافت دلیل که با مہتری گفتگو کند و اگر بنید که کان لعل یافت
 دلیل که جاه و حشمت یابد و اگر بنید که کان نوشاد یافت دلیل که اند و کین شود و اگر بنید که کان نمک یافت دلیل
 که از بزرگی منفعت یابد و اگر بنید که کان سحر یابد کان زاک یافت دلیل بر غم داند و بود و اگر بنید که کان
 کل زر و بیافت دلیل که بمار کرد و اگر بنید که کان کل سفید یافت دلیل که با مہتری اور صحبت افتد یا قوت
 ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بنید که یا قوت سرخ یا سبز پاکیزه داشت دلیل که زنی یا کینز کی نیکو اورا
 حاصل آید یا اولاد و ختری خبر وی آید و اگر بنید که یا قوت محبوب داشت دلیل که آن کینز یا آن زن
 که دارد بر وی حرام کرد و کرمانی گوید اگر بنید که یا قوت سبز داشت دلیل که زنی خوب با اصل و نسب بخوابد
 و اگر زن دارد دلیل که فرزندش آید و اگر بنید که یا قوت مغشوش داشت دلیل که فرزندش مفسد بود یا میل
 اشقت کرد گوید اگر بنید که یا قوت سرخ داشت دلیل که زنی توانگر و با جلال بخوابد و اگر بنید که یا قوت سبز
 بود دلیل که زنی پارسا و نیک سیرت بخوابد و اگر بنید که یا قوت زرد داشت دلیل که آن زن بمار کون باشد
 و اگر بنید که یا قوت سفید بود دلیل که زنی و شیر و زبده و مصالح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید یا قوت و خواب
 بر شمش و جو بود یکی مال دوم کینز سوم علم چهارم لیس پنجم دینک ششم دختر و شیرہ یحییٰ عیسیٰ بدانکه میرج را بر و غم
 نیز خوانند و بصورت مردم باشند ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بنید که بر و غم داشت یا کسی بد و او دلیل که بخندت مری
 فرو نماید و ن قدر مشغول کرد و دوازدهی رحمت یابد و اگر بنید که میرج خورد دلیل که از مال مری بدین صفت بخورد
 و بدین میرج و خواب منفعت نباشد و سخن و انبال علیہ السلام گوید ترخ و خواب غم داند و بود خاصه که بوقت خوش
 بنید و اگر بنید که ترخ میخورد دلیل که روزی بسیار یابد مگر آنکه بسیار و بی اندازه بنید بوقت خوش یعنی زیستان و اگر بنید که
 ترخ صافی بخانه میسر و دلیل که بقدر آن مال جمع کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بنید که در تابستان ترخ صافی بود دلیل که مال
 حلال جمع کند و اگر بنید که ترخ تیره و تلخ بود دلیل که مالی جمع کند از حرام بود و اگر بنید که در تابستان ترخ پاکیزه بخواب بنید دلیل که
 عیش خوش گذارد و منفعت از روزگار خود بیند و دل دوستان بروی شاد کرد و جابر مغربی گوید ترخ و سر و سر
 زیستان بخواب بدین دلیل بر خیر و منفعت و ندرستی بود و در گرم سیر دلیل بر غلط و تکی و اندوه بود و بعضی معبران گفته اند ترخ
 و برقی و خواب دیدن در دیار سرد و دلیل بر فراخی نعمت بود و در گرم سیر دلیل بر غلط و اندوه بود و جعفر صادق
 رضی اللہ عنہ فرماید ترخ و خواب بر شمش و جو بود یکی روزی فراخ دوم زنده گانی سوم مال چهارم نرخی از زنان
 پنجم غم داند و ششم غلط و تکی و ششم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن ششم و خواب دلیل بر زنی بی اصل بود و اگر

یا قوت

یا قوت

سخن

یا قوت

ع

ی

ببیند که انجمن ششم داشت یا کسی بوی داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر زن وار و دلیل که او را دختر می
 آید و اگر ببیند که ششم داشت دلیل که از قبل زنان خیر و منفعت یابد چنانکه مبارک و مبارز بود و این سیر
 رحمة الله علیه گوید اگر پادشاه ببیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی ببیند که فاضل
 یکناز و برجست بود دلیل که چشم غالب کرد و اگر بازرگانی ببیند که مبارز شد دلیل که در تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر
 سیاسی ببیند دلیل که توانگر شود و مال یابد قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اذکبوا واسجدوا واعبدوا الله وحده و لا تعجلوا
 النجیر لعلکم تفلحون و اگر ببیند که با کسی مبارزت کرد و بروی غالب آمد دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر ببیند که خشم بروی
 غالب آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که بازنی مبارزت کرد و زن بروی غالب شد دلیل که حالش بد بود و خوار
 مستمند گردد و پیر این سیر رحمة الله علیه گوید یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بروی ظاهر کرد و اگر ببیند که
 با یوز جناب و غیر و میکرد و اگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد که رمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که یوز را گرفت
 دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر ببیند که یوز آن وی بگیرد و دشمن از وی بگیرد و اگر ببیند که یوز آن بسیار
 مطیع وی بودند دلیل که دشمنان او را بون شوند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که گوشت یوز میخورد و دلیل که بقدر
 آن مال دشمن بستاند و بعضی از معبران گفته اند اگر ببیند که یوز را بکشت دلیل که در هیچ خیر و منفعت نباشد و اگر ببیند که یوز بر

کردن نهاد و می برد و دلیل که بار دشمن کشد و اگر ببیند که یوز آن در خانه او بیاورد

موشی با یک میکرد و دلیل که از نسب دشمنان رنج و مضرت یابد بقدر

آنکه دیده باشد و الله اعلم بالصواب

والیه المرجع والمآب والحمد لله اولاً و آخراً

و الصلوة علی نبی محمد و علی آله و

اصحابه اجمعین

تمت

شده

خاتمه الکتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس مگر می راکه بواسطت وحی قطعی انبیا و مرسلین را علیهم السلام امر و نواهی خود رسانیده و صدقاً
 و شهیداً، و اولیاء، خود را بذریعۃ الهام و رویا بمقام از بشارت و نذارت آگاه گردانیده و در و ما محمد و در خاتم النبیین

و شفیع المؤمنین که آیه کریمه لقد صدق الله رسوله الویاء بالحق بیان رویای اوست و برآل و اصحاب
 و اولیاء امت که قانع اند بر شمع از رویائی او **اما بعد** علم تبیین الرؤیا علم نیست شریف نموده و حق آسمانی
 و مفسر الهامات ربانی کاشف رموز عالم مثال پرتوه انوار جلال و جمال و بقایای مبشرات و سرمایه علو
 مقامات ثابت بکتاب الهی جل جلاله و محقق نسبت نبویه علیه الصلوٰه و التحیه کما قال الله تعالی حکایت عن کلام
 یوسف علی نبینا وعلیه السلام و ب قد اتیتنی من الملائک و علمتني من تاویل الاحادیث ای التبیان
 جلالین و در بخاری از حدیث انس آورده که رویای حسن از مرد صالح یکجذوست از چهل شش جزو از
 نبوت و گفته اند که غالب رویای صالحین است و گفته مرد صالح می بیند کاهی اضمناث را و لیکن نادراست
 از جهت قلت تمکین شیطان و در اینجا اشکالیست که بودن رویا جزو نبوت چه منعی دارد و حال آنکه نبوت
 منقطع گشت بوفات نبی علیه السلام و جواب داده اند که اگر از نبی است معلوم پس جزو است از اجزاء نبوت و حقیقه
 و اگر از غیر اوست پس جزو است از اجزاء نبوت بر میل مجاز باعتبار تشبیه رویا به نبوت و نبوت اگر چه منقطع
 شد علم او باقی است و از امام مالک پرسیدند که آیا تبیین کند رویا را هر کس گفت آری بازی میکند به نبوت بعد از آن
 گفت الرویا جزو النبوة مراد وی همان تشبیه رویاست نبوت از جهت اطلاع وی به بعضی از غیوب
 و در حدیث عایشه را دیده ام که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و سلم باقی نمی ماند بقدر از مبشرات مگر رویاها
 و وارد است اینجا که تبیین رویا بمبشرات باعتبار غالب است و الا بعضی منذر هم می باشد و صاحب مواهب
 لدنیه گفت این حرفیست از تعبیرات آنحضرت صلی الله علیه و سلم و آن نمود خوبی است و الا از آنچه منقول از لطایف
 تبیین و غریب تاویل مجلدات حصر آن نتوان کرد چون تامل کنی بدانی که هرگز امشی که داده شد است آن را یکی
 از افراد امت و در علم یا عمل همه از آثار معجزات پیغمبر صلعم و برکات تصدیق و از ثمرات ابتدا و بهدی طریق
 اوست و پر شده است زمین بان از روی صدق و صواب و عجب و عجایب و بحر عباب و اگر استحضار کنی آنچه
 داده شده است با نام ابن سیرین رحمه الله علیه از لطایف تبیین آنچه شایع و ذالعی است و پر شده بان
 اسماع حکم یکی با آنچه داده شده آنحضرت صلعم را از علوم و معارف و چون ابن سیرین رح که یکی از امت است
 نقل کرده شده است از وی در فن تبیین از آنچه خارج از حد حصر است پس از آن حضرت آنچه خواهد بود زاد الله
 فضلا و شرفا و افاض علینا سحاب علومه و معارفه و تعطف علینا بعواطفه و ایضا در مدارج است و مردم
 برین قسم اند مستورا لحال و غالب برایشان استوار صدق و کذب است و فتنه و غالب برایشان
 اضمناث است و نادراست برایشان صدق و کفار صدق ایشان بنایت نادراست و از بعضی کفار
 صادق نیز می افتد چنانکه رویای صاحبی التجن با یوسف علی نبینا وعلیه السلام و رویا ملک ایشان

و غیره و لکن اکمل فی درج النبوت غرض که در کتب صحاح سته و غیره از احادیث صحیح و کتب اخلاق
و سیر که ملاحظه کرده شود تفصیل این فن شریف بطوری مبین است که بر ما هر یک این فن اظهر من الشمس
ابین من الایمان اما مغروران و بیایران چهل مرکب همچو آن گری که در سنگی نهانست زمین و آسمان او نهانست
این علم شریف را که نموده از آن ذکر یافته از قبیل فضائل الاحلام و لغو میدانشند لهذا این نسخه تبرکه
معتبره را که جامع از کلمات اکابر و ائمه ما هر مثل امام همام سیدنا جعفر الصادق علیه السلام و محمد بن
رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و از متاخرین مانند کرمانی و اسمعیل اشعث السجستانی و معتبرین غیرهم
بود با تمام بنده درگاه رحیم قاضی عبد الکریم و قاضی رحمه الله بطلنج فتح الکریم واقع مسموره
بمبئی فی الشارح پانزدهم شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۸۰ هجری مطابق بیت و ششم

ماه مارچ ۱۸۹۱ عیسوی بکمال تصحیح حلیه طبع
پوشید و بید عبد المذنب المسکین رکن الدین

سمت انطباع پذیرفت فی سنه

هزار و سه صد و هشت

هجری نبوی علی صاحبها

الف الف

الصلوة

والسلام

تمت

بالنسخه

تاکم

شد

شده طبع بارشانی این نسخه گرامی
در ربع مکرم فتح الکریم نامی